۱۱۲۱۵
۷۶۴۸-فن
کتابخانه مجلس شورای ملی
کتاب زاد المعاد
مؤلف مجلسی
موضوع
شماره قفسه ۱۴۲۷۸
شماره ثبت کتاب
۷۷۹۶۵
بازدید شد
۱۳۸۴
خطی «فهرست شده»
۱۲۳۷۸

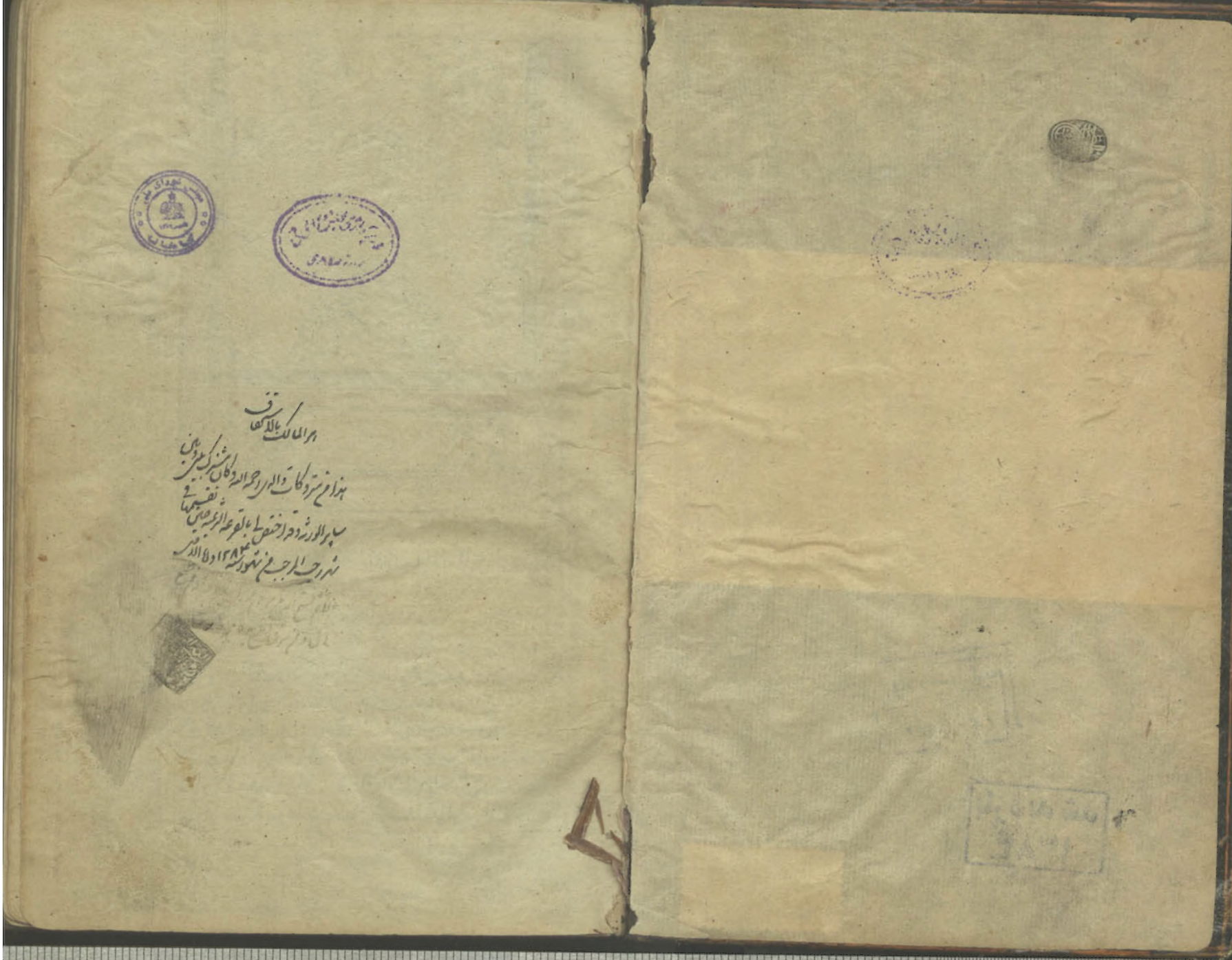

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

الحمد لله الذی جعل العبادة وسیلة لنیل السعادة فی الاخری والاولی

سپاس مرخدایرا که گردانید بندگی را وسیله ازرای رسیدن بخوشی در آنجهان واینجهان

والصلوة علی سیدنا اوریغ وعترته ائمة الهدی بنده خاطی

و درود بر بزرگ علیش و ذریه او که پیشوایان بحقند محمد باقر بن محمد تقی

عفو الله عن جرائمهما بر الواح ارواح سلطانیه برادران ایمانی واخلاص روی

منیکارد که چون جناب تقدس مآبی جل سانه برای هدایت گم

کشتگان بوادی ضلالت طریق صوم وصلوة ودعا وعبادات

که اشرف واقرب طرق نیل سعادتند مقرر گردانیده واز حضرت رسول

خدا وائمه هدی صلوات الله علیه وعلیهم اجمعین ادعیه واعمال

بسیار منقول گردیده که کتب دعا مشحونست از انها واین خادم اخبار ائمه

اطهار صلوات الله الملک الغفار انهارا در کتب بحار الانوار ایراد نموده

واکثر خلق را باعتبار اشتغال بانواع اشتغال دنیویه وغیرها وتحصیل

انها وعمل بجمیع انها میسر نیست خواستیم منتخبی از اعمال سال وفضایل

ایام ولیالی شریفه واعمال انها که باسانید صحیحه ومعتبره وارد شده است

درین رساله ایراد نمایم که عامه خلق از برکات انها محروم نباشند و

شاید این بنده عاصی را بدعای مغفرت یاد نمایند ومثوبتی گردانیدیم ذخیره

المعاد عسی الله ان یهدینا وایاهم الی سبیل الرشاد وچون اتمام این رساله

واختتام این مقاله در زمان دولت عدالت قرین واوان سلطنت سعادت اقتران

اعلاحضرت سریر سلاطین زمان وسرور خوافین دوران شیرازه

اوراق ملک ودین نقاوه اعقاب سید المرسلین اب وارث کلیستان مصطفوی

چشم وچراغ دودمان مرتضوی سلطان بن جم خدم وخاقان فرشته حشم

شجاعت نژادی که تیغ آبدارش برای سرهای کفار بهری است بسوی

دار بوار وحسام آتش بارش برای حرمن جحیم مخالفان ومعاندان مصدو

برسل علیکما سواطع من ازاد دستهای داعیان مزید رفعت شان دارستان

رفیع بنیان شرائف الخضیب همدستان وخرد وش صوفیان صفوت نشان

بزمزمه دعای خلود دولت ابد توامان را عند لیبا اغصان سدرة المنتهی

همداستان گردانیده که تیغ خلاف از نیام کین برکشید چون بید برخود بلرزید و

وهر که چهار اینبه نفاق در برکشید صورت مرگ خود در زاید کوه جبین

قهرش عقده کشای گره های کار بستگان کشادی کف دریا نوالش

سخا منازع امطار بژمردگان موسس قواعد ملک ودین حوض مروج شریعت

پای طاهرین حیاض ساحت درگاه خلایق پناهش از تقبیل شفاه سلاطین

زمان وخوافین دوران در صرح ممرد عزت وحلالش نوزان بندای قد

مسنا الضر انها العزیز اعنی السلطان الاعظم والخاقان الاعدل الاکرم

ملجا الاکاسره وملاذ القیاصره محیی مراسم الشریعة الغراء ومشید قواعد

المملكة البيضاء السلطان ابن السلطان والخاقان ابن الخاقان الشاه سلطان
الحسين الموسوي الحسيني الصفوي بهادرخان لازالت رايات دولته
مرفوعة وهامات اعدائه مقموعة ميسر گردید بحضران بارگاه خلایق امید
گاه گردانیدند امید گه مقبول طبع اشرف گردد وان اعلا حضرت از فوایدان
منتفع گردند بمحمد وآله الطاهرین والله الموفق والمعین وان مشتمل است
بر چهار ده باب وخاتمه باب اول در فضایل اعمال ماه مبارک رجب است و
مشتمل بر پنج فصل است فصل اول در بیان فضایل ایام وعبادات آنست بدانکه
این ماه وماه شعبان وماه رمضان شهرین ماههای سالند واز حضرت رسالت
پناه منقولست که هر گه حرمت ماه رجب وشعبان را بداند ووصل نماید روزه
انها را بروزه مبارک رمضان این ماههای مبارک در روز قیامت کواهان او
باشند نزد سبحانه وتعالی ودر انروز منادی ازافق اعلی ندا کند گه ای رجب
وشعبان ورمضان چگونه بوده است عمل این بنده در شما ها وطاعت او از برای
خدا همه ان ماهها گویند گه این بنده توشه گرفت در ما ها یاری بر طاعت تو
واستمداد فضل از تو نمود وسعی بسیار در طلب خوشنودی تو گرد وتا توانست
اهتمام در تحصیل محبت تو نمود پس گواهی دهند ملایکه گه موگلند بر این ماه ها
گه ما نیافتیم این بنده را مگر در طلب کننده طاعت تو وامیدوار رحمت وامرزش
تو بود وانچه را نهی کرده بودی ترک کرد وانچه از او طلبیده بودی بسوی
انها مسارعت نمود در روزه گه کامل از برای تو داشت وشکم وفرج وگوش و
چشم وسایر جوارح او از انچه بر او حرام گرده بودی اجتناب گردند در روزها
با تشنگی بشب رسانیده وشبها خود را تعب انداخته برای بندگی تو در نصف
بفقراء ومساکین بسیار داد واحسان بسیار نسبت ببرنبدگان تو نمود وبا بر
ماهها مصاحبت نیکو گرفت وچون از انها جدا شد وداع نیکو گرد وبعد
از ان پیرامون محرمات تو نگردید ونیکو بنده بود این بنده پس حضرتعالی فرمائید
گه ببرید این بنده را بسوی بهشت واستقبال کنند او را ملایکه بتحفها و

وگرامتها او را بر شتران واسبان نور سوار کنند وببرند بسوی بهشتی گه هرگز
زوال ندارند وخانه گه فانی نمیشود گه جوانانش پیر نمیشوند وشادی وخوشحالی
ان زوال ندارد وهرگز ایشان را تعب نمیباشد واز عذاب ایمن
میگردند ومشقت حساب از برای ایشان نیست وایضا از انحضرت منقولست
گه ماه رجب ماه بزرگ خداست وماهی در حرمت وفضیلت بان نمیرسد و
قتال با کافران در این ماه حرامست ورجب ماه خداست وماه شعبان ماه
من است وماه رمضان ماه امت من است وکسی گه یک روز از ماه رجب را
روزه دارد مستوجب خوشنودی بزرگ خدا گردد وغضب الهی از او دور گردد
ودری از درهای جهنم بروی او بسته گردد ولبند معتبر از حضرت موسی
بن جعفر علیه السلام منقولست گه هر گه یک روز از ماه رجب روزه دارد آتش
جهنم تا یکسال از او دور گردد وهر گه سه روز از ان ماه روزه دارد بهشت بر
او واجب گردد وایضا فرمود گه رجب نام نهری است در بهشت از شیر سفیدتر
واز عسل شیرین تر هر گه یک روز از رجب را روزه دارد البته از ان نهر بها شامد
ولبند معتبر از حضرت صادق منقولست گه حضرت رسول فرمود گه ماه رجب ماه
استغفار امت من است پس در این ماه بسیار طلب امرزش کنید گه خدا امرزنده و
مهربانست ورجب را اصب میگویند زیرا گه در این ماه رحمت خدا بر امت
بسیار ریخته میشود پس بسیار بگویید استغفر الله واسئله التوبه ولبند معتبر
از حضرت صادق منقولست گه هر گه سه آمرزش معلوم از خدا و در هیچ ماه از روز از ماه
را روزه بدارد بهر روز ثواب روزه یک سال برای او بنویسند وهر گه هفت
روز از را روزه بدارد هفت در جهنم بروی او بسته گردد وهر گه هشت روز
از را روزه بدارد هشت در بهشت بروی او گشوده شود وهر گه پانزده از ان
روزه بدارد خدا حساب او را اسان بکند وهر گه جمیع ماه رجب را روزه بدارد
حقتعالی خوشنودی خود را برای او بنویسد وهر گز او را عذاب نکند و
نابوبره لبند معتبر از سالم روایت کرده است گه گفت رفتم بخدمت حضرت

صادق دُرُد واخر ماه رجب که چند روز از آن مانده بود و چون نظر مبارک
انحضرت بر من افتاد پرسید که ایا روزه گرفته در این ما گفتم نه والله ای
فرزند رسول خدا فرمود انقدر ثواب از تو فوت شده است که قدر آنرا
بغیر از خدا کسی نمیداند بدرستی که این ماهیست که خدا بر ماهای دیگر
فضیلت داده است و حرمت آنرا عظیم گردانیده است و بر او روزه داشتن
آن کرامتی داشتن را بر خود واجب گردانیده است پس گفتم یابن رسول الله
اگر در باقی ماندهٔ این ماه روزه بدارم ایا بعضی از ثواب روزه دران فایت
میگردد فرمود که اسالم هر که یک روز از اخر ماه روزه بدارد خدا او را ایمن گرداند
از سکرات مرگ و از هول بعد از مرگ و از عذاب قبر و هر که دو روز از اخر این ماه
روزه بدارد بر صراط با اسان بگذرد و هر که سه روز از اخر این ماه روزه
بدارد ایمن گردد از ترس روز قیامت و از شدتها و هولهای آن روز و برات
بیزاری آتش جهنم را باو عطا کنند و ایضا از حضرت امیر المومنین روایت کرده
است که هر که یک روز از اول ماه رجب یا اوسط یا از اخر آن روز روزه بدارد کناهان
گذشتهٔ اش امرزیده شود و هر که سه روز از اول یا میان یا اخر ماه رجب
روزه بدارد کناهان گذشته و اینده اش امرزیده شود و هر که یکشب از این
ماه را احیا کند حقتعالی او را از آتش جهنم ازاد گرداند و قبول کند شفاعت
او را هفتاد مرد کناه کار و هر که در این ماه صدقه کند از برای خدا خداوند هفتاد
در بهشت نعمتی چند باو عطا فرماید که چشمی ندیده باشد و کوشی نشنیده
باشد و بر خواطر کسی خطور نکرده باشد و ایضا بسند معتبر از حضرت رضا
روایت کرده است که چون روز قیامت شود منادی از میان عرش ندا کند که
کجایند رجبیون پس گروهی برخیزند که نور از روهای ایشان جمیع اهل محشر
روشن گردانند و تاج پادشاهی بر سر ایشان باشد که مکلل باشد تاج ایشان
بمروارید و با هر یک از ایشان هزار ملک بوده باشد از جانب راست و هزار
ملک از جانب چپ و همه او را اند کنند که کوارا باد تو را کرامتیهای خدا تعالی

برشماره

واحوط در مد صد درم شاه است وظاهر صد درم کفایت کافی باشد و برای
در خصوص روزه ماه مبارک رجب یک کرده نان نیز وارد شده است اگر قادر
بر روزه نباشد وحمل کرده اند بر کسی که پریشان باشد وقادر بر درهم و مد نباشد
وایضا در خصوص روزه ماه رجب از حضرت رسول وارد شده است که بعوض
روزه اگر قادر نباشد هر روز صد مرتبه این تسبیحات را بخواند ثواب روزه
بیابد سُبْحانَ الْاِلٰهِ الْجَلِیلِ سُبْحانَ مَنْ لا یَنْبَغِی التَّسْبِیحُ اِلّا لَهُ سُبْحانَ الْاَعِزِّ الْاَکْرَمِ
پاکست خدای بزرگوار پاکست آنکسیکه سزاوار نیست تسبیح مگر او پاکست آنکه عالیست بزرگوار
سُبْحانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَهُوَ لَهُ اَهْلٌ ودر روایات معتبره وارد شده است که هر که
پاکست آنکه پوشیده جامه عزت را و او سزاوار است همه کمال برادر مؤمن خود وارد شود و قصد روزه
سنت کرده باشد واو طعامی حاضر سازد واو تکلیف ننماید ثواب افطار کرده
زیاده از ثواب روزه داشتن است هفتاد برابر واگر اظهار نکند ثوابش بیشتر است
وبرابر یکسال روزه است وزیارت روزه سنت داشتن بیزخصت شوهر وغلام
وکنیز بی رخصت مالک وفرزند ومهمان داری رخصت مهمان از احادیث و
اخبار ظاهر میشود که خوب نیست ومشهور میان علما انست که روزه سنت
مملوک بدون اذن مالک باطلست وهمچنین روزه سنت بی رخصت شوهر
صحیح نیست ودر پدر ومادر مشهور آنست که روزه سنت فرزند بدون اذن
مکروهست وباطل نیست وبعضی گفته اند بی رخصت پدر باطل است واحوط
انست که بدون اذن پدر ومادر روزه سنت ندارد ودر روزه سنت
مهمان بدون رخصت مهمان دار نیز خلاف است واحوط انست که مهمان ومهمان
دار بی رخصت دیگری روزه ندارند اگرچه اظهر انست که مکروهست

فصل سیم در بیان اعمال هر شب وهر روز است وبسند معتبر از حضرت امام
زین العابدین منقولست که در روز اول ماه رجب باید دعا بخواند وعلما ذکر کرده اند
که در هر روز است خوانده شود دعا یا من یملک حوائج السائلین ویعلم ضمیر الصامتین

ای آنکه مالک است حاجتهای درخواست کنندگان ویداند آنچه را اینان در دل خود پنهان میکنند

لِکُلِّ مَسْئَلَةٍ مِنْکَ سَمْعٌ حاضِرٌ وَجَوابٌ عَتِیدٌ اَللّٰهُمَّ وَمَواعِیدُکَ الصّادِقَةُ
برای هر سوالی که کرده شود از تو شنوائی حاضر وجوابی مهیا خداوندا وعده های تو راست
وَاَیادِیکَ الْفاضِلَةُ وَرَحْمَتُکَ الْواسِعَةُ فَاَسْئَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
و نعمتهای تو بزرگ ورحمت تو فراگیرنده پس درخواهم از تو آنکه درود فرستی بر محمد وآل محمد
وَاَنْ تَقْضِیَ حَوائِجِیَ لِلدُّنْیا وَالْآخِرَةِ اِنَّکَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ وبسند معتبر منقولست
و آنکه برآوری حاجتهای مرا بجهة دنیا وآخرت چونکه تو بر هر چیز توانائی که حضرت صادق در هر روز
از ماه رجب این خطاب را فرمودند
دعا میخواندند
سَیِّدِی اَنْتَ الْغَنِیُّ عَنْ عَبْدِکَ وَحَرِیٌّ اَنْ یَسَعَهُ عَفْوُکَ وَاَنَا الْمُحْتاجُ اِلٰی رَحْمَتِکَ
دعا میخواندند نا امید شدند واز بسیاری گناهان بر غیر تو وزیاد کردند از پیش آمد گناهان بر تو وهیچ چیز
اِلّا بِکَ وَاَنْتَ اَهْلُ التَّقْوٰی وَاَهْلُ الْمَغْفِرَةِ فَاغْفِرْ لِیَ الْیَوْمَ اِنَّکَ اَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ
الا بتو واجب المتحون الا لک من انتجع فضلک بابک مفتوح للراغبین
کرم تو وفضلی فهمند طالبان معروف تو برای درخواست کنندگان واحسان تو گشوده است
وَخَیْرُکَ مَبْذُولٌ لِلطّالِبِینَ وَفَضْلُکَ مُباحٌ لِلسّائِلِینَ وَنَیْلُکَ لِلْآمِلِینَ وَ
وخیر تو بخشیده شده است برای طلب کنندگان واحسان تو حلال کرده شده برای درخواست کنندگان وعطای تو برای آرزومندان
رِزْقُکَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصاکَ وَحِلْمُکَ مُعْتَرِضٌ لِمَنْ ناواکَ عادَتُکَ الْاِحْسانُ
روزی تو پهن کرده برآنکه نافرمانی تو کرده است وحلم تو پیش آمده است مرکسیرا که دشمنی تو عادت تو نیکوکاری است
اِلَی الْمُسِیئِینَ وَسَبِیلُکَ الْاِبْقاءُ عَلَی الْمُعْتَدِینَ اَللّٰهُمَّ فَاهْدِنِی هُدَی الْمُهْتَدِینَ
بسوی بدکاران وطریقه تو مدارا ورحم کردن بر تجاوز کنندگان خداوندا پس هدایت کن مرا براه یافتگان
وَارْزُقْنِی اِجْتِهادَ الْمُجْتَهِدِینَ وَلا تَجْعَلْنِی مِنَ الْغافِلِینَ وَاغْفِرْ لِیَ یَوْمَ الدِّینِ وَاجْ
المبعدین
و روزی کن مرا کوشش کوشش کنندگان ومگردان مرا از بیخبران وبیامرز مرا روز جزا
بسند معتبر منقولست که محمد بن زکوان بخدمت حضرت صادق آمد
عرض کرد که فدای تو شوم اینماه رجب است مرا دعائی تعلیم نما که حق تعالی
مرا بآن نفع بخشد حضرت فرمود که هر که هر روز از ماه رجب در صبح وپیش
بعد از همه نمازها در شب وروز اینند عا بخواند
یا مَنْ رَجْوَهُ لِکُلِّ خَیْرٍ وَامَنُ سَخَطِهِ عِنْدَ کُلِّ شَرٍّ یا مَنْ یُعْطِی الْکَثِیرَ بِالْقَلِیلِ
ای آنکه امید دارم او را برای هر خیر وایمنی از غضب او نزد هر بدی ای آنکه عطا میکند بسیار را در مقابل عمل

کرست است در هر روز از روزهای ماه مبارک رجب اینها را بخواند

اللهم انی اسئلک بالمولودین فی رجب محمد بن علی الثانی وابنه علی بن

خداوندا که من در مجلس امروز تو. حق آن دو فرزند نیکو شده در ماه رجب محمد پسر علی ثانی دوم و پسرش علی بن

محمد بن المنتجب وانقرب بهما الیک خیر القرب یا من الیه المعروف

محمد برگزیده شده و نزدیکی جویم بسبب ایشان نزد تو بهترین نزدیکیها ای آنکه دوست هر طالب

وفیما لدیه رغب سائلک سؤال مقترف مذنب قد اوبقته

که طلب شده و در آنچه نزد اوست رغبت کننده و بسوی او آرزومند تو را سؤال کسیکه گناه جنایتش که هلاک کرده

ذنوبه واوثقته عیوبه فطال علی الخطایا ذنوبه ومن الزلل یا خطوبه لتباک

گناهان او و بسته بندها را عیبهای او و بطول پا بسته شده بر گناهان کوشش او و از مصیبتها خصومت او سوال میکنم

التوبة وحسن الاوبة والنزوع عن الحوبة ومن النار فکاک رقبته والعفو

توبه و بسوی خدا بازگشت و باز ایستادن از گناه را از آتش آزادی گردن او و درگذشتن

عما فی رقبته فانک یا مولای اعظم املة وثقته واسئالک بمسائلک

از آنچه در گردن او سنگین بزرگترین آرزوی و امیدواری و سوال کنم تو را بسوالهای

الشریفة ووسائلک المنیفة ان تغمدنی فی هذا الشهر برحمتک منک

بلند مرتبه تو و وسیله های بارفعت تو ایکه بپوشیده مرا در این ماه به رحمتی از خود

واسعة ونعمة وانعمة ونفس بمارزقتها فانعة الی نزول الحافرة وحل

فراگیرنده و نعمتی باز آرنده و نفسی که روزی کرده آنرا فانع تا فرود آمدن در قبر و رسیدن

الاخرة وما هی الیه صائرة وازحضرت رسول منقولست که در جمیع ماه

آخرت را و آنچه نفس بسوی آن گردنده است رجب تا مداد دویست هفتاد مرتبه بگوید استغفر الله

ربی واتوب الیه پس دست خود را بسوی آسمان بردارد و بگوید اللهم اغفر

وتب علی وابن استغفار در جمیع ایام سال ستاست و هزار خداوندا مباح

و بپذیر برمن فرسودن قل هو الله احد در جمیع ما خواند ثواب بسیار دارد و واجب

است اگر خواهد در یکروز خواند و اگر خواهد هر روز قدری بخواند که در

ماه هزار مرتبه خوانده باشد و ایضا منقولست که هر کس هزار مرتبه لا اله

یا من یعطی من سئله یا من یعطی من لم یسئله ومن لم یعرف تحننا منه ورحمة

ای آنکه عطا می کند آنرا که سوال کند از او ای آنکه عطا میکند آنرا که سوال کند از او و نشناسد او را بجهت معروف و محمود

اعطنی بمسئلتی ایاک جمیع خیر الدنیا وجمیع خیر الاخرة واصرف عنی بمسالتی

عطا کن بسوال کردن من مرا همه خیر دنیا و همه خیر آخرت و گردان از من بسوال

ایاک جمیع شر الدنیا وشر الاخرة فانه غیر منقوص ما اعطیت وزدنی من فضلک

از تو تمام بد دنیا و همه آخرت زیرا که کم نمیکرده آنچه تو عطا فرمایی و زیاد کن مرا از بخشش خود

یا کریم پس حضرت ریش مبارک خود را بدست چپ گرفتند و انگشت سبابه دست

راست خود را بجانب چپ و راست حرکت میدادند و بیندگان میخواندند

یا ذا الجلال والاکرام یا ذا النعماء والجود یا ذا المن والطول حرم شیبتی علی النار

ای خداوند بزرگواری و گرامیداشتن ای خداوند نعمت و بخشش ای خداوند منت و احسان حرام گردان جوانیم را بر آتش

ودست برنداشت از آن تا دیده اش تر شد و شیخ طوسی بسند معتبر روایت

کرده است که حضرت صادق بمعلی بن خنیس گفت که در ماه رجب بیندگان بخوانند

اللهم انی اسئلک صبر الشاکرین لک وعمل الخائفین منک ویقین العابدین لک

خداوندا که من در مجلس امروز تو صبر کنندگان را و کردار ترسندگان از تو و یقین پرستندگان ترا

اللهم انت العلی العظیم وانا عبدک البائس الفقیر وانت الغنی الحمید وانا العبد الذلیل

خداوندا تو بلند مرتبه بزرگ و من بنده بدحال محتاج و تو بسیار نیکو و من بنده خوار

اللهم صل علی محمد وآله وامنن بغناک علی فقری وبحلمک علی جهلی وبقوتک

خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل او و بخشش فرما بدانچه خود بی نیازی بر نیازمندی من و بردباری خود بر نادانی من و بتوانائی خود

علی ضعفی یا قوی یا عزیز اللهم صل علی محمد وآله الاوصیاء المرضیین واکفنی

بر ناتوانی من ای توانا ای عزیز خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل او جانشینهای پسندیده و مرا کفایت کن

ما اهمنی من امر الدنیا والاخرة یا ارحم الراحمین وازروایت سید ابن طاوس

آنچه را غمگین میدارد مرا از امر دنیا و آخرت ای رحیمترین رحم کنندگان ظاهر میشود که این دعا

جامع ترین دعاها است و در همه اوقات میتوان خواند و شیخ طوسی و سید

و دیگران بسندهای معتبر از حضرت صاحب الامر روایت کرده اند

در شب اول ماه رجب و پانزدهم و شب آخر آن غسل کند از کناهان بیرون
آید مانند روزی که از مادر متولد شده باشد و در وقت دیدن ماه دعا
صحیفه کامله را بخواند که بهترین دعاها است و هفت مرتبه سوره حمد را
بخواند تا از درد چشم ایمن گردد و در هر ماهی سنت است و منقول است که چون
ماه رجب را به بینند بگویند اللهم اهله علینا بالامن والایمان والسلامة و
الاسلام ربی وربک الله عزوجل خداوندا طالع گردان این ماه را بر ما با امنی و ایمانی و سلامتی و
اسلام پروردگار من و پروردگار تو خدای عزوجل است و در شب اول و روز اول زیارت حضرت امام حسین
فضیلت بسیار دارد و در حدیث معتبر وارد شده که هر که در روز اول رجب
از حضرت زیارت کند بهشت او را واجب شود البته و احیای شب اول سنت
است و از حضرت صادق منقول است که تا توانی محافظه نمائی برای احیای شب عید
ماه رمضان و شب عید قربان و شب اول محرم و شب عاشورا و شب اول رجب
و شب نیمه شعبان و در این شبها دعا و نماز و تلاوت قرآن بسیار بکن و بسند
معتبر از حضرت امام محمد باقر منقول است که در شب اول رجب بعد از نماز عشا دعا بخوان
اللهم انی اسئلک بانک ملیک وانک علی کل شیء مقتدر وانک ما تشاء
خداوندا که من در بحر جهالتم و تو بهیکه تو یاد میکنی و اینکه تو بر هر چیز توانائی و هیچ چیز نیست که تو نخواهی
من امر یکن اللهم انی اتوجه الیک بنبیک نبی الرحمة صلوات الله علیه
از هر امری بیرون خداوندا که من روی آورده ام بسوی تو بوسیله پیغمبر تو پیغمبر رحمت رحمتهای تو بر او
وآله یا محمد یا رسول الله انی اتوجه الی الله ربی وربک لینجح لی طلبتی اللهم فشفعه
و آل او ای محمد ای رسول خدا که من روی آورده ام بسوی خدا پروردگار من و پروردگار تو تا بکند برآوردن حاجت مرا خداوندا
محمد و بالائمة من اهل بیته انجح طلبتی پس طلب حاجت خود نماید و بیشتر
محمد و بحرمت پیغمبر و اهل بیت او برآور حاجت مرا رکعت نماز وارد شده است هر دو
رکعت بیک سلام و در هر رکعت حمد یکمرتبه سوره قل هو الله احد بخواند
تا از بلاهای دنیا و عذاب آخرت ایمن گردد و شیخ و دیگران سند معتبر
روایت کرده اند که حضرت امام موسی در شب اول ماه رجب بعد از نماز

الا الله در جمیع ماه بگوید صد هزار حسنه برای او نوشته شود و حقتعالی
در بهشت شهری از نور برای او بنا کند و در هر شب از شبهای ماه هزار مرتبه
لا اله الا الله وارد شده است و صد مرتبه این استغفار نیز منقول است
در جمیع ماه اگر چهار صد مرتبه به خواند فضیلت بسیار دارد استغفر الله
الذی لا اله الا هو وحده لا شریک له واتوب الیه واز حضرت امیر علیه السلام منقول است که
گر چه خدا بگواه گرفته باشد یک مرتبه او را و ملائکه مکرم باید المؤمنین منقول است که حضرت
رسول فرمود که هر که در شب یا روز ماه رجب و شعبان و رمضان سه مرتبه
سوره حمد و آیة الکرسی و قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد و قل اعوذ
برب الفلق و قل اعوذ برب الناس بخواند و سه مرتبه بگوید سبحان الله والحمد
لله و لا اله الا الله والله اکبر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم پاک خدا و ستایش
مر خدا را و نیست خدائی بجز خدا و خدا بزرگتر است و نیست حوله و نه توانائی مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ
و سه مرتبه بگوید اللهم صل علی محمد و آله و سه مرتبه بگوید اللهم اغفر
للمؤمنین والمؤمنات و چهار صد مرتبه بگوید استغفر الله واتوب الیه خداوندا بیامرز
مردان و زنان مؤمن و زنان مؤمنه را کناهان او را خدا بیامرزد اگر چه بعدد قطرهای باران و برگ
درختان و کف دریاها باشد و در روز عید حقتعالی او را ندا کند که برخیز
که تو را بخشیدم و بهشت منی و بهر جا که خواهی در بهشت برو و شفاعت صد هزار کس از برادران و خواهران
مؤمن و حضرت فرمودند که اگر در عمری یکبار این را بعمل آورد حقتعالی
بهر جزء از هفتاد هزار حسنه باو عطا کند که هر حسنه از جمیع کوههای دنیا
سنگین تر باشد و هفتصد حاجت او را در وقت بیرون آمدن از قبر روا سازد
و از وقت پرواز کردن نامهای اعمال و نزدیک شدن اعمال در میزان و نزدیک
صراط برا ورد و او را در بهشت عرش خود جای دهد و حسنات او را هفتاد
هزار ملک او را مشایعت کنند تا داخل بهشت شود و باو عطا کند آنچه هیچ
چشمی ندیده باشد و گوشی نشنیده باشد فضل چهارم در بیان فضایل و اعمال شب
و روز اول ست تا روز پانزدهم در شب اول غسل سنت است و منقول است که هر

مردن و هفتصد حاجت او را روا سازد

كرا زنما فارغ منشد ندا بن لك المحمدة ان اطعتك ولك الحجة ان عصيتك
دعا را در سجده منخوانند مرترا پسندم اگر ترا گیرند ترا گیرند الا وزه را
لا صنع لي ولا لغيري في احيائك الا لك يا كائنا قبل كل شيء ويا مكون كل شيء
بنت گردانی مرا و نه غیرا در منکویا تکر جنو ابوجود پیش از هر چیزی ای پدید آورنده هر چیزا
انك على كل شيء قدير اللهم اني اعوذ بك من العدیله عند الموت ومن
بدستی کرتو بر هر چیز توانایی خداوندا کرمن پناه میکیرم بتو از عدیله نزد مردن و از
شر المرجع في القبور ومن الندامة يوم الازفة فاسئلك ان تصلي على محمد و
بدی بازکشت در قبرها و از پشیمانی در روز نزدیک پس درخواستم از تو اینکه درود فرستی بر محمد و
محمد وان تجعل عيشي عيشة نقية وميتتي ميتة سوية ومنقلبي منقلبا كريما
محمد و اینکه کردانی زندکانی مرا زندکانی پاکیزه و مرکم را مردن درست و بازکشت مرا بازکشت کرامی
غير مخز ولا فاضح اللهم صل على محمد وآله الائمة ينابيع الحكمة واولي
که نباشد خوار سازنده و رسوا کننده خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل او که چشمهای دانش و صاحبان
النعمة ومعادن العصمة واعصمني يا رب من كل سوء ولا تاخذني على غرة ولا
نعمت و معدنهای عصمتند و نکاهدار مرا ای پروردکار من از هر بدی و فرا کیر مرا از ناکهان بر
على غفلة ولا تجعل عواقب امري حسرة وارض عني فان معفرتك للظالمين
بر غفلت و کردان آخرهای کردار مرا افسوس و پشیمانی زیرا که آمرزش تو مر ظالمان را
اللهم اعفر لي ما لا يضرك واعطني ما لا ينقصك فانك الوسيع رحمته
خداوندا بیامرز برای من کناهی را که ضرر نمیساند ترا و عطا کن مرا عطیه‌ئی که کم نکند ترا زیرا که تو توانکر و بسیار است رحمت
البديع حكمته اعطني السعة والدعة والامن والصحة والتجوع والقنوع
با نظر است حکمت او ببخش مرا کشادکی و راحت و ایمنی و صحت و کرسنکی و قناعت
والشكر والمعافاة والتقوى والصبر والصدق عليك وعلى اولادك
و سپاسکذاری و عافیت و پرهیزکاری و شکیبائی و راستکوئی بر تو و بر فرزندان تو
والبسر والشكر واعم بذلك يا رب اهلي وولدي واخواني فيك ومن
و شکر کذاری و فراکیر بدان ای پروردکار من اهل مرا و فرزندان مرا و برادران مرا در راه تو و از برای

احببت واحبني وولدت وولدني من المسلمين والمسلمات والمؤمنين والمؤمنات
دوستدارم و دوست دارد مرا و آنرا که زاده است مرا و زاده است مرا از مردان مسلم و زنان مسلمه و مردان مؤمن و زنان مؤمنه
يا رب العالمين وايضا دستور معتبر منقول است كه مستحب است كه بعد از نماز
ای پروردکار جهانیان کفتن از نماز زود تر چنانکه نشسته است اینرا بخواند
الحمد لله الذي لا تنقد خزائنه ولا تخاف منه ربح ان اركتب المعاصي فذلك
سپاس مر خدایرا که نیرسد خزانهای او و نیرسد از وی یافته او زیرا که مرتکب شوم کناهان را بر آن
بقدرته يكرهك انك تقبل التوبة عن عبادك وتعفو عن سيئاتهم وتعلم الذلك
بقدرت او کرهت میدارد ترا که تو قبول میکنی توبه را از بندکان خود و درکذری از بدیهای ایشان و میدانی این را
فانك مجيب لداعيك ومنيله قريب فانا تائب اليك من الخطايا وراغب اليك في
زیرا که تو اجابت کننده مر خواننده خود را و نزدیک پس منم توبه کننده از کناهان و رغبت کننده بسوی تو در
توفير حظي من العطايا يا خالق البرايا يا منقذي من كل شديدة يا مجيري من كل
فراکرفتن بهره من از عطاها ای آفریننده آفریدکان ای رهاننده من از هر سختی ای پناه دهنده از هر
محذور وقني على الشرور واكفني شر عواقب الامور فانك الله تعالى على نعمائك
محذوری نکاه دار مرا بر شرها و دور کن از من بدی عاقبت امورها پس بدرستیکه تو خدای برتر بر نعمتهای
وجزيل عطائك مشكور ولكل خير مكتوب وايضا از حضرت امام علي النقي
و عطای او شکر کرده شده و بر هر نیکی خیر کرده شده است
منقول كه بعد از نماز توانید خواند
يا نور النور يا مدبر الامور يا مجري النجوم يا باعث من في القبور يا كهفي حين تعيير
ای نور هر نور ای روشنی دهنده کارها ای روان کننده ستارکان ای برانکیزنده هر که در کورهاست ای پناه من هنکام
المذاهب وكنزي حين تعرض المكاسب وموئسي حين تحفوني الاباعد وتملني
رفتنها و کنج من هنکامیکه عاجز کند مرا کسبها و همدم من هنکامیکه ستم کنند مرا دورها و خلوت من
الاقارب فصل على محمد اوليائه ومرافقة احبائه في رياضه وسقني بكاسه
نزدیکان بکردان بر محمد دوستان خود و رفیقان دوستان خود در بوستانهای او و آب دهنده من بپیمانه او
من تسنيم حياضه ورافعني بنجاة ورده من ورطة الذنوب الى رتبة التقريب
از کوارندهٔ حوضهای او و بلند کردانند و بهره کردانند از نشیب کوه کناهان بسوی افزونی نزدیکی

وَمُبَدِّلِي بِوَلَايَتِهِ عِزَّةَ الْعَطَايَا مِنْ ذِلَّةِ الْخَطَايَا اَسْاَلُكَ يَا مَوْلَايَ يَا بِالْفَجْرِ
و بدل دهنده بدوستی خود بعزت بخشش خود از خواری کناهان درخواهم از تو ای آقای من بحرمت صبح
وَاللَّيَالِي الْعَشْرِ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ وَاللَّيْلِ اِذَا يَسْرِ وَبِمَا جَرَى بِهِ قَلَمُ الْاَقْدَارِ
و شبهای ده گانه و جفت و طاق و شب هرگاه روان گردد و بآنچه روان شد بآن قلم تقدیرها
بِغَيْرِ كَفٍّ وَلَا اِبْهَامٍ وَبِاسْمَائِكَ الْعِظَامِ وَبِمَحَلِّكَ عَلَى جَمِيعِ الْاَنَامِ عَلَيْهِمْ مِنْكَ اَفْضَلُ
بی انگشت و نه انگشت ابهامی و بنامهای تو که بزرگ و مهمتر است بر همه آدمیان بر آنان از تو فضیلت
السَّلَامِ وَبِمَا اسْتَحْفَظْتَهُمْ مِنْ اَسْمَائِكَ الْكِرَامِ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِمْ وَتَرْحَمَنَا فِي شَهْرِنَا
و درود و بآنچه حفظ نمودی آنها را از نامهای تو که گرامیند آنکه رحمت بفرستی بر آنها و رحمت کنی ما را در
هٰذَا وَمَا بَعْدَهُ مِنَ الشُّهُورِ وَالْاَيَّامِ وَاَنْ تُبَلِّغَنَا شَهْرَ الصِّيَامِ فِي عَامِنَا هٰذَا
اینماه و آنچه پس از آنست از ماهها و روزها و بآنکه برساند ما را بماه روزه در سال ما این
وَفِي كُلِّ عَامٍ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ وَالْمَنِّ الْجَسِيمِ وَعَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ مِنَّا اَفْضَلُ السَّلَامِ
و در هر سال ای خداوند بزرگواری و گرامیداشتن و منت بسیار بزرگ و بر محمد و آل او از ما بهترین درود
وَاَعْمَالٍ وَاَدْعِيَةٍ اِنَّ شَبَ نِسْبَارَاسْتَ وَرُوزَهُ رُوزَ اَوَّلِ فَضِيلَتْ نِسْبَارَادَ
و از حضرت امام محمد باقر منقولست که در روز اول ماه حضرت نوح بکشتی سوار
شد و امر کرد جمیع انس و جن را که با او در کشتی بودند روزه بدارند و هر کدام
روز را روزه بدارد اثر شصت یک سال روزه برای او ثبت کردند و از حضرت امام رضا
منقولست که هر که روز اول ماه رجب را روزه بدارد از برای رغبت در ثواب
بهشت او واجب شود و هر که پنج روز اول ماه را روزه بدارد حضرت
او را قبول فرماید در مانند در مانند ربیعه و مضر که در قبیله عظیم باشند از
قبایل عرب و هر که پنج روز اخر این ماه را روزه بدارد حق تعالی او را از بادشاهان بهشت
گرداند و قبول کند شفاعت او را در حق پدر و مادر و دختر و پسر و برادر و
خواهر و عمو و عمه و خالو و خاله او و در جمیع همسایگان و آشنایان او و هر که
همه مستوجب جهنم شده باشند شیخ طوسی و دیگران از سلمان فارسی
روایت کرده اند که گفت در روز اخر جمادی الثانیه رفتم بخدمت حضرت

رسالت پناه حضرت فرمود که ای سلمان تو از ما اهل بیتی پس فرمود که هر
مؤمن و زن مؤمنه که در ماه رجب بیست رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت یک
مرتبه سوره حمد و سه مرتبه سوره قل هو الله و سه مرتبه سوره قل یا ایها
الکافرون بخواند البته حق تعالی محو کند از نامه اعمال او هر گناهی را که در روز
و بزرگی کرده باشد و خدا عطا کند باو ثواب کسی را که تمام ان ماه را روزه گرفته
باشد و ناسال اینده حق تعالی او را از نمازگذارند کان بشمار اید و در هر روز و زان
ماه ثواب شهیدی از شهیدان چنان برای او با شما بنویسند و بهر روز که در ان
ماه روزه بدارد ثواب عبادت یک سال در نامه عمل او بنویسند و هفتاد هزار بند
از برای او در بهشت بلند کنند و اگر تمام ماه را روزه بدارد خدا او را از اتش
جهنم نجات بدهد و بهشت را از برای او واجب گرداند سلمان جبرئیل
نماز را برای من اورد و گفت این علامتیست میان شما و منافقان زیرا که منافقان
این نماز را نمیکنند گفتم یا رسول الله چگونه این نماز را بکنم و در چه وقت
بجا اورم فرمود که در روز اول ماه رجب ده رکعت بجا می اوری یعنی هر دو
رکعت بیک سلام و در هر رکعت یکمرتبه سوره حمد و سه مرتبه قل هو الله
و سه مرتبه قل یا ایها الکافرون میخوانی و بعد از هر سلام دست بسوی اسمان
بلند کن لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو
و بگو
حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر اللهم لا مانع لما اعطیت ولا
زنده ایست که نمیرد بدست او نیکی و او بر هر چیزی تواناست خدایا
معطی لما منعت ولا ینفع ذا الجد منک الجد پس دستها را بر روی خود میکشی
و در روز پانزدهم ده رکعت نماز
بهمان نحو بجا می اوری و بعد از هر سلام دستها را بسوی اسمان بر میداری و میگوئی
لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو
خدایا

لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر الها واحدا احدا فردا صمدا لم

گوید بدست اوست نیک و او بر هر چیزی تواناست خدای یگانه یکتای بی نیاز فرد

یتخذ صاحبة و لا ولدا پس دستها را بر روی خود میکشی و در روز آخر همان

گوید نیز و او را بر

گونه دعا را ده رکعت باز همچنان نماز میکنی و بعد از هر سلام

میگوئی لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و

و میگوئی

حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین

و نماز آنست که نیز بدست اوست نیک و او بر هر چیزی تواناست و رحمت فرستد خدا بر محمد و آل او پاک

و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم پس دستها را بر روی خود بمال و هر حاجت

حاجت خود را و نماز آنچه برای تو مقدر شده باشد که داری بطلب که البته برآورده است

و حق تعالی میان تو و جهنم هفت خندق فراوان پدید خواهد کرد عرض هر خندقی

مثل آسمان و زمین بوده باشد و بعدد هر رکعتی ثواب هزار هزار رکعت

در نامه عمل تو مینویسند و برات نیز از دخول جهنم و گذشتن بر صراط برای تو مینویسند

و منقول است که هر که در روز جمعه نماز رجب صد مرتبه سوره قل هو الله

احد بخواند حق تعالی در قیامت با او نور روی عطا کند که بآن نور دل اهل محشر

روشن گردد و در حدیث معتبر وارد شده است که حضرت امام محمد باقر در روز

جمعه نماز رجب متولد شده و موجب زیادتی شرف این روز گردیده و در روایتی

وارد شده است ولادت حضرت امام علی النقی در روز دوم نماز رجب

واقع شده و بروایت دیگر در روز سیم نماز رجب واقع شده است و بروایت

ابراهیم بن هاشم وفات از حضرت نیز در روز سیم نماز رجب بوده ابن عیاش

روایت کرده است که ولادت از حضرت در پنجم این ماه واقع شده است و

ولادت امام محمد نقی در دهم این ماه شده است و بعضی از روایات در فضیلت

خصوص وارد شده است و در فضیلت ایام البیض ماه رجب وارد شده

یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم و از بعد معتبر از حضرت امام جعفر

صادق منقول است که حضرت تعالی فضیلت سه ماه را باین امت داده است که شبها

این ها را مانند دیگر بنداده است ماه رجب و ماه شعبان و ماه رمضان و سه شب باین

امت داده است که با منهای دیگر نداده است شب سیزدهم و شب چهاردهم

و شب پانزدهم و سه سوره با این امت داده است که با منهای دیگر نداده است قل

یا ایها الکافرون و سوره تبارک الذی بیده الملک و سوره قل هو الله احد پس هر که جمع کند

میان این سه فضیلت جمیع فضایل این امت را جمع کرده خواهد بود در روز

قیامت چگونه جمع کند فرمود که در شب سیزدهم هر رکعت از این ماه و در رکعت نماز

و در هر رکعت بعد از سوره حمد این سه سوره را بخواند در شب چهاردهم

چهار رکعت نماز بگذارد بعد و سلام و در هر رکعت بعد از حمد این سه

سوره را بخواند که قل یا ایها الکافرون و تبارک و قل هو الله باشد و در شب پانزدهم شش رکعت

نماز او را به سه سلام و در هر رکعت بعد از حمد این سه سوره را بخواند

تا جمیع فضیلت این سه ماه را بیابد و جمیع گناهان او مثل امروز متولد شده از شر

خدا و از حضرت صادق منقول است که هر که ایام بیض ماه رجب را روزه بدارد

حق تعالی هر روزی عبادت یک ساله و روزه یک ساله برای او بنویسد و روزه

قیامت او را در محل ایمنی بازدارد که هیچ بیم و خوف نداشته باشد و مشهور

است که ولادت با سعادت حضرت امیر المؤمنین در کعبه معظمه بوده و

ستر و شصت سال پیش از مبعوث شدن حضرت رسول و علی بن

ابراهیم گفته است که ولادت حضرت امام علی النقی در روز دوشنبه نیمه

رجب بوده در سال دویست و چهار و شب پانزدهم از لیالی البیض

است و غسل در آن شب مستحب و احیاء از عبادت گفته اند فضیلت

بسیار دارد و از حضرت رسول منقول است که در شب نیمه رجب حق تعالی

امر کند ملائکه را که هر کتابی که در نامه اعمال مؤمنان باشد محو کنند و ایضا

از آنحضرت منقول است که هر که روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم رجب را

روزه بدارد و در شبهای آنها مشغول عبادت گردد سایر روزها مکروه نوبه بصوم

و بهر روز کدوزده داشته باشد هفتاد کناه کبیره او مرزیده شود و هفتاد
حاجت او برآورده شود کدوقتیکه از قبر بیرون می‌آید و نزد میزان و نزد صراط
چنان باشد که هفتاد بنده از فرزندان اسمعیل آزاد کرده باشد و شفاعت
او را قبول کنند در حق هفتاد نفر از اهل بیت و خویشان او که مستحق جهنم
شده باشند و بنا کنند از برای او در بهشت فردوس هفتاد هزار شهر و در هر
شهری هفتاد هزار قصر بوده باشد و در هر قصری هزار حوریه باشد و هر
حوریه هفتاد هزار خادم داشته باشد شیخ طوسی علیه الرحمه بسند صحیح
از حضرت صادق روایت کرده است که در شب نصف رجب دوازده رکعت
نماز بجا آورد و در هر رکعتی بعد از سلام با حمد و هر سوره که خواهی و چون فارغ
شوی هر یک از سوره حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو
الله احد و آیه الکرسی را چهار مرتبه سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر
بخواند پس چهار مرتبه میگوید
پاک خدا و سپاس مر خدا را و نیست خدایی مگر خدا و خدا بزرگ
پس میگوید الله الله ربی لا اشرک به شیئا و ما شاء الله و لا قوة الا بالله و در شب
خدا خدا بر دو کار هست نمیکند ایزد تعالی هیچ بنده را مگر خیر او در دنیا و در
زیارت حضرت امام حسین سنت موکده است و بسند صحیح از ابن ابی نصر
منقول است که از حضرت امام رضا سؤال کرد که زیارت حضرت امام حسین
در کدام وقت بهتر است فرمود که در نیمه رجب و نیمه شعبان و در روز
نزدهم نماز سلما نرا باید کرد بکیفیتی که گذشت و بسند معتبر از حضرت
صادق منقول است که حضرت امیر المؤمنین در این روز چهار رکعت نماز
کرد و در سجده‌های خود زاری بسیار نمود و این دعا را خواند پس فرمود که هر که
وغمی مبتلا گردد و این دعا بخواند البته کرب و شدت او زایل میگردد
و این چهار رکعت نماز و سلام میکند و هر سوره که خواهد بخواند دعا اینست
اللهم یا منزل کل خیر و معز المؤمنین انت کهفی حین تعیینی المذاهب و
خواندن این دعا در هر روز دوازده مرتبه هر گونه غم و اندوه که باشد زایل میگردد و

یا ربی خلقنی رحمة بی و قد کنت عن خلقی غنیا و لولا رحمتک لکنت من الهالکین
بوجود آوردی مرا از برای رحمت بر من و حقیقتی تو مرا از آفرینش خود بی‌نیاز و اگر نبود رحمت تو هر آینه بودم از هلاک شدگان
و انت موئیدی بالنصر علی اعدائی و لولا نصرک ایای لکنت من المغضوبین یا
و تو قوت دهنده مرا بیاری دادن خود بر دشمنان من و اگر نبود یاری تو مرا هر آینه بودم از جمله خشم کرده شدگان یا
مرسل الرحمة من معادنها و منشئ البرکة من مواضعها یا من خص نفسه بالتمجید
فرستنده رحمت از معدنهای آن و منشئ برکت از جاهای آن ای آنکه مخصوص گردانید
و الرفعة فاولیاؤه بعزه یتعززون یا من وضعت له الملوک نیر المذلة علی
و بلندی پس دوستان او بعزت عزیز میشوند ای آنکه نهاده شده است برای او ملوک نیر خواری بر
اعناقهم فهم من سطواته خائفون یا سائلک بکینونیتک التی اشتقفتها من کبریائک
گردنهای خود از خشمهای تو کهایشان از سطوت تو ترسانند ای بحق هستی تو که برون آوردی آنرا از بزرگواری تو
و اسئلک بکبریائک التی اشتقفتها من عزتک و اسئلک بعزتک التی اشتقفتها
و بحق بزرگواری تو که برون آوردی آنرا از عزت تو و بحق عزت تو که برون آوردی آنرا
من عرشک فمخلقت بها جمیع خلقک فهم لک مذعنون ان تصلی علی محمد
از عرش تو پس آفریدی بآن همه خلق تو پس ایشان تو را خاضع و منقاد و ایل و مطیع و راغب
و اهل بیته و ان تفعل بی کذا و کذا تقول حاجت خود را و بسیار بگوید اعناقهم
اهل بیت و نصف رجب دعای ام داود است که ابن بابویه و شیخ طوسی
و سید بن طاوس بسندهای معتبر روایت کرده‌اند و برای زیادتی
حاجات و کشف کربات و دفع ظلم ظالمان مجربست و مجمل روایات آنست
که فاطمه مادر داود بن الحسن پسر زاده حسن مجتبی دایه حضرت امام
جعفر صادق بود و شیر داود از حضرت را شیر داده بود و چون محمد بن
عبد الله بن الحسن در مدینه خروج کرد و منصور دوانیقی لشکر فرستاد
او را کشتند و ابراهیم برادر محمد را نیز شهید کردند و عبد الله بن الحسن
و جمعی از سادات حسینی را با غل و زنجیر روانه مدینه نمودند داود نیز در میان
ایشان بود ام داود گفت چون مدتی از حبس او گذشت و از او خبری نیامد

نرسید بپوشنه دعا و تضرع میکردم و از صالحان و نیکان و برادران مومن
واینان نه
زنان
شنید دعای من میکردم و تقصیر نمیکردند و مطلقا اثر استجابت نمی یافتم و
گاهی خبر بمن میرسید که داود را گاشتند و گاهی میگفتند که او را با پسران عم
او در کنیزی عارت گذاشتند و روز بروز مصیبت من عظیم تر و اندوه من بیشتر
میشد تا انکه از غم گداختم و بیمار شدم و از سلامتی او نا امید گردیدم تا انکه روزی
شنیدم که حضرت صادق را علتی عارض شده است بعیادت از حضرت رفتم چون
احوال کرمتم و دعا کردم و خواستم که برگردم حضرت فرمود که از داود چه خبر داری
و من شیر داود را بان حضرت داده بودم چون نام او را شنیدم گریستم و گفتم فدای
تو شوم داود کجا است و در عراق مجوس است و من از سلامتی او قطع امید کرده
و از شما التماس میکنم که او را دعا کنید او برادر رضاعی شما است حضرت فرمود
چرا غافل از دعای ما شما و دعای اجابت و نجاح وان دعا ثبت که درهای
آسمان برای ان گشوده میشود و ملائکه استقبال میکنند خوانده او را و کشاده
میدهند او را باجابت و اند عا ثبتست که از مجیب الدعوات محجوب نمیگردد و
خوانده او را ثوابی نیست بغیر از بهشت ام داود گفت ای فرزند طاهر دین
و ناست کوبان چگونه است ان دعا حضرت فرمود ای مادر داود ما محرم یعنی
ما رجب نزدیک شده است و ان ماهی است مبارک و محترمتر ان عظیم است و
دعاها در ان مستجاب است چون ان ماه را بیابی بسیار دعا کن و بهمه کس
از اینکه از برای او را طلبی و نامسر و عی اید عار ا بخواند که در ثبتی که اید عا
بشیا شر بغی است و مشتمل است بر اسم اعظم خدا که هر که بخواند البته اجابت
میشود و اگر درهای آسمان و زمین همه بسته شود و ابواب را ها حایل باشند میان
تو و حاجت تو چون اید عار ا بخوانی البته حضرت عالی اش امیکرداند رسیدن
تو را بمطلب تو و حاجت تو را بر می اورد و هر که اید عار ا بخواند خدا مستجاب

خطاب

منکرداند خوار کرداند و خازن و اگر همه جن و انس دشمن گردند تو با شند
خداوند قادر کفایت شر ایشان میکند کوزبان ایشان را می بندد و ایشان را
منقاد فرزند تو میگردانند ام داود گفت که حضرت اسید عار ا برای من نوشت
و بخانه برگشتم و چون ماه رجب داخل شد بحضرت خضر علیه السلام توسل نمودم
و در شب شانزدهم نماز شام و خفتن را ادا کردم و اندکی افطار کردم و قلیلی
عبادت کردم و بخواب رفتم در خواب دیدم جمیع ملائکه و پیغمبران و شهدا
و عبادرا که من بر ایشان صلوات فرستاده بودم و حضرت رسول فرمود که
ای مادر داود بشارت باد ترا که ابن جماعت که می بینی همه برادران و پدران
و شفیعان تو اند و از برای تو طلب امرزش میکنند و بشارت میدهند
تو را باینکه حاجت تو بر اورده است پس بشارت باد تو را بامرزش خدا و خوشنودی
خدا و خدا تو را جزای خیر دهد و شاد باش که حضرت عالی فرزند تو را حفظ علیه
و نور میگرداند انشاء الله تعالی ام داود گفت که از خواب بیدار شدم و بعد از
اینقدر زمان که سوار شدن دکوی از عراق بمدینه اید داود بنزد من امد و گفت ای
ام داود در عراق در زندان شیطانی بودم در بند و زنجیر بودم و نا امید
بودم از خلاص شدن چون شب نصف رجب شد در خواب دیدم که بلندیها
زمین پست شد و تو را دیدم که بر روی حصیر نماز خود نشسته بودی و بر در
تو مرکبهای چند بودند که سرهای ایشان در اسمان بود و پاهای ایشان در زمین
و تسبیح و تهلیل خدا میکردند پس یکی از ایشان که از همه خوشتر و خوشبو
تر بود و جامهای نیشابوری در بر داشت و گمان کردم که حضرت رسول خدا
صلی الله علیه و آله است بمن خطاب کرد با من گفت بشارت باد تو را ای فرزند عجوزه صالحه که
حضرت عالی دعای مادر تو را در حق تو مستجاب کرد چون شدار شدم رسولی
منصور در دنبال بنی بدر کرزندان رسیده بطلب من امدند در همان شب مرا
نزد او بردند پس امر کرد که زنجرها را از من برداشتند و ده هزار درهم
که زیاده از هزار تومان بود بمن عطا کرد و خبر آورد که مرا

بر شتر دهواری سوار کند و بنهایت سرعت بمدینه بیاورند و بمن
گفت که من داود را بخدمت حضرت صادق بردم حضرت فرمود که
خلاصی تو آن بود که منصور حضرت امیرالمؤمنین را در خواب دید که
باو فرمود که فرزندها کن فرزند مرا و اگر نکنی نور او در بدن تو نمی ماند زم چون
نظر کرد در بدن خود نور نیافت پس از دهشت بیدار شد و از
خود پشیمان گردید و نوارها کرد و انا کفیناک اعمال شریف ام داود گفت
که حضرت صادق فرمود که در ماه مبارک رجب روز سیزدهم و چهاردهم
و پانزدهم زیارت او بدار که در روز پانزدهم در وقت زوال غسل بکن و در وقت
دیگر نزدیک بزوال غسل بکن و چون زوال معلوم شود پاکیزه ترین جامهای
خود را بپوش و بخانه خلوتی برو و سعی کن که کسی پیش تو نیاید که تو را مشغول
گرداند و با تو سخن بگوید و هشت رکعت نماز زوال را بغسل اول در دو رکوع و سجود
الهاما خوب بغسل اول در دو رکعت نماز ظهر را با آداب و شرایط بغسل اول در و بعد
از نماز فریضه ظهر دو رکعت نماز بکن با هر سوره که خواهی و بعد از آن صد
مرتبه بگو یا قاضی حوائج الطالبین پس هشت رکعت نافله عصر را با آداب
مخاوری و در بعضی از روایات وارد شده است که در هر دو رکعت از نافله
عصر بعد از حمد صد مرتبه سوره قل هو الله احد و یکصد مرتبه سوره انا اعطیناک
الکوثر را بخواند پس نماز عصر را با خشوع بکن و در روایتی وارد شده است که
بر روی حصیر پاکیزه بنشین پس صد مرتبه سوره حمد و صد مرتبه سوره
قل هو الله احد و ده مرتبه آیة الکرسی بخوان پس هر یک از این سوره را یکصد مرتبه
بخوان سوره انعام و بنی اسرائیل و کهف و لقمان و یس و الصافات و حم سجده
و حم عسق و حم دخان و انا فتحنا و تبارک الذی بیده الملک و ن و القلم و اذا الشمس
انشقت تا آخر قرآن و اگر نتوانی این سوره ها را از روی مصحف در وقت بخواندن
بعوض همه هزار مرتبه سوره قل هو الله احد بخوان و شیخ مفید گفته که
اگر هیچ یک از این سوره ها را نتوانی صد مرتبه سوره حمد

و ده مرتبه آیة الکرسی و هزار مرتبه سوره قل هو الله احد بخوان و این خبر
است و در روایت دیگر وارد شده است که بعد از حمد صد مرتبه بگویند
سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و بعد از آیة الکرسی صد مرتبه بگویند
[illegible] اللهم صل علی محمد و آل محمد
و اگر آیة الکرسی را بسیار درشت نتواند بخواند صد مرتبه [illegible]
سوره حمد و هزار مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند پس سر بغار ببرد و آیة الکرسی
را بهمراه کرده با هم فهما خالدون بخواند دعا بدینسان بسم الله الرحمن الرحیم
صدق الله العظیم الذی لا اله الا هو الحی القیوم ذو الجلال و الاکرام الرحمن
[illegible] بگوید
الرحیم الحلیم الکریم الذی لیس کمثله شیء و هو السمیع البصیر العلیم الخبیر
[illegible]
شهد الله انه لا اله الا هو و الملائکة و اولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو
[illegible]
العزیز الحکیم و بلغت رسله الکرام و انا علی ذلک من الشاهدین اللهم لک
[illegible]
الحمد و لک المجد و لک العز و لک الفخر و لک الحمد و لک التمجید و لک العظمة و
[illegible]
و لک الرحمة و لک الهیبة و لک السلطان و لک البهاء و لک الامر و لک
[illegible]
التسبیح و لک التقدیس و لک التهلیل و لک التکبیر و لک ما برئ و لک
[illegible]
لا برئ و لک ما فوق السموات العلی و لک ما تحت الثری و لک الارضون
[illegible]
لک السفلی و لک الاخر و الاولی و لک ما ارضی به من الثناء و الحمد و الشکر
[illegible]

وَالنُّعْمَا وَاللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى جَبْرَئِيلَ اَمِينِكَ عَلٰى وَحْيِكَ وَالْقَوِيِّ عَلٰى اَمْرِكَ

وَالْمُطَاعِ فِي سَمٰوَاتِكَ وَمَثَالِ كَرَامَاتِكَ الْمُتَحَمِّلِ لِكَلِمَاتِكَ النَّاصِرِ لِاَنْبِيَائِكَ الْمُؤَدِّي

لِاَعْذَائِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مِيكَائِيلَ مَلَكِ رَحْمَتِكَ وَالْمُخَوَّفِ لِاَهْلِ

الْمَعَاصِي لِاَهْلِ طَاعَتِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى اِسْرَافِيلَ حَامِلِ عَرْشِكَ وَصَاحِبِ

الصُّوَرِ الْمُنْتَظِرِ الْوَجِلِ الْمُشْفِقِ مِنْ خِيفَتِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى عِزْرَائِيلَ قَابِضِ

اَرْوَاحِ خَلْقِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى حَمَلَةِ الْعَرْشِ الطَّاهِرِينَ وَعَلٰى مَلَائِكَةِ اَهْلِ الدُّنْيَا

النَّامِينَ عَلٰى دُعَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَعَلَى السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَرَةِ الطَّيِّبِينَ وَعَلٰى

مَلَائِكَتِكَ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ وَعَلٰى مَلَائِكَةِ الْجِنَانِ وَخَزَنَةِ النِّيرَانِ وَمَلَكِ

الْمَوْتِ وَالْاَعْوَانِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى اَنْبِيَائِكَ آدَمَ بَدِيعِ فِطْرَتِكَ

الَّتِي كَرَّمْتَهُ بِتَسْجِيدِ مَلَائِكَتِكَ وَاَسْجَنْتَهُ جَنَّتَكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى اِدْرِيسَ الَّذِي

رَفَعْتَهُ اِلٰى مَحَلِّ رَفِيعِ وَمَنْزِلٍ مُنِيعٍ وَعَلٰى نُوحٍ الَّذِي اَجَبْتَ دَعْوَتَهُ وَنَجَّيْتَهُ

وَمَنْ اَطَاعَكَ مِنَ الْوَحْشِ الْمُصْطَفَيْنَ مِنَ الْاَنِيسِ الْمُفَضَّلَةِ مِنَ الْاَنِيسِ الْمُنْفَرِدَةِ بَيْنَ مَحَالِّ

الْقُدْسِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى هَابِيلَ وَشِيثٍ وَاِدْرِيسَ وَنُوحٍ وَهُودٍ وَصَالِحٍ

وَاِبْرَاهِيمَ وَاِسْمٰعِيلَ وَاِسْحٰقَ وَيَعْقُوبَ وَيُوسُفَ وَالْاَسْبَاطِ وَلُوطٍ وَشُعَيْبٍ

وَاَيُّوبَ وَمُوسٰى وَهٰرُونَ وَيُوشَعَ وَفَيْشَا وَالْخَضِرِ وَذِي الْقَرْنَيْنِ وَيُونُسَ وَالْيَاسَ

وَالْيَسَعِ وَذِي الْكِفْلِ وَطَالُوتَ وَدَاوُدَ وَسُلَيْمٰنَ وَذَكَرِيَّا وَشَمْعُونَ وَيَحْيٰى وَعِيسٰى

وَمُوسٰى وَاَرْمِيَا وَحَبَقُوقَ وَدَانِيَالَ وَعُزَيْرٍ وَعِيسٰى وَشَمْعُونَ وَجِرْجِيسَ وَالْحَوَارِيِّينَ

وَالْاَتْبَاعِ وَخَالِدٍ وَحَنْظَلَةَ وَلُقْمَانَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا

وَاٰلَ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَرَحِمْتَ عَلٰى اِبْرَاهِيمَ وَاٰلِ

اِبْرَاهِيمَ اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْاَوْصِيَاءِ وَالشُّهَدَاءِ وَاَئِمَّةِ الْهُدٰى

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْاَوْتَادِ وَالسُّعَدَاءِ وَالْمُخْلَصِينَ وَالزُّهَّادِ وَاَهْلِ الْجِدِّ وَالْاِجْتِهَادِ

وَالْاِخْبَاتِ وَاخْصُصْ مُحَمَّدًا وَاَهْلَ بَيْتِهِ بِاَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَاَجْزَلِ كَرَامَاتِكَ وَبَلِّغْ

رُوحَهُ وَجَسَدَهُ مِنِّي تَحِيَّةً وَسَلَامًا وَاَوْزِدْهُ فَضْلًا وَشَرَفًا وَكَرَمًا حَتّٰى تُبَلِّغَهُ اَعْلَى

دَرَجَاتِ اَهْلِ الشَّرَفِ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْاَفَاضِلِ الْمُقَرَّبِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

عَلٰى مَنْ سَمَّيْتُ وَمَنْ لَمْ اُسَمِّ مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَاَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَاَهْلِ طَاعَتِكَ

وَاوْصِلْ صَلَوَاتِي اللَّهُمَّ وَإِلَى أَرْوَاحِهِمْ وَاجْعَلْهُمْ إِخْوَانِي فِيكَ وَأَعْوَانِي عَلَى دُعَائِكَ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَيْكَ وَبِكَرَمِكَ إِلَى كَرَمِكَ وَبِجُودِكَ إِلَى جُودِكَ وَبِرَحْمَتِكَ

إِلَى رَحْمَتِكَ وَبِأَهْلِ طَاعَتِكَ وَأَتَسَلَّلُكَ اللَّهُمَّ بِكُلِّ مَا سَأَلَكَ بِهِ أَحَدٌ مِنْهُمْ مِنْ

مُسْتَيْقِلٌ شَرِيفٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ وَبِمَا دَعَوْكَ بِهِ مِنْ دَعْوَةٍ مُجَابَةٍ غَيْرِ مُخَيَّبَةٍ يَا أَللَّهُ

يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ يَا حَلِيمُ يَا كَرِيمُ يَا عَظِيمُ يَا جَلِيلُ يَا مُنِيلُ يَا جَمِيلُ يَا كَفِيلُ يَا وَكِيلُ يَا نَصِيرُ

يَا خَبِيرُ يَا مُبِينُ يَا مُغِيثُ يَا مُنِيعُ يَا مُبْدِئُ يَا مُحْيِي يَا كَبِيرُ يَا مُقْتَدِرُ يَا بَصِيرُ يَا شَكُورُ يَا

يَا ظَهِيرُ يَا ظَاهِرُ يَا قَاهِرُ يَا بَاطِنُ يَا سَاتِرُ يَا مُحِيطُ يَا مُقْتَدِرُ يَا حَفِيظُ يَا

فَتَّاحُ يَا قَرِيبُ يَا وَدُودُ يَا مَجِيدُ يَا حَمِيدُ يَا مُبْدِئُ يَا مُعِيدُ يَا شَهِيدُ يَا مُحْسِنُ يَا

مُجْمِلُ يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ يَا قَابِضُ يَا بَاسِطُ يَا هَادِي يَا مُرْشِدُ يَا مُسَدِّدُ يَا مُعْطِي

يَا مَانِعُ يَا دَافِعُ يَا رَافِعُ يَا بَاقِي يَا وَافِي يَا خَلَّاقُ يَا وَهَّابُ يَا تَوَّابُ يَا فَتَّاحُ يَا

يَا مُرْتَاحُ يَا مَنْ بِيَدِهِ كُلُّ مِفْتَاحٍ يَا نَفَّاعُ يَا رَؤُفُ يَا عَطُوفُ يَا كَافِي يَا شَافِي يَا مُعَافِي

يَا مَكَّانُ يَا وَفِيُّ يَا مُهَيْمِنُ يَا عَزِيزُ يَا جَبَّارُ يَا مُتَكَبِّرُ يَا سَلَامُ يَا مُؤْمِنُ يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ

يَا نُورُ يَا مُدَبِّرُ يَا فَرْدُ يَا وِتْرُ يَا قُدُّوسُ يَا نَاصِرُ يَا مُونِسُ يَا بَاعِثُ يَا وَارِثُ يَا عَالِمُ

يَا سَاكِنُ يَا هَادِي يَا بَاقِي يَا مُتَعَالِي يَا مُصَوِّرُ يَا مُسَلِّمُ يَا مُنِيبُ يَا قَائِمُ يَا دَائِمُ يَا

عَلِيمُ يَا حَكِيمُ يَا جَوَادُ يَا بَارِئُ يَا بَارُّ يَا سَاتِرُ يَا عَدْلُ يَا فَاضِلُ يَا دَيَّانُ يَا مَنَّانُ يَا

يَا سَمِيعُ يَا بَدِيعُ يَا حَفِيظُ يَا مُغِيثُ يَا نَاصِرُ يَا غَافِرُ يَا قَدِيمُ يَا مُسَهِّلُ يَا مُجِيبُ يَا

يَا مُحْيِي يَا نَافِعُ يَا رَازِقُ يَا مُقْتَدِرُ يَا مُسَبِّبُ يَا مُغْنِي يَا مُغْنِي يَا خَالِقُ يَا بَارِئُ

يَا وَاجِدُ يَا حَاضِرُ يَا جَابِرُ يَا حَافِظُ يَا شَدِيدُ يَا غَيَّاثُ يَا عَائِدُ يَا فَاتِحُ يَا مُبِينُ يَا

يَا مُجِيبُ يَا مُتَفَضِّلُ يَا مُنْتَجِبُ يَا عَادِلُ يَا بَصِيرُ يَا مُؤَمِّلُ يَا مُسَدِّدُ يَا أَوَّابُ يَا وَافِي

يَا رَاشِدُ يَا مَلِكُ يَا رَبُّ يَا مُذِلُّ يَا مُعِزُّ يَا مَاجِدُ يَا رَازِقُ يَا وَلِيُّ يَا فَاضِلُ يَا سَخِيُّ

يَا مَنْ عَلَى فَاسْتَعْلَى مَكَانًا بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى يَا مَنْ قَرُبَ فَدَنَى وَبَعُدَ فَنَاءَ وَعَلَا

وَأَخْفَى يَا مَنْ أَلَانَ لَدَيْهِ وَلَهُ الْمَقَادِيرَ يَا مَنِ الْعَسِيرُ عَلَيْهِ سَهْلٌ يَسِيرٌ وَيَا مَنْ

هَوِّنْ مَا أَنَا فِيهِ يَا مُدَبِّرًا يَا مُرْسِلَ الرِّيَاحِ يَا فَالِقَ الْإِصْبَاحِ يَا بَاعِثَ الْأَرْوَاحِ يَا ذَا

الْجُودِ وَالسَّمَاحِ يَا رَاحَةَ مَنْ لَا رَاحَةَ لَهُ يَا مُنِيرَ الْأَفْرَاحِ يَا جَامِعَ الشَّتَاتِ يَا رَادَّ

من شاء بعزه حيا وياقاعلا من شاء كيف شاء يا ذا الجلال والاكرام يا
يا قيوم يا حي حين لا حي يا محيي الموتى يا حي لا اله الا انت بديع السموات
والارض يا الهي وسيدي صل على محمد وال محمد وبارك على محمد وال محمد كما
صليت وباركت ورحمت وتحننت على ابراهيم وال ابراهيم انك حميد مجيد
وارحم ذلي وفاقتي وفقري وانفرادي ووحدتي وخضوعي بين يديك و
اعتمادي عليك وتضرعي اليك دعوك دعاء الخاضع الذليل الخاشع الخا
المشفق البائس المهين الحقير الخائف الفقير العائذ المستجير المقر المسيء
المسكين لربه دعاء من استكانت رقبته وذلت لك نفسه وعظمت فيك حيلته
دعاء من ضعف بدنه ومهما يائس مسكين يك مستجير اللهم واسالك
يا ملك وانك ما تشاء فيكون من امر يكن وانك على ما تشاء قدير وانك
تحرم به هذا الشهر الحرام والبيت الحرام والبلد الحرام والركن والمقام و
المشاعر العظام وبحق نبيك محمد عليه وآله السلام يا من وهب لا

وبگو اللهم لك سجدت وبك امنت فارحم ذلي ووفقني واجبها دعائي وانصرني
ومنكبتي ووفقني اليك يا رب پس حضرت فرمود كه سعي كن كه آب از ديده
بيرون آيد اگرچه بقدر سر مگسي بوده باشد كه آن علامت اجابت دعاست
ودر رواياتي ديگر وارد شده اللهم لك سجدت وبك امنت فارحم ذلي و
است كه در سجده اين دعا بخواند
خضوعي بين يديك ووفقني ووفقني اليك وارحم انفرادي وخشوعي
واجبها دعائي بين يديك وتوكلي عليك اللهم بك استفتح وبك استنجح
عبدك ورسولك واليه اتوجه اليك اللهم سهل لي كل حزن ونه وذلل لي
كل صعوبة واعطني من الخير اكثر مما ارجو واوفر مما اخشى من الشر واصرف عني الف
وبرواياتي ديگر صد مرتبه بگويد يا قاضي حوائج الطالبين اقض حاجتي و
بلطفك يا اخي الالطاف وديگر وارد شده است كه ماه رجب ماه خداوند
عرض كرد كه اي پسنديده من اين دعا را و غير ما ميتوان خواند حضرت
فرمود بلي در روز عرفه ميتوان خواند واگر موافق افتد كه در روز جمعه واقع
فارغ نميشود مگر آنكه خدا مي امرزد او را و در هر ماه كه باشد اگر ايام البيض
اينماه را روزه بدارد و در روز پانزدهم اين دعا را بخواند بمجرد كه ذكر كرده
حاجتش روا كرده ميشود و برواياتي ديگر وارد است كه حضرت فرمود كه در روز
عرفه و هر روز كه اين دعا را بخواند گر او كرده ميشود مواظبت او بر اين احاديث
ظاهر ميشود كه در هر ماه كه ايام البيض را يعني سيزدهم و چهاردهم و پا

و پانزدهم را روزه بدارد و در روز پانزدهم اين عمل را بجا آورد مطلوب فايز
و در روز بيست و دوم در روز عرفه و جمعه و ساير ايام متبركه نيز اين عمل را بتاخير بدون
روزه بعمل آورد خوب باشد و اگر در غير اشهر حرم كه ذي القعده و ذي الحجه
و محرم و ماه رجب است اين دعا را بخواند بجاي محرمه هذا الشهر الحرام بگويد بجز
الشهر الحرام و هذا را بايد دانست كه مهيز باشد فصل پنجم در بيان فضايل و اعمال
نصف شعبان ماه رجب است شيخ طوسي و ديگران رحمه الله عليهم گفته اند كه
در روز هجدهم ايشان ابن اهتم پيغمبر رسول خدا از دنيا رفت پس حزن و اندوه
و لعن بر انها كرد زيرا كه مصيبت شهادت كردن امام است خصوصا غائله عليه
اللعنه و ابن عباس كه يكي از محدثان شيعه است گفته است كه حضرت فاطمه
زهرا در روز بيست و يكم ماه رجب بعالم قدس ارتحال نموده اگرچه خلاف
مشهور است اما لعن بر قاتلان و ظالمان ان جگر گوشه حضرت رسالت كه عمل
ايشان عمر بن الخطاب عليه اللعنه و العذاب است و زيارت ان حضرت انسب لها
مناسب است بنحوي كه مذكور خواهد شد ان شاء الله و شيخ مفيد گفته است
كه در روز بيست و دويم ايشان معاويه عليه اللعنه بجهنم واصل شد و
مستحب است كه ايام روز را روزه دارند و شكر اين نعمت و در روز بيست و
سيم ايشان خارجيان خنجر زهر آلود بر ران مبارك حضرت امام حسن مجتبي
زدند و زيارت ان حضرت و لعن بر ظالمان و قاتلان ان حضرت مناسب است
و در روز بيست و پنجم ايشان فتح خيبر بر دست معجز نماي اسد الله الغالب
علي بن ابي طالب جاري شد و مرحب يهودي بر دست ان حضرت كشته شد
گفته اند روزه ان روز و شكر اين نعمت و زيارت ان حضرت مستحب است و شيخ
عليه الرحمه ذكر كرده است كه شهادت حضرت امام موسي كاظم در روز بيست و
پنجم ماه رجب واقع شده اما احاديث بسيار در فضيلت اين روز و ثواب روزه ان
وارد شده است و روايتي نقل كرده اند از ابن بابويه و غير او كه حضرت رسول هم
بيست و پنجم رجب مبعوث برسالت شد و اين مخالف مشهور و احاديث بسيار

که بعد از این مذکور خواهد شد تا مادر فضیلت روزه اش شکی نیست یعنی
از حضرت امیر المؤمنین منقولست که روزه اش کفاره گناه دویست سال است
و بسند دیگر معتبر از حضرت امام رضا مرویست که هر که روز بیست پنجم ماه
رجب را روزه بدارد حق تعالی روزه او را کفاره هفتاد سال گناه گرداند و
از ان حضرت منقولست که هر که روز بیست و ششم ماه رجب را روزه بدارد
حق تعالی روزه او را کفاره هشتاد سال گناه گرداند و روز بیست و هفتم را نیز
از جمله اعیاد عظیمه است و در روز بیست که حضرت رسول در این روز برسالت
مبعوث گردید وجبرئیل به پیغمبری بر آن حضرت نازل شد و شبش شب بیداری
است و بسند های معتبر از حضرت امام محمد تقی منقولست که در روز
رجب شبی هست که بهتر است از برای مردم از انچه آفتاب بر ان طلوع کند و شب
بیست و هفتم این ماه است و در صبح از شب حضرت رسول برسالت مبعوث شد
و کسی که عبادت این شب را مثل بر شصت سال عبادت باو عطا میفرماید
پرسیدند که عمل آن شب چیست فرمود که چون نماز خفتن کردی بخواب و هم
وقت از شب که بیدار شوی خواه پیش از نصف شب و خواه بعد از ان برخیز
و دوازده رکعت نماز بکن و بعد از هر دو رکعت سلام بگو و در هر رکعت بعد
از حمد بیست بار سوره های کوتاه بعد از آن یکی را بخوان و چون از همه فارغ
شوی چنانکه نشسته سوره حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس
و قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون و آیة الکرسی هر یک را هفت مرتبه بخوان الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک
پس این دعا را بخوان دعا اینست

فی الملک ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا اللهم انی اسالک جمیعا فی
عرشک علی ارکان عرشک ومنتهی الرحمة من کتابک وباسمک الاعظم الاعظم الاعظم

وبکلماتک التامات کلها ان تصلی علی محمد وآل محمد وان
تفعل بی ما انت اهله پس هر حاجت که خواهی بطلب که هر چیز بطلبی میسر شود
جمعی از مؤمنان را طلب کنی و روزش را روزه بدار که از برای تو حسنات میشود
برون بکمال و بسند معتبر دیگر از حضرت موسی بن جعفر منقولست که در شب
بیست و هفتم رجب هر وقت شب که باشد دوازده رکعت نماز بجا آور و در هر
رکعت بعد از سوره حمد یکبار سوره قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس
و قل هو الله احد بخوان و چون از دوازده رکعت فارغ شوی در هر سه مکان بجا
میگو لا اله الا الله والله اکبر والحمد لله وسبحان الله ولا حول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم پس هر حاجت که خواهی بطلب مواظبت کن بر یکی از این دو روایت
که عمل کند خوب است و اگر هر دو را بکند بهتر است و اگر نماز
شب نصف رجب را بکند بسیار خوب است و در این شب نیز بجا آورند و در
دو ان روایت وارد شده است که در این شب باید که شیخ طوسی
گفته است که غسل در این شب مستحب است و زیارت حضرت رسول و امیر
المؤمنین صلوات الله علیهما در این شب مناسب است و ایضا دعائی وارد
شده است که این اللهم انی اسئلک بالتجلی الاعظم فی هذه اللیلة من الشهر
المعظم والرسل المکرم ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تفعل بنا ما انت اهله
اهل یا من لا یعلم ما هو اللهم بارک لنا فی لیلتنا هذه التی شرفتها بالرسالة فضلتها
وبکرامتک التی اجللتها وبالمحل الشریف طلعتها اللهم فانا نسالک بالمعجز

الشريف والسيد اللطيف والعنصر العضيف ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل

اعمالنا في هذه الليلة وفي ساير الليالي مقبولة وذنوبنا مغفورة وحسناتنا

مشكورة وسيئاتنا مستورة وقلوبنا بحسن القول مسرورة وارزاقنا مدرة

يا ميسر المعسور يا مسبب الاسباب يا مفتح الابواب يا مقيل العثرات

الرغبة والدعاء اللهم صل على محمد وآله واجعل اليقين في قلبي و

النور في بصري والنصيحة في صدري وذكرك في الليل والنهار على

ورزقا واسعا غير ممنون ولا مخطور فارزقني وبارك لي فيما رزقتني واجعل

عناي في نفسي ورغبتي فيما عندك برحمتك يا أرحم الراحمين ثم تحمد

وبكو الحمد لله الذي هدانا لمعرفته وخصنا بولايته ووفقنا لطاعته

پس بكو شكرا شكرا صد مرتبه پس سر از سجده بردار وبكو اللهم إني

بحاجتي واعتمدت عليك فيما سئلتني وتوجهت إليك بنبيك وساداتي اللهم

انفعنا بحبهم وأوردنا موردهم وارزقنا مرافقتهم وادخلنا الجنة في زمرتهم

برحمتك يا أرحم الراحمين ودر روز بيست وهفتم غسل سنت است وروز

حضرت صادق منقولست كه روزه اش برابر است با روزه هفتاد سال

وبروايت ديگر شصت سال وايضا منقولست از حضرت صادق سوال

كرد كه ايا غير عيدهاي مشهور عيدي هست حضرت فرمود بلي بيست

وفاضلترهمه روزيست كه حضرت رسول برسالت مبعوث گردانيده است

وان بيست وهفتم ماه رجب است بايد كه روزه بداري وصلوات بر محمد

وآل محمد بسيار بفرستي وزيارت حضرت رسول وحضرت امير المؤمنين

روز منقولست ونماز اين روز بطريق مخالفه وارد شده است واكر كسي

كه پيش از زوال نايد كردواز اكثر احاديث ظاهر ميشود كه در هر وقت روز كه

بكند خوب است وبسنديده معتبر از زبان بن الصلت منقولست كه چون حضرت

امام محمد تقي به بغداد تشريف آوردند در روز نصف رجب روز شنبه و

هفتم روزه داشتند وجميع ملازمان واصحاب خود را فرمودند كه اين روز را

روزه بدارند ودر هر ركعت دوازده ركعت نماز بكنند يعني هر دو ركعت يك

سلام وهر ركعت را بالحمد وهر سوره كه خواهند بخوانند وچون از همه فارغ

شوند سوره حمد وقل هو الله احد وقل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس

هر يك را چهار مرتبه بخوانند پس چهار مرتبه بكويند لا إله إلا الله والله اكبر

وسبحان الله والحمد لله ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم پس چهار مرتبه بكويند

الله الله لا اشرك به شيئا پس چهار مرتبه بكويند لا اشرك برني احدا وبسند

الامر منقولست كه در اين روز روزه دارد ركعت نماز بجا آورد ودر هر ركعت

بعد از حمد هر سوره كه ميسر شود بخواني وبعد از هر دو ركعت سلام بكوئي

وبسند ديگر الحمد لله الذي لم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن له ولي

وَعَفِّ وَاعْفُ عَنِّي وَاصْفَحْ عَنْ جُرْمِي وَتَجَاوَزْ عَنْ سَيِّئَاتِي فِي أَضْعَافِ

وَعْدَ الصَّيْدِ فِي الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ وَحِينَ أَرَمْتَ وَدَعَا فَارْغَ شَوْقِي

هَرَبِكَ وَاهْفُفْ مَرْبُوبَكَ مِنْ حَوَالَيْ كَيْ هَفِيفَ مَرْبُوبِهِ مِيكَوئِي لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ

أَكْبَرُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ كَيْ هَفِيفَ مَرْبُوبِهِ مِيكَوئِي

أَنْجِزْ حَوَائِجِي أَرْجُوكَ بِطَلَبٍ وَبِسَنَدٍ مُعْتَبَرٍ أَرْجُوكَ

مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْقُولَسْتْ كَرْسْتَنْ آسْتَانِيدْ عَارَادْ وَزْ مَعْبَتْ خُو

يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ وَالتَّجَاوُزِ وَوَصَّى مِنْ نَفْسِهِ الْعَفْوَ وَالتَّجَاوُزَ يَا مَنْ عَفَى وَتَجَاوَزَ وَاعْفُ

عَفَى وَتَجَاوَزَ يَا كَرِيمُ اللَّهُمَّ وَقَدْ كَدَّتِ الطَّلَبُ وَاعْتَنَتِ الْحِيلَةُ وَالْمَذْهَبُ وَ

دَرَسَتِ الْآمَالُ وَانْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ اللَّهُمَّ

إِنِّي أَجِدُ سُبُلَ الْمَطَالِبِ إِلَيْكَ مُشْرَعَةً وَمَنَاهِلَ الرَّجَاءِ لَدَيْكَ مُتْرَعَةً وَأَبْوَ

الدُّعَاءِ لِمَنْ دَعَاكَ مُفَتَّحَةً وَالْاِسْتِعَانَةَ لِمَنِ اسْتَعَانَ بِكَ مُبَاحَةً وَاعْلَمْ أَنَّكَ

لِدَاعِيكَ بِمَوْضِعِ إِجَابَةٍ وَلِلصَّارِخِ إِلَيْكَ بِمَرْصَدِ إِغَاثَةٍ وَأَنَّ فِي اللَّهَفِ إِلَى

جُودِكَ وَالضَّمَانِ بِبَعْدِكَ عِوَضًا مِنْ مَنْعِ الْبَاخِلِينَ وَمَنْدُوحَةً عَمَّا فِي

المُسْتَغِيثِينَ إِنَّكَ لَا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ إِلَّا أَنْ تَحْجُبَهُمُ الْأَعْمَالُ دُونَكَ وَقَدْ

عَلِمْتَ أَنَّ أَفْضَلَ زَادِ الرَّاحِلِ إِلَيْكَ عَزْمُ إِرَادَةٍ وَقَدْ نَاجَاكَ بِعَزْمِ الْإِرَادَةِ

فَلَقِيَ فَسَلَكَ بِكُلِّ دَعْوَةٍ دُعَاكَ بِهَا رَاجٍ بُلُوغَ أَمَلِهِ أَوْ صَارِخٍ إِلَيْكَ

أَغْشَتْ صَرِيخَهُ أَوْ مَلْهُوفٍ مَكْرُوبٍ فَرَّجْتَ عَنْ قَلْبِهِ أَوْ مُذْنِبٍ خَاطِئٍ غَفَرْتَ

لَهُ أَوْ مُعَافًى أَتْمَمْتَ نِعْمَتَكَ عَلَيْهِ أَوْ فَقِيرٍ أَهَدْتَ عِنَاكَ إِلَيْهِ وَلَيْسَ لَكَ

الدَّعْوَةُ عَلَيْكَ حَتْمٌ وَعِنْدَكَ مَنْزِلَةٌ إِلَّا صَلَّيْتَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَقَضَيْتَ

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَهَذَا رَجَبٌ الْمُرَجَّبُ الْمُكَرَّمُ الَّذِي أَكْرَمْتَنَا بِهِ أَوَّلُ أَشْهُرِ

الْحُرُمِ وَأَكْرَمْتَنَا بِهِ مِنْ بَيْنِ الْأَمَمِ يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ فَأَسْأَلُكَ بِهِ وَبِأَسْمَائِكَ

الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ الَّذِي خَلَقْتَهُ فَاسْتَقَرَّ فِي ظُلَلِكَ

فَلَا تَخْرُجْ مِنْكَ إِلَى غَيْرِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ وَتَجْعَلَنِي

مِنَ الْعَامِلِينَ فِيهِ بِطَاعَتِكَ وَالْعَامِلِينَ فِيهِ لِتَلَقِّي عَفْوِكَ اللَّهُمَّ وَأَفِدْنِي إِلَى

سَوَاءِ السَّبِيلِ وَاجْعَلْ مُقِيلَنَا عِنْدَكَ خَيْرَ مُقِيلٍ فِي ظِلِّ ظَلِيلٍ فَإِنَّكَ سُبْحَانَكَ

وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَالسَّلَامُ عَلَى عِبَادِهِ الْمُصْطَفَيْنَ وَصَلَوَاتُهُ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ

اَللّٰهُمَّ وَاَنْزِلْكَ لَنَا فِي يَوْمِنَا هٰذَا الَّذِي فَضَّلْتَهُ وَشَرَّفْتَهُ وَكَرَّمْتَهُ وَبَالَغْتَ

الْعَظِيمِ مِنْكَ اَنْزَلْتَهُ وَصَلِّ عَلَى مُرَبِّيهِ الْمُرْسَلِ عِبَادِكَ مَنْ اَرْسَلْتَهُ وَبِالْخَيْرِ

الْكَثِيرِ اَحْلَلْتَهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ صَلٰوةً دَائِمَةً تَكُونُ لَكَ شُكْرًا وَلَنَا ذُخْرًا

وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ اَمْرِنَا يُسْرًا وَاَخْتِمْ لَنَا بِالسَّعَادَةِ وَاِلَى مُنْتَهَى اٰجَالِنَا وَقَدْ قَضَيْتَ

الْبَشِيرِ مِنْ اَعْمَالِنَا وَبَلِّغْنَا بِرَحْمَتِكَ اَفْضَلَ اٰمَالِنَا اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَسَلَّمَ وَبَسِيطِ مُعْتَبِرٍ اَزْ حَضْرَتِ اِمَامِ رَضَا

هشتم ماه رجب روزه بدارد کفاره نود سال گناه او کرده و هر که روز بیست

نهم را روزه بدارد کفاره صد سال گناه او باشد و هر که روز سی ام

ما را روزه دارد حق تعالی گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد و در روز

آخر نماز سلمان سنت است بنحوی که در اول مذکور شد و اگر احتمال نقصان

تا باشد در روز بیست و نهم نیز احتیاط بکند و در رکعت دعوات از برای هر

اینماه نماز مخصوص ذکر کرده اند چون سند معتبری بنظر نرسیده نخواستم

ایراد نمایم و چون بسیار مشهور است ایراد مینمایم بر سبیل احتمال و اگر کسی

بقصد انکار مطلق صلوة خوب است بکند بدانیت شب اول سی رکعت بعد

از حمد سه مرتبه حمد یعنی قل یا ایها الکافرون و سه مرتبه توحید

یعنی قل هو الله احد شب دوم دوازده رکعت با حمد و هر پنج مرتبه سوره اذا جاء

نصر الله در هر رکعت چهل صد رکعت در هر روز و رکعت در اول بعد

از حمد قل اعوذ برب الفلق و در دوم بعد از حمد قل اعوذ برب الناس در

شش رکعت در هر رکعت بعد از حمد بیست و پنج توحید ششم دوازده رکعت

در هر رکعت بعد از حمد هفت نوبت اٰیة الکرسی هفدهم چهار رکعت در هر رکعت

بعد از حمد توحید و معوذتین هر یک سه مرتبه و بعد از تمام ده مرتبه صلوات

و ده مرتبه تسبیحات اربع هشتم بیست رکعت در هر رکعت یک حمد و هر یک از

چهار قل سه مرتبه هم دوازده رکعت بحمد و پنج مرتبه الهیکم التکاثر دهم دوازده

رکعت بعد از مغرب با حمد و سه مرتبه توحید یازدهم دوازده رکعت با حمد

و دوازده مرتبه اٰیة الکرسی دوازدهم دو رکعت با حمد و اٰیه اٰمن الرسول ده مرتبه

سیزدهم ده رکعت در هر رکعت اول بعد از حمد سوره والعادیات و در دوم

سوره الهیکم التکاثر چهاردهم سی رکعت در هر رکعت بعد از حمد سوره توحید

و اٰیه قل انما انا بشر مثلکم تا اخر سوره پانزدهم و شانزدهم سی رکعت با حمد و ده مرتبه

سوره توحید در هر رکعت هفدهم دو رکعت در هر رکعت بعد از سوره حمد

توحید و معوذتین هر یک ده مرتبه نوزدهم چهار رکعت در هر رکعت بعد از

نوزده مرتبه توحید و اٰیة الکرسی بیستم دو رکعت در هر رکعت سوره حمد

و پنج مرتبه انا انزلناه بیست و یکم شش رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه

انا انزلناه و ده مرتبه توحید بیست و دوم هشت رکعت در هر رکعت یکمرتبه سوره

حمد و هفت مرتبه قل یا ایها الکافرون و بعد از فارغ شدن ده مرتبه صلوات

بر محمد و آل محمد و ده مرتبه استغفار بیست و سوم دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد

پنج مرتبه سوره والضحی بیست و چهارم چهل رکعت در هر رکعت بعد از حمد اٰیة اٰمن الرسول

و سوره توحید یکمرتبه بیست و پنجم بیست رکعت در میان نماز شام و خفتن و در

هر رکعت حمد و اٰیة اٰمن الرسول و سوره توحید یکمرتبه بیست و ششم دوازده رکعت

در هر رکعت بعد از حمد چهل مرتبه توحید بیست و هفتم بیست و هشتم دوازده رکعت

و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره اعلی و ده مرتبه انا انزلناه و بعد

از تمام کردن رکعات صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد و صد مرتبه
استغفار میخواند ده رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه توحید و در
هر یک از این نمازها ثواب بسیار مذکور است و بنا بر عدم اعتماد بر بعضی
نکردم و جمیع نوافل که مذکور میشود هر دو رکعت بیک سلام است و بعضی
که طول دارد و میان نماز شام و خفتن واقع شده است و باید بعد از داخل
شدن وقت خفتن واقع شود که ذکر شان خالی از اشکالی نیست لهذا نماز مشهور
شب رغائب را در این رساله ایراد ننمودم با انکه از طریق عامه نقل شده
است و معتبر نیست با آنکه در بیان فضایل و اعمال ماه مبارک شعبان و ایام
و لیالی آنست و در آن نیز شبی فضل است فضل ایام در بیان فضیلت انیما است
و ثواب روزه اش بدانکه فضل ماه شعبان زیاده از ماه رجب است و منقول است
بحضرت سید انبیا چنانچه منقول است از حضرت صادق چون حضرت
رسول ماه شعبان را مشاهده مینمود امر میفرمود ندا کنند در میان مردم
که ای اهل مدینه من رسولم از جانب رسول خدا بسوی شما و میفرمود
که شعبان ماه من است خدا رحمت کند کسی را که یاری کند مرا بر ماه من پس
حضرت امیر المؤمنین فرمود که او روزی که منادی از حضرت را
شنیدم روزه ترک نکردم و تا زنده ام ترک نخواهم کرد انشاء الله تعالی و
فرمود که روزه ماه شعبان و ماه رمضان توبه است از جانب خدا برای جمیع گناهان
و ایضا منقول است از ائمه سلمه که حضرت رسول هیچ ماه را تمام روزه نمیگرفت
ماه شعبان که اتراوصل میکرد بماه رمضان و ایضا که از از حضرت سؤال
کردند که کدام روزه از روزه های سنت افضل است فرمود که روزه شعبان
برای تعظیم ماه رمضان و از حضرت امام محمد باقر منقول است که حضرت رسول
شعبان را روزه میداشت و وصل میکرد بماه رمضان و میفرمود که ماه
خدا است و روزه هر دو کفاره گناهان گذشته و آینده است و از حضرت
باقر منقول است که هر که ماه شعبان را روزه دارد و او را پاک گرداند از هر آفت

و از فتنهای معصیت و از فتنهای در وقت غضب و از حضرت رسالت
پناه منقول است که ماه شعبان ماه من است شریف و آن ماه من است و خاصان
عرش الهی از تعظیم او مینمایند و حق و حرمت او را میشناسند و انما هر است
که زیاده میشود در آن روزهای بندگان از برای ماه رمضان و زینت میکنند هر
در آن بهشتها را و او را شعبان نام کرده اند برای آنکه مشعب و شیاع میکردند
روزیهای مؤمنان و حسنه در آن ماه مضاعف میگردد هفتاد برابر و گناه در آن
کمتر میگردد و امر زیاد میشود و اعمال خیر در آن مقبول میگردد و خداوند
جبار نظر میکند بسوی روزه داران و عبادت کنندگان انیما پس مباهات
میکند با ایشان با خاصان عرش پس در فضیلت روزه هر روز از این ماه آنقدر
فرمود که ذکرش موجب تطویل کلام است و بسند معتبر از حضرت صادق
منقول است که روزه شعبان ذخیره بنده است از برای روز قیامت و هر بنده
که در شعبان روزه بسیار بگیرد البته حضرت تعالی امر معیشت او را باصلاح
آورد و کفایت کند شر دشمنان او را و کمتر ثوابی که بر روزه دار این روز از شعبان
میرسد هفتاد است که بهشت از برای او واجب گردد و بسندهای معتبر از
حضرت منقول است که حضرت رسول فرمود که شعبان ماه من است و رمضان
ماه خدا است پس هر که بگیرد از ماه من روزه بدارد من شفیع او باشم در فردا
و هر که دو روز از ماه من روزه بدارد گناهان گذشته او آمرزیده شود و هر که
سه روز از ماه من روزه بدارد او را ندا کنند که عمل را از سر گیر یعنی هیچ گناه
ندارد از حضرت امام رضا منقول است که هر که بگیرد شعبان را از برای خدا
روزه بدارد داخل بهشت شود و هر که در بگیرد شعبان هفتاد مرتبه
استغفار کند در ماه در زمره حضرت رسول محشور گردد و گرامی داشته
خدا او را واجب گردد و هر که در شعبان صدقه بکند اگرچه بنصف دانه
خرما باشد خدا بدن او را از آتش جهنم حرام گرداند و هر که سه روز آخر
شعبان را روزه دارد و وصل کند بماه رمضان خدا ثواب روزه دو ماه مقبل

برای او نوشید و ابن بابویه روایت کرده است از اسامه پرسیدند که کدام
ماه را حضرت رسول زیاده از ماههای دیگر روزه میگرفت گفت ماه شعبان زیرا او
مردم از ان غافلند و ان ماهی است که در ان ماعمالها بسوی خدا بالا میرود و دوست
میدارم که عمل من بالا رود در وقتیکه روزه باشم و ایضا روایت کرده است
که از ان حضرت پرسیدند از روزه رجب فرمود که چرا غافلید از روزه شعبان
یعنی افضل است ازان و ایضا روایت کرده است بسند معتبر از حضرت خیر
البشر که فرمود که شعبان ماه من است هر که از ماه من بگوید روزه دارد در بهشت
او را واجب شود و هر که دو روز روزه دارد در قیامت از رفیقان پیغمبران
و صدیقان باشد و هر که تمام ماه را روزه دارد و بپوندد کند بیمار مضاف نوبه او
باشد از هر گناه کوچک و بزرگی هر چند داخل خون حرام شده باشد که او را
نفع میدهد و بسند صحیح از حضرت صادق روایت کرده است که هر که رعایت
از ماه شعبان دارد و روزها دارد بهشت او را واجب کرده و رسول خدا شفیع او
باشد در قیامت و ایضا بسند معتبر از حضرت صادق روایت کرده است
که چون ماه شعبان داخل میشد حضرت امام زین العابدین اصحاب خود را جمع
مینمود و میفرمود ای گروه اصحاب من میدانید این چه ماهی است این ماه شعبان
است و حضرت رسول میفرمود شعبان ماه من است پس روزه بدارید در اینها
از برای محبت پیغمبر خود و از برای تقرب بسوی پروردگار خود و بحق انخداوندی
که جان علی بن الحسین بدست اوست سوگند یاد میکنم که شنیدم از پدرم
حسین بن علی که گفت شنیدم از امیر المومنین که هر که روزه دارد شعبان را
از برای محبت پیغمبر خدا و از برای تقرب بخدا خدا او را دوست میدارد دوست
گرداند بکرامت خود در روز قیامت و بهشت را از برای او واجب گرداند و
از حضرت امیر المومنین روایت کرده است که حضرت رسول فرمود که ماه
من است و ماه رمضان ماه خداست پس هر که ماه من را روزه دارد من شفاعت
کنم او را در روز قیامت و هر که روزه بدارد ماه خدا را حق تعالی مونس او

گردد در وحشت قبر او را تنها نگذارد و از قبر بیرون اید در قیامت بر روی
سفید بوده و نامه عمل او را بدست راست او دهند و نامه مخلد بودن در
بهشت را بدست چپ او دهند تا انکه او را نزد عرش الهی حاضر سازند پس حق
تعالی ندا کند که ای بنده من او بگوید لبیک ای خداوند من پس خدا فرماید که در
دار دنیا چیزی از برای من کوید بلی ای آقای من پس خداوند جلیل ندا کند ملائکه را
که بگیرید دست بنده مرا و ببرید او را نزد پیغمبر من پس بیاورند او را نزد من من با او
بگویم ما مرا روزه داشتی او بگوید بلی من بگویم ما او که من شفاعت تو میکنم پس
حق تعالی فرماید که من حقوق خود را به بنده خود بخشیدم و اما حقوق خلق
هر که از او عفو کند من او را نقد در عوض باو بدهم که او راضی شود پس من دست او را
بگیرم و بیاورم بر در صراط پس ببینم که صراط لغزنده است و میلرزد و پای کناه
کاران بر ان بند نمیشود پس دست او را بگیرم ملکی که موکل است بر صراط گوید
کیست این مرد من کویم ابن فلان کس است از امت من که در دنیا ماه مرا روزه گرفته
است با مید شفاعت من و ماه خدا را روزه داشته است از برای طلب رضای
خدا پس او را از صراط بگذرانم بعفو خدا تا انکه او را بدر بهشت رسانم پس
رضوان کوید که امروز روزی است که در را برای امت تو بکشایم تو او را داخل
بهشت کنم حضرت امیر المومنین فرمود که روزه بدارید ماه حضرت رسالت را تا
شفیع شما کردد در قیامت و روزه بدارید ماه خدا را تا بیاشامید از شراب طهور
بهشت فصل در بیان اعمال هر روز ماه شعبان است بسند معتبر از حضرت
امام رضا منقول است که هر که هفتاد مرتبه در ماه شعبان استغفار کند گناهان
امرزیده شود اگرچه بعدد ستارهای اسمان باشد و در کتاب حسین بن سعید
از حضرت صادق منقول است که حضرت رسول فرمود که شعبان ماه من است
پس در اینها بسیار صلوات بفرستید بر من و بر ال من و شعبان نزد ما شفاعت
میکوید زیرا که پیغمبر شما شفاعت میکند کسی را که در اینها صلوات
بر او و بر ال او بفرستد و از حضرت صادق منقول است که بهترین دعاها در

شعبان

شعبان است استغفار است و هر که در هر روز ماه شعبان استغفار کند هفتاد
مرتبه چنان باشد که در ماه های دیگر هفتاد هزار مرتبه استغفار کرده
باشد مردی پرسید که چگونه بگویم فرمود که بگو استغفر الله و اسئله التوبه
و بسند معتبر از حضرت امام رضا منقول است که هر که در هر روز ماه شعبان
هفتاد مرتبه بگوید استغفر الله و اسئله التوبه بنویسد حق تعالی برای او
برات بیزاری از آتش جهنم و مکان را در او از صراط و داخل بهشت گرداند
و بسندهای معتبر منقول است که هر که در هر روز ماه شعبان هفتاد مرتبه بگوید
استغفر الله الذی لا اله الا هو الرحمن الرحیم الحی القیوم و اتوب الیه حق

روح او را در اقوی مبین جاد هد و ان قضای وسیع است در کرسی عرش و در
قضاهم جاری است و مدحها در کاران تهرها هست بعد دستارهای
اصفهان و در بعضی از روایات الحی القیوم پیش از الرحمن الرحیم است و هر دو
خوب است و بسند معتبر منقول است که حضرت امام زین العابدین در هر
روز شعبان اینها را در وقت زوال و در شب نیمه ان این صلوات را میخواند
اللهم صل علی محمد و آل محمد شجرة النبوة و موضع الرسالة و مختلف الملائکة

و معدن العلم و اهل بیت الوحی اللهم صل علی مجمد و آل محمد الفلک
الجاریة فی اللجج الغامرة یامن من رکبها و یغرق من ترکها المتقدم لهم مارق
و المتاخر عنهم زاهق و اللازم لهم لاحق اللهم صل علی محمد و آل محمد کما
الحصین و غیاث المضطر المستکین و ملجا الهاربین و منجا الخائفین و عصمة

المغتصبین اللهم صل علی محمد و آل محمد صلوة کثیرة طیبة تکون لهم رضا و
لحق محمد و آل محمد اداء بحول منک و قوة یا رب العالمین اللهم صل علی محمد
الطیبین الابرار الاخیار الذین اوجبت حقوقهم و فرضت طاعتهم و ولایتهم
اللهم صل علی محمد و آل محمد و اعمر قلبی بطاعتک و لا تخزنی بمعصیتک و ارزقنی
مواساة من فترت علیه من رزقک بما وسعت علی من فضلک و نشرت علی
من عدلک و احببنی بحبک حبک ظلک و هذا شهر نبیک سید رسلک صلواتک
علیه و آله شعبان الذی حففته منک بالرحمة و الرضوان الذی کان رسول
الله صلی الله علیه و آله یتابع فی صیامه و قیامه فی لیالیه و ایامه نحو ما
لک فی اکرامه و اعظامه الی محل حمایته اللهم فاعنا علی الاستنان بسنته
فیه و نیل الشفاعة لدیه اللهم فاجعله لی شفیعا مشفعا و طریقا الیک
مهیعا و اجعلنی له متبعا حتی القاک یوم القیامة عنی راضیا و عن ذنوبی
غاضیا فقد رغبت الی منک الرحمة و الرضوان و انت اهل ذاک الفرار و محل

قضاة
ربما اورده
ذا آل محمد
آل محمد

منبر

الأجنا سيد بن طاوس ره نسبت معتبر از ابن خالويه روايت كرده است
بركزيده كه اين مناجات حضرت امير المؤمنين وامام متقين وفرزندان اوست
كه دوشنبها شعبانا اللهم صل على محمد وآل محمد واسمع دعائي اذا دعوتك واسمع
ميخوانده اند خداوندا رحمت فرست بر محمد وآل محمد وبشنو دعاي مرا چون بخوانم ترا وبشنو
ندائي اذا ناديتك وأقبل علي اذا ناجيتك فقد هربت اليك ووقفت بين
مناجاتي مرا چون مناجات كنم ترا ومن ميدانم كه بسوي تو ميگريزم چون گريختن
يديك مسكينا مضرعا اليك راجيا لما لديك توابي وتعلم ما في نفسي وتخبر
مسكينا بيچاره كه بسيار كننده زاري خود باشد وبداند كه توبه او مقبول است ودر نزد آمرزش تو
حاجتي وتعرف ضميري ولا يخفى عليك امر منقلبي ومثواي وما اريد
حاجت مرا وميداني دل مرا ونيست پوشيده بر تو بازگشت من ودر جاي من واراده
ان ابديء به من مطيقي وانفوه به من طلبتي وارجوه لعافيتي وقد جرت
اينكه ابتدا كنم بآن از مطلبهاي خود وبدهد زبان مرا بآنچه ميخواهم وايمن گرداني مرا
فقادير عليك يا سيدي فيما يكون مني الى آخر عمري من سريرتي وعلانيتي
تقدير كرده اي تو بر من اي سيد من در آنچه خواهد بود از من تا آخر عمرم از امور پنهان وآشكار
وبيدك لا بيد غيرك زيادتي ونقصي ونفعي وضري الهي ان مرنتني
وبدست تست نه بدست غير تو زيادتي ونقصان ومنفعت وضرر من الهي اگر بميراني
ذا الذي بر زقني وان خذلتني فمن ذا الذي ينصرني الهي اعوذ بك من
پس آنكه روزي داد مرا واگر خوار كني مرا پس كيست آنكه ياري كند مرا جز تو پناه ميگيرم
غضبك وحلول سخطك الهي ان كنت غير مستاهل لرحمتك فانت اهل
خشم تو وفرود آمدن غضب تو الهي اگر نبوده باشم مستوجب
ان تجود علي بفضل سعتك الهي كما تبغضني واقفه بين يديك وانقلبت
اينكه ببخشي مرا بزيادتي وسعت رحمت خود الهي گويا مرا ميبيني بيش تو وآنچه
حسن توكلي عليك فعلت ما انت اهله وتمدني بعيونك الهي ان عفوك
وخوش شد توكل من بر تو كردي تو سزاوار آني كه بيامرزي مرا وياري كني مرا بچشمهاي خود الهي اگر عفو تو

من اولى منك بذلك وان كان قد دنا اجلي ولم يدنني منك عملي فقد جعلت
پس كيست سزاوارتر از تو بدين واگر نزديك شده است اجل من وكار نيك مرا نزديك نكرده بتو
الاقرار بالذنب اليك وسيلتي فدحرت على نفسي في النظر لها فلها الويل
اقرار كردن بگناه بسوي تو وسيلت من است بتحقيق جنايت نمودم بر نفس خود در نظر كردن مر او را پس مر او را
ان لم تغفر لها الهي لم تزل لبرك على ايام حيوتي فلا تقطع برك عني في مماتي
اگر نيامرزي او را الهي نباشد مر او را مداومتي بر احسان تو در روزهاي زندگاني او پس قطع مكن نيكي خود را از او در مردن او
الهي الهمني كيف افر من حسن نظرك لي بعد تمادي وانت لم تزل تعود
الهي چگونه فرار كند از حسن نظر تو مر او را بعد از درازي بيهودگي او واگر تو عادت نموده باشي
في حيوتي الهي قول من امرني ما انت اهله وعد بفضلك على مذنب فدتمر
در زندگاني او الهي قول كه امر كرد مرا بآنچه تو سزاوار آني كه امر كني بآن وعده كن بفضل خود بر گناهكار پس
جهله الهي قد سترت على ذنوبا في الدنيا وانا احوج الى سترها علي مني
نادان را الهي بتحقيق كه پوشيدي بر من گناهان بسيار مرا در دنيا ومن محتاجترم بپوشيدن آنها بر من
في الاخرى الهي قد احسنت الي اذ لم تظهرها لاحد من عبادك الصالحين
در آخرت الهي بتحقيق كه نيكوئي كردي بمن چون كه ظاهر نكردي آنرا بهيچ يك از بندگان صالح خود
فلا تفضحني يوم القيامة على رؤس الاشهاد الهي جودك بسطني وعفوك
پس رسوا مكن مرا روز قيامت بر سرهاي اشهاد الهي جود تو گشاده گردانيد مرا وعفو تو
افضل من عملي الهي فسرني بلقائك يوم تقضي فيه بين عبادك الهي اعتذاراتي
بهتر است از كردار من الهي شاد گردان مرا بديدار خود روزيكه قضا كني در ميان بندگان خود الهي عذرهاي من
اليك اعذار من لم يستغن عن قبول عذره فاقبل عذري يا اكرم من اعتذر
بسوي تو عذرهاي كسيست كه نيست از قبول عذر بي نياز پس قبول كن عذر مرا اي كريمترين كسي كه عذر خواسته شد
اليه المسيئون الهي لا تردد حاجتي ولا تخيب طمعي ولا تقطع منك رجائي
بسوي او بدكاران الهي برنگردان حاجت مرا ونا اميد مكن طمع مرا ومقطع مكن از تو اميد مرا
وامنن الهي لواردت هوانا لم تهدنا ولو اردت فضيحتنا لم تعافنا الهي
ومنت نه الهي اگر ميخواستي خواري ما را هدايت نميكردي ما را واگر ميخواستي رسوائي ما را عافيت نميدادي ما را الهي

ما أصنك تردني في حاجة قد أفنيت عمري في طلبها منك إلهي فلك

الحمد أبدا دائما سرمدا يزيد ولا ينيد كما تحب وترضى إلهي إن أخذتني

بجرمي أخذتك بعفوك وإن أخذتني بذنوبي أخذتك بمغفرتك وإن أدخلتني

النار أعلمت أهلها أني أحبك إلهي إن كان صغر في جنب طاعتك عملي

فقد كبر في جنب رجائك أملي إلهي كيف أنقلب بالخيبة محرومة مما وفدت له

حسن ظني بجودك أن تقلبني بالنجاة مرحوما إلهي وقد أفنيت عمري في

السهو عنك وأبليت شبابي في سكرة التباعد منك إلهي فلم أستيقظ

أيام اغتراري بك وركوني إلى سبيل سخطك إلهي وأنا عبدك وابن عبدك

قائم بين يديك متوسل بكرمك إليك إلهي أنا عبد أتصل إليك بما كنت

أواجهك به من قلة استحيائي من نظرك وأطلب العفو منك بذ لعفو

نعت لكرمك إلهي لم يكن لي حول فأنقل به عن معصيتك إلا في وقت

أيقظتني لمحبتك وكما أردت أن أكون كنت فسكرتي بأدخالي في كرمك

فلبني من أوساخ الغفلة عنك إلهي انظر إلى نظرة من نادبته فأخافك وسألك

بمعونتك فأطاعك بأقربها لا يبعد عن المغفرة به وبأجوادا لا يخل عمن رجاه

بساري خود بس اجابت كن ازاي نزدیک کردی بیکی، اندیشه نکن، وای بسا کس که دیر میرسد

إلهي من ألفك بذلك شوقه ولساني بزعمه إليك صدقه ونظر القربة

ایخدای هر کس را انس کرد بتو شوق او را آسان کرد بکوشیدن او را بتو نزدیک

منك حصة إلهي من تعرفت بك غير مجهول ومن لاذ بك غير مخذول ومن أمك

خوش بستن ایخدای هر که ترا شناخت نادیده نماند و هر که پناه بتو برد خوار نگردد و هر که

عليه غيرك فما وراك إلهي من انتجح بك لمستنجح وإن من اعتصم بك لمستبق وفيك

بر او راست بود ایخدای آنکه ترا خواست بتو رسید و آنکه پناه تو جست نگاه داشته شد و در تو

لذت يا إلهي فلا تحجب ظني من رحمتك ولا تجبني عن رأفتك إلهي أبقى

بست، کرم خوی ایخدای هر که ترا شناخت نادیده نماند و هر که پناه بتو برد خوار نگردد و هر که

في أهل ولا بك مقام من رجا التراث من بحبوحتك إلهي ولم تطاير كرائم

در بست، ایخدای هر که ترا شناخت نادیده نماند و هر که پناه بتو برد خوار نگردد و هر که

واجعل هبتي إلى روح نجاح أسمائك ومحل قدسك إلهي بك علقت آلاء

ایخدای هر که ترا شناخت نادیده نماند و هر که پناه بتو برد خوار نگردد و هر که

الحقني بمحل أهل طاعتك والمثوى الصالح من مرضاتك فإني لا أهتدي

إلى

يقيني دفعا ولا أملك لها نفعا إلهي أنا عبدك الضعيف المذنب وتحت كل

بر ای من خود در خور نیست، ایخدای من بنده ضعیف گناهکار و در زیر

المثيب المعيب فلا تخلني ممن صرفت عنه وجهك وحجبه سهوه عن عفوك

بر او راست بود ایخدای آنکه ترا خواست بتو رسید و آنکه پناه تو جست نگاه داشته شد و در تو

الزمني بك كمالا لانقطاع إليك وأنر أبصار قلوبنا بضياء نظرها إليك

ایخدای هر که ترا شناخت نادیده نماند و هر که پناه بتو برد خوار نگردد و هر که

بعني تحير فيه ابصار القلوب بحجب النور فتضل الى معدن العظمة وتصير الى
معلقة بغير مدبرك الهي واجعلني ممن ناديته فاجابك ولاحظته
فصعق لجلالك فما احببته الا لك جعلت فداك الهي لو اسلط على حشو
طيبة مغبوط الايأس ولا انقطع رجائي من جميل كرمك الهي ان كانت
الخطايا قد اسقطتني لديك فاصفح عني بحسن توكلي عليك الهي ان
الذنوب من مكارم لطفك فقد تبقيني اليقين الى كرم عطفك الهي
ان اماتني العلة عن الاسعاد فقد تهنيني المعرفة بكرم الاياد الهي
ان دعاني الى النار عظيم عقابك فقد دعاني الى الجنة جزيل ثوابك
الهي فلك اسال واليك ابتهل وارغب واسالك ان تصلي على محمد وآل
محمد وان تجعلني ممن ذكرك فلا ينقطع عن شكرك ولا يغفل عن
ولا تستخف بمزك الهي واحيني بنور عزك الاعلى فاكون لك عارفا وعن
سواك منحرفا ومنك خائفا مراقبا يا ذا الجلال والاكرام وصلى الله على

محمد وآله الطاهرين وسلم تسليما كثيرا واين از مناجاتهاى جليل
عالية مشتمل است ودر همه اوقات كه حضور قلبى باشد خواندن مناسب است واز حضرت رسول منقول است كه هر كه در مجموع ماه شعبان هزار
مرتبه بگويد لا اله الا الله ولا نعبد الا اياه مخلصين له الدين ولو كره
المشركون نبشت خدا اين را و نبيستم كه او را آتش دوزخ بسوزاند ام بدان اذن خدا
انشاء الله تعالى عبادت هزار ساله در نامه اعمال او بنويسند وگناه هزار
ساله از او محو كنند واز قبر بيرون آيد با روى نورانى مانند ماه شب چهارده
واو را صديق بنويسند وبستند معتبر منقول است كه از حضرت صادق عليه السلام
كردند از فضيلت روزه رجب حضرت فرمود كه چرا غافل گرديد ايدرين
شعبان راوى گفت يا بن رسول الله چه ثواب دارد كسى كه يك روز شعبان
روزه دارد گفت والله بهشت ثواب او ست گفت يا بن رسول الله طبرسى علما
در اين ماه چيست فرمود تصدق كردن وطلب آمرزش نمودن هر كه در اين
ماه نصد في يكند حق تعالى تربيت ميكند او را چنانچه يكى از شما شتر
خود را تربيت ميكند تا انكه در قيامت مانند كوه احد بصاحبش برسد
فصل بيستم در فضايل واعمال ايام مخصوصه اول ماه است تا ايام البيض به
سندهاى معتبر منقول است از حضرت صادق كه هر كه روز اول ماه شعبان
روزه بدارد بهشت او را واجب گردد البته واز حضرت امام رضا منقول
استحباب روزه سه روز اول وسه روز ميان وسه روز آخر ماه واز
حضرت امير المؤمنين منقول است كه رسول خدا فرمود كه در هر پنج شنبه
ماه شعبان تربيت ميكنند اسمانها را پس ملائكه ميگويند خدايا بيامرز
روزه داران روزه دار ان اين روز را ودعاى ايشان را مستجاب گردان و
سيم ماه شعبان روز نيمه ميان كه است وموافق مشهور روز ولادت حضرت
امام حسين است واز حضرت صاحب الامر فرمانى بيرون آمد كه روز نيم ماه

بيان

شعبان روز ولادت امام حسین است پس روزه بدارید و سید عالم بجوار
اللهم انی اسئلک بحق المولود فی هذا الیوم الموعود فیها ندبه قبل استهلاله
خداوندا که بحق حال بحق آنکه متولد شده در این روز موعود بودن او
وولادته بکته السماء ومن فیها والارض ومن علیها وما یطا لا تبتها
ولادت او خوشحال گردانید آسمان را و آنکه آسمان و زمین و هر که بر روی آنهاست و آنکه حرکت کند بر
قبل العبرة وسید الاسرة الممدود بالنصرة یوم الکرة المعوض من قتله
و پیش از آنکه عبرت گیرد بزرگ قوم و سید خانواده که یاری کرده شده ببازگشت دنیا عوض داده شده از کشته شدن او
ان الائمة من نسله والشفاء فی تربته والفوز معه فی اوبته والاوبة
اینکه امامان از نسل او شفا در خاک او و رستگاری با او در بازگشت او و بازگشت
من غیبته بعد قائمهم وغیبته حتی یذرکوا الاوتار ویثاروا الثار ویرضی
از غیبت او بعد قائم ایشان و غیبت او تا آنکه دریابند خونها را و انتقام گیرند
الجبار ویکونوا خیر انصار صلی الله علیهم مع اختلاف اللیل والنهار
خداوند را و باشند بهترین یاران درود خدا بر ایشان با آمد و شد شب و روز
اللهم فحقهم الیک اتوسل واسئل سؤال مقترف ومعترف مستبق الی
خداوندا پس بحق آنها بسوی تو توسل میجویم و سؤال میکنم سؤال کسی که گناه کرده و اعتراف کننده
نفسه مما فرط فی یومه وامسیه کبیا لک الغصة الی محل رمسه اللهم
خود از تقصیر که کرده در این روز و شب و بزرگ شمرده تو را اندوه او تا محل خانه
صل علی محمد وعترته واحشرنا فی زمرته وبوئنا معه دار الکرامة ومحل
رحمت بر محمد و عترت او و برانگیز ما را در گروه او و جای کرامت او را برای ما
الاقامة اللهم وکما اکرمتنا بمعرفته فاکرمنا بالقیه وارزقنا مرافقته
و روزی ما گردان و چنانچه گرامی داشتی ما را بشناختن او پس گرامی دار ما را بدیدار او و روزی کن ما را
وسانقته واجعلنا ممن تسلم لامره وتکثر الصلوة علیه عند ذکره و
و بگردان ما را از آنانکه گردن نهند امر او را و بسیار کنند رحمت بر او نزد ذکر او و
جمیع اوصیائه واهل اصطفائه الممدود دینک بالعدد الاثنی عشر

الیوم الزمرة الحج علی جمیع البشر اللهم وهب لنا فی هذا الیوم خیر موهبة
بیستاره روشن و نمایان بر همه آدمیان خداوندا و گردان ما را در این روز از بهترین بخشی
واسبغ لنا فیه کل طلبة کما وهبت الحسین محمد حبیبه وغاذ قطر من بهجة محیاه
و بر آور برای ما در این روز هر حاجتی را چنانچه بخشیدی حسین را که محمد حبیب او و جاری کرده قطرهای از شادی
عائذون بقبره من بعده نشهد تربته ونتظر اوبته امین رب العالمین
پناه برند بقبر او بعد از او شهادت دهیم خاک او را و انتظار بازگشت او را ای پروردگار
وزیارتنا ان حضرت وغسل زیارت در این روز مستحب است و کیفیت زیارت
بعد از این مذکور خواهد شد ان شاء الله و شیخ طوسی ره روایتی نقل
کرده است که حضرت امام حسین در روز پنجم از ماه مولود شده است اگر
اختیارا طاهر در روز اخر حرمت مدارند و اعمال را در این روز نیز بعمل آورند
خصوصا زیارت ایشان است و ایضا شیخ بسند معتبر از حضرت صادق
روایت کرده است که حضرت امیر المؤمنین در روز هفتم ماه شعبان متولد
شده است اگرچه خلاف مشهور است چنانچه در ماه رجب مذکور شد اما بنا بر
این روایت اگر روزه و زیارت از حضرت و سایر اعمال خیر را در این روز بعمل
آورند مناسب است فصل چهارم در اعمال ایام البیض ماه شعبان است یعنی
سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم در اعمال ماه رجب مذکور شد که سنت است
که در شب سیزدهم دو رکعت و در شب چهاردهم چهار رکعت و در شب
پانزدهم شش رکعت و در هر رکعت بعد از حمد سوره تبارک الذی بیده
الملک و قل هو الله احد بخوانند و در نماز شب سوره هائی که از حفظ توانند خواند
از روی قرآن میتوان خواند و روزه هر سه روز سنت است و فضایل و اعمال
شب پانزدهم زیاده از آنست که در این رساله احصا توان نمود و اکثر آنها مثل
آنچه صحیح تر است از حضرت امیر المؤمنین منقول است که حضرت رسول
فرمود که چون شب نصف شعبان شود شش رکعت را بعبادت بایستند و در هر رکعت
بخوانند سوره حمد را اول تا آخر آن پس بخوابند اندکی تا آخر شب بعد از آن بخیزند و

که ایا است غفار کنده هست که طلب آمرزش کند از گناهان خود و ما
گناهان او را بیامرزیم ایا کسی هست که طلب روزی کند ما روزی او را
فراخ گردانیم و غسل در این شب سنت است و از حضرت صادق منقولست
که روزه بدارید ماه شعبان را و در شب نیمه از غسل کند که باعث تخفیف گنا
گناهان شما باشد و رحمت الهی شما را در یابد و از جمله اعمال این شب زیارت
حضرت امام حسین است و از حضرت صادق منقولست که هر که خواهد
کند ثواب صد و بیست و چهار هزار پیغمبر که زیارت کند حضرت امام حسین را
در شب نصف شعبان زیرا که ملائکه و پیغمبران در این شب از خدا رخصت
می طلبند که بزیارت آن حضرت بیایند و رخصت می یابند پس خوشا حال
کسی که این بزرگواران با او مصافحه کنند و از جمله ایشانند هفت پیغمبر اولوا
العزم نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد اجمعین که مبعوث گردیده اند
بمشرق و مغرب زمین و جنیان و آدمیان و از حضرت صادق منقولست
که در شب نیمه شعبان می آمرزند جمیع گناهان کسی را که زیارت آن حضرت
کند در آن شب و افضل زیارت آن حضرت آن است که بیایی با بصحرا کربلا
و بجانب راست سر مبارک و بجانب چپ و پایهای سر نظر کند پس ما بکستا شارد
کند بجانب راست السلام علیک یا اباعبدالله السلام علیک یابن رسول الله
قبله و بگوید
السلام علیک و رحمة الله و برکاته و اگر کسی از زیارات مبسوطه را بعمل

السلام علیک یا وارث آدم صفوة الله السلام علیک یا وارث نوح نبی الله
السلام علیک یا وارث ابراهیم خلیل الله السلام علیک یا وارث موسی
کلیم الله السلام علیک یا وارث عیسی روح الله السلام علیک یا وارث

محمد حبیب الله السلام علیک یا وارث امیر المؤمنین ولی الله السلام
علیک یا وارث یابن محمد المصطفی السلام علیک یابن علی المرتضی السلام
علیک یابن فاطمة الزهراء السلام علیک یابن خدیجة الکبری السلام
علیک یابن من صلت علیه الملائکة و بارک علیه السبع المثانی و القرآن العظیم
علیک یا ثار الله و ابن ثاره و الوتر الموتور اشهد انک قد اقمت الصلوة و آتیت
الزکوة و امرت بالمعروف و نهیت عن المنکر و اطعت الله و رسوله حتی اتاک
الیقین فلعن الله امة قتلتک و لعن الله امة سمعت بذلک فرضیت به یا
مولای یا اباعبدالله اشهد انک کنت نورا فی الاصلاب الشامخة و الارحام
المطهرة لم تنجسک الجاهلیة بانجاسها و لم تلبسک من مدلهمات ثیابها
و اشهد انک من دعائم الدین و ارکان المؤمنین و اشهد انک الامام البر
التقی الرضی الزکی الهادی المهدی و اشهد ان الائمة من ولدک کلمة
التقوی و اعلام الهدی و العروة الوثقی و الحجة علی اهل الدنیا و
اشهد و الله و ملائکته و انبیائه و رسله انی بکم مؤمن و بایابکم موقن

بشر ابع دیني وخوابيم عملي وقلبي لقلبكم سلم وامري لامركم متبع ه

صلوات الله عليكم وعلى ارواحكم وعلى اجسادكم وعلى اجسامكم

وعلى شاهدكم وعلى غائبكم وعلى ظاهركم وعلى باطنكم السلام

نماز زيارت

ميكند واگر نماز پيش از زيارت بكند نيز خوب است واگر از دور

زيارت كند پس بقصد زيارت علي بن الحسين شهيد بكند ويكويد السلام

عليك يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن نبي الله السلام عليك يا ابن

اميرالمؤمنين السلام عليك يا ابن الحسين الشهيد السلام عليك

ايها الشهيد السلام عليك ايها المظلوم وابن المظلوم لعن الله امة

قتلتك ولعن الله امة ظلمتك ولعن الله امة سمعت بذلك فرضيت به

پس بقصد زيارت سائر شهدا السلام عليكم يا اولياء الله واحباءه

رضي الله عنهم بكند ويكويد

السلام عليكم يا اصفياء الله واوداءه السلام عليكم يا انصار دين

الله السلام عليكم يا انصار رسول الله السلام عليكم يا انصار

اميرالمؤمنين السلام عليكم يا انصار فاطمة سيدة نساء العالمين

السلام عليكم يا انصار ابي محمد الحسن بن علي الزكي الناصح السلا

عليكم يا انصار ابي عبد الله يا ابي انتم وابي طبتم وطابت الارض التي

وفزتم فوزا عظيما يا ليتني كنت معكم فافوز معكم ودر شب اول

رجب ودر نيم وپنجم ماه شعبان وشبهاي ماه مبارك رمضان وشبهاي

عيد وسايراوقات كه زيارت از حضرت مستحب است بهمين طريق زيارت

ميتوان كرد وزيارات مبسوطه ومخصوصه را در زيارات در كتاب تحفه

الزايرين ذكر كرده ام هركه خواهد رجوع بان كتاب نمايد وان جمله بركا

اين شب انست كه ولادت وافر السعادة حضرت صاحب الامر در اين شب

واقع شده واين سبب بس است كه كرامند غار اين شب بخواستند كه نبيند

زيارت ان اللهم بحق ليلتنا هذه ومولودها وحجتك وموعودها التي

قربت الى فضلها فضلا فلمت كلمتك صدقا وعدلا لا مبدل لكلماتك

ولا معقب لاياتك ونورك المتلالي وضيائك المشرق والعلم النوره

في خفياء الدجور الغائب المستور جل مولده وكرم محتده والملائكة

شهده والله ناصره ومؤيده اذا ان ميعاده والملائكة امداده سيف الله

الذي لا ينبو ونوره الذي لا يخبو ودوا الحلم الذي لا يصبو امدا الله

وتوامیش العشر وولاة الامر والمنزل علیهم الکرم وما ینزل فی لیلة القدر
واصحاب العشر والعشیرة راجمة وخیبة وولاة امین ولعنهم اللهم فضل
علی خاتمهم وقائمهم المنتظر عن عوالمهم وادرک بنا اتمامه وظهوره
وقیامه واجعلنا من انصاره واقرن ثارنا بثاره واکتبنا فی اعوانه
وخلصائه واحینا فی دولته ناعمین وبصحبته غانمین وبحضرته قائمین
ومن السوء سالمین یا ارحم الراحمین والحمد لله رب العالمین
وصلی الله علی محمد خاتم النبیین والمرسلین وعلی اهل بیته الطاهرین
وعترته الناطقین والعن جمیع الظالمین واحکم بیننا وبینهم یا احکم
الحاکمین وزید شهید روایت کرده است که پدرم امام زین العابدین
علیه السلام ما اهل را همه در نیمه شعبان در نزد خود جمع میکرد و شب
سه خصله میکرد و در ثلث اول نماز میکرد و در ثلث دوم دعا میکرد
وما امین میگفتیم پس دعای او در ثلث آخر استغفار میکرد و طلب آمرزش
میکرد و ما نیز استغفار میکردیم تا صبح طالع میشد یعنی بعد از نماز شب
و نمازهای این شب بسیار است و از جمله انها چهار رکعت هر دو رکعت
بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد صد مرتبه سوره

قل هو الله احد را بخواند و بعد از نماز اینها دعا بخواند اللهم انی اقر
الیک فقیرا ومن عذابک خائف وبک مستجیر رب لا تبدل اسمی ولا
تغیر جسمی رب لا تجهد بلائی رب لا تشمت بی اعدائی اعوذ بعفوک
من عذابک واعوذ برضاک من سخطک واعوذ بک منک جل ثناؤک
انت کما اثنیت علی نفسک وفوق ما یقول القائلون منک وبروایت دیگر
چهار رکعت است بدو سلام و در هر رکعت بعد از حمد دو نیت پنجاه مرتبه قل
هو الله احد یا صد مرتبه بخواند و بعد از نماز اینها دعا بخواند و دعا اینست
اللهم انی الیک فقیرا وانی من عذابک خائف مستجیر رب لا تبدل
اسمی ولا تغیر جسمی رب لا تجهد بلائی اللهم انی اعوذ بعفوک من
عقوبتک واعوذ برضاک من سخطک واعوذ برحمتک من عذابک منک
لا اله الا انت جل ثناؤک ولا احصی مدحتک ولا الثناء علیک
انت کما اثنیت علی نفسک وفوق ما یقول القائلون صل علی محمد و
محمد وافعل بی کذا وکذا وحاجات خود را یاد کند و اگر این نماز را با پنجاه
مرتبه قل هو الله احد بعمل آورد موافق میشود
با نماز حضرت امیر المؤمنین و در فضیلت ان احادیث بسیار است و

واعوذ بنبیه
بهاء بیگم

لسید معتبر از حضرت امام محمد باقر منقولست که شب نیمه شعبان
همین شب است بعد از شب قدر و خدا تعالی فضل خود را در این شب
به بندگان عطا مینماید و باحسان خود گناهان ایشان را می آمرزد پس سعی
کنید در عبادات در این شب که این شبی است که حق تعالی بذات مقدس
خود سوگند یاد کرده است که سائل را از درگاه خود رد نکند مگر آنکه
معصیتی از خدا طلب نماید و این شب را بعد از برای ما افضل بیت قرار داده است
با زای شب قدر که از برای پیغمبر قرار داده است پس اهتمام در این شب
در دعا و ثنا کردن بر خدا بدرستی که هر که در این شب صد مرتبه سبحان
وصد مرتبه الحمد لله وصد مرتبه الله اکبر و صد لا اله الا الله بگوید
حق تعالی گناهان گذشته او را بیامرزد و حاجتهای دنیا و آخرت او را
برآورد خواه طلب نماید و خواه نماید از او بپرسید که هفتاد من دعا در این
شب کدام است فرمود که بعد از نماز خفتن دو رکعت نماز بکن در رکعت
اول بعد از حمد سوره قل یا ایها الکافرون و در رکعت دوم سوره قل
هو الله احد بخوان و بعد از سلام سی و سه مرتبه سبحان الله و سی و سه
مرتبه الحمد لله و سی و چهار مرتبه الله اکبر بگو بترتیب کسیکه حضرت
فاطمه بخواند ظاهر اخوب یا من الیه ملجا العصاة فی المهمات و الیه یفزع
المتقون فی الملمات یا عالم الجهر و الخفیات یا من لا تخفی علیه خوافی
الاوهام و تصرف الخطرات یا رب الخلائق و البریات یا من بیده ملکوت
الارضین و السموات انت الله لا اله الا انت امنت الیک بلا اله الا
انت فیا لا اله الا انت اجعل لی فی هذه اللیلة ممن نظرت الیه فرحمته

وسمعت دعائه فاجبته وعلمت ما سئلت فاقلته وتجاوزت عن
سالف خطیئته وعظیم جرمه فقد اشخرت بک من ذنوبی وجلا
الیک فی سیری عوفی اللهم فجد علی بکرمک وفضلک واحطط خطا
یحلیک وعفوک وتغمدنی فی هذه اللیلة بسابغ کرامتک واجعلنی
فیها من اولیائک الذین اجتبیتهم لطاعتک واخترتهم لعبادتک وه
جعلتهم خالصتک وصفوتک اللهم اجعلنی ممن یعد جدا ونوره من
الخیرات حظه من الخیرات واجعلنی ممن سلم فعم وفاز فغنم والخیر
شرما اسلفت واعصمنی من الاز دیاد فی معصیتک وحبب الی طاعتک
وما یقربنی منک وبین لقلبی عندک سیدی الیک ملجا الهارب و
منک ملتمس الطالب وعلی کرمک لعول المستقیل التائب اوثر عن
بالکرم وانت اکرم الاکرمین وامرت بالعفو عبادک وانت
الغفور الرحیم اللهم فلا تخزنی مما رجوت من کرمک ولا تؤیسنی

من سايغ نعمك ولا تخيبني من جزيل قسمك في هذه الليلة لاهل
طاعتك واجعلني في حيّز من شرائف بيتك ربّ إن لم أكن من أهله
ذلك فأنت أهل الكرم والعفو والمغفرة وجد علي بما أنت أهله لأني
بما استحقه فقد حسن ظني بك وتحقق رجائي لك وعلقت نفسي بكرمك
وأنت أرحم الراحمين وأكرم الأكرمين اللهم واخصصني من كرمك
بجزيل قسمك واعدني بعفوك من عقوبتك واغمرني في الذين تنالهم
على الخلق وتصيبهم على الرزق حتى أقوم بصالح رضاك وأنعم بخير
عطائك واسعد بسايغ نعمائك فقد لذت بحرمك وتعرضت لكرمك
وأنت بعفوك من عقوبتك وبخلك من غضبك فجد لي بما سألتك
وأنل ما التمست منك فاسألك بك من لا شيء أعظم منك بل بجده وتيقنت
ما شاء الله لا قوة إلا بالله هفت مرتبه لا حول ولا قوة إلا بالله هفت مرتبه
ما شاء الله لا قوة إلا بالله ده مرتبه لا قوة إلا بالله ده مرتبه پس صلوات
بر محمد وآل محمد بفرست آنچه خواهي وحاجت خود را از خدا بطلب و
سوگند كه اگر بعدد قطرات باران حاجت بطلبي حق تعالى تو را بانها

میرساند بکرم وفضل خود وبروایت دیگر بعد از هفت مرتبه یا الله
هفت مرتبه بگوید یا رب محمد والهی لم تعرض لك في هذا الليل المتعرضون
وقصدك القاصدون وأمل فضلك ومعروفك الطالبون ولك
في هذا الليل نفحات وجوائز وعطايا ومواهب تمن بها على من تشاء من
عبادك وتمنعها من لم تسبق له العناية منك وها أنا ذا عبدك
الفقير إليك المؤمل فضلك ومعروفك فإن كنت يا مولاي لم تقصد
بفضلك في هذه الليلة على أحد من خلقك وعدت عليه بعائدك
من عطفك فصل على محمد وآل محمد الطيبين الطاهرين الخيرين القائمين
وجد علي بطولك ومعروفك يا رب العالمين وصل على محمد خاتم
النبيين وآله الطاهرين وسلم تسليما إن الله حميد مجيد اللهم
إني أدعوك كما أمرت فاستجب لي كما وعدت أنك لا تخلف الميعاد
این دعا را بعد از نماز عشا بخوان و بعد از دعاهای این شب است
اما ظاهر اجزوان عمل سابق بینهب و ابن بابویه از حضرت امام حسن
مجتبی روایت کرده است که جبرئیل بر حضرت رسول نازل شد و گفت

یا محمد امت خود را امر کن که در شب نیمه شعبان ده رکعت نماز بکنند
هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره
قل هو الله احد بخوانند پس اللهم لک سجد سوادی وبک خیالی وبک یا من
سجده روند و در سجده بگویند (ادعاء هر دو رکعت بعده کرده شود من وجهک)
یا عظیم کل عظیم اغفر لی ذنبی العظیم فانه لا یغفره غیرک یا عظیم
ای بزرگ هر بزرگی پیش بزرگی تو کمتر و بزرگ از بزرگی پیش عظمت آن آمرزگار
هر که این عمل را بجا آورد محو کند حق تعالی از او هفتاد و دو هزار گناه را
و مثل او حسنه در نامه اعمال او محو نویسند و محو کنند از بندگان و ما در
هفتاد هزار گناه را و نماز دیگر نمازی است که عامه و خاصه از حضرت
رسول روایت کرده اند که حضرت فرمود در شب نیمه شعبان در خواب
بودم پس جبرئیل بر من نازل شد و گفت یا محمد یا بخواب میروی در شب
گفتم چه شب است گفت نیمه شعبان است پس بر خیزا نید مرا و بر بسوی
قبرستان بقیع و گفت سر بلند کن بسوی آسمان بدرستیکه در این شب
درهای آسمان گشوده میشود یعنی درهای رحمت و درهای خشنودی
خدا و درهای آمرزش گناهان و درهای فضل و احسان و درهای نعمت
و درهای جود و بخشش و می آمرزد حق تعالی از بندگان در این شب بعدد
موهای بزها و پایان و موهای انشان و پشمهای انشان ای محمد هر که احیا
کند این شب را بگفتن الله اکبر و سبحان الله و لا اله الا الله و تمام کردن
و قرآن خواندن و طلب آمرزش نمودن و استغفار نمودن تمام شب در اخر
جای او باشد و گناهان گذشته و آینده او آمرزیده شود ای محمد هر که در
شب صد رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد
از حمد سوره قل هو الله احد بخواند و چون از همه فارغ شود ده مرتبه آیه
الکرسی و ده مرتبه سوره حمد بخواند و صد مرتبه سبحان الله بگوید حق
تعالی صد گناه کبیره هلاک کند او را بیامرزد و بعدد هر سوره و تسبیحی

قصری در بهشت باو عطا کند و صد نفر از اهل خانه او و خویشان او و
شریک گرداند او را در ثواب شهیدان و ثواب روزه داران ایمان و عبادت
کنندگان ایشان را باو عطا کند بی انکه از ثواب ایشان چیزی کم شود در اینجا
کن این شب را ای محمد امر کن امت خود را که احیا کنند آنرا و تقرب جویند
بسوی خدا بعبادت آن بدرستی که این شبی است نزدیک شریف یا محمد
من چون بنزد تو می آیم جمیع ملائکه اسمانها خود را صف کرده بودند و نزد
خدا بعبادت مشغول بودند و بعضی ایستاده بودند و بعضی در رکوع بودند
و بعضی در سجود و بعضی مشغول بودند بدعا و بعضی بتکبیر و بعضی بتسبیح
و بعضی باستغفار یا محمد بدرستی که حق تعالی در این شب نظر رحمت
بسوی بندگان می افکند و می آمرزد هر مؤمن را که بنماز ایستاده باشد یا
نشسته مشغول بتسبیح باشد یا در رکوع و سجود باشد یا مشغول یاد خدا باشد
و این شبی است که هر که دعا کند البته دعایش مستجاب میشود و هر که
سوال کند باو عطا کرده میشود و هر که استغفار کند آمرزیده میشود و هر که
توبه کند توبه او قبول گردد محروم کسی است که از خیر این شب محروم گردد
و از حضرت امیر المؤمنین منقول است که هر که در شب نیمه شعبان صد
رکعت نماز بکند با هزار مرتبه قل هو الله یعنی در هر رکعت ده مرتبه به
خواند نمیرد دل او در روزی که دلها از ترس و بیم مرده باشد و نمیرد تا
انکه صد ملک را به بیند که او را ایمن گردانند از عذاب الهی و بشارت
دهند او را به بهشت و بی نقرانها باشند که در دنیا او را و او را از شر
شیطان نگاه میداشتند و بی نقرانها باشند که در شب و روز برای
او استغفار میکردند و در ساعات شب و روز رفته نفر که او را حفظ
میکردند از شر دشمنان و منقول است که حضرت رسول در این شب این دعا
میخواندند اللهم اقسم لنا من خشیتک ما تحول بیننا و بین معصیتک و من

طاعتك ما تبلغنا به رضوانك ومن اليقين ما تهون علينا به مصيبات

الدنيا اللهم امتعنا بأسماعنا وابصارنا وقوتنا ما احييتنا واجعلها

الوارث منا واجعل ثارنا على من ظلمنا وانصرنا على من عادانا ولا تجعل

مصيبتنا في ديننا ولا تجعل الدنيا اكبر همنا ولا مبلغ علمنا ولا تسلط

علينا من لا يرحمنا برحمتك يا ارحم الراحمين وابن دعاجا مع كامل است

واخرت است وچون دعاى كميل بن زياد كه از اصحاب حضرت امير المؤمنين

است وادر دعاهاى اين شب است ودر اوقات ديگر

نيز ميتوان خواند باترجمه درين جا ايراد مينمايد كه در وقت خواندن منشا

معانى آن باشد ناقابل اش تمام نرود ثوابى عظيم نرباشد بدانكه سيد جليل

بن طاوس در كتاب اقبال روايت كرده است كه كميل بن زياد گفت روزى

با مولاى خود حضرت امير المؤمنين در مسجد بصره نشسته بودم شب

نيمه شعبان درامد گوشد حضرت فرمود كه هر بنده كه از شب زاده

بعبادت احيا كند ودعاى حضرت خضر را درين شب بخواند البته دعا

او مستجاب گردد وچون حضرت بمنزل مراجعت نمود شب بخدمت او

رفتم چون مرا ديد پرسيد كه چه كار امدى اى كميل گفتم يا امير المؤمنين

بطلب دعاى خضر امده ام فرمود كه بنشين اى كميل چون اين دعا

حفظ نمائى در هر شب جمعه يا در هر ماهى يكبر نبه يا در سالى يكبر نبه

يا در عمرى يكبر نبه بخوان ناكهانت شر دشمنان از تو دشود ويارى كرده

شوى وروزى داده شوى والبته امرزيده شوى اى كميل طول صحبت

وخدمت تو ان شد كه تو را به چنين نعمتى وكرامتى ممتاز وسرافراز كرداند

پس گفت بنويس و فداك ابى كميل دعا را تلقين من كرد

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم انى اسئلك برحمتك التى وسعت كل شئ وبقوتك التى قهرت بها كل شئ

وخضع لها كل شئ وذل لها كل شئ وبجبروتك التى غلبت بها كل شئ و

بعزتك التى لا يقوم لها شئ وبعظمتك التى ملأت كل شئ وبسلطانك

الذى على كل شئ وبوجهك الباقى بعد فناء كل شئ وبأسمائك التى

ملأت اركان كل شئ وبعلمك الذى احاط بكل شئ وبنور وجهك

الذى اضاء له كل شئ يا نور يا نور يا قدوس يا اول الاولين ويا اخر

الاخرين اللهم اغفر لى الذنوب التى تهتك العصم اللهم اغفر لى

الذنوب التى تنزل النقم اللهم اغفر لى الذنوب التى تغير النعم

اللهم اغفر لى الذنوب التى تحبس الدعاء اللهم اغفر لى الذنوب

التى تقطع الرجاء اللهم اغفر لى الذنوب التى تنزل البلاء اللهم

اغفر لي كل ذنب أذنبته وكل خطيئة أخطأتها اللهم إني أتقرب إليك
بذكرك وأستشفع بك إلى نفسك وأسئلك بجودك أن تدنيني من قربك و
وأن توزعني شكرك وأن تلهمني ذكرك اللهم إني أسئلك سؤال الخاضع
المتذلل الطامع أن تسامحني وترحمني وتجعلني بقسمك راضيا قانعا وفي
جميع الأحوال متواضعا اللهم وأسئلك سؤال من اشتدت فاقته
وانزل بك عند الشدائد حاجته وعظم فيما عندك رغبته اللهم
سلطانك وعلى مكانك وحق مكرمك وظهر أمرك وغلب قهرك وجرت
قدرتك ولا يمكن الفرار من حكومتك اللهم لا أجد لذنوبي غافرا ولا
لقبائحي ساترا ولا لشيء من عملي القبيح بالحسن مبدلا غيرك لا إله إلا
أنت سبحانك وبحمدك ظلمت نفسي وتجرأت بجهلي وسكنت إلى قديم
ذكرك لي ومنك علي اللهم مولاي كم من قبيح سترته وكم من فادح
من البلاء أقلته وكم من عثار وقيته وكم من مكروه دفعته وكم

من ثناء جميل لست أهلا له نشرته اللهم عظم بلائي وافرط بي
سوء حالي وقصرت بي أعمالي وقعدت بي أغلالي وحبستني عن نفعي بعد
أمالي وخدعتني الدنيا بغرورها ونفسي بخيانتها ومطالي يا سيدي
فأسئلك بعزتك أن لا يحجب عنك دعائي سوء عملي وفعالي ولا
تفضحني بخفي ما اطلعت عليه من سري ولا تعاجلني بالعقوبة على ما
عملته في خلواتي من سوء فعلي وإساءتي ودوام تفريطي وجهالتي
وكثرة شهواتي وكن اللهم بعزتك لي في الأحوال كلها رؤفا وعلي
في جميع الأمور عطوفا إلهي وربي من لي غيرك أسئله كشف ضري
والنظر في أمري إلهي ومولاي أجريت علي حكما التعبت فيه هوى نفسي
ولم أحترس فيه من تزيين عدوي فغرني بما اهوى وأسعد على
ذلك القضاء وفجاورت بما جرى علي من ذلك من بعض حدودك و
خالفت بعض أوامرك فلك الحمد علي في جميع ذلك ولا حجة لي فيما جرى

عَلَى فِيهِ قَضَاؤُكَ وَأَلْزَمَنِي حُكْمُكَ وَبَلَاؤُكَ وَهَا أَنَا ذَا يَا إِلَهِي بَعْدَ تَقْصِيرِي
وَإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي مُعْتَذِراً نَادِماً مُنْكَسِراً مُسْتَقِيلاً مُسْتَغْفِراً مُنِيباً
مُقِرّاً مُذْعِناً مُعْتَرِفاً لَا أَجِدُ مَفَرّاً مِمَّا كَانَ مِنِّي وَلَا مَفْزَعاً أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ
فِي أَمْرِي غَيْرَ قَبُولِكَ عُذْرِي وَإِدْخَالِكَ إِيَّايَ فِي سَعَةٍ مِنْ رَحْمَتِكَ
اللَّهُمَّ فَاقْبَلْ عُذْرِي وَارْحَمْ شِدَّةَ ضُرِّي وَفُكَّنِي مِنْ شَدِّ وَثَاقِي
وَارْحَمْ ضَعْفَ بَدَنِي وَرِقَّةَ جِلْدِي وَدِقَّةَ عِظَامِي يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي وَذِكْرِي
وَتَرْبِيَتِي وَبِرِّي وَتَغْذِيَتِي هَبْ لِابْتِدَاءِ كَرَمِكَ وَسَالِفِ بِرِّكَ بِي يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَرَبِّي
أَتُرَاكَ مُعَذِّبِي بِنَارِكَ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ وَبَعْدَ مَا انْطَوَى عَلَيْهِ قَلْبِي
مِنْ مَعْرِفَتِكَ وَلَهِجَ بِهِ لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ وَاعْتَقَدَ ضَمِيرِي مِنْ حُبِّكَ
وَبَعْدَ صِدْقِ اعْتِرَافِي وَدُعَائِي خَاضِعاً لِرُبُوبِيَّتِكَ هَيْهَاتَ أَنْتَ
أَكْرَمُ مِنْ أَنْ تُضَيِّعَ مَنْ رَبَّيْتَهُ أَوْ تُبَعِّدَ مَنْ أَدْنَيْتَهُ أَوْ تُشَرِّدَ مَنْ آوَيْتَهُ
أَوْ تُسْلِمَ إِلَى الْبَلَاءِ مَنْ كَفَيْتَهُ وَرَحِمْتَهُ وَلَيْتَ شِعْرِي يَا سَيِّدِي

وَإِلَهِي وَمَوْلَايَ أَتُسَلِّطُ النَّارَ عَلَى وُجُوهٍ خَرَّتْ لِعَظَمَتِكَ سَاجِدَةً وَعَلَى
أَلْسُنٍ نَطَقَتْ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً وَبِشُكْرِكَ مَادِحَةً وَعَلَى قُلُوبٍ اعْتَرَفَتْ
بِإِلَهِيَّتِكَ مُحَقِّقَةً وَعَلَى ضَمَائِرَ حَوَتْ مِنَ الْعِلْمِ بِكَ حَتَّى صَارَتْ خَاشِعَةً
وَعَلَى جَوَارِحَ سَعَتْ إِلَى أَوْطَانِ تَعَبُّدِكَ طَائِعَةً وَأَشَارَتْ بِاسْتِغْفَارٍ
مُذْعِنَةً مَا هَكَذَا الظَّنُّ بِكَ وَلَا الْخَبَرُ عَنْكَ يَا كَرِيمُ يَا رَبِّ أَتُرَى
لِعَلَمِ صَعِقَ عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَعُقُوبَاتِهَا وَمَا يَجْرِي فِيهَا مِنَ الْمَكَارِهِ
عَلَى أَهْلِهَا عَلَى أَنَّ ذَلِكَ بَلَاءٌ وَمَكْرُوهٌ قَلِيلٌ مَكْثُهُ يَسِيرٌ بَقَاؤُهُ قَصِيرٌ
مُدَّتُهُ فَكَيْفَ احْتِمَالِي لِبَلَاءِ الْآخِرَةِ وَجَلِيلِ وُقُوعِ الْمَكَارِهِ فِيهَا وَهُوَ
بَلَاءٌ تَطُولُ مُدَّتُهُ وَيَدُومُ مُقَامُهُ وَلَا تُخَفَّفُ عَنْ أَهْلِهِ لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ
إِلَّا عَنْ غَضَبِكَ وَانْتِقَامِكَ وَسَخَطِكَ وَهَذَا مَا لَا تَقُومُ لَهُ السَّمَوَاتُ
وَالْأَرْضُ يَا سَيِّدِي فَكَيْفَ بِي وَأَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الذَّلِيلُ الْحَقِيرُ
الْمِسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ يَا إِلَهِي وَرَبِّي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ لِأَيِّ الْأُمُورِ

إليك أشكو وإليها منها أصيح وأبكي لأليم العذاب وشديد
البلاء ومديده فلئن صيرتني للعقوبات مع أعدائك وجمعت بيني
وبين أهل بلائك وفرقت بيني وبين أحبائك وأوليائك فهبني يا إلهي
وسيدي ومولاي وربي صبرت على عذابك فكيف أصبر على فراقك
وهبني صبرت على حر نارك فكيف أصبر عن النظر إلى كرامتك أم
كيف أسكن في النار ورجائي عفوك فبعزتك يا سيدي ومولاي
أقسم صادقا لئن تركتني ناطقا لأضجن إليك بين أهلها ضجيج الآملين
ولأصرخن إليك صراخ المستصرخين ولأبكين عليك بكاء الفاقدين
ولأنادينك أين كنت يا ولي المؤمنين يا غاية آمال العارفين يا غياث
المستغيثين يا حبيب قلوب الصادقين يا إله العالمين أفتراك سبحانك إلهي وبحمدك
تسمع فيها صوت عبد مسلم سجن فيها بمخالفته وذاق وبال طعم عذابها
بمعصيته وحبس بين أطباقها بجرمه وجن بزبانيته وهو يضج إليك

ضجيج مؤمل لرحمتك ومنادي بلسان أهل توحيدك وبتوسل
إليك بربوبيتك يا مولاي فكيف يبقى في العذاب وهو يرجوا
ما سلف من حلمك وردا من رحمتك أم كيف تؤلمه النار وهو يأمل
فضلك ورحمتك أم كيف تحرقه لطفها وأنت تسمع صوته وترى مكانه
أم كيف يشتمل عليه زفيرها وأنت تعلم ضعفه أم كيف يتقلقل بين
أطباقها وأنت تعلم صدقه أم كيف تزجره زبانيتها وهو ينادي يا ربه
أم كيف يرجوا فضلك في عتقه منها فتتركه فيها هيهات ما ذلك
الظن بك ولا المعروف من فضلك ولا مشبه لما عاملت به الموحدين
من برك وإحسانك فبالقطع اليقين أقطع لولا ما حكمت به من تعذيب
جاحديك به من إخلاد معانديك لجعلت النار كلها بردا وسلاما
وما كانت لأحد فيها مقرا ولا مقاما لكنك تقدست أسماؤك
أقسمت أن تملأها من الكافرين من الجنة والناس أجمعين وأن

تخلد فيها المعاندين وانت جل ثناؤك قلت مبتدئا وتطولت بالانعام
منكرها امن كان مؤمنا كمن كان فاسقا لا يستوون الهي وسيدي سألك
بالقدرة التي قدرتها وبالقضية التي حتمتها وحكمتها وغلبت من عليه
اجريتها ان تهب لي في هذه الليلة وفي هذه الساعة كل جرم اجرمته
وكل ذنب اذنبته وكل قبيح اسررته وكل جهل عملته كتمته او اعلنته
اخفيته او اظهرته وكل سيئة امرت باثباتها الكرام الكاتبين الذين
وكلتهم بحفظ ما يكون مني وجعلتهم شهودا علي مع جوارحي وكنت
انت الرقيب علي من ورائهم والشاهد لما خفي عنهم وبرحمتك اخفيته
وبفضلك سترته وان توفر حظي من كل خير نزل او احسان تفضلت
او بر نشرته او رزق تبسطه او ذنب تغفره او خطأ تستره يا رب يا رب
يا رب يا الهي وسيدي ومولاي ومالك رقي يا من بيده ناصيتي عالما
بضري ومسكنتي ياخبير بفقري وفاقتي يا رب يا رب يا رب

واسئلك بحقك عليهم وباعظم صفاتك واسمائك ان تجعل اوقاتي في
الليل والنهار بذكرك معمورة وبخدمتك موصولة واعمالي
عندك مقبولة حتى تكون اعمالي واورادي كلها وردا واحدا وحالي
في خدمتك سرمدا يا سيدي يا من عليه معولي يا من اليه شكوت
احوالي يا رب يا رب يا رب قوعلى خدمتك جوارحي واشدد على
العزيمة جوانحي وهب لي الجد في خشيتك والدوام في الاتصال
بخدمتك حتى اسرح اليك في ميادين السابقين واسرع اليك في
المبادرين واشتاق الى قربك في المشتاقين وادنو منك دنو المخلصين
واخافك مخافة الموقنين واجتمع في جوارك مع المؤمنين اللهم ومن
اراد بي سوءا فاردده ومن كادني فاكده واجعلني من احسن عبادك
نصيبا عندك واقربهم منزلة منك واخصهم زلفة لديك فانه
لا ينال ذلك الا بفضلك وجد لي بجودك وكرمك واعطف علي

بحمدك واحفظني برحمتك واحعل لساني بذكرك لهجا وقلبي بحبك
مولعا ومن علي بحسن اجابتك وأقلني عثرتي واغفر لي زلتي فانك
قضيت على عبادك بعبادتك وأمرتهم بدعائك وضمنت لهم الاجابة
فاليك يا رب نصبت وجهي واليك يا رب مددت يداي فبعزتك
استجب لي دعائي وبلغني منائي ولا تقطع من فضلك رجائي واكفني
شر الجن والانس من اعدائي يا سريع الرضا اغفر لي الا يملك الا الدعاء
فانك تعال لما تشاء بامن اسمه دواء وذكره شفاء وطاعته غنى ارحم
من رأس ماله الرجاء وسلاحه البكاء يا سابغ النعم يا دافع النقم يا نور
المستوحشين في الظلم يا عالما لا يعلم صل على محمد وآل محمد وافعل بي
ما أنت أهله وصلى الله على رسوله والائمة المسلمين من آله وسلم تسليما

فصل پنجاه و دوم در اعمال بقيه ماه است از حضرت امام رضا منقولست كه هر
روز از اخر ماه شعبان را روزه بدارد و گيماه مبارك رمضان وصل كند حق
تعالى ثواب روزه دو ماه متوالي باو كرامت كند و ابو الصلت هروي ترا
گرفته است كه در جمعه اخر ماه شعبان محدث حضرت امام رضا رقم

حضرت فرمود كه اي ابو الصلت اين جمعه اخر ازاست پس مدارك و تلافي
كن در آنچه از اين ماه مانده است تقصيرها را كه در ايام گذشته اين ماه كرده
و بگو تا بداند كه روا و روي بر آنچه نافع است بر تو در آخرت دعا و استغفار بسيار
بكن و توبه و انابت فراوان بجا بيار و بگو كه بسوي حق تعالى از گناهان خود
تا آنكه جوشن ماه مبارك رمضان در تو اثر كند و تو را از شر
خدا و مكار در كردن خود امانت و خوي كيني را مكر آنكه او را كيني و مكار
در دل خود كينه كيني را مكر آنكه بيرون كني و مكار را كاهي را كه ميكرده
مكر آنكه ترك كني و از خدا بترس و توكل كن بر خدا در پنهان و آشكارا امور خود
و هر كه بر خدا توكل كند خدا بس است او را و بسيار بخوان در بقيه اين ماه
اين دعا را اللهم ان لم تكن غفرت لنا فيما مضى من شعبان فاغفر لنا فيما بقي
منه

بدرستي كه حق تعالى آزاد ميكرد بندهاي بسيار را از آتش جهنم در
حرمت مبارك رمضان و بسند بسيار معتبر منقولست كه حضرت
صادق در شب آخر شعبان و شب اول ماه رمضان اين دعا ميخواندند
اللهم ان هذا الشهر المبارك الذي انزلت فيه القرآن هدى للناس
وبينات من الهدى والفرقان قد حضر فسلمنا فيه وسلمه لنا وتسلمه
منا في يسر منك وعافية بامن احد القليل وشكر الكثير فمثل سني
اليسير اللهم اني اسئلك ان تجعل لي الى كل خير سبيلا ومن كل ما
تحب ما نعا برحمتك يا ارحم الراحمين بامن عفى عني وعما خلوت به من السيئات

عفوك عفوك

يا من لم يؤاخذ بارتكاب المعاصي عفوك يا كريم الهي وعطفك ولو
العطف وزجرني عن محارمك فلم ازدجر فما غدري فاعف عني يا كريم عفوك
عفوك اللهم اني اسئلك الراحة عند الموت والعفو عند الحساب
عظم الذنب من عبدك فليحسن العفو من عندك يا اهل التقوى و
واها اهل المغفرة عفوك عفوك اللهم اني عبدك ابن عبدك ابن امتك
ضعيف فقير الى رحمتك وانت منزل الغنى والبركة على العباد فصل
فرجم الى رحمتك فلا تصرف عني وجهك
واجعلني من صالح خلقك في العمل والامل والقضاء والقدر و
الهي ابقني خير البقاء وافني خير الفناء على موالاة اوليائك ومعاداة
اعدائك والرغبة اليك والرهبة منك والخشوع والوفاء والتسليم

والتصديق بكتابك واتباع سنة رسولك اللهم ما كان في قولي من شك
او ريبة او جحود او هوط او فرح او بدح او بطر او خيلاء او رياء او سمعة
او شقاق او نفاق او كفر او فسوق او عصيان او عظمة او شيء لا تحب
فاسئلك يا رب ان تبدلني مكانه ايمانا يوعدك ووفاء بعهدك ورضا
بقضائك وزهدا في الدنيا ورغبة فيما عندك وانزع وطما بنيه و
توبة نصوحا اسئلك ذلك يا رب العالمين الهي انت من خلقك
فكانك لم تزل ومن كرمك وجودك تطاع فكانك لم تعص وانا ومن
يعصك لكان ارضك فكن علينا بالفضل جوادا وبالخير عوادا يا ارحم
الراحمين وصلى الله على محمد وآله وصلوة دائمة لا تحصى ولا تعد
ولا تبيد رددها غيرك يا ارحم الراحمين اما نمازهاي مخصوص
وارد شده وعلما ذكر كرده اند

شبها كه باسانيد معتبر

از فارغ شدن از هفتاد مرتبه سوره حمد و توحيد و بعد
ومعوذتين هر يك مرتبه سه دو ركعت در هر ركعت حمد بيست و
پنج مرتبه توحيد چهل و پنج ركعت در هر ركعت حمد بيست و پنج

مرتبه توحید پنج دو رکعت در هر رکعت حمد و پانصد مرتبه
توحید و بعد از نماز هفتاد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد شصت
چهار رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید هفتاد دو رکعت در
هر رکعت حمد و صد مرتبه توحید هشتاد دو رکعت در رکعت اول حمد
و آیه امن الرسول تا آخر سوره و پنج مرتبه توحید و در دوم حمد و آیه
قل انما انا بشر و پانزده مرتبه توحید شصت چهار رکعت در هر رکعت
حمد و ده مرتبه اذا جاء نصر الله نهم چهار رکعت در هر رکعت حمد و
آیه الکرسی یکمرتبه و سوره انا اعطیناک الکوثر نه مرتبه با دانهم هشت
رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه قل یا ایها الکافرون دوازدهم
رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه سوره الهیکم التکاثر سیزدهم دو
رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه والتین چهارده چهار رکعت در هر رکعت
حمد و پنج مرتبه سوره والعصر پانزدهم چهار رکعت در میان نماز شام
و خفتن و در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید و بعد از نماز ده مرتبه
یا رب اغفر لنا و ده مرتبه یا رب ارحمنا و ده مرتبه یا رب تب علینا و بیست
و یکمرتبه توحید و ده مرتبه سبحان الله الذی یحی الموتی و یمیت الاحیا
و هو علی کل شیء قدیر شانزدهم دو رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه آیه
الکرسی و پانزده مرتبه توحید هفدهم دو رکعت در هر رکعت حمد و هفت
یکمرتبه توحید و بعد از نماز هفتاد مرتبه استغفار کند هیجدهم دو
رکعت و در رکعت حمد و پنج مرتبه توحید نوزدهم دو رکعت در هر رکعت
حمد و پنج مرتبه آیه قل اللهم مالک الملک بیستم چهار رکعت در هر رکعت
حمد و پانزده مرتبه سوره اذا جاء نصر الله بیست و یکم هشت رکعت در هر رکعت
حمد و یکمرتبه توحید و معوذتین بیست و دوم دو رکعت در هر رکعت حمد
و یکمرتبه قل یا ایها الکافرون و پانزده مرتبه توحید بیست و سی رکعت
در هر رکعت حمد و یکمرتبه سوره اذا جاء نصر الله بیست و چهارم دو رکعت

سوی اذا جاء نظر شصت و پنج دو رکعت در هر رکعت حمد و پنج

دو هر رکعت حمد و یکمرتبه الهیکم التکاثر بیست و پنجم دو رکعت در هر رکعت
حمد و ده مرتبه آیه امن الرسول بیست و ششم دو رکعت در هر رکعت حمد و ده
مرتبه سوره سبح اسم ربک الاعلی بیست و هفتم چهار رکعت در هر رکعت حمد
یکمرتبه توحید و معوذتین بیست و هشتم ده رکعت در هر رکعت حمد یکمرتبه و هر
از الهیکم التکاثر و توحید و معوذتین بیست و نهم دو رکعت در هر رکعت حمد و
مرتبه سبح اسم ربک الاعلی و بعد از سلام صد مرتبه اللهم صل علی
محمد و آل محمد بامداد سی ام در بیان عملی از فضایل و اعمال ماه مبارک رمضان
در آن است و در آن هشت فصل است فصل اول در بیان فضیلت این ماه مبارک
است باید دانست که ماه رمضان ماه خداوند عالمیان است و شریفتر
ماه ها است چنانچه بسیاری معتبر از حضرت امام رضا روایت کرده اند
که حضرت رسول در آخر ماه شعبان خطبه خواندند و فرمودند ایها الناس
بدرستی که روی کرده است بسوی شما ماه خدا با برکت و رحمت و آمرزش
ماهی است که نزد خدا بهترین ماه ها است و روزهای این ماه بهترین روزها
و شبهای این ماه بهترین شبها است و ساعتهای این ماه بهترین ساعتها است ای
ماهی است که خوانده اند شما را بسوی ضیافت خدا و گردیده اید شما
در آن از اهل کرامت خدا نفسهای شما در آن ثواب تسبیح دارد و خواب
شما ثواب عبادت دارد و عملهای شما در آن مقبول است و دعای شما در آن
مستجاب است پس سوال کنید از پروردگار خود به نیتهای درست و دلها
پاکیزه از کدورتها و صفات ذمیمه که توفیق دهد شما را برای روزه داشتن
آن و تلاوت کردن قرآن در آن بدرستی که شقی و بدبخت کسی است که
محروم گردد از ثواب و آمرزش خدا در این ماه عظیم و یاد کنید بگرسنگی
و تشنگی شما در این ماه گرسنگی و تشنگی روز قیامت را و تصدق کنید
بر فقیران و مسکینان خود و تعظیم نمائید پیران خود را و رحم کنید کوچک
خود را و نوازش کنید خویشان خود را و نگاه دارید زبانهای خود را از

نباید گفت و بپوشید بدهای خود را از آنچه حلال نیست شما را ظا
کرده بسوی آن و باز دارند کوشهای خود را از آنچه حلال نیست شما
شنیدن آن و مهربانی کنید با یتیمان مردم تا مهربانی کنند بعد از شما
با یتیمان شما و بازگشت کنید بسوی خدا از گناهان خود و بلند کنید
بسوی خدا دستهای خود را بدعا در اوقات نمازهای خود زیرا که وقت
نمازها بهترین ساعتها است نظر میکند خدای تعالی در این اوقات برحمت
بسوی بندگان خود و جواب میگوید ایشان را هرگاه مناجات کنند و میگوید
میگوید ایشان را هرگاه ندا کنند و مستجاب میکرداند هرگاه او را دعاه
کنند انگروه مردمان بدرستی که مجازاتهای شما در کردهای شما
است پس از گرفوبد دارید بطلب آمرزش از خدا و دستهای شما گران
بار است از گناهان شما پس سبک گردانید اطها را بطول دادن سجده
و بدانید که خدای تعالی سوگند یاد کرده است بعزت خود که عذاب
نکند نمازگذارندگان و شنده کننده گان را و نترساند ایشان را آتش جهنم
در روز قیامت ایها الناس هرگاه افطار کنند در این ماه روزه دار
مؤمنی زاد در این ماه از برای او خواهد بود نزد خدا ثواب بنده آزاد کردن
و آمرزش گناهان گذشته پس بعضی از صحابه گفتند یا رسول الله همه ما
قدرت بر این نداریم حضرت فرمود که بپرهیزید از آتش جهنم باطار فرمود
روزه داران اگرچه بنصف دانه خرما باشد اگرچه بیک شربت آب باشد
بدرستی که خدا این ثواب را میدهد بکسی را که چنین میکند اگرچه در روزه با
از این بنا شد ایها الناس هرکه خلق خود را در این ماه نیکو گرداند بر صراط
بگذرد در روزیکه قدمها بران بلغزد و هرکه سبک گرداند در این ماه
غلام و کنیز خود را خدای تعالی در قیامت حساب او را آسان گرداند و هرکه
شر خود را از مردم باز دارد خدای تعالی غضب خود را در قیامت از او باز دارد
و هرکه در این ماه یتیمی را بدر خانه خود را در خدا او را در قیامت گرامی

دارد و هرکه در این ماه صله و احسان کند با خویشان خود خدا وصل
کند او را برحمت خود در قیامت و هرکه در این ماه قطع احسان خود را از
خویشان خود بکند خدای عزوجل در قیامت قطع رحمت از او بکند و هرکه در
نماز سنتی در این ماه بکند خدای تعالی برات بیزاری از آتش جهنم برای او
بنویسد و هرکه در این ماه نماز واجبی را ادا کند خدا عطا کند باو ثواب
هفتاد نماز واجب که در ماههای دیگر کرده شود و هرکه در این ماه بسیار صلوات
فرستد بر من ترازوی اعمال او سنگین گرداند نزد او روز قیامت
گذر او از پلها بر اعمال سبک نباشد و کسی که یک آیه از قرآن در این ماه بخواند
ثواب کسی را داشته باشد که در ماههای دیگر ختم قرآن کرده باشد ایها الناس
بدرستی که در بهشت درختهای است که شاخهای آن از نقره و برگهای
خود در این ماه گهرهای سفید بر روی شما میریزد در درختهای جهنم در این ماه میوه است
از خدا سوال کنید که بر شما نگشاید و شیاطین را در این ماه غل نکنند بر
سوال کنید از خدا که هرگز بر شما مسلط نگرداند و ایضا از حضرت امیر
المؤمنین منقول است که در ماه رمضان خطبه خواندند و فرمودند ایها الناس
این ماهی است که خدا او را بر سایر ماههای دیگر فضیلت و زیادتی داده
است مانند فضیلت ما اهل بیت بر سایر مردم و در این ماه گشوده میشود
درهای آسمان و درهای بهشت و درهای رحمت و بسته میشود
درهای جهنم و در این ماه شنیده میشود دعاهای مؤمنان و مستجاب
میگردد دعاهای ایشان و رحم میکنند گریه‌های ایشان را و در این ماه تا
هشت که در آن شب ملائکه از آسمان بر زمین می‌آیند و سلام میکنند
بر مردان و زنان روزه دار بر حضت بروز کار خود تا طلوع صبح و آن شب
قدر است که حق تعالی مقدر کرده است در آن شب ولایت و امامت
مرا پیش از آنکه آدم خلق کنند بدو هزار سال عبادت آن شب بهتر است
از عبادت هزار ماه و روزه روز آن بهتر است از روزه هزار ماه

ایها الناس بدرستی که اقبالها بی ماه رمضان و ماهتاب ها می اید
طالع میشود بر مردان و زنان روزه دار بارجحت و این ماه شما مانند
ماهها بی دیگر نیست روزهایش بهترین روزها است و شبهایش
بهترین شبها است و دیوان و شیطان در این ماه عمل کرده و دروزند
وزیاد منکنند خدا در این ماه روزیها و عمرها را مینویسد و مقدر میکند
در این ماه حاجیان بیت الله را وعده داده و بایمان حفظ تعالی رو میکند بسوی اهل
ایمان با مرزش و غفران و رحمت و روزی و خوشنودی خداوند
دهنده ای روزه دارند پس هر کار خود بکن بدرستی که در این ماه مهمان
پروردگار خود ی نظر کن و تامل نما که چگونه خواهی بود در شب خود
و در روز خود و چگونه نگاه میداری اعضا و جوارح خود را از معصیتها
پروردگار بین نظر کن که در شبها در خواب نباشی و در روزها غافل از یاد خدا
نباشی پس بیرون رود ماه مبارک و گناهان تو برتو باقی نمانده باشد پس
در هنگامی که روزه داران مزدهای خود را گیرند تو از جمله زیان کاران
نباشی و در روزی قوی که بکرامتهای خود فایز گردند از جمله محرومان نباشی
و در روزی که سعادتمندان گردند بجاورت دوستان پروردگار خود
نوازنده شده ها باشی ای روزه دار اگر تو را اقامی تو از درگاه خود بر
گرداند بکدام درگاه رو خواهی اورد و اگر محرومت گرداند پروردگار تو
کی روزی خواهد داد تو را و اگر او تو را خوار کند کی تو را گرامی خواهد
داشت و اگر او تو را ذلیل گرداند کی تو را گرامی خواهد گردانید و اگر او
تو را واگذارد کی تو را یاری خواهد کرد و اگر او تو را از بندگان خود
نکند بند کی کدام خداوند را اختیار خواهی کرد و اگر از لغزشها و گناهان
گناهان تو را بنیامرزد امید بکی خواهی داشت برای امرزش گناهان
خود و اگر حق خود را که بر تو واجب گردانیده از تو طلب نماید چه جواب
دهی را برخواهی گفتای روزه دار بقدرت یحیی بسوی خدا بتلاوت

کردن کتاب خدا در شبها و روزهای ایمان زیرا که کتاب خدا شفاعت
کننده ایست که شفاعت او را قبول میکنند و در قیامت شفاعت میکند
برای انها که تلاوت آن کرده اند پس با علیین برونند بدرجات بهشت بقدر
تلاوت ایات قرآن ای روزه دار بشارت باد ترا که هر بقبی که میکنی ثواب
تسبیحی در نامه عمل تو مینویسند و خواب تو در ایمان عبادتست و طاعت
تو در ایمان مقبولست و گناهان تو در ایمان امرزیده است و اوزارهای تو در
ماه بدخاشینده شده است و مناجات و نیازی که با خدا میکنی بر تو رحم
میکنند بدرستی که شنیدم از حبیب خود حضرت رسول که خداوند
عالمیان را در هر شب از شبهای ماه مبارک رمضان ازاد کرده هاست
از اتش جهنم که عدد انها بقدر از خدا کسی نمی داند چون شب اخر ماه
میشود در انشب می امرزد مثل انچه در جمیع ماه امرزیده است و ایضا
فرمود که هر که ماه رمضان را روزه دارد و نفس خود را از چیزها که خدا
حرام کرده است نگاه دارد بهشت او را واجب گردد و هر که در ایمان روزه
دارد و در هیچ شب از شبهای ان بحرام افطار نکند البته داخل بهشت
شود پس حضرت امیر فرمود که شنیدم از رسید انبیا که فرمود که بهترین
اوصیای پیغمبران در بهترین ماهها شهید خواهد شد گفتم بهترین
ماهها کدام است و بهترین اوصیا کیست فرمود که بهترین ماهها ماه رمضان
است و بهترین اوصیا نوبی تا بعل گفتم یا رسول الله این البته خواهد فرمود
که علی بجهت بروز کارم بدرستی که مرا انگیخته میشود بدبخت ترین امت من
جفت بی گذنده ناقه صالح و ضربتی بر سر تو خواهد زد که ریش تو از خون
سرت خضاب شود پس مردم شروع بگریه و فغان کردند و حضرت را
منبر تو برامد و ایضا از حضرت رسول منقولست که بندهای معتبر
که فرمود ایها الناس هر که وارد شود بر او ماه رمضان پس روزه او
روزه را بر او واجب شد بقدر او عبادت قدر مقرری از شب را و نمازهای

در اوقات فضیلت یا اورد و میاورد زنت کند بنابر جمعه ان و یا مداد بنابر
عیدان حاضر شود پس در یافته خواهد ثواب شب عید را و همچنین بنابر مسکرید
بجایزها و بخششهای بزرك و بخششهای خدا مانند بخششهای بندگان
نیست **فصل** در بیان حقیقت روزه ها است و انچه در ان معتبر است
بدانکه روزه باز داشتن خود است از چیزی چند که روزه را مفسد کنند
از طلوع صبح تا بر طرف شدن سرخی از جانب مشرق بنابر مشهور و تا نهان
شدن قرص افتاب یعنی بر طرف شدن شعاع ان از کوهها و عمارات
مرتفعه و قول اول احوط است تا نیت فرصت پس تا بد که بداند انچیزها را
تا نیت نواند کرد و چون میان علما اختلاف بسیار هست در انها اگر
قصد کند ترك همه را از برای رضای خدا ظاهر انکافی باشد اما بهتر
انست که انچه متیقن باشد وجوب ترك انها قصد ترك انها کند بعنوان
وجوب خلافی باشد قصد ترك انها کند احتیاطا و انچه بی در غذ قه
مکروه باشد ترك انها کند مستحبا و اگر قصد ترك جمیع محرمات را کند
بهتر است و اما انها کردن واجب است ترك انها کردن اول ان چیز خوردن
و اشامیدن و چیزی که خوردن و اشامیدن ان متعارف و معتاد نباشد
در ان خلافی نیست که مبطل صوم است و موجب قضا و کفاره هر دو و مشهور
و اگر بعنوان معتاد بخورد و اگر بغیر معتاد باشد مانند انکه دود دماغ
یا کوش بکاند چیزی را و بحلق داخل شود محل خلاف است و صحیحتر خلاف
است در خوردن و اشامیدن چیزی که خوردن و اشامیدن انها
معتاد مردم نباشد مانند سنك و چوب و خاك و کاهها و اب فشرده شده
از کیاهای غیر معتاد اظهر انست که اگر بعنوان معتاد باشد اجتناب از انها
واجبست و احوط انست که اگر بکند قضا و کفاره بعمل اورد **مسئله**
جماع کردن در قبل زنست مطلقا خواه انزال بشود و خواه نه و فعل ان
موجب قضا و کفاره میشود بی خلاف و جماع در دبر زن هرگاه انزال

شود روزه را باطل میکند و قضا و کفاره لازم میشود و مشهور ان است
که جماع در دبر بدون انزال بتنهایی مبطل صوم و موجب قضا و کفاره است
و بعضی مبطل نمیدانند و اول اقوی است **مسئله** باقی ماندن بر جنابت
تا صبح و اشهر و اقوی انست که مبطل است و موجب قضا و کفاره است
و بعضی مبطل ندانسته اند و بعضی قضا بی تنها واجب دانسته اند
و احوط ان است که اگر زن حایض پاك شود پیش از فجر غسل بکند و اگر نکند
احوط ان است که غسل کند بعد از صبح و ان روز را روزه بدارد و قضا
نیز بکند و اگر جنب را غسل متعذر باشد احوط انست که تیمم بکند
و تیمم را نشکند تا صبح شود و خواب اول بعد از جنابت در حالی که نیت
غسل کردن داشته باشد و احتمال بیدار شدن در هد جایز
و مشهور انست که اگر تا صبح بیدار نشود قضای ان روز بر ان واجب
نیست و بعضی واجب دانسته اند و ان احوط است و مشهور ان
است که اگر بخوابد تا صبح و نیت غسل نداشته باشد بر او قضا و
کفاره لازم است و این احوط است اگرچه در دلیلش سخنی هست و
مشهور در خواب دویم وجوب قضا است و این قول قویست بلکه
خلافی در ان ظاهر نیست و جمعی از اصحاب را اعتقاد انست که در
خواب سیم جنب هرگاه بصبح رسد قضا و کفاره هر دو واجب است
و اقوی عدم وجوب کفاره است و بعضی از متاخرین را اعتقاد این
است که خواب بعد از بیدار شدن از احتلام حکم خواب دویم را
دارد چنانچه والد مرحوم قدس سره اختیار نموده و این احوط است بلکه
خالی از قوتی نیست و بدانکه در روزهای غیر ماه مبارك رمضان
بتر خلاف است که ایا باید که صبح را بابد در یابد یا نه و خواب نیست
که در قضای ماه مبارك میباید صبح جنب نباشد و در غیر قضا احوط
انست که اگر صبح ظاهر نباشد و واجب معتبر نباشد ان روز را

ندارد واگر معین باشد آن روز را روزه بدارد و قضا نیز بکند اگر عمدا کرده
باشد دو توبت کرده کفاره در کار نباشد واگر بهذا خوطا است و در روزه
ستت اگر بر جنابت عمدا بماند تا صبح و پیش از زوال غسل بکند و نیت روزه
بکند بگمان نفیر روزه اش صحیح است و در واجب معین اگر عمدا نیت را ترک
کند و پیش از زوال نیت کند مشهور بر آنست که روزه اش باطل است و قضا
میکند و کفاره واجب نمیشود و اگر از روی فراموشی نیت را ترک کند تا زوال
نیت میتواند کرد و در واجب غیر معین تا زوال نیت میتواند کرد اگرچه قضای
ماه رمضان باشد و روزه ستت خلافی نیست که اگر در شب نیت نکرده
باشد و مغطری بعمل نیاورده باشد تا اول نیت میتواند کرد و بعد از زوال
خلاف است و بعضی گفته اند تا نزدیک شام نیت میتواند کرد و جمعی از
محققین علما بر این قایلند و نزد فقیر قوی است و بعضی گفته اند بعد از زوال
نیت نمیتواند کرد و بعضی گفته اند که اگر پیش از زوال نیت کند ثواب روزه
تمام روز را میابد و اگر بعد از زوال نیت کند ثواب روزه بعد از نیت
تا شام را میابد **مسئله** رسانیدن غبار غلیظ است بحلق و بعضی آنرا موجب
قضا و کفاره میدانند و بعضی قضای تنها و بگمان فقیر مبطل نیست و احوط
در غبار مشهور است و بعضی از متاخرین ملحق نساخته اند بغبار غلیظ و در
غلیظ و بخار غلیظ را گاه از اجزاء متفصل شود چون دود شود و بخار دیگ
و اظهر عدم بطلان است و احوط اجتناب است حتی از دود تنباکو **ششم**
استمنا است یعنی طلب نزول منی کردن با حصول آن و موجب قضا و کفاره
و مشهور آنست که هر گاه ملامسه و ملاعبه کند و انزال شود روزه ان
باطل میشود و کفاره لازم است و بعضی در این تامل نموده اند خصوصا
وقتیکه نسبت بحلال خود نباشد و عادت ان انزال نباشد بلکه احوط و اقوی
وجوب قضا و کفاره است مطلقا و نظر کردن بزن حلال تا حرام یا صدا
از شنیدن یا بخیال خود در آوردن هر گاه باعث بیرون آمدن منی شود

وعضدا نزال نداشته باشد و با زعفران نباشد خلافی است و اظهر عدم
وجوب قضا و کفاره است **هفتم** فی کردن است عمدا و اگر موجب قضا می
میدانند و بعضی قضا و کفاره هر دو را واجب میدانند و بعضی هیچ یک
را واجب نمیدانند و مسئله مشکل است و وجوب قضای تنها خالی
از قوتی نیست و مشهور بر آنست که هر گاه فی بی اختیار اید بر او قضا نیست
و بعضی قضا را واجب دانسته اند و این قول ضعیف است **هشتم** خفته است
و بعضی موجب قضا و کفاره هر دو دانسته اند و بعضی قضای تنها و بعضی
حرام دانسته اند و موجب هیچ یک ندانسته اند و بعضی خفته نابع را موجب
قضا دانسته اند و خفته متامذ را نامتامذ شافی مکروه دانسته اند و بعضی
مطلقا مکروه دانسته اند و این قول اقوی است و احوط از اب کردن
ضرورت خفته بمایع نکند و اگر بکند قضا بکند و اشهر و اقوی آنست
که چکانیدن در دا در گوش موجب فساد صوم نمیشود و سعوط در بینی هم
بعذری بحلق نکند ایضا اقوی آنست که جایز است و موجب قضا و کفاره
دانسته اند و اگر بحلق برسد لحوط اجتناب است **نهم** دروغ گفتن بر خدا
و رسول خدا و ائمه یا انکار حدیث دروغی نقل کند یا مسئله خلاف واقع
بگوید تا لکر گوی گمراه مسئله گفتن نداشته باشد بگوید در گمراه
شکی نیست و بعضی در روزه موجب قضا و کفاره میدانند و بعضی میگویند
موجب فساد صوم نمیشود و خالی از قوتی نیست و احوط آنست که اگر بکند
قضا بکند و کفاره **دهم** سر فرو بردن در آب است و جمعی آنرا موجب قضا و
کفاره میدانند و بعضی موجب قضای تنها میدانند و بعضی حرام میدانند
و موجب هیچ یک نمیدانند و بعضی مکروه میدانند و اظهر جواز است
و عدم وجوب قضا و کفاره و بعضی گفته اند که اگر سر را با اب فرو برد یا اگر
بدن بفرو رفتن با شد با زخم از تمامش دارد و این احوط است و بعضی
گفته اند که اگر فرو برد مناذ سر را دفعه هر چند مناسب مو بیرون

باشد نماز حکم ارتماس دارد و این احوط است و احوط آنست که در وضو سنت
بترسرا با آب فرو نبرد و بعضی بنجوز کرده اند و احوط ترک کذا فی الهم بلغنی
که از شنبه تا ازدهم فرو نباید برد و فرو بردن آن علما را سه قول
است اول جواز ابتلاع آنچه بیرون نخواهد از شنبه تا دام که از دهن
منفصل نشود و عدم جواز آن قسم دیگر دوم جواز ابتلاع هر دو قسم
تا دام که بدهن نرسد و تحریم ابتلاع هر دو هرگاه بدهن برسد سیم جواز
کشیدن از شنبه و سوم جواز فرو بردن تا دام که از دهن جدا نشود و
جمعی که حکم بفساد کرده اند بعضی بعضای آنها قائل شده اند و بعضی
کفاره را نیز واجب میدانند و بعضی کفاره جمیع قائل شده اند و گمان
قویتر از اینست که هیچ یک لازم نمیشود اما احتیاط از اینست که بعد از انکه
بعضای دهن نباید فرو نبرد تذنیب مشهور میان علما اینست که مکروه
است زن روزه دار در میان آب بنشیند و بعضی گفته اند هرگاه تا کمر
در آب نشیند قضا بر و لازم است و بعضی کفاره را نیز لازم دانسته
اند و اول اظهر است و در خوابیدن فندان و مضطجع کذا بش را فرو
برد بعضی حرام دانسته اند و اظهر جواز است و مشهور میان علما
اینست که اگر کسی گمان کند که شب باقی است بلکه اگر شک هم داشته
باشد جایز است خوردن و آشامیدن تا صبح مشخص شود و اگر معلوم
کرد صبح بوده است وقت که خورده و آشامیده اگر ملاحظه کرده باشد
و خورده باشد قضا واجب نیست و اگر ملاحظه نکرده باشد و خورده
قضا واجب است و کفاره واجب نیست و اگر کسی مضمضه کند جهت
وضوی نماز واجب و آب بی اختیار بحلق او رود قضا بر او واجب نیست
و اگر جهت نماز نافله باشد بعضی گفته اند قضا بر و لازم است و اگر
عبث مضمضه کند و آب بحلقش رود جمعی قضا را واجب دانسته اند
و این احوط است و اظهر عدم وجوب است مطلقا و در کروایتی وارد

شده است که بعد از مضمضه سه مرتبه آب دهان را باید بیندازد و این
احوط است فصل سیم در نیتها و آداب روزه است مکروه است روزه دار را
بوسیدن زنان و دست بیدن ایشان مالیدن و دست بازی کردن با انها
و امرد است که کراهیت مخصوص بصورتی است که ایمن نباشد از تهوت او انها
و خوف وقوع در جماع داشته باشد و مکروه هست بچشیدن چیزی که از
طعمی باشد که بحلق رسد یا در دهان مشکل باشد و مشهور کراهیت بیرون آوردن
نوره است از بدن که باعث ضعف او شود و در حمام احتیاط بیشتر باید کرد
و همچنین داخل شدن در حمام که ضعف آشد و مکروه هست بوئیدن
گلها خصوصا نرگس و هنبر است که مشک را هم بنویسد و سایر بوهای خوش مکروه
نیست بلکه سنت است و از حضرت صادق که طیب بخفه صائم مسک و فرمود
که هر روزه داری که دوست دارد که خوش بوی کند عقلش زایل نکرده و آشامیدن
و قوی است کربوئیدن را بحه غلیظ مضطر نیست و بوئیدن را بحه غلیظ
که بیخوف رسد موجب قضا و کفاره میشود و احوط آنست که بوی خوش
کرید مانع بالا رود بنویسد چنانچه در وضو ابتی وارد شده است و مکروه هست
صائم را حجامه کردن مگر آنکه خوف ضعف بدو راه یابد و مستحب است ترک کند و مکروه است زن صائمه را که در آب
بنشیند چنانچه گذشت و از حضرت صادق منقول است که هرگاه روزه دار
مبتلا شود که روزه باشد گوش تو و چشم تو و موی تو و پوست تو و جمیع اعضای
تو بگویند از ما چه میخواهی و مکروه هست و مرفوع که باید روزه تو مانند روز افطار
تو نباشد و ایضا از آن حضرت منقول است که روزه نه همین از خوردن و آشامیدن
میدن راست تنها بلکه باید که دیده و گوش و زبان روزه نگاه دارند زبان خود را از دروغ
و بیهوده و غیبت و سخن چینی و دیده های خود را از حرام و باید بکدیگر نزاع نکنند و حسد نبرند
و غیبت نکنند و مجادله نکنند و سوگند دروغ نخورند بلکه سوگند راست
نیز و دشنام ندهند و فحش نگویند و ستم نکنند و بیخردی نکنند و لجاج
نشوند و غافل نشوند از یاد خدا و از ذهن خاموش نباشد از آنچه باید گفت و صبر

کنید و راست گو باشید و دوری کنید از اهل شر و اجتناب کنید از
گفتار بد و دروغ و افترا و خصومت کردن با مردم و کمان بد بردن و غیبت
کردن و سخن چینی کردن و خود را مشرف بر آخرت دانید و منتظر فرج و ظهور
قائم آل محمد باشید و ارزومند تو انها ی آخرت باشید و توشه اعمال صالحه
برای سفر آخرت بردارید و بر شما باد دوام دل و دوام تن و خضوع و خشوع و
شکستگی و مذلت مثل بنده کمتر از اقای خود تر سان باشید از عذاب خدا امید
وار باشید رحمت او را و باید پاک باشد ای روزه دار دل تو از غیبتها و باطن تو
از حیلها و مکرها و باکیزه باشد بدن تو از کثافتها و پرهیزاری بجوئی خدا
از انچه غیر اوست و در روزه ولایت خود را خالص کرده ای از برای او و فضاحتو
باطنی تو را از انچه حق تعالی اطلعی کرده است تو را از ان در اشکار و پنهان و بترسی
از خدا و بدفعها را انچه سزاوار ترسیدن اوست در پنهان و اشکار و بسنجش
روح و بدن خود را بخدای عز و وجل در ایام روزه مخود و فارغ کردانی دل
خود را از برای محبت او و اد او و بدن خود را بکار فرمانی از انچه خدا تو را
کرده است بان و خوانده است بسوی ان اکر همه اینها را بعمل اوری سزاوار روزه داشتن است بعمل اورده و فرمود که خدا را اطاعت کرده و
کمکی از انها کرا برای تو بیان کردم بعضی از روزه تو کم میشود از فضل
ان و ثواب ان و بدرستی که بد روغ گفت که رسول خدا شنید که زن روزه
دار به خود را دشنام داد حضرت طعامی طلبید و ان زن را گفت بخور زن
گفت روزه ام حضرت فرمود چگونه روزه دار به خود را دشنام دادی روزه
از خوردن و اشامیدن نیست بدرستی که حق تعالی روزه را اجابی
کرداینیده است از شما برامور قبیحه از گفتار بد و ارکردار بد چه بسیار کم اند
روزه داران بوجه نیستا روند کرسنکی کشیدکان و حضرت امیر المؤمنین
فرمود چه بسیار روزه داری که بهره نیست او را از روزه بغیر کرسنکی و
کرسنکی و چه بسیار عبادت کننده که نصیب او را هیچ از عبادت بغیر تعب

ای خوشا خواب زیرکان که بهتر از بیداری آشوبناک اوعبادت احمقان است و خوشا
افطار کردن زیرکان که بهتر از روزه داشتن بیخردان است زیرا که خواب
مفطران چون به نیت صحیح و قلب طاهر واقع میشود از جمله عبادات شمرده
است بلکه ارواح ایشان در غالیه قدس با ارواح انبیا و اوصیا و خلص
مومنان محشور میکردند و بر اسرار غیب بر و ا ی صادقه مطلع میکردند
و را هجا را زاهای فرقه ایشان است و افطار خردمندان چون از روی
دانا نیست و بوجهی که حق تعالی خواسته افطار نمیاید بهتر است از روزه
احمقان که روزه را در کشکاه خود فروشی کرده اند و بر ا و عجب مزروح میشود
منکرنا شده و شرایط صوم عمل نمیکنند بعمل جاهلان در بیان شرایط اداب
دخول ماه رمضان سنت است طلب کهلال ماه رمضان و بعضی
واجب دانسته اند و از حضرت امام جعفر صادق منقول است که چون
هلال ماه را دیدی اشاره بسوی هلال مکن و رو بقبله کن و دست را بسوی
بسوی خدا بلند کن و بر تو باد بکو اللهم انت ربی و ربک الله رب العالمین اللهم اهله علینا بالامن
والایمان والسلامة والاسلام والمسارعة الی ما تحب وترضی اللهم
بارک لنا فی شهر نا هذا وارزقنا خیره وعونه واصرف عنا ضره وشره
وبلاءه وفتنه وهبنی من دعاها دعایی صحیفه کامله است وابن ابی
یعفور از ان حضرت روایت کرده است دعا را در وقت رویت هلال ماه مبارک
رمضان واجب الحمد لله الذی خلقنی وخلقک وقدر منازلک وجعلک
دانسته است
مواقیت للناس اللهم اهله علینا اهلالا مبارکا اللهم اجعله

تمام ماه بکند و بار هر شب نیت کند بهتر است و نیت چنین میکند که
میکند که فرض روزه ماه رمضان میدارم واجب قربة الی الله و در روز
اول ماه سنت است که غسل کند در آب جاری و بنی کفاب بر سر ریزد
و از حضرت صادق منقولست که چون در اول سال چنین کند از جمیع دردها
و دردها و درد ها در تمام سال ایمن گردد و ایضا از ان حضرت منقولست
که هر که در روز اول ایام کفی از کلاب بزرگ و بزند از خوارش و بر شانی نجات
یابد و اگر هر روز بکند در این روز از بلاها ایمن گردد و هر که یک کف از
کلاب در روز اول ماه بر سر ریزد از مرض هر سام ایمن گردد و از حضرت
امام محمد تقی منقولست که هر که در اول ماه دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت
اول بعد از حمد سی مرتبه قل هو الله احد و در رکعت دوم بعد از حمد
سی مرتبه سوره انا انزلناه بخواند و بعد از نماز نصد و کسری بانجم میسر میشود
سلامتی ایام را فرا گرفته است و در روز اول ماه اسبند عاست اللهم
قد حضر شهر رمضان وقد افترضت علینا صیامه و انزلت فیه القرآن
هدی للناس و بینات من الهدی و الفرقان اللهم اعنا علی صیامه و
تقبله منا و سلمه لنا فی یسر منک و عافیة انک علی کل شی
قدیر و ایضا از حضرت صادق منقولست که چون ماه مبارک داخل
شود میشد حضرت رسول اللهم انه قد دخل شهر رمضان اللهم
اسبند عامی خوانند
رب شهر رمضان الذی انزلت فیه القرآن وجعلته بینات من الهدی
والفرقان اللهم فبارک لنا فی شهر رمضان واعنا علی صیامه و

لنا بالسلامة والاسلام والایمان والبر والتقوی والتوفیق
لما تحب وترضی ودر شب اول ماه جماع باحلال خود سنت است و غسل
در شب اول سنت است و از حضرت صادق منقولست که هر که غسل
کند در شب اول ماه رمضان در شهر خود و بنی کفاب بر سر ریزد باطن او
معصوم باشد تا ماه رمضان آینده و در حدیث دیگر فرموده که هر که در
اول ماه رمضان غسل کند خارش بدن در آن سال باو نرسد و ایضا
منقولست که چون ماه رمضان داخل میشد حضرت صادق فرزندان
خود را وصیت میفرمود که اهتمام کنید و سعی نمایید در ایتام و در عیال
که در ایام ماه رمضان غمگین میشوند و احلام و عمرها نوشته میشود و حاجیان
در ایام ماه مقدر میشوند و در ایام ماه شبی هست که بهتر است از هزار ماه
و از حضرت امیر المومنین منقولست که بر شما باد در ماه رمضان باستغفار
و دعا بدرستی که دعا دفع میکند بلاء را از شما و استغفار محو میکند گناهان
شما را و زیارت امام حسین در شب اول ماه رمضان سنت است و از حضرت
صادق منقولست که هر که در شب اول ماه رمضان باشب میان باشب
اخر زیارت ان حضرت بکند گناهان او بزرگ مانند برگ از درختان و
از گناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد شده است و ثواب
حج و عمره خدا او را عطا کند و ایضا از حضرت منقولست که هر که در هر
ماه رمضان سوره انا فتحنا در نماز نافله بخواند در آن سال از بلاها محفوظ
گردد و بروایت دیگر از حضرت منقولست که هر که در شب اول ماه
مبارک دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد سوره انعام
بخواند و سوال کند که حق تعالی او را کفایت شرور بکند خدا او را کفایت
کند از انچه میترسد و از بیماریها و دردها و نماز را نشسته میتوان کرد
و سوره را از روی قرآن میتوان خواند و اگر در شب اول ماه بنیت روزه

وتقبله منا وايضا بسند معتبر از حضرت صادق منقولست كه هر كه در
وجب بر آرا اول داخل شدن ماه رمضان يعنى روز اول باشد اول دو ركعت
نماز بكند ودر ركعت اول بعد از حمد سوره انا فتحنا بخواند ودر ركعت
هر سوره كه خواهد حق تعالى جميع بديهاى او در آن سال او را دور كرداند و
حفظ خدا باشد تا سال آينده ودر شب اول يا روز اول دعاى صحيفه كا
كامله را بخواند كه بهترين دعاها است وكلينى وشيخ طوسى وديگران
به سند صحيح روايت كرده اند كه حضرت امام موسى فرمود كه در ماه
رمضان كه در اول سال يعنى روز اول ماه جاى خود علما هستند بايد بعد از
نماز وفرمود كه هر كه اين دعا را از براى رضاى حق تعالى و نه شايعه آ
فاسده و ريا بخواند در آن سال او نرسد فتنه و گزندى و نه آفتى كه ضرر در
بدين او و بدن او و حق تعالى او را حفظ كند از شر آنچه در آن سال واقع ميشود
از بلاها اللهم انى اسئلك بانيك الذى دان له كل شئ وبرحمتك
الى وسعت كل شئ وبعظمتك التى تواضع لها كل شئ وبعزتك التى قهرت
كل شئ وبقوتك التى خضع لها كل شئ وبجبروتك التى غلبت كل شئ
وبعلمك الذى احاط بكل شئ يا نور يا قدوس يا اول قبل كل شئ و
يا باقى بعد كل شئ يا الله يا رحمن صل على محمد وآل محمد واغفر لى الذنو
التى تغير النعم واغفر لى الذنوب التى تنزل النقم واغفر لى الذنوب
التى تقطع الرجاء واغفر لى الذنوب التى تديل الاعداء واغفر لى الذنو

التى ترد الدعاء واغفر لى الذنوب التى تستحق بها نزول البلاء واغفر
كه بر بسته گرداند دعا را وجب مرزيدن هر كه بسيار بگريد بر گناه خود آمرزيده شود او را
الذنوب التى تحبس غيث السماء واغفر لى الذنوب التى تكشف الغطا
كه باز دارد از فرستادن باران وجب مرزيدن هر كه بسيار بگريد بر گناه خود آمرزيده شود او را
واغفر لى الذنوب التى تعجل الفناء واغفر لى الذنوب التى تورث
وجب مرزيدن هر كه بسيار بگريد بر گناه خود آمرزيده شود او را وجب مرزيدن هر كه بسيار بگريد بر گناه خود آمرزيده شود او را
الندم واغفر لى الذنوب التى تهتك العصم والتسنى درء الحسنة
بشكند را وجب مرزيدن هر كه بسيار بگريد بر گناه خود آمرزيده شود او را وجب مرزيدن هر كه بسيار بگريد بر گناه خود آمرزيده شود او را
التى لا يرام وعافنى من شر ما احاذر بالليل والنهار فى مستقبل سنتى
كه صعب گردانيد وجب مرزيدن هر كه بسيار بگريد بر گناه خود آمرزيده شود او را وجب مرزيدن هر كه بسيار بگريد بر گناه خود آمرزيده شود او را
هذه اللهم رب السموات السبع ورب الارضين السبع وما فيهن
اين حال وجب مرزيدن هر كه بسيار بگريد بر گناه خود آمرزيده شود او را وجب مرزيدن هر كه بسيار بگريد بر گناه خود آمرزيده شود او را
وما بينهن ورب العرش العظيم ورب السبع المثانى والقرآن العظيم ورب
وجب مرزيدن هر كه بسيار بگريد بر گناه خود آمرزيده شود او را وجب مرزيدن هر كه بسيار بگريد بر گناه خود آمرزيده شود او را
اسرافيل وميكائيل وجبرئيل ورب محمد سيد المرسلين وخاتم
وجب مرزيدن هر كه بسيار بگريد بر گناه خود آمرزيده شود او را وجب مرزيدن هر كه بسيار بگريد بر گناه خود آمرزيده شود او را
النبيين اسئلك بكل ما سميت به نفسك يا عظيم انت الذى تمن بالعظيم
وجب مرزيدن هر كه بسيار بگريد بر گناه خود آمرزيده شود او را وجب مرزيدن هر كه بسيار بگريد بر گناه خود آمرزيده شود او را
وتدفع كل محذور وتعطى كل جزيل وتضاعف الحسنات القليل
وجب مرزيدن هر كه بسيار بگريد بر گناه خود آمرزيده شود او را وجب مرزيدن هر كه بسيار بگريد بر گناه خود آمرزيده شود او را
والكثير وتفعل ما تشاء يا مذيرا يا الله يا رحمن صل على محمد وآل
وجب مرزيدن هر كه بسيار بگريد بر گناه خود آمرزيده شود او را وجب مرزيدن هر كه بسيار بگريد بر گناه خود آمرزيده شود او را
مبينه والبسنى فى مستقبل سنتى هذه سترك ونظرك وجعلنى بنورك
وجب مرزيدن هر كه بسيار بگريد بر گناه خود آمرزيده شود او را وجب مرزيدن هر كه بسيار بگريد بر گناه خود آمرزيده شود او را

وَاجْتَنِبْنِي بِمَحَبَّتِكَ وَبَلِّغْنِي رِضْوَانَكَ وَشَرِّفْنِي كَرَامَتِكَ وَجَسِّمْنِي عَطِيَّتَكَ

وَاَعْطِنِي مِنْ خَيْرِ مَا عِنْدَكَ وَمِنْ خَيْرِ مَا اَنْتَ مُعْطِيَهُ اَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ وَ

اَلْبِسْنِي مَعَ ذٰلِكَ عَافِيَتَكَ يَا مُوضِعَ كُلِّ شَكْوَىٰ وَيَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَىٰ وَيَا

كُلِّ خَفِيَّةٍ وَيَا دَافِعَ مَا نَشَاءُ مِنْ بَلِيَّةٍ يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ يَا مُوَفِّيَ

عَلَىٰ مِلَّةِ اِبْرَاهِيمَ وَفِطْرَتِهِ وَعَلَىٰ دِينِ مُحَمَّدٍ سُنَّتِهِ وَعَلَىٰ خَيْرِ الْوَفَاءِ تَوَفَّنِي

مَوَالِيَ لِاَوْلِيَائِكَ مُعَادِيًا لِاَعْدَائِكَ اَللّٰهُمَّ وَجَنِّبْنِي فِي هٰذِهِ السَّنَةِ كُلَّ

عَمَلٍ اَوْ قَوْلٍ اَوْ فِعْلٍ بِيَاعِدُنِي مِنْكَ وَاجْتَنِبْنِي اِلَىٰ عَمَلٍ اَوْ قَوْلٍ اَوْ فِعْلٍ يُقَرِّبُنِي

مِنْكَ فِي هٰذِهِ السَّنَةِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَامْنَعْنِي مِنْ كُلِّ عَمَلٍ اَوْ قَوْلٍ

اَوْ فِعْلٍ يَكُونُ مِنِّي اَخَافُ ضَرَرَ عَاقِبَتِهِ وَاَخَافُ مَفَتَّكَ اِيَّايَ عَلَيْهِ جِدًّا

اَنْ تَصْرِفَ وَجْهَكَ الْكَرِيمَ عَنِّي فَاَسْتَوْجِبَ بِهِ نَقْصًا مِنْ حَظِّي عِنْدَكَ

يَا رَءُوفُ يَا رَحِيمُ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي هٰذِهِ فِي حِفْظِكَ وَفِي

جِوَارِكَ وَفِي كَنَفِكَ وَجَلِّلْنِي سِتْرَ عَافِيَتِكَ وَهَبْ لِي كَرَامَتَكَ عَزَّ جَارُكَ

وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ وَلَا اِلٰهَ غَيْرُكَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي اَبِيعُ اَصَالِحَ مَنْ مَضَىٰ مِنْ

مِنْ اَوْلِيَائِكَ وَاَلْحِقْنِي بِهِمْ وَاجْعَلْنِي مُسَلِّمًا لِمَنْ قَالَ يَا مُحَمَّدُ وَعَلِيُّ

مِنْهُمْ وَاَعُوذُ بِكَ اَللّٰهُمَّ اَنْ يُحِيطَ بِي خَطِيئَتِي وَظُلْمِي وَاِسْرَافِي عَلَىٰ نَفْسِي

وَاِتِّبَاعِي هَوَايَ وَاشْتِغَالِي بِشَهَوَاتِي فَيَحُولَ ذٰلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَ رَحْمَتِكَ

وَرِضْوَانِكَ فَاَكُونَ مَنْسِيًّا عِنْدَكَ مُتَعَرِّضًا لِسَخَطِكَ وَنِقْمَتِكَ اَللّٰهُمَّ

وَفِّقْنِي لِكُلِّ عَمَلٍ صَالِحٍ تَرْضَىٰ بِهِ عَنِّي وَقَرِّبْنِي اِلَيْكَ زُلْفَىٰ اَللّٰهُمَّ كَمَا هَيَّنْتَ

نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا اَهْوَلَ عَدُوِّهِ وَفَرَّجْتَ هَمَّهُ وَكَشَفْتَ غَمَّهُ وَصَدَّقْتَهُ وَعْدَهُ

وَاَنْجَزْتَ لَهُ عَهْدَكَ اَللّٰهُمَّ فَبِذٰلِكَ فَاكْفِنِي هَوْلَ هٰذِهِ وَاقِيَاتِهَا وَ

اَسْقَامِهَا وَفِتَنِهَا وَشُرُورِهَا وَاَحْزَانِهَا وَضِيقِ الْمَعَايِشِ فِيهَا وَبَلِّغْنِي بِرَحْمَتِكَ

كَمَالَ الْعَافِيَةِ بِتَمَامِ دَوَامِ النِّعْمَةِ عِنْدِي اِلَىٰ مُنْتَهَىٰ اَجَلِي اَسْئَلُكَ

سُؤَالَ مَنْ اَسَاءَ وَظَلَمَ وَاسْتَكَانَ وَاَسْئَلُكَ اَنْ تَغْفِرَ لِي مَا مَضَىٰ مِنْ ذُنُوبِي

اَلَّتِي حَصَرَتْهَا حَفَظَتُكَ وَاَحْصَتْهَا كِرَامُ مَلَائِكَتِكَ عَلَيَّ وَاَنْ تُعِيذَنِي اِلَىٰ

مِنَ الذُّنُوبِ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمُرِي اِلَى مُنْتَهَى اَجَلِي يَا اللهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي كُلَّ مَا سَاَلْتُكَ وَتَضَيَّفْتُ اِلَيْكَ فِيهِ فَاِنَّكَ
اَمَرْتَنِي بِالدُّعَاءِ وَتَكَفَّلْتَ لِي بِالْاِجَابَةِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ فَصْلٌ بَخْشِ
وَهَرْرُوزِ مَاهِ مُبَارَكِ رَمَضَانَ سُنَّتْ اَزْ حَضْرَتِ صَادِقٍ وَكَاظِمٍ مَنْقُولَسْتْ
كَهْ بَعْدَ اَزْ هَرْ نَمَازِ دَرْمَا يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ يَا غَفُورُ يَا رَحِيمُ اَنْتَ الرَّبُّ الْعَظِيمُ
الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ وَهٰذَا شَهْرٌ عَظَّمْتَهُ وَ
كَرَّمْتَهُ وَشَرَّفْتَهُ وَفَضَّلْتَهُ عَلَى الشُّهُورِ وَهُوَ الشَّهْرُ الَّذِي فَرَضْتَ
صِيَامَهُ عَلَيَّ وَهُوَ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي اَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْاٰنَ هُدًى
لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدٰى وَالْفُرْقَانِ وَجَعَلْتَ فِيهِ لَيْلَةَ الْقَدْرِ
وَجَعَلْتَهَا خَيْرًا مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ فَيَا لَكَ مِنَ الْمَنِّ وَلَا مَنَّ عَلَيْكَ مَنْ عَلَيَّ بِعَكَاكِ
وَنَجِّنِي مِنَ النَّارِ فَمَنْ مَنَنْتَ عَلَيْهِ وَاَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
وَدُعَائِي دَرْ اِينْ شَبْ خُوبْ اَسْتْ وَاَقَلَّ شَبِّي يَكْ مَرْتَبَهْ خَوَانَدَهْ شُودْ وَلَيْكَنْ صَحِيحْ
مَنْقُولَسْتْ كَهْ هَرْ كَسْ دَرْ هَرْ شَبِّ اِينْ مَاهِ مُبَارَكْ اِينْ دُعَا بِخَوَانَدْ گُنَاهِ چِهِلْ
سَالَهْ اُو اَمْرُزِيدَهْ شُودْ اَللّٰهُمَّ هٰذَا شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي اَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْ

الذي لا اله الا هو اغفر لي الذنب العظيم انه لا يغفر الذنب العظيم
الا العظيم از كناهان بيرون رود مانند روزي كه از مادر متولد شده
است واز حضرت امام حسن منقولست كه هر روزه داري را دو وقت افطار
دعاي مستجابي هست پس بايد در لقمه اول بكويد بسم الله الرحمن الرحيم يا
واسع المغفرة اغفر لي و در حديث معتبر ديكر از حضرت امام موسي منقولست
كه در وقت افطار بكويد اللهم لك صمت وعلى رزقك افطرت وعليك
توكلت ناكاه عطا كنند بتو ثواب هركس را كه در اين روز روزه داشته است
و در رواياب ديكر منقولست كه حضرت امير المؤمنين در وقت افطار بدان
مينشست وچون خوانرا ميكذاشتند ميكفتند اللهم لك صمنا وعلى رزقك
افطرنا فتقبل منا انك انت السميع العليم و در اخاديث معتبره وارد شده
است كه حضرت رسالت پناه افطار ميكردند بر خرما و آب يا بر رطب و آب
و در حديث ديكر منقولست كه ان حضرت در وقت افطار ايشان را ميكفتند
ميفرمودند واكر خرما نيافتند بنبات يا خرما افطار ميكردند واكر هيچ
نبود آب با نيم كرم افطار ميكردند و ميفرمودند كه آب نيم كرم پاك ميكند
معده را و قوت ميدهد حدقه را و بينائي را زياد ميكند و كناهان را ميشويد
و عرق فراسا كن ميكرداند و صفراي غالب را فرو مينشاند و قطع ميكند
بلغم را و اطفاي حرارت ميكند و صداع را برطرف ميكند و ايضا از حضرت
رسول منقولست كه هركه بر خرماي حلال افطار كند ثواب نماز زن حمار
صدر را بر مضاعف كردد و از حضرت صادق منقولست كه افطار كردن
كناهان را ميشويد و در حديث ديكر فرمود كه حضرت امير المؤمنين در وقت
ميداشت افطار فرمايد بشير و از حضرت امام رضا منقولست كه هركه در وقت
افطار يك كرده نان تصدق كند بر مسكيني خدا كناهان او را بيامرزد و ثواب
يك بنده آزاد كردن از فرزندان اسمعيل در نامه عمل او نوشته شود و بهترين

اعمال در روزها و شبهاي ماه مبارك رمضان تلاوت قرآن است و بايد
بايد خواند چون قرآن در اين ماه نازل شده است و در حديث است كه هر
طعام نيست و طعام قرآن ماه رمضان است و در ماه هاي ديكر در ماهي ديكر
خير ست است و افضل شش روز است و در ماه مبارك رمضان هر سه روز
يكخير ست است و اكر هر روز يكختم نتواند كرد بهتر است و در حديث است كه
بعضي از ائمه در اين ماه چهل ختم و زياده ميكردند و اكر هر ختمي را ثواب
روح مقدس امامي از ائمه هدي و رسول خدا و فاطمه زهرا هديه كنند ثواب
مضاعف ميكردد و صلوات بر محمد و آل او بسيار بايد فرستاد و استغفار بسيار
بايد كرد و لا اله الا الله بسيار بايد كفت و قائله شك و روزه را ترك نبايد كرد
و در شبهاي طاق ماه غسل شب است خصوصا شب اول و يازدهم و هفدهم
و نوزدهم و بيست و يكم و بيست و ستم و در دهه اخر در شبهاي جفت نيز غسل
سنت است خصوصا شب اخر و در روايتي وارد شده است كه در جميع ماه در هر شب
غسل مستحب است و كسند معتبر از حضرت صاحب الامر منقولست كه شيعيان
نوشتند كه در هر شب ماه رمضان استدعا نمايند كه دعاي اين ماه را املا نمايد
ميكويند و براي صاحبش استغفار ميكنند دعا اينست بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم اني افتتح الثناء بحمدك وانت مسدد للصواب بمنك واثقت انك
انت ارحم الراحمين في موضع العفو والرحمة واشد المعاقبين في موضع
النكال والنقمة واعظم المتجبرين في موضع الكبرياء والعظمة اللهم
اذنت لي في دعائك ومسئلتك فاسمع يا سميع مدحتي واجب يا حبيب دعوتي
واقبل يا غفور عثرتي فكم يا الهي من كربة فرجتها وهموم فككتها وعثرة

فدا فلنها ورحمة قد نشرتها وخلفه بلا وقد فككتها الحمد لله الذي

لم يتخذ صاحبة ولا ولدا ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن له ولي

من الذل وكبره تكبيرا الحمد لله بجميع محامده كلها على جميع نعمه كلها

الحمد لله الذي لا مضاد له في ملكه ولا منازع له في أمره الحمد لله الذي

لا شريك له في خلقه ولا شبيه له في عظمته الحمد لله الفاشي في الخلق

أمره وحمده الظاهر بالكرم مجده الباسط بالجود يده الذي لا تنقص

ولا تزيده كثرة العطاء إلا جودا وكرما إنه هو العزيز الوهاب اللهم إني أسألك

فليلا من كثير مع حاجة بي إلى يسيره عظيمة وغناك عنه وهو عندي كثير

وهو عليك سهل يسير اللهم إن عفوك عن ذنبي وتجاوزك عن خطيئتي

وصفحك عن ظلمي وسترك على قبيح عملي وحلمك عن كثير جرمي عند ما كان

من خطاياي وعمدي لطمعي في أن تسلك ما لا أستوجبه منك الذي

وزقتني من رحمتك وأوبقني من قدرتك وعرفتني من إجابتك فصرت

أدعوك أمنا وأسألك مستأنسا لا خائفا ولا وجلا مدلا عليك في

قصدت فيه إليك فإن أبطأ عني عتبت بجهلي عليك ولعل الذي أبطأ

عني هو خير لي لعلمك بعاقبة الأمور فلو ارمولي كرمها أصبر على عبد

ليتم نعمك عليه تأبى ربي إلا أن تدعوني فأولي عنك وتحبب إلي فأتبغض إليك

وتتودد إلي فلا أقبل منك كأن النطول علينك فلم يمنعك ذلك

الرحمة بي والإحسان إلي والتفضل علي بجودك وكرمك فارحم عبدك

الجاهل وجد عليه بفضل إحسانك إنك جواد كريم والحمد لله مالك

الملك مجري الفلك مسخر الرياح فالق الإصباح ديان الدين رب العالمين

الحمد لله على حلمه بعد علمه والحمد لله على عفوه بعد قدرته والحمد لله

على طول أناته في غضبه وهو قادر على ما يريد الحمد لله خالق الخلق بارئ

الرزق فالق الإصباح ذي الجلال والإكرام والفضل والإنعام

الذي لا يحمد فلا يرى وقرب فشهد النجوى تبارك وتعالى الحمد لله

الذي ليس له منازع لعباده ولا شبيه يشاكله ولا ظهير لعاجته
فهو بعزته الاعزاء وتواضع لعظمته العظماء فبلغ بقدرته ما شاء
الحمد لله الذي يحييني حين انا دبه وكبر على كل عوره وانا اعصيه
وليعظم النعمه علي فلا اجازيه فكم من موهبه هنيئه قد اعطاني
وعظيمه عموفه قد كفاني وبلجه موبقه فدارأني فاثنى علي حامدا
واذكره مسبحا الحمد لله الذي لا لهيئك حجابه ولا تغالق بابه ولا يرد
سائله ولا يخيب امله الحمد لله الذي يؤمن الخائفين ويبجي الصالحين
ويرفع المستضعفين ويضع المستكبرين ويهلك ملوكا ويستخلف
آخرين والحمد لله قاصم الجبارين مبير الظالمين مدرك الهاربين نكال
الظالمين صريخ المستصرخين موضع حاجات الطالبين معتمد المؤ
الحمد لله الذي من خشيته ترعد السماء وسكانها وترجف الارض
وعمارها وتموج البحار ومن يسبح في عمقها الحمد لله الذي هدانا

لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله الحمد لله الذي خلق وسوى
وبرزق ولا يرزق ويطعم ولا يطعم ويميت الاحياء ويحيي الموتى ويو
حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير اللهم صل على محمد عبد
ورسولك وامينك وصفيك وحبيبك وخيرتك من خلقك وحامل
سرك ومبلغ رسالاتك افضل واحسن واجمل واكمل وازكى وانمى وطيب
واطهر واسنى واكثر ما صليت وباركت وترحمت وحننت وسلمت على
احد من عبادك وانبيائك ورسلك وصفوتك واهل الكرامة عليك
من خلقك اللهم صل على علي امير المؤمنين ووصي رسول رب العالمين
عبدك وخليفتك واخي رسولك وحجتك على خلقك وابنك الكبير وا
النبأ العظيم وصل على الصديقة الطاهرة فاطمة الزهراء سيدة
نساء العالمين وصل على سبطي الرحمة وامامي الهدى الحسن و
الحسين سيدي شباب اهل الجنة وصل على ائمة المسلمين علي بن

الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلي بن موسى وم
علي وعلي بن محمد والحسن بن علي والخلف الهادي المهدي حجتك على عبادك
واماتك في بلادك صلوة كثيرة دائمة اللهم وصل على ولي امرك
القائم المؤمل والعدل المنتظر وحفه بملائكتك المقربين وايده بروح
القدس يا رب العالمين اللهم اجعله الداعي الى كتابك والقائم بدينك
واستخلفه في الارض كما استخلفت الذين من قبله مكن له دينه الذي
ارتضيته له ابدل له من بعد خوفه امنا يعبدك لا يشرك بك شيئا اللهم اعز
واعز به وانصره وانتصر به وانصر نصرا عزيزا وافتح له فتحا يسيرا واج
له من لدنك سلطانا اللهم اظهر به دينك وسنة نبيك حتى لا يستخفي
بشيء من الحق مخافة احد من الخلق اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمة تعز
بها الاسلام واهله وتذل بها النفاق واهله وتجعلنا فيها من الدعاة
الى طاعتك والقادة الى سبيلك وترزقنا بها كرامة الدنيا والاخرة اللهم

ما عرفنا من الحق فحملناه وما قصرنا عنه فبلغناه اللهم به شعثنا وا
به صدعنا وارتق به فتقنا وكثر به قلتنا واعز به ذلتنا واغن به عائلنا
واقض به عن معرمنا واجبر به فقرنا وسد به خلتنا ويسر به عسرنا وبيض به
وجوهنا وفك به اسرنا وانجح به طلبتنا واجز به مواعيدنا واستجب به دعوتنا
واعطنا به سؤلنا وبلغنا به من الدنيا والاخرة اماملنا واعطنا به فوق رغبتنا
يا خير المسئولين واوسع المعطين اشف به صدورنا واذهب به غيظ
قلوبنا واهدنا به لما اختلف فيه من الحق باذنك انك تهدي من تشاء
الى صراط مستقيم وانصرنا به على عدوك وعدو الحق امين اللهم
انا نشكو اليك فقد نبينا صلواتك عليه واله وغيبة ولينا وكثرة عدونا
وقلة عددنا وشدة الفتن بنا وتظاهر الزمان علينا فصل على محمد واله وا
اعنا على ذلك بفتح منك تعجله ونصر تعز سلطان الحق
تظهره ورحمة منك تجللناها وعافية منك تلبسناها برحمتك يا ارحم

الحاجين ولسند لبنا رمعتبر لكه صحيح از حضرت صادق عليه السلام كه
در هر شب ماه مبارك رمضان اين دعا را بخواند
اللهم اني اسئلك ان تجعل فيما تقضي وتقدر من الامر المحتوم في
الحكم من القضاء الذي لا يرد ولا يبدل ان تكتبني من حجاج بيتك الحرام
المبرور حجهم المشكور سعيهم المغفور ذنوبهم المكفر عن سيئاتهم وان تجعل
فيما تقضي وتقدر ان تطيل عمري في خير وعافية وان توسع في رزقي
وتجعلني ممن تنصره لدينك ولا تستبدل بي غيري واين دعاي عالية
هر شب وارد اللهم برحمتك في الصالحين فادخلنا وفي عليين فارفعنا
وبكاس من معين من غير سلسبيل فاسقنا ومن الحور العين
برحمتك فزوجنا ومن الولدان المخلدين كأنهم لؤلؤ مكنون فاخدمنا
ومن ثمار الجنة ولحوم الطير فاطعمنا ومن ثياب السندس والحرير
والاستبرق فالبسنا وليلة القدر روح بيتك الحرام فارزقنا وفي
في سبيلك فوفقنا وصالح الدعاء والمسئلة فاستجب لنا وارحمنا

الاولين والاخرين يوم القيمة فارحمنا وبرأته من النار كتبت لنا وفي
جهنم فلا تعذبنا وفي عذابك وهوانك فلا تبتلينا ومن الزقوم والضريع فلا
تطعمنا ومع الشياطين فلا تجعلنا وفي النار على وجوهنا فلا تكبنا ومن
النار وسرابيل القطران فلا تلبسنا ومن كل سوء ومكروه الا الله الا انت يحق لا اله
الا انت فجعنا واما دعاي سحر پس بسند معتبر وارد شده است كه حضرت امام
محمد باقر عليه السلام فرمود كه اين دعاي است كه حضرت امام محمد باقر سحرها
مي خواندند ومي فرمودند كه اگر مردم بدانند عظمت اين دعا را از خدا وثمرات
حاصله از اين دعا را بيشتر براي طلب اين دعا با يكديگر قتال كنند واگر شوكت
ياد كرد كه اين دعا عظيم خدا در اين دعا است راست گفته ام شرح اين دعا را
با اهتمام تمام ونضرع بخوانند واز غير اهل بيت نهان دارند دعا اللهم
اني اسئلك من بهائك بابهاه وكل بهائك بهي اللهم اني اسالك بهائك
كله اللهم اني اسالك من جمالك باجمله وكل جمالك جميل اللهم اني اسالك
بجلالك كله اللهم اني اسالك من جلالك باجله وكل جلالك جليل اللهم
اني اسالك بجلالك كله اللهم اني اسالك من عظمتك باعظمها وكل
عظمتك عظيمة اللهم اني اسالك بعظمتك كلها اللهم اني اسالك

من نورك بانورهو وكل نورك منير اللهم انى اسالك بنورك كله اللهم انى اسالك
من رحمتك باوسعها وكل رحمتك واسعه اللهم انى اسئلك برحمتك كلها
اللهم انى اسالك من كلماتك بانمها وكل كلماتك نافعه اللهم انى اسالك بكليا تك
كلها اللهم انى اسئلك من كمالك باكمله وكل كمالك كامل اللهم انى اسالك
بكمالك كله اللهم انى اسالك من اسمائك باكبرها وكل اسمائك كبيره اللهم انى
اسالك باسمائك كلها اللهم انى اسالك من عزتك باعزها وكل عزتك عزيزه
اللهم انى اسالك بعزتك كلها اللهم انى اسالك من مشيتك بامضاها وكل
مشيتك ماضيه اللهم انى اسالك بمشيتك كلها اللهم انى اسالك من
قدرتك بالقدره التى اصلت بها على كل شئ وكل قدرتك مستطيله اللهم
انى اسئلك بقدرتك كلها اللهم انى اسئلك من علمك بانفذه وكل علمك
نافذ اللهم انى اسالك بعلمك كله اللهم انى اسئلك من قولك بارضاه
وكل قولك رضى اللهم انى اسالك بقولك كله اللهم انى اسالك من مسائلك

ايجابها اليك وكل مسائلك اليك حبيبه اللهم انى اسالك بمسائلك كلها
اللهم انى اسالك من شرفك باشرفه وكل شرفك شريف اللهم انى اسالك
بشرفك كله اللهم انى اسالك من سلطانك بادومه وكل سلطانك دائم اللهم
انى اسئلك بسلطانك كله اللهم انى اسالك من ملكك باقواه وكل ملكك
قاهر اللهم انى اسالك بملكك كله اللهم انى اسالك من علوك باعلاه
وكل علوك عال اللهم انى اسالك بعلوك كله اللهم انى اسالك من مشيتك
بانفذه وكل مشيتك نافذ اللهم انى اسالك بمشيتك كله اللهم انى اسالك
من اسمائك باكبرها وكل اسمائك كبيره اللهم انى اسالك باسمائك كلها اللهم
انى اسالك بما انت فيه من الشان والجبروت واسالك بكل شان وحده
وجبروت وحدها اللهم انى اسالك بما يجيبنى حين اسالك فاجيبنى

پس هر حاجت كه خواهد از حق تعالى بطلبد كه البته براو روا كرده است و از جمله
ادعيه مشهوره سحر دعائى است كه شيخ طوسى و ديگران از ابو حمزه ثمالى روايت
كرده اند كه حضرت امام زين العابدين در شهاى ماه مبارك رمضان اكثر شبها
نماز مى كردند و چون سحر ميشد باين دعا مى خواندند الهى لا تؤدبنى بعقوبتك

ولا تمكرني في حيلتك من أين لي الخير يا رب ولا يوجد إلا من عندك ومن أين
لي النجاة ولا تستطاع إلا بك لا الذي أحسن استغنى عن عونك ورحمتك ولا
الذي أساء وكثرت أعلنك ولم يوضك خرج عن قدرتك يا رب يا رب يا رب
انقد ربكوبلد كه بعض منقطع شود بك عرفك وانت دللتني عليك ودعوتني
اليك ولولا انت لم ادر ما انت الحمد لله الذي ادعوه فيجيبني وان كنت بطيئا
حين يدعوني والحمد لله الذي اسئله فيعطيني وان كنت بخيلا حين يسقرضني
والحمد لله الذي اناديه كلما شئت لحاجتي واتملق اليه حيث شئت لسري
شفيع فيقضي لي حاجتي والحمد لله الذي ادعوه ولا ادعو غيره ولو دعوت
غيره لم يستجب لي دعائي والحمد لله الذي ارجوه ولا ارجو غيره ولو رجوت
غيره لاخلف رجائي والحمد لله الذي وكلني إليه فاكرمني ولم يكلني الى
الناس فيهينوني والحمد لله الذي يحتمل لي وهو غني عني والحمد لله الذي
يحلم عني حتى كاني لا ذنب لي فربي احمد شيء عندي واحق بحمدي اللهم

إني أجد سبل المطالب إليك مشرعة ومناهل الرجاء إليك مترعة والاستشفاع
بفضلك لمن أملك مباحة وأبواب الدعاء إليك للضارعين مفتوحة وأعلم
أنك للراجي هو موضع إنابته وللملهوفين هم مرصد إغاثته وأن في اللهف إلى جودك
والرضا بقضائك عوضا عن منع الباخلين ومندوحة عما في أيدي المستأثرين
وأن الراحل إليك قريب المسافة وأنك لا تحجب عن خلقك إلا أن تحجبهم الآمال
دونك وقد قصدتك إليك بطلبتي وتوجهت إليك بحاجتي وجعلتك
استعانتي وبدعائك توسلي من غير استحقاق لإسماعك مني ولا استيجاب
لعفوك عني بل يقيني بكرمك وسكوني إلى صدق وعدك ولجائي إلى الايمان
بتوحيدك وبقيني بمعرفتك مني أن لا رب لي غيرك ولا إله إلا أنت وحدك
لا شريك لك اللهم أنت القائل وقولك حق ووعدك صدق وأنت الله من
تبارك اسمه إن الله كان بكم رحيما وليس من صفاتك يا سيدي أن تأمر بالسؤال وتمنع
العطية وأنت المنان بالعطايا على أهل مملكتك والعائد عليهم بتحنن رأفتك

إلهي وتحنني في تعميك وإحسانك صغيراً وتوهبت يا سيدي كثيراً فيا من تحنني في
الدنيا بإحسانه وتفضيله ونعمه وإيثاره إني الآخرة إلى عفوه وكرمه معتمدي
يا مولاي دلني عليك وحببني لك فقد شفعني إليك وأنا واثق من دليلي بدلالتك و
ساكن من شفيعي إلى شفاعتك أدعوك يا سيدي بلساني فدا أخرسه دونه
أناجيك بقلب قد أوبقه جرمه أدعوك يا رب راهباً راغباً راجياً خائفاً
إذا رأيت مولاي ذنوبي فزعت وإذا رأيت كرمك طمعت فإن عفوت فخير راحم
إن عذبت فغير ظالم أرجوك الله في جزائي على مسيئك مع إيثاري ما تكره منه
وكرمك وعدني في شدتي مع قلة حيائي رأفتك ورحمتك فوق رجائي
أن لا تحجب بين قبلتي وبين مستحقي فحقق رجائي واسمع دعائي بالخير من دعاء
داع وأفضل من رجاء راج عظم يا سيدي أملي وساء عملي فأعطني من عفوك
بمقدار أملي ولا تؤاخذني بأسوء عملي فإن كرمك يجل عن مجازاة المذنبين
وحلمك يكبر عن مكافأة المقصرين وأنا يا سيدي عائذ بفضلك هارب

منك إليك متحيراً وعدت من الصفح عنك أحسن بك ظناً وما أنا يا رب وما
خطري فيبخ بفضلك وتصدق علي بعفوك أني رب جليلي كبيرك واعف عن قبيح
بكرمه وجهك فلو اطلع اليوم على ذنبي غيرك ما فعلته ولو خفت تعجيل العقوبة
لاجتنبته لأنك أهون الناظرين إلي وأخف المطلعين علي بل لأنك يا رب
خير الساترين وأحكم الحاكمين وأكرم الأكرمين ستار العيوب غفار الذنوب
علام الغيوب تستر الذنب بكرمك وتؤخر العقوبة بحلمك فلك الحمد على حلمك
بعد علمك وعلى عفوك بعد قدرتك وبحملني وبجرني على معصيتك حلمك
وبدعوني إلى قلة الحياء سترك علي وكبر عني إلى التوثب على محارمك معرفتي
بسعة رحمتك وعظيم عفوك يا حليم يا كريم يا حي يا قيوم يا غافر الذنب قابل التوب
يا عظيم المن يا قديم الإحسان يا ستار الجميل يا عفو الجليل يا فرج كل مغموم
يا عياذ البريء يا رحمن الواسعة يا عطاياك الفاضلة يا مواهبك
المستفيضة يا منعماً الثنية يا مفضلاً العظيم يا ملك الجسيم يا جابر

القديم ابن كريمك باكريم به وبمحمد وآل محمد فاستنقذني وبرحمتك خلصني

يا محسن يا مجمل يا منعم يا مفضل يا من اسأله فيعجل يا من اسأله فيفضل

يا من اسأله فيعفو يا من اسأله فيغفر يا من اسأله فيكفي يا من اسأله فيشفي

يا من اسأله فيعطي يا من اسأله فيزيد يا من اسأله فيجزل يا من اسأله فيرحم

يا من اسأله فيقبل يا من اسأله فيرضى يا من اسأله فيؤنس يا من اسأله فيسر

يا من اسأله فيقرب يا من اسأله فيدني يا من اسأله فيعز يا من اسأله فيرفع

يا من اسأله فيعلي يا من اسأله فيكرم يا من اسأله فيحبب يا من اسأله فيقرب

يا من اسأله فيوسع يا من اسأله فيغني يا من اسأله فيقني يا من اسأله فيهدي

يا من اسأله فيعصم يا من اسأله فيسلم يا من اسأله فيصلح يا من اسأله فيبارك

يا من اسأله فيطهر يا من اسأله فيجير يا من اسأله فيؤمن يا من اسأله فيثبت

يا من اسأله فيلهم يا من اسأله فيعلم يا من اسأله فيفهم يا من اسأله فينور

يا من اسأله فيشرح يا من اسأله فيسهل يا من اسأله فيتمم يا من اسأله فيكمل

يا من اسأله فيبدل يا من اسأله فيغير يا من اسأله فيحول يا من اسأله فيصور

يا من اسأله فيرزق يا من اسأله فيوفق يا من اسأله فيسدد يا من اسأله فينصر

يا من اسأله فيمنع يا من اسأله فيرد يا من اسأله فيؤيد يا من اسأله فيقوي

يا من اسأله فيعز يا من اسأله فيمكن يا من اسأله فيوطئ يا من اسأله فيمهد

يا من اسأله فيحفظ يا من اسأله فيستر يا من اسأله فيغفر يا من اسأله فيتوب

يا من اسأله فيقبل يا من اسأله فيرحم يا من اسأله فيعافي يا من اسأله فيكرم

يا من اسأله فيعظم يا من اسأله فيرفع يا من اسأله فيجزي يا من اسأله فيثيب

يا من اسأله فيصلح يا من اسأله فيزكي يا من اسأله فيطهر يا من اسأله فيقدس

يا من اسأله فيسبح يا من اسأله فيحمد يا من اسأله فيمجد يا من اسأله فيوحد

يا من اسأله فيصمد يا من اسأله فيتعالى يا من اسأله فيتكبر يا من اسأله فيتجبر

يا من اسأله فيتعظم يا من اسأله فيتقدس يا من اسأله فيتسبح يا من اسأله فيتحمد

يا من اسأله فيتمجد يا من اسأله فيتوحد يا من اسأله فيتصمد يا من اسأله فيتعالى

يا من اسأله فيتكبر يا من اسأله فيتجبر يا من اسأله فيتعظم يا من اسأله فيتقدس

يا من اسأله فيتسبح يا من اسأله فيتحمد يا من اسأله فيتمجد يا من اسأله فيتوحد

يا من اسأله فيت

وشاهدينا ذاكرنا وانانا صغيرنا وكبيرنا ومملوكنا كذب العادلون بالله وضلوا
ضلالا بعيدا وخسروا خسرانا مبينا اللهم صل على محمد وآل محمد واختم لي بخير
واكفني ما اهمني من امر دنياي واخرتي ولا تسلط علي من لا يرحمني واجعل
علي منك واقية باقية ولا تسلبني صالح ما انعمت به علي واوزعني ان اشكر
واسعا سلاما طيبا اللهم ارزقني حج بيتك الحرام في عامنا هذا وفي كل عام وزيارة قبر نبيك
وآله الائمة عليهم السلام ولا تخلني يا رب من زيارك المشاهد الشريفة وارزقني الكرة
اللهم رب على حيي لا اعصيك والهمني الخير والعمل به وخشيتك بالليل و
النهار ابدا ما ابقيتني يا رب العالمين اللهم اني كلما فلت فدهنات وتعتات و
مت للصلوة بين يديك وناجيتك الفيت على تعاسا اذا انا صليت وسلبتني
مناجاتك اذا انا ناجيتك مالي كلما فلت قد صلحت غيري وقربت من مجالس
التوابين مجلسي عرضت لي بليته ازالت قدمي وحالت بيني وبين خدمتك

وتحنن الينا بالنعم وتعارضك بالذنوب خيرك الينا نازل وشرنا اليك
صاعد ولم يزل ولا يزال ملك كريم يأتيك عنا في كل يوم بعمل قبيح فلا يمنعك ذلك
من ان تحوطنا بنعمك فتفضل علينا يا الاهنا فبحسبك ما اخلقك واعظمك و
اكرمك مبدئا ومعيدا انقدست اسماؤك وجل ثناؤك وكرم صنائعك و
فعالك انت الهي اوسع فضلا واعظم حلما من ان تقايسني بفعلي خطيئتي فا
لعفو العفو سيدي سيدي سيدي اللهم اشغلنا بذكرك وارحمنا
من تخطيك وايزنا من عذابك وارزقنا من مواهبك وانعم علينا من فضلك
وارزقنا حج بيتك وزيارة قبر نبيك صلواتك ومغفرتك ورحمتك ورضوانك
عليه وعلى اهل بيته انك قريب مجيب وارزقنا عملا لطاعتك وتوفنا على
ملتك وسنة نبيك اللهم اغفر لي ولوالدي وارحمهما كما ربياني صغيرا و
اجزهما بالاحسان احسانا وبالسيئات غفرانا اللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات الاحياء
منهم والاموات وبالغ بعبادك وبينهم بالخيرات اللهم اغفر رحمنا ومتنا وغائبنا و

أنا الصغير الذي رَبَّيْتَه وأنا الجاهل الذي علمتَه وأنا الضال الذي هديتَه
وأنا الوضيع الذي رفعتَه وأنا الخائف الذي آمنتَه وأنا الجائع الذي
والعطشان الذي رويتَه والعاري الذي كسوتَه والفقير الذي أغنيتَه و
الضعيف الذي قويتَه والذليل الذي أعززتَه والسقيم الذي عافيتَه و
الذي أعطيتَه والمذنب الذي سترتَه والخاطئ الذي أقلتَه وأنا القليل
الذي كثرتَه والمستضعف الذي نصرتَه وأنا الطريد الذي آويتَه وأنا يا رب
الذي لم أستحيك في الخلاء ولم أراقبك في الملاء أنا صاحب الذنوب
العظيم أنا الذي على سيده أجترأ أنا الذي عصيت جبار السماء أنا الذي
أطعت على معاصي الجليل الرشيد أنا الذي بشرته بها خرجت إليها أسعى
أنا الذي أمهلتني فما ارعويت وسترت علي فما استحييت وعلى المعاصي
عهدت وانقطعني من عملك فما أنا بآيس مما يسرك مني
حتى كأنك اغفلتني ومن عقوبات المعاصي جنبتني حتى كأنك استحييتني الهي

سيدي لعلك عن بابك طردتني وعن حدك منك حجبتني أو لعلك رأيتني
مستخفا بحقك فمقتني أو لعلك رأيتني معرضا عنك فمقتني أفلعلك و
في مقام الكاذبين فرفضتني أو لعلك رأيتني بمنزلة الراكنين فحرمتني أو
لعلك فقدتني من مجالس العلماء فخذلتني أو لعلك رأيتني في الغافلين فمن
رحمتك آيستني أو لعلك رأيتني إلف مخالس الخائنين فمقتني وبينهم خلتني أو
لعلك لم تجب الدعاء دعائي فباعدتني أو لعلك بحرمتي وجريرتي كافيتني أو
لعلك لم تجب الدعاء دعائي فباعدتني أو لعلك بحرمتي وجريرتي كافيتني أو
لعلك بقلة حيائي منك جازيتني فإن عفوك يا رب فطال ما عفوت عن المذنبين
قبل أن تأتيك آبي ربي تجل عن مجازاة المذنبين وحلمك ينهم عن مكافأة
المقصرين وأنا عائذ بفضلك فارب منك إليك منتجزا ما وعدت من الصفح
عن أحسن بك ظنا إلهي أنت ومع فضلا وأعظم حلما من أن تقايسني بعملي وأنا
أشر لي بحلمك وما أنا يا سيدي وما خطري هبني بفضلك يا سيدي
وتصدق علي بعفوك وجللني بسترك واعف عني بتوفيقي كرمك وجمك سيدي

لم أعصك حين عصيتك وأنا بربوبيتك جاحد ولا بأمرك مستخف ولا
لعفوبك منتعرض ولا لوعيدك بمنهاون ولكن خطيئة عرضت وسولت
لي نفسي وغلبني هواي وأعانني عليها شقوتي وغرني سترك المرخى علي
فقد عصيتك وخالفتك بجهدي فالآن من عذابك من يستنقذني
ومن أيدي الخصماء غدا من يخلصني وبحبل من أتصل إن أنت قطعت حبلك
عني فوا سوأتا على ما أجنيه كتابك من علي الذي لولا ما أرجو من كرمك
وسعة رحمتك ونهيك إياي عن القنوط لقنطت عند ما أتذكره ما بين
دعاه داع وأتصل من رجاه وراج اللهم بذمة الإسلام أتوسل إليك وبحرمة
القرآن أعتمد عليك وبحبي للنبي الأمي القرشي الهاشمي العربي التهامي
المكي المدني أرجو الزلفة لديك فلا تؤخر ما يسنيا من إيماني ولا تحفل
بما توالى وتوات من عند قولي سوالك فإن قوما أمنوا بالستهم ليحصنوا به دماءهم

فأدركوا ما أملوا وإني أمنتك بالسنتنا وقلوبنا لتعفو عنا فأدركنا

لناء

ما أملنا وتبت رجاءك في صدورنا ولا ترغ قلوبنا بعد إذ هديتنا وهب لنا
من لدنك رحمة إنك أنت الوهاب فوعزتك لو أنهم نهتني من سبيلك ما برحت من
بابك ولا كففت عن تملقك لما ألهم قلبي من المعرفة بكرمك وسعة رحمتك
إلى من يذهب العبد إلا إلى مولاه وإلى من يأتي المخلوق إلى خالقه اللهم
فرقني بالأصفاد ومنعني سنتك من بين الأشهاد ودللت على فضائحي غوا
لعتاة وأمرت بي إلى النار وحلت بيني وبين الأبرار ما قطعت رجائي منك
وما صرفت تأميلي للعفو عنك ولا أخرجت حبك عن قلبي أنا لا أنسى إياذيك
عبدي وستر علي في دار الدنيا يا سيدي فصل على محمد وآل محمد وأخرج محبة
الدنيا من قلبي واجمع بيني وبين المصطفى وآله خيرتك من خلقك وخاتم
النبيين محمد وانقلني إلى درجة التوبة إليك وأعني بالبكاء على نفسي بعد
أفنيت بالتسويف والآمال عمري وقد نزلت منزلة الآيسين من خيري فمن
يكون أسوء حالا مني إن أنا انقلبت على مثل حالي إلى قبر لم أمهده لرقدتي

وجهه
روى هذا دعا

ولم أفرشه بالعمل الصالح لعجمتي وما لي لا أبكي ولا أدري إلى ما يكون
مصيري وأري نفسي تخادعني وأتاني تخاتلني وقد خفقت عند رأسي
أنجحة الموت فما لي لا أبكي أبكي لخروج نفسي أبكي لظلمة قبري أبكي لضيق
لحدي أبكي لسؤال منكر ونكير إياي أبكي لخروجي من قبري عريانا ذليلا
حاملا ثقلي على ظهري أنظر مرة عن يميني وأخرى عن شمالي إذ الخلائق في
شأن غير شأني لكل امرئ منهم يومئذ شأن يغنيه وجوه يومئذ مسفرة ضاحكة
مستبشرة ووجوه يومئذ عليها غبرة ترهقها قترة ودلة سدي عليك
معولي ومعتمدي ورجائي وتوكلي وبرحمتك نعيلني فصيب برحمتك
نشاء وتهدي بكرامتك من تحب فلك الحمد على ما نفيت من الشرك قلبي
ولك الحمد على نطق لساني فبلساني هذا لكال أشكرك أم بغيابة جهدي
في عمل أرضيك وما قدر لساني يا رب في جنب شكرك وما قدر عملي في
جنب نعمك وإحسانك إلي إلا أن جودك بسط أملي وشكرك قيل على

سندي إليك رغبتي ومنك رهبتي وإليك ميلي وقد سافر إليك
أملي وعليك بالوحيدي عكفت همتي وفيما عندك بسطت رغبتي ولك خالص
رجائي وحوفي وبك أنست عجتي إليك ما لقيت بيدي وبجهلي طاعتك
مددت رهبتي يا مولاي بذكرك عاش قلبي وبمناجاتك بردت ألم الخوف
عني فيا مولاي ويا مؤملي ويا منتهى سؤلي صل على محمد وآل محمد وفرق
بيني وبين المانع لي من لزوم طاعتك فإنما أسئلك لقديم الرجاء فيك
وحوفي إليك وعظيم الطمع منك الذي أوجبته على نفسك من الرأفة
والرحمة والأمر لك وحدك لا شريك لك والخلق كلهم عيالك ومقتضاء
وكل شيء خاضع لك تبارك يا رب العالمين إلهي ارحمني إذا انقطع
عن جواب لساني وطاش عند سؤالك يا سيدي فما عظيم رجائي لا يخيبني
إذا اشتدت فاقتي إليك ولا تردني بخيلا ولا تمنعني لقلة صبري عطيتك
وارحمني لضعف شدتي عليك معتمدي ومعولي ورجائي وتوكلي وبرحمتك

تغفلني وبفنائك حط رحلي وبجودك افصد طلبتي وبكرمك اتي ربي فاصنع
دعائي ولديك ارجو فافني وبغناك اجبر عيلتي وتحت ظل عفوك قيامي
والى جودك وكرمك ارفع بصري والى معروفك اديم نظري فلا تحرقني با
لنار وانت موضع املي ولا تشكني الهاوية فانك قرة عيني يا سيدي لا تكلني
ظني باحسانك ومعروفك فانك تقنني ولا تحرمني توانك فانك العارف
بفقري الهي ان كان قد دنا اجلي ولم يقربني منك عملي فقد جعلت الاعتراف
اليك بذنبي وسائلي عليّ ان عفوت اولى منك بالعفو وان عذبت من
اعدل منك في الحكم ارحم في هذه الدنيا غربتي وعند الموت كربتي و
في القبر وحدتي وفي اللحد وحشتي واذا نشرت للحساب بين يديك ذلتي
موقفي واغفر لي ما خفي على الادميين من عملي وادم لي ما يبشرني و
ارحمني صريعا على الفراش تقلبني ايدي احبتي وتفضل علي ممددا على
المغتسل بتقلبني صالح خيرتي وبحنن علي محمولا قد تناول الافرباء اجناز

وحدة على مسفوحا قد مزقت بك وحيدا في حفرتي وامسي في ذلك البيت
الجديد غريبا حتى لا اسئل غيرك يا سيدي فانك ان وكلتني الى نفسي
هلكت سيدي فبمن استغيث ان لم تغثني عثرتي والى من افزع ان هدد
عنايتك في صحتي والامن البقاء ان لم تنقش كربتي سيدي من لي ومن
يرحمني ان لم ترحمني وفضل من اؤمل ان عدمت فضلك يوم فاقتي و
من الفرار من الذنوب واذا انقضى اجلي سيدي لا تعدني خائبا ارجوك لهمي
حقق رجائي وامني خوفي ان كثرة ذنوبي لا ارجوا فيها الا عفوك سيدي
انا استشفك ما لا استحق وانت اهل التقوى واهل المغفرة فاغفر لي و
البسني من نظرك توبا يغطي على الذنوب والتبعات وتغفرها لي ولا اظا
يها انك ذو من قديم وصنع عظيم وتجاوز كريم الهي انت الذي تفيض
سنيك على من لا يسئلك وعلى الجاحدين بربوبيتك تبسط يمين
سائلك وانفس ان الخلق لك والامر اليك تبارك ولعا لمين ارب العالم

الهي وسيدي عبدك بنيابك آفاقه الخاصة بين يديك تفرع بابا
باحسانك بدعايه وتستعطف جميل نظرك بمكنون رجايه فلا تعرض بوجهك
الكريم عني وقابل مني ما اقول وقد دعوت بهذا الدعاء وانا ارجوا ان لا
ترد في معرة مني برأفتك ورحمتك الهي انت الذي لا يخفيك سائل ولا
ينقصك نائل انت كما تقول وفوق ما نقول اللهم اني اسالك صبرا جميلا
ومخرجا قريبا وقولا صادقا واجرا عظيما اسئلك يا رب من الخير كله ما علمت
منه وما لم اعلم اسئلك اللهم من خير ما سالك منه عبادك الصالحون و
اعوذ بك من شر ما عاذ منه عبادك المخلصون اللهم اجعل افضل
ما اعطيت من نفسي وولدي ووالدي
واهل قرابتي واخواني فيك وارغد عيشي واظهر سروري واصلح جميع
احوالي واجعلني ممن اطلت عمره وحسنت عمله واتممت عليه نعمتك و
رضيت عنه واحييته حياة طيبة في ادوم السرور واوسع الكرامة وارزقني
العيش الذي تفعل ما تشاء ولا يفعل ما تشاء غيرك اللهم وحببني

بخاصة ذكرك ولا تجعل شقائما اتقرب به اليك في ناء الليل واطراف
رياءه ولا سمعة ولا اشرا ولا بطرا واجعلني لك من الخاشعين اللهم اعطني
الشعة في الرزق والامن في الوطن وقرة العين في الاهل والمال والولد
والمقام في نعمك عندي والصحة في الجسم والقوة في البدن والسلامة
في الدين واستعملني بطاعتك وطاعة رسولك محمد وآله ما استعملتني
واجعلني من اوفر عبادك عندك نصيبا في كل خير انزلته او تنزله في شهر
رمضان في ليلة القدر وما انت منزله في كل سنة من رحمة تنشرها
وعافية تلبسها وبلية تدفعها وحسنات تتقبلها وتجاوز عنها وارزقني
حج بيتك الحرام في عامنا هذا وفي كل عام وارزقني رزقا واسعا من فضلك
الواسع واصرف عني يا سيدي الاسواء وافض عني الدين والظلمات حتى
لا اناذي احدا بلسان ولا يد ولا بغير ذلك بسبب اتصالي وانصباري اعدائي وحسدي
والباغين علي وانصرني عليهم وافرج غمي وجمعني وفرج قلبي واجعل لي

من بقي وكرب فرجا ومخرجا واجعل من اراد بي سوء ومن جميع خلقك تحت

قدمي واكفني شر الشيطان وشر السلطان وسبباب عمل وطهرني من

الذنوب كلها واجرني من النار بعفوك وادخلني الجنة برحمتك وزوجني من

الحور العين بفضلك والحقني باوليائك الصالحين محمد وآله الطيبين

الطاهرين الاخيار صلوات الله عليهم وعلى ارواحهم واجسادهم ورحمة الله

وبركاته الهي وسيدي وعزتك وجلالك لئن طالبتني بذنوبي لاطالبنك

بعفوك ولئن طالبتني بلؤمي لاطالبنك بكرمك ولئن ادخلتني النار لاخبرن

اهل النار بحبي لك الهي وسيدي ان كنت لا تغفر الا لاوليائك واهل

طاعتك فالى من يفزع المذنبون وان كنت لا تكرم الا اهل الوفاء بك فبم

تستغيث المسيئون الهي ان ادخلتني النار ففي ذلك سرور عدوك وان

ادخلتني الجنة ففي ذلك سرور نبيك وانا والله اعلم ان سرور نبيك

احب اليك من سرور عدوك اللهم اني اسئلك ان تملأ قلبي حبا لك

وخشية منك وتصديقا بكتابك وايمانا بك وقربا منك وشوقا اليك

الجلال والاكرام حبيبا لقائك واجعل لقائي واجعل لي في لقائك الراحة

والفرح والكرامة اللهم احفني بصالح من مضى واجعلني من صالح من بقي

واخذ بي سبيل الصالحين واعني على نفسي بما تعين به الصالحين على

انفسهم واجمع على احسنه واجعل ثوابي منه الجنة برحمتك يا رب

العالمين واعني على صالح ما اعطيتني وبنيتني ارب ولا تردني في سوء

استنقذتني منه اللهم اني اسئلك ايمانا لا اجل له دون لقائك احيني

ما احييتني عليه وتوفني اذا توفيتني عليه وابعثني اذا بعثتني عليه واجرني

قلبي من الرياء والشك والسمعة في دينك حتى يكون على خالصا لك

اللهم اعطني بصيرة في دينك وفهما في حكمك وفقها في علمك وهلبر

من رحمتك ووزعا يحجزني عن معصيتك ويمنعني من سوئك واجعل رغبتي

فيما عندك وتوفني في سبيلك وعلى ملة رسولك اللهم اني اعوذ بك من

الكسل والضعف والفشل والهرم والبخل والجبن والغفلة والقسوة والذلة
والمسكنة والفاقة وكل بلية والفواحش كلها ما ظهر منها وما بطن وأعوذ
بك من نفس لا تشبع وبطن لا يشبع وقلب لا يخشع ودعاء لا يسمع وعمل
لا ينفع وصلوة لا ترفع وأعوذ بك يا رب على نفسي وولدي وديني ومالي
وعلى جميع ما رزقني من الشيطان الرجيم إنك أنت السميع العليم اللهم
إنه لا يجير مني منك أحد ولا أجد من دونك ملتحدا فلا تجعل نفسي في شيء
من عذابك ولا ترد بي بهلكة ولا ترد بي بعذاب أليم اللهم تقبل مني
واجعل ذكري وارفع درجتي وحط وزري ولا تذكرني بخطيئتي واجعل
ثواب مجلسي وثواب منطقي وثواب دعائي رضاك والجنة وأعطني
يا رب جميع ما سألتك وزدني من فضلك إني راغب إليك يا رب العالمين
اللهم إنك أنزلت في كتابك المنزل وأمرتنا أن نعفو عمن ظلمنا وقد ظلمت
أنفسنا فاعف عنا فإنك أولى بذلك منا وأمرتنا أن لا نرد سائلا عن

عن أبوابنا وقد جئتك سائلا فلا ترددني الا بقضاء حاجتي وأمرتنا بالاحسان
إلى من ملكت أيماننا ونحن أرقاؤك فاعتق رقابنا من النار وبامقرعي عند ذكري
وياعوني عند شدتي إليك فزعت وبك استغثت وبك لذت لا ألوذ بسواك
ولا أطلب الفرج إلا منك فاعفني وفرج عني بما من قبل اليسير وبعفو عن الكثير
اقبل مني اليسير واعف عني الكثير إنك أنت العفو الرحيم اللهم إني أسألك
إيمانا تباشر به قلبي ويقينا صادقا حتى أعلم أنه لن يصيبني إلا ما كتبت لي ورضني
من العيش بما قسمت لي يا أرحم الراحمين وبحضرتي دعاها بي بحرانيت

يا مقرعي عند ذكري وياعوني عند شدتي إليك فزعت وبك استغثت وبك
لذت لا ألوذ بسواك ولا أطلب الفرج إلا منك فاعفني وفرج عني بما من قبل
اليسير وبعفو عن الكثير اقبل مني اليسير واعف عني الكثير إنك أنت العفو
الرحيم اللهم إني أسألك إيمانا تباشر به قلبي ويقينا حتى أعلم أنه لن يصيبني إلا ما
كتبت لي ورضني من العيش بما قسمت لي يا أرحم الراحمين باعدي وفرجي

وياصاحبي في شدتي وياوليي في نعمتي وياغايتي في رغبتي انا الساا
عورتي والامن روعتي والمقيل عثرتي فاغفر لي خطيئتي يا ارحم الراحمين
واتاد عاهايي هرزه ورماه رمضان نبتد معتبر منقولست كه حضرت امام
زين العابدين وامام محمد باقر در شهر وزماه مبارك اين دعا مي خواندند اللهم
هذا شهر رمضان الذي انزلت فيه القرآن هدى للناس وبينات من الهدى
والفرقان وهذا شهر الصيام وهذا شهر القيام وهذا شهر الاناية وهو
شهر التوبة وهذا شهر المغفرة والرحمة وهذا شهر العتق من النار والفوز
بالجنة وهذا شهر فيه ليلة القدر التي هي خير من الف شهر اللهم صل
على محمد وآل محمد واعني على صيامه وقيامه وسلمه لي وسلمني واعني
عليه بافضل عونك ووفقني فيه لطاعتك وطاعة رسولك واوليائك
صلوات الله عليهم وفرغني فيه لعبادتك ودعائك ولهجي بكتابك
وعظم لي فيه البركة واحسن لي فيه العافية واخرج عني فيه النوبة وا
لي فيه بدني واوسع فيه رزقي واكفني فيه ما اهمني واستجب فيه

والإنابة والتوبة والتوفيق والقربة والحظ المقبول والرهبة والرغبة و

والتضرع والخشوع والرقة والنية الصادقة وصدق اللسان والوجل

منك والتوكل عليك والثقة بك والورع عن محارمك مع صالح القول

ومقبول السعي ومرفوع العمل ومستجاب الدعوة ولا تحل بيني وبين شيء

من ذلك بعرض ولا مرض ولا هم ولا غم ولا سقم ولا علة ولا نسيان

بل بالتعاهد والتحفظ لذلك وفيك والرغبة لحفظك والوفاء بعهدك

ووعدك برحمتك يا أرحم الراحمين اللهم صل على محمد وآل محمد واجعلني

فيه أفضل ما تقسمه لعبادك الصالحين واعطني فيه أفضل ما تعطي

أولياءك المقربين من الرحمة والمغفرة والتحنن والإجابة والعفو والمعافاة

الدائمة والعافية والمعافاة والعتق من النار والفوز بالجنة وخير

الدنيا والآخرة اللهم صل على محمد وآل محمد واجعل دعائي فيه أن

واصلا ورحمتك وخيرك إلى فيه نازلا وعملي فيه مقبولا وسعيي فيه مشكورا

وذنبي فيه مغفورا واجتني بكون رضاي فيه الأكبر وحظي فيه الأوفر اللهم

صل على محمد وآل محمد ووفقني فيه لليلة القدر على أفضل ما تحب أن

يكون عليها أحد من أوليائك وارضاها لك ثم اجعلها لي خيرا من ألف

شهر وارزقني فيها أفضل ما رزقت أحدا من بلغته إياها وأكرمه بها

واجعلني فيها من عفائك من جهنم وطلقائك من النار وسعد أخليائك بعفوك

ورضوانك يا أرحم الراحمين اللهم صل على محمد وآل محمد وارزقنا في شهرنا

هذا الجد والاجتهاد والقوة والنشاط وما تحب وترضى اللهم رب الفجر

وليال عشر والشفع والوتر ورب شهر رمضان وما أنزلت فيه من القرآن

ورب جبرئيل وميكائيل وإسرافيل وعزرائيل وجميع الملائكة المقربين

ورب إبراهيم وإسمعيل وإسحق ويعقوب ورب موسى وعيسى وهرون

وجميع النبيين والمرسلين ورب محمد خاتم النبيين صلواتك عليه وعليهم

أجمعين وأسئلك بحقهم عليك وبحقك العظيم أن صليت عليه وآله عليهم

اجمعين ونظرت الى نظرة رحمته ترضى بها عني رضا لا سخط على بعده
ابدا واعطيني جميع سؤلي ورغبتي وامنيتي فيما اردت ومرضاتي
واحذر واخاف على نفسي وما لا اخاف وعن اهلي ومالي واخواني واحبتي
وذريتي اللهم اليك فررنا من ذنوبنا فاوبنا تائبين وتب علينا مستغفرين
واغفر لنا ما تعودين واعدنا مستجيرين واجرنا مستسلمين ولا تخذلنا
راهبين وامنا راغبين وشفعنا سائلين واعطنا انك سميع الدعاء
قريب مجيب اللهم انت ربي وانا عبدك واحق من سئل العبد وارحم
من يسأل العباد مثلك كرما وجودا يا موضع شكوى السائلين ويا منتهى
الراغبين ويا غياث المستغيثين ويا مجيب دعوة المضطرين ويا ملجأ الهاربين
ويا صريخ المستصرخين ويا ربت المستضعفين ويا كاشف كربات المكروبين
ويا فارج هم المهمومين ويا كاشف الكرب العظيم يا الله يا الله يا رحمن يا رحيم
يا ارحم الراحمين صل على محمد وآل محمد واغفر لي ذنوبي وعيوبي وآثامي

وخطلي وجرمي وامرا في على نفسي وارزقني من فضلك ورحمتك فانه
لا يملكهما غيرك واعف عني واغفر لي كلما سلف من ذنوبي واخصصني
بما بقي من عمري واستر علي وعلى والدي وولدي وقرابتي واهلي
من ابقيت ومن كان مني بسبيل من المؤمنين والمؤمنات في الدنيا والآخرة
فان ذلك كله بيدك وانت واسع المغفرة فلا تخيبني اسيدي ولا تردني
دعائي ولا تردني الى محرى حتى تفعل ذلك بي وكيف لي بجميع ما
سئلتك وتزيدني من فضلك فانك على كل شيء قدير وهو عليك يسير
اللهم لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والآلاء انت
بسم الله الرحمن الرحيم ان كنت قضيت في هذه الليلة منزل الملائكة
والروح فيها ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعلني في السعداء
مع الشهداء واحيائي في عليين وآبائي معفورة وان تهب لي يقينا
تباشر به قلبي وايمانا لا يشوبه شك ورضا فيما قسمت لي وآتني في الدنيا

حسنة وقني عذاب النار وان لم تكن قضيت في هذه
الليلة نزول الملائكة والروح فيها فاجرني الى ذلك وارزقني فيها ذكرك
وشكرك وطاعتك وحسن عبادتك فصل على محمد وآل محمد يا فضل صلوات
يا ارحم الراحمين يا احد يا صمد يا رب محمد اغضب اليوم على محمد ولا ترا عبرته
واقتل اعدائهم بددا واحصهم عددا ولا تدع على ظهر الارض منهم احدا
ولا تغفر لهم ابدا يا حسن الصحبة يا خليفة النبيين انك ارحم الراحمين
البديع البديع الذي ليس كمثله شيء والذاكر غير الغافل والحي الذي
لا يموت انك كل يوم في شان انك خليفة محمد ومفضل محمد استلك ان
تنصر وصي محمد وخليفة محمد والقائم بالقسط من اوصياء محمد صلواتك
عليه وعليهم واعطف عليهم نصرك يا لا اله الا انت صل على محمد وآل
محمد واجعلني معهم في الدنيا والاخرة واجعل عافية امري الى غفرانك
ورحمتك يا ارحم الراحمين وكذلك نسلك نفسك يا سيدي يا لطيف

يا ابانا لطيف فصل على محمد وآل محمد والطف بنا انك لطيف لما تشاء اللهم
كل محمد وآل محمد وارزقني الحج والعمرة في عامنا هذا وفي كل عام وتطول
على بجميع حوائجي للدنيا والاخرة فسبحوا استغفر الله ربي واتوب اليه
ان ربي رحيم ودود استغفر الله ربي واتوب اليه انه كان غفارا اللهم
اغفر لي انك ارحم الراحمين ربي اني عملت سوءا وظلمت نفسي فاغفر لي انك
لا يغفر الذنوب الا انت استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم
الحليم العظيم الكريم الغفار للذنب العظيم واتوب اليه استغفر الله ان
الله كان غفورا رحيما سبحانه مرتين اللهم اني اسالك ان تصلي على محمد و
آل محمد وان تجعل فيما تقضي وتقدر من الامر العظيم المحتوم في ليلة
القدر من القضاء الذي لا يرد ولا يبدل ان تكتبني من حجاج بيتك
الحرام المبرور حجهم والمشكور سعيهم المغفور ذنوبهم المكفر عنهم
سيئاتهم وان تجعل فيما تقضي وتقدر ان تطيل عمري وتوسع رزقي

وتؤدي عني أماني ودِيني إنك رب العالمين اللهم احملني قمراً وخيراً
وارزقني من حيث أحتسب ومن حيث لا أحتسب واحرسني من حيث أحترس
ومن حيث لا أحترس وصلى الله على محمد وآله وسلم كثيراً وإن سبحان
يفرسند معتبر از حضرت صادق منقولست كه در هر روز و شبانه مخواند
سبحان الله باري النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الأزواج كلها
سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان
الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يُرى وما لا يُرى سبحان الله مداد
كلمات الله سبحان الله رب العالمين سبحان الله السميع الذي ليس شيء أسمع
منه يسمع من فوق عرشه ما تحت سبع أرضين ويسمع ما في ظلمات البر
والبحر ويسمع الأنين والشكوى ويسمع السر وأخفى ويسمع وساوس الصدور
ولا يصم سمعه صوت وإلحاح المسألة سبحان الله باري النسم سبحان الله المصور سبحان
الله خالق الأزواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله
فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يُرى وما

لا يُرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله
البصير الذي ليس شيء أبصر منه ببصر من فوق عرشه ما تحت سبع
أرضين ويبصر ما في الظلمات البر والبحر لا تدركه الأبصار وهو يدرك
الأبصار وهو اللطيف الخبير لا يعزب عن بصره الظلمة ولا يستتر منه شيء
ولا يواري منه جدار ولا يغيب عنه بر ولا بحر ولا يكن منه جبل ما في
أصله ولا فلك ما فيه ولا جنب ما في قلبه ولا يتصعر منه صغير ولا يكبر
ولا يخفى عليه شيء في الأرض ولا في السماء هو الذي يصوركم في الأرحام
كيف يشاء لا إله إلا هو العزيز الحكيم سبحان الله باري النسم سبحان
الله المصور سبحان الله خالق الأزواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات
والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله
خالق ما يُرى وما لا يُرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين
سبحان الذي يسبح الرعد بحمده والملائكة من

مِن خِيفَتِهِ وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ وَيُرْسِلُ الرِّيَاحَ

بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَيُرْسِلُ الْمَاءَ مِنَ السَّمَاءِ بِكَلِمَتِهِ وَيُنْبِتُ النَّبَاتَ بِعِدَادِ

وَكَيْفَ لَا يُوزَنُ بِعِلْمِهِ سُبْحَانَ اللهِ الَّذِي لَا يَغْرُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي

الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذٰلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ

سُبْحَانَ اللهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ

كُلِّهَا سُبْحَانَ اللهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى

سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى سُبْحَانَ اللهِ

مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللهِ الَّذِي يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ

كُلُّ أُنْثَى وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ عَالِمُ الْغَيْبِ

وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ سَوَاءٌ مِنْكُمْ مَنْ أَسَرَّ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ

مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ

يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللهِ سُبْحَانَ اللهِ الَّذِي يُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَيُحْيِ الْمَوْتَى وَيَعْلَمُ

وَمَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَيَغِيضُ فِي الْأَرْحَامِ مَا تَشَاءُ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى سُبْحَانَ اللهِ

بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ

اللهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللهِ

خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى سُبْحَانَ اللهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ

سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللهِ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ

وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ

الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ

سُبْحَانَ اللهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ

كُلِّهَا سُبْحَانَ اللهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى

سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى سُبْحَانَ اللهِ

مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

سبحان الله الذي عنده مفاتيح الغيب لا يعلمها الا هو ويعلم ما في البر
والبحر وما تسقط من ورقة الا يعلمها ولا حبة في ظلمات الارض ولا رطب
ولا يابس الا في كتاب مبين هفتم سبحان الله بارئ النسم سبحان الله
المصور سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات و
النور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شئ سبحان
الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب
العالمين سبحان الله الذي لا يحصى مدحه القائلون ولا يجزي
بآلائه الشاكرون والعابدون وهو كما قال وفوق ما نقول والله
سبحانه كما اثنى على نفسه ولا يحيطون شيء من علمه الا بما شاء وسع
كرسيه السموات والارض ولا يؤده حفظهما وهو العلي العظيم هشتم
سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج
كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى

سبحان الله خالق كل شئ سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله
مداد كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله الذي يعلم ما يلج في
الارض وما يخرج منها وما لا ينزل من السماء وما يعرج فيها ولا
يغفله ما يلج في الارض وما يخرج منها وما ينزل من السماء وما يعرج فيها
ولا يشغله ما ينزل من السماء وما يعرج فيها عما يلج في الارض وما
يخرج منها ولا يغفله علم شئ عن علم شئ ولا يشغله خلق عن خلق شئ
ولا يحفظ شئ عن حفظ شئ ولا يساويه شئ ولا يعدله شئ ليس كمثله
شئ وهو السميع العليم نهم سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور
سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان
الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شئ سبحان الله خالق ما يرى
وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله
فاطر السموات والارض جاعل الملائكة رسلا اولي اجنحة مثنى وثلاث

وَرُبَاعٍ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ مَا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ

مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكْ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ

الْحَكِيمُ سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ

الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ

وَالنَّوَىٰ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَىٰ وَمَا لَا يُرَىٰ

سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي

يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَىٰ ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ

رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَىٰ مِنْ ذَٰلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا

هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَمَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ

عَلِيمٌ وَأَيْضًا سُبْحَانَ اللَّهِ كُلَّمَا ذَكَرَهُ الذَّاكِرُونَ وَصَلُّوا إِلَىٰ ذِكْرِهِ وَسُبْحَانَ اللَّهِ

كُلَّمَا غَفَلَ عَنْ ذِكْرِهِ الْغَافِلُونَ وَسُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَنْ صَلَّىٰ لِلَّهِ مِنْ أَوَّلِ الدَّهْرِ

إِلَىٰ آخِرِهِ وَسُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَنْ لَمْ يُصَلِّ لِلَّهِ مِنْ أَوَّلِ الدَّهْرِ إِلَىٰ آخِرِهِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ

عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ ارْحَمْ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا

عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ سَلِّمْ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا سَلَّمْتَ

عَلَىٰ نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ امْنُنْ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا مَنَنْتَ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَابْعَثْهُ

مَقَامًا مَحْمُودًا يَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ كَمَا طَلَعَتْ

شَمْسٌ أَوْ غَرَبَتْ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا طَرَفَتْ عَيْنٌ أَوْ رَفَّتْ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

السَّلَامُ كُلَّمَا طَرَفَتْ عَيْنٌ أَوْ رَفَّتْ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا ذَكَرَ السَّلَامَ

عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا سَبَّحَ اللَّهَ مَلَكٌ أَوْ قَدَّسَهُ السَّلَامُ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

فِي الْأَوَّلِينَ السَّلَامُ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الْآخِرِينَ السَّلَامُ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ السَّلَامُ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ اللَّهُمَّ رَبَّ

الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَرَبَّ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَرَبَّ الْحِلِّ وَالْحَرَامِ أَبْلِغْ نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا وَآلَهُ

عَنَّا السَّلَامَ اللَّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّدًا مِنَ الْكَرَامَةِ أَبْهَاهَا وَالشَّرَفِ وَالنَّضْرَةِ وَالْكَرَامَةِ

والغبطة والوسيلة والمنزلة والمقام المحمود والرفعة والسقاية عند ذلك يوم

الفيامة افضل ما تعطي احدا من خلقك واعط محمدا فوق ما تعطي الخلائق

من الخير اضعافا كثيرة لا يحصيها غيرك اللهم صل على محمد وال محمد

اطيب واطهر واذكى واتمى وافضل ما صليت على احد من الاولين

والاخرين وعلى احد من خلقك يا ارحم الراحمين اللهم صل على علي امير

المؤمنين ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من شرك

في دمه اللهم صل على فاطمة بنت نبيك محمد عليه وآله السلام و

العن من آذى نبيك فيها اللهم وال من والاها وعاد من عاداها وضاعف

العذاب على من ظلمها اللهم صل على الحسن والحسين امامي المسلمين

ووال من والاهما وعاد من عاداهما وضاعف العذاب على من شرك في

دمهما اللهم صل على علي بن الحسين امام المسلمين ووال من والاه

وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من ظلمه اللهم صل على محمد بن

علي امام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من

اللهم صل على جعفر بن محمد امام المسلمين ووال من والاه وعاد من

عاداه وضاعف العذاب على من ظلمه اللهم صل على محمد موسى بن جعفر

امام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من

شرك في دمه اللهم صل على علي بن موسى امام المسلمين ووال من

وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من شرك في دمه اللهم صل على

محمد بن علي امام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب

على من ظلمه اللهم صل على علي بن محمد امام المسلمين ووال من والاه

وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من ظلمه اللهم صل على الحسن

بن علي امام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب

على من ظلمه اللهم صل على الخلف من بعده امام المسلمين ووال من

والاه وعاد من عاداه وعجل فرجه اللهم صل على الفاتم والطاهر بن

والى من

نبيك اللهم صل على رقيه بنت نبيك والعن من اذى نبيك فيها
اللهم صل على ام كلثوم بنت نبيك والعن من اذى نبيك فيها اللهم صل
على ذريته بنبيك اللهم اخلف نبيك في اهل بيته اللهم مكن لهم في
الارض اللهم اجعلنا عددهم ومددهم وانصارهم على الحق في الدنيا
والعلانية اللهم اطلب بدمائهم وثيرهم ودمائهم وكف عناوعنهم و
عن كل مؤمن ومؤمنة بأس كل باغ وطاغ وكل دابة انت اخذ بناصيتها انك
اشد بأسا واشد تنكيلا ودرا منالي وبعضي از دعاهاي ديگر دعا از حضرت
امام حسن عسكري عليه السلام على بن الحسين باحضرت امام حسن عسكري عليه السلام
من ظلمه جنين است بعل من شر لذي دعه اجعله دعاء مبارك رمضان
دعا ثبيت كرسيد بن طاوس فضيلت بسيار رحمت ان روايت كرده است
ودر استحباب دعوات مجرب است ومرمضان من عالية مشتمل ادعا اين است
اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني سنة مرتين اللهم اني اسالك
من بهائك بأبهاه وكل بهائك بهي اللهم اني اسالك ببهائك كله اللهم
اني اسالك من جلالك بأجله وكل جلالك جليل اللهم اني اسالك
بجلالك كله اللهم اني اسالك من جمالك بأجمله وكل جمالك جميل

اللهم اني اسالك بجمالك كله يس وحم اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب
لي كما وعدتني برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم اني اسالك من عظمتك باعظمها وكل عظمتك
عظيمة اللهم اني اسالك بعظمتك كلها اللهم اني اسالك من نورك بأنوره
وكل نورك منير اللهم اني اسالك بنورك كله اللهم اني اسالك من
بأسمائها وكل رحمتك واسعة اللهم اني اسالك برحمتك كلها يس وحم
اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني سنة مرتين اللهم اني
اسالك من كمالك بأكمله وكل كمالك كامل اللهم اني اسالك بكمالك
كله اللهم اني اسالك من كلماتك بأتمها وكل كلماتك تامة اللهم اني
اسالك بكلماتك كلها اللهم اني اسالك من اسمائك بأكبرها وكل
اسمائك كبيرة اللهم اني اسالك باسمائك كلها يس وحم اللهم اني
ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني سنة مرتين اللهم اني اسالك من
عزتك بأعزها وكل عزتك عزيزة اللهم اني اسالك بعزتك كلها اللهم

اني اسالك من مشيتك بامضاها وكل مشيتك ماضية اللهم اني
اسالك بمشيتك كلها اللهم اني اسالك بقدرتك التي استطلت بها
على كل شئ وكل قدرتك مستطيلة اللهم اني اسالك بقدرتك
كلها بين يدي ذكري اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني
اللهم اني اسالك من علمك بانفذه وكل علمك نافذ اللهم اني اسالك
بعلمك كله اللهم اني اسئلك من قولك بارضاه وكل قولك رضى اللهم
اني اسئلك بقولك كله اللهم اني اسئلك من مسائلك باحبها اليك
وكل مسائلك اليك حبيبة اللهم اني اسئلك بمسائلك كلها بين يدي
اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني بين يدي اللهم اني اسالك
من شرفك بانبهه وكل شرفك شريف اللهم اني اسئلك بشرفك كله
اللهم اني اسئلك من سلطانك بادومه وكل سلطانك دائم اللهم اني اسئلك
بسلطانك كله اللهم اني اسئلك من ملكك باعزه وكل ملكك فاخر اللهم

اني اسالك بملكك كله بين يدي اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما
وعدتني بين يدي اللهم اني اسئلك من علوك باعلاه وكل علوك عالٍ اللهم
اني اسئلك بعلوك كله اللهم اني اسئلك من ملكك بانفذه وكل ملكك نافذ
اللهم اني اسئلك بمشيتك كلها اللهم اني اسئلك من امرك بانجحها وكل
امرك نجيح اللهم اني اسالك بابائك كلها بين يدي اللهم اني
كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني بين يدي اللهم اني اسئلك من فضلك بافضله
وكل فضلك فاضل اللهم اني اسئلك بفضلك كله اللهم اني
اسالك من رزقك باعمه وكل رزقك عام اللهم اني اسئلك برزقك كله
اللهم اني اسئلك من عطائك بامتاه وكل عطائك هنيء اللهم اني اسالك
بعطائك كله اللهم اني اسالك من خيرك باعجله وكل خيرك عاجل اللهم
اني اسئلك بخيرك كله اللهم اني اسالك من احسانك باحسنه وكل
احسانك حسن اللهم اني اسئلك باحسانك كله اللهم اني اسئلك

بما تجيبني به حين أدعوك فأجيبني يا الله نعم دعوتك يا الله اللهم
إني أسئلك بما أنت فيه من الشؤن والجبروت اللهم إني أسئلك
بكل شأن وجبروت يا اللهم إني أسئلك بشأنك وجبروتك كلها اللهم
إني أسئلك بما تجيبني به حين أسئلك به فأجبني يا الله صل على محمد وآل محمد
ليس هم حاجتي كدأبي اللهم صل على محمد وآل محمد وأعني على الايمان
بطلبك ليس بكدي
بك والتصديق برسولك والولاية لعلي بن أبي طالب والائتمام بالأئمة
من آل محمد والبراءة من أعدائهم فإني قد رضيت بذلك يا رب اللهم
صل على محمد وآل محمد وأسئلك خير الخير برضوانك والجنة وأعوذ بك
من شر الشر بسخطك والنار اللهم صل على محمد وآل محمد واحفظني من كل
معصية ومن كل بلية ومن كل عقوبة ومن كل فتنة ومن كل بلاء ومن
كل شر ومن كل مكروه ومن كل مصيبة ومن كل آفة نزلت أو تنزل
من السماء إلى الأرض في هذه الساعة وفي هذه الليلة وفي هذا

اليوم

اليوم وفي هذا الشهر وفي هذه السنة اللهم صل على محمد وآل محمد و
اصرفه عني من كل شر وفيد ومن كل بعضه ومن كل إبقامه ومن كل فرج و
من كل عافية ومن كل سلامة ومن كل كرامة ومن كل رزق واسع حلال
طيب ومن كل نعمة ومن كل حسنة نزلت أو تنزل من السماء إلى الأرض
في هذه الساعة وفي هذه الليلة وفي هذا اليوم وفي هذا الشهر وفي
هذه السنة اللهم إن كانت ذنوبي قد أخلقت وجهي عندك وحالت
بيني وبينك أو غيرت حالي عندك فإني أسئلك بنور وجهك الكريم أن
تطهرها وبوجهه حبيبك محمد المصطفى وبوجهه وليك علي المرتضى وبحق
أوليائك الذين انتجبتهم أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تغفر لي ولوالدي
وما ولدا وللمؤمنين والمؤمنات وما توالدوا ذنوبنا كلها صغيرها وكبيرها
وأن تحكم لنا بالصالحات وأن تقضي لنا الحاجات والمهمات وصالح
الدعاء والمسئلة فاستجب لنا بحق محمد وآله محمد آمين آمين آمين يا

اللهم صل على محمد وآله

ما شاء الله كان لا حول ولا قوة إلا بالله سبحان ربك رب العزة عما
يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين پس دست راست را
بجانب يمين بلند كن ومثل داده كردنت را بسوى دوشر چپ خود يا إله إلا أنت أسئلك
وكرره بكن وأكر تنها بخود داكرها بدار پس بكو
يا إله إلا أنت يحق من خلقه عليك عظيم يا إله إلا أنت أسئلك بهما يا إله إلا أنت
يا إله إلا أنت أسالك بجلال إله إلا أنت يا إله إلا أنت أسئلك
بجمال إله إلا أنت يا إله إلا أنت أسئلك بنور إله إلا أنت
يا إله إلا أنت أسالك بكمال إله إلا أنت يا إله إلا أنت
أسالك بعز إله إلا أنت يا إله إلا أنت أسالك بعظمة إله إلا
أنت يا إله إلا أنت أسالك بقول إله إلا أنت يا إله إلا أنت
أسالك بشرف إله إلا أنت يا إله إلا أنت أسالك بعلا إله إلا
أنت يا إله إلا أنت أسالك بإله إلا أنت يا رباه يا رباه انقد
كه بكفش وفا كند پس بكويد بر همان حالتى أسئلك يا سيدي پس بكويد
در بودكردن كج كرده بسوى دوشر چپ

يا الله يا رباه انقد كه بكفش وفا كند پس بكويد يا سيدي يا مولاه يا غياثاه
يا منجاه يا منتهى غاية رغبتاه يا أرحم الراحمين أسئلك فليس كمثلك شيء
وأسئلك بكل دعوة مستجابة دعا لك بها نبي مرسل أو ملك مقرب أو عبد
مؤمن امتحنت قلبه للإيمان وأن يجيب دعوته وأتوجه إليك بمحمد نبيك
نبي الرحمة وأقدمه بين يدي حوائجي يا محمد يا رسول الله يا إلهي وسيدي
أتوجه بك إلى ربك وربي وأقدمك بين يدي حوائجي يا رباه يا رباه
أسئلك بك فليس مثلك شيء وأتوجه إليك بمحمد حبيبك ونبيك
الهادية وأقدمهم بين يدي حوائجي وأسئلك اللهم بحياتك التي لا تموت
وبنور وجهك الذي لا يطفأ وبعينك التي لا تنام وأسالك بحق من خلقك
عليك عظيم أن تصلي على محمد وآل محمد قبل كل شيء وبعد كل شيء و
عدد كل شيء وزنة كل شيء وملأ كل شيء اللهم إني أسالك أن تصلي
على محمد عبدك المصطفى ورسولك المرضي وأمينك المصطفى و

وبجنبيك دون خلقك وحبيبك وخيرتك من خلقك اجمعين النذير
البشير السراج المنير وعلى اهل بيته الطيبين الطاهرين المطهرين الاخيار
الابرار وعلى ملائكتك الذين اصطفيتهم لنفسك وحجبتهم عن خلقك
وعلى انبيائك الذين ينبون ما الصدق عندك وعلى عبادك الصالحين الذين
ادخلتهم في رحمتك الائمة المهتدين الراشدين المطهرين وعلى جبرئيل
وميكائيل واسرافيل وملك الموت ورضوان خازن الجنة ومالك
خازن النار والروح القدس وحملة العرش ومنكر ونكير وعلى الملكين
الحافظين على ما الصلوة التي تحب ان تصلي بها عليهم صلوة كثيرة طيبة
مباركة زاكية تامية ظاهرة مشرفة فاضلة تبين بها فضلهم على
الاولين والاخرين اللهم اني اسئلك ان تسمع صوتي وتجيب دعوتي
وتغفر ذنوبي وتنجح طلبتي وتقضي حاجتي وتقبل فضيتي وتخبر اماني
وتعدني وتقيلني عثرتي وتصفح عن خطيئتي وتصفح عن ظلمي وتغفر

عن جرمي وتقبل علي ولا تعرض عني وترحمني ولا تعذبني وتعافيني
ولا تبتليني وتزلفني من اطيب الرزق واوسعه واهنائه وامرئه واتمه
واكثره ولا تحرمني يا رب النظر الى وجهك الكريم والفوز بالجنة والعتق
من النار وافض عني يا رب ديني واماني وضع عني وزري ولا تحملني
ما لا طاقة لي به يا مولاي وادخلني في كل خير ادخلت فيه محمدا وال
محمد واخرجني من كل سوء اخرجت منه محمدا وال محمد واجرني
واجرهم طرفة عين ابدا في الدنيا والاخرة اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب
لي كما وعدتني اللهم اني اسئلك فلبلا من كثير مع حاجة الى
عظيم وغناك عنه قديم وهو عندي كثير وهو عليك سهل يسير
فامنن به علي انك على كل شيء قدير اللهم برحمتك في الصالحين فادخلني
وفي عليين فارفعني وبكاس من معين من عين سلسبيل فاسقني ومن
الحور العين يومئذ فزوجني ومن ولدان مخلدين كانهم لؤلؤ مكنون

فاخذ منا ومن ثمار الجنة ولحوم الطير فاطعمنا ومن ثياب السندس

والحرير والاستبرق فالبسنا ولذلة الفدر وروح بنيك الحرام فارزقنا

وقتلا في سبيلك مع وليك فوفقنا وصالح الدعاء والمسئلة فاستجب

لنا ياخالقنا اسمع واستجب لنا واذا جمعت الاولين والآخرين يوم

القيامة فارحمنا وبراءة من النار وامانا من العذاب فاكتب لنا فوز

جهنم فلا تجعلنا ومع الشياطين في النار فلا تقرنا وفي عذابك و

هوانك فلا تقلبنا ومن الرقوم والضريع فلا تطعمنا وفي النار على

وجوهنا فلا تكبنا ومن ثياب النار وسرابيل القطران فلا تلبسنا و

من كل سوء يا الاله الا انت نجنا الاله الا انت فنجنا اللهم اني

اسئلك ولم يسئل مثلك وارغب اليك ولم يرغب الى مثلك يا

انت موضع مسئلة السائلين ومنتهى رغبة الراغبين اللهم يا

فضل انعامك كلها وارجها يا الله يا رحمن وباسمك المخزون المصون

الاعز الاجل الاعظم الذي تحبه وتحواه وترضى عمن دعاك به و

تستجيب له دعاءه وحق عليك يا رب ان لا تحرم سائلك اللهم اني

اسئلك بكل اسم هو لك دعاك به عبد هو لك في بر او بحر او سهل

او جبل او عند بيتك الحرام او في تيهم من سبلك فادعوك دعاء يا رب

من قد اشتدت فاقته وعظم جرمه وضعف كدحه واشرف على

الهلكة نفسه ولم يثق بشيء من عمله ولم يجد لما هو فيه ساترا ولا

لذنبه غافرا ولا لعثرته مقيلا غيرك فهارب اليك منعودا ملبيا

منعبدا لك غير مستنكف ولا مستكبر ولا مستحسر ولا

متعظم بل ناس فقير خائف مستجير اسئلك يا الله يا رحمن يا حنان

يا منان يا بديع السموات والارض يا ذا الجلال والاكرام ان تصلي على

محمد وال محمد صلوة كثيرة طيبة مباركة نامية زاكية شريفة انت لها

اللهم ان تغفر لي في شهري هذا وترحمني وتعتق رقبتي من النار

وتعطيني فيه خير ما اعطيت احدا من خلقك وخير ما انت معطيه
احدا من عبادك بيسر منك ورحمة يا ارحم الراحمين
ولا تجعله آخر شهر رمضان من عمري لك منذ ايكيني ارضك
او من بعد ان آخر ... رمضان كه روزه داشته آمرزش خواهد ... كه
يومي هذا بل اجعله على ايامه نعمة واعمه عافية واوسعه رزقا
... اين روز ... كه ... آمرزش خواهد ... كه ... روزي ...
واجزله واهناه اللهم اني اعوذ بك وبوجهك الكريم وملكك
... روز ... كه ... روزي ... كه ... روزي ...
العظيم ان تعذب اليتمس من يومي هذا او تنقصني بقية هذا اليوم او
... روز ... كه ... روزي ... كه ... روزي ...
يطلع الفجر من ليلتي هذه او يخرج هذا الشهر ولك قبلي تبعة او ذنب
... روز ... كه ... روزي ... كه ... روزي ...
او خطيئة ربما ان تقاصيني بها او تواخذني بها او توقفني بها موقف
... روز ... كه ... روزي ... كه ... روزي ...
خزي في الدنيا والآخرة او تعذبني يوم القاك يا ارحم الراحمين
... روز ... كه ... روزي ... كه ... روزي ...
اللهم اني ادعوك لهمي لا يفرجه غيرك ولرحمة لا تنال الا بك ولكربة
... روز ... كه ... روزي ... كه ... روزي ...
لا يكشفه الا انت ولرغبة لا تبلغ الا بك ولحاجة لا تقضي دونك
... روز ... كه ... روزي ... كه ... روزي ...
اللهم مهما كان من شانك ما اردتني به من مسئلتك ورحمتني به
... روز ... كه ... روزي ... كه ... روزي ...
من ذكرك فلتكن مني لا بسجاحة لي فيما دعوتك به والنجاة لي

فيما ترغب اليك منه ايامل الحديد لدنياي ودنياي كاشفا الضر والكربة
... روز ... كه ... روزي ... كه ... روزي ...
العظام عن ايوب ومفرج غم يعقوب ومنفس كرب يوسف صل على محمد
... روز ... كه ... روزي ... كه ... روزي ...
وآل محمد وافعل بي ما انت اهله فانك اهل التقوى واهل المغفرة
... روز ... كه ... روزي ... كه ... روزي ...
اللهم انت ثقتي في كل كرب ورجائي في كل شدة وانت لي في كل امر
... روز ... كه ... روزي ... كه ... روزي ...
نزل في نفسه وعدة كم من كرب يضعف منه الفؤاد وتقل فيه الحيلة
... روز ... كه ... روزي ... كه ... روزي ...
ويخذل فيه الصديق وتشمت فيه العدو وانزلته بك وشكوته
... روز ... كه ... روزي ... كه ... روزي ...
اليك رغبة مني فيه اليك عمن سواك ففرجته وكشفته وكفيته فانت
... روز ... كه ... روزي ... كه ... روزي ...
ولي كل نعمة وصاحب كل حسنة ومنتهى كل رغبة اعوذ بكلمات
... روز ... كه ... روزي ... كه ... روزي ...
التامات من شر ما خلق من شري اللهم عافني في يومي هذا اجمعني
... روز ... كه ... روزي ... كه ... روزي ...
اللهم اني اسئلك بركة يومي هذا وما نزل فيه من عافية ومغفرة
... روز ... كه ... روزي ... كه ... روزي ...
ورحمة ورضوان ورزق واسع حلال تبسطه علي وعلى والدي و
... روز ... كه ... روزي ... كه ... روزي ...
ولدي واهلي وعيالي واهل خاصتي ومن احببت واحبني وولدت
... روز ... كه ... روزي ... كه ... روزي ...

وولدي اللهم اني اعوذ بك من الشك والشرك والحسد والبغي
والحمية والغضب اللهم رب السموات السبع ورب الارضين
السبع وما فيهن وما بينهن ورب العرش العظيم صل على محمد وآل محمد
واكفني المهم من امري بما شئت وكيف شئت يا من لا يشغله شأن عن شأن
ويا من لا يغلط في المسائل ويا من لا يبرمه الحاح الملحين
ويا من لا يتأذى بضجيج الاصوات ويا من لا يغيره السؤال
ويا من لا يتبرم بدعاء الداعين اسألك يا الله يا رحمن
ان تصلي على محمد وآل محمد وان تقضي حوائجي
ان انك على كل شيء قدير اللهم انك قلت لنبيك وقولك الحق
ادعوني استجب لكم فها انا ذا ادعوك كما امرتني فاستجب لي
كما وعدتني اللهم انك قلت لنبيك وقولك الحق
وليكتب الله انك قلت لنبيك وقولك الحق وسوف يعطيك ربك فترضى اللهم
انا نسألك بما سألك به نبيك ورسولك وحبيبك وخيرتك من خلقك لا فرق بينك وبين
احد من انبيائك وذاتك بموالاة الائمة من اهل بيته وان
تصلي على محمد وآل محمد وان تجعلني من اهل طاعتك
مذنبا خاطئا في نار جهنم فاجرني يا رب من جهنم وعذابها وفضيحتها
لمحمد وآل محمد يا ارحم الراحمين يا جامعا بين اهل الجنة على ما الف من
القلوب وشتت الحية ونازع الغل من صدورهم وجاعلهم اخوانا
على سرر متقابلين يا جامعا بين اهل طاعته وبين من خلقها له و
يا مفرج حزن كل محزون ويا مسهل كل عسير يا راحمي في غربتي ووقف

كل اخواني بحبس الخطوط والكلاءة لي يا مفرج ما بي من الضيق والهم
صل على محمد وآل محمد واجمع بيني وبين احبتي وقادتي وساداتي و
هد اني وموالي يا مؤلف بين الاحباء صل على محمد وآل محمد ولا تجعلني
بانقطاع رؤيته محمد وآل محمد عني ولا بانقطاع رؤيتي عنهم فبكل من
يا رب ادعوك الهي فاستجب دعائي يا رب يا ارحم الراحمين اللهم
اسئلك بانقطاع رجائي ووجوب رجائك ان تغفر لي اللهم اني اعوذ
بك من خزي يوم القيامة ومن شر ما يجيء من الدهر ومن شر الاعداء
وصغير الفناء وعضال الداء وخيبة الرجاء وزوال النعمة و
فجاءة النقمة اللهم اجعل لي قلبا يجتباك كأنه يراك الى يوم يلقاك
ودور بنيت كرد واوقات ديگر هر گاه شدتي رو دهد يا حاجت صعبي
بهم رسد اين دعا را بخواند خصوصا در اعمال محضره شبها و روزها
مخصوص انشاء مبارك است و در رواياتي وارد شده است كه اين دعا
عيني در كتم عدم نازل شد و در رواياتي ديگر در شتم و در رواياتي معتبر ديگر
در رد وارد هم در شتم مفصلا نقل كرده است كه در رد و در شتم اينها مامون خائب
ملعون يا حضرت امام رضا بيعت كرد و در رواياتي شده است كه هر كه در زمان

دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد از حمد بیست و پنج مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند شکر بعد ظاهر شد از حضرت او را آگاه خواهد بود و بروایت معتبر از حضرت صادق منقول است که در شب سیزدهم دو رکعت نماز بگذارند و در هر رکعت بعد از حمد سوره تبارک الذی بیده الملک و قل هو الله احد و در شب چهاردهم چهار رکعت بدو سلام باین صفت و در شب پانزدهم شش رکعت بسه سلام همین کیفیت و شب پانزدهم از لیالی متبرکه است و غسل و زیارت حضرت امام حسین مستحب است در آن چنانچه مذکور شد و در حدیث معتبر از حضرت صادق منقول است که حضرت رسول فرمود هر که در شب نیمه ماه مبارک رمضان صد رکعت نماز بکند یعنی هر دو رکعت یک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله بخواند حق تعالی ده ملک فرید فرستد تا نوی او کید دفع کنند از وضرر دشمنان او را از جن و انس و او نمیرد در هنگام مرگ او نه ملک بشارت دهند او را و نه ملک گرداوند او را از شدائد آن جهان ایمن گردانند او را از شر جهنم و ایضا از آن حضرت منقول است که هر که در شب نیمه ماه رمضان زیارت حضرت امام حسین بکند و بعد از نماز عشاء ده رکعت نماز نزد قبر از حضرت بکند و در هر رکعتی سوره حمد و ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند نمیرد تا در خواب نبیند ملکی چند تا که او را بشارت دهند او را به بهشت و ملکی چند را که ایمن گردانند او را از آتش جهنم و شب هفدهم نیز شب نزول مبارکی است و در آن شب لشکر حضرت رسول از لشکر کفار قریش ملاقات کردند در روز روشن جنگ بدر شد و حق تعالی لشکر آن حضرت را بر کافران ظفر داد و آن اعظم فتوحات اسلام بود و غسل و عبادت در آن شب فضیلت عظیم دارد و شب نوزدهم اول شبهای قدر است و حضرت امیر فرمود بدانا انزلناه فی لیلة القدر یعنی ما فرستادیم قرآن را در شب قدر یعنی شبی که نزد حق تعالی قدر و منزلت عظیم دارد تا تقدیر امور سال در آن شب میشود یا زمین ملک میشود از فرشتگان بنزول ملائکه و ما ادریک ما لیلة القدر و حیر چیز

نورا اعلام کرده است که چرا است شب قدر لیلة القدر خیر من الف شهر شب قدر بهتر است از هزار ماه یعنی عبادت در آن بهتر است از عبادت در هزار ماه منزل الملائکه و الروح فیها فرود می‌آیند ملائکه و روح کبار از همه ملائکه اعظم است در این شب باذن پروردگار ایشان من کل امر بسبب تقدیر هر امری که حادث شود تا سال دیگر او را رسیده است که ملائکه و روح در آن شب بر امام زمان نازل میشوند و آنچه از برای هر کس در این شب مقدر شده است بر امام عرض میکنند سلام هی حتی مطلع الفجر یعنی سلامتی است این شب از جمیع بدیها تا طلوع صبح یا سلام میکنند بر امام مؤمنان که در این شب عبادت میکند تا طلوع صبح و میان سنی و شیعه در شب قدر خلاف نیست بلکه راست بعضی از سنیان گفته اند که شب قدر در زمان حضرت رسول بود و بعد از آن برطرف شد و اکثر ایشان گفته اند که تا روز قیامت باقی است نیز بعضی گفته اند که در تمام سال نهان است و در همه شبها عبادت باید کرد تا فضیلت شب قدر را دریابند و بعضی گفته اند که در ماه شعبان و ماه رمضان نهان است و بعضی گفته اند شب نیمه شعبان است و بعضی گفته اند شب اول ماه رمضان است و بعضی گفته اند شب نیمه است و بعضی هفدهم و بعضی بیست و یکم و بعضی بیست و سیم و بعضی بیست و نهم و بعضی شب آخر گفته اند و اکثر شیعیان در این زمان اتفاق کرده اند بر شب بیست و هفتم و علمای شیعه امامیه اجماع کرده اند بر آنکه از شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم امیدوار بودن و بیداری را معتبر دانسته اند و بعضی احادیث معتبره دلالت میکند بر آنکه از این سه شب بیرون بیست و این سه شب یعنی نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم را احیا باید کرد تا فضیلت شب قدر را دریابند و در بعضی احادیث معتبره بعد از بیست و یکم و سیم شده است و در بعضی نسخ معتبر حصول آن در بیست و سیم واقع شده است و منقول است که در این شب جبرئیل است و او اعرابی بود حضرت رسول عرض کرد که منزل من دور است از مدینه بیحوا هم شبی را از برای من تعیین کنی که همین شب تها باشد که در آن

شب بخدمت تو برسیم حضرت شب بنشست و سیم را برای او تغییر نمود و او
بیوسته با اهل و خدم و حشم خود داخل مدینه میشد و چون صبح میشد
میگشت و از بعضی احادیث ظاهر میشود که هر سه شب فدر بود در شب
اول فدر تر امور میشود و در شب دوم بکثرت دعا و عبادت ممکن است بعضی
تغیر بیابد و در شب سیم ختم میشود و تغییر نمی یابد کتبا رکو تغیر میابد بلاء
تشبیه ماستدار نام بادشاهان که اول تعلیقه میشود و تغییر میابد اما آن که
بعد از آن ثبت دفاتر میشود کما تغییر پذیرفتن است اما نامه مقدر تغیر ناپذیر
نگردیده باز ممکن است تغییر بیابد و چون بمعراج اشرف رسید بمنزله ختم است یعنی تقدیر
در غایت صعوبت است و حضرت حق را حکمتها در الهام بعضی از و هشته باشد
اسم اعظم الهی که بر اکثر مردم مشتبه است و نماز وسطی که بعضی بر پنج نماز ها
و ساعت استجابت در هر شب و در هر روز جمعه و عمل مقبول در میان اعمال
و امثال اینها و یک حکمت در مبهم ساختن اینها از است که در همه اعتماد
الهی مواظبت نمایند و اهتمام در همه نمازها بکنند و در تمام شب و روز جمعه
دعا بکنند و سعی در اعمال خیر بکنند شاید یکی مقبول کرده و همچنین در شب
فدر شبهائی که احتمال آن دارد همه را احیا کنند و حکمت دیگر در بعضی از
آنها میتواند بود مثل آنکه اگر اسم اعظم را همه کس بداند کار باشد بعضی او
نقوش شریر از او سلب حصول مطالب و بتوبه کنند چنانچه از اسم نقل
کرده اند و همچنین شب فدر و ساعت استجابت اگر بخصوص آنها را بداند
ممکن است که امور غیر مشروعه را در ساعتهای عظیم نسبت بمعصیت از مسلمانان
استدعا کنند و اگر بخصوص نداند باید البته مستجاب کرده دیگر آنکه مقرر شود
باعمال خود نکرده و حکمتهای دیگر بنابر آنست که در این رساله گنجایش ذکر آنها
ندارد پس باید مؤمن این سه شب را احیا کند و اهتمام در عبادت و دعا بکند
تا فضیلت شب فدر را دریابد و در دو شب اخر اهتمام بیشتر کند و در شب بیست
و سیم که احادیث معتبره بنشانه در تخصیص آن وارد شده است که شب فدر است

سعی

سعی بیشتر بکنند و خواهند شب فدر بنشانه است از جمله آنکه چون عبادت شب
فدر را در یابد بقدر زیاده از ثواب عبادت هزار ماه که زیاده از هشتاد سال
است برای او مقرر میشود دیگر آنکه تقدیر آن جمیع امور از عمر و مال و فرزند
و عزت و صحت و توفیق اعمال خیر و سایر امور در این شب میشود اصلاح احوال
تمام سال خود را در این شب کرده خواهد بود و ممکن است که نام او در دیوان اشقیا
نوشته باشد و در این شب تغییر یابد و از زمره سعادتمندان نوشته شود چنانچه
این مضمون در اکثر دعاها و احادیث معتبره وارد شده است دیگر آنکه از چون
امام او حضرت صاحب الامر در تمام این شب باملائکه مقربین محشور است فوج
فوج محمد مناوی میایند و بر او سلام میکنند و نقد را میکه از برای او و سایر مؤمنان
شده است بر او عرض میکنند سزاوار نیست که در چنین شبی با مولای خود نکند
و بعقلت بسر آورد و از حضرت رسول منقول است که چون شب فدر میشود فرشتگان
میایند ملائکه که در سدره المنتهی ساکنند و از جمله ایشان جبرئیل است و
بیرقهای علمها می او در دنیا علم را بر قبر متوفی نصب میکنند و یکی را بر بیت المقدس
و یکی را در مسجد الحرام و یکی را در طور سینا و نمیگذارند هیچ مرده مؤمن و زن و
مؤمنه را مگر آنکه بر او سلام میکنند و ایضا از حضرت رسول منقول است که بهشت
هر سال برای داخل شدن ماه رمضان زینت میکنند چون شب اول میشود نسیم
از زیر عرش میوزد که او را شیره مینامند و بصدا می آورد در خازن و خلقهای
درهای بهشت را پس بفتنه از آن میشنوند که هرگز نشنوند کان از آن خوش آیند
تر نغمه نشنیده اند پس حور آن از غرفهای بهشت بیرون می آیند و ندا میکنند
کدام بنده هست که خواستگاری کند ما را باعمال صالحه خود تا ما خواستگار
خازن بهشت میپرسند که این چه شب است رضوان میگوید لبیک ای نیکو
رویان نیکوکاران این شب اول ماه رمضان است درهای بهشت گشوده شده
است برای روزه داران از امت محمد پس حق تعالی منبعث میفرماید که ای رضوان بگشا
درهای بهشت را ای مالک به کند درهای جهنم را از روزه داران امت محمد

ای جبرئیل برو کبوی زمین و دفع بجبر کن شیاطین متمردرا و غلهارا دور کن از
انشان کفار و اشرارا در لجهای دریا بیندازند تا فاسد نکردانند بر امت حبیب
من روزهای ایشانرا و حضرت فرمود که خدای تعالی در هر شب از شبهای ماه
رمضان سه مرتبه ندا میفرماید که ایا سوال کننده هست که سوال او را اعطا
کنم ایا توبه کننده هست که توبه او را قبول کنم ایا استغفار کننده هست که گناه
هش را بیامرزم کیست که قرض دهد بخداوند ما لدار بی که هرگز پریشان
نمیشود و وفا کننده است بوعدهای خود و ستم نمیکند و فرمود که در آخر هر
روز از روزهای ماه رمضان در وقت افطار حضرت الهی هزار هزار کس را از
آتش جهنم آزاد میکند و چون شب جمعه و روز جمعه میشود در هر شبانه هزار
هزار کس را از آتش جهنم آزاد میکند که هریك مستوجب عذاب شده باشند
و در شب آخر و روز آخر ماه بعدد آنچه در تمام ماه آزاد کرده آنقدر آزاد میکند
و چون شب قدر میشود حق تعالی امر میکند جبرئیل را که بزمین میاید با لشکر
عظیمی از ملائکه و با خود علی سبز می آورد و بر بالای کعبه معظمه نصب میکند
و او شش بال دارد دو بالش را نمیکشاید مگر در شب قدر و چون در شب قدر
آن دو بال را نمیکشاید از مشرق و مغرب هیچ فرشته نمیماند جبرئیل آن
ملائکه را در این شب در اطراف زمین پس سلام میکنند بر هر ایستاده و نشسته
که مشغول نماز و ذکر خدا باشند و با ایشان مصافحه میکنند و چون ایشان
دعا میکنند ملائکه آمین میگویند و بپوشه مشغول این کارند تا صبح و چون
صبح میشود ندا میکند جبرئیل که ای گروه ملائکه روانه خانه‌های خود شوید
پس ملائکه میگویند ای جبرئیل خدا چه کرد در حوائج مومنان از امت محمد جبرئیل
میگوید خدا گناهان همه را آمرزید مگر کسی که همیشه شراب خورد یا عاق
پدر و مادر باشد یا قطع رحم کند یا با مومنان عداوت کند و چون شب عید میشود
میشود و او را شب جوائز میگویند خدا مزد میدهد عمل کنندگان ماه رمضان را
به حساب و چون بامداد روز عید میشود حق تعالی ملائکه را بشهرها در جمیع

شهرها میفرستد که بر زمین مجا بند و بر سر کوچها و بازارها و راههای ایستند
و میگویند ای امت محمد بیرون روید بسوی درگاه پروردگار کریمی که عطا
بزرگ بخشد و گناهان عظیم را می آمرزد پس چون بمصلی میروند برای نماز عید
حق تعالی بملائکه میگوید ملائکه مزد چیست جزای مزدوری هر کاه عمل خود
بکند ملائکه میگویند بخداوندا ما را همین او را است که مزدش تمام داده شود
حق تعالی میفرماید بملائکه من نماز را گواه میگیرم که ثواب ایشانرا از روزه
ماه رمضان و عبادت شبها عطا کردم که از ایشان راضی شدم و گناهان
ایشانرا آمرزیدم پس ندا میفرماید مومنانیرا که در آن مجمع حاضر بودند که ای
بندگان من هرچه خواهید از من سوال کنید بعزت و جلال خود سوگند یاد
میکنم که در این مجمع شما هر حاجت که برای آخرت و دنیای خود سوال کنید البته
عطا میکنم و عیبهای شما را میپوشانم تا از من روگردان نشوید و مزدهای شما را
مضاعف گردانم و شما را در گمان گناهکاران رسوا نکردانم برگردید بازمصطفی
امر زده بدرستی که خوشنود گردانیدید مرا و خوشنود شدم از شما و چون ملائکه
سرور و شادمان میشوند و یکدیگر را مبارکباد میگویند با یکدیگر حق تعالی با امت محمد
عطا کرده و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر منقول است که هر گاه احیا کند
شب عید را گناهان او امرزیده شود هرچند بعدد ستارهای آسمان باشد
و بسنگینی کوهها و کیل بدانها باشد و اما اعمال این هر سه شب پس مرد و نوع
است اول آنکه در هر سه شب باید که گرسنه و تشنه

نرود تا همه را مشاهده نماید و غسل در این سه شب سنت مؤکد است و
این شبها را مقارن غروب آفتاب کردن بهتر است که نماز شام را با عشا
بکند و مستحب است در این شبها قرآن بسیار بخواند و بگشاید و این دعا
بخواند اللهم انی اسئلک بکتابک المنزل وما فیه وفیه اسمک الاکبر و
[illegible]
اسمائک الحسنی وما یخاف ویرجی ان تجعلنی من عتقائک من النار و تقضی
[illegible]
حوائجی للدنیا والآخرة پس حاجات خود را از خدای تعالی طلب نماید که انشاء الله
[illegible]
برآورده است و این دعا از حضرت امام محمد باقر منقول است
و از حضرت امام جعفر صادق منقول است که صحیفه را بگیرد و بر سر بگذارد و
بگوید اللهم بحق هذا القرآن وبحق من ارسلته بالحق وبحق کل مؤمن مدحته
[illegible]
فیه وبحقک علیهم فلا احد اعرف بحقک منک پس در هر مرتبه بگوید یا الله و در
[illegible]
مرتبه یا محمد یعلی
[illegible]
یا فاطمة یا الحسن یا الحسین مرتبه یعلی بن الحسین مرتبه محمد بن علی
[illegible]
یعلی بن محمد مرتبه جعفر بن محمد مرتبه موسی بن جعفر مرتبه یعلی بن موسی
[illegible]
محمد بن علی مرتبه یعلی بن محمد مرتبه یا الحسن بن علی مرتبه یا الحجة پس هر حاجت
که داری طلب کن و دیگر از حضرت امام حسن در هر یک شب سنت مؤکد است
و در هر یک حضور صد رکعت نماز است هر رکعت
یک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند
و در بعضی از روایات معتبره وارد شده است که به هفت مرتبه یا پنج مرتبه
یا سه مرتبه یا یک مرتبه قل هو الله اکتفا نماید و در احادیث دیگر
این صد رکعت وارد شده است و باید از این صد رکعت بعضی را قبل شب باشد و اگر
ضعف داشته باشد نشسته هم میتواند کرد و بهتر آن است که اعمال در این شبها

طلب آمرزش و دعا از برای مطالب دنیا و آخرت خود است و بعد از نماز در حق خود
خود و پدر و مادر و مؤمنین زنده و مرده ایشان و از کار و صلوات بر محمد و آل محمد صلوات
الله علیهم آنچه مقدور شود در بعضی روایات وارد شده است و دعای جوشن
کبیر را در هر یک از این سه شب به خواند و اعمال مخصوص شب نوزدهم
آنست که صد مرتبه استغفر الله ربی واتوب الیه و صد مرتبه اللهم العن
قتلة امیر المؤمنین و این دعا بخواند اللهم اجعل فیما تقضی وتقدر من الامر
[illegible]
المحتوم وفیما تفرق من الامر الحکیم فی لیلة القدر من القضاء الذی لا یرد
[illegible]
ولا یبدل ان تکتبنی من حجاج بیتک الحرام المبرورة حجامهم المشکور سعیهم
[illegible]
المغفور ذنوبهم المکفر عنهم سیئاتهم واجعل فیما تقضی وتقدر ان
[illegible]
تطیل عمری وتوسع علی برزقی وتقدر لی جمیع امور دینی ما هو خیر لی
[illegible]
فی دنیای والخیر لی فی حوائج خود را از حضرت عالی طلب نماید و شب بیست و یکم
[illegible]
همه را باید بعمل آورد و در این همه اخبار اعتکاف در مساجد جامعه سنت تاکید
وده استحباب دعا است و بسیار معتبر از حضرت امام موسی منقول است
که در شب بیست و یکم و بیست و ششم صد رکعت نماز بکن و در هر رکعت بعد
سوره قل هو الله بخوان و در حدیث معتبر دیگر منقول است که حضرت امام محمد
باقر این دو شب را احیا میکرد و در نصف اول شب مشغول دعا میشد و در نصف
آخر مشغول نماز و بسند موثق از حضرت صادق مرویست که اگر توانی در دو شب
بیست و یکم و بیست و ششم ماه رمضان در هر یک صد رکعت نماز بکن بهتر بسیار

نماز شب و نافله صبح و نماز بیدارباش و مستحب است که مشغول نماز و دعا و تضرع
تا بتی بد رسیدن که امید شب قدر در یکی از اینها هست و شب قدر بهتر است
از هزار ماه فرمود یعنی بهتر است از عمل در هزار ماه و هزار ماهی که در این سال
مقدر میشود در شب قدر مقدر میگردد و دعای این شب در ضمن دعاهای
دهه اخر مذکور خواهد شد انشاء الله و اما شب بیست و سیم اکثر احادیث
معتبره دلالت میکند بر انکه شب قدر است و در آن به و غسل سنت است یکی از آن
شب و دیگری در اخر شب و حضرت صادق فرمود که شب بیست و سیم شب
جمعی است و در آن شب جمیع امور بر وفق حکمت مقدر میگردد و در آن شب مقدر
میشود مرگها و بلاها و روزیها و قضاها و انچه در آن سال واقع میشود است قدر
امید که پس خوشحال شده که احیا کند آن شب را و بیدار باشد بعبادت و گاه در
رکوع باشد و گاه در سجود و گاهان خود را در برابر دیده های خود ممثل گرداند
و برا نها گریه چون چنین کند امید دارم که از فضیلت شب قدر محروم نگردد ان
شاء الله و فرمود که حق تعالی امر میکند ملکی را که ندا میکند در هر یک از
روزهای ماه رمضان در هوا که شما را ای بندگان من که بخشیدم شما را و در شب
قدر شفاعت شما را در حق نیکبخت مستجاب میگردانم مگر کسی که در دو روز افطار
کند بر مست کننده یا کینه مومنی را در دل داشته باشد و بسند معتبر از
حضرت صادق که هر که بگوید سوره عنکبوت و روم را در شب بیست و سیم بخواند
و الله که او از اهل بهشت است و استدلال میکنم در آن احد براینکه می بوسم کرحد
در بین سوگند بر من کتابی بتوشید و این دو سوره را از نزد خدا منزل عظیم هست
و ایضا از ان حضرت بسند معتبر منقول است که هر که در شب بیست و سیم
ماه رمضان هزار مرتبه سوره انا انزلناه را بخواند هر آینه صبح کند با بخشش
سدید با عتراف با انچه مخصوص است از کرامتها در این شب به سبب انچه در
خواب به بیند و سوره حم دخان را نیز سنت است که در این شب بخواند و از
حضرت امام محمد تقی منقول است که هر که در این شب زیارت کند حضرت امام حسین

در شب بیست و سیم که امید شب قدر در آن هست و در آن همه امری مقدر
میشود که صالحه کند با او روح صد و بیست و چهار پیغمبر که همه در آن شب بر
رحمت منتظرند از حق تعالی دعا و زیارت آن حضرت و بسند معتبر از حضرت امام
محمد باقر روایت کرده است که اهر گاه احیا کند شب بیست و سیم ما منادی کرامت
صد رکعت نماز بکند حق تعالی روزی او را فراخ گرداند در دنیا و ثمره شما را از او
کفایت کند و پناه دهد او را از غرقی شدن و خانه بر سر او خراب شدن و لقمه
در گلو گرفتن و از شر شما و دیو کند او و هول منکر و نکیر را و از فقر بپرون آید و در
نور باشد که روشنی بخشد اهل محشر را و نامه اعمال او بدست راست او دهند
و بنویسند برای او برات بیزاری از آتش جهنم را و گذشتن بر صراط را و ایمنی از عذاب
را و در اعلی بهشت خود فی حساب و در بهشت او را از رفیقان پیغمبران و صدیقان
و شهیدان و صالحان گردانند و نیکو رفیقانند ایشان و دعای این شب از جمله
دعاهای دهه اخر بخواند اللهم امدد لی فی عمری و اوسع لی فی رزقی و ا
و ایضا استحب است دعا را بخواند
اصح جسمی و بلغنی املی و ان کنت من الاشقیاء فامحنی من الاشقیاء و اکتبنی
پس او را در بهشت مرا در زندگی و اگر بودم از
من السعداء فانک قلت فی کتابک المنزل علی نبیک صلواتک علیه و آله
ما تشاء و تثبت و عندک ام الکتاب اللهم اجعلنی من اوفر عبادک
تصیبا من کل خیر انزلته فی هذه اللیلة و انت منزله من تورثهنی به اوفر
النشرها او توزع و تقسمه او بلا و تدفعه او ضر تکشفه و اکتب لی ما کتبت لا
و لیائک الصالحین الذین استوجبوا منک الثواب و امنوا برضاک عنهم

منك العفو والعافية يا كريم يا كريم صل على محمد وآل محمد وافعل بي ذلك يا ارحم الراحمين وهر مقدار كه از قرآن ممكن باشد در اين شب بخواند و دعاهاي صحيفه كامله را بخواند خصوصا دعاهاي مكارم اخلاق و دعاي ابوحمزه و روزهاي اين شهر را بدين مدت داشت و بعد از آن دعاي ابوحمزه را بخواند زيرا كه در اخبار معتبره وارد شده است كه روز فطر روز فضيلت نيز مثل شب قدر است و در شب عيد و چهارم نيز بخصوص غسل سنت است و در شب بيست و پنجم نيز غسل سنت است و احاديث معتبره در استحباب غسل در آن وارد شده است و خداي عزوجل دفع ميكند كاهان و بدنها و جميع انواع بلاها را از روزه داران ماه رمضان پس عطا ميكند خوف تعالى باشان نوري در گوشها و ديده هاي ايشان و در شب بيست و هفتم نيز بخصوص غسل وارد شده است و منقول است كه حضرت امام زين العابدين در اين شب مكررا اين دعا را ميخواندند از اول شب تا آخر شب اللهم ارزقني الجنان في غرف الفردوس والاياه الى دار الخلود والاستعداد للموت قبل حلول الفوت و در شب بيست و نهم نيز بخصوص غسل وارد شده است و همچنين در شب آخر غسل سنت است و زيارت حضرت امام حسين سنت است و وداع ماه مبارك سنت مؤكد است براي آنكه روزه و عبادات اتمام بر اماكران و دشوار و ما خواهان ان بوديم و از مفارقت آن اندوه و حزن و هر كه لذت عبادت الهي را يافته است و فوايد آنرا دريافته و عبادت را دانسته است عاشق عبادت و بندگي ميباشد پس بايد اين ماه وافر البركات را به نحوي وداع كند كه عزيزترين اهل خود را در هنگام مفارقت وداع ميكند و معلوم است كه علامي كه از اقاي خود شاد و خوشحال باشد و او را ترك خدمت دلگير باشد مثل علامي نيست كه از ترك خدمت كند و بان راضي نباشد و دعاي وداع را در شب آخر سنت است خواندن و در دو ركعت به

نحو است كه خوب است و در حديث است كه اگر آخر ما شنبه باشد و در بيست و نهم احتياط سنت است خواندن و دعاهاي وداع فراوان است و بهترين دعاها دعاي صحيفه كامله است و سندهاي معتبر از حضرت امام جعفر صادق در اين دعاي وداع منقول است بسم الله الرحمن الرحيم اللهم انك قلت في كتابك المنزل على لسان نبيك المرسل صلوات الله عليه وآله وقولك حق شهر رمضان الذي انزل فيه القرآن هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان وهذا شهر رمضان قد تصرم وانقضت ايامه وليالية فاسئلك بوجهك الكريم وكلماتك التامة ان كان بقي على اجلي لم تغيره الى ان تدركني ايامه او تعذبني عليه او تقايسني به ان تطلع فجر هذه الليلة او عشيتها هذا الشهر الا وقد غفرته لي يا ارحم الراحمين اللهم لك الحمد بما صليت كلها اولها واخرها ما قلت لنفسك منها وما قال لك الحامدون المحمدة المعددون المؤدون في ذكرك والشكر لك الذين اعنتهم على اداء حقك من اصناف خلقك من الملئكة المقربين والنبيين والمرسلين واصناف الناطقين المستجيبين لك من جميع العالمين على انك بلغتنا شهر رمضان

وَعَلَّمْتَنَا مِنْ نِعَمِكَ وَعَدَّدْتَ لَنَا مِنْ جَزِيلِ قِسَمِكَ وَإِحْسَانِكَ وَتَظَاهُرِ امْتِنَانِكَ
بِذَلِكَ لَكَ مُنْتَهَى الْحَمْدِ الْحَالِدِ الدَّائِمِ الزَّاكِدِ الْمُخَلَّدِ السَّرْمَدِ الَّذِي لَا يَنْفَدُ
طُولَ الْأَبَدِ جَلَّ ثَنَاؤُكَ أَعَنْتَنَا عَلَيْهِ حَتَّى فَضَيْنَ عَنَّا صِيَامَهُ وَقِيَامَهُ
مِنْ صَلَوَاتِهِ وَمَا كَانَ مِنَّا فِيهِ مِنْ بِرٍّ وَشُكْرٍ وَذِكْرِ اللَّهُمَّ فَتَقَبَّلْهُ مِنَّا يَا
حَسَنَ مَنْ تَوَلَّكَ وَمُجَاوِزَ لَكَ وَعَفُوَّكَ وَصَفْحَكَ وَغُفْرَانَكَ وَحَقِيقَةَ رِضْوَانِكَ
حَتَّى نَظْفَرَ نَامِيَهُ بِكُلِّ خَيْرٍ مَطْلُوبٍ وَجَزِيلِ عَطَاءٍ مَوْهُوبٍ وَنَوْمِنَا فِيهِ مِنْ
كُلِّ أَمْرٍ مَحْبُوبٍ وَذَنْبٍ مَكْسُوبٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَظِيمِ مَا سَأَلَكَ بِهِ
مِنْ خَلْقِكَ مِنْ كَرِيمِ اسْمَائِكَ وَجَزِيلِ ثَنَائِكَ وَخَاصَّةِ دُعَائِكَ أَنْ تُصَلِّيَ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ شَهْرَنَا هَذَا أَعْظَمَ شَهْرٍ رَمَضَانَ مَرَّ عَلَيْنَا
مُنْذُ أَنْزَلْتَنَا إِلَى الدُّنْيَا بَرَكَةً فِي عِصْمَةٍ دِينِي وَخَلَاصِ نَفْسِي وَمَضَاءً حَتَّى
وَكَشْفِنِي فِي مَسَائِلِي وَتَمَامِ النِّعْمَةِ عَلَيَّ وَصَرْفِ الْبَلْوَى عَنِّي وَلِبَاسِ
الْعَافِيَةِ لِي وَأَنْ تَجْعَلَنِي وَإِيَّاهُ مِمَّنْ حَرَزَتْ لَهُ لَيْلَةُ الْقَدْرِ وَجَعَلْتَهَا

لَهُ خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ فِي أَعْظَمِ الْأَجْرِ وَكَرِيمِ الذُّخْرِ وَطُولِ الْعُمُرِ وَحُسْنِ
الشُّكْرِ وَدَوَامِ الْيُسْرِ اللَّهُمَّ وَاشْغَلْنَا بِرَحْمَتِكَ وَطَوْلِكَ وَعَفْوِكَ وَتَمَامِ
وَجَلِّلْنَا لَكَ وَقَدِيمِ إِحْسَانِكَ وَامْتِنَانِكَ أَنْ لَا تَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنَّا لِشَهْرِ
رَمَضَانَ حَتَّى تُبَلِّغَنَاهُ مِنْ قَابِلٍ عَلَى أَحْسَنِ حَالٍ وَتُغْرِقَنِي هِلَالَهُ مَعَ
النَّاظِرِينَ إِلَيْهِ وَالْمُتَعَرِّضِينَ لَهُ فِي أَعْنَى عَافِيَتِكَ وَأَتَمِّ نِعْمَتِكَ وَأَوْسَعِ رَحْمَتِكَ
وَأَجْزِلْ قِسَمِكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا الَّذِي لَيْسَ لَنَا رَبٌّ غَيْرُهُ لَا يَكُونُ هَذَا لِوَدَاعٍ
وَدَاعٍ فِينَاوَلَا آخِرَ الْعَهْدِ مِنَ اللِّقَاءِ حَتَّى تُرِيَنَّهُ مِنْ قَابِلٍ فِي أَسْبَغِ النِّعَمِ وَأَفْضَلِ
الرَّخَاءِ وَأَنَالَكَ عَلَى أَحْسَنِ الْوَفَاءِ إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ اللَّهُمَّ اسْمَعْ دُعَائِي وَاجْ
نَضَّرَ عَنِّي وَقَدْ بَلِيَ لَكَ وَاسْتَكَانَ لَكَ وَتَوَكَّلَ عَلَيْكَ وَأَنَالَكَ مُسْلِمٌ لَا أَرْجُوَاحَا
وَلَا مُعَافَاةً وَلَا نَشْرَ بَقَاءٍ وَلَا تَبْلِيغًا إِلَّا بِكَ وَمِنْكَ فَامْنُنْ عَلَيَّ جَلَّ ثَنَاؤُكَ
وَتَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ بِتَبْلِيغِي شَهْرَ رَمَضَانَ وَأَنَا مُعَافًى مِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ وَمَحْذُورٍ
وَمِنْ جَمِيعِ الْبَوَائِقِ فَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَعَانَنَا عَلَى صِيَامِ هَذَا الشَّهْرِ وَقِيَامِهِ حَتَّى

بلغنا آخر ليلة منه اللهم إني أسئلك بأحب ما دعيت به وأرضى ما رضيت
به عن محمد أن تصلي على محمد وآل محمد ولا تجعل وداعي تهمر رمضان وداع
خر وجي من الدنيا ولا وداع آخر عباد تك فيه ولا آخر صومي لك وارزقني
العود فيه ثم العود فيه برحمتك يا ولي المؤمنين وقفني فيه للبيلة القدر
واجعلها لي خيرا من ألف شهر ربت الليل والنهار والجبال والبحار والظلم
والأنوار والأرض والسماء يا بارئ يا مصور يا حنان يا منان يا الله يا رحمن
يا رحيم يا حي يا قيوم يا بديع السموات لك الأسماء الحسنى والأمثال العليا
والكبرياء والآلاء أسئلك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم أن تصلي على محمد
وآل محمد وأن تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء
وإحساني في عليين وإساءتي مغفورة وأن تهب لي يقينا تباشر به قلبي
وإيمانا لا يشوبه شك ورضى بما قسمت لي وأن توتيني في الدنيا حسنة
وفي الآخرة حسنة وأن تقيني عذاب النار والحريق اللهم اجعل فيما

نقضي ونقدر من الأمر المحتوم وفيما تفرق من الأمر الحكيم في ليلة القدر
من القضاء الذي لا يرد ولا يبدل ولا يعتبر أن تكتبني من حجاج بيتك الحرام
المبرور حجهم المشكور سعيهم المغفور ذنبهم المكفر عنهم سيئاتهم واجعل
فيما تقضي وتقدر أن تطيل عمري وأن توسع رزقي من الحلال أدرأ عني
اللهم إني أسئلك ولم تنيل العطاء مثلك جودا وكرما وأرغب إليك في
أن يرغب إلى مثلك أنت موضع مسئلة السائلين ومنتهى رغبة الراغبين
أسئلك بأعظم المسائل كلها وأفضلها وأنجحها التي ينبغي للعباد أن تسأله
بها يا الله يا رحمن وبأسمائك ما علمت منها وما لم أعلم وبأسمائك الحسنى
وأمثالك العليا وبعفوك التي لا تحصى وبأكرم أسمائك عليك وأحبها
إليك وأسرها عندك منزلة وأقربها منك وسيلة وأجزلها منك ثوابا
وأسرعها إذنك إجابة وبأسمك المكنون المخزون الحي القيوم الأكبر الأجل
الذي يحبه وتهواه وترضى به عمن دعاك به وتستجيب له دعاءه وتحنو عليه

أن لا تجيب سائلك وأسئلك بكل اسم هو لك في التوراة
والفرقان وبكل اسم دعاك به حملة عرشك وملئكة سمواتك وجميع الأ
صناف من خلقك من نبي أو صديق أو شهيد وبحق الزاحفين إليك الفرادى
منك المتعوذين بربك وبحق مجاوري بيتك الحرام حجاجا ومعتمرين ومتقربين
والمجاهدين في سبيلك وبحق كل عبد متعبد لك في بر أو بحر أو سهل أو جبل
أدعوك دعاء من قد اشتدت فاقته وكثرت ذنوبه وعظم جرمه وضعف
كدحه دعاء من لا يجد لنفسه مذادا ولا لضعفه مقويا ولا لذنبه غافرا
غيرك هاربا إليك متعوذا بك متعبدا لك غير مستكبر ولا مستنكف
خاشعا باك فقيرا مستجيرا بك تسئلك بعزتك وعظمتك وجبروتك
وسلطانك وقدرتك وبهائك وجودك وكرمك وآلائك وأحيائك
وجمالك ويقوتك على ما أردت من خلقك أدعوك يا رب خوفا وطمعا
وتخشعا وتملقا وتضرعا والحاحا والحاحا خاضعا لك لا إله إلا أنت

وصيامه

وتعبدك لا شريك لك يا فاطر السموات والأرض يا الله يا الله يا الله يا رحمن يا رحمن
يا رحمن يا رحيم يا رحيم يا رحيم يا رب يا رب يا رب أعوذ بك يا الله الواحد الأحد
الصمد الوتر المنكر المتعال وأسئلك بجميع ما دعوتك به وبأسمائك الت
تملأ أركانك كلها أن تصلي على محمد وآل محمد واغفر لي ذنبي وارحمني وأوسع
علي من فضلك العظيم وتقبل مني شهر رمضان وصيامه وقيامه وفرضه
ونوافله واغفر لي وارحمني واعف عني ولا تجعله آخر شهر رمضان
صمته لك وعبدك فيه ولا تجعل وداعي إياه وداعا خرجت من الد
اللهم أوجب من رحمتك ومغفرتك ورضوانك وحشيتك فضل ما
أعطيت أحدا ممن عبدك فيه اللهم لا تجعلني أخسر من سألك فيه
واجعلني ممن أعتقته في هذا الشهر من النار وغفرت له ما تقدم من ذنبه
وما تأخر وأوجبت له أفضل ما رجاك وأمل منك يا أرحم الراحمين
اللهم ارزقني العود في صيامه لك وعبادتك فيه واجعلني ممن يديم

في هذا الشهر من مخالج بنيك الحرام المبرورين جهلهم المغفور لهم ذنبهم المقبول
عملهم امين امين رب العالمين اللهم لا تدع لي فيه ذنبا الا غفرته ولا
خطيئة الا محوتها ولا عثرة الا اقلتها ولا ذنبا الا قضيته ولا عيلة
الا قضيتها ولا هما الا فرجته ولا فاقة الا سددتها ولا عرا الا كشفته
ولا مرضا الا شفيته ولا اذاة الا اذهبته ولا حاجة من حوائج الدنيا
والاخرة الا قضيتها على افضل املي ورجائي فيك يا ارحم الراحمين
اللهم لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا ولا تذلنا بعد اذ اعززتنا ولا تضعنا
بعد اذ رفعتنا ولا تهنا بعد اذ اكرمتنا ولا تفقرنا بعد اذ اغنيتنا و
لا تمنعنا بعد اذ اعطيتنا ولا تحرمنا بعد اذ رزقتنا ولا تغيرنا من نعمك علينا
واحساناك الينا بذنوب كان من ذنوبنا ولا لما هو كائن من قبائحنا في كرمك وعفوك
وفضلك سعة لمغفرة ذنوبنا فاغفر لنا ونجاوزعنا ولا تعاقبنا عليها يا ارحم
الراحمين اللهم اكرمني في مجلسي هذا كرامة لا تهينني بعدها ابدا و

واغفر في غرا الا ذلي بعده ابدا وعافني عافية لا تبتليني بعدها ابدا وارزقني
ارفع رفعة لا تضعني بعدها ابدا واصرف عني شر كل شيطان مريد
وشر كل جبار عنيد وشر كل قريب او بعيد وشر كل صغير او كبير وشر
كل دابة انت اخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم اللهم ما كان في
قلبي من شك او ريبة او خوف او موطن او فرح او مرح او بطر او مدح او خيلاء
او رياء او شقاق او نفاق او كفر او فسوق او معصية او بغي لا تحت عليه
ولينا لك فاسئلك ان تصلي على محمد وال محمد وان تحول من قلبي وبدني
مكانه ايمانا بوعدك ورضى بقضائك ووفاء بعهدك ووجلا منك وذهلا
في الدنيا وزهدا فيما عندك وشغفا بك وظمانية اليك ونزوعا
اليك اللهم ان كنت لم تعنا وما فترعنا الحالنا الى فاويل حتى بلغنا
في يسر منك وعافية يا ارحم الراحمين وصلى الله على محمد واله كثيرا
رحمة الله وبركاته ورحمة اخر بود واع جمعها بدهنيب وارحابرين عالم

رسول در جمعه اخر ماه رمضان چون نظر از حضرت برمی افتاد فرمود که این
اخر جمعه ایست از ماه مبارک رمضان پس او را وداع کن و بگو اللهم لا تجعله
اخر العهد من صیامنا ایاه فان جعلته فاجعلنی مرحوما و لا تجعلنی محروما
زیرا که هر که اینرا دعا زاد در این روز بخواند یکی از دو خصلت نیکو ظفر میابد
یا بیوسیدن ماه رمضان اینده یا بامرزش خدا و رحمت بی انتها و نیندیشد جعفر
از حضرت صادق منقولست که هر که در شب اخر ماه رمضان اینده بخواند
اللهم لا تجعله اخر العهد من صیامی لشهر رمضان و اعوذ بک ان تجعلنی

فجر هذه اللیلة الا و قد غفرت لی حق تعالی پیش از صبح او را بیامرزد و انا
توبه و انابه روزی کند و مستجاب این دعا
بخواند اللهم انی اسئلک ما دعیت به و ارضی ما رضیت به عن محمد و عن اهل
بیت محمد علیه و علیهم السلام ان تصلی علیه و علیهم و لا تجعل وداع
شهری هذا و داع خروجی من الدنیا و لا وداع اخر عبادتک و وفقنی
فیه للیلة القدر و اجعلها الی خیر من الف شهر مع نضاعف الاجر و
الاجابة و العفو عن الذنب برحمتی الرب و از جمله چیزها که سنت است
ها است زیرا که شیوا است که حضرتی الی مکه دسپارا از اشرف جهنم ازاد کرد
هر گاه ضعیف فرزندان ازاد کند امید هست که خداوند فارد
بزوال بان وسعت انرا از اشر جحیم ازاد کرداند و نام او را از جزایدیه عاصیا
محو نماید چنانچه منقولست از حضرت امام زین العابدین سند ها که در عرض

سال تحصیل میتوند نامیب نقصان زیاده و کمی در شب اخر ماه رمضان ازامیتوند
و میسر میشود که شما ها را ازاد کردم بامید انکه خداوند جیم از تقصیرات من
در گذرد و مرا از عذاب جحیم ازاد گرداند و چون روز عید میشد جایزهای
عظیم بانشان می بخشید که ایشان بی نیاز باشند از سوال کردن از مردم
و منکف که حضتعالی در هر شب ماه رمضان در هنگام افطار هفتاد هزار
هزار کس را ازاد میکند از انها که مستوجب جهنم شده باشند و در شب اخر
مثل انچه در جمیع ماه ازاد کرده است ازاد میکند و حضرت هیچ علامی و کبیری
را زیاده از یکسال خدمت نفرموده و در روز عرفه در عرفات فرزندها بی حدود
ازاد میفرموده و در روز ابنی وارد شده است که نشانست که در شب اخر شوال
انعام و کشف و ذنب بخواند و صد مرتبه بگوید استغفر الله و اتوب الیه
فصل هفتم در عملهای مخصوص در هه اخر ماه مبارکست سید مصنف رحمه
صادق منقولست که ان حضرت در هر شب از شبهای دهه اخر این دعا
میخواندند اللهم انک قلت فی کتابک شهر رمضان الذی انزل فیه القرآن

هدی للناس و بینات من الهدی و الفرقان فعظمت حرمة شهر رمضان
بما انزلت فیه القرآن و خصصته بلیلة القدر و جعلتها من لیالی الشهر
اللهم و هذه ایام شهر رمضان قد انقضت و لیالیه قد تصرمت و قد
حضرت یا الهی منه الی ما انت اعلم به منی و احصی العدد منه من الخلق اجمعین
فاسئلک یا اسئلک به ملائکتک المقربون و انبیاؤک المرسلون و عبادک

الصالحون ان تصلي على محمد وآل محمد وان تفك رقبتي من النار يوم تبعث خلقك

الجنة برحمتك وان تتفضل علي بالامن يوم الخوف من كل هول اعددته

يوم القيامة الهي واعوذ بوجهك الكريم وبجلالك العظيم ان يقضي ايام

شهر رمضان ولياليه وانت علي ساخط او ذنب تواخذني به او خطيئة

تريد ان تفضحني بها لم تغفرها لي سيدي سيدي اسئلك بالاله الا

انت الا اله الا انت ان كنت رضيت عني في هذا الشهر فازدد عني رضا

وان لم تكن رضيت عني فمن الان فارض عني يا ارحم الراحمين يا الله يا احد

يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد وتب علي يا مسمع يا

ملين الحديد لداود يا كاشف الضر والكرب العظام عن ايوب يا مقيل

عثرة يعقوب يا منفس عن يوسف صل على محمد وآل محمد كما انت اهله ان

تصلي عليهم اجمعين وافعل بي ما انت اهله ولا تفعل بي ما انا اهله و

بسند معتبر ذكر ابان حضرت منقول است اعوذ بجلال وجهك الكريم

كه در هر شب ده نوبت بخواند

ان يقضي عني شهر رمضان او يطلع الفجر من ليلتي هذه وبقي لك علي

تبعة او ذنب تعذبني عليه يوم الفاك وبسندهاي معتبر در هر شب از

ده نوبت كه عبارت از دعاي مخصوص اين شهر

صادق وارد شده است وبر بيست نوبت يا مولج الليل في النهار ويا مولج

مطالب دنيا واخرت مشتمل است

النهار في الليل ومخرج الحي من الميت ومخرج الميت من الحي يا رازق من

تشاء بغير حساب الله يا رحمن يا الله يا رحيم يا الله يا الله يا الله يا الله يا

يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والآلاء

اسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة في

السعداء وروحي مع الشهداء واحيائي في عليين وآبائي في مغفور

وان تهب لي في هذا الشهر كل جريرة وتمحو عني كل سيئة وتقبل مني كل

حسنة وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك والانابة والتوبة

والتوفيق لما وفقت له محمدا وآل محمد عليه وعليهم السلام

يا سابح النهار من الليل فالحثيث مطلوبون ومجري الشمس لمستقر لها
بتقديرك يا عزيز يا عليم ومقدر منازل القمر حتى عاد كالعرجون
القديم يا نور كل نور ومنتهى كل رغبة وولي كل نعمة يا الله يا رحمن
يا الله يا قدوس يا احد يا واحد يا فرد يا الله يا الله لك الاسماء
الحسنى والامثال العليا والكبرياء والآلاء اسئلك ان تصلي على
محمد وتجعل بيني وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي
وجسدي في علليين واسماء في مغفورة وان تهب لي نفسا تباشر به قلبي
وابشارا تذهب الشك عني وترضيني بما قسمت لي واتنا في الدنيا حسنة
وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك
والرغبة اليك والانابة والتوبة والتوفيق لما وفقت له محمدا وآل محمد
عليه وعليهم السلام دعائي ربي يا رب ليلة القدر وجاعلها خيرا
من الف شهر ورب الليل والنهار والجبال والبحار والظلم والانوار

والارض والسماء يا باري يا مصور يا حنان يا منان يا الله يا رحمن يا الله
يا قيوم يا الله يا بديع يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال
العليا والكبرياء والآلاء اسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل
اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء واحيائي في
عليين واسماء في مغفورة وان تهب لي نفسا تباشر به قلبي وابشارا تذهب
الشك عني وترضيني بما قسمت لي واتنا في الدنيا حسنة
وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك
والرغبة اليك والانابة والتوبة والتوفيق لما وفقت له محمدا وآل محمد صلواتك
عليه وعليهم السلام دعائي يا رب يا فالق الاصباح ويا جاعل الظلمات
الليل سكنا والشمس والقمر حسبانا يا عزيز يا عليم يا ذا المن والطول
والقوة والحول والفضل والانعام يا ذا الجلال والاكرام يا الله يا رحمن
يا الله يا فرد يا وتر يا الله يا ظاهر يا باطن يا حي لا اله الا انت لك الاسماء

في الدنيا
الدنيا

في الشهداء
الشهداء

الحسنى والامثال العليا والكبرياء والآلاء اسئلك ان تصلي على
محمد وآل محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء ومدوجا مع الشهداء
واحيائي في عليين وانباءه في مغفورة وان تهب لي فيها نباشريه
قلبي وايماني يذهب الشك عني ورضاء بما قسمت لي وانني في الدنيا حسنة
وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك والانابة والتوفيق
لما وفقت له محمدا وآل محمد عليه وعليهم السلام دعائي شيبا ياجاعل
الليل والنهار ايتين فامحو آية الليل وجعلنا آية النهار مبصرة
لتبتغوا فضلا منه ورضوانا يا مفصل كل نبي ونفضيلا يا الله يا ماجد يا
واحد يا وهاب يا الله يا جواد يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال
العليا والكبرياء والآلاء اسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل
اسمي في هذه الليلة في السعداء ومدوجا مع الشهداء واحيائي في عليين
وانباءه في مغفورة وان تهب لي فيها نباشريه قلبي وايماني يذهب الشك عني
ورضاء بما قسمت لي وانني في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب
النار الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك والانابة والتوفيق

والتوفيق لما وفقت له محمدا وآل محمد عليه وعليهم السلام دعاي شب

يا ماذا الظل والنور شيت جعلت له سكانا وجعلت الشمس عليه دليلا ثم

قبضته إليك قبضا يسيرا يا ذا الجود يا ذا الحول والطول والكبرياء والآلاء

لا إله إلا أنت يا عالم الغيب والشهادة الرحمن الرحيم لا إله إلا أنت يا

قدوس يا سلام يا مؤمن يا مهيمن يا عزيز يا جبار يا متكبر يا خالق يا بارئ

يا مصور يا الله يا الله لك الأسماء الحسنى والأمثال العليا والكبرياء

والآلاء أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء

ورزقي مع الشهداء وإحساني في عليين وإساءتي في مغفورة وأن تهب لي

يقينا تباشر به قلبي وإيمانا تذهب الشك عني وترضيني بما قسمت لي وأعطني

في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق وأرزقني

فيها ذكرك وشكرك والرغبة إليك والإنابة والتوبة والتوفيق لما وفقت

له محمدا وآل محمد صلى الله عليه وعليهم السلام دعاي شب يا خازن الليل على الهواء

رمضان

وخازن الغيوث السماء وما نع السماء أن تقع على الأرض إلا بإذنه

وحابسهما أن تزولا يا عليم يا غفور يا رحيم يا الله يا واحد يا باعث يا الله

من في القبور يا الله يا الله لك الأسماء الحسنى والأمثال العليا و

الكبرياء والآلاء أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تجعل اسمي في هذه

الليلة في السعداء ورزقي مع الشهداء وإحساني في عليين وإساءتي

مغفورة وأن تهب لي يقينا تباشر به قلبي وإيمانا تذهب الشك عني

وترضيني بما قسمت لي وأعطني في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا

عذاب النار الحريق وأرزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة إليك

والإنابة والتوبة والتوفيق لما وفقت له محمدا وآل محمد

صلى الله عليه وعليهم السلام دعاي شب يا مكور الليل على النهار

ويا مكور النهار على الليل يا عليم يا حكيم يا رب الأرباب يا سيد السادات

يا من هو أقرب إلي من حبل الوريد يا الله يا الله يا الله لك الأسماء الحسنى

والامثال العليا والكبرياء والآلاء اسئلك ان تصلي على محمد وآل
محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة في هذا السعداء وروحي مع الشهداء
واحيائي في عليين وآبائي في مغفورة وان تهب لي فيما تبارئ فيما
وانما تذهب الشك عني وترضيني بما قسمت لي وانبائي في الدنيا حسنة
وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق وارزقني فيها ذكرك
شكرك والرغبة اليك والتوبة والانابة والتوفيق لما وفقت له
محمد وآل محمد صلى الله عليه وعليهم اجمعين دعاي شب ۱۴ الحمد لله لا شريك
له الحمد لله كما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله وكما هو اهله يا ملجأ ومن يا
نور يا نور القدس يا سبوح يا منتهى التسبيح يا رحمن يا فاعل الرحمة
يا الله يا عليم يا كبير يا الله يا لطيف يا جليل يا الله يا الله يا الله يا سميع
يا بصير يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا
والكبرياء والآلاء اسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل اسمي

في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء وآبائي في عليين
وآبائي في مغفورة وان تهب لي فيما تبارئ فيما وانما تذهب الشك عني
وترضيني بما قسمت لي وانبائي في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا
عذاب النار الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك
والتوبة والانابة والتوفيق لما وفقت له محمد وآل محمد صلى
الله عليه وعليهم اجمعين فصل هشتم در بيان نمازهاى شب ها و
دعوتهاى است كه مشهور است عليها در كتب دعا
ذكر كرده اند و نزد فقير مقرر گشته شب اول چهار ركعت در هر ركعت بعد
از حمد پانزده مرتبه انا انزلناه شب دوم چهار ركعت در هر ركعت بعد از حمد
پانزده مرتبه قل هو الله احد شب سوم ده ركعت در هر ركعت حمد و پنجاه مرتبه توحيد
و بعد از سلام صد مرتبه صلوات شب چهارم هشت ركعت در هر ركعت حمد
و يازده توحيد و پنجاه مرتبه انا انزلناه شب پنجم دو ركعت در هر ركعت حمد و پنجاه مرتبه
توحيد شب ششم چهار ركعت در هر ركعت حمد و سوره تبارك الذي بيده الملك
شب هفتم چهار ركعت در هر ركعت حمد و پنجاه مرتبه انا انزلناه شب هشتم
دو ركعت در هر ركعت حمد و ده مرتبه توحيد و بعد از سلام هزار مرتبه
سبحان الله شب نهم شش ركعت در هر ركعت حمد و هفت مرتبه اياك اعبد
و بعد از اتمام پنجاه مرتبه صلوات شب دهم بيست ركعت در هر ركعت حمد
و بيست مرتبه توحيد شب يازدهم دو ركعت در هر ركعت حمد و بيست مرتبه
اعطيناك الكوثر شب دوازدهم هشت ركعت در هر ركعت حمد و سي مرتبه

إذا أردت أن شب چهار رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید
شب ۱۳ شش رکعت در هر رکعت حمد و پنج مرتبه اذا زلزلت شب ۱۵
چهار رکعت در دو رکعت اول حمد و صد مرتبه توحید و در دو رکعت
پنجاه مرتبه توحید شب ۱۶ دوازده رکعت در هر رکعت حمد و دوازده مرتبه
الهیکم التکاثر شب ۱۷ دو رکعت در رکعت اول حمد و هر سوره که خواهد
و در رکعت دوم حمد و صد مرتبه لا إله إلا الله شب ۱۸ چهار رکعت
در هر رکعت حمد و بیست و مرتبه انا اعطیناک الکوثر شب ۱۹ چهار رکعت
با حمد و پنجاه مرتبه اذا زلزلت و کوتاه مراد آن باشد که در هر رکعت پنج مرتبه
بخواند زیرا که مشکل است در یک شب دو هزار با صد مرتبه اذا زلزلت
خواندن شب ۲۱ ق (۱ و ۲ و ۳ و ۱۲ و ۲۱) در هر یک هشت رکعت نهصد سوگند میخورم
شب ۲۲ هشت رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید شب ۲۳ هشت
رکعت در هر رکعت حمد و صد مرتبه توحید شب ۲۴ چهار رکعت در هر
رکعت حمد و تبارک و اگر نتواند بیست و پنج مرتبه توحید شب ۲۵ شش
رکعت در هر رکعت حمد و صد مرتبه آیة الکرسی و صد مرتبه توحید
و صد مرتبه کوثر و بعد از نماز صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد شب
بیست و شش دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه توحید شب بیست و هفت دوازده
رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه توحید و بعد از فارغ شدن صد
مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد و این نماز را هیچ نخفته نگذارد شد هر دو رکعت
یک سلام آسان است و دعاهای روز را از این عباس روایت کرده اند
که حضرت رسول فضیلت بسیار از برای روز هفدهم رمضان بیان
فرموده و از برای هر روزی دعای مخصوص با فضیلت و ثواب بسیار
برای آن دعا ذکر کرده و ما با صل دعا اکتفا مینمائیم دعای روز اول
اللهم اجعل صیامی فیه صیام الصائمین و قیامی فیه قیام القائمین

و نبهني فيه عن نومة الغافلين و هب لي جرم فيه يا إله العالمين
واعف عني يا عافيا عن المجرمين دعاي اللهم قربني فيه إلى مرضاتك
وجنبني فيه من سخطك و نقمك و وفقني فيه لقراءة آياتك يا أرحم
الراحمين دعاي اللهم از رقني فيه الذهن و التنبيه و باعدني فيه من
السفاهة و التمويه و اجعل لي نصيبا من كل خير تنزل فيه بجودك يا أجود
الأجودين دعاي اللهم قوني فيه على إقامة أمرك و ارزقني فيه ذكرك
و أوزعني فيه لأداء شكرك بكرمك و احفظني بحفظك و ستر ك يا أبصر
الناظرين دعاي اللهم اجعلني فيه من المستغفرين و اجعلني فيه من
عبادك الصالحين القانتين و اجعلني من أوليائك المقربين برأفتك يا
أكرم الأكرمين دعاي اللهم لا تحدث لي فيه لعرض معصيتك
ولا تضربني بسياط نقمتك و زحزحني فيه من موجبات سخطك بمنك و
أياديك يا منتهى رغبة الراغبين دعاي اللهم اعني على صيامه و قيامه

وحببني فيه من هنوانيه واتاميه وارزقني فيه ذكرك بدوامه بتوفيقك

يا هادي المضلين ربوذ اللهم ارزقني فيه رحمة الايتام واطعام الطعام

وافشاء السلام وصحبة الكرام بطولك يا ملجأ الامليين ربوذ اللهم

اجعل لي فيه نصيبا من رحمتك الواسعة واهدني فيه لبراهينك

الساطعة وخذ بناصيتي الى مرضاتك الجامعة بمحمد يا امل

المشتاقين ربوذ اللهم اجعلني فيه من المتوكلين عليك واجعلني فيه

من الفائزين لديك واجعلني فيه من المقربين اليك باحسانك يا غاية

الطالبين ربوذ اللهم حببني فيه الاحسان وكرهني فيه الفسوق

والعصيان وحرم علي فيه السخط والنيران بعونك يا غياث المستغيثين

دعامي اللهم زينني فيه بالستر والعفاف واسترني فيه بلباس

القنوع والكفاف واحملني فيه على العدل والانصاف واقني فيه

من كل ما اخاف بعصمتك يا عصمة الخائفين ربوذ اللهم طهرني

فيه من الدنس والاقذار وصبرني فيه على كائنات الاقدار ووفقني

فيه للتقى وصحبة الابرار بعونك يا فارج عن المساكين دهماي اللهم

لا تؤاخذني فيه بالعثرات واقلني فيه من الخطايا والهفوات ولا تجعلني

فيه عرضا للبلايا والآفات بعزتك يا عز المسلمين ربوذ اللهم

ارزقني فيه طاعة الخاشعين واشرح فيه صدري بانابة المخبتين

بامانك يا امان الخائفين سارع اللهم ووفقني فيه لموافقة العمل

وجنبني فيه مرافقة الاشرار واويني فيه برحمتك الى دار القرار يا

الهي يا اله العالمين ربوذ اللهم اهدني فيه لصالح الاعمال وا

اقض لي فيه الحوائج والامال يا من لا يحتاج الى التفسير والسؤال

يا عالما بما في صدور العالمين ربوذ اللهم نجني فيه لبركات استعاذ

ونور فيه قلبي بضياء انواره وخذ بكل عضو من اعضائي الى اتباع

آثاره يا منور قلوب العارفين ربوذ اللهم وفرحظي فيه من برکاته

وسهل سبيلي الى خيراته ولا تحرمني قبول حسناته يا هاديا الى الحق
المبين بسم الله اللهم افتح لي فيه ابواب الجنان واغلق عني فيه ابواب
النيران ووفقني فيه لتلاوة القرآن يا منزل السكينة في قلوب المؤمنين
بسم الله اللهم اجعل لي فيه الى مرضاتك دليلا ولا تجعل للشيطان
فيه علي سبيلا واجعل الجنة لي منزلا ومقيلا يا قاضي حوائج الطالبين
بسم الله اللهم افتح لي فيه ابواب فضلك وانزل علي فيه من بركاتك
ووفقني فيه لموجبات مرضاتك واسكنني فيه بحبوحة جناتك يا مجيب
دعوة المضطرين بسم الله اللهم اغسلني فيه من الذنوب وطهرني
فيه من العيوب وامحض قلبي فيه بتقوى القلوب يا مقيل عثرات
المذنبين بسم الله اللهم اني اسئلك فيه ما يرضيك واعوذ بك
فيه مما يؤذيك واسئلك التوفيق فيه لان اطيعك ولا اعصيك
يا جواد السائلين بسم الله اللهم اجعلني فيه محبا لاوليائك ومعاديا

لاعدائك مستنا بسنة خاتم انبيائك يا عاصم قلوب النبيين بسم الله
اللهم اجعل سعيي فيه مشكورا وذنبي فيه مغفورا وعملي فيه مقبولا و
عيبي فيه مستورا يا اسمع السامعين بسم الله اللهم ارزقني فيه
فضل ليلة القدر وصيرامري فيه من العسر الى اليسر واقبل
معاذيري وحط عني الوزر يا رؤفا بعبادة الصالحين دعائي اللهم
وفر حظي فيه من النوافل واكرمني فيه باحضار الاكرار في المنازل
وقربني فيه وسيلتي اليك من بين الوسائل يا من لا تشغله الحاج
الملحين دعائي اللهم غشني فيه بالرحمة وازرقني فيه التوفيق والعصمة
وطهر قلبي من غياهب التهمة يا رحيما بعباده المؤمنين دعائي
اللهم اجعل صيامي فيه بالشكر والقبول على ما ترضاه وبرضاه
الرسول محكمة فروعه بالاصول بحق سيدنا محمد وآله الطاهرين
والحمد لله رب العالمين مؤلف گويد كه در نسخه ديگر اين دعا را
بعد از دعاي سابق نوشته بود هر يك در وقت دعا خواند شايد

وچون روا نیش نا معتبر کمتر نیا نم متعرض ذکر انها نشدم ودعا بی دوز یست
هفتم را کفعمی ربیست ودوم ذکر کرده است وموافق مذهب شیعه که
دوز یست وسیم خواندن دوور نیست کر انست باشد والله یعلم باب
چهار دهم در اعمال لیالی وایام متبرکه ماه شوال وماذی القعده است
جمله ایام متبرکه ماه شوال ودوز عید فطر است وشبش از جمله لیالی شریفه
است ودر فضیلت وثواب عبادت واحیا آن احادیث بسیار است واز حضرت
رسول منقولست که هر که احیا کند شب عید را نمیرد دل او در دوزی که دلها
از ترس بمیرد واز حضرت امام محمد باقر مرویست که گفت پدرم علی بن الحسین
شب عید را احیا میکرد بنماز تا صبح ودر تمام ان شب در مسجد بنماند ومیگفت
که اینقدر گناه امشب کمتر از شب قدر نیست وغسل در ین شب سنتست وشخصی
بخدمت حضرت صادق عرض کرد که مردم میگویند که امروز شب نازل میشود
بر کسی که روزه دارد ماه رمضان را در شب قدر حضرت فرمود که کار کرمزد
شرا نمیدهند مگر در شب قدر بعد از فارغ شدن از کار وان در شب عید
است راوی گفت که چه کار ستواراست که در ان شب بکنیم فرمود که چون افطار
غروب کند غسل بکن وچون فریضه مغرب ونافله را بجا اوری دستها بسوی آسمان
بلند کن واین دعا بخوان یا ذا المن والطول یا ذا الجود یا مصطفی محمد وناصره صل علی محمد وآل
کن وبکو
واغفر لی کل ذنب احصیته وهو عندك فی کتاب مبین در سجود بروو
صد مرتبه بکو
اتوب الی الله پس هر حاجت که داری از خدا مطلب کن که انشاء الله بر اورده
است ولیکن معتبر منقولست که حضرت امیر المؤمنین در شب عید فطر
دو رکعت نماز میکردند ودر رکعت اول بعد از حمد هزار مرتبه قل هو الله
ودر رکعت دوم بهمین سنه میخواندند پس بر کوع وسجود نمیرفتند وبعد از
سلام بسجده میرفتند وصد مرتبه میگفتند اتوب الی الله پس میگفتند

یا ذا المن والطول یا مصطفی محمد صلی الله علیه وآله صل علی محمد وآله
پس حاجات خود را از خدا میطلبید ندیس سر از سجود بر میداشتند و
مقرر بود ند بحق خداوندی که حاتم بدست قدرت اوست هر که این نماز را
بکند هر حاجت که از خدا بطلبد البته او را عطا کنند واگر بعد از
ریگهای بیابان گناه داشته باشد خدا بیامرزد وبعد از نماز گفتست
که باید دعا یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا الله یا ملك یا الله یا قدوس یا الله یا
بخواند
سلام یا الله یا مؤمن یا الله یا مهیمن یا الله یا عزیز یا الله یا جبار یا الله
یا متکبر یا الله یا خالق یا الله یا بارئ یا الله یا مصور یا الله یا عالم یا الله یا
عظیم یا الله یا کریم یا الله یا حلیم یا الله یا حکیم یا الله یا سمیع یا الله یا بصیر
یا الله یا قریب یا الله یا مجیب یا الله یا جواد یا الله یا واحد یا الله یا ولی یا الله
یا وفی یا الله یا مولی یا الله یا الله یا قاضی یا الله یا سریع یا الله یا شدید
یا الله یا رؤف یا الله یا رضی یا الله یا مجیب یا الله یا جواد یا الله یا ماجد
یا الله یا عل یا الله یا حفیظ یا الله یا محیط یا الله یا سید الشادات یا الله
یا اول یا الله یا اخر یا الله یا ظاهر یا الله یا باطن یا الله یا فاخر یا الله یا

يا الله يا رباه يا الله يا رباه يا الله يا رباه يا الله يا رباه يا الله يا رباه يا الله

يا ودود يا الله يا نور يا الله يا دافع يا الله يا مانع يا الله يا فاتح يا الله يا

نفاع يا الله يا جليل يا الله يا جميل يا الله يا شهيد يا الله يا شاهد يا الله يا

يا جيب يا الله يا فاطر يا الله يا مطهر يا الله يا مالك يا الله يا مقتدر يا

يا الله يا قابض يا باسط يا الله يا محيي يا الله يا مميت يا الله يا محيب يا الله يا

يا الله يا معطي يا الله يا مفضل يا الله يا منعم يا الله يا حي يا الله يا مبين

يا الله يا طبيب يا الله يا محسن يا الله يا مبدي يا الله يا معيد يا الله

يا باري يا الله يا هادي يا الله يا كافي يا الله يا شافي يا الله يا علي يا الله

يا حنان يا الله يا منان يا الله يا ذا الطول يا الله يا منعالي يا الله يا عظ

يا ذا المعارج يا الله يا صادق يا الله يا ديان يا الله يا باقي يا الله يا الجلا

يا الله يا ذا الاكرام يا الله يا معبود يا الله يا محمود يا الله يا صانع يا

يا معين يا الله يا مكون يا الله يا فعال يا الله يا لطيف يا الله يا جليل يا

يا بديع يا الله

سوال

يا غفور يا الله يا شكور يا الله يا حنان يا الله يا نور يا الله يا قدير يا الله

يا رباه يا الله يا رباه يا الله يا رباه يا الله يا رباه يا الله يا رباه يا

الله يا رباه يا الله اسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد ومن علي

برضاك وتعفو عني بحلمك وتوسع علي برزقك الحلال الطيب من حيث

احتسب ومن حيث لا احتسب فاني عبدك لا غير لي احد سواك ولا اسئله

غيرك يا ارحم الراحمين ما شاء الله لا قوة الا بالله بس بسمه ميروبي ومينو

يا الله يا الله يا رب يا الله يا رب يا الله يا رب يا الله يا منزل البركات بك

تنزل كل حاجة اسئلك بكل اسم في مخزون الغيب عندك والاسماء

المشهورات عندك المكتوبة على عرشك ان تصلي على محمد وآل محمد وان

تقبل مني شهر رمضان وتكتبني في اوائل الذين الى البيت الحرام وتصفح لي

عن الذنوب العظام وتشرح يا رب كورك يا رحمن ودروات ذكريا

صد مرتبه بتوار دشده است وايضا سنت مؤكد است كه بعد از نماز

شام وخفتين وشب عيد ونماز عيد اين تكبير را بخوانند الله اكبر الله اكبر

لا إله إلا الله والله أكبر الله أكبر ولله الحمد الله أكبر على ما هدينا

بس خانه كو خدا و خدا بزرگتر است و برخدا هيچ چيز بزرگ نيست و الحمد لله

اعمال روز عيد پس زكوة فطر واجب مؤكد است و ترك كردن او مخوف و شرايط

وجوب كتاب كبيره است و شرط قبول روزه ماه مبارك است چنانچه در حضرت

صادق منقول است كه از نماز هيچ روزه نيذيرند تا زكوة فطر چنانچه

صلوات بر محمد و آل محمد از نماز هيچ نماز نيست زيرا اگر هر كه روزه بدارد و زكوة

فطر ندهد روزه او مقبول نيست هر گاه عمدا ترك كند و اگر صلوات بر محمد

و آل محمد را ترك كند در تشهد نمازش مقبول نيست و خدا زكوة را پيش از نماز

ذكر كرده است در آنجا كه فرموده است قد افلح من تزكى و ذكر اسم ربه فصلى

يعنى بتحقيق كه رستگار شد آن كه پاك كرد زكوة فطر را و بر ورد گار خود را ياد

كرد پس نماز عيد را بجا آورد و چنانچه زكوة مال

باعث پاكى مال ميشود و مال از تلف محفوظ ميماند چنانچه منقول است كه هيچ

مالى در دريا و صحرا تلف نميشود مگر به ندادن زكوة همچنين فطره زكوة بدن

است و بدن را پاك ميكند از بخل و ساير كثافات معنويه و او را از آسيب

ديگر بلاها حفظ ميكند چنانچه نسبت معتبر منقول است كه حضرت صادق

با معتب وكيل خرج خود فرمود كه برو و فطره جميع عيال ما و كبير ان و غلامان

ما را بده و يكى از آشنا را ترك مكن كه زكوة او را ندهى زيرا كه اگر يكى را ترك

كنى مى ترسم كه در آن سال نميرد و بداند كه زكوة فطره بر نابالغ و ديوانه واجب

نميشود و اگر نابالغ عيال ديگرى نباشند بر او واجب است كه فطره از مال خود بدهد

و زكوة سكه را افاده ميدهد بنا بر مشهور و مكروه است كه در آن شب عيال ديگرى

نباشند و اشهر و اقوى آن است كه در وجوب فطره نوانگرى شرط است و مقابل

مشهور آن است كه قوت سال عيال خود را داشته باشد يا فاضل زيرا

كسى باشد كه وفا بمعيشت او كند و بعضى گفته اند در شب عيد را يد

قوت خود و عيال خود داشته باشد بروو واجب است و اظهر آن است كه بروو

سنت است و اگر فطره پير و كبير فطره را باعيال خود دست بدست بگردانند

و بعد از آن بفقير دهند همه ثواب فطره را مى يابند و بايد كه قصد

اخراج فطره كند از خود و هر كس واجب النفقه او باشد كه شرط آنكه عيال

ديگرى نباشد در شب عيد كه اگر عيال ديگرى شده باشد بروو واجب است

و همچنين بايد بدهد از هر كس كه در خانه او باشد از مهمان و غير آن كه آخر

روز آخر ماه رمضان پيش از شام در آن خانه باشد و افطار كند و اگر بعد از

شام داخل شود و افطار كند بايد كه واجب نيست بر صاحب خانه و اگر پيش

از شام داخل شود و افطار از مال او نكند احوط آن است كه هر دو بدهند

يا يكى از ايشان باذن ديگرى ميخواهد بدهد فبها و الى الله و اگر شخصى عيال

نباشد اما نفقه و كسوه او را دهد و در خانه ديگرى باشد زكوة را او معطى نيست

و همچنين در شب عيد پيش از شام طعامى بجهت همسايها بفرستند يا فقيرى را

چيزى بدهد كه شخصى در ماه رمضان مهمان ما باشد و در شب عيد حاجى در

افطار كند يا بعد از شام عيد افطار كند يا بعد از شام عيد افطار كردن بجا

او اين كار چيزى نخورده باشد و بعد از شام بيايد زكوة بر او واجب نيست و

احوط آن است كه در صورت اخير هر دو بدهند بلكه مطلق مهمان اگر غنى

باشد كه خود بتواند بدهد بهتر است و وقت بيرون كردن فطره موافق مشهور

شام عيد است اظهر روز عيد و بعضى گفته اند تا شام روز عيد و احوط

آن است كه در شب خدا كند و پيش از نماز عيد بدهد و اگر در صبح جدا كند

بهتر خوب است و اگر پيش از نماز جدا كند يا بعد از نماز در آن روز يا روز ديگر

براى حاضر نبودن مستحق يا عذر ديگر يا خير كند مضور ندارد و اگر جدا نكند

اظهر روز عيد احوط آن است كه تا شام قضا دارد و قضا نكند و اگر از روز عيد

بگذرد بقصد قربت بدهد و قصد خصوص فطره نكند يا آنكه قصد كند كه

اين را بدهم هر گاه اگر قضاى فطره بر من واجب باشد و الا بصدقه باشد

و بدر و مادر و جد و جده و فرزند و فرزند زادگان هر گاه فقير باشند

نفقه ایشان بر او واجب است پس اگر نفقه او را خورند فطره بر او ساقط و اگر
عیال شخص دیگر باشند بر ان شخص دیگر است و اگر عیال دیگری نزد او نباشد و
آشهر واجوط آنست که او فطره ایشان را بدهد **واما** جنس فطره مشهور آن است
که هر چه غالبا قوت اهل بلد باشد میتوان داد و احوط آن است که جو یا کندم یا خرما
یا مویز یا کشک بدهد و بهتر آنست که خرما بدهد و بعد از ان مویز است و
بعد از ان هر چه قوت غالب باشد چنانچه مردم شهرها غالب قوت ایشان نان
گندم است بهتر آنست که گندم بدهند و مردم دهات که غالبا نان جو میخورند
جو بدهند و در حدیث است که اگر یک صاع خرما در فطره بدهم دوست تر
میدارم از انکه یک صاع طلا بدهم **واما** مقدار فطره از هر شخصی یک صاع
باید داد و صاع موافق حساب مشهور ظاهرا یکمن و پنج مثقال و
ربع مثقال است و احوط آنست که یکمن تمام بوزن بدهند و نهایت احتیاط ان
است که یکمن شاه بدهند و باید یکمنی بدهند که قوت سالیانه خود و عیال
خود را نداشته باشد و سائل یکمنی نباشد و احوط آنست که منظم معتبر
باشد و صالح باشد و احوط است که در زمان غیبت امام بمجتهد جامع الشرایط
بدهند که او بمستحقان بدهد چون مصارف او بهتر میداند و بعضی از اهل
این زمان واجب دانسته اند و احوط آنست که فقیر را کمتر از یک صاع ندهند و یک
کس چند سر میتوان داد و فطره را بواجب النفقه نمیتوان داد و بخویشان غیر
غیر واجب النفقه دادن بهتر است و بعد از ان به همسایگان پرهیزگار و بعد
از ان بکسانیکه فاضل تر و صالح تر و پرهیزگار تر باشد و فطره غیر سید را به
نمیتوان داد و فطره سید را به سید و غیر سید هر دو میتوان داد و سنت
است که در روز عید پیش از نماز عید و اول روز افطار کند و سنت است
که بر خرما افطار کند و غسل روز عید سنت موکد است و بعضی گفته اند
وارد حضرت صادق منقول است که غسل را در زیر سقفی بکن و در زیر اسمان
مکن و پیش از غسل بگو اللهم لک اغتسلت و لک صدقت و بک جئت و الیک سنت

نبیک صلی الله علیه و آله پس بگو بسم الله بگو و غسل بکن و چون فارغ شوی
بگو اللهم اجعله کفارة لذنوبی و طهرنی اللهم اذهب عنی الدنس
و وارد شده است که هر که این دعا را بخواند و بعد از ان دعاهای دیگر بخواند
و زیارت حضرت امام حسین در روز عید سنت موکد است و ثواب بسیار دارد
و وارد شده است و نماز عید در زمان حضور امام واجب عینی است و در زمان
امام اکثر علما استحباب میدانند و جماعت کردن را سنت میدانند و میگویند
نمازها یکه میتوان کردن و کمان فضیلت واجب است که بجماعت بکنند و بتمام مجتهد
عادل حاضر شوند و اگر نتوانند حاضر شد نمازها کردن سنت است و نماز عید
دو رکعت است در رکعت اول بعد از قرائت پنج تکبیر میگوید و بعد از هر
تکبیری بگفتن میخواند و در رکعت دوم بعد از قرائت پنج تکبیر میگوید
و پنجم را بگفتن میخواند و در هر گاه دو خطبه بعد از نماز میخواند
و خواندن مخصوص اللهم اهل الکبریاء و العظمة و اهل الجود و الجبروت
نماز عید این است
و اهل العفو و الرحمة و اهل التقوی و المغفرة اسئلک بحق هذا الیوم
الذی جعلته للمسلمین عیدا و لمحمد صلی الله علیه و آله ذخرا و مزیدا ان تصلی
علی محمد و آل محمد و ان تدخلنی فی کل خیر ادخلت فیه محمدا و آل محمد و ان
تخرجنی من کل سوء اخرجت منه محمدا و آل محمد صلواتک علیه و علیهم
اللهم انی اسئلک خیر ما سئلک به عبادک الصالحون و نعوذ بک مما
استعاذ منه عبادک المخلصون و بعد از نماز عید دعاهای دیگر وارد

شده است و بهترین دعاها دعای صحیفه کامله است و بسند صحیح از حضرت
امام محمد باقر منقول است که در روز جمعه و عید فطر و عید قربان در هنگام
مهتابی رفتن بسوی نماز جمعه اللهم من تهیأ فی هذا الیوم او تهیأ او اعد
وعید میشوی ای سید عابجوان - خداوندا آنکه مهیا کرده در این روز یا مهیا شده یا آماده
واستعد لوفادة الی مخلوق رجاء رفده وتوائله وفواضله وعطایاه
دادن کرده برای وارد شدن بسوی آفریده بجهت امید بخشش او و بخشیدن او و عطای او
فانی الیک یا سیدی تهیئتی وتعبیتی واعدادی واستعدادی رجاء
پس بدرستیکه بسوی ای بزرگ من آمادگی من و مهیا شدن من و آماده شدن من بجهت امید
رفدک وجوائزک ونوافلک وفواضلک وعطایاک وقد غدوت الی عیدی
بخشش تو و صلات تو و بخشیدن تو و عطای تو و بتحقیق بامداد آمدم بسوی عید
من اعیاد امة نبیک محمد صلواتک علیه وآله ولوافد الیک الیوم متعجل
از عیدهای امت پیغمبر تو محمد رحمتهای تو بر او و آل او و فرود آینده بسوی تو امروز
صالح اتوجه فقدمته ولا توجهت بمخلوق املته ولکن الیک املت یا سیدی
شایسته که آرزو کرده باشم آن پیش آنرا و روی کردم بآفریده که امید بسته باشم و لیکن بسوی تو امید بستم ای سید من
مقربا بذنوبی واساءتی الی نفسی فیا عظیم یا عظیم اغفر العظیم من ذنوبک
اقرار کننده بگناهان من و بدی کردن من بر نفس خود پس ای بزرگ ای بزرگ بیامرز بزرگ را از گناهان تو
فانه لا یغفر الذنوب العظام الا انت یا لا الٰه الا انت ارحم الراحمین
زیرا که نمیآمرزد گناهان بزرگ را مگر تو ای آنکه نیست خدایی مگر تو ای مهربانترین مهربانان
وذکر حدیث معتبر از حضرت صاحب الامر منقول است که بعد از نماز صبح
روز عید فطر اللهم انی توجهت الیک بمحمد نبیک وعلی امیر المؤمنین
ایستاده بخواند بدعاها که من روکردم بسوی تو بوسیله پیغمبر تو محمد و بر امیر مؤمنان
یمینی وانعمتنی فدبارنی اشیئا منهم من عدائک وانقرب الیک زلفی
علی که راست شود و بنماید بمن چیزی از ایشان از دشمنان تو و نزدیکی بجوید بسوی تو
لا ابعد احدا اقرب الیک منهم فهم انعمتنی فامنن بهم علی من عقابک
بعید نکند احدی را نزدیکتر بسوی تو از ایشان پس ایشان نعمت دادند مرا پس منت گذار بر من از عقاب تو

وسخطک وادخلنی برحمتک فی عبادک الصالحین اصبحت بالله مؤمنا
و بخشم تو و داخل گردان مرا برحمت خود در بندگان شایسته خود صبح کردم بخدا مؤمنا
موقنا مخلصا علی دین محمد وسنته وعلی دین علی وسنته وعلی دین الائمة
یقین کننده و خالص گردانیده بر دین محمد و سنت او و بر دین علی و سنت او و بر دین امامان
من ذریتهم امنت بسرهم وعلانیتهم وارغب الی الله فیما رغب فیه الیه
از فرزندان ایشان ایمان آوردم بپنهان و آشکار ایشان و رغبت کنم بسوی خدا در آنچه رغبت کرد در آن بسوی
محمد وعلی والاوصیاء ولا حول ولا قوة الا بالله ولا غرة ولا منعة ولا
محمد و علی و اوصیاء و نیست حرکت و نه توانائی مگر بخدا و نه غرور و نه منع و نه
سلطان الا لله الواحد القهار العزیز الجبار توکلت علی الله ومن یتوکل
سلطنتی مگر خدای یگانه قهار عزیز جبار توکل کردم بر خدا و هر که توکل
علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره اللهم انی ارید ان افاردنی واطلب ما
بر خدا پس او بسنده اوست بدرستیکه خدا رساننده است کار خود را خداوندا من میخواهم که مرا بگردانی و طلب کنم آنچه
عندک فیسره لی وافض لی حوائجی فانک قلت فی کتابک وقولک الحق
نزد تو است پس آسان گردان آنرا برای من و بگذار حاجتهای مرا زیرا که تو گفتی در کتاب خود و گفتار تو حق است
شهر رمضان الذی انزل فیه القرآن هدی للناس وبینات من الهدی و
ماه رمضان که فرو فرستاده شد در آن قرآن راهنمائی است مردمان را و روشنیها است از راهنمائی و
الفرقان فعظمت حرمة شهر رمضان بما انزلت فیه القرآن وخصصته
جدا کننده میان حق و باطل پس بزرگ گردانیدی حرمت ماه رمضان را بآنچه فرو فرستادی در آن قرآن را و مخصوص گردانیدی آنرا
وعظمته بتضعیف فیه لیلة القدر فقلت لیلة القدر خیر من الف
و بزرگ گردانیدی آنرا بدو برابر کردن ثواب در آن پس گفتی شب قدر بهتر است از هزار
شهر تنزل الملائکة والروح فیها باذن ربهم من کل امر سلام هی حتی
ماه فرود میآیند فرشتگان و روح در آن باذن پروردگار ایشان از هر امری سلامت است آن
مطلع الفجر اللهم وهذه ایام شهر رمضان قد انقضت ولیالیه قد
تا طلوع صبح خداوندا و این روزهای ماه رمضان است که منقضی گردیده و شبهای آن

نصرمت وقد صرت منه يا الهي الى ما انت اعلم به مني واحصى لعددي
عددي فاسئلك يا الهي بما سئلك به عبادك الصالحون ان تصلي على
محمد وآل محمد واهل بيت محمد وان تقبل تحياتي تقربت به اليك وتفضل على
بتضعيف على وقبول تقربي وقربابي واستجابة دعائي وهب لي امنك وعفو
ورضوانك وجنبني من النار وممن على نارك الخلود بالجنة والامن يوم الخوف من كل فزع
ومن كل هول اعددته ليوم القيامة اعوذ بحرمته وجهك الكريم وحجتك
بنبيك وحرمة الصالحين ان تحرم هذا اليوم ولك فيما بعده تريد
ان تواخذني بها او تنبت بريدان تقايسني به وتقصصها مني لا تغفرها
لي واسئلك بحرمته وجهك الكريم الفعال لما يريد الذي يقول
للشيء كن فيكون لا اله الا هو اللهم اني اسئلك بلا اله الا انت
ان كنت رضيت عني في هذا الشهر ان تزيد فيما بقي من عمري رضاك وان
كنت لم ترض عني في هذا الشهر فمن الان فارض عني الساعة الساعة

الساعة واجعلني في هذه الساعة وفي هذا المجلس من عتقائك من النار
وطلقائك من جهنم وسعداء خلقك بمغفرتك ورحمتك يا ارحم الراحمين
اللهم اني اسئلك بحرمته وجهك الكريم ان تجعل شهري هذا خير
شهر رمضان عبدتك فيه وصمته لك وتقربت به اليك منذ خلقتني
فيه اعظمه اجرا واتمه نعمة واعتقه معفرة واكمله رضوانا واوفره حظا
ما تحبني وترضى اللهم لا تجعله اخر شهر رمضان صمته لك وازرقني
العود فيه ثم العود حتى ترضى وبعد الرضا وحتى تخرجني من الدنيا
سالما وانت عني راض وانا لك مرضي اللهم اجعل فيما تقضي وتقدر
من الامر المحتوم الذي لا يرد ولا يبدل ان تكتبني من حجاج بيتك الحرام
في هذا العام وفي كل عام المبرور حجهم المشكور سعيهم المغفور ذنبهم
المتقبل مناسكهم المعافين على اسفارهم المفضلين على نسكهم
المخلوفين في انفسهم واموالهم ودرارهم وكل ما انعمت به عليهم

اللهم افلبني من مجلسي هذا في شهري هذا في يومي هذا في ساعتي
هذه مفلحا منجحا مستجابا لي معفورا ذنبي معافا من النار ومعتقا منها
عتقا لا رق بعده ابدا ولا رهبة يا رب الارباب اللهم اني اسئلك
بجمل فيما شئت وأردت وقضيت وقدرت وحتمت وانفذت ان
تطيل عمري وتنسئ في اجلي وان تقوي ضعفي وان تعشني ففقري وان
تجبر فاقتي وان ترحم مسكنتي وان تعز ذلي وان ترفع ضعتي وان
تعني غائلتي وان تواتيني وحسبتي وان تكثر قلتي وان تدر رزقي في عافية
وبسر وخفض وان تكفيني ما اهمني من امر دنياي واخرتي ولا
تكلني الى نفسي فاعجز عنها ولا الى الناس فيرفضوني وان تعافيني
من دينق وبدني وحسبتي وزوجتي واهلي واهل موذتي واخواني وجيراني
من المؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات الاحياء منهم والاموات وان تمن علي بالامن والايمان ما انفيتني فانك ولي وهو كا

وتفتني ورجائي ومعدن مسئلتي وموضع شكواي ومنتهى رغبتي
فلا تخيبني في رجائي يا سيدي ومولاي ولا تطل طمعي ورجائي
فقد توجهت اليك بمحمد وآل محمد وقدمتهم اليك امامي وامام حاجتي
وطلبتي وتضرعي ومسئلتي فاجعلني بهم وجيها في الدنيا والاخرة
ومن المقربين فانك منك على بهم فاحنم لي بالسعادة والسلامة
والامن والايمان والمغفرة والرضوان والسعادة واحفظني
انت لكل حاجة لنا فصل على محمد وآل محمد وعافنا ولا تسلط علينا
من خلقك لا طاقة لنا به واكفنا كل امر من امر الدنيا والاخرة يا ذا
الجلال والاكرام صل على محمد وآل محمد وترحم على محمد وآل محمد كما
تصلي ما صليت وباركت وترحمت على ابراهيم وآل ابراهيم انك حميد
مجيد واستجاب دوزه داشتن كشش روز بعد از عيد در بعضي از روايات
وارد شده است ولجي از ان نيز وارد شده است وظاهر از روزه
داشتن مجمل بر نفقه است چنانچه در مباشتين مشهور است وبرخي
بظهر است وهمچنين در حرمت نكاح كردن در مباشتين عيد فطر وعيد قربان

وسلم على محمد وآل محمد

وتفتني

وقلبوه

اصلی ندارد و شاید اصلش از عامه بوده باشد و در ماه شوال چون عید
عامه در آن واقع شده است و اکثر مفاسد اسلام بر آن مترتب شده و
از بعضی روایات کراهت مستفاد میشود اگر در خصوص شوال احتراز
کنند بهتر است **اعمال ماه ذی القعده** بدانکه ان اول ماههای حرام است که حق تعالی
در قرآن یاد فرموده است و انها ذو القعده و ذو الحجه و محرم و ماه رجب است
و در این ماهها ابتدای قتال با کافران نباید کرد و شیخ مفید رحمه الله و غیر
او از حضرت رسول روایت کرده اند که هر که در یکی از ماههای حرام پنج شب و
جمعه و شب آنرا متوالی روزه بدارد ثواب محمد عبادت برای او نوشته شود
و در روایتی از حضرت رسول منقول است که دو شب اول و دهم ماه ذی القعده حق
تعالی بسوی بندگان نظر رحمت میکند کسی که این شب را بعبادت بسر آورد
ثواب صد غازی باو عطا کنند که در یک چشم هم زدن معصیت خدا نکرده باشد
چون نصف شب بگذرد شروع کن بنماز و حاجات خود را از حق تعالی
طلب کن البته مستجاب میگردد و بعضی از علما گفته اند در روز بیست و پنجم
ماه ذی القعده زیارت حضرت امام رضا از نزدیک و دور سنت است و روز
بیست و پنجم ذی القعده روز دحو الارض یعنی پهن شدن زمین بر روی آب
و روز نیسان رمبارزی است و کلینی از محمد بن عبد الله روایت کرده است که
حضرت امام رضا در شهر مرو در روز بیست و پنجم ذی القعده از شهر بیرون آمد
و فرمود ندا کنید امروز را روزه بدارید که من بیروزه ام گفتیم فدای تو شویم مردم
چه روز است فرمود که روزیست که رحمت در این روز منتشر گردیده است و
زمین پهن شده است و کعبه در این روز نصب شده است و حضرت آدم در این
روز بزمین فرو آمده است و ابن بابویه رحمه الله روایت کرده است از
حسن وشا که گفت من با پدرم در خدمت حضرت امام رضا شام خوردیم
در شب بیست و پنجم ذی القعده پس فرمود که امشب حضرت ابراهیم و حضرت
عیسی متولد شده اند و زمین از زیر کعبه پهن شده است پس هر که روزه

روزه بدارد چنان است که شصت ماه را روزه داشته باشد و حضرت فاطمه
در این روز ظاهر خواهد شد و از حضرت رسول منقول است که حضرت آدم
خود را بر شکل کان در این شب شمرده است و روزه آش مثل روزه هفتاد سال است
و بروایت دیگر رحمت از آسمان در این شب نازل شده است و لهذا مستحب است
در این روز نازل شده است هر که این روز را روزه بدارد هر چه در دنیا از آسمان
و زمین است برای او استغفار کنند و طلب آمرزش نمایند و از حضرت امیر
مرویست که اول رحمتی که از آسمان بر زمین نازل شد در بیست و پنجم ماه ذی القعده
بود هر که این روز را روزه دارد و شب را بعبادت بایستد برای او عبادت بصد
سال نوشته شود که روزها را روزه داشته باشد و شبها را بعبادت بسر
آورده باشد و هر چه از خیر که در این روز جمع شوند برای هر که روزه دارد کار خود پیش
از آنکه متفرق گردند حاجات ایشان بر آورده میشود در این روز صد هزار رحمت
از جانب حق تعالی بر بندگان نازل میگردد و نود نه رحمت از آنها مخصوص جمعی
است که مجتمع گردند و بذکر خدا مشغول گردند و روزش را روزه بدارند و
شبش را بعبادت گذرند و در روایتی وارد شده است که مستحب است در این
روز در وقت چاشت دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد پنجاه
مرتبه سوره والشمس بخواند و بعد از سلام اینها را بخواند **دعا** لا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم یا مقیل العثرات اقلنی عثرتی یا مجیب الدعوات
اجب دعوتی یا سامع الاصوات اسمع صوتی و ارحمنی و تجاوز عن سیئاتی
یا ذا الجلال و الاکرام و شیخ طوسی علیه الرحمه گفته است که مستحب است
که در این روز این دعا را بخواند اللهم داحی
الکعبه و فالق الحبه و صارف اللزبه و کاشف کل کربه اسئلک فی

هذا اليوم من ايامك التي اعظمت حقها واقدمت سبقها وجعلتها عند
المؤمنين وديعة واليك ذريعة وبرحمتك الواسعة ان تصلي على محمد
عبدك المنتجب في الميثاق القريب يوم التلاق فاتق كل ريق وداع الى
كل حق وعلى اهل بيته الابطار الهداة المنار دعائم الجبار وولاة امره
الجنة والنار واعطنا في يومنا هذا من عطائك المخزون غير مقطوع
ولا ممنون بجميع لنا به التوبة وحسن الاوبة يا خير مدعو واكرم مرجو
يا كافي يا وافي يا من لطفه خفي الطف ويا لطيف الطفك واسعدني بعفوك
واييدني بنصرك ولا تنسني كريم ذكرك بولاية امرك وحفظة سرك
احفظني من شوائب الذنوب الى يوم الحشر والنشر واشهدني اولياءك
عند خروج نفسي وانقطاع عملي وانقضاء اجلي اللهم
واذكرني على طول البلاء واذا حللت بين اطباق الثرى ونسي الناسون
من الورى واخلني دار المقامة وبوئني منزل الكرامة واجعلني

من مرافقي اوليائك واهل اجتبائك واصطفائك وبارك لي في لقائك
واورد في حسن العمل قبل حلول الاجل مبرءا من الزلل وسوء الخطل
اللهم واوردني حوض نبيك محمد صلى الله عليه وآله واسقني منه
مشربا رويا سائغا هنيئا لا اظمأ بعده ولا اخلأ وروده ولا عنه ازاد
واجعله لي جزاء وفاء ومثيبا دواء وفي ميعاد يوم يقوم الاشهاد اللهم والعن
جبابرة الاولين والآخرين وبخصوص اوليائك المستأثرين اللهم و
افصم دعائمهم واهلك اشياعهم وعالمهم وعجل مهالكهم و
اسلبهم نماكيهم وجندل عليهم مسالكهم والعن مساميهم وشتت
اللهم وعجل فرج اوليائك وارددعليهم مظالمهم واظهر بالحق قائمهم
واجعله لدينك منتصرا بامرك في اعدائك مؤتمرا اللهم احفظه
بما تحفظ به النصر وعما افنيت به من الامر في ليلة القدر مستقيما
لك حتى ترضى ويعود دينك به وعلى يديه جديدا غضا ومحض

الحق محضا و برفض الباطل رفضا اللهم صل عليه و آله و على جميع

آبائه و اجعلنا من صحبه و اسرته و انعشنا في كرته حتى نكون في زمانه

من اعوانه اللهم ادرك بنا قيامه و اشهدنا ايامه و صل عليه و ارزد

الينا سلامه و السلام عليهم و رحمة الله و بركاته باب پنجم در بيان

ماه مبارك ذي الحجة است و در آن پنج فصل است فصل اول در بيان فضايل

و اعمال ماه ذي الحجة و دهه اول و اعمال آنست و اين دهه در نهايت فضيلت

و بركتند و حق تعالى ميفرمايد و اذكروا الله في ايام معدودات يعني تكبير

خدا را در روز چند شمرده يعني كه در و باز فرموده است و ميذكروا الله في ايام

معلومات على ما رزقهم من بهيمة الانعام يعني اعلام كن مردم را بايد

بحج تا انكه بيايند منفعتهاى دنيا و آخرت و ياد كنند خدا را در روز چند معلوم

براى انكه روزى كرده است ايشانرا از گوشت چهارپايان كه گاو و شتر و گو

و بز است و در احاديث معتبره بسيار از ائمه صلوات الله عليهم منقولست

كه ايام معلومات ده روز اول ماه ذي الحجة است و ايام معدودات روز دهم

و يازدهم و ياردهم و سيزدهم ماه ذي الحجة است و از حضرت رسول منقولست

كه عمل هيچ روز عبادت در نزد حق تعالى محبوبتر نيست از روز اول ذي

الحجة و چون اينماه داخل ميشد صلحا صحابه تابعين اهتمام عظيم در عبادت ميكردند

و بسند معتبر منقولست از حضرت صادق كه پدرم امام محمد باقر را من گفتم

اى فرزند كرامى الينه در هر شب دهه اول ذي الحجة دو ركعت نماز بجا

آر ميان نماز شام و نماز خفتن و در هر ركعت يكمرتبه سوره حمد و سوره قل

هو الله احد و اين امر را بجوان و وا گذار تا موسى از بعين ليلة و قال موسى

لاخيه هرون اخلفني في قومي و اصلح و لا تتبع سبيل المفسدين

چون كنى يا ثواب حاجيان در ثواب حج شريك خواهى بود هر چند حج نروى و

روز اول ذي الحجة روز مباركى است و در آن بنى وارد شده است كه حضرت ابراهيم

خليل را در اين روز حق تعالى خليل خود گردانيد و تبديل معتبر از حضرت موسى بن

جعفر منقولست كه هر كه روز اول ذي الحجة را روزه بدارد حق تعالى براى او

ثواب هشتاد ماه روزه بنويسد و از حضرت امام موسى منقولست كه هر كه

روز اول ذي الحجة را روزه بدارد حق تعالى ثواب روزه تمام عمر او را از براى او

و شيخ طوسى عليه الرحمه گفته است كه از روز اول ذي الحجة تا نهم روز مستحب

و اكر نتواند روز اول را روزه بدارد در روز اول حضرت رسالت پناه حضرت

فاطمه صلوات الله عليها را بحضرت امير المؤمنين تزويج نمود و در روايت ديكر

در روز ششم تزويج نمود و بدانكه روزه قضاى ماه مبارك رمضان را از اول ماه

تا روز عرفه ميتوان كرفت چنانچه علما گفته اند و احاديث صحيحه بر آن دلالت

دارد و بعضى از روايات كه در ضيع انها وارد شده است سندانها معتبر

نيست و معمولست كه بر نافله چنانچه در كتب مبسوطه دلايل آنرا ايراد نموده

و بايد شيخ رحمه الله گفته است كه مستحب است كه در روز اول نماز حضرت

فاطمه را بجا آورد و در روايت كرده است كه ان چهار ركعت است بدو سلام و

در هر ركعت بعد از حمد يكباره سوره قل هو الله احد بخواند و بعد از سلام

تسبيح حضرت فاطمه عليها سبحان ذي العز الشامخ المنيف سبحان ذي الجلال

السلام را بخواند و تسبيح آن

الباذخ العظيم سبحان ذي الملك الفاخر القديم سبحان من يرى

اثر

الذمله في الصفا سبحانا من يرى وقع الطير في الهواء سبحان من هو هكذا

و لا هكذا غيره مؤلف كويد بعد از بن انشاء مذكور خواهد شد كه نماز

حضرت دو رکعت است و در رکعت اول بعد از حمد صد مرتبه انا انزلناه
است و در رکعت دوم صد مرتبه قل هو الله و اکثر هر دو را بعمل آورده
و ان دعا را بعد از هر یک بخواند کفایت است و اکثر بعد از سلام اول تسبیح
مشهور حضرت فاطمه را بخواند و بعد از ان این دعا را شاید بهتر باشد و در بعضی
از روایات وارد شده است که در روز اول نیم ساعت پیش از زوال دو رکعت
نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد ده سوره توحید و ده مرتبه آیة الکرسی
و ده مرتبه انا انزلناه بخواند و در روایت دیگر وارد شده است که هر که از
ظالمی ترسد در رکوع اول غرقه ذی الحجه بگوید حسبی حسبی حسبی من سؤالی
علمک بحالی حق تعالی کفایت شر ان ظالم از و بکند و شیخ و بعضی دیگر
طاوس سندهای معتبر روایت کرده اند که حضرت امام جعفر صادق فرمود
اول ذی الحجه نام دارد و روز عرفه هر روز بعد از نماز صبح و دعا و غسل تا پیش از
شام این دعا را اللهم هذه الایام التی فضلتها علی غیرها من الایام و
میخواندند خداوندا این روزها را که تو آنها را بر روزهای دیگر شرف
داده و فضیلت بخشیده بمنک و رحمتک فانزل علینا من برکاتک واسبغ
علینا فیها من نعمائک اللهم انی اسئلک ان تصلی علی محمد و آل محمد فیها
و تهدینا فیها سبیل الهدی و توزقنا فیها التقوی و العفاف و الغنی
و العمل فیها بما تحب و ترضی اللهم انی اسئلک یا موضع کل شکوی
و یا سامع کل نجوی و یا شاهد کل ملاء و یا عالم کل خفیة ان تصلی علی
محمد و آل محمد و ان تکشف عنا فیها البلاء و تستجیب لنا فیها الدعاء

و تقوینا فیها و تعیننا و توفقنا فیها لما تحب و ترضی و علی ما افترضت
علینا من طاعتک و طاعة رسولک و اهل ولایتک اللهم انی اسئلک
یا ارحم الراحمین ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تهب لنا فیها الرضا انک
سمیع الدعاء و لا تحرمنا خیر ما تنزل فیها من السماء و طهرنا من الذنوب
یا علام الغیوب و اوجب لنا فیها دار الخلود اللهم صل علی محمد و آل
محمد و لا تترک لنا فیها ذنبا غفرته و لا همما الا فرجته و لا دنیا فی دینه
و لا غائبا الا ادیته و لا حاجة من حوائج الدنیا و الاخرة الا سهلتها
و یسرتها انک علی کل شئ قدیر اللهم یا عالم الخفیات یا راحم العبرات
یا مجیب الدعوات یا رب الارضین و السموات یا من لا تشتبه علیه الاصوات
صل علی محمد و آل محمد و اجعلنا فیها من عتقائک و طلقائک من النار وده
الفائزین بجنتک الناجین برحمتک یا ارحم الراحمین و صلی الله علی
محمد و آله اجمعین و سلم تسلیما و شیخ مفید و سید بن طاوس و شهید
معتبر از حضرت امام محمد باقر روایت

کرده اند که جبرئیل از جانب خداوند جلیل برای حضرت عیسی پنج دعا
بهدیه آورد و گفت یا عیسی این پنج دعا را در دهه اول ذی الحجه بخوان
که هیچ عبادتی نزد حق تعالی محبوب تر نیست از عبادت کردن در این دهه
اول اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی
الخیر وهو علی کل شیء قدیر دویم اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک
له احدا صمدا لم یتخذ صاحبه ولا ولدا سیم اشهد ان لا اله الا الله
وحده لا شریک له احدا صمدا لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد
چهارم اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد
یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر پنجم
حسبی الله وکفی سمع الله لمن دعا لیس وراء الله منتهی اشهد لله تعالی
دعا وانه برئی من برء وان لله الاخره والاولی پس جبرئیل گفت
هر که یا روح الله این کلمات را بگوید حضرت فرمود که هر که دعای اول را صد
مرتبه بخواند حق تعالی عمل هیچ یک از اهل زمین بهتر از عمل او نباشد مگر
کسی که این دعا را بیشتر از او خوانده باشد و هر که دعای دویم را صد مرتبه
بخواند چنان باشد که دوازده مرتبه توریه و انجیل را خوانده باشد و ثواب
آنها را یابد گفت حضرت عیسی گفت ای جبرئیل ثواب

جبرئیل گفت طاقت برداشتن یک حروف تورنه و انجیل نداشت هر گردن
ایشان نهای هفتگانه از ملائکه تا انکه مبعوث شدم من و اسرافیل زیرا که
اسرافیل اول بنده بود که گفت لا حول ولا قوة الا بالله و هر که سیم را صد
مرتبه بخواند حق تعالی بنویسد برای او باین دعا هزار هزار حسنه و محو نماید
از دوده هزار هزار سیئه و فرو داید از اسمان هفتاد هزار ملک که دست نهاد
داشته باشند و صلوات فرستند بر کسی که این کلمات را باین عدد خوانده
پس عیسی گفت که ای جبرئیل تا ملتکه صلوات میفرستند بر غیر پیغمبران جبرئیل
گفت که هر که ایمان اورد بانچه پیغمبران از جانب خدا اورده اند و بغیر نبی
ندهد شریعت انشاء را حق تعالی ثواب پیغمبران باو عطا میفرماید و هر که دعای
چهارم صد مرتبه بخواند دعا را استقبال کند ملکی و بالا برود تا حضرت
پس خدا نظر کند بسوی کوشیده اید عا بر حمت و هر که را خدا نظر رحمت بود
نکند هرگز شقی و بد عاقبت نشود پس حضرت عیسی گفت یا جبرئیل ثواب پنجم
چیست جبرئیل گفت ندای منادی و حق تعالی امر را رخصت نداده که ثواب
انرا بگویم مولف گوید که اگر هر روز هر یک از این دعاها مرتبه بخواند دور نیست
که عمل باین دوات کرده باشد و اگر هر روز هر یک را صد مرتبه بخواند بهتر
خواهد بود و شیخ و ابن بابویه و سید بن طاوس رضی الله عنهم از حضرت
امیر المومنین روایت کرده اند که هر که در هر روز از دهه اول ذی الحجه این
تهلیل را زیاده مرتبه بخواند حق تعالی عطا کند او را بهر تهلیلی درجه در بهشت
از مروارید و یاقوت و از میا هر درجه تا درجه دیگر صد سال راه باشد بر فضا
سواری که بتاز د و در هر درجه شهری بوده باشد و در ان شهر قصری
باشد از یک جوهر که در ان فصل بنا شده و در هر شهر از ان شهرها از انواع
جواهر و غرفها و خانها و قبرها و کرسیها و تختها و حوریان و نهالها و منکها
و خانها و خدمتکاران و درختها و نهرها و زیورها و حلها بوده باشد که وصف
کننده قادر بر وصف انها نباشد و حوران از قبر بیرون ایند از هر موی بدن او

نوری ساطع باشد و مبادرت کنند بشوی او هفتاد هزار ملک و از
روی او از جانب راست و چپ او راه روند تا او را بدر بهشت برسانند و چون
داخل بهشت شود او مقدم دارند ملئکه از عقب او روند تا آنکه ذی حجه
که پرونش از با قوت سرخ باشد و اندرونش از زبرجد سبز و در آن شهر بود
باشد که مرتبتی که حق تعالی خلق کرده باشد پس باو بگویند او کیست خدا میداند
که این شهر چیست گویند نه و شما گفتید گویند ما ملکی چند یم که خازن بودیم در
لشکای که نوان تهلیلا نرا میخواندی در دنیا و این شهرها و انچه در آن هست از
نعمتهای الهی بکواب تست برخواندن ان تهلیلها و ستارت باد نرا به بهزار بن از قوا
ها و بوسنه در جوار رحمت الهی بود و درود السلام که بلاد و مکروهی در آن نیست
و نعمتها و راحتهای خدا از نولا الٰه الا الله عدد اللیالی و الدهور لا الٰه الا الله
منقطع نمیگردد و تهلیل این شب خدا را گوید عدد و نعمت خدا را
عدد امواج البحور لا الٰه الا الله و رحمته خیر مما یجمعون لا الٰه الا الله عدد
شب و روز شمرد و بیت خدا را گوید و بگوید او هر شب از برای او هزار حسنه
الشوک و النجم لا الٰه الا الله عدد الشعر و الوبر لا الٰه الا الله عدد الحجر
خدا را گوید عدد موی بز و پشم گوسفند و بگوید
و المدر لا الٰه الا الله عدد ریح العیون لا الٰه الا الله فی اللیل اذا عسعس
و صبح چون خدا را گوید عدد نفس جمیع خلق خدا را گوید و در حق او
و الصبح اذا تنفس لا الٰه الا الله عدد الریاح فی البراری و الصحاری لا الٰه
عدد ریگ بیابانها و کوهها خدا را گوید
الا الله من الیوم الی یوم ینفخ فی الصور و از بعضی روایات مستفاد میشود
که خدا از این روز تا روز قیامت هر که یکرشته اکفا میتوان کرد
و الله یعلم فصل دیگر در اعمال روز ترویه و روز عرفه است روز ترویه روز
هشتم ذی الحجه است و روز مبارکی است و ابن بابویه از حضرت امام موسی
روایت کرده است که حضرت رسول فرمود که حق تعالی بر کرسیه است از روزها

چهار روز را روز جمعه و روز ترویه و روز عرفه و روز عید قربان و ایضا
از حضرت صادق روایت کرده است که روزه روز ترویه کفاره شصت سال
است و شب عرفه از لیالی متبرکه است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که روز عرفه دعا مستجاب است و کسی که از شب زنده داران
آن صد و هفتاد سال عبادت نموده باشد و از شب منا جا باقی الحاجات است
و در آن شب هر که توبه کند توبه اش مقبول است و از حضرت صادق منقولست که
در شب عرفه با در شبهای جمعه این اللهم یا شاهد کل نجوی و موضع کل
دعا بخواند حق تعالی کاها قرا نیا
شکوی و یا علم کل خفیه و منتهی کل حاجه یا مبتدیا بالنعم علی العبا یا کریم
العفو یا حسن التجاوز یا جواد یا من لا یتوارى منه لیل داج و لا بحر تجاج
و لا سماء ذات ابراج و لا ظلم ذات الحاج یا من الظلمه عند ضیا انا لله
و انا الیه راجعون یا من هو بالمنظر الاعلی و هو بالافق المبین یا من
بنور وجهك الکریم الذی تجلیت به للجبل فجعلته دکا و خر موسی صعقا
نور دانش بزرگوار تو که بان خود را آراسته کرد بس کرد بانی آن کرد و خود را
و بامضاك الذی رفعت به السموات بلا عمد و سطحت به الارض علی وجه الماء
بلا حمد و بامضاك المخزون المکنون الذی اذا دعیت به اجبت و اذا
سئلت به اعطیت و بامضاك الصبوح القدوس البرهان الذی هو نور
علی کل نور و نور من نور یضی منه کل نور و اذا بلغ الارض اشرقت و اذا التیموا
بر هر نوری و نوری از نوری است از نورها چون بر سد بر زمین را روشن گرداند

فتحت واذا بلغ العرش افتر وبإسمك الذي ترتعد منه فرائص ملائكة

وأسئلك بوجه حبيبك جبرئيل وميكائيل واسرافيل وبوجه محمد المصطفى صلى الله

عليه وآله وعلى جميع الأنبياء وجميع الملائكة وبالإسم الذي سخرت به البحر على

فلق الماء كما شئت به على الجدد الأرض وبإسمك الذي فلقت به البحر

لموسى وأغرقت فرعون وقومه وأنجيت به موسى بن عمران ومن معه

وبإسمك الذي دعاك به موسى بن عمران من جانب الطور الأيمن فا

ستجبت له والقيت عليه محبة منك وبإسمك الذي داجيت به عيسى ابن

مريم الموتى وتكلم في المهد صبيا واوزعني الا كمه والابرص بإذنك واذ تخلق

الذي دعاك به حملة عرشك وجبرئيل وميكائيل واسرافيل وبحق

محمد صلى الله عليه وآله وملائكتك المقربون وانبياؤك المرسلون وعبادك

الصالحون من اهل السموات والارضين وبإسمك الذي دعاك به

ذو النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر عليه فناديٰ في الظلما

آن لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين فاستجبت له ونجيته من

الغم وكذلك ننجي المؤمنين وبإسمك العظيم الذي دعاك به داود فخر لك

ساجدا فغفرت له ذنبه وبإسمك الذي دعاك به اسية امرأة فرعون اذ

قالت رب ابن لي عندك بيتا في الجنة ونجني من فرعون وعمله ونجني من

القوم الظالمين فاستجبت لها دعاءها وبإسمك الذي دعاك به ايوب اذ

حل به البلاء فعافيته واتيته اهله ومثلهم معهم رحمة من عندك وذكرى

للعالمين وبإسمك الذي دعاك به يعقوب فرددت به عليه بصره وقرة

عينه يوسف وجمعت شمله وبإسمك الذي دعاك به سليمان فوهبت له

ملكا لا ينبغي لاحد من بعده انك انت الوهاب وبإسمك الذي سخرت به البراق

لمحمد صلى الله عليه وآله وسلم اذ قال تعالى سبحان الذي اسرى بعبده

ليلا من المسجد الحرام الى المسجد الاقصى فقال سبحان الذي سخر لنا

هذا وما كنا له مقرنين وانا الى ربنا منقلبون وبإسمك الذي نزل

به جبرئيل على محمد صلى الله عليه وآله وبإسمك الذى به دعاك آدم

فغفرت له ذنبه واسكنته جنتك واسئلك بحق القرآن العظيم وبحق

ابراهيم وبحق فضلك يوم القضاء وبحق الموازين اذا نصبت والصحف

لنشرت وبحق القلم وما جرى واللوح وما احصى وبحق الاسم الذى

كتبته على سرادق العرش قبل خلقك الخلق والدنيا والنجوم والقمر

يا الهى عالم واشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له وان محمدا عبده

ورسوله واسالك باسمك المخزون فى خزائن الذى استاثرت به فى علم

الغيب عندك لم يظهر عليه احد من خلقك لا ملك مقرب ولا نبى مرسل

ولا عبد مصطفى واسئلك باسمك الذى تقلقت به البحار وقامت

به الجبال واختلف به الليل والنهار وبحق التسع المثانى والقرآن

العظيم وبحق الكرام الكاتبين وبحق طه ويس وكهيعص وحم عسق و

وبحق توبة موسى وانجيل عيسى وزبور داود وفرقان محمد وعلى جميع الرسل

ذا الحجة

وباهيا وشراهيا اللهم انى اسئلك بحق تلك المناجاة التى كانت بينك

وبين موسى بن عمران فوق جبل طور سيناء واسئلك باسمك الذى علمته

ملك الموت لقبض الارواح واسئلك باسمك الذى كتب على ورق الزيتون

فخضعت النيران لتلك الورقة فقلت بانار كونى بردا وسلاما واسئلك

باسمك الذى كتبته على سرادق المجد والكرامة بامن لا يحجبه سائل

ولا تفصله نائل يا من به تشفعات واليه تلجا اسالك بمعاقد العز من

عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك وباسمك الاعظم وجدك الاعلى و

كلماتك التامات العلى اللهم رب الرياح وما ذرت والسماء وما اظلت

والارض وما اقلت والشياطين وما اضلت والبحار وما جرت وبحق كل

حق هو عليك حق وبحق الملائكة المقربين والروحانيين والكروبيين

والمسبحين لك بالليل والنهار لا يفترون وبحق ابراهيم خليلك وبحق

نبيك بين الصفا والمروة وبحق البيت الحرام وبحق هذه الايام

وبهذه الدعوات ان تغفر لنا ما قدمنا وما اخرنا وما اعلنا وما اسررنا
وما ابدينا وما اخفينا وما انت اعلم به منا انك على كل شئ قدير وعلينا
يا ارحم الراحمين يا حافظ كل غريب يا مونس كل وحيد يا قوة كل ضعيف
يا ناصر كل مظلوم يا رازق كل محروم يا مونس كل مستوحش يا صاحب كل
مسافر يا عالما كل حاضر يا غافر كل ذنب وخطيئة يا غياث المستغيثين
يا صريخ المستصرخين يا كاشف كرب المكروبين يا فارج هم المهمومين
يا بديع السموات والارضين يا منتهى غاية الطالبين يا مجيب دعوة المضطرين
يا ارحم الراحمين يا رب العالمين يا ديان يوم الدين يا اجود الاجودين يا
اكرم الاكرمين يا اسمع السامعين يا ابصر الناظرين يا افرد الفاردين
اغفر لي الذنوب التي تغير النعم واغفر لي الذنوب التي تورث الندم
واغفر لي الذنوب التي تورث السقم واغفر لي الذنوب التي تهتك العصم
واغفر لي الذنوب التي تورث الشقاء واغفر لي الذنوب التي تحبس الدعاء
واغفر لي الذنوب التي تنزل البلاء واغفر لي الذنوب التي تحل القضاء
واغفر لي الذنوب التي تحجب الدعاء واغفر لي الذنوب التي تظلم الهواء
واغفر لي الذنوب التي تكشف الغطاء واغفر لي الذنوب التي لا يغفرها غيرك يا الله يا
الله يا الله احمل عني كل تبعة لاحد من خلقك واجعل لي من امرك فرجا ومخرجا واترل
يقينك في صدري وفي جنانك في قلبي حتى لا ارجو غيرك اللهم
احفظني وعافني في مقامي هذا واصحبني في ليلي ونهاري ومن بين
يدي ومن خلفي وعن يميني ومن فوقي ومن تحتي وتيسر السبيل واحسن
التيسير ولا تجعلني في العسير واهدني يا خير دليل ولا تكلني الى تقصيري
في الامور ولقني كل سرور وافيلني الى اعلى الفلاح والنجاح محمودا
في العاجل والاجل انك على كل شئ قدير وارزقني من فضلك واوسع
علي من طيبات رزقك واستعملني في طاعتك واجرني من عذابك وبارك
لي في ذلك واقيلني اذا توفيتني الى جنتك برحمتك اللهم اني اعوذ بك من زوال

نعمتك ومن تحويل عافيتك ومن حلول نقمتك ومن زوال عدلك وفجاة
بلاك ومن جهد البلاء ودرك الشقاء ومن سوء القضاء وشماتة الاعداء
ومن شر ما ينزل من السماء ومن شر ما تضمنه في الكتاب المنزل اللهم
لا تجعلني من الاشرار ولا من اصحاب النار ولا تحرمني صحبة الاخيار
واحيني حيوة طيبة وتوفني وفاة طيبة ولحقني بالابرار وارزقني مرافقة
الانبياء في مقعد صدق عند مليك مقتدر اللهم لك الحمد على خير
بلائك وصنعك ولك الحمد على الاسلام والسنة كما هديتهم لدينك
وعلمتهم كتابك فاهدنا وعلمنا ولك الحمد على حسن بلائك وصنعك
عندي خاصة كما خلقتني فما احسنت هدايتي فلك الحمد على انعامك
على قديما وحديثا فكم من كرب يا سيدي فرجته وكم من غم يا
سيدي فرجته وكم من نفسة يا سيدي فككته وكم من بلاء
يا سيدي فصرفته وكم من عيب يا سيدي فسترته فلك الحمد

على كل حال في كل شدة وزمان وفي مقلب ومقام وعلى هذه الحال وكل حال
اللهم اجعلني من افضل عبادك نصيبا في هذا اليوم من كل خير تقسمه او
خير تكشفه او سوء تصرفه او بلاء تدفعه او خير تسوقه او رحمة تنشرها
او عافية تلبسها فانك على كل شيء قدير تفعل ما تشاء وانت الواحد الكبير المعطي الذي لا يرد سائله ولا يخيب املة ولا
ينقص نائله ولا ينفد ما عنده بل يرد الكثير وطبا وعطاء موجودا وانت
من خزائنك الني لا تفنى ومن رحمتك الواسعة ان عطائك لن يكن محظورا
وانت على كل شيء قدير يرحمتك يا ارحم الراحمين واحاديث زيارة الرضا عليه السلام

زيارت حضرت امام حسين در شب ودر روز عرفه وارد شده است وزيارت نزديكتر از كتاب بحفة
الزائر ذكر كرده ايم وزيارت دور بعد از اين انشاء الله مذكور شد وبشير نيز
زيارت بحضرت مذكور شده والما عظيم است واعظم آنست وكسي كه نتواند بايد
كه در عرفات باشد دعا عليه واعمال نيست انا دارد وتهمتر از اعمال در اين روز دعا
حتى مستحب است كه جمع كند ميان ظهر وعصر در اول وقت نافله واذان عصر
ساقط ميشود وبعد از نماز عصر مشغول دعا بايد شد تا شام ودعا اوريا
براد ران مومن از زيده ومزده نيست ربايد كرد در حديث صحيح منقول
است از ابراهيم بن هاشم كفت كه من عند الله حديث را ديدم در موقف عرفات

وحال هیچ را بهتر از وندیدم پوشنه دستها بسوی آسمان بلند کرده بود
وآب از دیده اش جاری بود تا بزمین میریسید چون مردم فارغ شدند وقوف
همچکس را از و بهتر ندیدم پوشنه دستهای خود را بسوی آسمان بلند کرده
بود وآب دیده اش بر رویش جاری بود تا بزمین میریسید چون مردم فارغ شدند
گفتم وقوف هیچ کس را بهتر از وقوف تو ندیدم گفت بخدا سوگند که دعا نکردم
مگر برای برادران مؤمن خود زیرا که از حضرت امام موسی شنیدم که هرکه دعا
کند برادران مؤمن خود را در غیبت او از عرش ندا رسد بانوکر از برای تو صد
هزار برابر او باد پس من نخواستم که دست بردارم از دعای صد هزار ملک که
البته مستجاب است برای یکدعای خود که نمیدانم که مستجاب خواهد شد یا نه اگر
کسی توفیق یابد که در روز عرفه در نجف قبه مقدسه حضرت امام حسین باشد
ثوابش کمتر نیست از کسی که در عرفات باشد بلکه زیاده است چنانچه از حضرت
صادق منقول است که هرکه در روز عرفه بزیارت او برود گویا او را شناسد
او را امام واجب الاطاعه داند بتوفیق حق تعالی برای او ثواب بیست حج و
هزار عمره مقبول و هزار جهاد که با پیغمبر مرسل کرده باشد یا الماعادل
راوی گفت کجاست ثواب وقوف عرفات حضرت از روی غضب بسوی او نظر
کرد و فرمود بد رستی که بنده مؤمن چون در روز عرفه نزد قبر ان حضرت شسته
شود و در آب فرات غسل کند و متوجه زیارت شود هرگامی که بر میدارد
ثواب یک حج و عمره برای او مینویسند و در روایت دیگر فرموده که در روز
عرفه حق تعالی اول نظر رحمت بسوی زوار امام حسین میکند و گناهان
آنها را می آمرزد و حاجات آنها را برمی آورد و بعد از ان متوجه اهل عرفات
میگردد زیرا که در میان زوار آن حضرت کمتر امرادهٔ و فرزندزنا نیست و در
میان اهل عرفات هست و کسی که توفیق هیچ یک از اینها را نیافته باشد که در آن
بلاد غسل بکند و در مجمع مؤمنان حاضر شوند و زیارت آن حضرت بکنند
واگر در بام بلند یا صحرای کشاده باشد بهتر است پس مشغول دعا شود و

وتا شام مشغول ذکر و دعا باشد تا در ثواب اینها شریک گردد چنانچه از حضرت
صادق منقول است و احادیث در باب روزه روز عرفه مختلف است و اکثر
علما ذکر جمیع میان احادیث باین روش کرده اند که اگر اشتباهی در دعا نباشد
و او را از دعا کردن ضعیف نکرده باشد سنت است والا مکروه است یعنی ثوابش
کمتر است و در روایتی واقع شده است که روزه روز عرفه برابر است با روزه
یک سال و اگر اشتباه در ماه باشد یا روزه او را در دعا ضعیف شود در روز عرفه نکردن
بهتر است و از حضرت صادق روایت کرده اند که هرکه در روز عرفه پیش از
آنکه مشغول دعا شود دو رکعت نماز بجا آورد در نزد ستون یمانی و اعتراف کند
نزد خدا از گناهان خود و فرار کند بخطاهای خود فایز گردد بثواب اهل عرفات
و گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده گردد و شیخ مفید علیه الرحمه این
نماز را بعد از نماز عصر ذکر کرده است و گفته است که این نماز مخصوص
جمعی است که در اطراف نباشند و در عرفات نباشند و در حدیث معتبر
از حضرت صادق منقول است که چون خواهد مشغول دعا شود کبر مئه
الله اکبر و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه لا اله الا الله و صد مرتبه فلا هو
الله احد و صد مرتبه انا انزلناه بخواند و در روایت دیگر فرموده که صد مرتبه
آیة الکرسی بخواند و صد مرتبه لا حول ولا قوة الا بالله بگوید و صد مرتبه
اللهم صل علی محمد و آل محمد بگوید پس مشغول دعا شود و بهترین دعاها دعا
صحیفه کامله است اما با خشوع و خضوع و ناله و زاری باید که خواند که
مشتمل است بر جمیع مطالب دنیا و آخرت و شیخ طوسی رحمة الله علیه
مختصر از حضرت صادق روایت کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه
بحضرت امیر المؤمنین گفت که میخواهی تو را تعلیم کنم دعای روز عرفه را و آن
دعای پیغمبران لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی
بیش از مرگ است [illegible]
ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر اللهم لک

وصد مرتبه سبحان الله

الحمد كالذي نقول وخيرا مما نقول ووفق ما يقول القائلون اللهم لك
صلوتي ولك نسكي ومحياي ومماتي ولك تراثي وبك حولي ومنك قوتي
اللهم اني اعوذ بك من الفقر ومن سوء المنقلب ومن شماتة الاعداء
ومن عذاب القبر اللهم اني اسئلك خير الرياح واعوذ بك من شر ما
تجيء به الرياح واسئلك خير الليل وخير النهار اللهم اجعل في قلبي
نورا وفي سمعي نورا وفي بصري نورا وفي لحمي نورا وفي دمي ونخاعي
وعروقي ومقامي ومدخلي ومخرجي نورا واعظم لي النور يا رب يوم
القيامة انك على كل شيء قدير واز حضرت امام رضا منقولست كه اين دعا
را در روز عرفه بخواند دعا اينست
اللهم كما سترت على ما لو اعلم فاغفر لي ما تعلم وكما وسعني علمك
فليسعني عفوك وكما بدأتني بالاحسان فتفضل نعمتك بالغفران وكما انرت
بصري فاشفعها بغفرانك وكما عرفتني وحدانيتك فاكرمني بطاعتك
وكما عصمتني ثما لم اكن اعتصم منه الا بعصمتك فاغفر لي ما لو شئت

عصمتني يا جواد يا كريم يا ذا الجلال والاكرام واز حضرت امام موسى
كاظم منقولست كه اين دعا را در روز عرفه بخواند
اللهم اني عبدك وابن عبدك ان تعذبني فبامورك قد سلفت مني وانا
بين يديك برحمتي وان تعف عني فاهل العفو انت يا اهل العفو والتقوى
من عفى واغفر لي ولاخواني واز جمله دعاهاي مشهور روز عرفه دعاي
كميل كه از حضرت امام حسين عليه السلام نقل شده و در اوراد
ليلة الجمعة مذكور است
اللهم انك تسمع كلامي وترى مكاني وتعلم سري وعلانيتي ولا يخفى
عليك شيء من امري وانا البائس الفقير المستغيث المستجير الوجل
المشفق المقر المعترف بذنبه ان تغفر لي ذنوبي كلها وان تقضي حوائجي
كلها وان تعطيني سؤلي وان تجعلني بدعائك شقيا وبرحمتك ان لا تجعلني
محروما اللهم رب المشعر الحرام ورب البيت الحرام ورب الحل والاحرام
ورب المساجد والمشاعر ورب الركن والمقام ورب الهدى والكلام ورب
المشرقين والمغربين ورب البر والبحر ورب الليل والنهار ورب الارض
والسماء ورب السهل والجبال ورب الرحمة والنور ورب الكتب المنزلة
بالحق في المحرم والفرقان العظيم وبكل اسم هو لك سميت به نفسك
او سمى به احد من خلقك او استاثرت به في علم الغيب عندك ان تصلي
على محمد وآله وان تجعل ليلتي هذه ويومي هذا شهرا حراما مباركا
مشرفا معظما تعرف فيه حق من اتاك فيه راجيا لما عندك مؤملا لما
لديك مشفقا مما عندك ان تعيذني فيه من سخطك وان تجيرني فيه من
اليم عقابك وان تحلني فيه دار كرامتك وان تجعلني فيه من اوليائك
الذين رضيت عنهم فاستجابوا لك وبك آمنوا وعليك توكلوا اللهم
اني اسئلك سؤال من اشتد فاقته وانزل بك عند الشدائد حاجته وعظمت
فيما عندك رغبته اللهم يا من لا يشغله سمع عن سمع ولا تغلطه
المسائل ولا يتبرمه الحاح الملحين ولا يغيره الوان ما عليه يفطر
الخلائق ولا تختلف عليه اللغات ولا تشتبه عليه الاصوات ولا يتبرمه
الحاح الملحين ولا يغيره الوان ما عليه يفطر الخلائق ولا تختلف عليه
اللغات ولا تشتبه عليه الاصوات ولا يتبرمه الحاح الملحين ولا يغيره
الوان ما عليه يفطر الخلائق ولا تختلف عليه اللغات ولا تشتبه عليه
الاصوات

وللكرّ ثابت دافع وللحيا بره فامع وراحم عبره كل صارع ورافع
ضرعه كل صارع فلا اله غيره ولا شيء يعدله وليس كمثله شيء وهو
السميع البصير اللطيف الخبير وهو على كل شيء قدير اللهم اني ادين
لك واشهد بالربوبية لك منذ ابانك ربي وازلك مزدادا بنيتي
بنعمتك قبل ان اكون شيئا مذكورا وخلقتني من التراب ثم نكتني
الاصلاب لريب المنون واختلاف الدهور فلم ازل ظاعنا من صلب
الى رحم في تقادم الايام الماضية والقرون الخالية لم تخرجني لرافتك
بي ولطفك لي واحسانك الي في دولة ايام الكفرة الذين نقضوا
عهدك وكذبوا رسلك لكنك اخرجتني طائعة منك وتحننا على الذي
سبق لي من الهدى الذي كتبته لي وفيه انشأتني ومن قبل ذلك
رؤفت بي بتمثيل صنعك وسوابغ نعمتك فابتدعت خلقي من تربة تمتي
ثم اسكنتني في ظلمات ثلث بين لحم وجلد ودم ولم تشهد خلقي

ولم تجعل الي شيئا من امري ثم اخرجتني الى الدنيا تاما سويا وحفظتني
في المهد طفلا صبيا ورزقتني من الغذاء لبنا مريئا وعطفت علي قلوب
الحواطين وكفلتني الامهات الرحائم وكلاتني من طوارق الجان و
سلمتني من الرتاد وقوا النقصان فتعاليت يا رحيم يا رحمن حتى اذا استهللت
استهلالا طفيا بالكلام اتممت علي سوابغ الانعام وربيتني زائدا
في كل عام حتى اذا اكملت فطرتي واعتدلت مرتي اوجبت علي
حجتك بان الهمتني معرفتك وروعتني بعجائب فطرتك وانطقتني لما
ذرأت في سمائك وارضك من بدائع خلقك وسخرت لي جوارح
واجب طاعتك وغيادتك وفهمتني ما جاءت به رسلك ويسرت لي
تقبل مرضاتك ومننت علي في جميع ذلك بعونك ولطفك ثم اذ خلقتني
من خير المرئي لم ترض لي بنعمة دون اخرى ورزقتني من انواع
المعايش وضروب الرئاش بمنك العظيم علي واحسانك القديم الي

حتى اذا انعمت على جميع النعم وصرفت عني كل النقم لم يمنعك

جهلي وجرأتي عليك ان دللتني على ما يقربني اليك ووفقتني لما يزلفني

لديك فان دعوتك اجبتني وان سألتك اعطيتني وان اطعتك شكرتني

وان شكرتك زدتني كل ذلك اكمالا لانعمك علي واحسانك الي

فسبحانك سبحانك من مبدئ حميد مجيد تقدست اسماؤك وعظمت

الاؤك فاي نعمتك يا الهي احصي عددا او ذكرا ام اي عطاياك اقوم

بها شكرا وهي يا رب اكثر من ان يحصيها العادون او يبلغ علما بها

الحافظون ثم ما درأت وصرفت عني اللهم من الضر والضراء اكثر

مما اظهرلي من العافية والسراء وانا اشهدك يا الهي بحقيقة ايماني

وعقد عزمات يقيني وخالص صريح توحيدي وباطن مكنون

ضميري وعلائق مجاري نور بصري واسارير صفحة جبيني وخرق

مسارب نفسي وحذاريف مادرن عرينتي ومسارب صماخ سمعي

وما ضمت واطبقت عليه شفتاي وحركات لفظ لساني ومعقد جنان

فمي وفكي ومنابت اضراسي وبلوع حناجر مريء عيشي ومساغ مأكل

ومشربي وحمائل حبائل وتين وحمائل حبل وتيني وما اشتمل عليه

تامور صدري وبناط حجاب قلبي وافلاذ حواشي كبدي وما حوته

شراسيف اضلاعي وحقاف مفاصلي واطراف انامليي وقبض عوامل

ومجمع وتدي وشعر رأسي وكثير عصبي وعظامي ومخي وعروقي

وجميع جوارحي وما انسبح على ذلك ايام رضاعي وما اقلت الارض مني

ويقظتي ونومي وحركاتي وسكوني وحركات ركوعي وسجودي ان لو حاولت

واجتهدت مدة الاعصار والاحقاب لو عمرتها ان اؤدي شكر

واحدة من انعمك ما استطعت ذلك الا بمنك الموجب علي شكرا

ايفا جديدا وثناء طارفا عتيدا اجل ولو حرصت انا والعادون

من انامك ان نحصي مدى نعمك سالفها وآنفها لما حصرناه عددا

ولا احصيناه ابدا فيها افى ذلك وانت المخبر بنعتك فى كتابك

الناطق والنبأ الصادق وان نعد وانعمة الله لا تحصوها صدق

كتابك ونبأوك وبلغ انبياءك ورسلك ما انزلت عليهم من وحيك

وشرف لهم من دينك غير انى يا الهى اشهد بجدى وجهدى وطاقتى

وسعى واقول موقنا مؤمنا الحمد لله الذى لم يتخذ ولدا

فيكون موروثا ولم يكن له شريك فى الملك فيضاده فيما ابدع

ولا ولى من الذل فيرفده فيما صنع سبحانه لو كان فيهما الهة الا

الله لفسدتا وتعطرتا سبحان الله الواحد الحى الاحد الصمد الذى

لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد الحمد لله حمدا يعدل حمد

ملائكته المقربين وانبيائه المرسلين وصلى الله على خيرته من خلقه

محمد خاتم النبيين وآله الطيبين الطاهرين المخلصين

فرمودان حضرت ذو الجلال والاكرام در دعا واز دعاها ى مباركه

ياريست در كف اللهم اجعلنى اخشاك كانى اراك واسعدنى

بتقواك ولا تشقنى بمعصيتك وخرلى فى قضائك وبارك لى فى قدرك

حتى لا احب تعجيل ما اخرت ولا تاخير ما عجلت اللهم اجعل غنائى

فى قلبى والاخلاص فى عملى والنور فى بصرى والبصيرة فى دينى

ومتعنى بجوارحى واجعل سمعى وبصرى الوارثين منى وانصر

من ظلمنى وارنى فيه ماربى وثارى وقر عينى بذلك اللهم

اكشف كربتى واستر عورتى واغفر خطيئتى واخسأ شيطانى

وفك رهانى واجعل لى يا الهى الدرجة العليا فى الاخرة والاولى

اللهم لك الحمد كما خلقتنى فجعلتنى سميعا بصيرا ولك الحمد كما

خلقتنى خلقا سويا برحمتك بى وكنت عن خلقى غنيا يا برا بى فعدلت

فطرتى رب بما انشأتنى فحسنت صورتى يا رب بما احسنت الى وفى

نفسى عافيتنى بما كلأتنى ووفقتنى رب بما انعمت على فهد بتنى

ربى بهما اوتنى ومن كل خير اتيتنى واحطتنى رب بما اطعمتنى

وسقيني ربي اغنني وافنني ربي بما اغنيتني وعزني ربي بما

البستني من ذكرك الصافي وكبرت لي من صنعك الكافي وصل

على محمد وآل محمد واعني على بوائق الدهر وصروف الايام والليالي

ونجني من اهوال الدنيا وكربات الآخرة واكفني شر ما يعمل الطائر

في الارض اللهم ما اخاف فاكفنيه وما احذر فقني وفي نفسي

وديني فاحرسني وفي سفري فاحفظني وفي اهلي ومالي وولدي

فاخلفني وفي ما رزقتني فبارك لي وفي نفسي فذللني وفي اعين

الناس فعظمني ومن شر الجن والانس فسلمني وبدنوني فلا تفضحني

وبسر برني فلا تخزني وبعملي فلا تبتلني ونعمك فلا تسلبنيها والى

غيرك فلا تكلني لمحي من تكلني الى القريب يقطعني ام الى البعيد

يتجهمني ام الى المستضعفين لي وانت ربي ومليك امري اشكو

اليك غربتي وبعد داري وهواني على من ملكته امري اللهم

فلا تحلل بي غضبك فان لم تكن غضبت علي فلا ابالي سواك غير ان

عافيتك اوسع لي اعوذ بنور وجهك الذي اشرقت له الارض

والسموات وانكشفت به الظلمات وصلح عليه امر الاولين

والآخرين ان لا تميتني على غضبك ولا تنزل بي سخطك لك العتبى

حتى ترضى فبل ذلك لا اله الا انت رب البلد الحرام والمشعر الحرام

والبيت العتيق الذي اطلقته البركة وجعلته للناس امنة يا من

عفى عن العظيم من الذنوب بحلمه يا من اسبغ النعمة بفضله يا من

اعطى الجزيل بكرمه يا غدي في شدتي يا صاحبي في وحدتي

يا غياثي في كربتي يا مؤنسي في حيرتي يا ولي نعمتي يا الهي والهة ابائي

ابراهيم واسمعيل واسحق ويعقوب ورب جبرئيل وميكائيل و

اسرافيل ورب محمد خاتم النبيين وآله المنتجبين ومنزل التوراة و

الانجيل والزبور والفرقان ومنزل كهيعص وطه ويس والذاريات

الحكيم انت كهفي حين تعييني المذاهب في سعتها وتضيق علي الارض
برحبها ولولا رحمتك لكنت من الهالكين وانت مقيل عثرتي ولولا تثبيتك
ياي لكنت من المغلوبين وانت مؤيدي بالنصر على الاعداء ولولا نصرك
لكنت من المغلوبين يا من خص نفسه بالتسمي بالرفيق فاولياؤه بعيزه
يعتزون يا من جعلت له الملوك نير المذلة على اعناق فهم من سطواته
خائفون تعلم خائنة الاعين وما تخفي الصدور وغيب ما تاتي به
الازمان والدهور يا من لا يعلم كيف هو الا هو يا من لا يعلم ما هو
الا هو يا من كبس الارض على الماء وسدها بالسماء
يا من له اكرم الانتماء يا ذا المعروف الذي لا ينقطع ابدا يا من
الركب ليوسف في البلد القفر ومخرجه من الجب وجاعله بعد العبودية
ملكا يا راد يوسف على يعقوب بعد ان ابيضت عيناه من الحزن فهو
كظيم يا كاشف الضر والبلاء عن ايوب يا ممسك يد ابراهيم من

الذبح عن ابنه بعد ان كبر سنه وفني عمره يا من استجاب لزكريا
فوهب له يحيى ولم يدعه فردا وحيدا يا من اخرج يونس من بطن الحوت
يا من فرق البحر لبني اسرائيل فانجاهم وفرعون وجنوده من المغرقين
يا من ارسل الرياح مبشرات بين يدي رحمته يا من لم يجعل على
عصا من خلقه يا من استنقذ النصرة من بعد طول الجهود وقد عدوا
في نعمته ياكلون رزقه ويعبدون غيره وقد حادوه ونادوه وكذبوا
رسله يا الله يا ذي لا بد لك يا دائما لا نفاد لك يا حي يا محيي الموتى
يا من هو قائم على كل نفس بما كسبت يا من قل له شكري فلم يحرمني وعظمت
عنده خطيئتي فلم يفضحني ورآني على المعاصي فلم يجدلني يا من حفظني
في صغري يا من رزقني في كبري يا من ايادي عندي لا تحصى
بعده عندي لا تجازى يا من غمرني بالخير والاحسان وغمرني
بالاساءة والعصيان يا من هدى بالايمان قبل ان اعرف شكره

الا مثنيان يا من دعوته مريضا فشفاني وعريانا فكساني وجايعا

فاطعمني وعطشانا فاكواني وذليلا فاعزني وجاهلا فعرفني وو

وكثر في وغائبا فردني ومقلا فاغناني ومنتصرا فنصرني وغ

فلم يسلبني وامسك عن جميع ذلك فانبداني فلك الحمد يا من اذا

عزني ونقس كربتي واجاب دعوتي وستر عوراتي وغفر ذنوبي

وبلغني طلبتي ونصرني على عدوي وان اعد نعمك ومننك و

كرايم منحك لا احصيها يا مولاي انت الذي انعمت انت الذي

احسنت انت الذي اجملت انت الذي افضلت انت الذي منحت

الذي اكملت انت الذي رزقت انت الذي وفقت انت الذي اعطيت

انت الذي اغنيت انت الذي اقنيت انت الذي اوجب انت الذي

كفيت انت الذي هديت انت الذي عصمت انت الذي سترت

الذي غفرت انت الذي فلت انت الذي مكنت انت الذي اعززت

انت الذي اعنت انت الذي عضدت انت الذي ايدت انت الذي

نصرت انت الذي شفيت انت الذي عافيت انت الذي اكرمت

تباركت وتعاليت فلك الحمد دائما ولك الشكر واصبا ثم انا يا

الهي المعترف بذنوبي فاغفرها لي انا الذي اساءت انا الذي اخطا

انا الذي اغفلت انا الذي جهلت انا الذي همت انا الذي سهوت

انا الذي اعتمدت انا الذي تعمدت انا الذي وعدت انا الذي

اخلفت انا الذي نكثت انا الذي افرطت يا الهي اعترف بنعمك

عندي وابوء بذنوبي فاغفرها لي يا من لا تضره ذنوب عباده وهو

الغني عن طاعتهم والموفق من عمل منهم صالحا بمعونته ورحمته

فلك الحمد الهي ما رزقتني فعصيتك وتهيأت لي فاستحبت

لاذا براءة فاعذرني ولا ذا قوة فانتصر فبك اتي استقيلك مولاي

اليمنى ام بصري ام لساني ام يدي ام من جملي النفس كلها نعلم

التتمة

وبكلها عصيتك يا مولاي فلك الحجة والتسبيل علي يا من سترني من
الاباء والامهات ان يزجروني ومن العشائر والاخوان ان يعيروني
ومن السلاطين ان يعاقبوني ولو اطلعوا يا مولاي على ما اطلعت
عليه مني اذا ما انظروني ولرفضوني وقطعوني فها انا ذا بين يديك
خاضعا ذليلا حقيرا لا ذو براءة فاعتذر ولا ذو قوة فانتصر و
لا حجة لي فاحتج بها ولا قائل لم اجترح ولم اعمل سوءا وما عسى المجهود
لو جهدت يا مولاي بقيتي فكيف وانى ذلك وجوارحي كلها شاهد
علي بما قد علمت وعلمت يقينا غير ذي شك انك سائلي فدعتني لم
وانك الحكم العدل الذي لا يجوز وعدلك مهلكي ومن كل
عدلك مهربي فان تعذبني فبذنوبي يا الهي بعد حجتك علي وان
تعف عني فبحلمك ووجودك وكرمك لا اله الا انت سبحانك اني
كنت من الظالمين لا اله الا انت سبحانك اني كنت من المستغفرين

باب تسبيحه
الجاري كل

لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الموحدين لا اله الا انت سبحانك
ان كنت من الخائفين لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الوجلين لا اله
الا انت سبحانك ان كنت من التائبين لا اله الا انت سبحانك اني كنت
من الراجين الراغبين لا اله الا انت سبحانك اني كنت من المهللين
المسبحين لا اله الا انت ربي ورب ابائي الاولين اللهم هذا ثنائي
عليك عمما واخلاصي لذكرك موحدا واقراري بالائك معددا وانا
كنت مقرا اني لا احصيها لكثرتها وسوغها ونظائرها ونقادها
الى حادث ما لم تزل تتعدني به قبلها مذ خلقتني وبرأتني من اول
العمر من الاغناء بعد الفقر وكشف الضر وتسبيب اليسر ودفع
العسر وتفريج الكرب والعافية في البدن والسلامة ولو وعددت
على قدر ذكر نعمك على جميع العالمين من الاولين والآخرين لما
قدرت ولا هم على ذلك تقدست وتعاليت من رب عظيم كريم جسيم

فيه بيان
ما يجب
ان يعلم

ولا تخفى الا وك ولا تبلغ شاوك ولا تكافى نعماوك صل على محمد والـ

محمد واتمم علينا نعمك واسعدنا بطاعتك سبحانك لا الـه الا انت

اللهم انك تجيب دعوة المضطر اذا دعاك وتكشف السوء وتغيث

المكروب وتشفي السقيم وتغني الفقير وتجبر الكسير وترحم الصغير

وتعين الكبير وليس دونك ظهير ولا فوقك قدير وانت العلي الكبير

يا مطلق المكبل الاسير يا رازق الطفل الصغير يا عصمة الخائف

المستجير يا من لا شريك له ولا وزير واعطني في هذه العشية افضل

ما اعطيت وانك احدا من عبادك من نعمة توليها والاء تجددها

وبلية تصرفها وكربة تكشفها ودعوة تسمعها وحسنة تتقبلها

وسيئة تغفرها انك لطيف خبير وهو على كل شيء قدير اللهم

انك اقرب من دعي واسرع من اجاب واكرم من عفى واوسع من اعطى

واسمع من سئل يا رحمن الدنيا والاخرة ورحيمهما ليس كمثلك مسؤول

ولا سواك مأمول دعوتك فاجبتني وسئلتك فاعطيتني

ورغبت اليك فرحمتني ووثقت بك فحميتني وفزعت اليك فهديتني

اللهم صل على محمد عبدك ورسولك ونبيك وعلى اله الطيبين

الطاهرين اجمعين وتمم لنا نعمائك وهنئنا عطائك واجعلنا

لك شاكرين ولآلائك ذاكرين امين امين يا رب العالمين اللهم

يا من ملك فقدر وقهر وعصي فستر واستغفر فغفر يا غاية

رغبة الراغبين ومنتهى امل الراجين يا من احاط بكل شيء علما و

وسع المستضعفين رأفة ورحمة وحلما اللهم انا نتوجه اليك في

هذه العشية التي شرفتها وعظمتها بمحمد نبيك وخيرتك من خلقك

وامينك على وحيك اللهم صل على محمد واله النبي البشير

المنير الذي انعمت به على المسلمين وجعلته رحمة للعالمين اللهم

فصل على محمد واله كما محمد اهل ذلك صل عليه واله محمد المنتجبين

صل على محمد واله

وسئلتك

الاعظم

اعني محمد

الطيبين الطاهرين اجمعين ونعدنا بعفوك عنا فانك عجب الاجر

بضنوف الكرام واجعلنا في هذه العشية نصيبا من كل خير تقسمه

ونور تهدي به ورحمة تنشرها وعافية تجللها وبركة تنزلها

بسطة يا ارحم الراحمين اللهم افبلنا في هذا الوقت بخير منقلبين

مبرورين غانمين ولا تجعلنا من القانطين ولا تجعلنا من رحمتك

ولا تحرمنا ما نؤمله من فضلك ولا ترددنا خائبين ولا من بابك

مطرودين ولا تجعلنا من رحمتك محرومين ولا لفضل ما نؤمله

من عطاياك قانطين يا اجود الاجودين ويا اكرم الاكرمين اليك

افبلنا مؤمنين ولبيتك الحرام آمين قاصدين فاغنا على منسكنا

واكمل لنا حجنا اللهم عنا وعافنا فقد مددنا اليك ايدينا وهي

بذلة الاعتراف موسومة اللهم فاعطنا في هذه العشية ما

سألناك واكفنا ما استكفيناك فانك لنا مولى ولا رب لنا

غيرك نافذ فينا حكمك محيط بنا علمك عدل فينا قضاؤك

الخير واجعلنا من اهل الخير اللهم واوجب لنا يجودك عظيم الاجر

وكبير الذخر ودوام اليسر واغفر لنا ذنوبنا اجمعين ولا تهلكنا

تهلكنا مع الهالكين ولا تصرف عنا برافتك يا ارحم الراحمين

اللهم اجعلنا في هذا الوقت ممن سألك فاعطيته وشكرك فزدته

وتاب اليك فقبلته وتنصل اليك من ذنوبه كلها فغفرتها له

يا ذا الجلال والاكرام اللهم وفضنا وسددنا واعصمنا واجبر

تضرعنا يا خير من سئل ويا ارحم من استرحم يا من لا يخفى عليه

اغماض الجفون ولا لحظ العيون ولا ما استقرت في المكنون ولا ما

طوت عليه مضمرات القلوب الا كل ذلك فد احصاه علمك و

وسعه حلمك سبحانك وتعاليت عما يقول الظالمون علوا كبيرا

تسبح لله السموات السبع والارض ومن فيهن وان من شيء الا يسبح

مرتبه الله اکبر و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه سبحان الله و صد مرتبه
لا اله الا الله و صد مرتبه قل هو الله احد و صد مرتبه سوره انا انزلنا
بخوان پس این لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم
دعا بخوان

سبحان الله رب السموات السبع و ما فیهن و ما بینهن و هو رب العرش
العظیم و الحمد لله رب العالمین اللهم انا نسئلک عزائم
اللهم انی اریدان اتقدم علیک و ما عسی ان ابلغ من مدحک مع قله
علمی و قصر رایی و انت الخالق و انا المخلوق و انا المالک و انا المملوک
و انت الرب و انا العبد و انت العزیز و انا الذلیل و انت القوی و انا
الضعیف و انت الغنی و انا الفقیر و انت المعطی و انا السائل و انت
الغفور و انا الخاطی و انت الحی الذی لا تموت و انا خلق اموات
اللهم انت الله لا اله الا انت رب العالمین و انت الله لا اله الا
انت العزیز الحکیم و انت الله لا اله الا انت العلی العظیم و انت الله
لا اله الا انت الغفور الرحیم و انت الله لا اله الا انت مالک یوم

و دعا للارضین السبع

فلک الحمد و المجد و علو الجد یا ذا الجلال و الاکرام و الفضل و الانعام
و الایادی الجسام و انت الجواد الکریم الرؤف الرحیم اللهم اوسع علی
من رزقک الحلال و عافنی فی بدنی و دینی و امن خوفی و اعنی فیما
من النار اللهم لا تمکر بی و لا تستدرجنی و لا تخدلنی و ادرأ عنی شر
فعلت بی ما انت اهله و لا تفعل بی ما انا اهله یا من اسمه دواء و ذکره
و طاعته شفاء ارحم من استرحمک و اغث من استغاثک و اجب من
یا اسمع السامعین و یا ابصر الناظرین و یا اسرع الحاسبین و یا ارحم
الراحمین صل علی محمد و آل محمد السادة المیامین و انت لهم
حاجتی الیک التی ان اعطیتنیها لم یضرنی ما منعتنی و ان منعتنیها
لم ینفعنی ما اعطیتنی اسالک فکاک رقبتی من النار لا اله الا انت
وحدک لا شریک لک لک الملک و لک الحمد و انت علی کل شئ قدیر
یا رب یا رب یا رب لبیک مکررا لبیک لبیک و صدا لبیک بکربه بلند شد و با
طاوس کلسند معتبر روایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق که
روز عرفه چون زوال میشود نماز ظهر و عصر را پس پس بروبحل و قوف و صد

الدين وأنت الله لا إله إلا أنت منك بدؤ الخلق وإليك يعود وأنت

الله لا إله إلا أنت لم تزل ولا تزال وأنت الله لا إله إلا أنت الخالق

الجنة والنار وأنت الله لا إله إلا أنت خالق الخير والشر وأنت الله

لا إله إلا أنت الواحد الأحد الفرد الصمد لم تلد ولم تولد ولم يكن

له كفوا أحد وأنت الله لا إله إلا أنت عالم الغيب والشهادة الرحمن

الرحيم وأنت الله لا إله إلا أنت الملك القدوس السلام المؤمن

المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون وأنت الله لا

إلا أنت الخالق البارئ المصور لك الأسماء الحسنى سبحان الله عما

يسبح له ما في السموات والأرض وأنت العزيز الحكيم وأنت الله لا إله

إلا أنت الكبير المتعال والكبرياء ردائك اللهم إنك سابغ النعماء

جزيل العطاء مفيض الفضل واسط اليدين بالرحمة

تفاع بالخيرات كاشف الكربات رفيع الدرجات منزل الآيات

من هول مطلع سبعة أهوال عظيم البركات مخرج من في الظلمات إلى النور

مبدل السيئات حسنات وجاعل الحسنات درجات اللهم إنك دنوت

في علوك وعلوت في دنوك فدنوت فليس دونك شيء وارتفعت فليس

فوقك شيء ترى ولا ترى وأنت بالمنظر الأعلى وبالأفق المبين

ما في السموات العلى ولك الكبرياء في الآخرة والأولى اللهم

إنك غافر الذنب شديد العقاب ذو الطول لا إله إلا أنت إليك

المصير وسعت رحمتك كل شيء وبلغت نجدتك ولا معقب لحكمك وأنت

لا تخيب سائليك أنت الذي لا يرفع لما وضعت ولا واضع لما رفعت

أنت الذي أثبت كل شيء بحكمتك ولا يفوتك شيء بحكمتك وأحصيت

كل شيء بعلمك وأبرمت كل شيء بحكمك ولا يفوتك شيء بعلمك ولا

يمتنع عنك شيء أنت الذي لا يعجزك هارب ولا يفوتك صريعك ولا

يحيى قتيلك أنت علوت فقهرت وملكت فقدرت وبطنت فخبرت

وعلى كل شيء ظهرت عليك خائنة الأعين وما تخفي الصدور ولا تعازم ما
تحمل كل انثى وما تضع او ما تغيض الارحام وما تزداد وكل شيء عندك بمقدار
انت الذي لا تنسى من ذكرك ولا تضيع من توكل عليك انت الذي
لا تشغلك ما في جوار ضيك عما في جوف ما نك ولا تشغلك ما في جوف ما نك
عما في جوار ضيك انت الذي تعرفت في ملكك ولم يشركك احد في
خبرونيك انت الذي على كل شيء ملكك وملك كل شيء امرك انت الله
ملك الملوك بعزتك واستعبدت الارباب بعزتك وانت الله
قهرت كل شيء بقوتك وعلوت كل شيء بفضلك انت الذي لا يطا
كنه وصفك ولا منتهى لما عندك انت الذي لا يخيف الواصفون
عظمتك ولا يستطيع الواصفون نعتك انت شفاء لما في الصدور
هدى ورحمة للمؤمنين انت الذي لا تحفيك سائل ولا تنقصك
نائل ولا مدحك مادح ولا قائل انت الكائن قبل كل شيء والمكون

لكل شيء والكائن بعد كل شيء انت الواحد الصمد الذي لم تلد ولم تو
ولم يكن لك كفوا احد ولا يتخذ صاحبة ولا ولدا لسموات ومن فيهن
لك والارضون ومن فيهن لك وما بينهن وما تحت الثرى احصيت
كل شيء واحطت به علما وانت تريد في الخلق ما شئت وانت لا تشغل
عما تفعل وهم يسئلون وانت تفعل ما تريد وانت الغريب وانت
البعيد وانت السميع وانت البصير وانت الماجد وانت الواحد وانت
العليم وانت الحكيم وانت الغني وانت الكريم وانت البار وانت الذي
وانت الفاذ وانت القاهر لك الاسماء الحسنى كلها وانت الجواد
الذي لا تحل وانت العزيز الذي لا تذل وانت الممنع لا ترام فسبح
لك ما في السموات والارض وانت بالخير اجود منك بالشر وانت الذي
ورب ابائي الاولين انت تجيب دعوة المضطر اذا دعاك انت تجيب
نوحا من الغرق وانت لداود تبت عليه وانت نفست عن ذي النون كربه

وانت كشفت عن ايوب ضره وانت رددت على موسى على امه وانت

صرفت قلوب التحف اليك حتى قالوا امنا برب العالمين وانت ولي

نعمة الصالحين لا يذكرك الا الحسن الجميل وما لا يذكر

اكثر لك الا الاء والنعم وانت المحسن المجمل الا تبلغ مدحتك و

ولا الثناء عليك انت كما اثنيت على نفسك سبحانك وبحمدك تباركت

اسماؤك وجل ثناؤك ما اعظم شانك واجل مكانك وما اقربك

من عبادك والطفك بخلقك وامنعك بقوتك انت اعز واجل و

اسمع وابصر واعلى واكبر واظهر واشكر واقدر واعلم واخبر

واكبر واعظم واقرب واملك واوسع وامنع واعطى واحكم واقضى

واحمد من ان يدرك العيان عظمتك او يصفها الواصفون صفتك

او يبلغوا غنيك اللهم انت الله الذي لا اله الا انت اجل من ذكر

واشكر من عبد وارؤف من ملك واجود من سئل واوسع من اعطى

تحلم بعد ما تعلم وتعفو وتغفر بعد ما تقدر ولم تطع قط الا بادنك

ولم تعص قط الا بعلمك وتغفر بقدرتك نطاع ربنا فنشكرك وتعصى ربنا فتغفر اللهم

انت اقرب حفيظ وادنى شهيد حلت بين القلوب واحدت بالنواصي

واحصيت الاعمال وعلمت الاخبار وبيدك المقادير والقلوب

اليك مقصده والسر عندك علانيته والمهتدي من هديت و

الحلال ما احللت والحرام ما حرمت والدين ما شرعت والامر ما

تقضي ولا تقضى عليك اللهم انت الاول فليس قبلك شيء وانت

الآخر فليس بعدك شيء وانت الاخر الظاهر فليس فوقك شيء وانت

الباطن فليس دونك شيء وانت العزيز الحكيم اللهم بيدك مقادير

الليل والنهار وبيدك مقادير الشمس والقمر وبيدك مقادير النصر

والخذلان وبيدك مقادير الدنيا والاخرة وبيدك مقادير الموت

والحيوة وبيدك مقادير الحجر والشر صل على محمد وال محمد واغفر لي

كل ذنب اذنبته في ظلم الليل وضوء النهار عمدا او خطاء سرا او علانية
انك على كل شيء قدير وهو عليك سهل يسير ولا حول ولا قوة الا
بالله العلي العظيم اللهم اني اثني عليك باحسن ما اقدر عليه واشكرك
بما منحت به علي وعلمتني من شكرك اللهم لك الحمد نحامدك كلها
على نعمائك كلها وعلى جميع خلقك حتى ينتهي الحمد لك الى ما تحب ويرضى
اللهم لك الحمد عدد ما خلقت وعدد ما اردت وعدد ما ذرأت
ولك الحمد عدد ما برأت ولك الحمد عدد ما احصيت ولك الحمد عدد
ما في السموات والارضين ولك الحمد ملء الدنيا والاخرة
لا اله الا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت
وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير استغفر الله الذي
لا اله الا هو الحي القيوم واتوب اليه ثلث يا الله يا الله يا الله
وده من تبه يا رحمن يا رحيم وده تبه يا رحيم يا رحيم وده يا بديع السموات

والارض وده من تبه يا ذا الجلال والاكرام وده من تبه يا حنان يا منان وده من تبه
يا حي يا قيوم وده بسم الله الرحمن الرحيم وده اللهم صل على محمد وآل محمد
وده من تبه اللهم لك الحمد ولك الحمد ومنتهى الحمد وفي العهد عزيز الجند
فلله الحمد لله الذي كان عرشه على الماء لا يشمس يضحى ولا قمر يسرى
ولا بحر يغشاه ولا رياح تذرى ولا سماء مبنية ولا ارض مدحية
ولا ليل مجن ولا نهار يكن ولا عين تدمع ولا صوت يسمع ولا
خيل مرسلة ولا سحاب منشأة ولا انس مبرؤ ولا جن مذرؤ ولا
ملك كريم ولا شيطان رجيم ولا ظل ممدود ولا شيء معدود والحمد
لله الذي استحمد الى من استحمده من اهل محامده ليحمده على ما ابلاه
من نوافله الذي فاق مدح المادحين ما تر محامده وعدا وصف
الواصفين هيبته جلالا له هو اهل لكل حمد ومنتهى كل رغبة و
فاضي كل حاجة الواحد الذي لا بدء له الملك الذي لا زوال له

الله الرفيع الذى ليس فوقه ناظر ذو المغفرة والرحمة المحمود لديه
توالى المعبود لهيبة جلاله المذكور بحسن الائه المثنى بسعة فواضله
المرغوب اليه فى تمام المواهب من خزائنه العظيم الشان الكريم
فى سلطانه العلى فى مكانه المحسن فى امتنانه الجواد فى فواضله الحمد
لله بارئ خلق المخلوقين بعلمه ومصور اجناس العباد بقدرته وناشئ
صور من خلق من خلقه وناسخ الارواح فى خلقه بعلمه ومعلم من عباده
اسمه ومدبر خلق السموات والارض بعظمته الذى وسع كل شئ
خلوقه كرسيه وعلا بعظمته فوق الاعلين وقهر الملوك بجبروته
الجبار الاعلى المعبود فى سلطانه المتسلط بقوته المتعالى فى ذاته
المتدانى من كل شئ فى ارتفاعه الذى لا تحد بصره فى خلقه وحارت
الابصار بشعاع نوره الحمد لله الحليم الرشيد القوى الشديد المبدئ
المعيد الفعال لما يريد الحمد لله الذى ملئ الاناء وكاشف

من خلقه

الكرباء

الكرباء وملئ السنوات الحمد لله فى كل مكان وفى كل زمان وفى
كل اوان الحمد لله الذى لا ينثنى من ذكره ولا يخيب من دعاه ولا
يبدل من والاه الذى بالاحسان احسانا وبالصنيع نجاة الحمد لله الذى
له ما فى السموات وما فى الارض جاعل الملائكة رسلا اولى اجنحة
مثنى وثلاث ورباع يزيد فى الخلق ما يشاء ان الله على كل شئ قدير
سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر ولا حول ولا قوة
الا بالله العلى العظيم وسبحان الله حين تمسون وحين تصبحون وله
الحمد فى السموات والارض وعشيا وحين تظهرون وسبحان الله انا
الليل واطراف النهار وسبحان الله بالغدو والاصال وسبحان
ربك رب العزة عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب
العالمين والحمد لله كما يحب ربنا وكما يرضى حمدا كثيرا طيبا وسبحان
الله كلما سبح الله شئ وكما يحب الله ان يسبح والحمد لله كلما حمد الله

تم بحمده

بنبی وکما یحب الله ان یحمد ولا الٰه الا الله کلما هلل الله بنبی وکما

یحب الله ان یهلل والله اکبر کلما کبر الله بنبی وکما یحب الله ان یکبر

ولا حول ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم یصلی علی محمد وآل محمد

دعا بما بعث اللهم انی اسئلک باسمائک الکبیرة الکبیر بانیه

یا الله یا رحمن یا رحیم بأسمائک الرضیة المرضیة المکنونة یا الله اللهم

انی اسالک باسمائک الکبیرة الکبیر بانیه اللهم انی اسالک

باسمائک العزیز المنیعة واسالک باسمائک التامة الکاملة

المشهورة یا الله واسئلک باسمائک التی هی رضا لک یا الله واسالک

باسمائک التی لا یردها دونک احد یا الله واسالک من مسائلک

بما غاهدت او فی العهد یا الله ان تجیب مسائلی یا الله واسئلک

بکل مسائلک التی لا یبقی تحجبها بنبی غیرک یا الله هفت موشه

واسئلک بکل اسم اوجبته وکل اسم هو لک وکل مسئلة حجبتها

الی اسمائک الاعظم الاعظم الاعظم الاکبر الاکبر العلی الاعلی

الذی استویت به علی عرشک واستفللت به علی کرسیک وهو

اسمک الفاضل الکامل الذی فضلته علی جمیع اسمائک یا رحمن

هفت موشه واسئلک بما لا اعلمه ما لو علمته لسئلتک به یا الله

وبکل اسم اشار ثریه فی علم الغیب عندک یا رحمن یا رحیم ان تصلی

علی محمد عبدک ورسولک ونبیک وامینک وحبیبک وصفوتک

من خلقک وخاصتک من بریتک ونجیبک وحبیبک وخلیلک

وعلی اهل بیت محمد وترحم علی محمد واهل بیت محمد کما صلیت

وبارکت وترحمت علی ابراهیم وآل ابراهیم انک حمید مجید

وازکی واطهر واعظم واکثر واتم ما صلیت علی احد من انبیائک

ورسلک یا ذا الجلال والاکرام اللهم صل علی محمد وآل محمد

فی الاولین اللهم صل علی محمد وآل محمد فی الاخرین اللهم صل

علی محمد وآل محمد فی الملاء الاعلی اللهم صل علی محمد وآل محمد

في النبيين والمرسلين اللهم اعط محمدا صلواتك عليه وآله ولو
والفضيلة والشرف والدرجة الرفيعة اللهم اكرم مقامه
بنيانه وعظم نوره وبرهانه وثبت وجهه واعل كعبه واقبل حجته و
اظهر عذره وقد عونه وتقبل شفاعته كما بلغ رسالاتك وتلا وحيك
وامر بطاعتك وانتهى عن معصيتك وانتهك عنها في سترة
وجاهد حق الجهاد فيك وعبدك مخلصا حتى اتاه اليقين صلوات
عليه وعلى اهله اللهم انعشه مقاما محمودا يغبطه عليه الاولون
والآخرون من النبيين والمرسلين اللهم اسعدنا بنبيه ونوفنا
على ملته وانعشنا في شيعته واحشرنا في زمرته واجعلنا ممن يتبعه و
لا تحجبنا ان نرد عليه ولا تحرمنا موافقته حتى تسكننا غرفه وتخلدنا في
جواره ربنا ان اجتنبه فاجتبنا لذلك ولا تصرف بيننا وبينه طرفة
عين في الدنيا والآخرة اللهم صل على محمد وآل محمد الذين اذهبت

عنهم الرجس وطهرهم تطهيرا اللهم افتح لهم فتحا يسيرا وانصرهم
نصرا عزيزا واجعل لهم من لدنك سلطانا نصيرا اللهم مكن لهم
في الارض واجعلهم الوارثين اللهم اريهم في عدوهم
عافيته اللهم عجل الروح والفرج لآل محمد اللهم اجمع على الهدى
امرهم واجعل قلوبهم على قلوب اخيارهم واصلح ذات بينهم انك
محمد اللهم اني اسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تغفر
ولوالدي وما ولدا واغفرهما من النار وارحمهما وارضهما عني
واغفر لكل والد دخل في الاسلام ولاهلي وولدي وجميع
فرائضك انك على كل شئ قدير اللهم اجعلني وجميع ورثة ابي و
اخواني فيك من اهل ولايتك ومحبتك فانه لا يقدر على ذلك
غيرك يا رحمن اللهم اوزعني ان اشكرك واشكر نعمتك التي انعمت
علي وعلى والدي وان اعمل صالحا ترضيه واصلح لي في ذريتي

وجعلهم ائمة

إني تبت إليك وإني من المسلمين وابغ والدي حيث ما وجب والد
عن ولديه واجعل ثوابهما عني جنات النعيم واغفر لنا ولإخواننا
الذين سبقونا بالإيمان ولا تجعل في قلوبنا غلا للذين آمنوا ربنا
إنك رؤوف رحيم واغفر لنا وللمؤمنين والمؤمنات الأحياء منهم و
الأموات اللهم أصلح ذات بينهم واجمع على الهدى أمرهم و
اجعلني وإياهم ممن أطاعك ومحبتك اللهم والم شعثهم واحقن
دماءهم وول أمرهم خيارهم أهل الرأفة والرحمة والمعدلة
عليهم إنك على كل شيء قدير يا رب يا رب يا رب اللهم بديع السموات
والأرض عالم الغيب والشهادة ذا الجلال والإكرام والجبروت
والسلطان والجبروت والملكوت والكبرياء والعظمة والقدرة
والمدحة والرهبة والرغبة والجود والعلو والحجة والهدى
والطاعة والعبادة والأمر والخلق وكل شيء لك يا رب العالمين

يا رب يا رب يا رب أسئلك يا رب بسؤال الضارعين المتضرعين
المساكين المستكينين الراغبين الراهبين الذين يحذرون سوءك
يا من يجيب المضطر ويكشف الضر ويجيب الداعي ويعطي السائل
أسئلك يا رب سؤال من لم يجد لضعفه مقويا ولا لذنبه غافرا
ولا لفقره سدادا غيرك أسئلك سؤال من قد استكانت نفسه و
ضعفت قوته وكثرت ذنوبه يا ذا الجلال والإكرام يا رب يا رب يا رب
أسألك يا رب مسئلة كل سائل ورغبة كل راغب تبدل أدنى
لجب ونجى السائلين عليك ونجى صفوتك من عبادك ومنهى الرغبة
من عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك أن لا تسدد رهني بخطيئتي ولا
تجعل مصيبتي في ديني واذكرني برضاك ولا تنسني حين نسيت ذكرك
وأقبل علي بوجهك الكريم وامنن علي بكرامتك يا كريم العفو و
واستجب دعائي وارحم تضرعي فإني يا إلهي فقير خائف مستجير

مِن عَذابِكَ لا أَثِقُ بِعَمَلي وَلٰكِنّي أَثِقُ بِرَحمَتِكَ يا رَبِّ يا رَبِّ اللّٰهُمَّ

كُن لي جَنّاً وَلا تَجعَلني بِيَدِ غَيرِكَ رَبِّ شَفيّاً وَامنُن عَلَيَّ بِما أَسأَلُكَ

وَاعتِق رَقَبَتي مِنَ النّارِ وَقِني لا أَستَغيثُ بِغَيرِكَ وَأَستَجيرُكَ فَأَجِرني

مِن كُلِّ هَولٍ وَمَشقَّةٍ وَخَوفٍ وَأَمِن خَوفي وَتَجِّ جَنبي وَهُوَ ضَعيفٌ

وَسَدِّد قافِيَتي وَأَصلِح لي جَميعَ أُمورِي يا رَبِّ أَعوذُ بِكَ مِن هَولِ المَطلَعِ

وَمِن شِدَّةِ المَوقِفِ يَومَ الدّينِ فَإِنَّكَ بِحُرٍّ وَلا بِحارٍ عَلَيكَ يا رَبِّ يا رَبِّ

يا رَبِّ اللّٰهُمَّ لا تُعرِضَ عَنّي حينَ أَدعُوكَ وَلا تَصرِفَ عَنّي وَجهَكَ

حينَ أَسأَلُكَ فَلا رَبَّ لي سِواكَ وَأَعطِني مَسأَلَتي وَأَمِن خَوفي يَومَ

أَلفافَكَ اللّٰهُمَّ إِنّي أَعوذُ بِكَ فَأَعِذني فَإِنّي ضَعيفٌ خائِفٌ مُستَجيرٌ بِكَ

فَقيرٌ يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ اللّٰهُمَّ أَكشِف ضُرّي أَستَعيذُكَ مِنهُ وَ

أَبغِني رَحمَتَكَ وَجَلِّلني عافِيَتَكَ وَأَمِنّي بِرَحمَتِكَ فَإِنَّكَ بِحُرٍّ وَلا بِحارٍ

عَلَيكَ اللّٰهُمَّ إِنّي أَعوذُ بِكَ مِن وَحشَةِ القَبرِ وَمِن خُلودِهِ وَمِن

ظُلمَتِهِ وَضيقِهِ وَعَذابِهِ وَمِن هَولِ ما أَخافُ بَعدَهُ يا رَبَّ العالَمينَ

يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ اللّٰهُمَّ إِنّي أَسأَلُكَ أَن تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَهلِ

بَيتِهِ صُعودَكَ وَخَيرَ ما مِن خَلقِكَ وَأَن تَستَجيبَ لي دُعائي وَتُعطِيَني

وَأَكفِيَني أَمرَ آخِرَتي وَدُنياي وَارحَم قافِيَتي وَاغفِر ذُنوبي ما تَقَدَّمَ مِنها

وَما تَأَخَّرَ وَآتِني في الدُّنيا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِني بِرَحمَتِكَ

عَذابَ النّارِ اللّٰهُمَّ أَزلِفني صُلَةَ قَرابَتي وَنَجاً مَقبولاً وَعَمَلاً صالِحاً

مَبرُوراً تَرضاهُ مِمَّن عَمِلَ بِهِ وَأَصلِح لي في أَهلي وَوُلدي وَأَسأَلُكَ أَن

تُحَوِّلَ لي عَفواً صالِحاً لِحَسَنِيٍّ مِن دُعائِهِم رِضواناً وَمَغفِرَةً وَزِيادَةً في

كَرامَتِكَ إِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ وَأَنتَ أَرحَمُ الرّاحِمينَ يا رَبِّ يا رَبِّ

اللّٰهُمَّ وَكُلَّما كانَ في قَلبي مِن شَكٍّ أَو رَيبٍ أَو جُحودٍ أَو فُتورٍ أَو فَرَحٍ

أَو مَرَحٍ أَو بَطَرٍ أَو فَخرٍ أَو خُيَلاءَ أَو جُبنٍ أَو خَشيَةٍ أَو رِياءٍ أَو سُمعَةٍ

أَو شِقاقٍ أَو نِفاقٍ أَو كُفرٍ أَو فُسوقٍ أَو عِصيانٍ أَو غَطرَسَةٍ أَو شَيءٍ مِمّا

لا تحب عليه اولياءك فاسألك بحق محمد وآل محمد ان تحوا ذلك
من قلبي وان تبدلني مكانه ايمانا وعدلا ورضا بقضائك ووفاء
بعهدك ووجلا منك وزهدا في الدنيا ورغبة فيما عندك
وثقة بك وطمانينة اليك وتوبة اليك نصوحا يا رب يا رب يا رب
اللهم لك الحمد كما خلقتني ولم اك شيئا مذكورا فاعني على اهوال
الدنيا وبوائق الدهر ونكبات الزمان وكرباب الاخرة ومصيبات
الليالي والايام واكفني شر ما يعمل الظالمون في الارض اللهم
يا رب لي في قدرك ورضني بقضائك اللهم افتح مسامع قلبي لذكرك
وارزقني شكرك وتوفيقا وعبادة وخشية يا رب العالمين يا رب
يا رب يا رب اللهم اطلع على اليوم اطلاعة تدخلني بها الجنة اللهم
استجب دعائي واقبله مني واجعلني دعاءا جامعا بوافق بعضه بعضا
فان كل شيء عندك بمقدار اللهم واجعله من شانك فانك كل يوم

في شان اللهم واكتبه لي في عليين في كتاب لا يمحى ولا يبدل بان
تقول قد غفرت لعبدي ما تقدم من ذنبه وما تاخر واستجبت له
دعوته ووفقته واصطفيته لنبي وكرمته وفضلته وعصمته
وهديته وزكيته واستخلصته وغفرت له وعفوت عنه
يا رب العالمين يا رب يا رب يا رب اللهم اني اتوجه اليك بنبيك نبي
الرحمة ومحمد في خلاصي ونجاتي والذبي وما ولدا واهلي وولدي
وجميع ذرياتهم واخواني في دينك وجميع المؤمنين والمؤمنات وكل والد ولد
في الاسلام من اهوال يوم القيامة ومن شر عذاب القبر ومن
هموم الدنيا والاخرة واهوالها واسئلك ان ترزقني عزها وتصرف
عني شرها وتثبتني بالقول الثابت في الحيوة الدنيا وفي الاخرة وانك
رؤوف رحيم وصلى الله على محمد واله وسلم تسليما كثيرا وحسبنا
ونعم الوكيل يا رب يا رب يا رب اللهم اني اسئلك ان تصرف عني

شر كل جبار عنيد وشيطان مريد وشر كل ضعيف من خلقك وشديد

ومن شر الشامة والهامة والامة والحاصة والعامة ومن شر كل

دابة صغيرة وكبيرة بالليل والنهار ومن شر فسقة العرب والعجم

ومن شر فسقة الجن والانس انك على كل شئ قدير ولا حول ولا قوة

الا بالله العلي العظيم وصلى الله على محمد وآله خير مخلوق دعا

خير معبود اللهم ربنا واتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة

وقنا برحمتك عذاب النار يا رب يا رب يا رب اللهم وما كان من

خير او عمل صالح واكون به في رضوانك وعافيتك وما صلح من ذلك

من البر فامنن علي به اني اليك راغب وبك مستجير اللهم ما

استعفيتك منه وما لم استعفك منه وتوجب علي به النار و

سخطك فعافني منه كما نجيتني من الخازي يوم القيامة وسوء المطلع

الى ما في القبور فاعذني منه اللهم وما اندم عليه من فعلي

له واجازني عليه يوم المعاد او وزاني في الدنيا على الحال التي اوردت

سخطك فاسئلك بوجهك الكريم ان تعظم عافيتي من جميع ذلك

يا ولي العافية يا رب يا رب يا رب مع ذلك العافية من جهد البلاء

وسوء القضاء وشماتة الاعداء وان تحملني بما لا طاقة لي به وا

تسلط علي ظالما او تبتليني بما لا طاقة لي وتنافشني الحساب يوم

الحساب منافشة يمساوي خرج ما اكون الى عفوك وتجاوزك

اسئلك بوجهك الكريم ان تعظم عافيتي في جميع ذلك يا ولي

العافية اي من عفى عن السيئات ولم يجازيها ارحم عبدك

يا رب يا رب يا رب يا الله يا الله يا الله نفسي ارحم عبدك يا

سيدا عبدك بين يديك يا رباه يا رباه يا رباه يا منتهى رغبتاه يا

مجري الدم في عروقي عبدك عبدك يا سيداه يا مالك عبده

يا سيداه يا مالكاه يا هو يا رباه لا حيلة لي ولا عفو عن نفسي

واسئلك يا رب

ولا استطيع لها ضرا ولا نفعا ولا رجاء لي ولا احد احدا الصامد
تقطعت اسباب الخدايع عني واضمحل عني كل باطل فرد لي الدهر الذي
فصلت هذا المقام الذي بعلمك فكيف انت صانع ولبث شعري ولا
اشعر كيف تقول لدعائي اتقول نعم او تقول لا ان قلت لا فانا وليتا
يا ويلتاه يا ويلتاه يا عولتاه يا عولتاه يا شقوتا يا شقوتاه يا
باذو اللاه باذو اللاه باذو اللاه الى من وال عبده من او كيف وعما
ذا اوالي ارجي ومن ارجو ومن يعود علي ان رفضتني يا واسع المغفرة
وان قلت نعم كما الظن بك فطوبى لي انا العبد فطوبى لي انا المرحوم
اي مترحم اي متعطف اي منعطف يا محيي يا مميت يا منسلط لا عمل لي
ارجو به نجاح حاجتي ولا احد انفع لي منك يا من عرفني نفسه يا من
امر بي بطاعته يا مدعو يا مسئول يا مطلوب اليه رفضت و
ضيعتك التي اوصيتني ولو اطعتك لكفيتني ما قمت اليك فيه
من قبل ان اقوم وانا مع معصيتي لك راج فلا تحل بيني وبيني يا رجوة
واردد يدي ملأ من خيرك يحفك يا سيدي يا ولي انا قد عرضت
شر عبد وانت خير رب يا محسني الا تنقام يا رب يا رب يا ربنا يا الله
يا الله يا الله يا محيط بملكوت السموات والارض اصلحني لدنياي
واصلحني لاخرتي واصلحني لاهلي واصلحني لوالدي ومن
خولتني يا الهي واصلحني من حظايا يا حنان يا منان تفضل علي
برحمتك وامنن علي باجابتك وصل اللهم صل على محمد النبي
واهله وسلم وحل بيني وبين ما حلت بينه وبين اهل بيت محمد
الباطل واسناني الدنيا حسنة وفي الاخرة حسنة يا ارحم الراحمين
بسم الله الرحمن الرحيم والهكم اله واحد لا اله الا هو الرحمن
الرحيم الله لا اله الا هو الحي القيوم لا تاخذه سنة ولا نوم له ما في
السموات وما في الارض من ذا الذي يشفع عنده الا باذنه يعلم ما

أيديهم وما خلفهم ولا يحيطون بشيء من علمه إلا بما شاء وسع كرسيه
السموات والأرض ولا يئوده حفظهما وهو العلي العظيم الم الله
لا إله إلا هو الحي القيوم هو الذي يصوركم في الأرحام كيف
يشاء لا إله إلا هو العزيز الحكيم الذين يقولون ربنا إننا آمنا
فاغفر لنا ذنوبنا وقنا عذاب النار الصابرين والصادقين والمنفقين
والمستغفرين بالأسحار شهد الله أنه لا إله إلا هو والملئكة وأولوا
العلم لا إله إلا هو العزيز الحكيم إن الدين عند الله الإسلام الله
لا إله إلا هو ليجمعنكم إلى يوم القيامة لا ريب فيه ومن أصدق
من الله حديثا ذلكم الله ربكم لا إله إلا هو خالق كل شيء فاعبدوه
وهو على كل شيء وكيل اتبع ما أوحي إليك من ربك لا إله إلا هو وأعرض
عن المشركين قل يا أيها الناس إني رسول الله إليكم جميعا
الذي له ملك السموات والأرض لا إله إلا هو يحيي ويميت فآمنوا

فاغفر لنا ذنوبنا وقنا عذاب النار الصابرين والصادقين والمنفقين والمستغفرين بالأسحار

فاعلم أنه لا إله إلا الله

بالله ورسوله النبي الأمي الذي يؤمن بالله وكلماته فاتبعوه لعلكم
تهتدون وما أمروا إلا ليعبدوا إلها واحدا لا إله إلا هو سبحانه
عما يشركون لقد جاءكم رسول من أنفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص
عليكم بالمؤمنين رؤوف رحيم فإن تولوا فقل حسبي الله لا إله إلا هو
عليه توكلت وهو رب العرش العظيم حتى إذا أدركه الغرق قال آ
آمنت أنه لا إله إلا الذي آمنت به بنو إسرائيل وأنا من المسلمين
فإن لم يستجيبوا لكم فاعلموا أنما أنزل بعلم الله وأن لا إله إلا هو
فهل أنتم مسلمون فقل هو ربي لا إله إلا هو عليه توكلت وإليه متاب
أن أنذروا أنه لا إله إلا أنا فاتقون الله لا إله إلا هو له الأسماء
الحسنى فاستمع لما يوحى إنني أنا الله لا إله إلا أنا فاعبدني وأقم
الصلوة لذكري إنما إلهكم الله الذي لا إله إلا هو أنا فاعبدوه
وذا النون إذ ذهب مغاضبا فظن أن لن نقدر عليه فنادى في

بالله
بحذا

فاعلم أنه لا إله إلا الله

فى الظلمات ان لا اله الا انت سبحانك انى كنت من الظالمين فا
سبحنا له ونجيناه من الغم وكذلك ننجى المؤمنين فتعالى
الله الملك الحق لا اله الا هو رب العرش الكريم الله لا اله الا
هو رب العرش العظيم وهو الله لا اله الا هو له الحمد فى الاولى
والاخرة وله الحكم واليه ترجعون يا ايها الناس اذكروا نعمة
الله عليكم هل من خالق غير الله يرزقكم من السماء والارض لا اله
الا هو فانى تؤفكون انهم كانوا اذا قيل لهم لا اله الا الله يستكبرون
ويقولون ائنا لتاركوا الهتنا لشاعر مجنون بل جاء بالحق وصدق
المرسلين ذلكم الله ربكم له الملك لا اله الا هو فانى تصرفون غافر الذنب
وقابل التوب شديد العقاب ذى الطول لا اله الا هو اليه المصير
ذلكم الله ربكم خالق كل شىء لا اله الا هو فانى تؤفكون تبارك الله
رب العالمين لا اله الا هو يحى ويميت ربكم ورب اٰبائكم الاولين
فاعلم انه لا اله الا الله واستغفر لذنبك وللمؤمنين والمؤمنات

والله يعلم منقلبكم ومثويكم لو انزلنا هذا القران على جبل لرايته
خاشعا متصدعا من خشية الله وتلك الامثال نضربها للناس لعلهم
يتفكرون هو الله الذى لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة هو
الرحمن الرحيم هو الله الذى لا اله الا هو الملك القدوس السلام
المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون هو الله
الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنى يسبح له ما فى السموات و
الارض وهو العزيز الحكيم الله لا اله الا هو وعلى الله فليتوكل المؤمنون
رب المشرق والمغرب لا اله الا هو فاتخذه وكيلا واصبر على ما يقولون
لكتاب عزيز لا ياتيه الباطل من بين يديه ولا من خلفه تنزيل من حكيم
حميد قولوا امنا بالله وما انزل الينا وما انزل الى ابراهيم واسمعيل واسحق ويعقوب
والاسباط وما اوتى موسى وعيسى وما اوتى النبيون من ربهم لا
نفرق بين احد منهم ونحن له مسلمون وتبارك السموات والارض

لن ندعو من دونه الها لقد قلنا اذا شططا الحمد لله الذي هدانا لهذا
وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله لقد جاءت رسل ربنا بالحق
صلى الله عليهم اجمعين بن بلو السلام عليك يا رسول الله السلام
عليك يا نبي الله السلام عليك يا خيرة الله من خلقه وامينه على وحيه
السلام عليك يا مولاي يا امير المؤمنين انت حجة الله على خلقه وامينه
على وحيه وباب علمه ووصي نبيه والخليفة من بعده في امته لعن الله
امة غصبت حقك وقعدت مقعدك انا برئ منهم ومن شيعتهم انا لك
السلام عليك يا فاطمة البتول السلام عليك يا زين نساء العالمين
السلام عليك يا بنت رسول الله رب العالمين صلى الله عليك وعليه
السلام عليك يا ام السبطين الحسن والحسين لعن الله غصبتك
حقك ومنعتك ما جعله الله لك حلالا انا برئ اليك منهم ومن
شيعتهم السلام عليك يا مولاي يا ابا محمد الحسن الزكي لعن الله

امة قتلتك وبايعت في امرك وشايعت انا برئ اليك منهم ومن
شيعتهم السلام عليك يا مولاي يا ابا عبد الله الحسين ابن علي
صلوات الله عليك وعلى ابيك وجدك محمد المصطفى لعن الله امة
استحلت دمك ولعن الله امة قتلتك وانسبا حشر بمك ولعن الله
انسابهم وابائهم ولعن الله الممهدين لهم بالتمكين من قيامكم انا
برئ الى الله والبك منهم السلام عليك يا مولاي يا ابا محمد علي بن
الحسين السلام عليك يا مولاي يا ابا جعفر يا محمد بن علي السلام
عليك يا مولاي يا ابا عبد الله جعفر بن محمد السلام عليك يا مولاي
يا ابا الحسن موسى بن جعفر السلام عليك يا مولاي يا ابا الحسن
علي بن موسى الرضا السلام عليك يا مولاي يا ابا جعفر محمد بن علي
السلام عليك يا مولاي يا ابا الحسن علي بن محمد السلام عليك
يا مولاي يا ابا القاسم الحجة بن الحسن صاحب الزمان صلى الله عليك

يا ابا محمد الحسن بن علي
السلام عليك يا مولاي

وعلى غيرك الظاهرة الطيبة يا موالي كونوا شفعاء لي عند الله في
حط وزري وخطاياي امنت بالله وحده وبما انزل اليكم وانوالي
اخركم بما انوالي به اوليكم وبرات من الجبت والطاغوت واللات
والعزى يا موالي انا سلم لمن سالمكم وحرب لمن حاربكم وعدو
لمن عاداكم وولي لمن والاكم الى يوم القيامة ولعن الله ظالميكم و
غاصبيكم ولعن الله اشياعهم واتباعهم واهل مذهبهم وابرء
الى الله والبكم منهم اللهم اني اشهدك وكفى بالله شهيدا وانهد
محمدا صلى الله عليه وآله وعليا والائمة من ذريتهما والثمانية
حملة عرشك والاربعة الاملاك الذين هم على ارضك اني بريء من اعدائهم
فعلى محمد وعلى اهل بيته الطيبين الطاهرين الصلوة والسلام
اللهم اقرن عني بصلوته وصلوة اهل بيته واجعل ما هديتني
اليه من الحق والمعرفة بهم مستقرا لا مستودعا يا ارحم الراحمين

اللهم وعرفني نفسك وعرفني رسلك وعرفني
ولاة امرك اللهم لا اخذ الا ما اعطيت ولا اوقي الا ما وقيت
اللهم لا تحرمني منازل اوليائك ولا تزغ قلبي بعد اذ هديتني
وهب لي من لدنك رحمة انك انت الوهاب وفهمني لما من امري رشدا
اللهم وعلمني ناطوق التنزيل وخلصني من المهالك اللهم وخلصني
من الشيطان وحزبه ومن السلطان وجنده ومن الجبت وانصاره يحق
محمد المحمود وعلي المقصود ويحق شبر وشبير ويحق ايماءك الحسنى
صل على محمد افضل الصفوة انك على كل شيء قدير وانت بكل شيء
محيط يا رب يا رب يا رب يا الله يا الله يا الله يا رباه يا رباه يا ربنا يا سيدا
يا سيداه يا سيداه يا مولاه يا مولاه يا مولاه يا عماد من لا عماد له
يا سند من لا سند له يا ذخر من لا ذخر له انت ربي وانا عبدك
على عهدك ووعدك اللهم اجعله موفيا محمودا ولا تجعله

امر العهد منا واشركنا في صالح دعاء من دعا لك من عبادك ممن
مفرد لفظه وعند قبر نبيك عليه وآله السلام وعند زمزم و
المقام اللهم لك الحمد حيث رفعت اقدارنا عن تشد الزنابير والاوساط
والحوايم في الاعناق ولك الحمد حيث لم تجعلنا زنادقة مضلين
ولا مدعية شاكين مرتابين ولا معارضين ولا عن اهل بيت
نبيك صلى الله عليه وآله منحرفين اللهم كما بلغتنا هذا اليوم المبارك
من شهرنا وسنتنا هذه المباركة فبلغنا ادركها في عافية وبلغنا
اعواما كثيرة برحمتك يا ارحم الراحمين يا رب يا رب يا رب يا الله يا الله
يا الله يا رباه يا رباه يا سيداه يا سيداه يا مولاه يا مولاه
يا مولاه اللهم وما قسمت لي في هذه الساعة وفي هذا اليوم وفي
هذا الشهر وفي هذه السنة من خير او بركة او عافية او مغفرة
او رافة او رحمة او عوفى من النار او رزق واسع حلال طيب او توبة

نضوج فاجعل لنا في ذلك اوفر النصيب وانزل الحظ اللهم وما
انزلت في هذه الساعة وفي هذا اليوم وفي هذا الشهر وفي هذه
السنة من حرف او شرق او غرق او هدم او رزم او خسف او قلة
او رجف او مسخ او جحة او زلزلة او فتنة او صاعقة او برد
او جنون او جذام او برص او اكل سبع او منية سوء وجميع انواع
البلاء في الدنيا والاخرة فاصرفه عنا كيف شئت وانى شئت و
عن جميع المؤمنين في كل دار ومنزل في شرق الارض وفي غربها
عز جارك وجل ثناؤك ولا اله غيرك وحدك لا شريك لك فاطر
السموات والارض عالم الغيب والشهادة رب كل شيء ومليكه
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد ان محمدا عبده
ورسوله واشهد ان الجنة حق والنار حق وان الساعة اتية لا ريب
فيها وان الله يبعث من في القبور اشهد ان لا اله الا الله وحده

لا شريك له عليها احيا وعليها اموت وعليها ابعث حيا ان شاء الله

رضيت بالله ربا وبالاسلام دينا وبمحمد صلى الله عليه وآله نبيا و

بعلي وليا وبالقرآن كتابا وبالكعبة قبلة وبابراهيم لبينا اباو بمحمد المختار

موضحا وللجنة والنار ميقاتا وبالمؤمنين من بعيد اخوانا لا اشرك بالله

شيئا ولا اتخذ من دونه وليا ولا ادعو معه الها لا اله الا الله وحده

لا شريك له الها واحدا احدا فردا صمدا لم يتخذ صاحبة ولا ولدا

اللهم اني اسئلك بالعظيم من الاسماء وبالقديم من نعمائك والمخزون

من اسمائك وما واريت الحجب من بهائك ومعاقد العز من عرشك وتسمية

الرحمة من كتابك وبك وحدك لا شريك لك ان تصلي على محمد وآل محمد

وان ترحم هذا النفس الجزوعة وهذا البدن الهلوع الذي لا يطيق

فكيف حر نارك ان تعافيني لا يزيد في ملكك شيئا وان تعف عني لا

تنقص من ملكك شيئا انت يا رب بخلقك ارحم وبعبادك اعلم و

بعد از ذکر

شمسه

وكبسلطانك ارأف وبملكك اقدم وبعفوك اكرم وعلى عبادك انعم

لا يزيد في ملكك طاعة المطيعين ولا ينقص منه معصية العاصين

واعف عني يا اكرم الاكرمين ويا ارحم الراحمين الودود بعزتك

واستفضل بغناك واستجير بقدرتك واستغيث برحمتك واعتصم

بحبلك ولا اثق الا بك ولا التجا الا اليك يا عظيم الرجاء يا كاشف

البلاء ويا احق من تجاوز وعفى اللهم ان ظلمي مستجير بعفوك و

خوفي مستجير بامانك وفقري مستجير بغناك وذلي وجهدي البائس الفقير

مستجير بوجهك الدائم الباقي الذي لا يفنى ولا يزول يا من لا

تشغله شأن عن شأن لا تجعل مصيبتنا في ديننا ولا تجعل الدنيا اكبر

همنا ولا تسلط علينا من لا يرحمنا وعد بحلمك على جهلنا وباحسانك

على اساءتنا وبقوتك على ضعفنا وبغناك على فقرنا واعذنا من

الاذى والقذى والضر وسوء القضاء وشماتة الاعداء ومن

المنظر في المال والدين والاهل والولد وعند معاينة ملك الموت

اللهم يا رب نشكو اليك غيبة نبينا عنا وقلة ناصرنا وكثرة عدونا وشدة

الزمان علينا ووقوع الفتن بنا وتظاهر الخلق علينا اللهم صل

على محمد وآل محمد وافرج ذلك بفرج منك تعجله ونصر تعزه وحق

تظهره اللهم وانعش بقائم آل محمد صلى الله عليه وآله للنصر

لدينك واظهار حجتك والقيام بامرك ونظهره ارضك من

ارجاسها برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم انا نعوذ بك اوالي لك

عدوا او اعادي لك وليا او اسخط لك رضيا او ارضى لك سخطا او

اقول بحق هذا باطلا او اقول لباطل هذا حقا او اقول للذين كفروا

هؤلاء اهدى من الذين امنوا سبيلا اللهم صل على محمد وآل

محمد واتنا في الدنيا حسنة وفي الاخرة حسنة وقنا برحمتك عذاب

النار وما بقي مذكور شد كه عمل است شب احياء اينرا در اين روز بعمل اورد

مستحب است فصل در اعمال ضرور در اين روز شب عيد اضحى يكي از

همه رشب است كه احيا آنها سنت موكد است ومنقول است كه در اين شب

درهاى آسمان كشاده نميشود مگر براى انكه صداهاى دعاى حاجيان بالا

رود وصداى ايشان در ازدحام بسيده است مانند صداى مگس

كه در كمين از كشيده وحق تعالى ملائكه را ميفرمايد كه منم پروردگار شما

وشما بندگان من وخواهش من روا كرديد بر من لازم است كه دعاى شما را

مستجاب كردانم پس هر كه مشغول امور زشت است همه گناهان او را بامر زد وهر

سزاوار نسيت گناهان شما را بيامرزم پس هر كه با ايشان در حج يا دعا

شريك شود در ثواب با ايشان شريك خواهد بود وغسل وزيارت حضرت

امام حسين در اين شب سنت موكد است ومنقول است كه هر كه از حضرت

را در اين شب زيارت كند گناهان گذشته واينده اش امرزيده شود اما

اعمال روز عيد غسل در اين شب سنت موكد است وبعضى از علما گفته اند

واجب دانسته اند وبهتر آن است كه پيش از نماز عيد غسل بكند ودعاء

عيد بنا بر مشهور در وقت نماز عيد امام سنت موكد است وبكسان فقير واجب

است شرايط مقرره ونماز اين نماز مانند نماز جمعه است كه در عيد فطر مذكور شد

ودعاى پيش از فطر رفتن بنماز عيد هم در انجا مذكور شد ودعاى بسيار پيش از

نماز وبعد از نماز وارد شده است واينوسا له ذكر همه اين انها مذكور شد

دعاها دعاى چهل وهشتم ماه صحيفه كامله است كه اولش اينست اللهم

هذا يوم مبارك واكر دعاى چهل وششم را كه اولش اينست يا من توحم ولا يوحم

الصاد است نيز بخواند بهتر است زيرا كه در بعضى از نسخ مقدمه استحبابى خوانده

اند غار اينرا وارد شده است ودعاى نديه بهترين دعاهاست ودر اين روز

اعياد ديگر بهتر است خواندن چنانچه انشاء الله بعد ازين در ضمن زيارات

مذكور خواهد شد ودر اين عيد سنت است كه افطار بعد از نماز از گوشت

قربانى شود واز اعمال احكام اين عيد قربانى است واين سنت موكد است وبعضى

از علما واجب دانسته اند اگر قدرت بر آن داشته باشد واز حضرت صادق

صادق منقولست که اضحیه واجب است بر هر مسلمانی و فرمود که از برای خود
البته بکنید و از برای عیال خود خواهی نکن و اگر خواهی نکن و از امام سلمه زوجه
حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که باو حضرت عرض کردم که عید
اضحی حاضر میشود و من وسعت اضحیه ندارم یا فرض کنم و اضحیه بکنم حضرت
فرمود که فرض کن که ان فرض را خدا ادا میکند و بهتر از است که در دنیا
عمل بکنند و در روز یازدهم و دوازدهم هیچ نمیتواند کشت و اگر زمنی باشد
در روز سیزدهم نیز میتواند کشت و بهتر از است در دهه اول ذی الحجه
حرام باشد و مکروه است قربانی کردن جوانی که در خانه تربیت کرده باشند
و میباید باشتر ناکاوا یا کوسفند یا بز بوده باشد و جوانات دیگر را قربانی
نمیتوانند کرد و اگر شتر باشد میباید پنج سال تمام داشته باشد یا زیاده
و اگر گاو یا بز باشد میباید یک سال تمام داشته باشد و در سال دوم داخل
شده باشد و اگر گوسفند شش ماهه کافی است و اگر هفت ماهش تمام باشد بهتر است و میباید
نقص در اعضایش نبوده باشد و کور یک چشم یا مرض در چشم نباشد و بسیار
لنگ نباشد که راه رفتن بران دشوار نباشد و گوشش بریده نباشد و اگر
شق باشد و جدا نشده باشد باکی نیست و اگر بریده باشد بهتر است و نباید که
مغز شاخش شکسته باشد و اگر پوستش نیز بریده نباشد بهتر است و بهتر
از است که پنبار و بیشتر باشد و مستحب است که فربه باشد و نباید که
بسیار لاغر نباشد که پیه بر گرده اش نباشد و نباید که خصی باشد یعنی
که خصیه اش را بریده باشند و مکروه است که خصیه اش را نیمالیده باشند
و اگر بخصی هم برند جهتی را میتوان قربانی کرد و سنت است که اگر قربانی
شتر باشد باکاو ماده باشد و اگر گوسفند یا بز نر باشد و سنت است
که نر باشد و نباید خود بکشد و اگر نتواند دست بر روی دست قصاب بگذارد
و مدد بکند و طریق کشتن این است که اگر شتر باشد نحر کند یعنی حربه را ما

کارد و نیزه در گودال گردنش فرو برد و اگر بعوض ان ذبح کند حرام میشود و
واجب است دو بقبله بدارد و نام خدا به برد و سنت است که انرا ایستاده
بدارد در دو بقبله و هر دو دستش را از سر تا پا بزانو ابرد بنماید بر یکدیگر
و انگاه در جانب راست شتر باشد و حربه فرو برد در نحرش و اگر گاو یا
گوسفند یا بز باشد چهار رگ را از گردنش ببرد یعنی حلقوم و دو رگ بزرگ که
از دو جانب حلقوم است و رگی که در پشت حلقوم است که آب و علف از ان
رگ بجوف میرود و اگر اینها را نحر کند حرام میشود و سنت است که در وقت
کشتن دعا بخواند چنانچه بسند صحیح از حضرت صادق منقولست که چون
قربانی را بجهتی روی او را بقبله کن و در وقت نحر او را ذبح بگو ادعا
وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا
اَنَا مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ اِنَّ صَلٰوتِيْ وَنُسُكِيْ وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِيْ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ
لَا شَرِيْكَ لَهٗ وَبِذٰلِكَ اُمِرْتُ وَاَنَا مِنَ الْمُسْلِمِيْنَ اَللّٰهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ
بِسْمِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ پس نحر یا ذبح کند و بگوید اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّيْ و فرمود
که تا نمیرد سرش را جدا مکن و چون بوست بکند سنت است یک ثلث را خود و اهل خانه بخورند و بهتر
از است که خود باز افطار کند و یک ثلث را برای همسایگان هدیه بفرستند
و اگر پریشان باشد بهتر است و یک ثلث را بفقرا و سوال کنند گان بدهد
و اگر اکثر را تصدق کند شاید بهتر باشد و سنت است که پوست و کله
و بجمیع اجزای حلال را تصدق کند و تصرف نکند و به قصاب ندهد
مگر انکه قصاب پریشان باشد و به تصدق باو بدهد و در حدیث صحیح
وارد شده است که پوست را میتوانند دباغت کنند و بر روی ان نماز

کند و بنشیند و اگر کوسفند یافت نشود سنت است که شصت وسط از
تصدق کند و اگر بره خواهد برای خود بکشد بهتر کافی است و
اگر یکی از برادر خود و یکی از برای عیال بکند بهتر است و اگر بعد عیال
بکند ثوابش بیشتر خواهد بود و از برای پدر و مادر و خویشان یکه مرده
باشند قربانی کردن خوب است و اگر از برای حضرت رسول و ائمه معصومین
قربانی کند ظاهرا خوب است و منقول است که حضرت رسول دو گوسفند قربانی
کردند و در اول فرمودند که خداوندا این از من و هر که قربانی نکرده است از
امت من و در دوم فرمودند که خداوندا این از من و هر که قربانی نکرده است از اهل
بیت من و حضرت امیر المؤمنین هر سال اول یک گوسفند قربانی میکردند
و میگفتند خداوندا این از پیغمبر تو است پس یک گوسفند از برای خود قربانی
میفرمودند و اگر معسر باشد که هر یک جداگانه قربانی کند جایز است که
با یکدیگر شریک شوند تا هفت نفر یا که هفتاد نفر و حق تعالی فرموده است
که خدا را یاد کنید در ایام معدودات یعنی در روز چند شمرده شده و در
اخبار معتبر منقول است که مراد تکبیر گفتن است در ایام تشریق پس هر که
در منی باشد عقب پانزده نماز یکی اول نماز ظهر روز عید است تا بعد
از نماز صبح روز دوازدهم و مشهور استحباب است و بعضی واجب دانسته‌اند
و افضل بعد از هر نماز یکی است و اگر مکرر بگوید بهتر است و بعد از نماز
نافله نیز بگوید خوب است و طریق تکبیر موافق حدیث صحیح این است
الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله والله اکبر الله اکبر ولله الحمد
الله اکبر علی ما هدانا الله اکبر علی ما رزقنا من بهیمة الانعام والحمد
لله علی ما ابلانا فصل در فضایل و اعمال شب و روز عید غدیر است
و عید غدیر همچو هم این ماه است و عظیم تر از اعیاد است

و احادیث از طرق خاصه و عامه در فضیلت این روز و اعمال آن زیاده
از حد و احصا است و در این مقام بچند حدیث اکتفا مینماییم شیخ
از حضرت امام رضا منقول است که چون روز قیامت شود کعبه و روضه را بفرستد
عرش الهی برند یا زینت تمام تا شد عروسی که او را بخانه داماد برند و روز عید
اضحی و روز عید فطر و روز جمعه و روز عید غدیر در زمینها اینها مانند عروس
باشد در میان سایر روزها و این روز است که حضرت ابراهیم خلیل را از آتش
نجات داد و این روز را روزه داشتن برای شکر حق تعالی و این روز است که
خدا در این روز کامل کرد دین را با نکه حضرت رسول حضرت امیر المؤمنین
را خلافت نصب کرد و فضیلت و وجوب بودن او را ظاهر کرد تا بدیدند مردم پس
روزه داشتن این روز را و این روز کامل شدن دین است و روز است که
شیطان بر خاک مالیده شده است و روز است که شیعیان و دوستان ائمه
محمد در این روز مقبول میشود و این روز است که حق تعالی بعملهای عالمیان و
سیئات را باطل میکرداند مانند در ماهها که در رمضان هوا را ابر میشود و این
روز است که خدای عز و جل امر میکند جبرئیل را که نصب کند کرسی
خدا را در برابر بیت المعمور و جبرئیل بر آن بالا میرود و ملائکه از جمیع آسمانها
بر او جمع میشوند و ثنا میکنند بر محمد و آل محمد و استغفار میکنند برای شیعیان
امیر المؤمنین و ائمه طاهرین علیهم السلام و دوستان ایشان از فرزندان آدم
و این روز است که امر میکند حق تعالی ملائکه نویسندگان اعمال را که قلم بردارند
از محبان و شیعیان اهل بیت تا سه روز از روز غدیر و ننویسند هیچ گناه و
خطای ایشان را برای کرامت محمد و علی و ائمه صلوات الله علیهم و این روز
است که خدا مخصوص محمد و آل او و شیعیان او کرداینده و این روز است
که خدا زیاد میکند مال کسی را که عبادت خدا کند در این روز و توسعه دهد
روزی بر او و عیال او و برادران مؤمن او و او را از آتش جهنم و این روز است که خدا سبعین شیعیان را شکر میکند یعنی مژده میدهد

وکاهان ایشانرا مامور کرد و اعمال ایشانرا قبول میکند و این روز زینت که
خدایهای شیعیانرا زایل میکرداند و کاهان ایشانرا محو میکنند و روز
بخشش است و روز عطیه است و روز زین کردن علم است و روز نشار شد
و روز عید بزرگست و روز زینت که دعاها در آن مستجاب است و روز مو
بزرگ است و روز پوشیدن جامهای نیکوست و روز بخشیدن گناهان
شیعیان امیر المؤمنین است و روز زینت که نثار صلوات باید فرستاد
بر محمد و آل محمد و روز خوشنودیست و روز عید اهل بیت محمد است و روز
قبول اعمالست و روز دوستی کردن شیعیانراست با یکدیگر و روز رسیدن
برحمت خداست و روز ترک گناهان و روز کاهان است و روز عادتست و روز افطار
فرمودن روزه داران است پس هرکه روزه داریرا در این روز افطار فرماید
چنان است که ده فقیر را اطعام کرده باشد و هر فقیری صد هزار رکس است و در
تهلیل و تبارکها داست و هر مؤمنی که یکدیگر املاقات کنند این تهنیت
بگویند الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولایة امیر المؤمنین والائمة
علیهم السلام و این روز تبتل است در روی مؤمنان پس هرکه تبتل کند
در روی برادر مومن خود در روز غدیر حق تعالی نظر کند
در روز قیامت بسوی او برحمت و برا ورد هزار حاجت او را و بنا کند در به
هشت از برای او قصری از مروارید سفید و روی او را نورانی گرداند و
این روز زینت است پس هرکه زینت کند از برای عید غدیر حق تعالی بنامبرد
هر کاهیرا که کرده است از صغیره یا کبیره و بغفرت شد حق تعالی بسوی
او ملکی چند را که بنویسند برای او خشنودی و بلند کردانند برای او درجات
تا سال آینده مثل این روز را اگر بمیرد شهید مرده باشد و ثواب شهیدان
داشته باشد و اگر زنده باشد سعادت مند زندگانی کند و هرکه طعام دهد
در این روز مؤمنی را چنان باشد که طعام داده باشد جمیع پیغمبران و صیه

وهرکه دیدن کند در این روز مؤمنی را داخل کرده اند خدا در قبر او هفتا
نور و قبر او را کشاده گردانند و زیارت کنند او را در قبر او هر روز هفتاد هزار
ملک و بشارت دهند او را به بهشت و روز عید غدیر حق تعالی عرض کرد
ولایت و امامت و حجت ما اهل بیت را بر اسمانهای هفتگانه پس بیشی کردند
با قرار بان اهل اسمان هفتم پس زینت داد او را بر عرش پس سبقت کردند بعد
از ان با قرار بنا اهل بیت اهل اسمان اول پس او را زینت داد بنشارکان پس
حق تعالی عرض کرد ولایت ما را بر زمین ها پس بیشی کرفت با قرار بان مکه
معظمه پس زینت داد او را بکعبه پس بیشی کرفت مدینه طیبه پس زینت داد
او را بمحمد مصطفی صلی الله علیه و آله پس سبقت کرفت بان شهر کوفه پس زینت
داد او را بامیر المؤمنین علیه السلام پس عرض کرد ولایت ما را بر کوه ها
پس اول کوهی که اقرار کرد سه کوه بود کوه عسیق و کوه قبر وزه و کوه یافوث
و باین سبب این سه کوه ها بهم رسیدند پس بر کوه های دیگر سبقت کردند و باین
سبب معدن طلا و نقره کردیدند و هر یک که اقرار نکردند هیچ چیز نکردیدند
و باز روز غدیر عرض کرد ولایت ما را بر آب ها هر چه قبول کرد شیرین شد
و هر چه قبول نکرد شور و تلخ شد پس عرض کرد ولایت ما را بر مرغان هر مرغ
که قبول کرد سخن کو و خوش آواز کردید و هر یک که قبول نکرد لال و بدآواز
کردید و مثل مؤمنان در قبول کردن امیر المؤمنین در روز غدیر مانند
ملائکه است در قبول کردن سجده حضرت آدم و مثل آنها که قبول ولایت ان
حضرت نکردند در روز غدیر مانند مثل شیطان است در قبول نکردن سجده
آدم و در روز غدیر است که آیه نازل شد الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم
نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا یعنی امروز کامل کردانیدم از برای شما
دین شما را و تمام کردانیدم بر شما نعمت خود را و پسندیدم اسلام را برای
دین شما پس حضرت فرمود که نفرستاده است خدا پیغمبری را مکر انکه وصی
و خلیفه خود را در این روز نصب کرده است و کلمتی پسندیده معتبر روایت

کرده است که از حضرت صادق پرسیدند که آیا مسلمانان را غیر از جمعه و اضحی و فطر و فرخنده دیگر عیدی هست که از همه شریفتر باشد راوی گفت کدام عید است فرمود که امروز چیست که نصب کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله امیر المؤمنین را بخلافت خود و فرخنده گردانید که هر که من مولا و اقای اویم علی مولا و اقا و پیشوای اوست و امروز هیجدهم ذی الحجه است راوی گفت چکار کند در امروز باید کرد فرمود که روزه بدارید و عبادت کنید و محمد و آل او را یاد کنید و بر ایشان صلوات بفرستید و وصیت کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله امیر المؤمنین را که این روز را عید کردانند و هر پیغمبری وصی خود را وصیت میکرد که این روز را عید کردانند و بر واست دیگر فرمود که روزه عید عدل بر کفاره شصت سال گناه است و بر واست دیگر منقول است که مفضل از حضرت صادق پرسید که امر میکنی مرا که روز غدیر روزه بدارم فرمود اری و الله اری و الله بدرستی که خدا این روز تو به حضرت آدم را قبول کرد و لشکران این روز را روزه داشت و در روز حضرت ابراهیم را از آتش نجات داد و لشکر این روز را روزه داشت و در روز حضرت موسی هر دو را و چتی خود کردانید و لشکر انه این نعمت این روز را روزه داشت و در این روز حضرت عیسی وصیه و چتی خود شهون الصفا ظاهر کردانید و این روز را لشکر حق تعالی روزه داشت و در این روز حضرت رسول حضرت امیر المؤمنین را خلیفه و جانشین خود کردانید و فضیلت و وصایت او را بر خلق ظاهر کردانید و این روز را لشکر انه این نعمتها روز داشت و این روز روزه داشتن است و روز عبادت است و روز طعام دادن است و روز نیکی کردن است با برادران مؤمن و روز نیست که خدا خوشنود نگردد از مؤمنان و روز نیست که پیش شیطان بر خاک مالیده نمیشود و لشکر معتبر از این نصر منقول است که گفت روزی در خدمت حضرت امام رضا علیه السلام بودم و جماعت نسبتا حاضر بودند پس فضیلت روز عید غدیر

مذکور شد و بعضی از حاضران انکار کردند حضرت فرمود که پدرم از پدرانش روایت کرد که روز غدیر در آسمان مشهورتر است از زمین و بدانید که خدا از در فردوس اعلا قصری هست که بلندی آن از طلا و یکصد از نقره و در آن قصر صد هزار قبه است از یاقوت سرخ و صد هزار چشمه است از یاقوت سبز و خاکش مشک و عنبر است و در آن جها رنهر جاری است نهری از شراب و نهری از آب و نهری از شیر و نهری از عسل و در دو آن درخت هست از انواع میوه ها و بر آن درختان مرغان خوش الحان هستند بدلهای انها از مزمار بیاست و بالهای انها از یاقوت و با انواع نغمها خوانند کی میکنند چون روز عید میشود در آن قصرها حاضر میشوند جمیع اهل انها و تسبیح و تقدیس و تهلیل حق تعالی میکنند و آن مرغان پرواز میکنند در میان آن فرو میریزند و بر آن مشک و عنبر منبسط شده و چون ملائکه جمع میشوند پرواز میکنند و مشک و عنبر بر سر ایشان میریزند و در این روز تا حضرت فاطمه صلوات الله علیها را که در شب زفاف از حضرت سدرة المنتهی در حجله طوبی نثار کردند برای یکدیگر هدیه میفرستند و چون احر این روز میشود ندا از جانب ربنا علی با ایشان میرسد که برگردید بسوی درجها و مرتبهای خود پس تحقیق که ایمن کردید ندا از گناه و خطا و لغزش مثل این روز از این اسنده برای کرامت محمد و علی صلوات الله علیهما این حضرت فرمود که ابی نصر ابی نصر هر جا که با شی سعی کن که در نزد قبر مطهر حضرت امیر المؤمنین حاضر شوی بدرستی که خدا در این روز از آتش جهنم آزاد میکند بعدد انچه آزاد کرده است در ماه رمضان و شب قدر و شب فطر و یکدرهم که در این روز به برادر مؤمن بدهی نزد او برابر است با هزار درهم که در اوقات دیگر بدهی و احسان کردن در این روز به برادر مؤمن خود و شاد کردن آن هر مؤمن و زن مؤمنه را بحدا سوگند که اگر مردم فضیلت این روز را بدانند چنانچه باید هر روز ده مرتبه ملائکه با او مصافحه میکنند و زیارت حضرت

امیر المؤمنین در این روز فضیلت بسیار دارد از نزدیک و دور و موافق
و مخالف ضعفوان اگر از دور زیارت کند دو رکعت نماز زیارت بجا آورد
و در رکعت اول سوره انا انزلناه و در رکعت دوم سوم قل اللهم صل علی ولیک
قل هو الله احد بخواند پس این دعا بخواند دعا اینست خدایا ترا
و آنچه بنیک و وزیره و حبیبه و خلیله و موضع سره و حجرته من اسرته
و برادر بعد خود و وزیر دوستاه و معدن او و موضع اسرار و پناه او و گزیده او و گزیده
و وصیه و صفوته و خالصته و امینه و ولیه و اشرف عترة الذین
و بهترین او و برگزیده او و دوست خالصه او و امین او و دوست او و برگزیده او و گزیده
اذهبت عنهم الرجس و طهرتهم تطهیرا و ابی ذریته و باب حکمته و الناطق بحجته و الداعی الی شریعته
و گویا بر او و حجت او و راه او و گویا بر او و داعی بر او و موضع سر او
و الماضی علی سنته و خلیفته علی امته سید المسلمین و امیر المؤمنین
و گذرنده بر سنت او و جانشین او بر امت او سید مسلمانان و امیر مؤمنان
و قائد الغر المحجلین افضل ما صلیت علی احد من خلقک و اصفیائک و
و رهبر سفید چشمان و پیشانیان افضل آنچه درود فرستادی بر احدی از خلق خود و برگزیدگان
اوصیاء انبیائک اللهم انی اشهدک انه قد بلغ عن نبیک صلی الله علیه
جانشیان پیغمبران خود و خدایا گواه میگیرم ترا که او بلغ کرد از پیغمبر صلی الله علیه
و آله ما حمل و دعی ما استحفظ و حفظ ما استودع و حلل حلالک
و آل او آنچه حمل کرد و دعوت کرد بآن و نگاه داشت آنچه نگاه داشتن آن خواستند از او و آنچه سپرده شد نگاه داشت و حلال کرد حلال ترا
و حرم حرامک و اقام احکامک و دعا الی سبیلک و والا اولیائک
و حرام کرد حرام ترا و برپا داشت حدود ترا و دعوت کرد بسوی راه تو و دوست گرفت دوستان ترا
و عادا اعدائک و جاهد الناکثین عن سبیلک و القاسطین و المارقین
و دشمن گرفت دشمنان ترا و جهاد کرد پیمان شکنان را از راه تو و ستمکاران و از دین بیرون روندگان را
عن امرک صابرا محتسبا مقبلا غیر مدبر لا تاخذه فی الله لومة
از امر تو صابر و طلب کننده ثواب و پیش رونده نه پشت کننده نه باز گیرنده او را در راه خدا سرزنش

لائم حتی بلغ فی ذلک الرضا و سلم الیک القضاء و عبدک مخلصا
و تسلیم کرد بسوی تو قضا را و بندگی کرد ترا خالصا
و نصح لک مجتهدا حتی اتاه الیقین فقبضته الیک شهیدا سعیدا ولیا
و نصیحت کرد ترا کوشنده تا آنکه یقین آمد او را پس قبض کردی او را بسوی خود شهید سعید ولی
نقیا رضیا زکیا هادیا مهدیا اللهم صل علی محمد و علیه افضل ما
نقی راضی پاک هادی راه یافته خدایا درود فرست بر محمد و بر او برترین آنچه
صلیت علی احد من انبیائک و اصفیائک یا رب العالمین و اکرم اشاء و
درود فرستادی بر احدی از پیغمبران خود و برگزیدگان خود ای پروردگار جهانیان و گرامی ترین
تهادت تحیات بهتر شریف احضرت کند و این زیارت را زیارت بکنند
بفرستند تحیات بهتر شریف احضرت کند و این زیارت را زیارت بکنند
بهتر بخواند السلام علیک یا امیر المؤمنین و رحمة الله و برکاته
بهتر بخواند و رحمت خدا و برکات او
السلام علیک یا امین الله فی ارضه و حجته علی عباده اشهد لقد جاهدت
سلام بر تو ای امین خدا در زمین او و حجت او بر بندگان او گواهی میدهم که جهاد کردی
یا امیر المؤمنین فی الله حق جهاده و عملت بکتابه و اتبعت سنن نبیه
ای امیر مؤمنان در راه خدا حق جهاد او و عمل کردی بکتاب او و پیروی کردی سنتهای پیغمبر او
صلی الله علیه و آله حتی دعاک الله الی جواره فقبضک الیه باختیاره
صلی الله علیه و آله تا آنکه خدا ترا بسوی جوار خود دعوت کرد پس قبض کرد ترا بسوی خود باختیار
لک کرها منه و الزم اعدائک الحجة فی قتالهم ایاک مع ما لک من الحجج
تو کراهت نداشتی از آن و الزام کرد دشمنان ترا حجت را در جنگ کردن ایشان با تو با آنچه ترا از حجتها
البالغة علی جمیع خلقه اللهم صل علی محمد و آله و اجعل نفسی مطمئنة
رسا بود بر همه خلق خدایا درود فرست بر محمد و آل او و بگردان نفس مرا مطمئنه
تصدق بقضائک راضیة بقضائک مولعة بذکرک و دعائک محبة لصفوة
تصدیق کننده قضای تو راضی بقضای تو مولع بذکر تو و دعای تو دوست برگزیدگان
اولیائک مجتوبة فی ارضک و بسمائک صابرة عند نزول بلائک شاکرة
اولیای تو برگزیده در زمین تو و آسمان تو صابر بر نزول بلای تو شاکر

لقواصل لقائك ذاكرة لسوابغ الائك مشتاقة الى فرحة لقائك متيقنة
النعوى ليوم جزائك مستيقنة لبشين ولقائك مقارنة لاخلاق اعدائك
مشغولة عن الدنيا بحمدك وثنائك اللهم ان قلوب المخبتين اليك وا
وسبل الرغبين اليك شارعة وأعلام القاصدين اليك واضحة
ورواقد العارفين منك فارعة واصوات الداعين اليك صاعدة وابوا
الاجابة لهم مفتحة ودعوة من ناجاك مستجابة وتوبة من اناب اليك
مقبولة وعبرة من بكى من خوفك مرحومة والاغاثة لمن استغاث بك
موجودة والاغاثة لمن استغاث بك مبذولة وعدائك لعبادك
منجزة وذلات من اساء مقالك مغفورة واعمال العاملين لديك محفوظة
وارزاق الخلائق من لدنك نازلة وعوائد المزيد اليهم واصلة و
ذنوب المستغفرين مغفورة وحوائج خلقك عندك مقضية وجوا
الشاكلين عندك موفورة وعوائد المزيد متواترة ومواد المستطعمين

معتلة ومناهل الظماء لديك مترعة اللهم فاستجب دعائي واقبل
ثنائي واجمع بيني وبين اوليائي واحبائي بحق محمد وعلي وفاطمة
والحسن والحسين والائمة من ذريتهم الحسين اتمم من نعمتي انك و
نعمائي ومنتهى منائي وغاية رجائي ومنقلبي ومثواي واكرمني
اول ليلة من زيارته وارزقني العمل واورد واخر ان دعاء ارجو ان شاء الله
عند غدير بنهر شب بستان منارة كي است ودر شب نيز مناسب است كه
زيارت عمل او رند ونماز ي در شب وارد شده است چون سند ش معتبر بود
ايراد نمودم اما فضيلت روزه ذاشين ونصدق كردن وافطار روزه نا
نمودن در ين روز ودر يزاب احاديث كثيرة است واز جمله انها اين روا
است كه حضرت صادق فرمود كه روزه روز غدير برابر است با روزه عمر
دنيا كه اگر كسي برابر عمر دنيا عمر نمايد وروزه بدارد روزه اين روز برابر است
با ثواب ان وروزه اش برابر است نزد خدا با صديق وصد عمره وابن عيد بزرگ
است وخدا نفرستاده است پيغمبر را مگر انكه اين روز را عيد كرده است
وحرمة اين روز مانند حرمة آن شب است ونامش در آسمان روز عهد معهود است ونا
در زمين روز ميثاق است ماخوذ وجمع مشهود است وهر كه در ين روز
مومني را افطار فرمايد ثواب كسي را دارد كه ده غلام را اطعام دهد كه
هر غلامي صد هزار درهم ارزش است وثواب كسي دارد كه طعام دهد واب دهد
بانبيد كه مذكور شد از پيغمبران واوصياي انبيا وشهيدان وصالحان
زاد زسال لحظه وبكذرهم كه در ين روز تصدق كند برابر است با صد هزا
درهم كه در روزهاي ديگر تصدق كند پس فرمود كه شايد كه كمان كني خلا

روزی خلق کرده است که هرمثلش از نیروز پیشتر نباشد نه والله نه
والله و بروایت دیگر فرمود که روزه اش برابر است با شصت ماه از ماه های
حرام که روزه بدارند و فرمود که روز سرور و روشادی است و نشنید
معتبر از فیاض بن محمد منقول است که گفت در روز عید غدیر در مزرعه
در خدمت حضرت امام رضا بودم و از حضرت در باب روز مخصوصان و
خویشان و اصحاب خود را جمع کرده بود و ایشان را نگاه داشته بود که افطار
کنند و بجاهای ایشان طعام فرستاد و روزها و خلعتها حتی انگشتر و کفش
نیز فرستاد و با ایشان خلعتهای فاخر نیز شفقت فرمود و ملازمان و
خدمتکاران خود را اجامهای نو شتا نفیس پوشانیده بود و فضیلت
این روز را برای مردم نقل میفرمود از جمله الفاظ که در بعضی از
سالهای خلافت حضرت امیرالمؤمنین روز جمعه با عید غدیر در یکروز
جمع شد پس بعد از پنج ساعت که از روز گذشت بر منبر بالا رفت و خطبه
طولانی خواند و فضایل روز غدیر را بتمام بیان فرمود و نامها بسیار
از برای این روز کرد پس فرمود که بعد از انقضای این مجمع بروید بجاها
خود و توسعه کنید بر عیال خود و احسان و نیکی کنید نسبت به برادر
مؤمن خود و در خانه ها بخود برادران مؤمن را جمع کنید و نیکوئی کنید
نسبت با ایشان و بگذیکر الهنئک و مناركا د بگوئید و نیکی و احسان
کردن در این روز مال و عمر را زیاد میکند و مغفرت را بگذیکر کرهت
موجب مزید رحمت الهی است و تا توانید احسان را دوام نمائید با عیال خود و
اظهار شادی بکنید و هر که امید احسان دارد دوام نماید در حق او و
مکنید و ضعیفان و فقیران و غلامان و کنیزان را از خود برانگنید
بدرستی که دادن یکدرهم در این روز برابر است با دویست هزار درهم
و حق تعالی زیاده بر عطا میکند در روزه این روز را حق تعالی سنت
گردانیده و ثواب مانند ثواب کسی گردانیده که از اول ماه دیتا

آخر دنیا عبادت کند بانکه روزها روزه بدارد و شبها بعبادت بسر
او رود و کسی که برادر مؤمن خود را بیش از انکه او اظهار کند وا
از روی بخواهش و رغبت باو نیکی کند چنان باشد و تمام منش را بجا آورده باشد
و هر که در منش مؤمنی را افطار دهد باید چنان باشد که هزار هزار پیغمبر
و صدیق و شهید را افطار فرموده باشد پس چگونه باشد ثواب کسی که
متکفل احوال چندین نفر از مردان مؤمن و زنان مؤمنه شود و هر گاه
چنین کند من ضامنم بر خدا که امان یابد از کافر شدن و از فقیر شدن و از
عبور کردن از شب تاریک و از ترس و بعد از ان تا روز عید غدیر را بیده بدون انکه
کینه نسبت بدی چند البته امروز به است و هر که فرحی بکند در این روز
برای برادر مؤمن خود من ضامنم بر خدا که اگر او را زنده بدارد با عیال و
اقربای خود را از او متحمل شود و از دنیا نرود و چون با یکدیگر ملاقات
کنید مصافحه کنید و بزبانها بگذیکر الهنئک بگوئید و انچه گفتم حاضران
بغایبان بگوئید و تواصی کنید بر غائبان کنید فضیلت این روز را و دستگیری کنید
ضعیفان را حضرت فرمود رسول مرا همه اینها امر فرموده و بدانکه غسل
در این روز سنت مؤکده است و اما کیفیت نماز روز عید غدیر مشهور شده است
که از حضرت صادق روایت کرده اند که هر که در این روز نیم ساعت پیش
از زوال شمس دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت سوره حمد یکمرتبه و قل
هو الله احد و انا انزلناه و آیه الکرسی تا هم فیها خالدون هر چه اراده نماید
بخواند برابر باشد نزد حق تعالی با صد هزار حج و صد هزار عمره و هر حاجات از
حاجتهای دنیا و آخرت که از خداوند کریم سؤال کند البته تا ساعتی وفات
برآورده شود و چون برادر مؤمنی را ملاقات کنی بگو الحمد لله الذی اکرمنا
بهذا الیوم و جعلنا من الموفین بعهده الذی عهده الینا و میثاقه الذی
واثقنا به من ولایة ولاة امره و القوام بقسطه و لم یجعلنا من الجاحدة
والمکذبین بیوم الدین یعنی حمد و سپاس مر خدا و ندیرا راست که مرا

كرا بي داشت باين دو وعده كرديد ما را از ايمان آوردگان و كرديد
ما را از وفا كنندگان بعهد خود كه عهد كرده است بر ما و نبيان كه
محكم كرديد آيت بر ما كه ولايت و اليان امر امامت است و الها كه حكم
ميكنند بعدالت در ميان خلق و نكرديد ما را از انكار كنندگان و
تكذيب كنندگان بروز جزا و فرمود كه ايند عاز بعد از نماز بخوانند دعا
ربنا
ابتست ربنا انتا سمعنا منادیا ینادی للایمان ان امنوا بربکم
فامنا فاغفر لنا ذنوبنا وکفر عنا سیئاتنا وتوفنا مع الابرار ربنا واتنا
ما وعدتنا علی رسلک ولا تخزنا یوم القیامة انک لا تخلف المیعاد
اللهم انی اشهدک وکفی بک شهیدا واشهد ملائکتک وانبیائک
وحملة عرشک وسکان سمواتک وارضیک بانک انت الله لا الٰه الا
انت المعبود فلا تعبد سواک فعالیت عما یقول الظالمون علوا کبیرا
واشهد ان محمدا عبدک ورسولک واشهد ان امیر المؤمنین عبدک
وموالانا ربنا سمعنا واجبنا وصدقنا المنادی رسولک صلی الله
علیه وآله اذ نادی بیدعوتک بالذی امرته ان تبلغ ما انزلته
الیه من ولایة ولی امرک وحذرته وانذرته ان لم تبلغ فما امرته

به ان تسخط علیه ولما تبلغ رسالاتک عصمته من الناس فقام مبلغا
عنک الا من کنت مولاه فعلی امیره ربنا فاجبنا داعیک النذیر
محمدا عبدک ورسولک صلی الله علیه وآله الی الهادی المهدی
عبدک الذی انعمت علیه وجعلته مثلا لبنی اسرائیل علی امیر
المؤمنین ومولاهم وولیهم ربنا واتبعنا مولانا وولینا وهادینا
وداعینا وداعی الانام وصراطک المستقیم وحجتک البیضاء وسبیلک
الداعی الیک علی بصیرة هو ومن اتبعه وسبحان الله عما یشرکون و
اشهد انه الامام الهادی الرشید امیر المؤمنین الذی ذکرته فی
کتابک وقولک الحق فانک قلت وانه فی ام الکتاب لدینا لعلی حکیم
اللهم فانا نشهد بانه عبدک والهادی بعد نبیک النذیر المنذر
وصراطک المستقیم وامیر المؤمنین وقائد الغر المحجلین وحجتک
البالغة ولسانک المعبر عنک فی خلقک وانه القائم بالقسط فی

برئتك ودنان دنيك وخازن علمك وامنيك المأخوذ ميثاقه وميثا
رسولك عليهما السلام من جميع خلقك وبرئتك شاهدا بالاخلا
لك والوحدانية والربوبية بانك انت الله لا اله الا انت وان
محمدا صلى الله عليه واله عبدك ورسولك وان عليا امير المؤمنين
جعلته وليك والافرار بولايته تمام وحدا بتيك وكمال دينك
وتمام نعمتك على جميع خلقك وبرئتك فقلت وقولك الحق اليوم
اكملت لكم دينكم واتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم الاسلام
دينا فلك الحمد يا اله واتمام نعمتك علينا بالذي حددت من
عهدك وميثاقك وذكرتنا ذلك وجعلتنا من اهل الاخلاص
والتصديق بميثاقك ومن اهل الوفاء بذلك ولم تجعلنا من اتباع
المغيرين والمبدلين والملحدين والمشكين اذ انا لانعام والمغيرين
خلق الله ومن الذين استحوذ عليهم الشيطان فانسيهم ذكر الله

وصدهم عن السبيل والصراط المستقيم اللهم العن الجاحدين و
الناكثين والمغيرين والمبدلين والملحدين يوم الدين من الاولين
والآخرين اللهم فلك الحمد على انعامك علينا بالهدى الذي هديتنا
به الى ولاية امرك من بعد نبيك صلى الله عليه واله الائمة الهداة
ومنار القلوب والتقوى والعروة الوثقى وكمال دينك وتمام نعمتك
ومن بهم وتموا لانهم رضيت لنا الاسلام دينا ربنا فلك الحمد
امنا وصدقنا ونبيك علينا بالرسول النذير المنذر والينا ولهم
وعادينا عدوهم وبرئنا من الجاحدين والمكذبين يوم الدين اللهم
فكما كان ذلك من نيتك يا صادق الوعد يا من لا يخلف الميعاد يا من
هو كل يوم هو في شان اذا تممت علينا نعمتك بموالاة اوليائك
المتوسل عنهم عبادك فانك قلت ولتسئلن يومئذ عن النعيم
فولك الحق وقولهم انهم مسئولون ومننت علينا بتبيهنا الى الاخلاص

الاخلاص وبولاية اوليائك الهداة بعد التذير المسدد والسراج
المنير فاكملت لنا بهم الدين واتممت علينا النعمة وجددت لنا
عهدك وذكرتنا ميثاقك الماخوذ منا في ابتداء خلقك ايانا
وجعلنا من اهل الاجابة ولم تنسنا ذكرك فانك قلت واذا اخذ
ربك من بني آدم من ظهورهم ذريتهم واشهدهم على انفسهم
الست بربكم قالوا بلى شهدنا عينك ولطفك فانك انت الله لا اله
الا انت ربنا ومحمد عبدك ورسولك ونبينا وعلي امير المؤمنين
عبدك الذي انعمت به علينا وجعلته اماما لنبيك صلى الله عليه و
آله وابنك الكبرى وصراطك المستقيم والنبا العظيم الذي هم
فيه مختلفون وعنه مسئولون اللهم فكما كان من شانك ان انعمت
علينا بالهداية الى معرفتهم فليكن من شانك ان تصلي على محمد وآل
محمد وان تبارك لنا في يومنا هذا الذي اكرمتنا به وذكرتنا فيه

عهدك وميثاقك واكملت دينا واتممت علينا نعمتك وجعلنا
بمنك من اهل الاجابة لك والبراءة من اعدائك واعداء اوليائك
المكذبين بيوم الدين فاسئلك يا رب تمام ما انعمت وان جعلنا من
الموفين ولا تلحقنا بالمكذبين واجعل لنا قدم صدق مع المنقين
واجعلنا مع المنعين اماما يوم ندعوا كل اناس بامامهم واحشرنا
في زمرة اهل بيت نبيك الائمة الصادقين واجعلنا من البراءة
من الذين هم دعاة الى النار يوم القيامة هم من المضوحين واجنبنا
على ذلك ما احييتنا واجعل لنا مع الرسول سبيلا واجعل لنا قدم
في الجنة الهم واجعل محيانا خير المحيا ومماتنا خير الممات ومنقلبنا
خير المنقلب على موالاة اوليائك ومعاداة اعدائك حتى توفنا
وانت عنا راض فقد وجبت لنا حسنتك برحمتك يا ارحم الراحمين
والمثوى من جوارك المقامة من فضلك لا يمسنا فيها نصب ولا

جبهة فارسية

تمسنا فيها لغوب ربنا اغفر لنا ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا وتوفنا
مع الابرار ربنا وانبنا ما وعدتنا على رسلك ولا تخزنا يوم القيامة
انك لا تخلف الميعاد اللهم احشرنا مع الائمة الهداة من آل رسولك
نوالين سبيلهم وعلا بنهجهم وشاهدهم وغائبهم اللهم انى اسئلك
بالحق الذى جعلته عندهم وبالذى فضلتهم به على العالمين جميعا
ان تبارك لنا فى يومنا هذا الذى اكرمتنا فيه بالموافاة بعهدك
الذى عهدته الينا وبالميثاق الذى واثقتنا به من موالاة اوليائك
والبراءة من اعدائك ان تتمم علينا نعمتك ولا تجعله مستودعا
اجعله مستقرا ولا تسلبنا ابدا ولا تجعله مستعارا وارزقنا فيما
ولبيك الهادى المهدى الى الهدى وتحت لوائه وفى زمرته
شهداء صادقين على بصيرة من دينك انك على كل شئ قدير واكثر
براود تواز باشد باين روايت عمل كند كه شيخ مفيد رحمه الله وديگران
از حضرت صادق روايت كرده اند كه هركه در روز عديد دو ركعت نماز

بكند در هر وقت كه خواهد واگر نزديك زوال بكند كه در ان ساعت
حضرت رسول حضرت امير المؤمنين را در روز غدير بهم براى مردم خطبه
وامامت نصب كرد بهتر است يعنى بهتر روزه كه خواهد واگر در ركعت اول
انا انزلناه و در ركعت دوم قل هو الله احد چنانچه در روايت معتبر ذكر
وارد شده است بهتر است پس بسجده برود و صد مرتبه شكرا لله يا شكر
وچون سر از سجده اللهم انى اسئلك بانى اشهدك بان لك الحمد وحدك لا
شريك لك وانك واحد احد صمد لم تلد ولم تولد ولم يكن لك كفوا احد
وان محمدا عبدك ورسولك صلواتك عليه وآله يا من هو كل يوم
فى شان كما كان من شانك ان تفضلت علىّ بان جعلنى من اهل اجابتك
واهل دعوتك ووفقتنى لذلك فى مبتدا خلقى تفضلا
منك وكرما ثم ازدت الفضل فضلا والجود جودا والكرم كرما فلك
منك ورحمة الى ان جددت ذلك العهد لى تجديدا بعد تجديد
خلقى وكنت نسيا منسيا ناسيا ساهيا غافلا فاتممت نعمتك بان
ذكرتنى ذلك ومننت به علىّ وهديتنى له فلك الحمد
وسيدى ومولاى ان تمم لى ذلك ولا تسلبنيه حتى توفانى على

ذلك وانت على رضى منك احق المنعمين ان تتم نعمتك علينا اللهم

سمعنا واطعنا واجبنا داعيك بمنك فلك الحمد غفرانك ربنا واليك

المصير امنا بالله وحده لا شريك له ومحمد رسوله محمد صلى الله

عليه وآله وصدقنا واجبنا داعي الله واتبعنا الرسول في موالاة

مولانا ومولى المؤمنين امير المؤمنين علي بن ابي طالب عبد الله و

اخي رسوله والصديق الاكبر والحجة على بريته والمؤيد بينه

ونبيه الحق المبين علما لدين الله وخازنا لعلمه وعينا على عباد الله

وموضع سر الله وامين الله على خلقه وشاهده في بريته اللهم

ربنا انا سمعنا منادي ينادي للايمان ان امنوا بربكم فامنا ربنا

فاغفر لنا ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا وتوفنا مع الابرار ربنا واتنا

ما وعدتنا على رسلك ولا تخزنا يوم القيامة انك لا تخلف

الميعاد فاستجب ربنا بمنك ولطفك اجبنا داعيك واتبعنا الرسول

وصدقنا وصدقنا مولى المؤمنين وكفرنا بالجبت والطاغوت

فولينا ما تولينا واخترنا مع ائمتنا فانا بهم مؤمنون موقنون وبهم

مسلمون امنا بسرهم وعلانيتهم وشاهدهم وغائبهم وحيهم و

ميتهم ورضينا بهم ائمة وقادة وسادة وحسبنا بهم بيننا وبين الله

دون خلقه لا ننبغي بهم بدلا ولا نتخذ من دونهم وليجة وبرئنا الى الله

من كل من نصب لهم حربا من الجن والانس من الاولين والآخرين و

كفرنا بالجبت والطاغوت والاوثان والازلام واشياعهم واتباعهم

وكل من والاهم من الجن والانس من الدهر الى آخره اللهم انا

نشهدك انا ندين بما دان به محمد وآل محمد صلى الله عليه وعليهم و

قولنا ما قالوا ودنيا ما دانوا به فلنا وما دانوا به دينا

انكروا انكرنا وما والوا والينا وما عادوا عادينا ومن لعنوا لعنا

ومن تبرؤا منه تبرأنا منه ومن ترحموا عليه ترحمنا عليه امنا

وسلمنا ورضينا واتبعنا موالينا صلوات الله عليهم اللهم فتمم
لنا ذلك ولا تسلبنا واجعله مستمرا عندنا ابدا ولا تجعله مستعارا
واحينا ما احييتنا عليه وامتنا اذا امتنا عليه آل محمد امتنا
فيهم ناتم واياهم نوالي وعدوهم عدو والله نعادي فتجعلنا معهم
في الدنيا والاخرة ومن المقربين فانا بذلك راضون
وصلى الله على محمد وآله وصلى مرتبه
الحمد لله وصلى مرتبه شكرا لله بگويد پس حضرت فرمود كه هر كه اين عمل
بجا آورد ثواب كسي دارد كه در روز غدير نزد حضرت رسول صلى الله
عليه وآله حاضر شده باشد و با حضرت رسول و حضرت امير المومنين
بروز لاسيان حضرت بعث كرده باشد و درجه او در بهشت با درجه
كوبان و نصيبي گشته كان باشد كه نصيبي خدا و رسول در آن روز از او
اخلاص كرده باشد سلمان و ابوذر و مقداد رضي الله عنهم و ما كسي
باشد كه شهيد شده باشد با حضرت رسول و حضرت امير المومنين صلوات
الله عليهم و مانند كسي باشد كه در زير علم صاحبنا الامر صلوات الله عليه
در آن روز خيمه از حضرت بوده باشد از نجيبان و نقيبان و بركزيده اصحاب
آنحضرت و ايضا شيخ مفيد رحمه الله روايت كرده است كه سنت است
كه اين دعا را در روز غدير بخواند اللهم اني اسئلك بحق محمد نبيك وعلي وليك و
عذير بخوانند
والشان والعظمة الذي خصصتها به دون خلقك ان تصلي على محمد

وعلي وان تبدأ بهما في كل خير عاجل اللهم صل على محمد افاده وا
الدعاة الشامة والنجوم الزاهرة والاعلام الباهرة وساسة العباد
وأركان البلاد والنافذة المرسلة والسفينة الناجية الجارية في
اللجج الغامرة اللهم صل على محمد خزان علمك واركان توحيدك وتراجمة
دينك ومعادن كرامتك وصفوتك من بريتك وخيرتك من خلقك
الانقياء الاتقياء النجباء الابرار والباب المبتلى به الناس من اتاه
نجا ومن اباه هوى اللهم صل على محمد وآل محمد اهل الذكر الذين
امرت بمسالتهم وذوي القربى الذين امرت بمودتهم وفرضت حقهم
وجعلت الجنة معادا من قبض آثارهم اللهم صل على محمد وآل محمد
كما امروا بطاعتك ونهوا عن معصيتك ودلوا عبادك على وحدانيتك
اللهم اني اسئلك بحق محمد نبيك ومحبيك وصفوتك وامينك وحجتك
الى خلقك وبحق امير المومنين ويعسوب الدين وقائد الغر المحجلين الوصي

الوفي والصديق الاكبر والفاروق بين الحق والباطل والشاهد لك
والدال عليك والصادع بامرك والمجاهد في سبيلك لم يناظره فيك
لومة لائم ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعلني في هذا اليوم الذي
عهدت فيه لوليك العهد في اعناق خلقك واكملت لهم الدين من العارفين
بحرمته والمقرين بفضله ومن عفاتك وطلقائك من النار ولا تشمت
بي حاسد النعم اللهم كما جعلته عبدك الاكبر وسميته في السماء
يوم العهد المعهود وفي الارض يوم الميثاق المأخوذ والجمع المشهود
صل على محمد وآل محمد وقربه عيونا واجمع به شملنا ولا تضلنا
بعد اذ هديتنا واجعلنا لانعمك من الشاكرين يا ارحم الراحمين
الحمد لله الذي فضلنا بهذا اليوم ونصرنا بحرمته وكرمنا به وشرفنا
بمعرفته وهدانا بنوره يا رسول الله يا امير المؤمنين عليكما وعلى
عترتكما وعلى محبتكما مني افضل السلام ما بقي الليل والنهار

وبكما اتوجه الى الله ربي وربكما في نجاح طلبتي وقضاء حوائجي وتيسير
امور ربي اللهم اني اسئلك بحق محمد وآل محمد ان تصلي على محمد وآل محمد
وان تلعن من جحد حق هذا اليوم وانكر حرمته فصد عن سبيلك لاطفاء
نورك فاني لله الا ان يتم نوره اللهم فرج عن اهل بيت نبيك واكشف
غمهم وبهم عن المؤمنين الكرباء اللهم املأ الارض بهم عدلا كما
ملئت ظلما وجورا وانجز لهم ما وعدتهم انك لا تخلف الميعاد وانت
ازين دعا بعضه رود وصد مرتبه شكرا وصد مرتبه الحمد لله بگويد و
صد مرتبه بايد الحمد لله على اكمال الدين واتمام النعمة ورضى الرب
تواند بگويد
الكريم والحمد لله رب العالمين والصلوة على خير خلقه محمد وعترته
الطاهرين هر خواهد بود چنانكه سيد بن باقي وكفعمي روايت كرده
اما شيخ مفيد عليه الرحمه اين زيادتي را نقل نكرده است
فصل سيم در فضيلت واعمال روز مباهله است الزما ودر تعيين روز
مباهله ميان علما خلافي است واشهر واقوي آنست كه روز بيست و چهارم
ذي حجه است وبعضي بيست و پنجم وبعضي بيست و هفتم وبعضي بيست و پنجم
واكثر ذكر هر يك را آنها اعمال مستحبه را بعمل آورده شود ايام آنچه مشهور
آنست بيست و چهارم است وسبب فضيلت روز مباهله آنست كه چون

حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسولان فرستاد بسوی نصارای نجران
که یکی از بزرگان نرسایان عرب بودند و ایشان در کتب خود رجوع کردند و
اوصاف حضرت رسالت پناه را در کتب جمیع انبیا مشاهده کردند بحث دنیا
برآکثر علمای ایشان غالب شد و ایمان نیاوردند و هفتاد نفر از علماء و
عظمای خود را فرستادند که صفاتی که در کتب برای ایشان به برای حضرت دیده
بودند مشاهده نمایند و بمدینه داخل شدند و صفات را موافق یافتند
و حضرت رسول صلی الله علیه و آله عجلها بی شافی برای ایشان تمام کرده بود و با
بعضی از ایشان بسبب حب ریاست و اعراض فاسده مضایقه کردند در ایمان
آوردن و حضرت الی ابن ایه کریمه را فرستاد فمن حاجک فیه من بعد ما جاءک
من العلم فقل تعالوا ندع ابناءنا و ابناءکم و نساءنا و نساءکم و انفسنا
و انفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله علی الکاذبین یعنی هر که با تو محاجله
کند در امر عیسی بعد از آنچه آمده است بسوی تو از علم و برهان و القا کردی
برا ایشان و قبول نکردند پس کوئی ایجا بیاید بخوانیم پسران خود را و پسران شما
و زنان خود را و زنان شما را و خاصان خود را و خاصان شما را یعنی الخاصی که ممتاز له جا
ما باشند و بیان شما باشند پس تضرع کنیم پس بگردانیم لعنت و دوری را از رحمت خدا
بر الخاصی که دروغ گویند از ما و شما پس حضرت رسول خدا فی بردوش مبارک گرفت
و حضرت امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین صلوات الله علیهم را در زیر
عبا داخل کرد و گفت هر گاه من دعا کنم شما آمین بگوئید پیغمبر را افضل نبیین بوده است که مخصوص
ترین خلق بوده اند با و خداوند ابنها اهل بیت منند پس از ایشان برطرف
کرد شک و گناه را و پاک گردانید ایشان را پاک کردانیدنی پس جبرئیل نازل شد و
این کریمه را در شان ایشان آورد انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل
البیت و یطهرکم تطهیرا پس حضرت

رسول علی و فاطمه و حسن و حسین صلوات الله

علیهم را با خود از مدینه بیرون برد برای مباهله و چون نصاری حقیقت

از حضرت را دانسته بودند و بعد از ایشان دانستند که آنحضرت بان بزرگواران در
مقام مباهله آمد نزول عذاب دور زمین و آسمان ظاهر شد و عالم نزدیک بر
انیشان گفت بخدا سوگند که من روی چند بی بینم که اگر دعا کنند که کوهی از
جا کنده شود کنده خواهد شد بجزان نکردند بر مباهله و مسالمه و مصالحه
کردند و قبول کردند که هر سالیانه جزیه بدهند و حضرت ایشانرا معزز مکرم
و با مر الهی جزیه برا ایشان قرار داد و حضرت فرمود که بخدا سوگند که عذاب
و هلاک او نخیه شد بر اهل نجران و اگر مباهله میکردم هر آینه همه این
جماعت مسخ میشدند و خوک نمیشدند و وادی بر ایشان آتش میشد و سراسر
میکرد نجران و همه نرسایان نجران میسوختند و پیش از انکه سال تمام شود
جمیع نصاری میمیردند و یک نصرانی بر روی زمین زنده نمی ماند و با این
چندین امر بزرگ العیان ظاهر شد اول حقیقت از حضرت زیرا که اگر اعتماد بر
خود نمیداشت خود را و عزیزترین اهل خود را در معرض مباهله بدر نمی آورد
و اگر این جماعت حقیقت ان حضرت بر ایشان ظاهر نشده بود مباهله میکردند
و مثل آن و خواری جزیه را بر خود قرار نمیدادند دوم انکه ظاهر شد که
آل عبا بزرگوارترین خلق بوده است که ایشانرا از حضرت در دعا با خود شریک
گردانیدند سیم انکه ایشان عزیزترین خلق بودند نزد آن حضرت که برای
اظهار حقیقت خود ایشانرا در معرض نفرین در آورد زیرا که بسیار است
که ادبی خود را بجهة مالک می افکنند اما عزیز عیال خود را را راضی نمیشود
که در معرض خطر در آورد چنانچه صاحب کشاف و غیر او از مفسران
سبب نزول اعتراف یاد نموده اند دیگر انکه حسن و حسین صلوات الله
علیهما فرزندان حقیقی آنحضرت بودند و نسبه ایشان از نسا بر ضحا بیشتر بوده
است نزد خدا و رسول بان صغر سن یعنی انکه حضرت فاطمه بهترین زنان
بوده و از زواجات و سایر قرائن بان حضرت اخص و اقرب بوده و منزلت
او نزد حق تعالی از همه بیشتر و ششم انکه با نفاق عامه و خاصه حضرت

امیر المؤمنین در مباهله داخل بود و داخل ابناء و لسناء نیست پس باید که انفسنا باشد و خصوصیت دو آنها مراد نمیتواند بود زیرا که اتحاد دو نفس محال است پس مراد از آنست که اختصاص از حضرت نبوت رسالت پناه صلی الله علیه و آله دو کمالات و صفات بمنزله بود که در مرتبه نفس و جان آن حضرت بود پس هر کمالی که در حضرت رسول بود باید که در آن حضرت باشد بغیر پیغمبری پس باید که افضل باشد از جمیع صحابه و پیغمبر آن بغیر از حضرت و باید که مخصوص بزین خلق باشد بآن حضرت و اعز خلق باشد نزد او و ورود آیه مفصله این قضیه شریفه و فواید که از آن مستفاد میشود در کتاب جوهرة القلوب ذکر کرده ام و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد از جمله امور که در روز بیست و چهارم واقع شده و موجب مزید فضل این روز گردیده آنست که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه در این روز در رکوع بسائل خود زکوة داد و این آیه کریمه نازل شد و امامت آن حضرت را بعد پیغمبر هویدا کرد انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکوة و هم راکعون یعنی اولی و سزاوار بامر شما و ما لک اختیار شما مگر خدا و رسول او و آنها که ایمان آورده اند و شما را در این امر یاری میدارند و چنانچه باید بجا می آورند و زکوة میدهند در رکوع و این نص صریح است بر امامت آن حضرت چنانچه ذکر کردم و در این روز غسل سنت است و زیارت حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه را در این روز ذکر کرده اند و زیارت جامعه را خواندن مناسب است و روزه این روز سنت است و نائبی بمولا و مخدوم امیر المؤمنین علیه السلام گرفتن در صدقه در این روز هم مطلوب و آرزو باب حاجات بآنچه متیسر باشد مطلوب است و اعمال این روز مبارک بسیار است شیخ طوسی رحمه الله از حضرت صادق روایت کرده است که در این روز نیم ساعت پیش از زوال دو رکعت نماز بگذارد برای شکر آنچه مباهله و در هر رکعت بعد از سوره حمد هر یک از سوره قل هو الله احد

و آیة الکرسی تا هم فیها خالدون و سوره انا انزلناه ده مرتبه بخواند و اگر این نماز را بعمل آورد نزد خدا برابر است با صد هزار حج و صد هزار عمره و هر حاجتی از حاجتهای دنیا و آخرت از حق تعالی سؤال کند البته برآورده شود هر چند عظیم باشد انشاء الله و این نماز همان نماز است که در اعمال روز عید غدیر مذکور شد و دیگر از اعمال این روز دعائی است که شیخ طوسی و سید بن طاوس قدس الله روحهما سندهای معتبر از حضرت صادق روایت کرده اند و آن حضرت از پدر بزرگوار خود امام محمد باقر روایت کرده است که از حضرت فرمود که اگر کوتهی در اسم اعظم خدای تعالی هست راست گفته ام و اگر مردم بدانند که اسم اعظم در دعا چه تاثیر جاذب چگونه تاثیر مینماید البته هر چه که مفقود باشد سعی نمایند در تحصیل آن هر چند باید که فحال کنند و مرا هر حاجت که غارض میشود اینست غار را میخوانم و حاجت خود را میطلبم و البته مستجاب میگردد و اینست دعائی که در وقتی که آیه مباهله نازل شد جبرئیل از جانب خدای جلیل بر حضرت سید رسل صلی الله علیه و آله نازل شد و اینست غار را او رفت و گفت برای مباهله بیرون رود و وصی خود علی بن ابی طالب را و سبطین زکیه زهرا دو فرزند دلبند خود حسن و حسین را با خود ببرد و این دعا را بخواند و با فرزندان مباهله کند و برای ایشان نفرین کند پس حضرت امام جعفر صادق فرمود که هرگاه اراده کند غار را خواند جهد و سعی کند در دعا و تضرع و اینجا غار را شفیع خود گرداند در حاجتها و از کسی که اهلش نباشد از سفیهان و ضعیفان و مناقضان پنهان دارد و با ایشان تعلیم ننماید که ان عملهای محترم از آنست و هر کس قابل این کرامات نباشد دعا این است اللهم انی اسئلک من بهائک بانهاه و کل بهائک بهی اللهم انی اسئلک بهائک کلها اللهم انی اسئلک من جمالک باجمله و کل جمالک جمیل

اللهم انی اسئلک بجمالک کله اللهم انی اسئلک من جلالک یا جلیل

وکل جلالک جلیل اللهم انی اسئلک بجلالک کله اللهم انی ادعوک

کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی اللهم انی اسئلک من عظمتک یا

عظیم وکل عظمتک عظیمه اللهم انی اسئلک بعظمتک کلها اللهم

انی اسئلک من نورک یا نور وکل نورک نیر اللهم انی اسئلک بنورک

کله اللهم انی اسئلک من رحمتک باوسعها وکل رحمتک واسعه

اللهم انی اسئلک برحمتک کلها اللهم انی ادعوک کما امرتنی فاستجب

لی کما وعدتنی اللهم انی اسئلک من کمالک باکمله وکل کمالک کامل

اللهم انی اسئلک بکمالک کله اللهم انی اسئلک من کلماتک

باتمها وکل کلماتک تامه اللهم انی اسئلک بکلماتک کلها اللهم

انی اسئلک من اسمائک باکبرها وکل اسمائک کبیره اللهم انی اسئلک

بأسمائک کلها اللهم انی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی

اللهم انی اسئلک من عزتک باعزها وکل عزتک عزیزه اللهم انی اسئلک

بعزتک کلها اللهم انی اسئلک من مشیتک بامضاها وکل مشیتک

ماضیه اللهم انی اسالک بمشیتک کلها اللهم انی اسئلک بقدرتک

الی ان طلبت بها علی کل شیء وکل قدرتک مستطیله اللهم انی ادعوک

کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی اللهم انی اسئلک من علمک بانفذه و

کل علمک نافذ اللهم انی اسالک بعلمک کله اللهم انی اسالک من

ارضاه وکل قولک رضی اللهم انی اسالک بقولک کله اللهم انی

اسالک من مسائلک باجمعها الیک وکل مسائلک الیک حبیبه اللهم

انی اسالک بمسائلک کلها اللهم انی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی

کما وعدتنی اللهم انی اسالک من شرفک باشرفه وکل شرفک شریف

اللهم انی اسئلک بشرفک کله اللهم انی اسالک من سلطانک با

دوامه وکل سلطانک دائم اللهم انی اسالک بسلطانک کله اللهم

اني اسئلك من ملكك باقره وكل ملكك فاخر اللهم اني اسئلك
بملكك كله اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني
اللهم اني اسالك من علائك باعلاه وكل علائك عال اللهم اني
اسالك بعلائك كله اللهم اني اسالك من آياتك باعجبها وكل آياتك
عجيبة اللهم اني اسالك بآلائك كلها اللهم اني اسئلك من منك بافضله
وكل منك قديم اللهم اني اسالك بمنك كله اللهم اني ادعوك كما
امرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم اني اسالك بما انت فيه من الشئون
والجبروت واسئلك بكل شان وكل جبروت اللهم اني اسالك بما
يحق فيه حق يا الله يا الله الا انت اسالك بانها لا اله الا انت
انت يا الا اله الا انت اسالك بجلال لا اله الا انت يا لا اله الا انت
بلا اله الا انت اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني
اللهم اني اسالك من رزقك باعمه وكل رزقك عام اللهم اني اسئلك

برزقك كله اللهم اني اسالك من عطائك باهناه وكل عطائك هنيء
اللهم اني اسالك بعطائك كله اللهم اني اسالك من خيرك باعمله و
كل خيرك عاجل اللهم اني اسالك بخيرك كله اللهم اني اسالك من
فضلك بافضله وكل فضلك فاضل اللهم اني اسالك بفضلك كله
اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم صل على محمد
وآل محمد واعنني على الايمان بك والتصديق برسولك عليه وآله السلام
والولاية لعلي بن ابي طالب والبراءة من عدوه والائتمام بالائمة من
آل محمد عليهم السلام فاني قد رضيت بذلك يا رب اللهم صل على
محمد عبدك ورسولك في الاولين وصل على محمد وآل محمد في الآخرين
وصل على محمد وآله في الملاء الاعلى وصل على محمد وآله في المرسلين
اللهم اعط محمدا وسيلة والشرف والفضيلة والدرجة الكبيرة
اللهم صل على محمد وآل محمد وفيء لي بما رزقتني وبارك لي فيما اعطيتني

وَاحْفَظْنِي فِي غَيْبَتِي وَفِي كُلِّ غَائِبٍ لِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ الْخَيْرِ رِضْوَانَكَ وَالْجَنَّةَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الشَّرِّ سَخَطِكَ
وَالنَّارِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاحْفَظْنِي مِنْ كُلِّ مَصِيبَةٍ وَمِنْ كُلِّ
بَلِيَّةٍ وَمِنْ كُلِّ عُقُوبَةٍ وَمِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ وَمِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَمِنْ كُلِّ شَرٍّ وَمِنْ
كُلِّ مَكْرُوهٍ وَمِنْ كُلِّ آفَةٍ تَرِلُّ أَوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ فِي هَذِهِ
السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَفِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي هَذَا الشَّهْرِ
وَفِي هَذِهِ السَّنَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَامْنَعْنِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ وَمِنْ
كُلِّ لَهْجَةٍ وَمِنْ كُلِّ اسْتِقَامَةٍ وَمِنْ كُلِّ فَرَحٍ وَمِنْ كُلِّ غَامِيَةٍ وَمِنْ كُلِّ بَلَاءٍ
وَمِنْ كُلِّ كَرَامَةٍ وَمِنْ كُلِّ رِزْقٍ وَاسِعٍ حَلَالٍ طَيِّبٍ وَمِنْ كُلِّ نِعْمَةٍ
وَمِنْ كُلِّ سَعَةٍ تَرِلُّ أَوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ
وَفِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي هَذَا الشَّهْرِ
وَفِي هَذِهِ السَّنَةِ اللَّهُمَّ إِنْ كَانَتْ ذُنُوبِي قَدْ أَخْلَقَتْ وَجْهِي عِنْدَكَ

وَحَالَتْ بَيْنِي وَبَيْنَكَ وَغَيَّرَتْ حَالِي عِنْدَكَ فَإِنِّي أَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ
الَّذِي لَا يُطْفَأُ وَبِوَجْهِ مُحَمَّدٍ حَبِيبِكَ الْمُصْطَفَى وَبِوَجْهِ وَلِيِّكَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى
وَبِحَقِّ أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ انْتَجَبْتَهُمْ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي مَا
مِنْ ذُنُوبِي وَأَنْ تَعْصِمَنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمُرِي وَأَعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ أَنْ أَعُودَ
فِي شَيْءٍ مِنْ مَعَاصِيكَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي حَتَّى تَتَوَفَّانِي وَأَنَا لَكَ مُطِيعٌ وَأَنْتَ
رَاضٍ وَأَنْ تَخْتِمَ لِي عَلَى بِأَحْسَنِهِ وَتَجْعَلَنِي فِي تَوَابِهِ الْجَنَّةِ وَأَنْ تَفْعَلَ
بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَهْلَ التَّقْوَى وَيَا أَهْلَ الْمَغْفِرَةِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَبَعْدَ ازَانِ هر حاجت كه دارى
بر او رده است بخواند كه خواندن اين دعا در روز مباهله سنت است
و شيخ طوسى عليه الرحمه بيرون از اين روز روايت كرده است و ان روايت
مذكوره معلوم ميشود كه در همه وقت ميتوان خواند و دعا خلاصه
همك ميان روايات و انچه در اينجا ذكر شده است موافق روايت شيخ است
و روايت ديگر ابن جمله در رساله ديگر ايراد نموده ام و شيعيه اين دعا
در سحرهاى ماه مبارك رمضان و روزها بى ان بيرون از شش است بتخصيص
نسيار و از عظيم ترين دعا است على الخصوص از انجهت كه شيخ طوسى و ديگران
نسيند معتبر از حضرت موسى بن جعفر روايت كرده اند كه روز مباهله

بیست و چهارم ماه ذی الحجه است و در این روز احبه خواهی از نماز بکن
و هر دو رکعت نماز که بکنی بعد از آن هفتاد مرتبه استغفر الله ربی و اتوب
الیه بگو و بر تعقیب ایستی و بموضع سجود خود نظر میکنی و اینده عا را میخوانی
و باید با غسل باشی و بروایت دیگر فرموده که روز بیست و چهارم روز مباهله
است باید که این روز را روزه بداری شکر حق تعالی را بر این نعمت عظمی و غسل بکن
و با کیزه ترین جامها بخود را به پوش و با بچه توانی از بوی خوش خود را خوشبو
بکن و باید که با رام دل و آرام تن باشی و اگر در یکی از مساجد مشرفه باشی
نزدان ضریح مقدسه حاضر شوی و الا بجائی که بروی بر کوه بلندی
برآئی با بصحرائی بروی و باید که از منزل خود بیرون روی و غسل کنی و بهترین
جامها بخود را بپوشی و چون بمحل دعا خواندن رسی دو رکعت نماز بکنی با آنچه
و شرایط و بعد از سلام هفتاد مرتبه استغفر الله ربی و اتوب الیه بگو پس این دعا
اسمان نظر کنی و اینده عا بخوانی و بعد از آن فرموده که باز هر دعائی که
خواهی بکن باز دو رکعت نماز الحمد لله رب العالمین الحمد لله فاطر السموات
بکن و دعا این است
و الارض الحمد لله الذی له ما فی السموات و ما فی الارض الحمد لله
الذی خلق السموات و الارض و جعل الظلمات و النور ثم الذین
کفروا بربهم یعدلون الحمد لله الذی یحیی ما کنت به جاهلا و لولا
تعریفه ایای لکنت هالکا اذ قال و قوله الحق قل لا اسئلکم علیه
اجرا الا المودة فی القربی فبیان لی القرابة و قال سبحانه انما
یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا فبین
لی اهل البیت بعد القرابة ثم قال تعالی فتیناعن الصادقین الذین
امرتنا بالکون معهم و الورد الیهم بقوله سبحانه یا ایها الذین امنوا
اتقوا الله و کونوا مع الصادقین فاوضح عنهم و ابان عن صفتهم بقوله
جل شانه و فضل تعالوا ندع ابناءنا و ابناءکم و نساءنا و نساءکم و انفسنا
و انفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله علی الکاذبین فلما ترکنا
و ذلک المرجیت هدیتنی و ارشدتنی حتی لا یخفی علی الاهل و البیت
و القرابة فمن منی نساءهم و اولادهم و رجالهم اللهم انی اقربک
الیک بذلک المقام الذی لا یکون اعظم منه فضلا للمؤمنین و له
اکثر منه رحمة لهم بعد لیک ایاهم شانه و ابانک فضل اهله الذین
هم ادحضت باطل اعدائک و ثبت بهم قواعد دینک و لولا هدا لمقام
المحمود الذی نقدتنا به و دللتنا علی اتباع المحقین من اهل بیت

نبیک الصادقین علیک الذین عصمتهم من لغو المقال ومدانس الاوصاف
بخصم اهل الاسلام وظهرت کلمة الالحاد وفعل اولی العناد فلک
الحمد ولک المن ولک الشکر علی نعمائک وآیادیک اللهم فصل علی محمد
وآل محمد الذین افترضت طاعتهم وعصمت بی رقابنا ولا بهم واکرمتنا
بمعرفتهم وشرفتنا باتباع آثارهم وثبتنا بالقول الثابت الذی عرفتنا
فاعنا علی الاخذ بما بصرتناه واجز محمدا عنا افضل الجزاء وما نصح
لخلقک وبذل وسعه فی ابلاغ رسالاتک واحطر بقبضته فی قائمه
دینک وعلی اخیه ووصیه والمهاد بی من بعده الی دینه والمفهم بسنته
علی امیر المؤمنین صلوات الله علیه وصل علی الائمة من ابنائه
الصادقین الذین وصلت طاعتهم بطاعتک وادخلتنا بفضائلهم
الکرامة یا ارحم الراحمین اللهم هؤلاء اصحاب الکساء والعباء
یوم المباهلة اللهم اجعلهم شفعاءنا واسئلک بحق ذلک الیوم

المقام المحمود والیوم ان تغفر لی وتتوب علی انک انت التواب الرحیم
اللهم انی اشهدک انی ارتضیهم وطینتهم وهی الشجرة التی طاب اصلها
وفرعها واعتصالها واوراقها اللهم ارحمنا بحبهم وابرئنا من عداوتهم
الحری فی الدنیا والاخرة بولایتهم واوردنا موردا الامن من اهواله
یوم القیامة بحبهم واقرارنا بفضلهم واتباعنا آثارهم واهتداءنا
بهداهم واعتقادنا ما اعتقدوناه من توحیدک ووقفونا علیه من عظیم
شأنک ونقدیس اسمائک وشکر الائک ونفی الصفات ان تحلک
والعلم ان یحیط بک والوهم ان یقع علیک فانک فهمتهم نجحا علی
خلقک ودلالا علی توحیدک وهداة بینة علی امرک وهدیتهم الی دینک
ونوضیح ما اشکل علی عبادک وبابا للمعجزات التی تعجز عنها غیرک وهیا
بینهم حجتک وندعوا الی تعظیم السفیر بینک وبین خلقک وانت المنفضل
علیهم حیث فرنهم من ملکوتک واختصصتهم بسرک واصطفیتهم

لوحيك واورثتهم غوامض علمك ولمك رحمة لخلقك ولطفا بعبادك
وحنانا على بريتك وعلما تنطوي عليه ضمائرهم من مكنون
من شأنك صفوتك وطهرتهم في منشئهم ومبتدئهم وحرسته
من نقث نافث اليهم وارتبهم بزهاتا اجل من عرض لسوءتهم فاستجابوا
لامرك وشغلوا انفسهم وملئوا انجراءهم من ذكرك وعمروا قلوبهم
بتعظيم امرك وحرزوا اوقاتهم فيما يرضيك واحلوا دخائلهم من معاقد
الخطرات الشاغلة عنك فجعلت قلوبهم مكامن لارادتك وعقولهم
مناصب لامرك وهمتهم تراجمة لسننك ثم اكرمتهم
بنورك حتى فضلتهم من بين اهل زمانهم والامر بين اليهم فخصصتهم
بوحيك واترلت اليهم كتابك وامرتنا بالتمسك بهم والود لهم
والاستنباط منهم اللهم فانا قد تمسكنا بكتابك وبعترة نبيك
صلواتك عليهم الذين اقمتهم لنا دليلا وعلما وامرتنا باتباعهم

ومكسر الاصنام ولوم لائم ناخذه في الله لومة لائم صلى الله عليه
و آله ما طلعت شمس النهار و اورقت الاشجار و على النجوم المشرقات
من عشيره و الحج الواضحات منزه ربه و امينه عالم بحسب سنده و متن
اصح ادعيه است و دیگر اینکه
منیر که روز بیست و پنج است و مشهور آن است که در این روز سوره کریمه
هل اتی در شان حضرت امیر المؤمنین و فاطمه زهرا و امام حسن و امام
حسین نازل شد بسبب انکه امام حسن و امام حسین بیمار شدند و حضرت
رسول بعیادت ایشان رفت و امر فرمود که حضرت امیر المؤمنین و حضرت
فاطمه و امام حسن و امام حسین نذر کردند که اگر خدا ایشان را عافیت
دهد سه روز روزه بگیرند و چون خدا کرامت کرد عافیت آن چهار بزرگوار
بافضه خادمه ایشان روزه گرفتند و نداشتند چیزی که بان افطار کنند
پس حضرت امیر المؤمنین مقداری پشم از شمعون یهودی گرفت باسه صاع
از جو که حضرت فاطمه صلوات الله علیها هر یک روز ثلث از پشم را ابریشند
و یک صاع از جو را بمزد خود بردارد پس در روز اول حضرت فاطمه صلوات الله
علیه قدر ثلث از پشم گرفت و ریسید و بمزد ان صاعی از جو برداشت و ارد کرد
و پخت گرده نان بخت و چون حضرت امیر المؤمنین با حضرت رسول صلوات الله
علیهما نماز شام کرد و بخانه برگشت و حضرت فاطمه پخ کرده نان را حاضر کرد
و خواستند که افطار کنند مسکینی بر در خانه ندا کرد که السلام علیکم
ابی اهل بیت محمد صلی الله علیه من مسکینی ام از مسکینان مسلمانان
مرا طعام دهید تا خدا شما را طعام دهد از مائده های بهشت پس حضرت
امیر المؤمنین ابتدا کرد و فرمود که من نان خود را میدهم و شما اهل
بافضه با ان حضرت موافقت کردند و نانها بخود را بسایل دادند و نایب

افطار کردند و روز دیگر باز روزه داشتند و باز حضرت فاطمه صلوات الله
علیها بمزد ریسمان ثلث دیگر از پشم بکصاع دیگر باز برداشت و ارد کرده و
پخ کرد دیگر بخت و چون خواستند که افطار کنند سائلی بر در خانه امد و صدا
زد که السلام علیکم ابی اهل بیت محمد من یتیمی از اولاد مهاجرین و پدرم در
روز عقبه شهید شده است مرا طعام دهید تا خدا شما را از خالهای بهشت
طعام دهد پس حضرت امیر المؤمنین نان خود را داد و بعد از ان فاطمه زهرا
و بعد از ان حسن و حسین خدا و بعد از الها فضه سعادت مند همگی ان
نانها بخ در زاویه بنیم دادند و باب افطار کردند و در روز سیم روزه داشتند باز
حضرت سید الشهداء در روز سیم بقیه پشم ریشت و بقیه جو را کرفت و در سیا
خود کرده و پخ کرده نان بخت و چون حضرت امیر کبیر از نماز برکشت و حضرت
فاطمه طعام را حاضر کردند که افطار نماید ناکاه اسیری از اسیران کافران
ندا کرد که السلام علیکم ابی اهل بیت ما را اسیر میکنید و طعامی نمیدهید
که بخوریم پس بخ شهای سابق همه کرده ها بی نمک را دادند و باب
بخ افطار کردند حق تعالی سوره کریمه هل اتی در شان ایشان فرستاد
و در ان سوره اشاره بانیقضیه نمود که یوفون بالنذر و یخافون یوما کان
شره مستطیرا و یطعمون الطعام علی حبه مسکینا و یتیما و اسیرا انما
نطعمکم لوجه الله لا نرید منکم جزاء و لا شکورا انا نخاف من ربنا یوما
عبوسا قمطریرا یعنی وفا میکنند بنذر و میترسند از روزی که شر ان آکنده
خلق را فرا کرفته است و میخورانند طعام را با خواهش و محبت ان را از برای
محض محبت خدا بمسکین و یتیم و اسیر و میکویند یعنی در دل خود و بایشان
یا بیننت که ما طعام بمیدهیم شما را مکر از برای رضای خدا نمیخواهیم
نه جزا و نه یاداشتی و نه شکر و ثنائی را ما میترسیم از روزی که در ان روز
شدت و هول است و چون در روز چهارم که بیست و پنج ذی الحجه است
سوره هل اتی در مدح ایشان نازل شد حضرت رسول بخانه اهل بیت

امد و ایشانرا بآن شدت کرسنگی و احوال غریب مشاهده نمود و گریه
شدید و فرمود این چه حالت است که در شما مشاهده مینمایم و امام
حسن و امام حسین صلوات الله علیهما را دید که از شدت جهد و
کرسنگی مانند جوجه که از نخم بیرون آید میلرزند و حضرت فاطمه صلوات
الله علیها در محراب بعبادت ایستاده بود و شکم مبارکش بپشت چسبیده
بود و چشمها بزیر فرو رفته بود و چون از نماز فارغ شد حق تعالی خوانی
از بهشت برای حضرت فاطمه صلوات الله علیها فرستاد که در آن کاسه
بود و کوشت و طرید کرم در آن میان بود که میجوشید و بوی بهتر از بوی
مشک از آن ساطع بود پس حضرت فاطمه آنخوانرا در حضرت رسول او در حضرت
فرمود و بفاطمه بنرا از کجا آورد و بکفت از جانب خدا است خدا
هر که را خواهد روزی میدهد بیحساب حضرت فرمود الحمد لله که ترا
نرفتم تا در اهل خود شبیه مریم نباشد و عیسی نزاییدم پس از آن شاول
نمودند تا هفت روز میخوردند و تمام نمیشد و حضرت صادق فرمود
که آن کاسه نزد ما است و حضرت صاحب الامر آنرا اظهار خواهد کرد و
از آن طعام بهشت تناول خواهد نمود و شیخان بنرا بنروایت زراره و
ما بعد بطرق دیگر روایت کرده اند و تفصیل این قضیه زاد در شاکث
ذکر کرده ایم پس مناسب است که شیعیان اهل بیت در زمان امام تا سی تمام
بمنزل خود در نصف شعبان بروند و بیتیمان و مساکین سعی کنند و در اطعام
و شبع مفید علیه الرحمه کفته است که مستحب است که این روز را روزه
بدارند برای شکر بنزول سوره هل اتی در شان آل عبا مناسب است عمل
زیارت وزیارت ائمه و وزیارات جامعه را خواندن در این روز مناسب است
و چون بعضی از علما این روز را روز مباهله میدانند دعای مباهله
در این روز خواندن بسیار خوب است و بدست طاهر شیخ بنا بر مشهور عمر علیه اللعنه
خنجر بر شکمش زدند و باین سبب نجاسه بر کت دارد و در این روز بست و هفتم

مروان که خلفای بنی امیه است بجهنم واصل شد است و دولت ملعونه
بنی امیه لعنهم الله بوطرف شد پس در این روز شکر این نعمت باید کرد و بعضی
کفته اند که حضرت امام علی نقی در این روز متولد شده است و در روز دهم
نیز بنا بر مشهور عمر باسفل السافلین منتقل کردید است و باین سبب فضیلت
عظیم دارد و در روز اخر ذی الحجه است که افضل ایام العرب است روایت کرده اند
که شیث است که دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت یکمرتبه سوره قدر و ده مرتبه
سوره قل هو الله احد و ده مرتبه آیة الکرسی بخواند و بعد از سلام اینها را
بخواند اللهم ما عملت من عمل تهینی عنه و لم ترضه و نسیته و لم
دعا ابنت خاله ابو کریب و ابو سعید و ابو هریره و ابو امامه و ابو ذر و ابو درداء و ابو ایوب انصاری
و دعوتنی الی التوبه بعد اجزائی علیک اللهم فانی استغفرک منه
فاغفر لی و ما عملت من عمل تقربنی الیک فاقبله منی و لا تقطع رجائی
منک یا کریم زیارت در بیان اعمال ماه محرم است و در آن سه فصل است
فصل اول در اعمال روز اول ماه محرم است از حضرت امام رضا
منقول است که حضرت رسول در روز اول محرم دو رکعت نماز میکردند و چون
از نماز فارغ میشدند دست بدعا اللهم انت الالة القدیم و هذه
سنة جدیدة قد سئلک فیها العصمة من الشیطان و القوة علی هذه
النفس الامارة بالسوء و الاشتغال بما یقربنی الیک یا کریم یا ذا الجلال
و الاکرام یا عماد من لا عماد له یا ذخیرة من لا ذخیر له یا حرز من لا حرز

الٰه یا غیاث من لا غیاث له یا مسند من لا مسند له یا کنز من لا کنز

له یا حسن البلاء یا عظیم الرجاء یا عز الضعفاء یا منقذ الغرقی یا

منجی الهلکا یا فاتح یا علیم یا مجمل یا مفضل یا محسن انت الذی تجد لک

سواد اللیل و نور النهار و ضوء القمر و شعاع الشمس و دوی الماء

و حفیف الشجر یا الٰله لا شریک لک اللهم اجعلنا خیرا مما یظنون و اغفر

لنا ما لا یعلمون و لا تواخذنا بما یقولون حسبی الله لا الٰه الا هو علیه

توکلت و هو رب العرش العظیم امنا به کل من عند ربنا و ما یذکر

الا اولوا الالباب ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا و هب لنا

من لدنک رحمة انک انت الوهاب و چون حضرت سید الشهدا

امام حسین را در دهم ایشان

بسعادة شهادة فایز گردانید و در اکثر ایام محزون و غمگین بودند و اجنا

موحشه با ایشان میرسید باید که شیعیان ایشان در مجموع این دهه

بلوازم تعزیه ان حضرت قیام نمایند و محزون و اندوه ناک

باشند و اخبار و احادیث که مشتمل بر ذکر مصایب ایشان باشد بخوانند

و بعضی از علما گفته اند که ترک بعضی از لذات بکنند و از حضرت امام

رضا منقول است که ما محرم ما هی بود که کافران در ایام خیک کرده و احرام

سیدا دانستند و مناقضان این امت خون ما را حلال دانستند و هتک

حرمت ما کردند و زنان و فرزندان ما را اسیر کردند و آتش در خیمها

ما زدند و اسباب و اموال ما را غارت کردند و حرمت حضرت رسالت

پناه را در حق ما رعایت نکردند بدرستی که حضرت امام حسین چشمها

ما را مجروح کرد انید و آب دیده های ما را جاری ساخته و عزیزان ما را

ذلیل کرد انید و واقعه کرب و بلا را برای ما مهیا کرد انید نارو نوفیا

پس باید که بر مصیبت ان حضرت گریه کنند کسان بگریند بدرستی که گریه

بر ان حضرت گناهان بزرگ را برطرف میکند پس فرمود که پدرم امام موسی

چون ماه محرم داخل میشد کمتر ان خندان دیده میشد و اثر حزن و اندوه

بر ان حضرت ظاهر بود در مجموع دهه اول ماه محرم و چون روز دهم میشد

روز گریه و مصیبت و اندوه او بود و میگفت که امروز روز شهادت حسین

و در حدیث معتبر دیگر فرمود که چون حسین شهید شد اسمان و زمین

خون و خاک سرخ بارید اگر بر ان حضرت اندک گریه کنی که اب دیده بر تو

نوجار بگرید حق تعالی گناهان کثیر ترا بیامرزد پس فرمود

که اگر خواهی که پیوسته بمیری بر تو هیچ گناهی نباشد زیارت کن حضرت امام

حسین را و اگر خواهی که در عرصات ایمن باشی لعنت کن بر قاتلان

امام حسین و اگر خواهی ثواب شهیدان کربلا داشته باشی هر روز

مصیبت ان حضرت را بیاد اور و بر ان بگریان کنت معهم فافوز فوزا عظیما

یعنی اگر با شکی میبودم با ایشان پس رستگاری میابم رستگاری را

خواهی در درجات عالیه تا ما با شی از برای اندوه ما اندوهناک و از برای

شادی ما شاد باش و بالله روزه ماه محرم مستحب است و از حضرت

امام رضا منقول است که در روز اول محرم حضرت ذکریا دعا کرد و از حق

تعالی فرزند طلبید خدا دعای او را مستجاب میکند و حضرت یحیی را

باو عطا کرد پس هر که این روزه دارد و دعا کند خدا دعای او را مستجاب

کرده‌اند چنانکه دعاهای زیارتها مستحب گردیده مفید علیه الرحمة
گفته است که روز سیم محرم روزه مبارکی است و در اخبار روز حضرت یوسف
از چاه برآمد هرکه این روز را روزه دارد حق تعالی کارهای صعب را بر او
آسان گرداند و غمهای او را زایل گرداند و بهتر از این است که روز نهم و دهم را
روزه ندارد زیرا که بنی امیه امید روز را برای برکت و شماتت بر قتل
ان حضرت روزه میداشتند و احادیث دیگر دارد در فضیلت این روز و روزه
افطار حضرت رسول گفته اند و از طریق اهل بیت احادیث دیگر دارد در مدت
روزه این روز خصوصا روز عاشورا وارد شده است و ابن بابویه
علیهم اللعنه از برای هرکه اذیت نماید سال را در روز عاشورا در خانه ذخیره
میکرده اند لهذا از حضرت امام رضا منقول است که هرکه ترک کند سعی در حوائج
خود را در روز عاشورا او بی کاری نرود حق تعالی حوائج دنیا و آخرت او را برآورد
و هرکه روز عاشورا را روز مصیبت و اندوه و گریه او باشد حق تعالی روز
قیامت را روز فرح و سرور و شادی او گرداند و دیده اش در بهشت بنا روشن
گردد و هرکه روز عاشورا را روز برکت نامد و از برای منزل خود در این روز
چیزی ذخیره کند خدا آن ذخیره را برو مبارک گرداند و در روز قیامت با یزید
و عبید الله بن زیاد و عمر بن سعد علیهم اللعنه محشور گردد پس باید که در روز
عاشورا از امی مشغول کاری از کارهای دنیا نگردد و مشغول گریه و نوحه و
مصیبت باشد و امر کند اهل خانه خود را که تعزیه ان حضرت را بدارند و مشغول
ماتم باشند چنانکه در ماتم عزیزترین اولاد و اقارب خود میباشند و در این
روز امساک کند از خوردن و آشامیدن بی انکه قصد روزه کند و در این
روز بعد از عصر افطار کند اگرچه بیک شربت آبی باشد و روزه تمام ندارد
مگر انکه در خصوص ان روز روزه واجبی داشته باشد که نذر یا مثل
ان بر او واجب شده باشد که ان روز را باید بگیرد و در ان روز را در
در خانه ذخیره نکند و نخندد و مشغول لهو و لعب نگردد و هزار مرتبه

برفانلان ان حضرت لعنت کند بگوید اللهم العن قتلة الحسین و اصحابه
و در روایتی وارد شده است از حضرت صادق که هرکه در روز عاشورا
هزار مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند خدا و ندکریم نظر رحمت بسوی
او بکند و هرکه خدا رحمت باو کند هرگز او را عذاب نکند و در شب عاشورا
باید که احیا کند بگریه و حزن و اندوه برای ثانی بحضرت امام حسین
و اصحاب او که در آن شب در صحرای کربلا بیش هزار نفر از کافران بجهنم
تا صباح احیا کردند بعبادت و بهمین سعادت شهادت میکردند فضل الهی
در زیارت مشهور ان حضرت است در روز عاشورا و فضیلت زیارت ان
حضرت در شب و روز عاشورا اشد و معتبر از حضرت صادق منقول
است که هرکه در شب عاشورا نزد قبر ان حضرت باشد و ان حضرت را زیارت
کند در روز قیامت محشور گردد بجوار خود او و بهبیات شهدا کربلا
در میان ایشان محشور گردد و هرکه در شب و روز عاشورا زیارت کند
ان حضرت را چنان باشد که در پیش روی ان حضرت شهید شده باشد
تنبیه صحیح از ان حضرت منقول است که حضرت امام حسین را در روز
عاشورا زیارت کند همچنان او را واجب کرده و فاما زیارته شیخ طوسی و ابن
قولویه و غیر ایشان رحمة الله علیهم روایت کرده اند از سیف بن عمیره
و صالح بن عقبه و هر دو از محمد بن اسمعیل و علقمه بن محمد حضرمی و هر سه
از مالک جهنی که حضرت امام محمد باقر فرمود که هرکه زیارت کند حضرت
امام حسین را در روز دهم محرم یا نزدیک بر ان حضرت گریان شود ملائکه
کند خدا او را در روز قیامت با ثواب دو هزار حج و دو هزار عمره و دو هزار
جهاد که هر یک را با رسول خدا و ائمه طاهرین کرده
باشد مالک گفت فدای تو شوم چه ثواب است برا کسی که در شهر بیاید
باشد و ممکن نباشد او را در ان بسوی قبر ان حضرت فرمود که چون روز
عاشورا در آید بپرون رود بسوی صحرا یا بالای خود برنام بلند تر در خانه

خود و اشاره کند بسلام و حمد کند و در تکبیر کردن بر فائل از حضرت
و بعد از ان دو رکعت نماز کند و بعد از ان بکار دیگر و اول روز میش از
بگل ندبه و گریه و نوحه کند و حسین و امر کند هر که را که در خانه او
و از وقتیه نکنند بگریه کردن بر ان حضرت و در خانه خود مصیبتی برپا کند
باظهار جزع بر ان حضرت و ملائکه کنند بعضی از ایشان بعضی را در خانه
های خود بگریه کردن و نغره کوبند بعضی از ایشان بعضی را مصیبت
ان حضرت پس من ضامنم بر خدا که اگر این کارها بکند حضرت الی جمیع ان
نوائبها را با ایشان عطا فرماید مالک گفت نوضا میبی و گفتیل از برای
باین ثواب فرمود که بلی پرسید که یکبار چگونه نغره بکوبند فرمود
عظم الله اجورنا بصابنا بالحسین علیه السلام وجعلنا و ایاکم
من الطالبین بثاره مع ولیه الامام المهدی من ال محمد علیهم السلام
و اگر توانی ان روز از برای هیچ کار از خانه بیرون مرو که ان روز مخصوص است
که حاجت هیچ مومن در ان روز برا و رده نمیشود و اگر برا و رده شود مبارک
بیشت و در ان خیری و رشدی بخواهد و ذخیره مکن از برای منزل
خود چیزی که هر که در این روز از برای منزل خود چیزی ذخیره کند از برای
او مبارک نیست انچه ذخیره کرده است و اهلش که از برای ایشان ذخیره کرده
است مبارک نخواهد بود از برای او پس گفتی که چنین او کند از برای
او نوشته شود ثواب هزار هزار حج و هزار هزار عمره و هزار هزار جهاد
که هر یک را با رسول خدا کرده باشد با کشته باشد او روزی که خدا
دنیا را خلق کرده باشد تا روز قیامت علقمه بن محمد گفت که من گفتم بحضرت
امام محمد باقر که تعلیم نما بمن دعائی که بخوانم در این روز هر گاه خواهم
که اشاره کنم از نزدیک و دور و ان حضرت او دعائی که هر گاه در شهر

دور خواهم که اشاره کنم و ان حضرت را زیارت کنم بخوانم فرمود که ای علقمه
هر گاه بگوئی ان دو رکعت نماز کند و بعد از انکه اشاره کرده باشی بجانب ان حضرت
بسلام و گفته باشی بعد از نماز و اشاره ان قول را که مذکور خواهد شد
پس دعا کرده خواهی بود بدعائی که ملائکه میخوانند در وقتی که زیارت
ان حضرت میکنند و میشوند خدا برای تو ان زیارت هزار هزار حسنه
و محو میکند از تو هزار هزار گناه و بلند میکند برای تو در بهشت هزار
هزار درجه و خواهی بود از انها که شهید شده با حسین بن علی تا انکه شریک
تو می با ایشان در درجات ایشان و شان باشند تو را مگر از انها با انحضرت
شهید نشده باشند و نوشته شود برای تو ثواب هر پیغمبری و رسولی و ثواب
زیارت ان هر که ان حضرت را زیارت کرده است از روزی که شهید شده
السلام علیک یا ابا عبد الله السلام علیک یا ابن رسول الله السلام
علیک یا ابن امیر المومنین و ابن سید الوصیین السلام علیک یا ابن
فاطمة سیدة نساء العالمین السلام علیک یا ثار الله و ابن ثاره و
الوتر الموتور السلام علیک و علی الارواح التی حلت بفنائک
علیکم منی جمیعا سلام الله ابدا ما بقیت و بقی اللیل و النهار
یا ابا عبد الله لقد عظمت الرزیة و جلت المصیبة بک علینا و علی
جمیع اهل الاسلام و جلت و عظمت مصیبتک فی السموات علی

جميع اهل السموات فلعن الله امة اسست اساس الظلم والجور عليكم
اهل البيت ولعن الله امة دفعتكم عن مقامكم واز التكم عن مراتبكم
التي رتبكم الله فيها ولعن الله امة قتلتكم ولعن الله الممهدين لهم
بالتمكين من قتالكم بوءت الى الله والبكم منهم ومن اشياعهم و
اتباعهم واوليائهم يا ابا عبد الله اني سلم لمن سالمكم وحرب
لحاربكم الى يوم القيامة ولعن الله آل زياد وآل مروان ولعن الله
بني امية قاطبة ولعن الله بني مرجانة ولعن الله عمر بن سعد ولعن الله
شمرا ولعن الله امة اسرجت والجمت وتنقبت ولهيات نفسي لك يا بن
انت وامي لقد عظم مصابي بك فاسال الله الذي اكرم مقامك
واكرمني بك ان يرزقني طلب ثارك مع امام منصور من اهل بيت محمد
صلى الله عليه واله اللهم اجعلني عندك وجيها بالحسين في الدنيا
والاخرة يا ابا عبد الله اني اتقرب الى الله والى رسوله والى امير

المؤمنين والى فاطمة والى الحسن واليك بموالاتك وبالبراءة ممن
قاتلك ونصب لك الحرب وبالبراءة ممن اسس اساس الظلم والجور
عليكم وابرء الى الله والى رسوله ممن اسس اساس ذلك وبنى عليه
بنيانه وجرى في ظلمه وجوره عليكم وعلى اشياعكم بوءت الى الله
والبكم منهم وتقربت الى الله ثم اليكم بموالاتكم وموالاة وليكم
وبالبراءة من اعدائكم والناصبين لكم الحرب وبالبراءة من اشياعهم
واتباعهم اني سلم لمن سالمكم وحرب لمن حاربكم وولي لمن والاكم
وعدو لمن عاداكم فاسال الله الذي اكرمني بمعرفتكم ومعرفة
اوليائكم وزرقني البراءة من اعدائكم ان يجعلني معكم في الدنيا
والاخرة وان يثبت لي عندكم قدم صدق في الدنيا والاخرة واسال
ان يبلغني المقام المحمود لكم عند الله وان يرزقني طلب ثاركم
مع امام مهدي ظاهر ناطق منكم واسال الله بحقكم وبالشان الذي

لكم عند الله ان يعطيني بمصابي بكم افضل ما يعطي مصابا بمصيبته
مصيبة ما اعظمها واعظم رزيتها في الاسلام وفي جميع اهل
السموات والارض اللهم اجعلني في مقامي هذا ممن تناله صلوا
ورحمة ومغفرة اللهم محيای محيا محمد وآل محمد ومماتي مماتهم
وآل محمد اللهم ان هذا يوم تبركت به بنو امية وابن آكلة الاكباد
اللعين ابن اللعين على لسان نبيك صلى الله عليه وآله في كل
موطن وموقف وقف فيه نبيك صلواتك عليه وآله اللهم
العن ابا سفيان ومعاوية ابن ابي سفيان ويزيد بن معاوية عليهم
منك اللعنة ابد الآبدين وهذا يوم فرحت به آل زياد وآل مروان
بقتلهم الحسين صلوات الله عليه اللهم ضاعف عليهم اللعن
منك والعذاب اللهم اني اتقرب اليك في هذا اليوم وفي موطني
هذا وايام حياتي بالبراءة منهم واللعنة عليهم وبالموالاة

وآل نبيك عليهم السلام بن صد بمرتبة اللهم العن اول ظالم ظلم
محمد وآل محمد وآخر تابع له على ذلك اللهم العن العصابة التي جاهدت
الحسين ونابعت وبايعت على قتله اللهم العنهم جميعا بس
مرتبة بگو السلام عليك يا ابا عبد الله وعلى الارواح التي حلت
بفنائك عليك مني سلام الله ابدا ما بقيت وبقي الليل و
النهار ولا جعله الله آخر العهد مني لزيارتك السلام على الحسين بن علي
علي بن الحسين وعلى اصحاب الحسين وبلي اللهم خص انت اول ظالم
يا اللعن مني وابدا به اولا ثم الثاني ثم الثالث ثم الرابع اللهم العن
يزيد بن معاوية خامسا والعن عبيد الله بن زياد وابن مرجانة وعمر بن
سعد وشمرا وآل ابي سفيان وآل زياد وآل مروان الى يوم القيامة
بس بسجده ميرود اللهم لك الحمد حمد الشاكرين لك على مصابهم الحمد
ومسئولي لله على عظيم رزيتي اللهم ارزقني شفاعة الحسين عليه السلام

يوم الورود وقبه بي قدم صدق عندك مع الحسين واصحاب

الحسين الذين بذلوا مهجهم دون الحسين عليه السلام علقمه

كه امام محمد باقر فرموده كه اگر توانى هر روز از حضرت او باين كيفيت زيارت

كنى بكن كه همه اين ثوابها براى تو خواهد بود و روايت كرد محمد بن خالد

طيالسى از سيف بن عميره كه گفت من با صفوان جمال و حماعلى از اصحاب

خود رفتيم بسوى نجف بعد از انكه حضرت صادق بمدينه برگشته بود ما نيز

بمدينه بيش از ما پس چون زيارت حضرت امير المؤمنين فارغ شديم صفوان

روبجود را كرد بسوى قبر حضرت امام حسين و گفت زيارت كنيد حضرت

امام حسين را از اين مكان از بالاى سر حضرت امير المؤمنين كه حضرت

امام جعفر صادق چنين كرد در وقتى كه من در خدمت او حضرت بودم پس

مكان شريف امدم بودم پس خواند صفوان ان زيارتى را كه علقمه از حضرت

امام محمد باقر روايت كرده است براى روز عاشورا پس دو ركعت نماز كرد

سر امير المؤمنين و وداع كرد بعد از نماز حضرت امير المؤمنين را و روى

قبر امام حسين كرد و ان حضرت را نيز وداع كرد و از جمله دعاها كه بعد

دو ركعت نماز با الله با الله با الله يا مجيب دعوة المضطرين يا كاشف

خواند اين دعا را

كرب المكروبين يا غياث المستغيثين و يا صريخ المستصرخين و يا

هو اقرب الى من حبل الوريد يا من يحول بين المرء وقلبه و يا من هو

بالمنظر الاعلى و بالافق المبين و يا من هو الرحمن الرحيم على العرش

استوى و يا من يعلم خائنة الاعين و ما تخفى الصدور و يا من لا

تخفى عليه خافية و يا من لا تشتبه عليه الاصوات و يا من تقاضت

الحاجات و يا من لا يثقله الحاح الملحين يا مدرك كل فوت و يا جامع

كل شمل و يا بارئ النفوس بعد الموت يا من هو كل يوم في شان يا قاضي

الحاجات يا منفس الكربات يا معطي السؤلات يا ولي الرغبات يا كافي

المهمات يا من يكفي من كل شيء و لا يكفي منه شيء في السموات و

الارض اسالك بحق محمد و علي و بحق فاطمة بنت نبيك و بحق الحسن

و الحسين فانهم لهم اليك وجاهة و لهم عندك شفاعة و لهم آنس و بهم

الشفع اليك و بحقهم اسالك و افهم و اعزم عليك و بالشان الذي

لهم عندك و بالقدر الذي لهم عندك و بالذي فضلهم على

العالمين و به انتهم و انت فضلهم من فضل العالمين حتى فاق

فضلهم فضل العالمين ان تصلي على محمد و آل محمد و ان تكشف عني

عني وهبني وكربي وتكفيني اللهم من امور دنياي وتقضي عني ديني وتجيرني
من الفقر وتخيرني من القاقة وتغنيني عن المسالة الى المخلوقين وتكفيني
هم من اخاف همه وعسر من اخاف عسره ومكر من اخاف مكره وبغي من اخاف بغيه
وشر من اخاف شره ومكر من اخاف مكره وبغي من اخاف بغيه
وجور من اخاف جوره وسلطان من اخاف سلطانه وكيد من اخاف
كيده ومقدرة من اخاف بلاءه مقدرته علي ورد عني كيد الكيدة
ومكر المكرة اللهم من اراد ني فارده ومن كادني فكده واصرف
عني كيده ومكره وبأسه وامانيه وامنعه عني كيف شئت وانى
شئت عني بنفير لا تجره وسيلا لا تسره وبفاقة لا تسدها ولسقم
لا تعافيه وذل لا تعزه وتمكنه لا تجبرها اللهم اضرب بالذل
نصب عينيه وادخل عليه الفقر في منزله والعلة والسقم في
بدنه حتى تشغله عني بشغل شاغل لا فراغ له والسنه ذكري

كما انت له ذاكر وخذ عني بسمعه وبصره ولسانه ويده ورجله وقلبه
وجميع جوارحه وادخل عليه في جميع ذلك السقم ولا تسقه حتى تجعل
ذلك له شغلا شاغلا عني وعن ذكري واكفني ما لا يكفي سواك
فانك الكافي لا كافي سواك ومفرج لا مفرج سواك ومغيث لا مغيث
سواك وجار لا اجار سواك خاب من كان رجاؤه سواك ومعتمده
سواك ومفزعه الى سواك ومهربه وملجاؤه الى غيرك فانت ثقتي
ورجائي ومفزعي ومهربي وملجائي ومنجاي فبك استفتح وبك
استنجح وبمحمد وآل محمد اتوجه اليك واتوسل واستشفع فاسالك يا
الله يا الله فلك الحمد ولك الشكر واليك المشتكى وانت المستعان
فاسالك يا الله بحق محمد وآل محمد ان تصلي على محمد وآل محمد وان تكشف عني
غمي وهمي وكربي في مقامي هذا كما كشفت عن نبيك همه وغمه وكربه
وكفيته هول عدوه فاكشف عني كما كشفت عنه وفرج عني كما فرجت

عنه واكفني كما كفيته واصرف عني هول ما اخاف هوله ومؤونته

ما اخاف مؤونته وهم ما اخاف همه بلا مؤونة علي تقضي من ذلك واجبر

بقضاء حوائجي وكفاية ما اهمني همه من امر اخرتي ودنياي

يا امير المؤمنين عليكما مني سلام الله ابدا ما بقي الليل والنهار و

لا جعله الله اخر العهد من زيارتكما ولا فرق الله بيني وبينكما اللهم

احيني حيوة محمد صلى الله عليه وآله وذريته وامتني مماتهم وتوفني

على ملتهم واحشرني في زمرتهم ولا تفرق بيني وبينهم طرفة عين

ابدا في الدنيا والاخرة يا امير المؤمنين وبابا عبد الله انتكما اكر

ربكما ومنتهى اليه بكما ومستشفعا بكما الى الله في حاجتي هذه فا

شفعا لي فان لكما عند الله المقام المحمود والجاه الوجيه والمنزل

الرفيع والوسيلة اني اتقلب عنكما منتظرا لنجح الحاجة ومقضيا

وتجابهما من الله شفيعا عنكما الى الله في ذلك فلا اخيب ولا يكون

منقلبي منقلبا راجحا مفلحا منجحا مستجابا بالقضاء جميع حوائجي و

تشفعا الى الله انقلب على ما شاء الله ولا حول ولا قوة الا بالله

مفوضا امري الى الله ملتجئا ظهري الى الله ومتوكلا على الله واقول

حسبي الله وكفى سمع الله لمن دعا ليس لي وراء الله ووراءكما بأسا

منهم ما شاء ربي كان وما لم يشأ لم يكن ولا حول ولا قوة الا

بالله استودعكما الله ولا جعله الله اخر العهد مني اليكما انصرف

يا سيدي يا امير المؤمنين ومولاي وانت يا ابا عبد الله يا سيدي

وسلامي عليكما متصل ما اتصل الليل والنهار واصل ذلك اليكما

غير محجوب عنكما سلامي ان شاء الله واسأله بحقكما ان شاء ذلك

وتفعل فانه حميد مجيد انقلبت يا سيدي عنكما آئبا حامدا لله

شاكرا راجيا للاجابة غير آيس ولا قانط آئبا عائدا راجعا الى

زیارتکما غیر راغب عنکما ولا من زیارتکما بل راجع عائد ان شاء الله

ولا حول

ولا قوة الا بالله یا سادتی رغبت الیکما والی زیارتکما بعد ان زهد

فیکما وفی زیارتکما اهل الدنیا فلا خیبنی الله مما رجوت وما املت

فی زیارتکما انه قریب مجیب سمیع بعمیره کهف من یصفوان کفتم کنز

علقمه اینرا از امام محمد باقر از پدرانش

ما روایت کردانید عازا نقل کرد صفوان کفت که من والد شدم

با سید خودم امام جعفر صادق پس کردانیدم در زیارت و

اینید عازا خواند در هنکام وداع بعد از انکه اندوده کفت نماز کرد و

وداع زا نجا اورد بعد از ان صفوان کفت که حضرت صادق من کفت

که لعا هذا بن زیارتزا و به خوان این دعازا و یا بن مخور زیارت کن که من ضامنم

بر خدا کر من هر کهر این زیارتزا بکند و اینید عازا بخواند از نزدیک و دور

زیارتش مقبول کردد و سعیش مزدداده شود و سلامش ان حضرت برسد

و محجوب نکردد و هر حاجت که از خدا بطلبد برا ورده شود کر چند حاجتش

بزرک باشد ای صفوان اینزیارتزا تا هین ضامنی از بدرکم شنیدم و بدیم

از علی بن الحسین تا هین ضامنی و او از امام حسن و او از امام حسین تا

هین ضامنی و او از کدرش امیر المؤمنین تا هین ضامنی و امیر المؤمنین

از رسول خدا تا هین ضامنی و رسول خدا صلی الله علیه و آله از جبرئیل

تا هین ضامنی و جبرئیل از خدا وند عالمیان تا هین ضامنی و بحقوق

که حق تعالی قسم بذات مقدس خود خورده است که هر کاه حضرت امام

حسین زا زیارت کند تا این روش از نزدیک یا دور و اینید عازا بخواند

زیارت او زا قبول کنم و هر حاجت که بطلبد برا ورم کر چند بزرک باشد

دعای زوال

وهر سوال که بکند عطا کنم و از درکاه من ناامید برکردد و او زایر کریان

شاد و خوشحال به برامدن حاجتش و غفرانشدن به بهشت و ازادشدن

از جهنم و از برای هر کهر شفاعت کند شفاعتش زا قبول کنم مکرانکه

ما اهل بیت ناشد و کواه کرفت خدا ما زا بر انچه کواه کرفته بود بر ان علاوه

ملکوت خود زا بدین جبرئیل کفت یا رسول الله حضرت عالی مژده شنوی نو فرستاده

است برای تبشارت و سرور و خوشحالی تو و تبشارت و شادی علی بن ابی

طالب و فاطمه و حسن و حسین و امامان از فرزندان تو تا روز قیامت شنید

حضرت صادق فرمود که ای صفوان هر کاه تو زا حاجتی هم رسد بسوی خدا

اینزیارتزا بکن هر جا که باشی و اینید عازا به خوان و از برورد کار خود حاجت

خود را بطلب که البته برا ورده شود و حق تعالی خلف وعده خود نمیکند

مولف کوید که چون عنایت حدیث کنوکش عظیمی دارد و قابل احتمال تشبیه

هست اکر اول و بارت السلام علیک یا ابا عبد الله زا تا و آل بیتک

علیهم السلام زا بخواند و نماز زیارت بر ا بکند و باز همان زیارتزا اعاده

کند بهتر است و اکر بعد از صد مرتبه لعنت باز دیکر نماز بکند و بعد

از صد مرتبه سلام باز دیکر نماز بکند و متصل بسجده و بعد از سجده نیز

نماز بکند شاید بجمیع احتمالات عمل کرده باشد و اکر یکی از زیارات بعیده

زا بعمل اورد و نماز بکند و بعد از ان این عمل زا بعمل اورد ظاهرا کافی باشد

و اکر زیارت امیر المؤمنین زا با این زیارت ضم کند بهتر است خصوصا هر کاه

اینزیارتزا نزد ضریح حضرت امیر المؤمنین بعمل اورد و چون در حدیث بجوز

کردن این زیارت در هر وقت وارد شده است اکر در غیر روز عاشورا کفته

شود اللهم ان هذا یوم تبرکت به بنو امیة بکوید اللهم ان هذا یوم

مثل الحسین صلوات الله علیه یوم تبرک به بنو امیه فصل سیم در شایر

زیارات اینروز است و از جمله انها زیارتی است که سند صحیح عبد الله

سنان روایت کرده است که رفتم بخدمت حضرت صادق در روز عاشورا

وان حضرت را شکسته زنک و اندوه نالهٔ دیدم و آب از دیده ها بی مانند
ان حضرت مانند مرواریدی میریخت گفتم با این رسول الله سبب گریه
شما چیست خدا همیشه گرداند دیده ها شما را گریان گفت حضرت فرمود
که مگر غافل و نمیدانی که در مثل این روز حضرت امام حسین شهید
شده است گفتم ای سید من چه میگوئی در روزه آمرزش فرمود که روز بداد
بر انکه شب نیت روزه بکنی و افطار بکن نه از روز شما است و یک روز تمام
میکنی و باید که افطار تو بعد از نماز عصر باشد یکساعت قبل از آن بود
که در این وقت جبرئیل بر طرف شد از آل رسول صلی الله علیه و آله و
در زمین سه نفر از اهل بیت وقوالی ایشان افتاده بود که همه مصیبت
در انها حضرت رسالت بود و اگر این حضرت در دنیا میبود با ایشان
حضرت را برای ایشان تعزیه بگویند پس ان حضرت چندان گریست که
دامنش مبارکش از آب دیده اش تر شد پس حضرت فرمود که بهترین کاری که
در این روز بکنی از آنست که جامهای پاکیزه به پوشی و استنها را نامرغ
بالا کنی پرسش مصیبت زدگان پس بیرون روی سوی بیابان نامکانی
که کسی ترا نه بیند یا خانه خالی از برای تقیه از دشمنان در وقت
پس چهار رکعت نماز بجا آوری با خشوع و خضوع و رکوع نیکو و بعد
از هر دو رکعت سلام بگوئی و در رکعت اول بعد از حمد سوره قل یا ایها
الکافرون بخوانی و در رکعت دوم سوره قل هو الله احد و در رکعت
دیگر در رکعت اول بعد از حمد سوره اخلاص بخوانی و در رکعت دوم
سوره اذا جاء نصر الله و اگر اینها را ندانی هر سوره که توانی بخوانی
پس بگریانی در وجود و ابتجانب روضه مقدسه ان حضرت و بخواطر او در
شهادت ان امام مظلوم و اولاد و اقارب و اصحاب ان جناب را و سلام کنی بر او
و صلوات فرستی بر او و لعنت کنی بر قاتلان او و بر او انت دیگر هزار مرتبه
لعنت کنی بر قاتلان ان حضرت که هر لعنتی هزار حسنه برای تو نوشته

میشود و هزار گناه از تو محو میشود و هزار درجه در بهشت از برای تو بلند
میشود و هیزان است که هزار مرتبه بگوید اللهم العن قتلة الحسین و اصحابه
پس فرمود که بعد از ان که از موضع گریه ایستاده چند گام پیش روی و بگوئی
انا لله و انا الیه راجعون رضا بقضائه و تسلیما لامره و اگر هفت مرتبه چنین
کنی بهتر است و فرمود که در جمیع این احوال باید که محزون و غمناک و گریان
باشی پس بجانب حرم برو و بگو اللهم عذب الفجرة الذین شاقوا رسولک و حاربوا
کریمی و بگوئی
اولیائک و عبدوا غیرک و استحلوا حرامک و الغی القادة و الاتباع
و من کان منهم ظلم و اوضع معهم او رضی بفعلهم لعنا کثیرا اللهم
و عجل فرج آل محمد و اجعل صلواتک علیه و استنقذهم من ایدی
المنافقین المضلین و الکفرة الجاحدین و افتح لهم فتحا یسیرا و اجعل لهم
روحا و فرجا قریبا و اجعل لهم من لدنک علی عدوک و عدوهم سلطانا
نصیرا پس دست بدعا بردار و دو صد کرت بگو شتمنان آل محمد را و بگو
اللهم ان کثیرا من الامة ناصبت المستحفظین من الائمة
و کفرت بالکلمة و عکفت علی القادة الظلمة و هجرت الکتاب و
السنة و عدلت عن الحجلین الذین امرت بطاعتهما و التمسک

بهما فما نالت الحق وحادت عن القصد وما لاذت الا خراب وحرقت
الكتاب وكفرت بالحق لما جاءها فاوتمسك بالباطل لما اعترضها
وضيعت حقك واضلت خلقك وقتلت اولاد نبيك وجيرته عنا
وحملته على ورثة حكمتك ووحيك اللهم فزلزل اقدام اعدائك
واعداء رسولك واهل بيت رسولك اللهم واخرب ديارهم واقلل
سلاحهم وخالف بين كلمتهم وقت في اعضادهم واوهن كيدهم
واضرب بهم بسيفك القاطع وازمهم بحربك الدامغ وطمهم بالبلاء
طما وقهم بالعذاب قما وعذبهم عذابا نكرا وخذهم بالسنين
والمثلات التي اهلكت بها اعداءك انك ذو نقمة من المجرمين
اللهم ان بنيك ضائعة واحكامك معطلة وغيرة بنيك في الارض
هامدة اللهم فاعز الحق واهله وافسخ الباطل واهله ومن علينا
بالنجاة وارشدنا الى الايمان وعجل فرجنا واظهر بفرجه اولياءك
واجعلهم لنا ذادة واجعلنا لهم وفقدا اللهم واهلك من جحد بوم
قتل بنيك وخيرك عنه واسهل به فرحا ومرحا وخذاخرهم كما
اخذت اولهم وضاعف اللهم العذاب والنكيل على ظالمي اهل بيت
نبيك واهلك اشياعهم وفادتهم وابر جماتهم وجماعتهم اللهم
وضاعف صلواتك ورحمتك وبركاتك على غيرة نبيك العفيف الصابغة
الحانفة المسددة له بقيه من التخرة الطيبة الزاكية المباركة
واعل اللهم كلمتهم وافلج حجتهم واكشف البلاء واللواء وحنادس
الاباطيل والعمى عنهم وثبت قلوب شيعتهم وحزبك على طاعتك
وولاتهم ونصرتهم وموالاتهم واعنهم وامنحهم الصبر على الاذى
فيك واجعل لهم ايادي مشهودة واوقاتا محمودة مسعودة تونسك
فيها فرجهم وتوجب فيها تمكينهم ونصرهم كما ضمنت لاوليائك
في كتابك المنزل فانك قلت وقولك الحق وعد الله الذين امنوا منكم

وعملوا الصالحات ليستخلفنهم في الارض كما استخلف الذين
من قبلهم ولتمكنن لهم دينهم الذي ارتضى لهم ولنبدلنهم من بعد
خوفهم امنا يعبدونني لا يشركون بي شيئا اللهم فاكشف غمهم يا
لا يملك كشف الضر الا هو يا واحد يا احد يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له
عندك الخائف منك والراجع اليك السائل لك المقبل عليك
اللاجئ الى فنائك العالم بانه لا ملجأ منك الا اليك اللهم وتقبل
دعائي واسمع يا الهي نداءي ونجواي واجعلني ممن رضيت عمله و
قبلت نسكه وبحبوحة برحمتك انك انت العزيز الكريم اللهم وصل
اولا وآخرا على محمد وآل محمد وبارك على محمد وآل محمد وارحم محمدا
وآل محمد بافضل ما صليت وباركت وترحمت على ابنيا انك
رسلك وملائكتك وحملة عرشك بلا اله الا انت اللهم و
لا تفرق بيني وبين محمد وآل محمد صلواتك عليه وعليهم و

وأجعلني من شيعة محمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين وذرياتهم
الطاهرة المنجبة وهب لي انفسكم بحبهم والرضا بسبيلهم و
الاخذ بطريقتهم انك جواد كريم بس بخشاينده بودود وطريقه روش جو
وبك يا من يحكم ما يشاء ويفعل ما يريد انك حكمت فلك الحمد
محمودا مشكورا تعجل يا مولاي فرجهم وفرجنا بهم فانك حكمت
اعزازهم بعد الذلة ونكثيرهم بعد القلة واظهارهم بعد الخمول
يا اصدق الصادقين ويا ارحم الراحمين فاسئلك يا الهي وسيدي
متضرعا اليك بجودك وكرمك بسط الامل والنجاح في امري وقبول
عملي وكثرة وزيادة في ايامي وتسليغ ذلك المشهد وان تجعلني ممن
فتجيب الى طاعتهم وموالاتهم ونصرهم وتربني ذلك فيها سريعا
في عافية انك على كل شيء قدير
اعوذ بك ان اكون من الذين لا يرجون
آياتك فاعذني يا الهي من ذلك
چون چنين كني اين عمل بهتر است از بزار

نوازیج هائی نسبتا روضه هائی نسبتا رکه مثال نسبتا ودکر الفاظ صرف نمایند
وبدن خود را دز الفاظ نصب نکنی واز اهل وعیال وفرزندان خود جدا نشوی
وبدان کنی که این نماز را در این روز یک بار و اینده نماز را از روی اخلاص بجا
خواند واین عمل را با یقین وتصدیق بجا اورد حق تعالی ده خصلت با بخشد
کند که از جمله انها انراست که از مرده های بد خط کند ما ند غرق شدن
وسوختن ودزد زیارت ماندن واما ل انها وتمامی دن وشنیدن واقساط
نکره دز وکاه دارد اورا از دنیا نکی وخوبه وبینی در خود ش ودر وفرزندان
تا چهار پشت وشبطا نواود وشیطان وناودان اورا مساط نکرد اندر او و
برچها رپشت زیارت زیارت دیکر زیارتی است که مشتمل است بر زیارت
شهدا ومتضمن تعزیت حضرت رسول خدا وائمه هدی صلوات الله
علیهم است ومناسب است در این روز خوانده شود واکر در این روز عاشورا
خوانده شود السلام علیک یا وارث ادم صفوة الله السلام علیک
یا وارث نوح نبی الله السلام علیک یا وارث ابراهیم خلیل الله السلام
علیک یا وارث موسی کلیم الله السلام علیک یا وارث عیسی روح الله
السلام علیک یا وارث محمد حبیب الله السلام علیک یا وارث علی امیر
المؤمنین ولی الله السلام علیک یا وارث الحسن الشهید سبط رسول
الله السلام علیک یا ابن رسول الله السلام علیک یا ابن البشیر
النذیر وابن سید الوصیین السلام علیک یا ابن فاطمة سیدة نساء

العالمین السلام علیک یا اباعبد الله السلام علیک ایها الصدیق
وابن صدیقه السلام علیک یا ثار الله وابن ثاره والوتر الموتور السلام
علیک ایها الامام الهادی الزکی وعلی ارواح حلت بفنائک وانا خ
فی جوارک ووفدت مع زوارک السلام علیک منی ما بقیت وبقی
اللیل والنهار ولقد عظمت تلک الرزیة وجلت المصاب فی المؤمنین
والمسلمین وفی اهل السموات اجمعین وفی سکان الارضین فا
لله وانا الیه راجعون وصلوات الله وبرکاته وتحیاته علیک
وعلی اباءک الطیبین المنتجبین وعلی زوارهم الهداة المهدیین السلام
علیک یا مولای وعلیهم وعلی روحک وارواحهم وعلی تربتک
وعلی تربتهم اللهم لهم رحمة ورضوانا وروحا وریحانا السلام
علیک یا مولای انا عبد الله وابن خادم النبیین وابن سید البرة
وابن سید نساء العالمین السلام علیک یا شهید ابن الشهید

السلام علیک ایها

يا اخا الشهيد يا ابا الشهداء اللهم بلغه عني في هذه الساعة

وفي هذا اليوم وفي كل وقت تحية كثيرة وسلاما

سلام الله عليك ورحمة الله وبركاته يا بن سيد العالمين وعلى

المستشهدين معك سلاما متصلا ما اتصل الليل والنهار السلام

على الحسين بن علي الشهيد السلام على علي بن الحسين الشهيد السلام

على العباس بن امير المؤمنين الشهيد السلام على الشهداء من ولد

امير المؤمنين السلام على الشهداء من ولد الحسين السلام على

الشهداء من ولد الحسين السلام على الشهداء من ولد جعفر وعقيل

السلام على كل مستشهد منهم من المؤمنين اللهم صل على محمد و

محمد وبلغهم تحية كثيرة وسلاما السلام عليك يا رسول الله احسن

الله لك العزاء في ولدك الحسين السلام عليك يا فاطمة احسن الله

لك العزاء في ولدك الحسين السلام عليك يا امير المؤمنين

احسن الله لك العزاء في ولدك الحسين السلام عليك يا ابا محمد

احسن الله لك العزاء في اخيك الحسين يا مولاي يا ابا عبد الله يا ضيف

الله وضيفك وجار الله وجارك ولكل ضيف وجار قرى وقراي منك

هذا اليوم ان كنال الله سبحانه وتعالى ان يرزقني فكاك رقبتي من النار

انه سميع الدعاء قريب مجيب وشيخ مفيد عليه الرحمه گفته است كه

چون گزارنده زيارت بمشهد حسين شب بيست ويكم محرم رفته حضرت

وامير المؤمنين واقع شد بايد كه روز را روزه بدارد بر انسكه ابن نعت

خطي وشيخ طوسي رحمه الله گفته است كه در روز هفدهم ماه محرم صحابه

قبل كه به جهة حراب كردن كعبه آمده بودند بر كشتند وعذاب بر ايشان

نازل شد ودر روز بيست ويكم انيما حضرت امام زين العابدين صلوات الله

عليه بعافيت اعلا از بحال نمود ودر هفدهم ماه صفر است وانيما مشهور

بنحوست ودر وجه منسوب اند گفته اند اول انكه موافق قول علماي شيعه وفات

رسالت پناه صلى الله عليه وآله در انيما واقع شده است دوم انكه در

ماه سوالي كه اشهر حرم اند چون عرب قتال نميكردند ودر انيما شروع بقتال

ميكردند لهذا بنحوست شمرده اند ودر احاديث شيعه نديديم چيزي كه دلالت

به نحوست كند ودر احاديث غير معتبره غائله وارد شده است وسيد بن

طاوس رضي الله عنه در بعضي از كتب معتبره روايت كرده است كه در

ستم انيماه مستحب است كه دو ركعت نماز بجا آورند ودر هر ركعت اول بعد

از حمد سوره انا فتحنا بخوانند ودر دوم سوره توحيد وبعد از سلام

صد مرتبه بگويند اللهم صل على محمد وآل محمد وصد مرتبه اللهم

العمر الى ابى عبد الله وصدر به استغفر الله واتوب اليه ودر روز بيست
ايضا مشهور است روز اربعين يعنى روز چهلم شهادت حضرت سيد الشهداء
صلوات الله عليه ودر كتب معتبره از حضرت امام حسن عسكرى عليه
السلام روايت كرده است كه علامت مؤمن پنج چيز است نماز پنجاه ويك ركعت
از فريضه ونافله در شب وروز وزيارت اربعين وانگشتر در دست راست
كردن وجبين زمين را در سجده شكر بر خاك ماليدن وبسم الله الرحمن الرحيم
بلند گفتن وكيفيت زيارت بسند معتبر روايت كرده است از صفوان
بن مهران كه گفت مولاى من حضرت صادق عليه السلام مرا فرمود كه روز زيارت اربعين كه
زيارت ميكنى حضرتش را السلام على ولى الله وحبيبه السلام على
كه روز بلند شده باشد
خليل الله ونجيبه السلام على صفى الله وابن صفيه السلام على
الحسين الشهيد المظلوم السلام على ابى الائمة الكرام ابن فاطمة سيدة النساء
اللهم انى اشهد انه وليك وابن وليك وصفيك وابن صفيك
الفائز بكرامتك اكرمته بالشهادة وحببته بالسعادة واجتبيته بطيب
الولادة وجعلته سيدا من السادة وقائدا من القادة وذائدا من
الذادة واعطيته مواريث الانبياء وجعلته حجة على خلقك من
الاوصياء فاعذر في الدعاء ومنحه النصح وبذل مجهوده فيك

ليستنقذ عبادك من الجهالة وحيرة الضلالة وقد توازر عليه من
غرته الدنيا وباع حظه بالارذل الادنى وشرى حزاه بالثمن الاوفى
وتغطرس وتردى في هواه واسخط مولاه واطاع من عباد
اهل الشقاق والنفاق وحملة الاوزار المستوجبين النار فجاهد
فيك صابرا محتسبا حتى سفك في طاعتك دمه واستبيح حريمه
اللهم فالعنهم لعنا وبيلا وعذبهم عذابا اليما السلام عليك
يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن سيد الاوصياء واشهد انك
امين الله وابن امينه عشت سعيدا ومضيت حميدا وامت فقيدا
مظلوما شهيدا واشهد ان الله منجز ما وعدك ومهلك من خذلك
ومعذب من قتلك واشهد انك وفيت بعهد الله وجاهدت في
سبيل الله حتى اتاك اليقين فلعن الله من قتلك ولعن الله من ظلمك
ولعن الله امة سمعت بذلك فرضيت به اللهم انى اشهدك انى

وَلِيِّ لِمَنْ وَالَاهُ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ

أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الطَّاهِرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ

الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَلَمْ تُلْبِسْكَ الْمُدْلَهِمَّاتُ مِنْ ثِيَابِهَا وَأَشْهَدُ أَنَّكَ

مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَأَرْكَانِ الْمُسْلِمِينَ وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ

الْإِمَامُ الْبَرُّ التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ

مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَأَعْلَامُ الْهُدَى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَالْحُجَّةُ

عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَأَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرَائِعِ دِينِي

وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سِلْمٌ وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ وَنُصْرَتِي لَكُمْ

مُعَدَّةٌ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ

وَعَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَعَلَى أَجْسَادِكُمْ وَشَاهِدِكُمْ وَغَائِبِكُمْ وَظَاهِرِكُمْ وَ

بَاطِنِكُمْ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ وَدَوْرَكْعَتَ نَمَازَ مِيكُنِي وَهَرْدُعَا كَهْ خَوَاهِي

عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ گفته است كه من بِرَايِ اين زيارت وداعي نافته ام كه

مخصوص است باين زيارت نابدكه باينى پيش دوجي ضريح وبكوئ السلام

عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى وَصِيِّ رَسُولِ

اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ الْحَسَنِ الزَّكِيِّ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ

عَلَى خَلْقِهِ فِي أَرْضِهِ وَشَاهِدَهُ عَلَى خَلْقِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَاعِدَ اللَّهِ

الشَّهِيدِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ

الصَّلَوٰةَ وَآتَيْتَ الزَّكَوٰةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَجَاهَدْتَ

فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ فَمُنِّنْ

يَا مَوْلَايَ زَائِرًا وَافِدًا زَاعِمًا مُقِرًّا لَكَ بِالذُّنُوبِ هَارِبًا إِلَيْكَ مِنَ

الْخَطَايَا لِتَشْفَعَ لِي عِنْدَ رَبِّكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ حَيًّا وَمَيِّتًا

فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامًا مَعْلُومًا وَشَفَاعَةً مَقْبُولَةً لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ

وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ حَرَمَكَ وَغَصَبَ حَقَّكَ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ

دَعَوْتَهُ فَلَمْ يُجِبْكَ وَلَمْ يُطِعْكَ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ مَنَعَكَ مِنْ شُرْبِ مَاءِ الْفُرَاتِ

لعضا كبير ابتبع بعضها بعضا اللهم فاطر السموات والارض عالم
الغيب والشهادة انت تحكم بين عبادك فيما كانوا فيه يختلفون
وسيعلم الذين ظلموا اي منقلب ينقلبون اللهم لا تجعله آخر
العهد من زيارته وارزقنيه ابدا ما ابقيتني وجيئني من يأتي
خشرف في زمرته يا ارحم الراحمين واكرز بارت روز عاشورا در اين
روز به خوانند مناسب است ويكر
مشهور آن است كه سبب تاكيد زيارت از حضرت در اين روز آن است
كه حضرت امام زين العابدين تا سال بعد در اين روز بعد از مراجعت
از شام بكربلا بي معلا وارد شد تل وسرهاي مقدس شهدا را از گودال
بدنهاي مقدس ايشان ملحق كردند واين تا بعيد است از جهات
بسيار كه ذكر آنها موجب تطويل است وبعضي گفته اند كه زائر اين روز را
عليهم السلام وارد مدينه طيبه شدند واين نيز بسيار بعيد است و
بعضي گفته اند كه شايد حضرت امام زين العابدين باخبار از وطي الارض
مخفي بكربلا بي معلا شده باشد از شام وسرها را به بدنها ملحق كرده
باشند واين ممكن است واقعا روايتي در اين باب بنظر نرسيده است بلكه
روايات في الجمله منافاتي دارد ووجهي كه از احاديث ظاهر ميشود آنست
كه اول كسي كه از صحابه حضرت رسالت پناه صلى الله عليه وآله بزيارت
از حضرت مشرف شد جابر بن عبد الله انصاري بود واو در اين روز بكربلا
رسيد واز حضرت زاد شهدا زيارت كرد وچون جابر از اكابر صحابه بود و
اساس اين امر عظيم را گذاشت ميتوانند كه سبب فرديد فضل زيارت ان

حضرت در اين روز شده باشد وشايد وجوه ديگر داشته باشد كه بر ما
مخفي باشد وچون در اين روز زيارت كند بايد كرد ونفحص بايستي ضرور
نيست ومشهور ميان علماي شيعه آن است كه وفات سيد انبيا صلى الله
عليه وآله در روز بيست وهشتم ماه صفر واقع شده است وشيخ طوسي
وجمعي ديگر گفته اند كه شهادت امام حسن مجتبى نيز در اين روز واقع شد
پس قيام تمام اسم تعريف باين دو بزرگوار روز زيارت ايشان از نزديك ودور مناسب
است وبلكه نه در ميان عوام وبلكه خواص نحوست چهار شنبه آخر صفر
شهرت دارد ودر كتب معتبره عامه وخاصه چيزي كه دلالت كند بر اين
نظر نرسيده واحاديث در نحوست مطلق چهار شنبه خصوصا چهار شنبه
آخر هر ماه وارد شده است وچون اينها منابر اسبابي كه مذكور شد نحوسيتي
ندارد ممكن است كه چهار شنبه آخر از سائر چهار شنبها نحوستش بيشتر
باشد واگر در آن روز فضيلتي آخر از طهارت استند دفع بلاها بقصد وفات
واستغاثات كه از ائمه صلوات الله عليهم وارد شده است بكند وتوكل
نمايند بر جناب مقدس الهي كه ان كفاره طيره است مناسب است واگر بلكه
متوجه باشد باينها دفع ميشود نه انكه بروش جهال عمل نمايند بحيوانات
كنند وبلهو ولعب وسور وسرور وساير اعمال منهيه مشغول شوند كه
مزيد واستحكام وقضاهاي اسماني وتقديرات اسماني گردد والله يعصمك
در تحصيل واعمال ماربيع الاول است ودر آن دو فصل است فصل اول در
واعمال روز اول ماربيع الاول است ودر آن چند امر است شيخ مفيد وشيخ طوسي و ديگران
رضي الله عنهم گفته اند كه حضرت رسالت پناه در شب اول ماربيع الاول
از اده هجرت نمود از مكه معظمه بسوي مدينه مشرفه ودر آن شب بغار ثور
وحضرت امير المؤمنين صلوات الله عليه جان شريف خود را فداي ان
جان مقدس حضرت رسول كرده ودر جاي آن حضرت خوابيد واز تمشيتها
كه در قبايل مشركين بود واكرده وفضل او بر جميع امت بلكه بر جميع عالميان

بر همکان ظاهر گردید و حق تعالی تا ملائکه بنمودن بان حضرت مباهات
نمود و او به کریمه و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله در شان
ان حضرت نازل گردید چنانچه تفصیلش در کتاب جوهرة الکلام مذکور است
و چون حق تعالی از روی لطف و احسان مقدر میفرماید که بندگان خود را از کید کفار ان خطه گرداند
انگاه که روزش که روز ... ماه ربیع الاول است مستحب است برای شکر
این نعمت عظیم روزه بدارند هر چند علما در بین روز زیارت ذکر نکرده اند
اما زیارت حضرت رسول و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیهما انروز
روز مناسب است بجهاتی که مذکور شد و شیخ طوسی در مصباح
گفته است که در روز اول ایام حضرت امام حسن عسکری بعالم بقا
از محال نمود و حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه بر منصب جلیل امامت
فایز گردید پس زیارت ان دو امام عالیمقام در بین روز مناسب است
و اما شیخ رحمه الله در تهذیب و کلینی و محمد بن جریر طبری و ابن الجنید
و شیخ مفید رحمة الله علیهم و غیر ایشان گفته اند که وفات امام حسن
عسکری صلوات الله علیه در روز هشتم ایشان بود پس در ان روز زیارت
ان دو امام علیهما السلام انسب است اما روز دهم بدانکه میان علمای شیعه
و عامه در تاریخ قتل عمر بن الخطاب خلاف است و مشهور میان فریقین انست
که قتل ان در روز چهارشنبه و هشتم ماه ذی الحجه بود چنانچه سابقا باو
اشاره شد و بعضی بیست و هفتم یا بیست و هشتم ذی الحجه گفته اند و مستند این دو قول نقل
مورخان است و از کتب معتبره چنان معلوم میشود که چنانچه الحال
در میان عوام شیعه مشهور است قتل او در نهم ماه ربیع الاول واقع
شده است و سابقا میان جمعی از محدثین شیعه نیز مشهور بوده است
و سید بزرگوار علی بن طاوس رضی الله عنه در کتاب اقبال اشاره نموده است
باینکه ابن بابویه رحمه الله روایتی از حضرت امام جعفر صادق روایت
کرده است که اعمالکم در روز نهم ماه ربیع الاول بدرک اسفل نجم

منتقل کرده و از نقل او چنین مفهوم میشود که شیخ صدوق چنین
اعتقاد داشته است هر چند سید خود این حدیث را تاویلات نموده
است و ایضا سید ذکر کرده است که جماعتی از شیعیان عمل بوسنده این
روز را تعظیم و تکریم مینمودند و خلف بن زرکوار سید علی بن طاوس در کتاب
روایید الفوائد این مذهب را تقویت کرده است و روایتی در بین باب ایراد
نموده است چنانچه گفته است که روایت کرد از محمد بن ابی العلاء و محمد بن
و یحیی بن محمد بن بطریق بغدادی که روزی ما مناظره کردیم در باب
عمر بن الخطاب و رفتیم در شهر هریز در احمد بن اسحاق نحوی که از خواص اصحاب
حضرت امام علی نقی و امام حسن عسکری صلوات الله علیهما بوده
و مخدمت حضرت صاحب الامر علیه السلام نیز رسیده بود چون
در را کوبیدیم دختر عرافیه بیرون آمد و احوال احمد را از و پرسیدیم
گفت که او امروز مشغول نماز عید است و ان روز نهم ماه ربیع الاول بود
گفتیم سبحان الله عید ها بموجب ما چهار است عید فطر و عید اضحی و عید
غدیر و روز جمعه ان دختر گفت که احمد بن اسحاق از حضرت امام علی نقی
روایت میکند که امروز روز عید است و بهترین عید ما است نزد اهل
بیت رسالت و شیعیان ایشان ما گفتیم که رخصت طلب نا بنزد او ایم
چون ان دختر او را خبر کرد بیرون آمد بسوی ما و لنگ بسته بود و عبائی
بر خود پیچیده و بوی مشک از و ساطع بود گفتیم که این چه حالت است
که در تو مشاهده میکنیم گفت الحال از غسل عید فارغ شدم گفتیم مگر
امروز عید است گفت بلی و ما در اینجا خود در او در دو بر و نیکو پیشه نشاندیم
و گفت روزی با جمعی از برادران خود نزد مولا یمخود حضرت امام حسن
عسکری رفتیم در سر من رای در مثل این روز که شما بنزد من آمده اید
چون رخصت یافتیم و مخدمت او حضرت رسیدیم دیدیم که ان حضرت
بمجلس خود را آراسته و مجمره در پیش خود گذاشته و بدست مبارک خود

عود در آن مجمره می اندازد و مجلس خود را مزین گردانیده است و بر علاء ما
وحدث منکار آن خود جامهای فاخر پوشانیده است گفتم یا ابن رسول الله
پدر آن و مادر آن ما فدای تو باد دنیا از برای آل پیغمبر روز فرحی ندارد
روز اده است حضرت فرمود که کدام روز خوشتر منش از این روز نزد اهل
بیت عظم تر است بدرستی که جبرئیل مرا بشارت داد مرا بدرستی که حذیفه بن الیمان
در روز نهم ماه ربیع الاول داخل شد بر جدم رسول خدا صلی الله علیه
و آله حذیفه گفت که دیدم حضرت امیر المؤمنین و حضرت امام حسن
و حضرت امام حسین صلوات الله علیهم که با حضرت رسول صلی الله
علیه و آله طعام تناول مینمودند و با امام حسن و امام حسین علیهما
السلام میگفت که به خورید گوارا باد از برای شما برکت و سعادت این روز
بدرستی که این روزیست که حق تعالی اهلاک میکرداند دشمنان خود و دشمنان
جد شما را و در این روز مستجاب میکرداند دعای شما و روزیست که شما را به خورید
این روزیست که حق تعالی در این روز قبول میکند اعمال شیعیان و محبان
شما را به خورید که این روزیست که ظاهر میشود از اسنی گنبد خدا که مینور
فلک پیوسته بما خاویه بما ظلموا یعنی این است خانهای ایشان که خالی
گردیده است بسبب ستمهای ایشان بخورید که این روزیست که شکسته
میشود شوکت جد شما به خورید که این روزیست که هلاک میشود دشمنان
اهل بیت من و ستم کننده ایشان و غصب کننده حق ایشان به خورید
که حق تعالی در این روز عملهای دشمنان شما را باطل و هبا میکرداند
حذیفه گفت که من گفتم یا رسول الله ایا در میان امت تو کسی خواهد
بود که هتک این سر منها نماید حضرت فرمود ای حذیفه بنی از منافقان
بر ایشان سر کرده خواهد شد و دعوای ریاست در میان ایشان خواهد
کرد و مردم را بسوی خود دعوت خواهد نمود و نا زیبا به ظلم و ستم بدست
خواهد گرفت و مردم را از زلال خدا منع خواهد نمود و کتاب خدا را

تحریف

تحریف خواهد نمود و سنت مرا تغییر خواهد داد و میراث مرا
منصرف خواهد شد و خود را پیشوای مردم خواند و زیادتی بر وصی
من علی بن ابی طالب خواهد کرد و ما اهل بیت را از ما حق تصرف خواهد شد
بر خود حلال خواهد کرد و در غیر طاعت صرف خواهد کرد و مرا و بر
مرا و وزیر من علی را بد روغ نسبت خواهد داد و دختر مرا از حق خود
محروم خواهد گردانید پس دختر من او را نفرین خواهد کرد و حق تعالی
در این روز مستجاب خواهد گردانید حذیفه گفت یا رسول الله چرا
دعا نمیکنی که حق تعالی او را در حیات تو هلاک گرداند حضرت فرمود که
ای حذیفه دوست نمیدارم که جزات کم بر قضای خدا و از او طلبکم
تغییر امر را که در علم او گذشته است و لیکن از حق تعالی سوال کردم
که قصیلک ذهد انروز را که در آن روز او به جهنم میرود بر سایر روزها
تا آنکه احترام آن روز مستحق گردد در میان روز شنبان من و دوستان شیعیان
من و اهل بیت من پس حق وحی کرد بسوی من که ایمحمد صلی الله علیه و آله
در علم سابق من گذشته است که در آید بر تو و اهل بیت تو از محنتها و بلاها
و سختیهای منافقان و غصب کنندگان از بندگان من از مشاقی که تو
خواهی با ایشان کردن و ایشان با تو منکر گردند و تو را ایشان را سخن
گردی و ایشان با تو خیانت کردند و تو را ایشان ضاف خواهی و ایشان
دشمنی تو را امیال کردند و تو ایشان را خشنود گردانیدی و ایشان تو را
تکذیب کردند و تو ایشان را بر کردیدی و ایشان تو را در کلیه گذاشتند
سوگند یاد میکنم بحول و قوت خود و پادشاهی خود که البته بکشایم
بر دو یکسی که غصب کند حق علی را که وصی تست بعد از تو هزار درد
از کسب زشت طبقهای جهنم که او را اغلوف میکویند و او را در قصر جهنم بجاوهم
که شیطان از مرتبه خود برا و مشرف شود و او را لعنت کنند و ان منافق را تا
قیامت عقربی گردانم برای فرعونهای دیگر که در زمان پیغمبران دیگر بود

بوده اند و شاید دشمنان دین و ایشانرا دوستان ایشانرا دشمنی
جهنم برم با دیده هایی کبود و روهایی پرش ناامید مدلت و خواری
و پشیمانی و ایشانرا ابدالآباد در عذاب خود بدارم ای محمد صلی الله علیه
و آله نمیرسد علی بمنزله تو مگر بانچه میرسد باو از بلاها از فرعون او و
غصب کنند حق او و مرا امت میکنند بمن و کلام مرا بدل میکنند و شک
بمن می آورد و مردم را منع میکنند از راه رضای من و کوساله برای امت
تو برپا میکنند که ان ابوبکر است و کافر میشود بمن در عرش عظمتم و جلالم
من بدرستی که من امر کرده ام ملائکه هفت آسمان خود را که برای شیعیان
و محبان دین شما عید کنند این روز را که ایمنی کشنده میشود و امر کرده
ام ایشانرا که کرسی کرامت مرا نصب کنند در برابر بیت المعمور و بنشینند
بر من و طلب امرزش نمایند برای شیعیان و محبان شما از فرزندان آدم
و امر کرده ام ملائکه نویسندگان اعمال را که این روز تا سه روز دیگر
قلم برندارند و بنویسند گناهان ایشانرا برای کرامت تو و وصی تو علی
محل این روز را عید کرده ایم برای تو و اهل بیت تو و هر که تابع ایشان
باشد از مومنان و شیعیان و سوگند یاد میکنم بر خود بعزت و جلال خود
و علو منزلت و مکان خود که عطا کنم کسی را که این روز را عید کند آنرا
من ثواب آنها که بدور عرش احاطه کرده اند و قبول کنم شفاعت او را در
حق چهل کس از اولاد او اگر کسانی را که دشمن دارد بر خود و عیال خود
در این روز و هر چهل در این روز صد هزار کس از مومنان و شیعیان
شما را از آتش جهنم آزاد کرده ام و اعمال ایشانرا قبول کنم و گناهان ایشانرا
بپامرزم حذیفه گفت که دین برخواست رسول خدا صلی الله علیه و آله
و بخانه ام سلمه رفت و من برگشتم و صاحب یقین بودم در گفتن عمر اینکه
بعد از وفات رسول خدا دیدم که از وجه منها برانگیخت و گفتار اصلی
خود را اظهار کرد و از دین برگشت و دامان بیحیایی و فاحشه برای غصب

و امامت و خلافت برزد و فرزندان را تحریف کرد و آتش در خانه وحی رسالت
و بدعتها در دین خدا پدید آورد و ملت پیغمبر را تغییر داد و سنت آن
حضرت را بدل کرد و شهادت حضرت امیر المومنین را در کرد و فاطمه دختر
رسول خدا صلی الله علیه و آله را بدرجه رسانید و غدر کرد با حسن و حسین
و بطهور را از رضاوی و مجوس را از خود راضی کرد و نوردیدگان مصطفی
را بخشم آورد و صاحبان اهل بیت رسالت را نکرد و جمیع سنتهای
خدا را برطرف کرد و ندیر کشش امیر المومنین کرد و جور و ستم را در میان
مردم علانیه کرد و هر چه خدا حلال کرده بود حرام کرد و هر چه خدا حرام
کرده بود حلال کرد و حکم کرد که از بولست شتر درهم و دینار زکات
کنند و در بر روشکم فاطمه زهرا علیها السلام زد بر منبر حضرت رسالت
صلی الله علیه و آله بغضب و جور تا لاغر شد و بر حضرت امیر المومنین
افترا بست و تا از حضرت معارضه کرد و رای آن حضرت را سفاهت نسبت
داد حذیفه گفت که دین حق تعالی دعای تو کرده بود و دختر پیغمبر خود را
در حق آن منافق مستجاب کرد انید و قتل او بر دست کشنده او جاری شد
پس در فهم خدمت امیر المومنین که از حضرت را هشتند و مبارکباد کویم تا
آن منافق کشته شد و بعذاب حق تعالی واصل کردید چون حضرت مرا این
گفت حذیفه ایا در خاطر داری آن روز را که امدی بنزد سید و آقای من
رسول خدا صلی الله علیه و آله در این روز من و دوست او حسن و حسین
نزد او نشسته بودیم و تا او طعام میخوردیم پس تو اندکی کرد بر فضیلت
این روز گفتم بلی ای برادر رسول خدا صلی الله علیه و آله حضرت فرمود
که به خدا سوگند که این روز لیست که حق تعالی در آن دیده آل رسول
روشن کرد انید و من دعا برای این روز هفتاد و دو نام مینهادم حذیفه
گفت یا امیر المومنین میخواهم این نامها را از تو بشنوم حضرت فرمود
ها این روز را شش اسم است که مومنان از شر آن منافق استراحت کنند

وروز زایل شدن کرب وغم است ۱۰ روز غدیر دوم است ۱۱ روز تخفیف
گناهان شیعیان است ۱۲ روز اختیار نیکو برای مؤمنان است ۱۳ روز برداشت
ظلم از شیعیان است ۱۴ روز برهم شکستن بنای کفر و عدوان است ۱۵ روز
عافیت است ۱۶ روز برکت است ۱۷ روز طلب خوشها مؤمنان است ۱۸ روز
عید بزرگ خداست ۱۹ روز مستجاب شدن دعا است ۲۰ روز موقف اعظم
است ۲۱ روز وفا بعهد است ۲۲ روز شرط است ۲۳ روز کندن خامه شیاطین
است ۲۴ روز ندامت ظالم است ۲۵ روز شکسته شدن شوکت مخالفان
است ۲۶ روز نفی هموم است ۲۷ روز فتح است ۲۸ روز عرض اعمال کافران است
و روز ظهور قدرت خداست ۲۹ روز عفو از گناهان شیعیان است ۳۰
روز فرج ایشان است ۳۱ روز توبه است ۳۲ روز انابت است ۳۳ روز
روز زکوة بزرگ است ۳۴ روز فطر دوم است ۳۵ روز اندوه و یاس ایشان است ۳۶ روز
گرم شدن آب در کلوی مخالفان است ۳۷ روز خوشنودی مؤمنان است ۳۸ روز
عید اهل بیت است ۳۹ روز ظفر یافتن پیغمبر اسرائیل است بر فرعون ۴۰ روز قبول
شدن اعمال شیعیان است ۴۱ روز پیش فرستادن ضد قات است ۴۲ روز
متوانست ۴۳ روز قتل منافقان است ۴۴ روز وقت معلوم است ۴۵ روز سرور و اهل
بیت است ۴۶ روز مشهود است ۴۷ روز قهر بر دشمن است ۴۸ روز خراب شدن
بنیان ضلالت است ۴۹ روزی است که ظالم انگشت ندامت بدندان گیرد
۵۰ روز نسیه است ۵۱ روز شرف است ۵۲ روز خشت شدن دلهای مؤمنان
است ۵۳ روز شهادت است ۵۴ روز نازکی بوستان اهل ایمان است ۵۵ روز در
کشتن از گناه مؤمنان است ۵۶ روز شیرینی کام ایشان است ۵۷ روز خوشی
دلهای مؤمنان است ۵۸ روز برطرف شدن نادشاهی منافقان است ۵۹
روز توفیق اهل ایمان است ۶۰ روز روزهای مؤمنان است از شر کافران ۶۱
روز مظاهره است ۶۲ روز مفاخره است ۶۳ روز قبول اعمال است ۶۴ روز تجلیل
و تعظیم است ۶۵ روز تحفه و عطاست ۶۶ روز شکر حق تعالی است ۶۷ روز روزها

مظلومان است ۶۸ روز روزهای مؤمنان است ۶۹ روز محبت کردن با ایشان
است ۷۰ روز فاش کردن رازها است ۷۱ روز برطرف شدن بدعتها است
۷۲ روز رسیدن برحمتهای الهی است ۷۳ روز پاک کردن اثمها است ۷۴ روز ترک
گناهان است ۷۵ روز ندا کردن بحق است ۷۶ روز عبادت است ۷۷ روز موعظه
و نصیحت است ۷۸ روز اتقیاد پیشوایان دین است حدیفه گفت که پس از خدمت
حضرت امیرالمؤمنین برخواستم و گفتم که اگر درنیابم از اطفال جبر و انجه ثواب
از روزها دارم مگر محبت ایشان روز روز داشتن رضایت ایشان را هر ایینه منتهای
آرزوی من خواهند بود پس محمد و یحیی راویان حدیث گفتند که چون
این حدیث را از احمد بن یحیی شنیدیم هرگاه برخواستیم و میرا و را بو
سیدیم و گفتیم حمد و شکر میکنیم خداوندی را که ترا یکی روز برای ما
تا انکه فضیلت این روزها را بما بنمایند پس این نخلها را بخود برکشیم و این
روز را عید کردیم و صاحب کتاب روایات الفوایین گفته است که این حدیث
از خط علی بن محمد بن طی رحمة الله نوشتم و در کتب دیگر که تتبع کردم چندین
روایت دیگر موافق این حدیث یافتم پس اعتماد بر این روایات نمودم و سزاوار
است شیعیان را که این روز را تعظیم نمایند و اظهار سرور و شادی
در این روز بکنند و شیخ ابراهیم بن علی کفعمی در کتاب مصباح گفته است
که صاحب کتاب مسار الشیعه روایت کرده است که هر که روز نهم
ماه ربیع الاول چیزی انفاق کند حق تعالی کناهان او را بیامرزد و مستحب
است در این روز اطعام برادران مؤمن و خشنود کردانیدن ایشان و توسعه
دادن بر عیال خود و دیگران و بپوشیدن جامهای نو و شکر و عبادت
حق تعالی و این روز برطرف شدن غمها است و روز روزه داشتن نیست
مؤلف گوید که از نقل این روزها معلوم میشود که بر فضیلت این روز
وقوع این قضیه در آن احادیث نیشابوری وارد شده است و در اغلب سایر
مسار شیعه مشهور بوده است و بر خلاف روایتی بنظر نرسیده است و

وانفاق مورخان عامه با احادیث معتبره معارضه نمیکند و اگر کسی
استبعاد کند که چنین واقعه عظیمی که سبب حزن جمعی و سرور جمعی گردد
چون مشهور نبوده که مضبوط نماند جواب آن است که این واقعه از واقعه
وفات حضرت رسالت صلی الله علیه وآله وشهادت حضرت امیر المومنین
علیه السلام عظیم تر نیست و در هر یک از آنها خلاف میان خاصه وعامه است و در واقعه
اول اتفاق دارند عامه بر آنچه مختار شیعه است و اگر گویند که باعث
بر افتراء ایشان در اینجا چیست جواب گوییم که شبهه در هر دو جا یکسان
و باعث قوی در اینجا هست زیرا که ممکن است که برای دفع شماتت
اعدای ایمان نموده باشند و علی اینجا چون مدار علمای خاصه وعامه
بر آنست که در مستحبات باحادیث ضعیفه متمسک میشوند بنا بر آنکه
صحیحه که از ائمه طاهرین صلوات الله علیهم وارد شده است که هر کس
ثوابی از خدا باو برسد بر عمل و از آنجا او را آن ثواب باو داده میشود هر چند
چنان نباشد که باو رسیده است پس اگر اعمال این روز را که نوعی
از شارع وارد شده باشد و مخالفتی با آیات و اخبار نداشته باشد
کسی بعمل آورد خوب خواهد بود و مستحق ثواب خواهد گردید و بعضی
میگویند که عمر بن سعد علیه اللعنة در این روز بجهنم واصل شده است
اگر چنین باشد این شرافت نیز برای او کافی است و شیخ مفید رحمة الله
گفته است که در روز دهم اینماه حضرت رسول خدا چه کرامتی نمود
و مستحب است برای شکر آن واصل نعیم عظیم البرکة شیعان روزه بدارند
و گفته است که در روز دوازدهم اینماه حضرت رسول صلی الله علیه وآله داخل
مدینه طیبه شد و از شر دشمنان ایمن گردید و باین سبب روز مبارکی
است و اینماه دولت بنی مروان که از بقیه بنی امیه و از دشمنان آل
بیت بودند و این روز دولت ایشان بآخر رسید و زایل گردید و این نیز
فضیلت دیگر است برای این روز و اکثر شیعیان ولادت حضرت

رسول صلی الله علیه وآله و اداین روز میدانند و محمد بن یعقوب کلینی
رحمه الله از علمای امامیه نیز در کتاب کافی این را نقل شده است و بعضی
از اصحاب حساب موافق با بعضی از روایات این را اظهر میدانند و اگر
چه خلاف مشهور میان علمای امامیه است اما اگر روزه و غسل و سایر
اعمال که در روز هفدهم مذکور خواهد شد در این روز بعمل آورند
احتیاط اقرب است و سید بن طاوس از بعضی از علمای عجم روایت کرده
است که سنت است که در روز دوازدهم اینماه دو رکعت نماز بجا آورند
و در رکعت اول بعد از حمد سه مرتبه قل یا ایها الکافرون و در رکعت
دوم سه مرتبه قل هو الله بخوانند و ایضا شیخ مفید و شیخ طوسی روایت
کرده اند که باید بلند علیه اللعنة والعذاب الشدید در روز دهم و دوازدهم
اینماه بدرک اسفل جهنم منتقل گردید باید که شیعان این روز را بر خود
مبارک دانند و شکر خدا بعمل آورند برای این نعمت عظمی ادا کنند و بعضی گفته
اینروز را است زاده اند فضیلت دیگر در فضیلت و اعمال روز هفدهم
اینماه است و مشهور میان علمای شیعه آنست که ولادت کثیر السعادة
حضرت رسالت صلی الله علیه وآله در روز جمعه هفدهم ماه ربیع الاول
واقع شد و در بعضی از روایات وارد شده است که عروج آن حضرت بآسمانها
نیز در شب هفدهم واقع شده است و شب و روزش هر دو مبارک است
و در هر روز از اوقات حضرت رسالت و حضرت امیر المومنین مناسب است
و علما ذکر کرده اند در روز فضیلت بسیار دارد و شیخ مفید
علیه الرحمة گفته است که این روز متبرک است و بیوسته فرقه محقه
شیعه از قدیم الایام الی الآن این را عظیم میشمرده اند و من نیز امید
دارم روزه میدارند و از ائمه هدی منقول است که هر که اینروز را روزه
دارد ثواب روزه یکسال برای او نوشته شود و مستحب است که در
بازار باب حاجات بدهند و مومنان و مومنات را شاد کرده اند و بزیارت

مشاهده مشعر به بروند خصوصاً مرقد مطهر حضرت رسالت وحضرت
امیر المؤمنین وشیخ مفید وشیخ شهید رضی الله عنهم گفته اند
که چون در غیر مدینه طیبه خواهی که حضرت رسالت صلی الله علیه
وآله را زیارت کنی غسل بکن و شبانه بقبور در بیش رو و بخود لبناء واسم
مبارک ایشان بنویس و بانیت دل خود را متوجه ایشان گردان و بگو اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد
محمدا صلی الله علیه وآله عبده ورسوله وانه سید الاولین
والآخرین وانه سید الانبیاء والمرسلین اللهم صل علیه وعلی
اهل بیته الائمة الطیبین ثم بگو السلام علیک یا رسول الله
السلام علیک یا خلیل الله السلام علیک یا نبی الله السلام علیک
یا صفی الله السلام علیک یا رحمة الله السلام علیک یا خیرة الله
السلام علیک یا حبیب الله السلام علیک یا سید المرسلین السلام
علیک یا خاتم النبیین السلام علیک یا سید المرسلین السلام
علیک یا قائما بالقسط السلام علیک یا فاتح الخیر السلم علیک یا
معدن الوحی السلام علیک یا مبلغا عن الله السلام علیک ایها

والتنزیل

السراج

السراج المنیر السلام علیک یا مبشر السلام علیک یا نذیر
السلام علیک یا ممد والسلام علیک یا نور الله الذی یستضاء
به السلام علیک وعلی اهل بیتک الطیبین الطاهرین الهادین
المهدیین السلام علیک وعلی جدک عبد المطلب وعلی ابیک
عبد الله السلام علی امک آمنة بنت وهب السلام علی عمک حمزة
سید الشهداء السلام علی عمک وکفیلک ابی طالب السلام علی
ابن عمک جعفر الطیار فی جنان الخلد السلام علیک یا مهد السلم
علیک یا احمد السلام علیک یا حجة الله علی الاولین والآخرین
والشاهد فی طاعة رب العالمین والمهیمن علی رسله والحاکم لامته
والشاهد علی خلقه والشفیع الیه والمکین لدیه والمطاع فی ملکوته
ولا احمد من الاوصاف المحمد لیس فوقه لاحد من الخلائق عند الرب
والمکلم من وراء الحجب الفائز بالیسری والفائز عن اللحاق بتسلیم

علیک وه

غارف بحقك معترف بالتقصير في قيامه بواجبك غير منكر ما
أنت أهل إليه من فضلك موقن بالمزيد من ربك موقن بالكتاب
المنزل عليك محلل حلالك محرم حرامك شهد يا رسول الله مع كل شاهد
وأتحملها عن كل جاحد بأنك قد بلغت رسالات ربك ونصحت لأمتك و
جاهدت في سبيل ربك وصدعت بأمره واحتملت الأذى في جنبه
ودعوت إلى سبيله بالحكمة والموعظة الحسنة الجميلة وأديت
الحق الذي كان عليك وأنك قد رؤوف بالمؤمنين وعلطف على الكافة
وعبدت الله مخلصا حتى أتاك اليقين فبلغ الله بك أشرف محل المكرمين
وأعلى منازل المقربين وأرفع درجات المرسلين حيث لا يلحقك لاحق
ولا يفوقك فائق ولا يسبقك سابق ولا يطمع في إدراكك طامع
الحمد لله الذي استنقذنا بك من الهلكة وهدانا بك من الضلالة و
نورنا بك من الظلمة فجزاك الله يا رسول الله من مبعوث أفضل ما

ما جازى نبيا عن أمته ورسولا عن مرسل إليه يا أبي أنت وأمي يا
رسول الله زرتك عارفا بحقك مقرا بفضلك مستبصرا بضلالة
من خالفك وخالف أهل بيتك عارفا بالهدى الذي أنت عليه يا نبي
أنت وأمي ونفسي وأهلي ومالي وولدي منا أفضل عليك كما صلى الله
عليك ملائكته وأنبياؤه ورسله صلوة متتابعة وأفرض متواصلة
لا انقطاع لها ولا أمد ولا أجل صلى الله عليك وعلى أهل بيتك
الطيبين الطاهرين كما أنتم أهله بركة سنهاي جود اللهم اجعل جوامع
صلواتك ونوامي بركاتك وفواضل خيراتك وشرائف تحياتك و
تسليماتك وكرامتك ورحماتك وصلواتك ملائكتك المقربين و
أنبيائك المرسلين وأئمتك المنتجبين وعبادك الصالحين وأهل
السموات والأرضين ومن سبح لك يا رب العالمين من الأولين
والآخرين على محمد عبدك ورسولك وشاهدك ونبيك وأمينك

وتذكير ع
وهم صحابة ذوي شيء

وحبيبك وخيرتك وصفيك وصفوتك وخاصتك و
خالصتك ورحمتك وخيرتك من خلقك نبي الرحمة ورحاب المغفرة
وقائد الخير والبركة ومنقذ العباد والهلكة باذنك وداعيهم الى
دينك بالحكمة بامرك اول النبيين منشأ واكرمهم منبتا الذي حسنت
في بحر الفضيلة والمنزلة الجليلة والدرجة الرفيعة والمرتبة
الخطيرة واودعته الاصلاب الطاهرة ونقلته منها الى الارحام
المطهرة لطفا منك له وتحننا منك عليه اذ وكانت اصوله وجراثيمه
وحفظه وحياطته من فلذاتك عينا عاصمة حجبت بها عنه مدانس
العبرة ومعائب السفاح حتى رفعت به نواظر العباد واجيبت به مدلهمات
البلاد ان كشفت عن نور ولاية ظلم الاستار والتست حرمتك به
خلل الانوار اللهم فكما خصصته بشرف هذه المرتبة الكريمة
وذخرته لهذه المنقبة العظيمة صل على محمد كما وفى بعهدك وبلغ

رسالاتك وقاتل اهل الجحود على توحيدك وقطع رحم الكفر في اعزاز
دينك وليس ثوب البلوى في مجاهدة اعدائك واوجب له بكل واحد
منه او كبد اجيش به من الفئة التي حاولت قتله فضيلة تفوق الفضائل
وتملك به الجزيل من توالك وقد اسرّ الحسرة واخفى الزفرة وتجرع
الغصة ولم يخط ما مثل له وجبك اللهم صل عليه وعلى اهل بيته
صلوة ترضاها لهم وتبلغهم نجاة كثيرة وسلاما واتنا من لدنك من
موالاتهم فضلا واحسانا ورحمة وغفرانا انك ذو الفضل العظيم
جهارا وكفى بنا ذنوبا ان يكن بدو سلام يامره كه خواهي وچون فارغ
شوي تسبيح حضرت بگو اللهم انك قلت لنبيك صلى الله عليه وآله
فاطمة عليها السلام را بخوان عادة الله جاريست كه تو كفته
ولو انهم اذ ظلموا انفسهم جاؤك فاستغفروا الله واستغفر لهم
الرسول لوجدوا الله توابا رحيما ولو احضر زمان رسولك عليه
آله السلام اللهم وقد وفدته راغبا تائبا من سيئ عملي ومستغفرا
لك من ذنوبي وقصيرا اليك في امري وانت اعلم بما مني ومنوجها اليك بنبيك

الرحمة صلوات الله عليه وآله فاجعلني اللهم بمحمد وآل محمد

عندك وجيها في الدنيا والآخرة ومن المقربين يا محمد يا رسول الله إني

أتوجه بك إلى ربك وربي في حاجتي هذه لتقضى لي اللهم فشفعه

فيّ وشفعني في نفسي واسألك بحق محمد وآله إلا ما غفرت لي ذنوبي

وتقبلني في عبادي وتجعلني من حزبه وشيعته وتحشرني في زمرته

وتورد علي حوضه وتسقيني بكأسه بشربة لا أظمأ بعدها ولا أشقى

بعدها شقوة أبدا يا سيدي يا رسول الله إني أتوجه بك إلى الله ربك وربي

ليغفر لي ذنوبي ويتقبلني في عبادي ويقضي لي حوائجي فكن لي شفيعا

عند ربك وربي فنعم المسئول المؤمل ربي ونعم الشفيع أنت يا محمد

عليك وعلى أهل بيتك السلام اللهم وأوجب لي منك المغفرة و

الرحمة والرزق الواسع الطيب النافع كما أوجبت لمن أتى نبيك محمدا

صلواتك عليه وآله وهو حي فاقر له بذنوبه وأنت غفار له رسولك

عليه السلام فغفرت له برحمتك يا أرحم الراحمين اللهم وقد أتيتك

ورجوتك وقمت بين يديك ورغبت إليك فيمن يأتيه وفدا مثلي

يرتجل توابك وإني مقر غير منكر وتائب إليك مما اقترفت وعائذ

بك في هذا المقام مما قدمت من الأعمال التي تقدمت إلى فيها و

والثانية

وهبني عنها وأوعدت عليها العذاب وأعوذ بكرمك وتجاوزك أن تخيب

مقام الخزي والذل يوم تمسك فيه الأسنار وتشد وافيه الأسر

والفضائح وتزعد فيه الفرائض يوم الحسرة يوم الأفكة يوم الأزفة

يوم التغابن يوم الفصل يوم الجزاء يوم كان مقداره خمسين ألف سنة

يوم النفخ يوم ترجف الراجفة تتبعها الرادفة يوم النشر يوم العرض

يوم يفوم الناس لرب العالمين يوم يفر المرء من أخيه وأمه وأبيه

وصاحبته وبنيه يوم تشقق الأرض وأبتأف السماء يوم يأتي كل

انجاد لا عن نفسها يوم يردون إلى الله فينبئهم بما عملوا يوم لا يغني مولى

عن مولى شيئا ولا هم ينصرون إلا من رحم الله إنه هو العزيز الرحيم

يوم يردون إلى عالم الغيب والشهادة فينبئهم بما كانوا يعملون يوم يردون إلى الله مولاهم

الحق يوم يخرجون من الأجداث سراعا كأنهم إلى نصب يوفضون

وكأنهم جراد منتشر مهطعين إلى الداع إلى الله يوم الواقعة ليس

يوم ترج الارض رجا ويوم تكون السماء كالمهل وتكون الجبال كا

لعهن ولا تسئل حميم حميما يوم الشاهد والمشهود يوم تكون الملئكة

صفا صفا اللهم اني موقنك في ذلك اليوم بموقفي في هذا اليوم

ولا تخزني في ذلك الموقف بما جنيت على نفسي واجعل يا رب في ذلك

اليوم مأوى لي الله غيرك وفي زمرة محمد واهل بيته عليهم السلام

محشري واجعل حوضه موردي وفي كرامه مصدري واعطني

في كتابي بيميني حتى افوز بجسيماتي وتبيض به وجهي وتقر به عيني

وتبيض به ميزاني واقضي مع الفائزين من عبادك الصالحين الى

رضوانك حنانك اله العالمين اللهم اني اعوذ بك من ان تفضحني

في ذلك اليوم بين يدي الخلائق بحريرتي او ان تلقي الخزي والندا

بخطيئتي او ان تظفر فيه شيطاني علي حسناتي او ان تسود بين الخلا

يا نعمي يا كريم يا كريم العفو العفو الستر الستر اللهم واعوذ بك

من ان يكون في ذلك اليوم في مواقف الاشرار موقفي او في مقام

الاشقياء مقامي واذا مررت بين خلقك فسقت كلا باعمالهم زمرا

الى منازلهم فتحفني برحمتك في عبادك الصالحين وفي زمرة اوليائك

المتقين الى جنانك يا رب العالمين ثم ودع كل ان السلام عليك

يا رسول الله السلام عليك ايها البشير النذير السلام عليك

ايها السراج المنير السلام عليك ايها السفير بين الله وبين خلقه

اشهد يا رسول الله انك كنت نورا في الاصلاب الشامخة والارحام

المطهرة لم تنجسك الجاهلية بانجاسها ولم تلبسك من مدلهمات

ثيابها واشهد يا رسول الله اني مؤمن بك وبالائمة من اهل بيتك

موقن بجميع ما اتيت به زائر مؤمن واشهد ان الائمة من اهل بيتك

اعلام الهدى والعروة الوثقى والحجة على اهل الدنيا اللهم

لا تجعله آخر العهد من زيارة نبيك عليه وآله السلام فان توفيتني

فانی اشهد فی مماتی علی ما اشهد علیه فی حیاتی انک انت الله لا الٰه الا
انت وحدک لا شریک لک وان محمدا صلی الله علیه وآله عبدک ورسولک
وان الائمة من اهل بیته اولیاؤک وانصارک ومحلک علی خلقک وحافظ
فی عبادک واعلامک فی بلادک وحزان علیک وحفظة لسرک وتراجمة
وحیک اللهم صل علی محمد وآله وبلغ روح نبیک محمد وآله فی ساعتی
هذه وفی کل ساعة تحیة منی وسلاما والسلام علیک ورحمة الله
وبرکاته ولا جعله الله آخر العهد علیک ولقد یشق علی ان زیارتک اکثر
فیقبر نفسه ویطیل ذلک ویحتج الزائر بان ذکرهم اما زیارت جامع کامل
است ودر همه اوقات مجاز او ورد او کرکسی نتواند زیارت مخصوص که بعد
ازین انشاء الله مذکور خواهد شد بعمل او ورد دعا او ذکر کرده اند که در
حضرت امیر المؤمنین از دور وز ذکر کرده اند واز بعضی روایات
خصوص این روز معلوم نمیشود و بهمین زیارت است زیرا که لفظ ومعنی
وسند دیگر مضمر منقول است در همه اوقات از دور ونزدیک میتوان
کرد خصوصا در این روز چنانچه شیخ مفید وشیخ شهید وسید بن طاوس
روایت کرده اند که حضرت امام جعفر زیارت کرد حضرت امیر المؤمنین را
در روز هفدهم ماه ربیع الاول باین زیارت تعلیم فرمود وزیارت او را
ثمه عظیم الشان محمد بن مسلم تقفی فرمود که چون بنا بی تمهدا میتوم

علیه السلام غسل زیارت بکن وپاکیزه ترین جامها بخود را بپوش و
بعد ازی از نو بخوش خود را خوشبو کن وبر نو باد بازام دل واز ام تن پس
بر سبی بباب السلام یعنی بدرگاه روضه مقدسه که ضریح نمایان
میشود پس رو بقبله بایست وبتی مرتبه الله اکبر بگو وبگو السلام
علی رسول الله السلام علی خیرة الله السلام علی البشیر النذیر السراج
المنیر ورحمة الله وبرکاته السلام علی انبیاء الله المرسلین وعلی
الله الصالحین السلام علی ملائکة الله المحدقین بهذا الحرم وبهذا
الضریح اللائذین به المتوسلین بولیه السلام علیک یا وحی الله
السلام علیک یا عماد الانبیاء السلام علیک یا ولی الاولیاء السلام
علیک یا سید الشهداء السلام علیک یا ایة الله العظمی السلام
علیک یا خامس اهل العباء السلام علیک یا قائد الغر المحجلین
الانبیاء السلام علیک یا عصمة الاولیاء السلام علیک یا زین
الموحدین الاتقیاء السلام علیک یا خالص الاصفیاء السلام علیک
یا والد الائمة الامناء السلام علیک یا صاحب الحوض والعلم

اللواء السلام عليك يا فهيم الجنة وواطئ السلام عليك يا من
شرفت به مكة ومنى السلام عليك يا بحر العلوم وكهف الفقراء
السلام عليك يا من ولد في الكعبة وتروح في السماء وسبذه الذنا
وكان شهودها الملائكة الاصفياء السلام عليك يا مصباح الضيا
السلام عليك يا من خصه النبي بجزيل الحباء السلام عليك يا
يا نعي على فراش خاتم الانبياء ووقاه بنفسه شر الاعداء السلام
عليك يا من رزت له الشمس قياما يتمعون الصفا السلام عليك
يا من انجى الله سفينة نوح باسمه واسم اخيه حين الطم الماء جوا
وطهى السلام عليك يا من تاب الله به وباخيه على آدم اذ غوى
السلام عليك يا فلك النجاة من تركبه نجا ومن تاخر عنه هوى السلم
عليك يا من خاطب الغمام وذئب الفلا السلام عليك يا امير
المؤمنين ورحمة الله وبركاته السلام عليك يا حجة الله على

النهاية

من كفر وآتاب السلام عليك يا امام ذوي الالباب السلم عليك يا
معدن الحكمة وفصل الخطاب السلام عليك يا من عنده علم الكتا
السلام عليك يا ميزان يوم الحساب السلام عليك يا فاصل الحكم
الناطق بالصواب السلام عليك ايها المتصدق بالخاتم في المحراب
السلام عليك يا من كفى الله المؤمنين القتال به يوم الاحزاب السلم
عليك يا من اخلص لله الوحدانية وآتاب السلام عليك يا فاتك حيدر
وقالع الباب السلام عليك يا من دعا خير الانام للبيت على فراشه
فاسلم نفسه للمنية واجاب السلام عليك يا من له طوبى وحسن
مآب ورحمة الله وبركاته السلام عليك يا خصمه الدنيا وسيد

النادانية

السلام عليك يا صاحب المحراب السلام عليك يا من تولك وضيله
سورة العاديات السلام عليك يا من كبر اسمه في السماء على
الشراة فات السلام عليك يا مطهر العجائب والآيات السلام

السلام عليك يا امير الغرات السلام عليك يا مخبر اعبقريا ما هو

السلام عليك يا فخار جلب ذئب الفلوات السلام عليك يا جا

الحيي ومبين المشكلات السلام عليك يا من عجب من حملانه

في الوعا ملائكة السموات السلام عليك يا من ناجى الرسول فضله

بين يدي نجواه الصدقات السلام عليك يا والد الأئمة البرره

الشادات ورحمة الله وبركاته السلام عليك يا تالي المنعوته

السلام عليك يا وارث علم خير معدوث ورحمة الله وبركاته

السلام عليك يا امام المتقين السلام عليك يا غيات المكرو بين

السلام عليك يا عصمة المؤمنين السلام عليك يا مظهر البراهين

السلام عليك يا حاطه وكنف السلام عليك يا حبل الله المتين السلم

عليك يا من تصدق في صلوته بخاتمه على المسكين السلم عليك

يا قالع الصخرة عن فم الغليب ومظهر الماء المعين السلم عليك يا

يا عين الله الناظره ويد الباسطه ولسانه المعبر عنه في بريته

السلام عليك يا وارث علم النبيين ومستودع علم الاولين والاخرين

وصاحب لوا الحمد ولباسه واوانيه من حوض خاتم النبيين السلام

عليك يا يعسوب الدين وقائد الغر المحجلين ووالد الائمة المرضيين

ورحمة الله وبركاته السلام على اسم الله الرضي ووجهه المضيء

وجنبه القوي وصراطه السوي السلام على الامام التقي الخالص

الصفي السلام على الكوكب الدري السلام على الامام ابي الحسن

علي ورحمة الله وبركاته السلام على ائمة الهدى ومصباح الدجى

واعلام التقى ومنار الهدى وذوي النهى وكهف الورى والعروة

الوثقى والحجة على اهل الدنيا ورحمة الله وبركاته السلام على نور

الانوار وسحة الاخيار ووالد الائمة الاطهار وقسيم الجنة والنار

المخبر عن الاثار المدمر على الكفار ومستنقذ الشيعة الخاصين من

عظيم الأوزار السلام على المخصوص بالظاهرة النقية ابن المختار

المولود في البيت ذي الاستار المزوج بالشماء البرة الطاهرة الزكية

المرضية المرضية ابنة الأطهار ورحمة الله وبركاته السلام

على النبأ العظيم الذي هم فيه مختلفون وعليه يعرضون وعنه

يسئلون السلام على نور الله الأنور وضياء الأزهر ورحمة الله

وبركاته السلام عليك يا ولي الله وحجته وخالصة الله وخاصته

أشهد يا ولي الله لقد جاهدت في سبيل الله حق جهاده واتبعت

منهاج رسول الله صلى الله عليه وآله وحللت حلال الله وحرمت

حرام الله وشرعت احكامه وأقمت الصلوة وآتيت الزكوة وأمرت

بالمعروف ونهيت عن المنكر وجاهدت في سبيل الله صابرا محتسبا

مجتهدا محتسبا عند الله عظيم الأجر حتى أتاك اليقين فلعن الله من

دفعك عن حقك وأزالك عن مقامك ولعن الله من بلغه ذلك

فرضي به أشهد الله وملائكته ورسله أني والٍ لمن والاك وعادٍ

من عاداك السلام عليك ورحمة الله وبركاته بي حوز وبأبي وجسا

أشهد أنك تسمع كلامي وتشهد مقامي وأسئلك يا ولي الله بالبلا

والأداء يا مولاي بحجة الله يا أمين الله يا ولي الله إن بيني وبين الله

عز وجل ذنوبا فلا تفك ظهري ومنغصني من الزفاد وذكرها

أحشائي وقد هربت إلى الله عز وجل وإليك فيحق من ائتمنك على سره

واسترعاك أمر خلقه وفرض طاعتك بطاعته ومواليك بموالاته

كن لي إلى الله شفيعا ومن النار مجيرا ومن الدهر ظهيرا

يحسان وقبورا يا ولي الله يا حجة الله يا باب الله وليتك وزائرك واللا

بفنائك والنازل بفنائك والمنيخ رحله في جوارك بنا لك أن تشفع

له إلى الله في قضاء حاجته ونجح طلبته في الدنيا والآخرة فإن لك

عند الله الجاه العظيم والشفاعة المقبولة فاجعلني يا مولاي من

من همك وادخلني في حزبك والسلام عليك وعلى ضجيعك آدم
ونوح والسلام عليك وعلى ولديك الحسن والحسين وعلى الائمة
الطاهرين من ذريتك ورحمة الله وبركاته پس از روي تضرع و خشوع
هر حاجت كه داري
از خضعا الى الطلب خواهد كه چون از دو ركعت نماز فارغ گشتي در همان الحرم وبعد
الضريح قصد روضه وضريح حضرت امير المومنين عليه السلام نمايد وزيارت
ودعا هاي آنجا بكند بگريد ميخواند و نزديك شدن و بوسيدن ضريح
اعني بعوض انها در كار نيست كه چيزي بعمل آورد و بوسيدن ظاهر ضريح
است كه مستحب است در اين روز دو ركعت نماز بكند و در هر ركعت
بعد حمد ده مرتبه انا انزلناه و ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند و چون
سلام بگويد بايستد و بگويد انت حي لا تموت وخالق لا تغلب وبدئي لا تعجز
در جاي نماز خود بنشيند
وقريب لا تبعد وقادر لا تقهر وغافر لا تظلم وصمد لا تطعم و
قيوم لا تنام وعالم لا تعلم وقوي لا تضعف وعظيم لا توصف وغني
لا تخلف وعفو لا تفتقر وحليم لا تجور ومنيع لا تقهر ومعروف
لا تنكر ووكيل لا تخفق وغالب لا تغلب وقرم لا تستشير ورؤوف
لا تعمل وسريع لا تدهل وجواد لا تبخل وعزيز لا تذل وحافظ لا

لا تغفل وقائم لا تزول ومحيي لا ترى وداءم لا تفنى وباق لا تبلى
وواحد لا تشتبه ومقتدر لا تنازع اللهم اني اسالك بعلم الغيب
عندك وقدرتك على الخلق اجمعين ان تحييني ما علمت الحيوة خيرا لي
وان توفاني اذا كانت الوفاة خيرا لي واسئلك الخشية في الغيب
والشهادة واسئلك اللهم كلمة الحق في الغضب والرضا واسالك
نعيما لا ينفد واسالك الرضا بعد القضاء واسئلك برد العيش
بعد الموت واسئلك لذة النظر الى وجهك الكريم امين رب العالمين
اللهم اني اسئلك بمعاقد العز من عرشك والكبرياء من كرسيك و
رحمتك في كتابك وباسمك وكلماتك التامة كلها ان تغفر لي و
ترحمني بالطيف الطف لي في كل ما احب وترضى اللهم اني
اسئلك فعل الخيرات وترك المنكرات وحب المساكين ومخالطة
الصالحين وان تغفر لي وترحمني واذا اردت بقوم فتنة ففتني غير
مفتون واسالك حبك وحب كل عمل يقربني الى حبك اللهم ما رزقتني

من يحبك وحبه

اللهم صل على محمد وآله حبيبك ونجي ابراهيم خليلك وصفيك
وموسى كليمك ونجي عيسى روحك واسئلك بصحف ابراهيم ونور
موسى والانجيل عيسى وزبور داود وفرقان محمد صلى الله عليه وآله
واسئلك بكل وحي اوحيته ونجي كل قضاء قضيته وبكل سائل
اعطيته واسئلك بكل اسم انزلته واسألك باسمائك التي استقل
بها عرشك واسئلك باسمائك التي وضعتها على الليل فاظلم واسألك باسمائك
التي وضعتها على النهار فاضاء واسئلك باسمائك التي وضعتها
على الارض فاستقرت واسئلك باسمك الاحد الصمد الذي ملأ
اركان كل شيء واسئلك باسمك الطهر الطاهر المبارك الحي القيوم
لا اله الا هو الرحمن الرحيم واسئلك بمعاقد العز من عرشك ومنتهى
الرحمة من كتابك وباسمائك العظام وجدك الاعلى وكلماتك

التامات ان ترزقنا حفظ القرآن والعمل به والطاعة لك والعمل
الصالح وان تثبت ذلك في انفسنا اعمالا وابصارنا وان تحفظ ذلك لجميع
ودنيي وصحتي وان تجعل بذلك بدني وقوتي فانه لا يقوى
على ذلك الا انت وحدك لا شريك لك يا الله الواحد الرب العظيم
يا الله الخالق المصور يا الله الباعث الوارث يا الله الفتاح العليم
يا الله الملك القادر المقتدر اغفر لي وارحمني انك انت ارحم
الراحمين اللهم انت قلت وقولك الحق ادعوني استجب لكم يا الله
بإسمك الذي دعاك به ادم صلى الله عليه فاوجبت له الجنة و
اسألك باسمك الذي دعاك به شيث ابن ادم فجعلته وصي ابيه بعد
ان تستجيب دعاءنا وان ترزقنا انفاذ كل وصية لاحد عندنا
وان نقدم وصيتنا امامنا واسئلك باسمك الذي دعاك به
ادريس فرفعته مكانا عليا ان ترفعنا الى احب البقاع اليك وان

عليننا بمغفرتك وتدخلنا الجنة برحمتك واسئلك بإسمك الذي

دعاك به نوح فنجيته من الغرق واهلكت القوم الظالمين ان تنجينا

مما نخاف فيه من البلاء وانا لك بإسمك الذي دعاك به هود فنجيته

من الريح العقيم ان تنجينا من بلاء الدنيا والآخرة وعذابهما

واسئلك بإسمك الذي دعاك به صالح فنجيته من خزي يومئذ ان

تنجينا من خزي الدنيا والآخرة وعذابهما واسئلك بإسمك الذي

دعاك به لوط فنجيته والمؤتفكة والمطر السوء ان تنجينا من مخازي

الدنيا والآخرة واسالك بإسمك الذي به شعيب فنجيته من عذاب

يوم الظلة ان تنجينا من العذاب الى روحك ورحمتك واسئلك

بإسمك الذي دعاك به إبراهيم فجعلت النار عليه بردا وسلاما

ان تخلصنا كما خلصته وان تجعل ما نخاف فيه برحمتك بردا وسلاما

كما جعلتها عليه واسئلك بإسمك الذي دعاك به إسمعيل

دعاك به
خواند ترا

عند العطش وانفجرت من زمزم الماء الروي ان تجعل مخرجنا

خير وان ترزقنا المال الواسع برحمتك واسئلك بإسمك الذي

دعاك به يونس فاخرجته من بطن الحوت ظلمة ظلمة ان تخلصنا

ونجعل بيننا وبين اولادنا واهالينا واسئلك بإسمك الذي دعاك

به يوسف فاخرجته من السجن ان تخرجنا من السجن ونملكنا نعمتك

التي انعمت بها علينا واسئلك بإسمك الذي دعاك به الاسباط

فتب عليهم وجعلتهم ان تتوب علينا وترزقنا طاعتك وعبادتك

والخلاص مما نخاف فيه واسئلك بإسمك الذي دعاك به ايوب اذ حل به

البلاء فقال ربي اني مسني الضر وانت ارحم الراحمين فاستجبت له

وكشفت ضره ورددت عليه اهله ومثلهم معهم رحمة من عندنا

وذكرى للعابدين اللهم اني اقول كما قال ربي اني مسني الضر وانت

ارحم الراحمين فاستجب لنا وارحمنا وخلصنا ورد علينا اهلنا

انبياء
بسمه

وَمَا لَنَا مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْكَ وَاجْعَلْنَا مِنَ الْعَابِدِينَ لَكَ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى وَهَرُونَ فَقُلْتَ عَزَرْتَ مِنْ قَائِلٍ فَدَاجِيبْتَ

دَعْوَتُكُمَا اَنْ تُسْجِيبَ دُعَاءَنَا وَنَجِّيَنَا كَمَا نَجَّيْتَهُمَا وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

الَّذِي دَعَاكَ بِهِ دَاوُدَ فَغَفَرْتَ عَلَيْهِ ذَنْبَهُ وَتُبْتَ عَلَيْهِ اَنْ لَغْفِرَ

لِي وَتَتُوبَ عَلَيَّ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ

بِهِ سُلَيْمَانُ فَرَدَدْتَ عَلَيْهِ مُلْكَهُ وَاَمْكَنْتَهُ مِنْ عَدُوِّهِ وَسَخَّرْتَ لَهُ

الْجِنَّ وَالْاِنْسَ وَالطَّيْرَ اَنْ تُخَلِّصَنَا مِنْ عَدُوِّنَا وَتَرُدَّ عَلَيْنَا وَتُسَخِّرَ

لَنَا مِنْ اَيْدِيهِمْ حَفَصًا وَتُخَلِّصَنَا مِنْهُمْ اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَاَسْئَلُكَ

بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ عَلَى عَرْشِ مَلِكَةَ سَبَا

اَنْ تَحْمِلَ اِلَيْنَهُ فَاِذَا هُوَ مُسْتَقِرٌّ عِنْدَهُ اَنْ تَحْمِلَنَا مِنْ غَامِنَا هٰذَا اِلَى

بَيْتِكَ الْحَرَامِ حُجَّاجًا وَزُوَّارًا لِغَيْرِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ السَّلَامُ وَاَسْئَلُكَ

بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ يُونُسُ بْنُ مَتَّى فِي الظُّلُمَاتِ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا

اَنْتَ سُبْحَانَكَ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَنَجَّيْتَهُ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ وَمِنَ

الْغَمِّ وَقُلْتَ عَزَرْتَ مِنْ قَائِلٍ وَكَذٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ فَنَشْهَدُ اَنَّا

مُؤْمِنُونَ وَنَقُولُ كَمَا قَالَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ

فَاسْتَجِبْ لِي وَنَجِّنِي مِنْ غَمِّ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ كَمَا ضَمِنْتَ اَنْ تُنَجِّيَ الْمُؤْمِنِينَ

وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ زَكَرِيَّا فَقَالَ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا

وَاَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَوَهَبْتَ لَهُ يَحْيَى وَاَصْلَحْتَ لَهُ زَوْجَهُ

وَجَعَلْتَهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَكَ رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا

لَكَ خَاشِعِينَ فَاِنِّي اَقُولُ كَمَا قَالَ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَاَنْتَ خَيْرُ

الْوَارِثِينَ فَاسْتَجِبْ لِي وَاَصْلِحْ لِي شَأْنِي وَجَمِيعَ مَا اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ

وَخَلِّصْنِي مِمَّا اَنَا فِيهِ وَهَبْ لِي كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَاَوْلَادًا

صَالِحِينَ بَرَرَةً وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَدْعُوكَ رَغَبًا وَرَهَبًا وَمِنَ الْخَاشِعِينَ

الْمُطِيعِينَ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ يَحْيَى فَجَعَلْتَهُ بَرًّا بِالْفَتَى

ولم نعمل معصيته ولم نهتم بها ان تعصمنى من اعتراف المعاصى حتى
نلقاك طاهرين ليس لك فينا معصية واسالك بإسمك الذى
دعاك به مريم فطفق ولدها يحيها ان توفقنا وتخلصنا يحيانا عندك
وعند كل ملك حتى تظهر يحيانا على الطالمين واسالك بإسمك الذى
دعاك به عيسى بن مريم فاحياني به الموتى وابرء الاكمه والابرص
ان تخلصنا وتبرانا من كل سوء وافة والم وتحيينا حيوة طيبة
فى الدنيا والاخرة وان ترزقنا العافية فى ابداننا واسئلك باسمك
الذى دعاك به الحواريون فاعنتهم حتى لمعوا عن عيسى ما ادعى
به وصرفت عنهم كيد الجبارين وتولتهم ان تخلصنا وتجعلنا
من الدعاة الى طاعتك واسالك بإسمك الذى دعاك به يونس
فرفعت عنه الم العذاب ان ترفع عنا الم العذاب فى الدنيا و
الاخرة وان لا تبتلينا وانت لنا قاصر ونا والعافية احب الينا

واسئلك بإسمك الذى دعاك به الخضر حتى انفتيه ان تفرج عنا
وتنصرنا على من ظلمنا وتردنا الى مامننا واسالك بإسمك الذى
به محمد صلى الله عليه وآله فجعلته سيد المرسلين وايدته بعلى سيد
الوصيين ان تصلى عليهما وعلى ذريتهما الطاهرين وان تسهلنى
فى هذا اليوم عشرتى وتغفر لى ما سلف من ذنوبى وخطاياى ولا
تضر فينى ان مقامى هذا الا يبغى مشكور وذنب مغفور وعمل
مقبول ورحمة ومغفرة ونعيم موصول بنعيم الاخرة برحمتك يا
يا منان يا ذا الجلال والاكرام انك على كل شئ قدير ولا حول ولا
قوة الا بالله العلى العظيم

ودر ان سه فصل است فصل اول در اعمال ماه ربيع الثانى است
الاول وجمادى الثانية است سيد بن
طاوس رواية كرده است كه در روز اول اينماه مستحب است كه اين دعا
بخواند اللهم انت الله كل شئ وخالق كل حى ورب كل شئ اسالك
بالعروة الوثقى والغاية والمنتهى وبما خالفت به بين الانوار

الأنوار والجنة والنار والدنيا والآخرة وما أعظم اسمائك في اللوح
المحفوظ وأتمّ اسمائك في التوراة تبتلا وأظهر اسمائك في الزبور عجبا
وأجل اسمائك في الانجيل قدرا وأرفع اسمائك في القرآن ذكرا
وأعظم اسمائك في الكتب المنزلة وأفضلها وأنير اسمائك في نفسك
الذي ليس كمثله شئ وأنت ملك بعزتك وقدرتك وبالعزيز
العظيم وما حمل وبالكبرياء الكريم وما وسع أن تصلي على محمد وآل
محمد وأن تتبع لي من عندك فرجك القريب والعظيم الأعظم اللهم
انعم على احسانك القديم الأقدم وتابع الي معروفك الدائم الأدوم
واعصني بعز جلالك الكريم الأكرم والهكم إله واحد لا إله
إلا هو الرحمن الرحيم الله لا إله إلا هو الحي القيوم لا تأخذه سنة
ولا نوم له ما في السموات وما في الأرض من ذا الذي يشفع عنده إلا
بإذنه يعلم ما بين أيديهم وما خلفهم ولا يحيطون بشئ من علمه
إلا بما شاء وسع كرسيه السموات والأرض ولا يؤده حفظهما وهو
العلي العظيم شهد الله أنه لا إله إلا هو والملائكة وأولوا العلم قائما بالقسط لا إله إلا هو
العزيز الحكيم الله لا إله إلا هو ليجمعنكم إلى يوم القيامة لا ريب
فيه ذلكم الله ربكم لا إله إلا هو خالق كل شئ فاعبدوه وهو على
كل شئ وكيل اتبع ما أوحي إليك من ربك لا إله إلا هو وأعرض
عن المشركين قل يا أيها الناس إني رسول الله إليكم جميعا الذي له
ملك السموات والأرض لا إله إلا هو يحيي ويميت فآمنوا بالله و
رسوله النبي الأمي الذي يؤمن بالله وكلماته واتبعوه لعلكم
تهتدون وما أمروا إلا ليعبدوا إلها واحدا لا إله إلا هو سبحانه
عما يشركون فإن تولوا فقل حسبي الله لا إله إلا هو عليه توكلت
وهو رب العرش العظيم حتى إذا أدركه الغرق قال آمنت أنه لا إله
إلا الذي آمنت به بنو اسرائيل وأنا من المسلمين قل هو ربي لا
إله إلا هو عليه توكلت وإليه متاب ينزل الملائكة بالروح من

من امره على من يشاء من عباده ان انذروا انه لا اله الا انا فاتقون
وان تجهر بالقول فانه يعلم السر واخفى الله لا اله الا هو له
الاسماء الحسنى وانا اخترتك فاستمع لما يوحى انني انا الله لا اله
الا انا فاعبدني واقم الصلوة لذكري ان الحكم الا لله يقص الحق
الا هو وسع كل شيء علما وما ارسلنا من قبلك من رسول الا نوحي
اليه انه لا اله الا انا فاعبدون وذا النون اذ ذهب مغاضبا
فظن ان لن نقدر عليه فنادى في الظلمات ان لا اله الا انت
سبحانك اني كنت من الظالمين فتعالى الله الملك الحق لا اله
الا هو رب العرش الكريم الله لا اله الا هو رب العرش العظيم
وهو الله لا اله الا هو له الحمد في الاولى والاخرة وله الحكم
واليه ترجعون ولا تدع مع الله الها اخر لا اله الا هو كل شيء
هالك الا وجهه له الحكم واليه ترجعون يا ايها الناس اذكروا

نعمت الله عليكم هل من خالق غير الله يرزقكم من السماء والارض
لا اله الا هو فاني تؤفكون ذلكم الله ربكم له الملك لا اله الا هو
فاني تصرفون غافر الذنب وقابل التوب شديد العقاب ذي
الطول لا اله الا هو اليه المصير ذلكم الله ربكم خالق كل شيء
لا اله الا هو فاني تؤفكون ذلكم الله ربكم فتبارك الله رب العالمين
هو الحي لا اله الا هو فادعوه مخلصين له الدين الحمد لله رب العالمين
رب السموات والارض وما بينهما ان كنتم موقنين لا اله الا
هو يحيي ويميت ربكم ورب اباءكم الاولين فاني لهم اذ جاءهم
ذكرهم فاعلم انه لا اله الا الله واستغفر لذنبك وللمؤمنين والمؤ
هو الله لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم هو
الله الذي لا اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن
العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون الله لا اله الا هو

وعلى الله فليتوكل المؤمنون اللهم اني اسئلك عفوا ليس بعده عقوبة

ورضا ليس بعده سخط وعافية ليس بعدها بلاء وسعادة ليس بعدها

شقاء وهدى لا يكون بعده ضلالة وايمانا لا يداخله كفرا وفلاحا

لا يداخله فيه اللهم اني اسئلك السعة في الفقر والنجاة عند البلاء

والقول الثابت وان تنزل علي الامان والفرج والسرور ونضرة

النعيم اللهم صل على محمد وال محمد وعرفني بركة هذا الشهر وتمنه

وارزقني خيره واصرف عني شره واجعلني فيه من الفائزين برحمتك

يا ارحم الراحمين اللهم انت وهاب الخير فهب لي ثوابا الى لقائك

وانشفا من عذابك وحياء منك وتوفيرا واجلا لا حق به يوجل من ذلك

قلبي وتقشعر منه جلدي وتجافى له جنبي وتدمع منه عيني وهلا

اخلو من ذكرك في ليلي ونهاري يا ارحم الراحمين اللهم اني

علينك وما عسى ان تبلغ مدحتي وثنائي مع قلة علمي وقصور رائي

وانت الخالق وانا المخلوق وانت المليك وانا المملوك وانت الرب وانا

العبد وانت العزيز وانا الذليل وانت الغني وانا الفقير وانت المعطي وانا السائل وانت الحي الذي لا يموت

وانا خلق اموت فاغفر لي وارحمني واعطني سؤلي في دنياي واخرتي

وتجاوز عني وعن جميع المؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات

الاحياء منهم والاموات اللهم صل على محمد عبدك ورسولك

وصفيك وخيرتك من خلقك اللهم ارفع درجته وكرم مقامه و

اجزل ثوابه واقلح حجته واظهر عذره وعظم نوره واورم كرامته

والحقه بآمنه ودرجته واوف له ذلك عنا اللهم اجعل محمدا اكرم

النبيين نبيا واعظمهم منزلة واشرفهم كرامة وعلائهم وافتحهم

في الجنة منزلا اللهم بلغ محمدا درجة الوسيلة وشرف بنيانه وعظم

نوره وبرهانه وتقبل شفاعته في امته وتقبل صلوة امته عليه

ربيع الثاني

اللهم صل على محمد كما بلغ رسالاتك وناط آياتك ونصح لعبادك وجاهد في سبيلك حتى اتاه اليقين اللهم رد محمدا مع كل شرف شرفته ومع كل فضل فضلا ومع كل كرامة كرامة ومع كل سعادة سعادة حتى يحل محمد في الشرف الاعلى من الدرجات العلى اللهم صل على محمد وآل محمد وسهل لي مجتبى وبلغني امنيتي ووسع علي رزقي وافض علي ذنبي وفرج عني غمي وهمي وكربي وكثر لي ازادي واوصلني الى بغيتي سريعا عاجلا يا ارحم الراحمين وشفع محمد

كفته است كه در روز دهم ماه ربيع الاول سال دويست وهشت از هجرت بنوي صلى الله عليه وآله حضرت امام حسن عسكري متولد شده است وروز شريف نشيار مباركي است ومستحب است در شكر اين نعمت عظمى روزه بدارند وزيارت آن حضرت وساير اعمال خير در اين روز نيز بركت مناسب است فصل دراعمال ماه جمادي الاولى است سيد بن طاوس ره در بعضي از كتب معتبره نقل اللهم انت الله وانت الرحمن كرده است كه در اول اين ماه مستحب است

الرحيم وانت الملك القدوس وانت السلام المؤمن وانت المهيمن

وانت العزيز وانت الجبار وانت المتكبر وانت الخالق وانت البارئ وانت المصور وانت العزيز الحكيم وانت الاول والآخر والظاهر والباطن لك الاسماء الحسنى اسالك يا رب بحق هذه الاسماء وبحق اسمائك كلها ان تصلي على محمد وآل محمد وان تنيلنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة واجعلنا لك شاكرين ذاكرين راغبين راهبين مخبتين اليك اوابين حزبك المفلحين واجعلنا في الغابرين وفي الآخرين واجعلنا في جنة النعيم ونجنا من عذاب النار يا ارحم الراحمين انك على كل شيء قدير

الحمد لله رب العالمين الحمد لله الذي خلق السموات والارض وجعل الظلمات والنور ثم الذين كفروا بربهم يعدلون هو الذي خلقكم من طين ثم قضى اجلا واجل مسمى عنده ثم انتم تمترون وهو الله في السموات وفي الارض يعلم سركم وجهركم ويعلم ما تكسبون

الحمد لله الذي انزل على عبده الكتاب ولم يجعل له عوجا قيما

لبئس ربا شديدا من لدنه الحمد لله الذي له ما في السموات و
في الأرض وله الحمد في الآخرة وهو الحكيم الخبير الحمد لله الذي
فاطر السموات والأرض جاعل الملائكة رسلا اولي اجنحة
وثلث ورباع ويزيد في الخلق ما يشاء ان الله على كل شيء قدير ما
يفتح الله للناس من رحمة فلا ممسك لها وما يمسك فلا مرسل
له من بعده وهو العزيز الحكيم الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي
لولا ان هدينا الله لقد جاءت رسل ربنا بالحق الحمد لله الذي
وهب لي على الكبر اسمعيل واسحق ان ربي لسميع الدعاء الحمد
لله بل اكثرهم لا يعلمون الحمد لله الذي نجانا من القوم الظالمين
الحمد لله الذي فضلنا على كثير من عباده المؤمنين الحمد لله سيريكم
آياته فتعرفونها وما ربك بغافل عما تعملون الحمد لله الذي اذهب
عنا الحزن ان ربنا لغفور شكور الحمد لله الذي صدقنا وعده واورثنا

الأرض نتبوء من الجنة حيث نشاء فنعم اجر العاملين وترى الملائكة
خافين من حول العرش يسبحون بحمد ربهم وقضي بينهم بالحق وقيل
الحمد لله رب العالمين فلله الحمد رب السموات ورب الأرض رب العالمين
وله الكبرياء في السموات والأرض وهو العزيز الحكيم الحمد لله
الذي لم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن له ولي
من الذل وكبره تكبيرا اللهم اغفر لي ما سلف من ذنوبي واعذني
فيما بقي من عمري وفوض فيما خلفتني له وجنبني الى الايمان
وزينه في قلبي وقد دعوتك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم
اصبحت لك عبدا لا استطيع دفع ما اكره ولا املك ما ارجو
واصبحت مرتهنا بعملي فلا فقير افقر مني اليك يا رب العالمين
اسئلك ان تستعملني بعمل من استعملته حضورا اجله لا بل عمل من قد
مات فرأى عمله ونظر الى ثواب عمله انك على كل شيء قدير اللهم

هذا مكان العائذ برحمتك من عذابك وهذا مكان العائذ بمعافاتك

من غضبك اللهم اجعلني ممن دعاك فاجابك فاعطيته وامن

فهديته وتوكل عليك فكفيته وتقرب اليك فادنيته واقصر اليك

فاعنته واستغفرك فغفرت له ورضيت عنه وارضيته وه

وهديته الى مرضاتك واستعملته بطاعتك ولذلك فرغته ابدا

ما احييته فتب علي ارزقني واعطني سؤلي ولا تحرمني شيئا مما سالك

واكفني شر ما يعمل الظالمون في الارض فاستغفروا الله الذي

لا اله الا هو الذي لا يغفر الذنوب الا هو اللهم صل على محمد و

محمد واعني على الدنيا وارزقني خيرها وكفني شرها من الكفر والفسوق

والعصيان واجعلني من الراشدين اللهم فوفني لعبادتك وتسليم

في طاعتك وبلغني الذي ارجو من رحمتك يا ارحم الراحمين

اللهم اني اسئلك الرضى يوم الظمأ والنجاة يوم الفزع الاكبر

والفوز يوم الحساب والامن يوم الخوف واسالك النظر الى وجهك

الكريم والخلود في جنتك في دار المقامة من فضلك واليتجود يوم

اكشف عني واظلني يوم لا ظل الا ظلك وارافقه انبياءك وور

واولياءك اللهم اغفر لي من ذنوبي وما اخرت وما اسررت وما

اعلنت وما انت اعلم به مني وارزقني التقى والهدى

والعفاف والغنى ووفقني للعمل بما تحب وترضى اللهم اصلح لي

ديني الذي هو عصمة امري واصلح لي دنياي التي فيها معاشي

واصلح لي اخرتي التي اليها منقلبي واجعل الحياة زيادة لي في كل

خير واجعل الموت راحة لي من كل سوء اللهم اني اسئلك

يا رب الارباب ويا سيد السادات ويا مالك الملوك ان ترحمني

وتستجيب لي وتصلحني فانه لا يصلح من صلح من عبادك الا انت

فانك انت ربي وثقتي ورجائي ومولاي ومفزعي ولا راحم

وسئلته

ما فاته من

الخمس والسبعين

آية

لِي غَيْرَكَ وَلَا مُغْنِيَ لِي سِوَاكَ وَكَمَا لَكَ سِوَاكَ وَلَا مُجِيبَ إِلَّا أَنْتَ أَنَا

عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أَمَتِكَ الْخَاطِئُ الدَّنِيُّ وَبَعْدَهُ رَحْمَتُكَ وَأَنْتَ

الْعَالِمُ بِحَالِي وَمَا هِيَ وَكَثْرَةُ ذُنُوبِي وَالْمُطَّلِعُ عَلَى أُمُورِي كُلِّهَا فَاسْأَلُكَ

يَا إِلَهِي إِلَّا أَنْتَ أَنْ تَغْفِرَ لِي مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِي وَمَا تَأَخَّرَ وَلَا تَمْنَعْ لِي

الْأَعْظَمَ لَهُ وَلَا هَمًّا إِلَّا فَرَّجْتَهُ وَلَا حَاجَةً إِلَّا وَهِيَ لَكَ رِضًى إِلَّا قَضَيْتَهَا

وَلَا عَيْبًا إِلَّا أَصْلَحْتَهُ اللَّهُمَّ وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ

حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَبَوَائِقِ الدَّهْرِ

وَمَصَائِبِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ وَاحْرُسْنِي مِنْ شَرِّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي

الْأَرْضِ فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا

ثَابِتًا وَعَمَلًا مُتَقَبَّلًا وَدُعَاءً مُسْتَجَابًا وَنَفْسًا صَادِقَةً وَقَوْلًا طَيِّبًا وَقَلْبًا

شَاكِرًا وَبَدَنًا صَابِرًا وَلِسَانًا ذَاكِرًا اللَّهُمَّ انْزِعْ حُبَّ الدُّنْيَا وَعَفْوَهَا

وَذِكْرَهَا وَشَهْوَتَهَا مِنْ قَلْبِي اللَّهُمَّ إِنَّكَ بِكَرَمِكَ تُكْرِمُ الْيَسِيرَ

اللهم

اللهم

مِنْ عَمَلِي فَاعْفُ لِي الْكَثِيرَ مِنْ ذُنُوبِي وَكُنْ لِي وَلِيًّا وَنَصِيرًا وَشَفِيعًا

وَحَافِظًا اللَّهُمَّ هَبْ لِي قَلْبًا أَشَدَّ رَهْبَةً لَكَ مِنِّي وَلِسَانًا أَدْ

لَكَ ذِكْرًا مِنْ لِسَانِي وَجِسْمًا أَقْوَى عَلَى طَاعَتِكَ وَعِبَادَتِكَ مِنِّي

جِسْمِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ وَمِنْ فُجَاءَةِ نِقْمَتِكَ وَمِنْ

تَحَوُّلِ عَافِيَتِكَ وَمِنْ حُلُولِ غَضَبِكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ وَدَرَكِ

الشَّقَاءِ وَمِنْ شَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ وَسُوءِ الْقَضَاءِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْكَرِيمِ وَعَرْشِكَ الْعَظِيمِ وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ

يَا وَهَّابَ الْعَطَايَا وَيَا مُطْلِقَ الْأَسَارَى وَيَا فَكَّاكَ الرِّقَابِ وَيَا كَاشِفَ

الْعَذَابِ إِنَّا لَكَ أَنْ تُخْرِجَنِي مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا غَانِمًا وَأَنْ تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ

بِرَحْمَتِكَ آمِنًا وَأَنْ تَجْعَلَ أَوَّلَ شَهْرَتِهِ هَذَا صَلَاحًا وَأَوْسَطَهُ فَلَاحًا

وَآخِرَهُ نَجَاحًا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ

كه كليني لسند صحيح

است كه حضرت فاطمه صلوات الله عليها هفتاد و پنج روز بعد از
حضرت رسالت صلى الله عليه وآله زنده بود پس بنابر مشهور كه

حضرت رسول در بیست و هشتم ماه صفر بود باید و وفات حضرت
فاطمه صلوات الله علیها در سیزدهم یا چهاردهم یا پانزدهم ماه جمادی
الاولی باشد پس زیارت ان حضرت در این روز مناسب است خصوصا
در چهاردهم که ظاهر تر است و شیخ مفید علیه الرحمة گفته است که
در شب پانزدهم اینها حضرت امام زین العابدین صلوات الله علیه متولد
شده است و روز نیز نفی است و مستحب است که روزه بدارند و اعمال
خیر از عبادات و صدقات بجا اورند و شیخ طوسی گفته است که فرخ جزء
برای امیر المومنین پنج در این روز مقرر شده و ان که زیارت هر دو امام
در این روز مناسب است و اگر زیارت جامعه کبیره در این هشتم ایام بخواند
چنانچه مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی نظر است فصل دوم در اعمال
ماه جمادی الثانیه است سید بن طاوس رضی الله عنه روایت کرده
که در اینماه در هر روز که خواهد سنت است که چهار رکعت نماز بکند
یعنی بعد از سلام و در رکعت اول بعد از سوره فاتحه یکمرتبه آیة الکرسی
بخواند و بیست و پنج مرتبه انا انزلناه و در رکعت دوم یکمرتبه الهیکم
التکاثر و بیست و پنج مرتبه قل هو الله و در رکعت سیم یک مرتبه قل یا
ایها الکافرون و بیست و مرتبه قل اعوذ برب الفلق و در رکعت چهارم یک
مرتبه اذا جاء نصر الله و بیست و پنج مرتبه قل اعوذ برب الناس و بعد
از سلام رکعت چهارم هفتاد مرتبه بگوید سبحان الله و الحمد لله و لا
اله الا الله و الله اکبر و هفتاد مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد
پس سه مرتبه بگوید اللهم اغفر للمومنین و المومنات پس سر بسجود
بگذارد و سه مرتبه بگوید یا حی یا قیوم یا ذا الجلال و الاکرام یا الله
یا رحمن یا رحیم یا ارحم الراحمین پس هر حاجت که دارد از حق تعالی
طلب نماید هر که چنین کند خدا خودش روا و ما الشر او و فرزندانش را
و زمان او را و دین و دنیای او را حفظ کند و اگر در این سال بوستها و

یعنی ثواب شهید را دارد باشد و شیخ نیز گوا و محمد بن جریر طبری
در کتاب دلایل الامامه سند معتبر از حضرت صادق روایت
کرده است که ولادت با سعادت حضرت فاطمه صلوات الله علیها
در بیستم ماه جمادی الثانیه واقع شد و شیخ طوسی و سید بن طاوس
و دیگران چنین ذکر کرده اند و اگرچه وفات منافی روایتی است که
ذکر کردیم اما چون مشهور است و روایت معتبر دارد باید که در روز
بیست و سیم ماه از حضرت بیرون نیایند و زیارت ان حضرت نکنند یعنی
نشنیده ایم تا الان ان حضرت و غاصبان حق او بگذند خصوصا ابو بکر
و عمر و قنفذ غلام عمر و در روز بیستم باز ان حضرت را زیارت کنند و
چنانچه شیخ مفید گفته است اظهار سرور و خوشحالی بکنند و روزه
بدارند و صدقات و اعمال خیر بکنند و زیارت ان حضرت بدو طریق
وارد شده است اول انکه سید بن طاوس روایت کرده است که هر که
زیارت کند ان حضرت را باین زیارت میگوید السلام علیک یا ابنة
نبی و الغالمین السلام علیک یا والدة الحجج علی الناس اجمعین السلام
علیک ایتها المظلومة الممنوعة حقها بغصبوه اللهم صل علی امتک و ابنة
نبیک و زوجة وصی نبیک صلوة تزلفها فوق زلفی عبادک المکرمین
من اهل السموات و الارضین پس طلب امرزش کند از خدا
تعالی گناهان او را بیامرزد و او را داخل بهشت گرداند و این زیارت جامعه مختصر مصدر است
همه وقت میتوان کرد لکن زیارت مذکور طولی است که علما ذکر کرده
اند در کتب زیارات و سندش بخط ظهیر نوشته است و این زیارت

انبیت السلام علیک یا بنت رسول الله السلام علیک یا بنت
نبی الله السلام علیک یا بنت حبیب الله السلام علیک یا بنت
خلیل الله السلام علیک یا بنت صفی الله السلام علیک یا بنت امین
الله السلام علیک یا بنت خیر خلق الله السلام علیک یا بنت افضل
انبیاء الله السلام علیک یا بنت خیر البریه السلام علیک یا سیده
نساء العالمین من الاولین والاخرین السلام علیک یا زوجه فتی
الله وخیر خلقه بعد رسول الله السلام علیک یا ام الحسن و
الحسین سیدی شباب اهل الجنه السلام علیک یا ام المومنین
السلام علیک ایتها الصدیقه الشهیده السلام علیک ایتها الزکیه
المرضیه السلام علیک یا ایتها الصادقه الرشیده السلام علیک
ایتها الفاضله الزکیه السلام علیک ایتها العذرا الانسیه
السلام علیک ایتها التقیه النقیه السلام علیک ایتها المحدثه

العلیمه السلام علیک یا ایتها المعصومه المظلومه السلام علیک
ایتها الطاهره المطهره السلام علیک ایتها المصطفاه المعصومه
السلام علیک ایتها الغرا الزهرا السلام علیک یا فاطمه بنت
بنت محمد رسول الله ورحمه الله وبرکاته صلی الله علیک یا مولای
وابنه مولای وعلی روحک وبدنک اشهد انک مضیت علی ما
من زنک وان من سرک فقد سر رسول الله صلی الله علیه واله ومن
آذاک فقد آذا رسول الله ومن جفاک فقد جفا رسول الله صلی الله
علیه واله ومن وصلک فقد وصل رسول الله ومن قطعک فقد
قطع رسول الله لانک بضعه منه وروحه التی بین جنبیه کما قال
علیه افضل الصلوه واکمل السلام اشهد الله وملائکته انی وفیّ
لمن والاک وعدو لمن عاداک وحرب لمن حاربک انا یا مولای بک وبابیک
وبعلک والائمه من ولدک موقن وبولایتهم موقن ولطاعتهم

ملتزم أشهد أن الذين دينهم وأحكم حكمهم وهم قد بلغوا عن الله عز
وجل ودعوا إلى سبيل الله بالحكمة والموعظة الحسنة لا أخذهم في
الله لومة لائم وصلوات الله عليك وعلى أبيك وبعلك وذريتك
الأئمة الطاهرين اللهم صل على محمد وآل محمد وصل على النبوك
الطاهرة الصديقة المعصومة التقية الرضية الزكية
الزكية المظلومة المقهورة المغصوبة حقها الممنوعة إرثها المكسو
ضلعها المظلوم بعلها المقتول ولدها فاطمة بنت رسولك وبضعة
لحمه وصميم قلبه وفلذ كبده والتحفة منك له والنحفة خصصت
بها وصيه وحبيبه المصطفى وقرينه المرضي وسيد النساء و
ومبشرة الأولياء وخليفة الورع والزهد ونفاحة الفردوس
والحلة التي شرفت مولدها بنساء الجنة وسلكت منها أنوار الأئمة
وأرضيته دينها محجاب النبوة اللهم صل عليها صلوة تزيد في محلها

عندك وشرفها لديك ومنيرتها من رضاك وبلغها منا تحية وسلاما
وآتنا من لدنك في حبها فضلا واحسانا ورحمة وغفرانا إنك ذو العفو
الكبير يستبدل طاهر عليه الرحمة گفته است پس نماز زيارت بكن واگر نوافل
نماز از حضرت زا بجا اورد وان دو ركعت است وذكر هر ركعت بعد
از فاتحه نصف مرتبه سوره قل هو الله بخواند واگر نوافلي دو ركعت بكن و
در ركعت اول بعد از حمد يكمرتبه سوره قل هو الله بخوان و در ركعت دوم
سوره قل يا أيها الكافرون به بخوان وبعد از نماز تسبيح از حضرت زا بخوان
وان دعا اللهم إني أتوجه إليك بنبينا محمد وآل محمد صلوات الله عليهم
بخوانند خداوندا بدرگاه تو روی بوسیله پیغمبر ما محمد و بوسیله خاندان او درود خدا بر تو
وأسألك بحقك العظيم عليهم الذي لا يقوم له شيء وأسألك
بحق من خلقته عندك عظيم وبأسمائك الحسنى التي منها أن تدعوك
بها وأسألك بأسمك الأعظم الذي أمرت به أن يدعو به الطير
فأجابته وأسألك بأسمك العظيم الذي ملأ أركان عرشك وبوجه
على إبراهيم مكانك وبأحب الأسماء إليك وأسرعها وأعطها للسائل
وأسرعها إجابة وأنجحها طلبة وبما أنت أهله ومستحقه ومستوجبه
وأتوسل إليك وأرغب إليك وأتضرع وألح عليك وأسألك بكينك

التي انزلتها على ابدالك وارسلك صلوات الملك عليهم من النور به والآ
والتوراة والزبور والقرآن العظيم فان فيها اسمك الاعظم وبما فيها من اسمائك
العظيم ان تصلي على محمد وآل محمد وان تفرج عن آل محمد وشيعتهم
ومحبيهم وعني وتفتح ابواب السماء لدعائي وترفعه في عليين وتاذن
في هذا اليوم وفي هذه الساعة بفرجي وعظامي فيما امليٰ وسولي الدنيا
والآخرة يا من لا يعلم احد كيف هو وقدرته الا هو يا مسخر الهواء
بالسماء وكبس الارض على الماء واختار لنفسه احسن الاسماء يا من
يبتغي نفسه بالاسم الذي يقضي به حاجة من يدعوه اسالك بحق
ذلك الاسم فلا شفيع اقوى لي منه ان تصلي على محمد وآل محمد وتقضي
لي حوائجي وتسمع بمحمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين وعلي بن
الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلي بن موسى
ومحمد بن علي وعلي بن محمد والحسن بن علي والحجة المنتظر لامرك

صلوات الله وسلامه ورحمته وبركاته عليهم صوتي ليشفعوا اليك و
تشفعهم في ولا تردني خائبا يا رحيم لا اله الا انت پس حاجتهاي خود را طلب كن
پيوسته خاصه در اعمال هر ماه است بدانكه در وقت ديدن ماه نو خواه در شب اول وخواه دوم
وخواه سيم مستحب است كه دعاهاي منقول را بخوانند وبهترين انها دعاي
صحيفه كامله است كه دعاي چهل و سيم است وهفت مرتبه سوره حمد به
خواند كزاي دفع دود چشم منقول است وانكه پيوسته خوردن كهنه مستحب است
واز حضرت صادق منقول است كه بيكو لقمه ايست پيرد هاترا شيرين وخشوع بيكند
واشتهاي طعام فزايد ودواعث هضم طعام ميشود وهر كه در اول ماه به خو
خاجب اورد نميشود واز حضرت صادق منقول است كه هر كه در شب اول ماه
دو ركعت نماز بكند ودر هر ركعت بعد از سوره فاتحه سوره انعام به خواند
واز حضرتعالي سوال كند كه او را از هر بدي ودردي ايمن كرداند نه بيند
در ان ماه ما مزاكه مكروه او باشد واز حضرت امام محمد تقي منقول است كه چون
ماه نو را ديد در ركوع اول ماه دو ركعت نماز بكن ودر ركعت اول بعد از حمد
يس مرتبه سوره قل هو الله احد به خوان ودر ركعت دويم بعد از حمد يس مرتبه
سوره انا انزلناه بخوان وبعد از نماز نصف شكر بجاي چون چنين كني سلامتي
ان ماه را از حضرتعالي خريده ودر روايت ديگر وارد شده است كه مستحب است
كه بعد از اين دو ركعت بسم الله الرحمن الرحيم وما من دابة في الارض الا على الله
ايد عا را بخوانند سيم حواي بيت پيوسته در اين كتاب مكرر
رزقها ويعلم مستقرها ومستودعها كل في كتاب مبين بسم الله الرحمن
الرحيم وان يمسسك الله بضر فلا كاشف له الا هو وان يردك بخير فلا راد

لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ بِسْمِ اللَّهِ

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَأُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ

مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ وَبِدَانَكَ از جملهٔ

وكد كه حضرت

رسول بران مواظبت نمودند از دنیا رفت روزه سه روز در هر ماه است

وان موافق مشهور پنج شنبهٔ اول ماه و پنج شنبهٔ اخر ماه و چهار شنبه

اول از دهه میان ماه است و در بعضی از روایات عکس این نیز وارد شده

یعنی چهار شنبهٔ اول و چهار شنبهٔ اخر و پنج شنبهٔ اول از دهه میان و

اول اشهر و بهتر است و سنن از حضرت نبالی واجبات است در فضیلت و

تاکید وان حضرت نماز سنت را در هر شب و روز دو برابر نماز واجب مقرر

فرمود هشت رکعت نافله پیش از نماز ظهر و هشت رکعت پیش از نماز عصر

و چهار رکعت بعد از نماز شام و دو رکعت وتیره بعد از نماز خفتن و چون

نشسته کرده میشود برابر یک رکعت است و یازده رکعت نماز شب و دو رکعت

پیش از نماز صبح و اینها متمم فریضه اند و در ثواب و تاکید مثل سنن

ما فریضه اگر نماز کنند سنت است که قضا کنند و از برای ثواب ان کفا

یک مد از گندم یا جو برای نافله روز و یک مد از برای شب مقرر کرده

همچنین روزه سنت دو برابر روزه واجب است که تمام ماه شعبان است و

در ده ماه دیگر هر ماه سه روز و اگر فوت شود سنت است که قضا کنند

و اگر بدر نان بستان دشوار باشد سنت است که در روز مستان قضا کند

اگر دشوار باشد بدل هر روز یک درهم بدهد که به جستان زر دهد

بیستی و سه نار باشد و به حساب روزها بایستی این چهار ده عاز

بکی است یا یکصد و یکدم که سنجاب و مطصد درم بوزن قدیم اصفهان باشد

و اگر صد درم شاه بدهد احوط است و درهم دادن بهتر است و بسند

صحیح از حضرت صادق منقول است که حضرت رسول مدنی روزه سنت

انقدر کرفت که مردم کمان کردند که هرگز افطار نه خواهد کرد و مدنی

افطار کرد که کمان کردند که دیکر روزه سنت نه خواهد کرفت پس مدنی

روزه حضرت داود کرفت که یکروز روزه میداشت و یکروز افطار میفرمود

پس اکتفا نمود اخر عمر بروزه سه روز در هر ماه بنحویکه کذشت تا انکه

تا مت ایشان باشد متابعت ان حضرت و فرمود که این روزه برابر است تواب

باروزه تمام سال و وسواس شیطانی را از شنبه بر طرف میکند و از

پرسید که کدام روزها است فرمود که پنج شنبه اول و چهار شنبه اول

دهه دویم و پنج شنبه اخر پرسید که چرا این روزها روزه میدارند فرمود

برای انکه عذاب برامتهای سابق در این روزها نازل میشده است پس

امر کرد که در این روزها روزه بدارند برای دفع عذاب و در روایت دیکر

فرمود که پنج شنبه را برای این روزه بدارند که اعمال بندکان در این روز

بر خدا عرض میکنند و چهار شنبه میدارند برای این روزه میدارند که ایشان

جهنم در روز چهار شنبه خلق شده است و روزه سپر ایشان از جهنم است و

دیکر هر عذاب که برامتهای سابق نازل شده است در کی چهار شنبه میان ما

نازل شده است و اگر در دههٔ اول دو پنج شنبه باشد پنج شنبه اول را اکوفتر

هبر است و اکر مکتبر شود پنج شنبه دویم را بکیرند و اکر در دههٔ اخر دو پنج

شنبه بوده باشد موافق مشهور پنج شنبه دویم افضل است چنانچه در حدیث

وارد شده است و در روایت دیکر وارد شده است در پنج شنبه اول

بهتر است و بعضی حمل کرده اند بر صورتی که محتمل باشد که پنجشنبه دیگر
اول ماه دیگر باشد و بسند صحیح از حضرت صادق منقول است که کسی
که در هر ماه این سه روز را روزه دارد باید باهیچ کس مجادله نکند و دعا
هلاک و بد خوئی و بیچارگی نکند و مبادرت نکند بدشنام خود دن بخدا و اگر
کسی با او سفاهت و بیچارگی کند در گذرد و معارضه نکند و اگر در این ایام
روزه باشد و بخانه برادر مؤمن وارد شود و او تکلیف کند افطار کرده
بهتر است از روزه داشتن به هفتاد برابر با بنود برابر چنانکه در حدیث
معتبر از حضرت صادق منقول است و در حدیث صحیح دیگر فرمود که هرگه
داخل شود بخانه برادر مؤمن خود در روزه باشد و افطار کند و اظهار کند
که روزه ام گیرد او مثل آن را در خزانه الهی ثواب روزه یک سال برای او
بنویسند و اگر این سه روز را از اول یا میانه یا آخر ماه بعمل آورد خوبست
و فی الجمله متابعت سنت کردن است و ثواب روزه یک سال میباید
چنانچه حضرتعالی میفرماید من جاء بالحسنة فله عشر امثالها یعنی
هرکه حسنه بدرگاه خدا بیاورد برای او هست ده برابر آن و اضعافها
در احادیث بسیار وارد شده است اما بهتر آنست که بجوئی باشد که
اول مذکور شد و از جمله روزهای شش روزه ایام البیض است زیرا که
یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه و احادیث در فضیلت این سه روز
از طریق عامه و خاصه منقول است و در بعضی از روایات وارد شده است
که چون حضرت آدم از بهشت مکروه شد در بهشت و او را از بین فرشتگان
بدنش سیاه بود یا بعد از قبول توبه خطه سیاهی از سر تا پای او مانده بود
چون ملائکه آن حال را دیدند خوش نیامد و گریستند و استغاثه
کردند بدرگاه حق تعالی پس منادی از آسمان ندا کرد که امر و زدا روزه
بدار در آن روز سیزدهم ماه بود چون روزه داشت ثلث از سیاهی برطرف
شد پس در روز چهاردهم ندا رسید که امروز را روزه بدار چون روزه

داشت ثلث دیگر برطرف شد پس در روز پانزدهم باز ندا باو رسید که
امروز را روزه بدار چون روزه داشت تمام آن سیاهی برطرف شد پس
ندا رسید از آسمان که ای آدم روزه این سه روز را برای تو و فرزندان تو
مقرر کردم هرکه در هر ماه این سه روز را روزه بدارد چنان باشد که روز
عمر خود روزه باشد و ابن بابویه علیه الرحمة گفته است که روزه روز پنج
شنبه و چهارشنبه بدل ایام البیض مقرر شده است و منافات ندارد
که هر دو شش باشد و روز پنج شنبه اول و آخر چهارشنبه میان بهتر
باشد اما اکثر احادیث ایام البیض از طرق عامه است و ابن طاوس علیه
الرحمة از حضرت رسول روایت کرده است که جبرئیل بر من نازل شد و گفت
بگو بعلی که روزه بدار از هر ماه سه روز تا نوشته شود برای تو بسیصد
روز اول روزه ده هزار سال و بروز روزه و نیم روزه پنج هزار سال و بروز
روز سیم روزه صد هزار سال حضرت امیر گفت یا رسول الله این مخصوص
من است یا برای همه کس است حضرت فرمود که هر کدام از شما توانید
روزه بدارید این ثواب از برای او خواهد بود گفتم کدام روزها است فرمود
که سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم روزهای مرغوب روزه روز
چهارشنبه و پنج شنبه و جمعه است برای کسی که حاجتی داشته چنانکه در
الاسابیع در ضمن نمازهای حاجت ذکر کردم و مشهور میان علما آن است
که هر پنجشنبه و هر جمعه را روزه گرفتن سنت است مگر آنکه موانعی یکی از آنها
محرمه یا مکروهه واقع شود و بسند صحیح از حضرت صادق منقول است که
کسی که اراده عمل خیری داشته باشد مانند تصدق کردن و روزه داشتن
و مثل اینها باید که در روز جمعه بعمل آورد زیرا که ثواب عمل در روز جمعه
مضاعف است و ابن جنید ره گفته است که مستحب نیست که روز جمعه را
تنها گرفتن و اگر ملحق سازد بان یک روز پیش یا یک روز بعد را جایز است
و گفته است استحباب روزه روز دوشنبه و پنج شنبه منسوخ است

و روزه روز شنبه نهی از آن وارد شده است بعد از آنکه اگر آنچه ابن جنید
گفته خلاف مشهور است میان علما و شیخ طوسی علیه الرحمه گفته
در مصباح که ترغیب در روزه روز جمعه وارد شده است و خبر از آنکه
کراهت آنها روزه ندارند مگر آنکه یک روز پیش روزه بدارد و گمان
فقیر از آنست که نهی از آنها کراهتی روزه روز جمعه محمول بر تقیه است
زیرا که ستیان این حدیث را از ابو هریره نقل کرده اند و بعضی از علمای ما
از روزه جمعه را حمل کرده اند بر آنکه کراهت آن در صورتی است که روزه را
ضعیف کرداند از فرایض و نوافل و دعاها بی روز جمعه و این حمل بد
نیست و اما روز دوشنبه اخباریست بر نهی از روزه آن واقع شده است
و ظاهر ترک است خصوصا هرگاه بقصد تبرک روز دوشنبه باشد مگر
آنکه با روز متبرکی از روزها بی ماه موافق شود مثل غدیر و مبعث و مولد
و امثال اینها و نهی از روزه شنبه منظر غیر نرسیده و اما ضیلتی هم
در روزه آن بخاطر ندارم مگر آنکه شیخ مفید قدس سره روایت کرده
که هر که در یکی از ماه ها یحرام یعنی رجب و ذی القعده و ذی الحجه و محرم
پنجشنبه و جمعه و شنبه را روزه بدارد خدا تعالی ثواب روزه یکصد سال
بنویسد باز اینجا دیگر بیان زیارات حضرت رسول خدا و ائمه هدی صلوات
الله علیهم بغیر آنچه سابقا مذکور شد بدانکه زیارت حضرت رسول
خدا و آئمه هدی صلوات الله علیهم اجمعین اوقات از نزدیک و دور مستحب
است و اکثر بعد از غسل باشد افضل است خصوصا در شب و روز جمعه
و سایر ایام و لیالی متبرکه و در کتاب مختصر الزاهر بتفصیل ذکر کرده
و در اینمقام بذکر چند زیارت بعید و زیارت جامعه و دعای ندبه
و صلوات فرستادن بر ائمه از کجا بنما بیم اما زیارت حضرت رسالت
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که حق تعالی را ملکی چند
هست در میگردند در زمین و هر که از امت من بر من سلام میفرستند

همین میرسانند و از حضرت امام محمد باقر منقولست که ملکی از ملائکه
از خدا سئوال نمود که هر چه بنده گان خدا گویند و بشنود و حق تعالی با و
عطا کرده پس آن ملک ایستاده است تا روزه شما تمام شود و هر که آمین
بگوید صلی الله علی محمد و آله و سلم الیه از ملک میگوید و علیک یعنی
بر تو باد نیز سلام پس آن ملک میگوید یا رسول الله فلان شخص سلام
رسانیده است بر شما پس حضرت میفرماید و علیک السلام یعنی بر و
باد نیز سلام و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین منقولست که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که در هر جامی زمین بر زمین
بر من سلام کند بمن میرسد و هر که نزد قبر من سلام کند من میشنوم
و در حدیث حسن از خضر می منقولست که حضرت صادق مرا امر فرمود
که در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله بسیار دعا کنم تا توانم و فرمود
که همیشه تو امید بر نمیشود که با بمکان شریف بیائی و فرمود که بیرون
فرمود رسول صلی الله میروی گفتم بلی فرمود که بدرستی که سلام می کرا
نزدیک میگویی از حضرت میشنود و اگر دور باشی سلامت با بن حضرت
میرسد و در حدیث معتبر دیگر از آن حضرت منقولست که بروید بمسجد
و سلام کنید بر رسول خدا صلی الله علیه و آله هر چند صلوات مؤ
مومنان در هر جا که بفرستند با بن حضرت میرسد و در حدیث صحیح
از آن حضرت منقولست که صلوات فرستید بر حضرت رسول در هر جا تو
فیرا بن حضرت و این حدیث احتمال نماز هدیه دارد که در نزدیک و دور
نماز کنند و تواب هدیه رسوخ از حضرت کنند و احادیث صلوات
و سلام بر آن حضرت و زیارات آن حضرت در شهرها بی دور و بسیار را
و بسند صحیح منقولست که ابن ابی نصر مخدمت حضرت امام رضا عرض
کرد که بعد از نماز چگونه صلوات و سلام بگویم السلام علیک یا با
بر حضرت رسول صلی الله علیه باید فرستاد فرمود

يا رسول الله ورحمة الله وبركاته السلام عليك يا محمد بن عبد الله
السلام عليك يا خيرة الله السلام عليك يا حبيب الله السلام
عليك يا صفوة الله السلام عليك يا امين الله اشهد انك رسول
الله واشهد انك محمد بن عبد الله واشهد انك قد نصحت لامتك
وجاهدت في سبيل ربك وعبدته حتى اتاك اليقين فجزاك الله يا رسول
الله افضل ما جزى نبيا عن امته اللهم صل على محمد وآل محمد افضل ما
صليت على ابراهيم وآل ابراهيم انك حميد مجيد وبارك على محمد
وآل محمد كما باركت على ابراهيم وآل ابراهيم انك حميد مجيد
السلام عليك ايها النبي ورحمة الله وبركاته السلام عليك ايها
المرسل والوصي المرتضى والسيد الزهراء والسبطين المجتبيين و
الاولاد الاعلام والائمة المنجبون حيثما لحظا عاليكم وان اتاكم

وولد كم الخلف العدل بركة الحق فطبتم لكم فسلم وتضرن لكم معذرة
حتى يحكم الله معكم فمعكم لا مع عدوكم اني لمن القالين بفضلكم مقر
برجعتكم لا انكر الله فذرة ولا ارغم الا ما شاء الله سبحان الله ربي
الملك والملكوت يسبح الله بانيماته جميع خلقه والسلام على
ارواحكم واجسادكم والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته وذكر
وارد شده است كه اين زيارت را در بام خانه خود بكند و زيارت حضرت
فاطمه صلوات الله عليها سابقا مذكور شد اما زيارت حضرت امام حسين
بسند ها بي معتبر از سديد بر صحراوي منقولست كه حضرت صادق عليه السلام
كه چه مانع است ترا از اينكه زيارت كني قبر امام حسين را در هر هفته پنج
مرتبه يا در هر پنجشنبه كه هستم فدايي تو شوم ميان من و ان حضرت
فرسخها بي بسيار هست فرمود كه بالاي سر و بي بام خانه خود پس ملتفت
ميشوي بجانب راست و چپ خود پس سر خود را بسوي سماء بلند ميكني
پس رو بجانب ان حضرت ميكني و ميگوي السلام عليك يا اباعبد الله
السلام عليك يا ابن رسول الله السلام عليك ورحمة الله وبركاته
ثانوشته شود براي تو ثواب حجي و عمره مقبوله كه نبيا راست كه من
در روز بي بيست مرتبه چنين زيارت ميكنم و بسند صحيح از ان حضرت
منقولست كه كسي كه ناحيه اش كعبه و خانه اش دور باشد از ما پس بالا
رود بر بام خانه خود و دو ركعت نماز بگذارد و اشاره كند بسلام بسوي
قبر ها بي ما كه ان سلام بما ميرسد و در حديث معتبر از سليمان بن

لذيذه
براي زيارت

غايتا ٢٠

عیسی منقولست که گفت پدرم عرض به خدمت حضرت صادق کرد که چه
گونه تو را زیارت کنم هرگاه قادر برآمدن به خدمت تو نباشم فرمود که
ای عیسی هرگاه قادر برآمدن نباشی چون روز جمعه شود غسل بکن
یا وضو بنما زود بالا رو بربام خانه خود و رو کعبه نماز بکن و متوجه شو
نبوی من بدرستی که هرکه مرا زیارت کند در حیات من یا بعد از موت
که مرا زیارت کند بعد از موقف من و هرکه مرا زیارت کند بعد از موقف
من چنان است زیارت کرده است مرا در حیات من مؤلف گوید که این حدیث
دلالت میکند بر اینکه در این زمانها حضرت صاحب الامر را در کعبه موقع
زیارت توان کرد و اگر رو بسما مزه کند در وقت زیارت جهت راست و صحیح
از زیارات مخصوصه ان حضرت مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی
و در حدیث معتبر دیگر مرویست که حضرت صادق ابدیدی گفت که بسیار
زیارت میکنی قبر حسین بن علی را گفت از بسیاری شغل مرا مقدور
نمیشود فرمود که میخواهی ترا چیزی تعلیم کنم که هرگاه بکنی از برای تو
ثواب زیارت ان حضرت نوشته شود گفت بلی فدای تو شوم فرمود
که غسل بکن در خانه خود و بالا رو بربام خانه خود و اشاره کن بجانب
حضرت به سلام کردن نا نوشته شود برای تو ثواب زیارت و در حدیث
معتبر دیگر منقولست که حنان بن سدیر رفت به خدمت حضرت صادق
نزد ان حضرت جماعتی بودند از اصحاب ان حضرت پس فرمود کدامی
حنان زیارت ان حضرت امام حسین میکنی هر ماه یک مرتبه گفت
نه گفت هر دو ماه یک مرتبه گفت نه فرمود که هر سال یک مرتبه
گفت نه یابن رسول الله فرمود که حیف بسیار جفا کاری بسیدو
آقای خود گفت یا رسول الله ما نع من کمی توشه و دوری مسافت
است فرمود که میخواهی ثمانا را دلالت کنم بر زیارتی که مقبول باشد هر
چند زیارت کننده دور باشد گفت چگونه زیارت کنم یابن رسول

رسول الله فرمود که غسل بکن در روز جمعه یا هر روز که خواهی و بپوش
پاکیزه ترین جامهای خود را و بالا رو بربلندترین بامهای خانه خود یا برو
بصحرا پس رو و السلام علیک یا مولای و ابن مولای و سیدی و ابن
سیدی السلام علیک یا مولای یا فتیل ابن الفتیل الشهید ابن الشهید
السلام علیک و رحمة الله و برکاته انا زائرک یابن رسول الله تقربا الیک
و لسانی و جوارحی و ان لم ازرک بنفسی و المشاهدة لقبتک فعلیک
السلام یا وارث آدم صفوة الله و وارث نوح نبی الله و وارث ابراهیم
خلیل الله و وارث موسی کلیم الله و وارث عیسی روح الله و کلمته
و وارث محمد حبیب الله و نبیه و رسوله و وارث علی امیر المؤمنین
و وصی رسول الله و خلیفته و وارث الحسن بن علی وصی امیر المؤمنین
لعن الله قاتلیک و عذب علیهم العذاب فی هذه الساعة و فی کل
ساعة انا یا سیدی متقرب الی الله جل و عز و الی جدک رسول الله
و الی ابیک امیر المؤمنین و الی اخیک الحسن و الیک یا مولای یا علیک

سلام الله ورحمته وبركاته يزيارتي لك بقلبي ولساني وجميع جوارحي

فكن يا سيدي شفيعي لقبول ذلك مني وانا ابرأ اليه من اعدائك و

اللعنة لهم وعليهم اتقرب الى الله واليكم اجمعين صلوات

الله ورحمته وبركاته پس اندكي بگريه بجانب چپ خود دور و

ميكردد بسوي قبر علي بن الحسين كه او را

پاي پدر خود مدفون است وسلام ميكني بر او مثل اين سلام پس دعا

ميكني وميطلبي حاجتهاي دنيا واخرت خود را پس چهار ركعت نماز ميكني

كه نماز زيارت هشت ركعت است يا شش ركعت يا چهار ركعت يا دو ركعت

وهيچ از شش ركعت كمتر نيست پس دو ميكني بجانب قبر امام حسين وميگوئي

انا موجه اليك يا مولاي وابن مولاي وسيدي وابن سيدي وابن

معشر الشهداء عليكم سلام الله ورحمته وبركاته ورضوانه

مولف گويد كه چون عبارت اين حديث ژنوش واضطرابي دارد وجيد

احتمال دارد كه هيچ از آن است كه همين زيارت را باو داع چنانچه در هيچ

شريف ميخوانند در بقيع كه بعد به خوانند تا آنكه همه احتمالات

عمل كرده باشد ودر زيارت علي بن الحسين بجاي او ارث در كه همه جا

وارث به خوانند تا از واو ارث فصيح در اين كه خلاف نكنند زيرا كه ان

حضرت امام بوده است وبدانكه اين حديث دلالت ميكند بر انكه از

از دور كه زيارت كنند نماز زيارت را بعد از زيارت كنند واحاديث

پيش دلالت كرد بر انكه بايد كه در دور بنيست كه مخير باشد واگر اين نماز را در

كنند همين محكم وارد شده است بكنند واز اين احاديث معلوم شد كه غسل

آن براي زيارت بعيد مستحب است واز بعضي فهم مفهوم شد كه غسل

نيز ميتوان كرد واز بعضي مستفاد ميشود كه بر حال ميتوان كرد بجنابت

چه اكثر عمل آنست واگر در نام خانه باحجر باشد احوط واولي است

ودر حديث معتبر از حسين بن ثوير منقول است كه بمحل مت حضرت صادق

عرض كرد كه من بزيارت حضرت امام حسين ميروم چه بگويم فرمود

كه سه مرتبه صلى الله عليك يا ابا عبد الله كه سلام بان حضرت از نزديك

ودور ميرسد وشيخ طوسي ذكر كرده است كه زيارت ميتوان كرد

ائمه را از دور وجايي كه از نزديك اشاره زيارت ميكنند امادر جائي

كه از نزديك زائر را باشد نگويد فقصدتك بقلبي زائرا اذ عرض

حضورك مشهدك ووجهت اليك سلامي ليعلمني انه يبلغك صلى الله

عليك فاشفع لي عند ربك جل وعز ودعا كن انچه خواهي وبعضي از

علما روايت كرده اند از ابو الحسن هادي كه گفت من ميخواهم زيارت حضرت

امام حسين بميرم پس چند مرتبه بسبب پيري وكمي مال توفيق زيارت ان

حضرت را نيافتم پس شبي حضرت رسول را در خواب ديدم كه حضرت امام

حسن وامام حسين در خدمت ان حضرت بودند چون بنزديك ايشان

رسيدم امام حسين گفت يا رسول الله اين مرد مرا بسيار زيارت ميكرد

اكنون ترك كرده است حضرت رسول متوجه من كرديد وفرمود كه ايا

زيارت مثل حسين ميتوان كرد گفتم يا رسول الله قلت مال وپيري مرا مانع

ادراك اين سعادت كرديده است حضرت فرمود كه هر شب برنام خانه خود

برو وبانگشت شهادت بگو السلام عليك وعلى جدك وابيك السلام

نبوي فهرست ان حضرت اشاره كن

عَلَيْكَ وَعَلَى أُمِّكَ وَأَخِيكَ ٱلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى ٱلْأَئِمَّةِ مِنْ بَنِيكَ

ٱلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ ٱلدَّمْعَةِ ٱلسَّاكِبَةِ ٱلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ

ٱلْمُصِيبَةِ ٱلرَّاتِبَةِ لَقَدْ أَجْمَعَ كِتَابُ ٱللَّهِ فِيكَ مَهْجُورًا وَرَسُولُ ٱللَّهِ

فِيكَ مَوْتُورًا ٱلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ ٱللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ٱلسَّلَامُ عَلَى

أَنْصَارِ ٱللَّهِ وَخُلَفَائِهِ ٱلسَّلَامُ عَلَى أُمَنَاءِ ٱللَّهِ وَأَحِبَّائِهِ ٱلسَّلَامُ

عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ ٱللَّهِ وَمَعَادِنِ حِكْمَةِ ٱللَّهِ وَحَفَظَةِ سِرِّ ٱللَّهِ وَأَوْصِيَاءِ

نَبِيِّ ٱللَّهِ وَذُرِّيَّةِ رَسُولِ ٱللَّهِ صَلَّى ٱللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَحْمَةُ ٱللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

پس هر حاجت که داری از خدا سؤال کن اگر چنین کنی زیارت تو از دور

و نزدیک هر دو مقبول است فائده زیارت صحیحه از نزدیک و دور همین

است فائده زیارت جامعه است که ابن بابویه و دیگران بسند معتبر روایت

کرده اند که شخصی از حضرت امام علی نقی سؤال نمود که فقرات زیارت

خدا من تعلیم نما سخن بلیغ کامل که ما بخوانیم هر گاه زیارت بکنیم یکی از

شما را فرمود چون بدر گاه بر سی بایست و بگو اشهد ان لا اله الا الله

وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا صلی الله علیه و آله عبده و رسوله

و باید که با غسل باشی پس چون داخل شوی و قبر را بر سی بایست و

سی مرتبه الله اکبر بگو پس بر راه رو تا بر ابر دل و ابر ام دل و از ام دل و کاظمین را نیز

یکدیگر بگذار و پس بایست و بیکی مرتبه الله اکبر بگو پس نزدیک قبور

وَتَعَلَّمُ كِتَابَ ٱللَّهِ

اوراق را کتاب خدا

وچهل مرتبه الله اکبر بگو پس بگو السلام علیکم یا اهل بیت النبوة السلام

صد تکبیر تمام شود

وَمَوْضِعَ ٱلرِّسَالَةِ وَمُخْتَلَفَ ٱلْمَلَائِكَةِ وَمَهْبِطَ ٱلْوَحْيِ وَمَعْدِنَ ٱلرَّحْمَةِ

وَخُزَّانَ ٱلْعِلْمِ وَمُنْتَهَى ٱلْحِلْمِ وَأُصُولَ ٱلْكَرَمِ وَقَادَةَ ٱلْأُمَمِ وَأَوْلِيَاءَ

ٱلنَّعِيمِ وَعَنَاصِرَ ٱلْأَبْرَارِ وَدَعَائِمَ ٱلْأَخْيَارِ وَسَاسَةَ ٱلْعِبَادِ وَأَرْكَانَ

ٱلْبِلَادِ وَأَبْوَابَ ٱلْإِيمَانِ وَأُمَنَاءَ ٱلرَّحْمَنِ وَسُلَالَةَ ٱلنَّبِيِّينَ وَصَفْوَةَ

ٱلْمُرْسَلِينَ وَعِتْرَةَ خِيَرَةِ رَبِّ ٱلْعَالَمِينَ وَرَحْمَةُ ٱللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ٱلسَّلَامُ

عَلَى أَئِمَّةِ ٱلْهُدَى وَمَصَابِيحِ ٱلدُّجَى وَأَعْلَامِ ٱلتُّقَى وَذَوِي ٱلنُّهَى وَأُولِي

ٱلْحِجَى وَكَهْفِ ٱلْوَرَى وَوَرَثَةِ ٱلْأَنْبِيَاءِ وَٱلْمَثَلِ ٱلْأَعْلَى وَٱلدَّعْوَةِ ٱلْحُسْنَى

وَحُجَجِ ٱللَّهِ عَلَى أَهْلِ ٱلدُّنْيَا وَٱلْآخِرَةِ وَٱلْأُولَى وَرَحْمَةُ ٱللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

ٱلسَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ ٱللَّهِ وَمَسَاكِنِ بَرَكَةِ ٱللَّهِ وَمَعَادِنِ حِكْمَةِ

ٱللَّهِ وَحَفَظَةِ سِرِّ ٱللَّهِ وَحَمَلَةِ كِتَابِ ٱللَّهِ وَأَوْصِيَاءِ نَبِيِّ ٱللَّهِ وَذُرِّيَّةِ رَسُولِ

ٱللَّهِ صَلَّى ٱللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَحْمَةُ ٱللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ٱلسَّلَامُ عَلَى ٱلدُّعَاةِ

إلى الله والأدلاء على مرضاة الله والمستوفزين في أمر الله والمكانة
في محبة الله والمخلصين في توحيد الله والمظهرين لأمر الله ونهيه
وعباده المكرمين الذين لا يسبقونه بالقول وهم بأمره يعملون ورحمة
الله وبركاته السلام على الأئمة الدعاة والقادة الهداة والسادة
الولاة والذادة الحماة وأهل الذكر وأولي الأمر وبقية الله وخيرته
وحجته وصراطه ونوره ورحمة الله وبركاته
أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له كما شهد الله لنفسه
وشهدت له ملائكته وأولوا العلم من خلقه لا إله إلا هو العزيز
الحكيم وأشهد أن محمدا صلى الله عليه وآله عبده المنتجب ورسوله
المرتضى أرسله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله ولو
كره المشركون وأشهد أن الأئمة الراشدون المهديون المعصومون
المكرمون المقربون المتقون الصادقون المصطفون المطيعون لله

وبقية الله
واجب الوجود ن ا

القوامون العاملون بإرادته الفائزون بكرامته اصطفاكم
بعلمه وارتضاكم لغيبه واختاركم لسره واجتباكم بقدرته وأعزكم
بهداه وخصكم ببرهانه وانتجبكم لنوره وأيدكم بروحه ورضيكم
خلفاء في أرضه وحججا على بريته وأنصارا لدينه وحفظة لسره
وخزنة لعلمه ومستودعا لحكمته وتراجمة لوحيه وأركانا
لتوحيده وشهداء على خلقه وأعلاما لعباده ومنارا في بلاده
وأدلاء على صراطه عصمكم الله من الزلل وآمنكم من الفتن
وطهركم من الدنس وأذهب عنكم الرجس وطهركم تطهيرا فعظم
جلاله وأكبر شأنه ومجدتم كرمه وأدمتم ذكره ووكدتم ميثاقه
وأحكمتم عقد طاعته ونصحتم له في السر والعلانية ودعوتم إلى
سبيله بالحكمة والموعظة الحسنة وبذلتم أنفسكم في مرضاته
وصبرتم على ما أصابكم في جنبه وأقمتم الصلوة وآتيتم الزكوة

وَآمَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَجَاهَدْتُمْ فِي اللهِ حَقَّ جِهَادِهِ

حَتَّى أَعْلَنْتُمْ دَعْوَتَهُ وَبَيَّنْتُمْ فَرَائِضَهُ وَأَقَمْتُمْ حُدُودَهُ وَنَشَرْتُمْ

شَرَائِعَ أَحْكَامِهِ وَسَنَنْتُمْ سُنَّتَهُ وَصِرْتُمْ فِي ذَلِكَ مِنْهُ إِلَى الرِّضَا

وَسَلَّمْتُمْ لَهُ الْقَضَاءَ وَصَدَّقْتُمْ مِنْ رُسُلِهِ مَنْ مَضَى فَالرَّاغِبُ عَنْكُمْ

مَارِقٌ وَاللَّازِمُ لَكُمْ لَاحِقٌ وَالْمُقَصِّرُ فِي حَقِّكُمْ زَاهِقٌ وَالْحَقُّ مَعَكُمْ

وَفِيكُمْ وَمِنْكُمْ وَإِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ أَهْلُهُ وَمَعْدِنُهُ وَمِيرَاثُ النُّبُوَّةِ

عِنْدَكُمْ وَآيَاتُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ وَحِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ وَفَصْلُ

الْخِطَابِ عِنْدَكُمْ وَآيَاتُ اللهِ لَدَيْكُمْ وَعَزَائِمُهُ فِيكُمْ وَنُورُهُ وَبُرْهَانُهُ

عِنْدَكُمْ وَأَمْرُهُ إِلَيْكُمْ مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالَى اللهَ وَمَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ

عَادَى اللهَ وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللهَ وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ

اللهَ وَمَنِ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدِ اعْتَصَمَ بِاللهِ أَنْتُمُ السَّبِيلُ الْأَعْظَمُ

وَالصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ وَشُهَدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ وَشُفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ

وَالرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ وَالْآيَةُ الْمَخْزُونَةُ وَالْأَمَانَةُ الْمَحْفُوظَةُ وَالْبَابُ

الْمُبْتَلَى بِهِ النَّاسُ مَنْ أَتَاكُمْ فَقَدْ نَجَا وَمَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ فَقَدْ هَلَكَ

إِلَى اللهِ تَدْعُونَ وَعَلَيْهِ تَدُلُّونَ وَبِهِ تُؤْمِنُونَ وَلَهُ تُسَلِّمُونَ وَبِأَمْرِهِ

تَعْمَلُونَ وَإِلَى سَبِيلِهِ تُرْشِدُونَ وَبِقَوْلِهِ تَحْكُمُونَ سَعِدَ مَنْ وَالَاكُمْ

وَهَلَكَ مَنْ عَادَاكُمْ وَخَابَ مَنْ جَحَدَكُمْ وَضَلَّ مَنْ فَارَقَكُمْ وَفَازَ

مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ وَأَمِنَ مَنْ لَجَأَ إِلَيْكُمْ وَسَلِمَ مَنْ صَدَّقَكُمْ وَهُدِيَ مَنِ

اعْتَصَمَ بِكُمْ مَنِ اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَأْوَاهُ وَمَنْ خَالَفَكُمْ فَالنَّارُ مَثْوَاهُ

وَمَنْ جَحَدَكُمْ كَافِرٌ وَمَنْ حَارَبَكُمْ مُشْرِكٌ وَمَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فِي

أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا سَابِقٌ لَكُمْ فِيمَا مَضَى وَجَارٍ

لَكُمْ فِيمَا بَقِيَ وَأَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَنُورَكُمْ وَطِينَتَكُمْ وَاحِدَةٌ طَابَتْ وَطَهُرَتْ

بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ خَلَقَكُمُ اللهُ أَنْوَارًا فَجَعَلَكُمْ بِعَرْشِهِ مُحْدِقِينَ حَتَّى

مَنَّ عَلَيْنَا بِكُمْ فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا

وَاللهِ ثم
جسا الرکب

اسمه وجعل صلوتنا عليكم وما خصنا به من ولايتكم طيبا
لخلقنا وطهارة لانفسنا وتزكية لنا وكفارة لذنوبنا فكنا عنده
مسلمين بفضلكم ومبلغ الله بكم اشرف محل
المكرمين واعلى منازل المقربين وارفع درجات المرسلين
حيث لا يلحقه لاحق ولا يفوقه فائق ولا يسبقه سابق ولا يطمع
في ادراكه طامع حتى لا يبقى ملك مقرب ولا نبي مرسل ولا
صديق ولا شهيد ولا عالم ولا جاهل ولا داني ولا فاضل
ولا مؤمن صالح ولا فاجر طالح ولا جبار عنيد ولا شيطان
مريد ولا خلق فيما بين ذلك شهيدا الا عرفهم جلالة امركم
وعظم خطركم وكبر شانكم وتمام نوركم وصدق مقاعدكم و
ثبات مقامكم وشرف محلكم ومنزلتكم عنده وكرامتكم
عليه وخاصتكم لديه وقرب منزلتكم منه بابي انتم وامي

وسمو رتبتكم

مؤمن به

وامي انتم

وامي انتم

وافضل ومالي واسرتي اشهد الله واشهدكم اني بكم مؤمن
امنتم به كافر بعدوكم وبما كفرتم به مستبصر بشأنكم وبضلالة
من خالفكم موال لكم ولاوليائكم مبغض لاعدائكم وبما يطمئن
سلم لمن سالمكم وحرب لمن حاربكم محقق لما حققتم مبطل لما ابطلتم
مطيع لكم عارف بحقكم مقر بفضلكم محتمل لعلمكم محتجب بذمتكم
معترف بكم مؤمن بايابكم مصدق برجعتكم منتظر لامركم
مرتقب لدولتكم اخذ بقولكم عامل بامركم مستجير بكم زائر
لكم عائذ بكم لائذ بقبوركم مستشفع الى الله عز وجل بكم ومتقرب
بكم اليه ومقدمكم امام طلبتي وحوائجي وارادتي في كل احوالي
وامودي فيكم وعلانيتكم وشاهدكم وغائبكم واولكم و
آخركم ومفوض ذلك كله اليكم ومسلم فيه معكم وقلبي
لكم مسلم ورائي لكم تبع ونصرتي لكم معدة حتى يحيى الله تعالى

مؤمن به

وامي انتم

ذنبه بكم وبرد كم في آياته ويظهركم لبعده له ويمكنكم في ارضه
فمعكم معكم لا مع عدوكم امنت بكم وتولیت آخركم بما تولیت به
اولكم وبرئت الى الله عز وجل من اعدائكم ومن الجبت والطاغوت
والشياطين وحزبهم الظالمين لكم والجاحدين حقكم والمارقين
من ولايتكم والغاصبين لارثكم والشاكين فيكم والمخالفين
عنكم ومن كل ولجة دونكم ومن كل مطاع سواكم ومن الائمة
يدعون الى النار فمنيتني الله ابدا ما حييت على موالاتكم ومحبتكم
ودينكم ووفقني لطاعتكم ورزقني شفاعتكم وجعلني من خيار
موالیكم التابعين لما عوتم اليه وجعلني ممن يقتص آثاركم و
يسلك سبيلكم ويهتدي بهداكم ويحشر في زمرتكم ويكر
في رجعتكم ويملك في دولتكم وليشرف في عافيتكم ويمكن
في ايامكم وتقر عينه غدا برؤيتكم بابي انتم وامي ونفسي واهلي

ومالي من اراد الله بدأ بكم ومن وحده قبل عنكم ومن قصده توجه
بكم موالي لا احصي ثنائكم ولا ابلغ من المدح كنهكم ومن الوصف
قدركم وانتم نور الاخيار وهداة الابرار وحجج الجبار بكم فتح
الله وبكم يختم وبكم ينزل الغيث وبكم يمسك السماء ان تقع على
الارض الا باذنه وبكم ينفس الهم وبكم يكشف الضر وعنكم
ما نزلت به رسله وهبطت به ملائكته والى جدكم بعث الروح
الامين فاكرم بوارث امين والى جدكم بعث النوح الامين بكوا و
ابكوا المؤمنين عاشد ثكلي بموسى عرسل ابن
الى اخيك بعث الروح الامين بسكوا تيكم الله ما لم يوت احدا من
العالمين طاطا كل شريف لشرفكم وبخع كل منكبر لطاعتكم
وخضع كل جبار لفضلكم وذل كل شيء لكم واشرقت الارض
بنوركم وفاز الفائزون بولايتكم فبكم يسلك الى الرضوان
وعلى من جحد ولايتكم غضب الرحمن بابي انتم وامي ونفسي

وَاَهْلِ وَمَالِي ذِكْرُكُمْ فِي الذَّاكِرِينَ وَاسْمَاؤُكُمْ فِي الْاَسْمَاءِ وَ

اَجْسَادُكُمْ فِي الْاَجْسَادِ وَاَرْوَاحُكُمْ فِي الْاَرْوَاحِ وَاَنْفُسُكُمْ فِي

النُّفُوسِ وَاٰثَارُكُمْ فِي الْاٰثَارِ وَقُبُورُكُمْ فِي الْقُبُورِ فَمَا اَجَلَّ اَنْفُسَكُمْ

وَاَكْرَمَ اَنْفُسَكُمْ وَاَعْظَمَ شَاْنَكُمْ وَاَجَلَّ خَطَرَكُمْ وَاَوْفَى عَهْدَكُمْ

وَاَصْدَقَ وَعْدَكُمْ كَلَامُكُمْ نُورٌ وَاَمْرُكُمْ رُشْدٌ وَوَصِيَّتُكُمُ التَّقْوٰى

وَفِعْلُكُمُ الْخَيْرُ وَعَادَتُكُمُ الْاِحْسَانُ وَسَجِيَّتُكُمُ الْكَرَمُ وَشَاْنُكُمُ الْحَقُّ

وَالصِّدْقُ وَالْبِرُّ وَقَوْلُكُمْ حُكْمٌ وَحَتْمٌ وَرَاْيُكُمْ عِلْمٌ وَحِلْمٌ وَحَزْمٌ

اِنْ ذُكِرَ الْخَيْرُ كُنْتُمْ اَوَّلَهُ وَاَصْلَهُ وَفَرْعَهُ وَمَعْدِنَهُ وَمَاْوَاهُ وَمُنْتَهَاهُ

بِاَبِي اَنْتُمْ وَاُمِّي وَنَفْسِي كَيْفَ اَصِفُ حُسْنَ ثَنَائِكُمْ وَاُحْصِي جَمِيلَ ٥

بَلَائِكُمْ وَبِكُمْ اَخْرَجَنَا اللّٰهُ مِنَ الذُّلِّ وَفَرَّجَ عَنَّا غَمَرَاتِ الْكُرُوبِ

وَاَنْقَذَنَا بِكُمْ مِنْ شَفَا جُرُفِ الْهَلَكَاتِ وَمِنَ النَّارِ بِاَبِي اَنْتُمْ وَاُمِّي

وَنَفْسِي هَنِيئًا لَكُمْ عَلَمَنَا اللّٰهُ مَعَالِمَ دِينِنَا وَاَصْلَحَ مَا كَانَ

فَسَدَ مِنْ دُنْيَانَا وَهُمُوا لَا نَكُمْ تَمَّتِ الْكَلِمَةُ وَعَظُمَتِ النِّعْمَةُ وَائْتَلَفَتِ

الْفُرْقَةُ وَهُمُوا لَا نَكُمْ تُقْبَلُ الطَّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ وَلَكُمُ الْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ

وَالدَّرَجَاتُ الرَّفِيعَةُ وَالْمَقَامُ الْمَحْمُودُ وَالْمَكَانُ الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللّٰهِ

عَزَّ وَجَلَّ وَالْجَاهُ الْعَظِيمُ وَالشَّاْنُ الْكَبِيرُ وَالشَّفَاعَةُ الْمَقْبُولَةُ رَبَّنَا

اٰمَنَّا بِمَا اَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ رَبَّنَا

لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ

اَنْتَ الْوَهَّابُ سُبْحَانَ رَبِّنَا اِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا يَا وَلِيَّ اللّٰهِ اِنَّ بَيْنَ

وَبَيْنَ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوبًا لَا يَاْتِي عَلَيْهَا اِلَّا رِضَاكُمْ فَبِحَقِّ مَنِ ائْتَمَنَكُمْ

عَلٰى سِرِّهِ وَاسْتَرْعَاكُمْ اَمْرَ خَلْقِهِ وَفَرَضَ طَاعَتَكُمْ بِطَاعَتِهِ لَمَّا

اَسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبِي وَكُنْتُمْ شُفَعَائِي فَاِنِّي لَكُمْ مُطِيعٌ مَنْ اَطَاعَكُمْ

فَقَدْ اَطَاعَ اللّٰهَ وَمَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللّٰهَ وَمَنْ اَحَبَّكُمْ فَقَدْ

اَحَبَّ اللّٰهَ وَمَنْ اَبْغَضَكُمْ فَقَدْ اَبْغَضَ اللّٰهَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي لَوْ وَجَدْتُ

شفعاة اقرب اليك من محمد واهل بيته الاخيار الائمة الابرار

لحملتهم شفعائي فيحقهم الذي اوجبت لهم عليك ان تسئلك ان

تدخلني في جملة العارفين بهم وبحقهم وفي زمرة المرحومين

بشفاعتهم انك ارحم الراحمين وصلى الله على محمد وآله

الطاهرين وسلم تسليما كثيرا وحسبنا الله ونعم الوكيل مؤلف

گويد كه اين زيارت كاملترين زيارات است از براي تردد و ورود

منظور نگه در اين رساله زيارت بعيده است زيارت وداع را ذكر

نكرديم وچون اين زيارت مشتمل است بر عمل از جميع احاديثي كه در

مشافهة ائمه وارد شده است اگر در هر هفته يا در هر ماه اين زيارت

را بخواند و بدرستي تفكر در معاني آن بكند موافق آنچه فقير ترجمه كرده

ام و والد ضعيف مرحوم مفصلا شرح نموده براي معرفت ايشان بسيار

نافع خواهد بود و عمده اركان ايمان معرفت ايشان است و زيارت

حضرت صاحب الامر طريق زيارت منقول شده و در كتاب تحفة الزائر

كرده ام و در اينمقام زيارت مختصري با تجديد عهد امامت و ولايت

از حضرت ايراد مينمايم كه امام خود را پيوسته ياد نمايند و از بركات

هدايات حضرت محروم نگردند بدستيكه در حديث وارد شده كه مسجد

آنست هر روز بعد از نماز صبح حضرت صاحب الامر را چنين زيارت كند

اللهم بلغ مولاي صاحب الزمان صلوات الله عليه عن جميع

المؤمنين والمؤمنات في مشارق الارض ومغاربها وبرها وبحرها

وسهلها وجبلها حيهم وميتهم وعن والدي وولدي وعقبي

من الصلوات والتحيات زنة عرش الله ومداد كلماته ومنتهى

رضاه وعدد ما احصاه كتابه واحاط به علمه اللهم اجدد

له في هذا اليوم وفي كل يوم عهدا وعقدا وبيعة له في

رقبتي اللهم كما شرفتني بهذا التشريف وفضلتني بهذه

الفضيلة وخصصتني بهذه النعمة فصل على مولاي وسيدي

صاحب الزمان واجعلني من انصاره وآشياعه والذابين

عنه واجعلني من المستشهدين بين يديه طايعا غير مكره

في الصف الذي نعت اهله في كتابك فقلت صفا كانهم بنيان

مرصوص صل على طاعته وطاعة رسولك وآله عليهم السلام

اللهم هذه بيعة في عنقي الى يوم القيامة وتبدو معبر

از حضرت

صادق منقولست كه هركه چهل صباح اين عهد را به خواند
از ياوران قائم ما باشد و اگر پيش از ظهور او از حضرت بميرد خدا
او را از قبر بيرون آورد كه در خدمت آن حضرت باشد و حق تعالى
بهر كلمه او را هزار حسنه كرامت فرمايد و هزار گناه از و محو كند
اللهم رب النور العظيم و رب الكرسي الرفيع و رب البحر المسجور
و منزل التوراة و الانجيل و الزبور و رب الظل و الحرور و منزل
القرآن العظيم و رب الملائكة المقربين و الانبياء و المرسلين
اللهم اني اسئلك ببهجة نورك و نور وجهك المنير و ملكك
القديم يا حي يا قيوم اسئلك باسمك الذي اشرقت به السموات
و الارضون و باسمك الذي يصلح به الاولون و الاخرون
يا حي قبل كل حي و يا حي بعد كل حي يا حي حين لا حي يا محيي الموتى
و ممیت الاحیاء یا حی لا اله الا انت اللهم بلغ مولانا الامام
الهادي المهدي القائم بامرك صلوات الله عليه و على آبائه
الطاهرين عن جميع المؤمنين و المؤمنات في مشارق الارض

ومغاربها سهلها و جبلها و برها و بحرها و عني و عن والدي من
الصلوات زنة عرش الله و مداد كلماته و ما احصاه علمه و احاط
به كتابه اللهم اني اجدد له في صبيحة يومي هذا و ما عشت من
ايامي عهدا و عقدا و بيعة له في عنقي لا احول عنها و لا ازول
ابدا اللهم اجعلني من انصاره و اعوانه و الذابين عنه و المسا
رعين اليه في قضاء حوائجه و المسلمين لاوامره و الحامين
عنه و السابقين الى ارادته و المستشهدين بين يديه اللهم
ان حال بيني و بينه الموت الذي جعلته على عبادك حتما فا
خرجني من قبري مؤتزرا كفني شاهرا سيفي مجردا قناتي ملبيا
دعوة الداعي في الحاضر و البادي اللهم ارني الطلعة
الرشيدة و الغرة الحميدة و اكحل ناظري بنظرة مني و عجل فرجه
و سهل مخرجه و اوسع منهجه و اسلك بي محجته و انفذ امره و

وَاشْدُدْ ازْرَهُ وَاعِزَّ اللّٰهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ وَاحْيِ بِهِ عِبَادَكَ فَاِنَّكَ

فَلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ اَيْدِي النَّاسِ

فَاَظْهِرِ اللّٰهُمَّ لَنَا وَلِيَّكَ وَابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ الْمُسَمّٰى بِاسْمِهِ وَكُنْيَتِهِ حَتّٰى

لَا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ اِلَّا مَزَّقَهُ وَيُحِقُّ الْحَقَّ وَيُحَقِّقُهُ وَاجْعَلْهُ

اَللّٰهُمَّ مَفْزَعًا لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ وَنَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ

وَمُجَدِّدًا لِمَا عُطِّلَ مِنْ اَحْكَامِ كِتَابِكَ وَمُشَيِّدًا لِمَا وَرَدَ مِنْ اَعْلَامِ

دِينِكَ وَسُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَاجْعَلْهُ اَللّٰهُمَّ مِمَّنْ

حَصَّنْتَهُ مِنْ بَاْسِ الْمُعْتَدِينَ اَللّٰهُمَّ وَسُرَّ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللّٰهُ

عَلَيْهِ وَاٰلِهِ بِرُؤْيَتِهِ وَمَنْ تَبِعَهُ عَلَى دَعْوَتِهِ وَارْحَمْ اِسْتِكَانَتَنَا

اَللّٰهُمَّ اكْشِفْ هٰذِهِ الْغُمَّةَ عَنِ الْاُمَّةِ بِحُضُورِهِ وَعَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ

اِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَنَرٰيهِ قَرِيبًا بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ لَيْسَ

مُونِسٌ وَسْتَ بُوَدْ زِرَاسْتِ خُود اَلْعَجَلْ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ

وَاِمَّا دُعَايِ نَدْبِيَّهْ كَهْ مُشْتَمِلْ اَسْتْ بَرْ خَفَايَا دِقَّتْ وَاَسْفْ بَرْ غَيْبَتْ

حَضْرَتْ قَائِمْ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ نِسْبَتْ مُعْتَبَرْ اَزْ حَضْرَتْ اِمَامْ جَعْفَرْ صَادِقْ

مَنْقُولْ اَسْتْ كَهْ سُنَّتْ اَسْتْ اِينْ دُعَا رَا دَرْ چَهَارْ عِيدْ بِخَوَانَنْدْ يَعْنِي

دَرْ رُوزْ جُمُعَهْ وَرُوزْ عِيدْ فِطْرْ وَرُوزْ عِيدْ قُرْبَانْ وَرُوزْ عِيدْ غَدِيرْ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَلَهُ الْحَمْدُ رَبُّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللّٰهُ

عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَاٰلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا جَرَى بِهِ

فَضَائُكَ فِي اَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَدِينِكَ اِذْ

اخْتَرْتَ لَهُمْ جَزِيلَ مَا عِنْدَكَ مِنَ النَّعِيمِ الْمُقِيمِ الَّذِي لَا زَوَالَ

لَهُ وَلَا اضْمِحْلَالَ بَعْدَ اَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِي دَرَجَاتِ

هٰذِهِ الدُّنْيَا الدَّنِيَّةِ وَزُخْرُفِهَا وَزِبْرِجِهَا فَشَرَطُوا لَكَ وَعَلَيْتَ

مِنْهُمُ الْوَفَاءَ بِهِ فَقَبِلْتَهُمْ وَقَدَّمْتَهُمْ وَفَرَّطْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِيَّ

وَالثَّنَاءَ الْجَلِيَّ وَاَهْبَطْتَ عَلَيْهِمْ مَلَائِكَتَكَ وَاَكْرَمْتَهُمْ بِوَحْيِكَ

وَرَفَدْتَهُمْ بِعِلْمِكَ وَجَعَلْتَهُمُ الذَّرَائِعَ اِلَيْكَ وَالْوَسِيلَةَ اِلَى

رِضْوَانِكَ فَبَعْضُ اَسْكَنْتَهُ جَنَّتَكَ اِلَى اَنْ اَخْرَجْتَهُ مِنْهَا وَبَعْضٌ

حملته في ملكك ونجيته ومن آمن معه من الهالكين برحمتك
وبعض اتخذته لنفسك خليلا وسالك نبيا رضيته في الاخرين
فاجبته وجعلت ذلك عليا وبعض كلمته من غير رحم تكليما و
جعلت له من اخيه ردءا ووزيرا وبعض اولدته من غير اب وايدته
بالبينات وابنته بين فوج الفئتين وكلا شرعت له شريعة ومنهجا
له منها جا واخترت له اوصياء مستحفظا بعد مستحفظ من مدة
الى مدة اقامة لدينك وحجة على عبادك ولئلا يزول الحق عن مقره
ويغلب الباطل على اهله ولا يقول احد لولا ارسلت الينا رسولا
منذرا واقمت لنا علما هاديا فنتبع اياتك من قبل ان نذل و
نخزى الى ان انتهيت بالامر الى حبيبك ونجيبك محمد صلى الله
عليه وآله فكان كما اخبت به سيد من خلقه وصفوة من اصطفيته
اصطفيته وافضل من اجتبيته واكرم من اعتمدته فدمنه

على انبيائك وتعبئته الى الثقلين من عبادك وآوطانه مشارق
ومغاربك وسخرت له البراق وعرجت بروحه الى سمائك وا
اودعته علم ما كان وما يكون الى انقضاء خلقك ثم نصرته با
لرعب وحففته بجبرئيل وميكائيل والمسومين من ملائكتك
ووعدته ان تظهر دينه على الدين كله ولو كره المشركون ولذلك
بعد ان بوأته مبوأ صدق من اهله وجعلت له ولهم اول بيت
وضع للناس للذي ببكة مباركا وهدى للعالمين فيه اياته
بينات مقام ابراهيم ومن دخله كان آمنا وقلت انما يريد الله
ليذهب عنكم الرجس اهل البيت ويطهركم تطهيرا وجعلت
اجر محمد صلواتك عليه وآله مودتهم في كتابك فقلت قل لا
اسئلكم عليه اجرا الا المودة في القربى وقلت ما سالتكم من اجر
فهو لكم وقلت ما سالتكم عليه من اجر الا من شاء ان يتخذ

إِلَى رَبِّهِ سَبِيلًا فَكَانُوا هُمُ السَّبِيلَ إِلَيْكَ وَالْمَسْلَكَ إِلَى رِضْوَانِهِ

فَلَمَّا انْقَضَتْ أَيَّامُهُ أَقَامَ وَلِيَّهُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمَا

وَإِلَيْهِمَا هَادِيًا إِذْ كَانَ هُوَ الْمُنْذِرَ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ فَقَالَ وَالْمَلَكُ

أَمَامَهُ أَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ

مَنْ عَادَاهُ وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ وَقَالَ مَنْ كُنْتُ

آرَاكَ دَمِ زَادَ دَادَ دَبَرِي كَنْ آنْرَا كَهْ دَبَرِي كَنْ آنْرَا كَهْ خَوَارَ كَنَادَ وَرَا وَكَنْ

بِيَدِهِ فَعَلِيٌّ أَمِيرُهُ وَقَالَ أَنَا وَعَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ وَسَائِرُ النَّاسِ

بِعَمْرَاهِ بِرِي سَبَبِ دَرِخَتَ اَوْتَ كَهْ مَنْ دَسَتَ اَزْ كَبَ وَدَخَتَ

مِنْ شَجَرٍ شَتَّى وَأَحَلَّهُ مَحَلَّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى فَقَالَ لَهُ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ

اَزْ دَرِخَتَ مَخْتَلِفَ دَوْدَرَ آوَرَدَ اَزْ دَرِخَتَ يَكَ بَرَادَرَ كَهْ تَوْ نِسْبَتَ بَمَنْ بَرَكَ

مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَزَوَّجَهُ ابْنَتَهُ سَيِّدَةَ نِسَاءِ

بِسَبَبَ هَوَسَتَ كَوَاكَبَ مَخْلَقَ دَخَتَ بَيْغَمْبَرَ اَزْ بَرَادَرَ دَادَ وَدَخَتَرَ خَوَدَ رَا خَاتُونَ زَنَانَ

الْعَالَمِينَ وَأَحَلَّ لَهُ مِنْ مَسْجِدِهِ مَا حَلَّ لَهُ وَسَدَّ الْأَبْوَابَ إِلَّا بَابَهُ

جَسَبَارَ لَ وَحَالَ كَرَدَ بَرَاىَ اَوْ دَرَ مَسْجِدَ اَوْ حَالَ بَوَدَ بَرَاىَ اَوْ وَبَسَتَ دَرَ بَهَ هَمَهَ

ثُمَّ أَوْدَعَهُ عِلْمَهُ وَحِكْمَتَهُ فَقَالَ أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا

بَسَ بَسَبَارَ دَادَ هَرَ خَوَدَ رَا وَاسْرَا بَرَكَتَ مَى شَهَرَ عَلَى وَبَابَ اَوْ اَسْتَ

فَمَنْ أَرَادَ الْحِكْمَةَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا ثُمَّ قَالَ لَهُ أَنْتَ أَخِي وَوَصِيِّي

بَسَ اَكَهْ خَوَاهَدَ عَلَوَمَ وَاسْرَارَ بَايَدَ اَزَ دَرَ بَرَ اَوْ دَرَ بَسَ كَسَ بَرَادَرَ اَوْ بَوَدَ وَوَصَى

وَأَرِثِي لَحْمُكَ مِنْ لَحْمِي وَدَمُكَ مِنْ دَمِي وَسِلْمُكَ سِلْمِي وَحَرْبُكَ

وَوَارَثَ مَنَ كَوَشَتَ تَوَ اَزَ كَوَشَتَ مَنَ اَسَتَ وَخَوَنَ تَوَ اَزَ خَوَنَ مَنَ اَسَتَ وَصَلَحَ تَوَ صَلَحَ مَنَ وَجَنَكَ تَوَ

هدیة

حَرْبِي وَالْإِيمَانُ مُخَالِطٌ لَحْمَكَ وَدَمَكَ كَمَا خَالَطَ لَحْمِي وَدَمِي وَأَنْتَ غَدًا

بَجَنَكَ هَمَ وَدَرِينَ اَبْخَرَ بَتَ كَوَشَتَ تَرَا وَخَوَنَ تَرَا بَاَبْخَرَ كَوَشَتَ مَرَا وَخَوَنَ مَرَا دَارَدَ وَتَوَ

عَلَى الْحَوْضِ خَلِيفَتِي وَأَنْتَ تَقْضِي دَيْنِي وَتُنْجِزُ عِدَاتِي وَشِيعَتُكَ عَلَى

بَرَ حَوْضَ بَسَ كَوَشَتَ بَاشَى مَرَا وَتَوَ اَدَاءَ كَنَى وَعَدَهَاىَ مَرَا وَشَيْعَهَ تَوَ

مَنَابِرَ مِنْ نُورٍ مُبْيَضَّةً وُجُوهُهُمْ حَوْلِي فِي الْجَنَّةِ وَهُمْ جِيرَانِي وَلَوْلَا

مَنَابِرَ اَزْ نُورَ آَكَنَدَهَ بَسَفَيدَ رَوَيَهَا اَيَشَانَ دَرَ بَهَشَتَ بَرَ گَرَدَ مَنَ وَاَيَشَانَ هَمَسَايَهَ مَنَ دَرَ بَهَشَتَ

أَنَّكَ يَا عَلِيُّ لَمْ يُعْرَفِ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدِي وَكَانَ بَعْدَهُ مِنَ الضَّلَالِ

تَوَ اَىَ عَلَى نَشَنَاخَتَهَ نَشَدَ مَؤْمَنَانَ بَسَ مَنَ وَبَوَدَ اَيَشَانَ

وَنُورًا مِنَ الْعَمَى وَحَبْلَ اللَّهِ الْمَتِينَ وَصِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمَ لَا يَسْبِقُ

وَرَسَتَ اَزَ كَوَرَ دَلَى وَرَسَنَ خَدَاىَ سَخَتَ وَرَاهَ رَاسَتَ اَيَشَانَ رَا

فِي قَرَابَتِهِ فِي رَحِمٍ وَلَا بِسَابِقَةٍ فِي دِينٍ وَلَا بِلَحَاقٍ فِي مَنْقَبَةٍ مِنْ مَنَاقِبِهِ

بَرَ اَيَشَانَ دَرَ خَوَيَشَى وَدَرَ خَوَيَشَاوَنَدَى وَدَرَ سَبَقَتَ دَرَ دَينَ وَنَهَ بَلَحَاقَ دَرَ مَنَقَبَتَ اَزَ مَنَاقَبَ اَوَ

يَجِدُونَ أَحَدًا وَالرَّسُولُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا وَاقِفٌ عَلَى

نَمَى يَابَنَدَ اَحَدَ وَرَسَولَ بَرَ اَيَشَانَ دَرُودَ خَدَا بَادَ وَبَرَ آَلَ اَيَشَانَ وَاَيَسَتَادَهَ بَوَدَ

التَّأْوِيلِ وَلَا نَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةُ لَائِمٍ قَدْ وَتَرَ فِيهِ صَنَادِيدَ الْعَرَبِ

تَاوَيَلَ وَنَمَى سَتَانَيَمَ اَوَرَا دَرَ رَاهَ خَدَاىَ سَرَزَنَشَ سَرَزَنَشَ كَنَنَدَهَ بَسَ دَرَ كَرَدَ بَرَ اَوَ بَزَرَگَانَ عَرَبَ

وَقَتَلَ أَبْطَالَهُمْ وَمَاوَسَ ذَوَائِبَهُمْ فَأَوْدَعَ أَفْلُوذَهُمْ أَحْشَاءَ أَبَدِ رَبِّهِ

وَكَشَتَ بَهَادَرَانَ اَيَشَانَ وَمَيَانَ مَوَىَ سَرَ اَيَشَانَ رَا وَدَرَ بَرَ كَرَدَ بَارَهَ اَيَشَانَ رَا دَرَ اَحَشَاىَ

وَخَبِيرَتِهِ وَخَلِيفَتِهِ وَغَيْرِهِمْ فَاصْطَبَّ عَلَى عَدَاوَتِهِ وَأَكَبَّ عَلَى

وَبَرَگَزَيَدَهَ وَخَلَيفَهَ وَغَيْرَ اَيَشَانَ پَسَ صَبَرَ كَرَدَ بَرَ دَشَمَنَى اَوَ وَبَرَوَ هَجَومَ كَرَدَ بَرَ

مَنَايَا زُرْنَهُ حَتَّى قَتَلَ النَّاكِثِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ وَلَمَّا يَجِفَّ

مَنَايَا زَرَنَدَهَ اَوَ تَاكَشَتَ بَيَمَانَ شَكَنَانَ وَسَتَمَكَارَانَ وَخَوَارَجَ رَا وَهَنَوزَ خَشَكَ نَشَدَ

وَقَتَلَهُ أَشْقَى الْأَشْقِيَاءِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ بِيَتْبَعَ أَشْقَى الْآخِرِينَ

لم يمثل امر الرسول صلى الله عليه وآله بهذه الهادين بعد الهادي
والامة معترفة على مقتضيه مجتمعة على طبيعة رجحه واقتضاه وليده
الا القليل ممن وفى لرعاية الحق فيهم فضل من قتل وسبي
من سبي وافضى من افضى وجرى القضاء لهم بما يرجى له حسن الثواب
اذ كانت الارض لله يورثها من يشاء من عباده والعاقبة
للمتقين وسبحان ربنا ان كان وعد ربنا لمفعولا ولن يخلف
الله وعده وهو العزيز الحكيم فعلى الاطائب من اهل بيت محمد
وعلى حبيبي الله عليهما والمهما فليبك الباكون وايانا فليندب
النادبون ولمثلهم فلتذرف الدموع وليصرخ الصارخون
ويضج الضاجون ويعج العاجون اين الحسن واين الحسين و
ابن ابناء الحسين صالح بعد صالح وصادق بعد صادق واين
السبيل بعد السبيل اين الخيرة بعد الخيرة واين الشموس الطالعة
والاقمار المنيرة اين الانجم الزاهرة اين اعلام الدين و
قواعد العلم اين بقية الله التي لا تخلو من العترة الطاهرة
ابن المعد لقطع دابر الظلمة ابن المنتظر لاقامة الامت والعوج
ابن المرتجى لازالة الجور والعدوان ابن المدخر لتجديد الفرائض
والسنن ابن المتخير لاعادة الملة والشريعة ابن المؤمل لاحياء
الكتاب وحدوده ابن محيي معالم الدين واهله ابن قاصم شوكة
المعتدين اين هادم ابنية الشرك والنفاق ابن مبيد اهل
الفسوق والعصيان ابن حاصد فروع الغي والشقاق ابن طامس
آثار الزيغ والاهواء ابن قاطع حبائل الكذب والافك ابن
مبيد العتاة والمردة ابن مستأصل اهل العناد والتضليل
والالحاد ابن معز الاولياء ومذل الاعداء اين جامع الكلم
على التقوى اين باب الله الذي منه يؤتى اين وجه الله الذي اليه

والضباية

اللهم بوجاهة الاولياء اين الشعب المنصدع بين الارض والسماء اين
صاحب يوم الفتح وناشر راية الهدى اين مؤلف شمل الصلاح
والرضا اين الطالب بذحول الانبياء وابناء الانبياء اين
الطالب بدم المقتول بكربلا اين المنصور على من اعتدى عليه
وافترى اين المضطر الذى يجاب اذا دعى اين صدر الخلائق
ذو البر والتقوى ابن ابن البتول المصطفى وابن علي المرتضى وابن
خديجة الغراء وابن فاطمة الزهراء الكبرى بابى انت وامى
ونفسى لك الوقاء وابى يا ابن السادة المقربين يا ابن النجباء الاكرمين
يا ابن الهداة المهتدين يا ابن الخيرة المهديين يا ابن القطارفة
الانجبين يا ابن الخضارمة المنجبين يا ابن الصناديد الاكرمين
يا ابن الاطائب المطهرين يا ابن البدور المنيرة يا ابن السرج المضيئة
يا ابن الشهب الثاقبة يا ابن الاعلام الظاهرة يا ابن السبل الواضحة

المنتظرين

يا ابن الاعلام اللائحة يا ابن العلوم الكاملة يا ابن الاسرار المشهورة
يا ابن المعالم المأثورة يا ابن المعجزات الموجودة يا ابن الدلائل المشهورة
يا ابن الصراط المستقيم يا ابن النبإ العظيم يا ابن من هو في ام الكتاب
لدى الله علي حكيم يا ابن الايات والبينات يا ابن الدلائل الظاهرات
يا ابن البراهين الواضحات الباهرات يا ابن الحجج البالغات يا ابن النعم
السابغات يا ابن طه والمحكمات يا ابن يس والذاريات يا ابن الطور
والعاديات يا ابن من دنى فتدلى فكان قاب قوسين او ادنى
دنوا واقترابا من العلي الاعلى اين معترك اين مستقر عزك
الثوى بل اى ارض تقلك او ثرى ابرضوى ام غيرها
ذبى طوى عز عليّ ان ارى الخلق ولا ترى ولا اسمع لك
حسيسا ولا نجوى عز عليّ ان لا يحيط بي دونك البلوى
ولا يناجيك مني صحيح ولا شكري يغشى انك من مغيب لم يخل

مِنّا بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَازِحٍ يَبْرَحُ عَنّا بِنَفْسِي أَنْتَ أُمْنِيَةَ شَائِقٍ يَتَمَنّى

مِنْ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ ذِكْرُنَا فَحَنّا بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُغَيَّبٍ عَنّا لَا يَسْئَمُ

ذِكْرَنَا وَمِنْ وَلِيٍّ لَا يَنْسَانَا وَلَا يَجْحَدُ حَقَّنَا بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ آيِلٍ مُجَدٍّ لَا يُجَازِي

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ آيِلٍ مُجَدٍّ لَا يُجَازِي بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ وَالٍ نَعِيمٍ لَا

يَنْسَى ذِكْرَنَا وَلَا يَجْحَدُ حَقَّنَا وَلَا يُجَازِي بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَاصِرٍ لَا يَمَلُّ

نُصْرَتَنَا وَلَا يَنْسَى ذِكْرَنَا وَلَا يُجَازِي بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَصِيفِ شَرَفٍ لَا يُسَامَى

وَمِنْ أَمَدٍ لَا يُطَاوَلُ وَمِنْ مَجْدٍ لَا يُجَارَى بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُعَدٍّ لِلْمَكَارِمِ

وَمِنْ هُمَامٍ لَا يُكَارَمُ وَمِنْ سَيِّدٍ لَا يُسَوَّدُ وَمِنْ قَائِلٍ لَا يُعَلَّطُ وَمِنْ

قَوْلٍ لَا يُقَعَّرُ وَمِنْ عَالِمٍ لَا يُعَلَّمُ وَمِنْ رَاجِحٍ لَا يُسْفَهُ وَمِنْ قَرِيمٍ

لَا يُلْجَمُ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُعِزٍّ أَذِلَّاءَ قَوْمِهِ وَمُذِلٍّ أَعِزَّاءَ قَوْمِهِ وَمُغْنٍ

فُقَرَاءَ عَشِيرَتِهِ وَمُكْثِرٍ قِلَّةَ عَدَدِهِ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُعِينٍ لِمَظْلُومٍ

وَمِنْ خَاذِلٍ لِظَالِمٍ وَمِنْ قَائِمٍ لِلْقِسْطِ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ ذَاكِرٍ لَا يُنْسَى

وَمِنْ صَابِرٍ لَا يَجْزَعُ وَمِنْ وَاعٍ لَا يُغْفَلُ وَمِنْ قَانِتٍ لَا يَفْتُرُ وَمِنْ

عَابِدٍ لَا يَخْدَعُ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُطِيعٍ قَرُبَ فِي طَاعَتِهِ وَمَكَانُهُ وَمِنْ

مُشَفِّعٍ رَفِيعِ الدَّرَجَةِ وَالْمَنْزِلَةِ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُقَرَّبٍ عِنْدَ رَبِّهِ

مُكَرَّمٍ لَدَيْهِ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُطَهَّرٍ مِنَ الْخَطَايَا بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ

مُبَرَّإٍ مِنَ الْعَيْبِ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُهَذَّبٍ مِنَ الدَّنَسِ بِنَفْسِي أَنْتَ

مِنْ مُبَارَكٍ أَيْنَمَا حَلَّ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُبَارَكٍ أَيْنَمَا ذُكِرَ بِنَفْسِي

أَنْتَ مِنْ مُبَارَكٍ أَيْنَمَا تَوَجَّهَ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُبَارَكٍ أَيْنَمَا

نَزَلَ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُبَارَكٍ أَيْنَمَا سَكَنَ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُبَارَكٍ

أَيْنَمَا ارْتَحَلَ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُبَارَكٍ أَيْنَمَا ظَعَنَ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ

مُبَارَكٍ أَيْنَمَا أَقَامَ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُبَارَكٍ أَيْنَمَا صَلّى بِنَفْسِي أَنْتَ

مِنْ مُبَارَكٍ أَيْنَمَا دَعَا بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُبَارَكٍ أَيْنَمَا رَكَعَ بِنَفْسِي

أَنْتَ مِنْ مُبَارَكٍ أَيْنَمَا سَجَدَ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُبَارَكٍ أَيْنَمَا حَمِدَ

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُبَارَكٍ أَيْنَمَا مَجَّدَ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُبَارَكٍ أَيْنَمَا

وَحَّدَ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُبَارَكٍ أَيْنَمَا اسْتَغْفَرَ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ

مُبَارَكٍ أَيْنَمَا اعْتَصَمَ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُبَارَكٍ أَيْنَمَا خَشَعَ بِنَفْسِي

أَنْتَ مِنْ مُبَارَكٍ أَيْنَمَا أَنَابَ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُبَارَكٍ أَيْنَمَا أَخْبَتَ

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُبَارَكٍ أَيْنَمَا أَطَاعَ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُبَارَكٍ أَيْنَمَا

أَخْلَصَ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُبَارَكٍ أَيْنَمَا تَابَ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُبَارَكٍ

أَيْنَمَا زَهَدَ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُبَارَكٍ أَيْنَمَا رَغِبَ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ

مُبَارَكٍ أَيْنَمَا رَهِبَ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُبَارَكٍ أَيْنَمَا أَنَابَ بِنَفْسِي

أَنْتَ مِنْ مُبَارَكٍ أَيْنَمَا أَسْلَمَ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُبَارَكٍ أَيْنَمَا

تَصَدَّقَ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُبَارَكٍ أَيْنَمَا تَحَنَّثَ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ

مُبَارَكٍ أَيْنَمَا تَعَبَّدَ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُبَارَكٍ أَيْنَمَا تَهَجَّدَ بِنَفْسِي

أَنْتَ مِنْ مُبَارَكٍ أَيْنَمَا تَنَسَّكَ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُبَارَكٍ أَيْنَمَا

تَحَرَّمَ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُبَارَكٍ أَيْنَمَا تَرَحَّمَ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ

مُبَارَكٍ أَيْنَمَا تَحَرَّجَ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُبَارَكٍ أَيْنَمَا تَعَوَّذَ بِنَفْسِي

أَنْتَ مِنْ مُبَارَكٍ أَيْنَمَا تَضَرَّعَ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُبَارَكٍ أَيْنَمَا

تَبَتَّلَ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُبَارَكٍ أَيْنَمَا تَقَرَّبَ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ

مُبَارَكٍ أَيْنَمَا تَمَسْكَنَ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُبَارَكٍ أَيْنَمَا تَوَكَّلَ بِنَفْسِي

أَنْتَ مِنْ مُبَارَكٍ أَيْنَمَا تَوَسَّلَ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُبَارَكٍ أَيْنَمَا

تَوَسَّمَ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُبَارَكٍ أَيْنَمَا تَوَسَّطَ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ

مُبَارَكٍ أَيْنَمَا تَوَرَّعَ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُبَارَكٍ أَيْنَمَا تَوَقَّرَ بِنَفْسِي

أَنْتَ مِنْ مُبَارَكٍ أَيْنَمَا تَوَقَّى بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُبَارَكٍ أَيْنَمَا

تَوَكَّفَ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُبَارَكٍ أَيْنَمَا تَوَكَّفَ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ

مُبَارَكٍ أَيْنَمَا تَوَكَّفَ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُبَارَكٍ أَيْنَمَا تَوَكَّفَ بِنَفْسِي

أَنْتَ مِنْ مُبَارَكٍ أَيْنَمَا تَوَكَّفَ

نوردنا جنانك ومرافقة الشهداء من خلصائك اللهم صل على
حجتك وولي امرك وصل على جده محمد رسولك السيد الاكبر
وعجل على اعدائه سيد الفجور وحامل اللواء في المحشر وشفيعا
اولياءه من نهر الكوثر والاسير على مائز البشر الذي من امن
به فقد ظفر ومن لم يؤمن به فقد خطر وكفر صلى الله عليه
وعلى اخيه وعلى نجليهما المبيا من الغرر ما طلعت شمس وما
اضاء قمر وعلى جدتيه الصديقة الكبرى فاطمة الزهراء
بنت محمد المصطفى وعلى من اصطفيت من ابائه البررة وعليه
افضل واكمل واتم وادوم واكثر واوفر ما صليت على احد
من اصفيائك وخيراتك من خلقك وصل عليه صلوة لا غاية
لعددها ولا نهاية لمددها اللهم وافسح
به الحق وادحض به الباطل وادل به اوليائك واذل به اعدائك

وصل اللهم بيننا وبينه وصله تؤدي الى مرافقة سلفه
واجعلنا ممن ياخذ بحجزتهم ويمكن في ظلهم واعنا على ادائه بحقوقه
اليه والاجتهاد في طاعته والاجتناب عن معصيته وامنن علينا
برضاه وهب لنا رأفته ورحمته ودعاءه وخيره ما ننال به
سعة من رحمتك وفوزا عندك واجعل صلوتنا به مقبولة و
ذنوبنا به مغفورة ودعاءنا به مستجابا واجعل ارزاقنا مبسوطة
وهمومنا به مكفية وحوائجنا به مقضية وافبل الينا بوجهك
الكريم وافضل نظرك الينا وانظر الينا نظرة رحيمة لا نشقى
بعدها ابدا انك على كل شيء قدير وهذا يوم متجدد حادث
جدده صلى الله عليه وآله بكرامته وبيعته فنسالك يا ربنا
سؤال متضرع خاشع ان تصلي عليه وعلى آله وان تعطينا
بمسالتنا اياك فيه وتوسلنا بنبيك اليك ما لا تعطي نفسا غيرها
ولا تنيلها سواها يا اجود الاجودين وارحم الراحمين وافضل
مسؤل اعطى صلوات الله عليه وعلى آبائه الطاهرين وابنائه
روايت كرده است كه عبد الله بن محمد گفت كه من سوال كردم حضرت
امام حسن عسكري كه چگونه بايد بر من كه صلوات فرستاد

بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و اوصیاء ان حضرت صلوات
الله علیهم را و با خود حاضر کرده بودم کا غدیزدکی را چنین بر من املا
فرمود بر انکه بنحو اللهم صل علی محمد و آل محمد کما حمل وحیک
ازکیا با ملا کنند
وبلغ رسالاتک وصل علی محمد و آل محمد کما احل حلالک وحرم
حرامک وعلم کتابک وصل علی محمد کما اقام الصلوة واتی الزکوة
ودعا الی دینک وصل علی محمد کما صدق بوعدک واشفق من
وعیدک وصل علی محمد کما غفرت به الذنوب وسترت به العیوب
وفرجت به الکروب وصل علی محمد کما رفعت به الشقاء وکشفت
به العماء واجبت به الدعاء ونجیت به من البلاء وصل علی
محمد کما رحمت به العباد واحییت به البلاد وقصمت به
الجبابره واهلکت به الفراعنه وصل علی محمد کما اضعفت
به الاموال وخلدت به من الاهوال وکسرت به الاصنام
ورحمت به الانام وصل علی محمد کما بعثته بخیر الادیان واعززت به

والی محمد
والی محمد
والی محمد
والی محمد
والی محمد
والی محمد
والی محمد

الایمان وتبرات به الاوثان وعظمت به البیت الحرام وصل علی
محمد واهل بیته الطاهرین الاخیار وسلم تسلیما اللهم صل علی
امیر المؤمنین علی بن ابی طالب اخی نبیک وولیه ووصیه ووزیره
ومستودع علمه وموضع سره وباب حکمه والناطق بحجته و
الداعی الی شریعته وخلیفته فی امته ومفرج الکرب عن وجهه
قاصم الکفره ومرغم الفجره والذی جعلته من نبیک بمنزله
هرون من موسی اللهم وال من والاه وعاد من عاداه وانصر
من نصره واخذل من خذله والعن من نصب له من الاولین
والاخرین وصل علیه افضل ما صلیت علی احد من اوصیاء
انبیائک یا رب العالمین اللهم صل علی الصدیقه فاطمه
الزکیه حبیبه حبیبک ونبیک وام احبائک واصفیائک
التی انتجبتها وفضلتها واخترتها علی نساء العالمین اللهم

كِنِ الطَّالِبَ لَهَا مِنْ ظُلَمِهَا وَاسْتَحَقَّ بِحَقِّهَا وَكُنِ الشَّاءَ اللَّهُمَّ بَدِيءً

اَوَّلاً وَاَذِلَّهَا اللَّهُمَّ وَكَمَا جَعَلْتَهَا اُمَّ اَئِمَّةِ الْهُدَى وَحَلِيلَةَ صَاحِبِ

اللِّوَاءِ وَالْكَرَّةِ عِنْدَ الْمَلَإِ الْاَعْلَى فَصَلِّ عَلَيْهَا وَعَلَى اُمِّهَا

صَلٰوةً تُكْرِمُ بِهَا وَجْهَ اَبِيهَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَتُقِرُّ

بِهَا اَعْيُنَ ذُرِّيَّتِهَا وَاَبْلِغْهُمْ عَنِّي فِي هٰذِهِ السَّاعَةِ اَفْضَلَ

التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَبْدَيْكَ وَ

وَلِيَّيْكَ وَابْنَيْ رَسُولِكَ وَسِبْطَيِ الرَّحْمَةِ وَسَيِّدَيْ شَبَابِ اَهْلِ

الْجَنَّةِ اَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى اَحَدٍ مِنْ اَوْلَادِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ وَوَصِيِّ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ

اَشْهَدُ اَنَّكَ يَا ابْنَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ اَمِينُ اللّٰهِ وَابْنُ اَمِينِهِ عِشْتَ

مَظْلُومًا وَمَضَيْتَ شَهِيدًا وَاَشْهَدُ اَنَّكَ الْاِمَامُ الزَّكِيُّ الْهَادِي

اَلشَّهِيدُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَبَلِّغْ رُوحَهُ وَجَسَدَهُ عَنِّي وَعَنْ

اَوْلَادِهِ وَذُرِّيَّتِهِ السَّاعَةَ اَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ

عَلِيٍّ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ الْقَتِيلِ الْكَفِيرِ وَطَرِيحِ الْفَجَرَةِ وَالسَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ اَشْهَدُ

اَنَّكَ مَوْفِيًّا اَنَّكَ اَمِينُ اللّٰهِ وَابْنُ اَمِينِهِ قُتِلْتَ مَظْلُومًا وَمَضَيْتَ

شَهِيدًا وَاَشْهَدُ اَنَّ اللّٰهَ تَعَالَى الطَّالِبُ بِثَارِكَ وَمُنْجِزٌ مَا وَعَدَكَ

مِنَ النَّصْرِ وَالتَّاْيِيدِ فِي هَلَاكِ عَدُوِّكَ وَاِظْهَارِ دَعْوَتِكَ وَاَشْهَدُ

اَنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللّٰهِ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَعَبَدْتَ اللّٰهَ

مُخْلِصًا حَتّٰى اَتَاكَ الْيَقِينُ لَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً قَتَلَتْكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً

خَذَلَتْكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً سَمِعَتْ بِذٰلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ اَبُوءُ اِلَى اللّٰهِ تَعَالَى

وَاَتَبَرَّاُ اِلَى اللّٰهِ مِنْهُمْ اَتَقَرَّبُ اِلَى اللّٰهِ بِاِيجَابِ حُرْمَتِكَ وَاِسْخَطُ بِحَقِّكَ وَاَسْتَحِلُّ دَمَكَ بِاِبَائِكَ وَاُمِّي يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ

لَعَنَ اللّٰهُ قَاتِلَكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ خَاذِلَكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ سَمِعَ وَاعِيَتَكَ فَلَمْ

عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ
اَلسَّلَامُ

يجيبك ولم ينصرك ولعن الله من نسبك انا الى الله منهم برئ

ومن والاهم ومالاهم واعانهم عليه اشهدك والائمة من

ولدك كلمة التقوى وباب الهدى والعروة الوثقى واحجج على

اهل الدنيا واشهد اني بكم مؤمن وبغيركم كافر

تابع ببيان نفسي وشرايع ديني وخواتيم عملي ومستقبلي

واخرني اللهم صل على علي بن الحسين سيد العابدين باستخلاصه

لنفسك وجعلت منه ائمة الهدى الذين يهدون بالحق وبه

يعدلون اخترته لنفسك وطهرته من الرجس واصطفيته لها

مهدا اللهم صل عليه افضل ما صليت على احد من ذريته

انبيائك حتى تبلغ به ما تقر به عينه في الدنيا والاخرة انك

اللهم صل على محمد بن علي باقر العلم وامام الهدى وقائد

اهل التقوى والمنجب من عبادك اللهم وكما جعلته علما

لعبادك ومنارا لبلادك ومستودعا لحكمتك ومترجما

لوحيك وامرت باطاعته وحذرت من معصيته فصل عليه

يا رب افضل ما صليت على احد من ذريته انبيائك واصفيائك

ورسلك وامنائك يا رب العالمين اللهم صل على جعفر بن محمد

خازن العلم الداعي اليك بالحق النور المبين اللهم كما جعلته

معدن كلامك ووحيك وخازن علمك ولسان توحيدك و

ولي امرك ومستحفظ دينك فصل عليه ما صليت على احد

من اصفيائك وحجج انك حميد مجيد اللهم صل على الامين

المؤتمن موسى جعفر البر الوفي الطاهر الزكي النور المبين

المجتهد المحتسب الصابر على الاذى في الله اللهم وكما بلغ عن اباءه

ما استودع من امرك ونهيك وحمل على المحجة وكما بذل اهل الغرة

والشدة فيما كان يلقى من جهال قومه رب فصل عليه افضل

وَاكْمَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى اَحَدٍ مِمَّنْ اَطَاعَكَ وَنَفَعَ لِعِبَادِكَ اِنَّكَ غَفُورٌ
رَحِيمٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ وَرَضِيَتْ بِهِ
مَنْ شَيْءٍ مِنْ خَلْقِكَ اَللّٰهُمَّ وَكَمَا جَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَى خَلْقِكَ وَقَائِمًا
بِاَمْرِكَ وَنَاصِرًا لِدِينِكَ وَشَاهِدًا عَلَى عِبَادِكَ وَكَمَا نَصَبَ لَهُمْ فِي الْبَرِّ
وَالْعَلَانِيَةِ وَدَعَا اِلَى سَبِيلِكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ فَصَلِّ
عَلَيْهِ اَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى اَحَدٍ مِنْ اَوْلِيَائِكَ وَخِيَرَتِكَ اِنَّكَ جَوَادٌ
كَرِيمٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى عَلَمِ التُّقَى وَنُورِ الْهُدَى
وَمَعْدِنِ الْوَفَاءِ وَفَرْعِ الْاَزْكِيَاءِ وَخَلِيفَةِ الْاَوْصِيَاءِ وَاَمِينِكَ
عَلَى وَحْيِكَ اَللّٰهُمَّ وَكَمَا هَدَيْتَ بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ وَاسْتَنْقَذْتَ
بِهِ مِنَ الْحَيْرَةِ وَاَرْشَدْتَ بِهِ مِنَ الْغَيِّ وَزَكَّيْتَ بِهِ مِنَ التَّرَدِّي فِي الْهَلَكَةِ
عَلَيْهِ اَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى اَحَدٍ مِنْ اَوْلِيَائِكَ وَبَقِيَّةِ اَوْصِيَائِكَ
اِنَّكَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَصِيِّ الْاَوْصِيَاءِ

وَاِمَامِ الْاَتْقِيَاءِ وَخَلَفِ اَئِمَّةِ الدِّينِ وَالْحُجَّةِ عَلَى الْخَلَائِقِ اَجْمَعِينَ
اَللّٰهُمَّ كَمَا جَعَلْتَهُ نُورًا تَضِيءُ بِهِ الْمُؤْمِنُونَ وَتَبْشُرُ بِالْجَزِيلِ مِنْ
ثَوَابِكَ وَاِنْذَارًا لِاَلِيمِ عِقَابِكَ وَحَذَرًا بَاْسَكَ وَذِكْرًا لِاٰيَاتِكَ
وَاَحَلَّ حَلَالَكَ وَحَرَّمَ حَرَامَكَ وَبَيْنَ شَرَائِعَكَ وَفَرَائِضَكَ وَ
حَضَّ عَلَى عِبَادَتِكَ وَاَمَرَ بِطَاعَتِكَ وَنَهَى عَنْ مَعْصِيَتِكَ فَصَلِّ
عَلَيْهِ اَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى اَحَدٍ مِنْ اَوْلِيَائِكَ وَذُرِّيَّةِ اَنْبِيَائِكَ
يَا اِلٰهَ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَرِّ النَّقِيِّ الصَّفِيِّ
الْوَفِيِّ النُّورِ الْمُضِيءِ خَازِنِ عِلْمِكَ وَالْمُذَكِّرِ بِتَوْحِيدِكَ وَوَلِيِّ اَمْرِكَ
وَخَلَفِ اَئِمَّةِ الدِّينِ الْهُدَاةِ الرَّاشِدِينَ وَالْحُجَّةِ مِنْ اَصْفِيَائِكَ
وَحُجَجِكَ وَاَوْلَادِ رُسُلِكَ يَا اِلٰهَ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ
وَاَبْنَاءِ اَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَاَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ وَاَذْهَبْتَ
عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا اَللّٰهُمَّ اَنْصُرْهُ وَانْتَصِرْ بِهِ

عَلَى اَعْدَاءِ الدِّينِ وَصَلِّ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ اَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى اَحَدٍ

الدينك وانصره بها وليائك واولياءه وشيعته وانصاره و
اجعلنا منهم اللهم اعذه من شر كل طاغ وباغ ومن شر جميع
خلقك واحفظه من بين يديه ومن خلفه وعن يمينه وعن
شماله واخرسه وامنعه من ان يوصل اليه بسوء واحفظ فيه
به رسولك وآل رسولك واظهر به العدل وايده بالنصر و
انصر ناصريه واخذل خاذليه واقصم به جبابرة الكفر و
اقتل به الكفار والمنافقين وجميع الملحدين حيث كانوا من
الارض ومغاربها وبرها وبحرها واملأ به الارض عدلا
واظهر به دين نبيك عليه وآله السلام واجعلني اللهم من
انصاره واعوانه وآتباعه وشيعته وارني في آل محمد ما يأملون
وفي عدوهم ما يحذرون الله الحق آمين باب خواندن در بيان
واجب است كه مخصوص روزي وظايفي نيست ونمازهايي كه
اختصاص بوقتي ندارد وآنهايي كه بغير ماههاي عربي تعلق دارند

ودوازدهم مصباح فصل اول در بيان نمازهاي است بدانكه اين
نماز واجب است نزد كسوف آفتاب وخسوف ماه خواه كل يكيرد وخواه بعض
ودر زلزله كه زمين بلرزد ومشهور آن است كه هر بيني كه از آسمان نمايان
شود كه موجب خوف غالب خلق گردد اين نماز واجب ميشود وهمچنين
بادهاي سياه شديد كه بر خلاف عادت باشد خواه در شب خواه در روز
وخواه شبانه شد وصاعقها عظيم ودر عدهاي شبانه شديد وتاريك شده
هوا وامثال اينها واين قول اقوي است وكيفيت اين نماز آن است كه مصلي
كند كه نماز آفتاب گرفتن يا ماه گرفتن يا زلزله يا آيات ميكنم از جهت
آنكه واجب است براي رضاي خدا يا قربة الى الله پس تكبيرة الاحرام بگويد
وحمد و يك سوره بخواند پس ركوع كند پس سر برداشته
كند و سر بر داشتن الله اكبر بگويد پس حمد و سوره بخواند پس ركوع
كند تا آنكه هيچ ركوع بعد او در ركوع هيچ كه سر برداشته سمع الله لمن
حمده بگويد بعد از آن بسجود رود و دو سجده بجا آورد پس برخيزد و
يك ركعت ديگر بجا آورد بدينسان در ركعت اول و در سر برداشتن از ركوع
دهم بجاي تكبيرة سمع الله لمن حمده بگويد و اكود در ركوع اول بخصوص
آيه بخواند و بركوع رود و بعد از سر برداشتن باقي سوره را بخواند
اعاده حمد نميكند و اگر سوره كه بيغ آيه باشد تفريق كند بر ركوعها
بيك حمد كه در ركوع اول خوانده اكتفا ميكند و همچنين در ركعت
دويم بيك حمد و سوره چنين كه تفريق كند اكتفا ميتواند كرد وبهتر
از آن است كه بطريق اول بكند كه بگويد حمد و سوره بجا آورد آنگاه ركوع
كند بنا شد واول وقت نماز كسوف وخسوف ابتداي گرفتن آن است وآخر
وقت بقول مشهور ابتداي منجلي شدن آن است واظهر تودقيق وجمعي
از محققين آنست كه تا تمام منجلي نشود وقتش باقي است ونماز زلزله وآيات
كه وقتش موقت نكنند موافق مشهور در تمام عمر ادا است واگر كسي

ترک کند نماز مذکور را باحدوث یکی از اسباب مذکوره مشهور میان
علما آنست که قضا میکند این نماز را و جمعی گفته اند که بر تا بنی که فوت
کرده باشد قضا نیست مادام که تمام فرض نکرده باشد و عمل بمشهور
احوط است و اگر مطلع نشود تا وقت بدرود که مشهور میان اصحاب این
است که قضای کسوفین واجب نیست مگر آنکه فرض تمام کرده باشد
و جمعی گفته اند واجب است مطلقا و قول اول اقوی و ثانی احوط است
و مستحب است که این نماز را بجماعت بکنند و طول بدهند بقدر زمان
کسوف و خسوف و هرگاه از نماز فارغ شود و ابحلا نشده باشد نماز
و اقوی آنست که اعاده نماز مستحب است و بعضی واجب دانسته اند
و مستحب است خواندن سوره های طوال بی تا وسعت وقت و برابر
ساختن رکوع و سجود با قرائت و مستحب است قنوت خواندن پیش از
رکوع دویم و چهارم و ششم و هشتم و دهم و اگر در ایام زلزله مکرر
این آیه را بخوانند مناسب است از آنکه یمسک السموات والارض ان
تزولا ولئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما
غفورا و آنحضرت امام رضا منقولست که هرگه در وقت خواب زلزله
آیه را بخوانند خانه بر سرش خراب نشود فصل پنجم در بیان نماز استسقا
یعنی نماز طلب باران در وقتی که باران نیاید و آب چاها و چشمها
کم شود و کیفیت این نماز مثل نماز عید است که سابقا مذکور شد
و بجماعت باید کرد و در قنوتها پس طلب رحمت و استسقا باران
کناهان و طلب باران باید کرد و بهترین دعاها آنست که در روز دهم صحیفه
کامله آنست و اگر گفته اند که وقتش پیش از طلوع آفتاب است تا
زوال و باید امام امر کند مردم را که روز روزه بدارند و روی بتهیه
ایشان را بیرون برد و بهتر آنست که روز جمعه باشد یا دوشنبه
و بصحرا بیرون روند پای برهنه با سکینه و وقار و موذنان عصاها

بدست گرفته پیش روی امام روند و چون امام از نماز فارغ شود
بر منبر بالا رود و رو را بگردانند بانگر جانب راست را بجانب چپ
او رو و جانب چپ را بجانب راست پس رو بقبله کند و دستها را بلند
صد مرتبه الله اکبر بگوید و بجانب راست بگردد و صد مرتبه
سبحان الله بگوید پس بجانب چپ بگردد و صد مرتبه لا اله الا الله بگوید
پس رو بمردم کند و صد مرتبه الحمد لله بگوید و گفته اند که مردم در ذکرها
موافقت کنند نه در گشادن پیش و خطبه بخواند و مبالغه کند در
استغفار و دعا و در طلب رحمت و خطبها ی منقوله بهتر است و در
نیست که اگر ان ذکرها را بعد از خطبه بخوانند نیز خوب باشد فصل
سیم در بیان نماز حضرت رسول صلی الله علیه و آله است بسند
طاوس قدس الله روحه که سند معتبر از حضرت امام رضا روایت
کرده است که از ان حضرت سوال کردند از نماز حضرت جعفر طیار
حضرت فرمودند که چرا غافل از نماز حضرت رسول صلی الله علیه و آله
شاید حضرت رسول نماز جعفر را انکرده باشد و شاید که جعفر نماز
ان حضرت را انکرده باشد راوی گفت که ان نماز را تعلیم کن بمن حضرت
فرمود که دو رکعت نماز میکنی در هر رکعت یک مرتبه فاتحه و پانزده
مرتبه سوره انا انزلناه بخوان پس در رکوع و بعد از سر برداشتن
و در سجده اول و سر برداشتن و در سجده دویم و سر برداشتن هر
یک پانزده مرتبه سوره حمد قدر را میخوانی پس تشهد میخوانی و سلام
میگوئی و چون فارغ شوی میان تو و خدا هیچ گناهی نمانده مگر انکه
امرزیده شده است و بعد از ان بنده لا اله الا الله ربنا و رب اباءنا الاولین
و هر حاجت که طلبی روا است بخواست ان خدا
الاولین لا اله الا الله الها واحدا و نحن له مسلمون لا اله الا الله

لا نعبد الا اياه مخلصين له الدين ولو كره الكافرون لا اله الا الله
وحده وحده وانجز وعده ونصر عبده وهزم الاحزاب وحده فله
الملك وله الحمد وهو على كل شيء قدير اللهم انت نور السموات
والارض فلك الحمد وانت قيام السموات والارض ومن فيهن
فلك الحمد وانت الحق ووعدك الحق وقولك الحق ولقاؤك حق
والجنة حق والنار حق اللهم لك اسلمت وبك امنت وعليك
توكلت وبك خاصمت واليك حاكمت يا رب يا رب يا رب اغفر لي
ما قدمت وما اخرت واعلنت انت الهي لا اله الا انت صل على محمد
وآل محمد واغفر لي وارحمني وتب علي انك انت التواب الرحيم

توضيح كه اين نماز از نمازهاى مشهور است وعامه وخاصه در كتب
خود روايت كرده اند وبعضى اين را از نمازهاى روز جمعه شمرده اند
واز روايت اختصاص معلوم نميشود وظاهر اين است كه در سائر ايام توان كرد

فصل چهارم در بيان نماز حضرت امير المؤمنين است ابن بابويه وجماعتى
از مشايخ ديگر از ان رضى الله عنهم بسندهاى صحيح وحسن معتبر بدينها
از حضرت صادق روايت كرده اند كه هر كه چهار ركعت نماز بگذارد

وبعد از هر ركعت بعد از سوره فاتحه يكبار سوره قل هو الله
احد چون فارغ شود يكبار ديگر بخواند وچون از نماز فارغ شود هفتاد مرتبه
بگويد سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر وهفتاد مرتبه
بگويد استغفر الله ربي واتوب اليه وهفتاد مرتبه بگويد اسئل الله
التوبة والمغفرة وهفتاد مرتبه بگويد اللهم صل على محمد وآل محمد
وهفتاد مرتبه بگويد يا حي يا قيوم لا اله الا انت برحمتك استغيث
اصلح لي شاني كله ولا تكلني الى نفسي طرفة عين ابدا وهفتاد مرتبه
بگويد لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم وهفتاد مرتبه بگويد
ما شاء الله لا قوة الا بالله وهفتاد مرتبه بگويد اعوذ بالله السميع
العليم من الشيطان الرجيم وهفتاد مرتبه بگويد حسبي الله لا اله الا
هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم وهفتاد مرتبه بگويد
اعوذ بكلمات الله التامات من شر ما خلق وذرأ وبرأ ومن شر ما ينزل
من السماء ومن شر ما يعرج فيها ومن شر ما ذرأ في الارض ومن شر ما
يخرج منها ومن شر فتن الليل والنهار ومن شر كل طارق الا طارقا
يطرق بخير يا رحمن وهفتاد مرتبه بگويد اسئلك بمعاقد العز من
عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك وباسمك الاعظم وكلماتك التامة
ان تصلي على محمد وآل محمد وان تفعل بي كذا وكذا وحاجتها
بگويد وهفتاد مرتبه بگويد اللهم اني اسئلك بمعاقد العز من عرشك
ومنتهى الرحمة من كتابك وباسمك الاعظم وكلماتك التامة ان تصلي
على محمد وآل محمد وان تفعل بي كذا وكذا وحاجتها بگويد وهفتاد
مرتبه بگويد اللهم اني اسئلك بمعاقد العز من عرشك ومنتهى الرحمة
من كتابك وباسمك الاعظم وكلماتك التامة ان تصلي على محمد وآل
محمد وان تفعل بي كذا وكذا وحاجتها بگويد وهفتاد مرتبه بگويد
اللهم اني اسئلك بمعاقد العز من عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك
وباسمك الاعظم وكلماتك التامة ان تصلي على محمد وآل محمد وان
تفعل بي كذا وكذا وحاجتها بگويد وهفتاد مرتبه بگويد اللهم اني
اسئلك بمعاقد العز من عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك وباسمك
الاعظم وكلماتك التامة ان تصلي على محمد وآل محمد وان تفعل بي
كذا وكذا وحاجتها بگويد وهفتاد مرتبه بگويد يا حي يا قيوم
برحمتك استغيث اصلح لي شاني كله ولا تكلني الى نفسي طرفة عين
ابدا وهفتاد مرتبه بگويد يا ذا الجلال والاكرام يا ارحم الراحمين
يا ارحم من استرحم يا اسمع من استمع يا اجود من سئل يا اكرم من
رجي يا من يعلم خائنة الاعين وما تخفي الصدور يا من يعلم ما في
البر والبحر يا من يعلم عدد ورق الاشجار وعدد الذر والخردل
يا من يعلم ما في الليل والنهار يا من يعلم ما في السماوات والارض
يا من يعلم ما في الجنة والنار يا من يعلم ما في الظلمات والنور
يا من يعلم ما في الشرق والغرب يا من يعلم ما في البحار والقفار
يا من يعلم ما في الجبال والاودية يا من يعلم ما في الثرى والهواء
يا من يعلم ما في الشمس والقمر يا من يعلم ما في الكواكب والافلاك
يا من يعلم ما في الرياح والسحاب يا من يعلم ما في الرعد والبرق
يا من يعلم ما في الثلج والبرد يا من يعلم ما في الحر والبرد
يا من يعلم ما في الصيف والشتاء يا من يعلم ما في الخريف والربيع
يا من يعلم ما في الليل والنهار يا من يعلم ما في الشهور والسنين
يا من يعلم ما في الدهر والزمان يا من يعلم ما في الساعات والاوقات
يا من يعلم ما في الدقائق والثواني يا من يعلم ما في الاجزاء والاجزاء
يا من يعلم ما في الاجزاء والاجزاء

بعلمك هذا كان كله فكيف أنك صانع بي وليت شعري كيف تقول

لي دعاني أقول نعم أم تقول لا فإن قلت لا فبا ويلي يا ويلي يا ويلي

يا عولي يا عولي يا عولي يا شقوتي يا شقوتي يا شقوتي يا ذلي يا ذلي

يا ذلي يا ذلي إلى من ومن أو عند من أو كيف وما نا أو إلى أين

مثواي أحجا ومن يجود علي بفضله حين تر فضني يا واسع المغفرة

وإن قلت نعم كما أظن بك والرجاء لك فطوبى لي أنا السعيد

وأنا المسعود فطوبى لي وأنا المرحوم يا مرحم يا منعطف يا

منجبر يا متمملك يا مقسط لا تعمل لي بمنع نجاح حاجتي أسئلك

بالمسمك الذي جعلته في مكنون غيبك واستقر عنك فلا

يخرج منك إلى شيء سواك اللهم به وبك وبك وبه فانه أجل

وأشرف أسمائك لا ينبغي لي غيرهذا ولا أحد أعود علي منك

يا كينون يا مكون يا من عز فمنع نفسه يا من أمر فأطاع أمره

لها بي عن معصيته ويا من دعوته فأجابني يا مطلوبا إليه ومحبا

وصيتك التي أوصيتني بها ولو اطلعك فيما أمرتني لكفيتني

ما قمت إليك فيه وأنا مع معصيتي لك راج فلا تحل بيني وبين

ما أرجوت يا مترحم لي أعذني من بين يدي ومن خلفي ومن فوقي

ومن تحتي ومن كل جهاتي الأحاطة لي اللهم بعلمك سيدي وبعلم

ولي وبالأئمة الراشدين عليهم السلام اجعل علينا رأفتك و

رحمتك وأوسع علينا من رزقك وأفض علينا الدين وجميع حوائجنا

يا الله يا الله يا الله إنك على كل شيء قدير يس حضرت فرمود كه هر

دعا را بخواند هيچ گناه ميان او وخدا نماند مگر انكه مغفرت زيده شود

فصل چهل در بيان فضيلت وكيفيت نماز حضرت فاطمه است سيد بن

طاوس قدس سره سند معتبر از حضرت صادق روايت كرده است

كه فرمود كه مادرم فاطمه دو ركعت نماز ميكرد كه جبرئيل تعليم او كرد

ودر ركعت اول بعد از سوره حمد صد مرتبه سوره قدر ودر ركعت

دوم صد مرتبه سوره توحيد ميخواند وچون سلام ميكفت اين دعا

ميخواند سبحان ذي العز الشامخ المنيف سبحان ذي الجلال الباذخ

العظيم سبحان ذي الملك الفاخر القديم سبحان من لبس البهجة

وَالْجَمَالِ سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّى بِالنُّورِ وَالْوَقَارِ سُبْحَانَ مَنْ يَرَى أَثَرَ النَّمْلِ
فِي الصَّفَا سُبْحَانَ مَنْ يَرَى وَقْعَ الطَّيْرِ فِي الْهَوَاءِ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ
هٰكَذَا وَلَا هٰكَذَا غَيْرُهُ وَسَيِّدُ گفته است كه در رواياتِ ديگر وارد
شده است كه بعد از هر نماز تسبيح مشهور حضرت فاطمه را اگر بعد
از هر نماز خواند شود به خواند و بعد از آن صد مرتبه صلوات بر محمد
و آلِ محمد بفرستد و شيخ رحمه الله در مصباح اين نماز را مرسل ذكر
كرده است و گفته است كه چون سلام بگويى تسبيح حضرت فاطمه را به
خوان و اميد غفران به خوان يعنى دعائى كه پيش مذكور شد پس گفته
است كه سزاوار است براى كسى كه اين نماز را بكند و از اين دعا فارغ
شود زانوها و ذراعها بخود را برهنه كند و بسجده رود و جميع مساجدِ
سبعه را بر خاك برساند كه در جامه و در ميان مانع نباشد و دعا كند و
حاجات خود را از خدا بطلبد و در سجده اميد غايه خواند يا مَنْ لَا يَعْلَمُ
غَيْرُهُ رَبُّ يَدْعُونِي يَا مَنْ لَيْسَ فَوْقَهُ مَوْلًى يُخْشَى يَا مَنْ لَيْسَ دُونَهُ مَلْجَأٌ
يُتَّقَى يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ وَزِيرٌ يُرْشَى يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ حَاجِبٌ يُرْشِي يَا مَنْ لَيْسَ
لَهُ بَوَّابٌ يُغْشِي يَا مَنْ لَا يَزْدَادُ عَلَى كَثْرَةِ السُّؤَالِ إِلَّا كَرَمًا وَجُودًا وَعَلَى
كَثْرَةِ الذُّنُوبِ إِلَّا عَفْوًا وَصَفْحًا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي كَذَا
وَكَذَا پس بجاى وافعل بى كذا و كذا حاجتها بخود را بايد كرد

فصل پنجم

در بيان فضيلت و كيفيت و احكام نماز حضرت جعفر طيار است و اين نماز
از جمله منوافل است و عامه و خاصه بسندهاى معتبر روايت
كرده است و مخالفان اين نماز را مستحب ميدانند مگر نادرى از ايشان
امّا اكثر ايشان باعتبار عداوت باطنى كه با اميرالمؤمنين و اولاد او
حضرت دارند اين نماز را بعينه از هم پيغمبر صلى الله عليه و آله دانند
و بعد از نوافل شبانه روزى نماز بر مجموع صحت سنند و كثرت ثواب
باين نماز نميرسد و بسند معتبر از حضرت امام رضا منقول است كه جعفر طيار برادر حضرت امير المؤمنين از هجرت حبشه مراجعت نمود
در روزى كه آمد كه فتح خيبر بدست امير المؤمنين شده بود حضرت رسول
بعد از مسافت يك پير و تاب باستقبال او شتافت چون جعفر نظرش
بر جمال عديم المثال آن حضرت افتاد از مشتاقانه بجانب آن حضرت شتافت
و حضرت او را در بر گرفت و دست در گردن او در آورد و سر او را بوسيد
گفت پس ناقه غضبا سوار شد و جعفر را در ركاب خود ساخت و چون
بر او افتاد حضرت فرمود كه اى جعفر ترا چه چيز داده ميخواهى بخششى بزرگى
كنم نسبت بتو ميخواهى ترا بركريم مردم گمان كرده اند كه ما از جزيل از عطا
خيبر با و عطا خواهد كرد جعفر گفت بدرم و مادرم فداى تو باد پس حضرت
نماز تسبيح را باو تعليم نمود حضرت صادق فرمود كه صفت اين نماز آنست كه
چهار ركعت است بدو سلام و در ركعت اول بعد از حمد سوره را زلزال
ميخواند و در ركعت دويم سوره والعاديات و در ركعت سيم سوره اذا
جاء نصر الله و در ركعت چهارم سوره قل هو الله و در هر ركعت بعد
از فراغ از قرائت پانزده مرتبه بگويد سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا
اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ و در ركوع همين تسبيحها را ده مرتبه ميگويد و چون سر
از ركوع برميدارد ده مرتبه و در سجده اول ده مرتبه و بعد از سر
برداشتن ده مرتبه و در سجده دويم ده مرتبه و بعد از سر برداشتن پيش
از آنكه برخيزد ده مرتبه و در هر چهار ركعت مجموع سيصد مرتبه
ميشود و هزار و دويست مرتبه تسبيح بوده باشد و بروايت معتبره ديگر
حضرت رسول فرمود كه اگر هر روز يكبار هفتاد است از براى تو از دنيا و آخرت
در از هست و اگر هر روز يك بار يكبار كتابها بى كه در ميان دو نماز كرده
آمرزيده شود و اگر در هر جمعه يكبار و هر ماهى يك مرتبه يا در سال
يكمرتبه يكبار هم كتابهايى كه در ميان دو نماز كرده آمرزيده شود و بروايت
معتبر ديگر اگر بقدر ركعت در رياها و در يك بيابان بر تو گذاه باشد خدا

یا مرزد و آکر آرحبک کرنجنه یا شی کرید زین کنا هان آیت خدا تو ایشا
یا مرزد و بروایت دیکر آکر تو ابی هرمزد بکن و آکر تو ابی هفتصد بار
و آکر تو ابی ماهی بکیار و آکر تو ابی سالی بکیار و آکر تو ابی در
خود بکیار بکن یا خدا کناهان کبیره و صغیره و نازه و کهنه و عمد و خطا
تو ایشا مرزد کما یغفر یهما مستجب کلیتی است معتبر از حضرت صادق
روایت کرده است که در سجده اخر نماز جعفر چون از تسبیحها فارغ شوی
بکو سبحان من لبس العز و الوقار سبحان من تعطف بالمجد و تکرم به
سبحان من لا ینبغی التسبیح الا له سبحان من احصی کل شیء علمه
سبحان ذی المن و النعم سبحان ذی القدرة و الاکرام پس حضرت فرمود که ای مفضل هرکاه تو را حاجت
ضروری بوده باشد نماز جعفر را بکن و این دعا بخوان و حوائج

الیدین یا رحمة یا نفاحا یا لجرات یا مطلق المکروبات یا فکاک الرقاب
من النار صل علی محمد وآل محمد وفک رقبتی من النار واعطنی بؤبؤ
واستجب دعائی وارحم صرخی وتضرعی واقض بما خوائجی کلها
لدنیای واخرتی ودنیای ما ذکرت منها وما لم اذکر واجعلنی فی ذلک
الیوم مرموقا لا ترومنی خاسئا خاسرا واقلبنی مفلحا منجحا مستجابا لی
دعائی مغفورا لی مرحوما یا ارحم الراحمین یا محمد یا ابا القاسم یا رسول
الله یا امیر المؤمنین انا عبدک کما ومولاک کما غیر مستنکف ولا مستکبر
بل خاضع ذلیل عبد فقیر منهمک بجهلک معتصم من ذنوبی بو
بوتک لا بکما اتقرب الی الله تعالی بکما واتوسل الی الله بکما واقدم بکما
بین یدی حوائجی الی الله جل وعز فاشفعا لی فی فکاک رقبتی من
النار وغفران ذنوبی والراحة فی دعائی اللهم صل علی محمد وآله
وتقبل دعائی واغفر لی یا ارحم الراحمین اما احکام زیارت در چند مقصد
ایراد مینمایم مقصد اول بدانکه مشهور میان علما وأقوی آنست که نماز
جعفر را بجای نوافل شبانه روزی میتوان کرد در هر وقتی وهمچنین
به نیت قضای نوافل میتوان کرد واحادیث براین مضامین وارد
شده است وبعضی تجویز کرده اند که نماز فریضه را ادا وقضا
بکیفیت نماز جعفر بکند وخالی از قوتی نیست واحوط ترک است
مقصد دوم وارد شده واکثر علما گفته اند که کسی که بعجز دچار شده
باشد میتواند نماز جعفر را بدون تسبیحات بجا آورد ولیکن تسبیحات را در رکوع
بخواند مقصد حدیث صحیحی وارد شده است که در دو رکعت نماز جعفر را
بکند واورا امر ضروری زود هد میتواند بی ان کار در رکوع دو رکعت
دیگر را در وقت دیگر بکند واگر بدون عذر چنین بکند وهمه را
باهم بکند بهتر است مقصد چهارم روایت معتبری از حضرت قائم وارد شده
است که کسی که تسبیحات نماز جعفر را در موضعی فراموش کند

هر وقت بخواطر ش آمد بخواند واز علما اکثری متعرض این حکم نشده
است واگر باین روایت عمل کند ظاهر اید مباشد بجز خلاف نیست
در تعیین سوره ها که مستحب است که در این نماز خوانده شود وشهرت
انست که در رکعت اول اذا زلزلت ودر رکعت دوم والعادیات ودر
رکعت سیم اذا جاء نصر الله ودر رکعت چهارم قل هو الله احد میخوانند وابن
بابویه وید رش در رکعت اول والعادیات ودر دوم اذا زلزلت
گفته اند ودر روایتی در اول اذا زلزلت ودر دوم والعادیات ودر سیم
اذا جاء نصر الله ودر چهارم توحید وارد شده است ودر روایت صحیحی وارد
شده است که در هر رکعت قل یا ایها الکافرون وقل هو الله احد وردا
بخوانند ودر روایتی وارد شده است هر سوره که خواهد بخواند
وابن بابویه گفته است که همه را باسوره توحید میتوان کرد وظاهرا
همه خوب است اگرچه اول وسیم افضل است مشهور انست
که تسبیحات بعد از پنجاه ودوم در رکعت اول وسیم از انشیه میخوانند
وبعضی گفته اند بعد از بر خواستن برکعت دیگر پیش از قراءت بجا
خوانند وعمل بمشهور اولی است بعضی گفته اند که چهار رکعت را
بیک سلام منکنند ومشهور واقوی آنست دو سلام چنانکه گذشت
مشهور میان علما آنست که تسبیحات این نماز که پیش از رکوع
خوانند بعد از قراءت باید خواند وابن بابویه موافق بعضی از روایات
قبل شده است که پیش از قراءت بخوانند یا بعد از قراءت
وعمل بمشهور اقوی واولی است مقصد در بیان فضائل واعمال
روز نوروز است بدانکه در میان علما در تعیین روز نوروز خلاف
است بعضی گفته اند دهم ایار است از ماههای رومی وبعضی
گفته اند نهم شباط است ومشهور انست که اول انتقال شمس است
به برج حمل چنانچه در این آزمنه معمول است واین مطلب را در کتاب

بحار الأنوار ربط عظیمی داده ام و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد
و بگمان فقیر همین نوروز که در آن منه مشهور است اقرب است بصواب
و أضبط است در حسبانها اگر بنای اعمال این روز بر این نکنند ظاهر آید بیست
المسألة الرابعة اعمال این روز بسیار است معتبره از آن مقبلی بن خلیس کرا از خواص
أصحاب حضرت صادق بوده است منقول است که گفت در روز نوروز
بخدمت حضرت امام جعفر صادق رفتم فرمود که ای مفضل هیچ از
روز را که تو امروز نام نهاده ای میدانی که چه روز است گفتم نه
یا مولای من فرمود این روز شریف است که بعضی از انبیا تعظیم کنند و در آن
روز تحفها و هدیها برای یکدیگر میفرستند حضرت فرمود سوگند
یاد میکنم بحق خانه کعبه که در آن مکرم معظم است که این تعظیم کردن مکرر برای
امر فلان نبی که تعبیر میکنم ترا برای تو نیاورده تفهیم ترا که تو هم ای سید و
آقای من که از انسان این را بیرون نیست تو نزد من از آنکه
مرد رکان من زنده شوند و دشمنان من بمیرند حضرت فرمود که ای
مفضل روز نوروز روزیست که حق تعالی در این روز پیمان گرفت
بندگانرا از ارواح ایشان در روز الست که او را یکتا بپرستند
و برای او شریکی قرار ندهند و در بندگی و پرستیدن هیچ چیز را
شریک او نکردانند و ایمان بیاورند به پیغمبران و رسولان و حجتها
او بر خلق و امامان و پیشوایان دین و ائمه معصومین و این اول
روزیست که در آن آفتاب طلوع کرده است و بادهای ایشان کننده
درختان و زنده است و کالها و شکوفهای زمین از این روز شروع
و در این روز کشتی حضرت نوح در کوه جودی قرار گرفته است
و این روزی است که حق تعالی در این روز حیات بخشید چندین
هزار کس را که از مرگ گریختند یعنی از طاعون و بیکبارگی خدا آنها
همه را میراند پس بعد از مدتها که آسخوان شده بودند
پیغمبری از پیغمبران خدا برایشان آسخوانها گذشت و آن پروردگار

خود سوال کرد با و بنماید چگونه این آسخوانهای پوسیده را زنده
زنده میگرداند پس حق تعالی وحی فرستاد بسوی او که اب بیوز سر
بر آسخوانهای ایشان در کنار هم بخوردگر هستند پس چنین کرد همه
بقدرت الهی زنده شدند و این اول سال فرس عجم است و بایزید
سنت شد که در این روز اب بوی گل بگیرند و غسل کنند و حق تعالی
فرا میخواند اشاره باین قصه نموده است در آنجا که فرموده است الم
تر الی الذین خرجوا من دیارهم وهم الوف حذر الموت فقال لهم الله
موتوا ثم أحیاهم و مفسران گفته اند که ان پیغمبر حضرت حزقیل بود
و حضرت فرمود که ایشان سی هزار کس بودند و فرمود که در این روز
بر حضرت رسول خدا بوحی نازل شد یعنی بوی روز موافق روز مبعث بود
که بیست و هفتم ماه رجب است و فرمود که این روزیست که حضرت
بتهای کعبه را در مکه شکست و حضرت ابراهیم بدین روز
بتهای کافران را شکست و اول اشاره است بانکه سنی و شیعه روایت
کرده اند بطریق بسیار که شبی حضرت رسالت حضرت امیر المومنین
با خود بمسجد آورد و حضرت امیر را امر کرد که بر دوش او بجهد
بالا رفت و بتهای کافران را بزیر آورد و شکست پس مراد اینست که در
این روز بوده و فرمود که در این روز حضرت رسول امر کرد اصحاب خود را
که بیعت کنند با امیر المومنین و اقرار کنند که او نایب و امام ایشان است
یعنی روز عید غدیر این روز بوده و یا این روز که سر کرده های صحابه را
بردند و بر او سلام کنند و بگویند السلام علیک یا امیر المومنین این
روز بوده و فرمود که در این روز حضرت رسول حضرت امیر المومنین
فرستاد بوادی جنیان که از آنجا بیعت از برای او بگیرند و فرمود
که در این روز حق خلافت امیر المومنین برگشت و باز دیگر بعد از کشته
شدن عثمان باو بیعت کردند و در این روز حضرت امیر المومنین از حیا

هر روز از جنگ کردن با ایشان طفر یافت و دو الثدیه که سر کرده ایشان
بود کشت و در این روز قائم آل محمد صلوات الله علیه ظاهر خواهد شد
و در این روز تا مامان دیگر بدنیا رجعت خواهند کرد و در این روز قائم
ما ظفر خواهد یافت و در کناسه که محله ایست از محلات شر کوفه او را
بردار خواهند کشید و در هیچ روز نوروزی نیست مگر انکه ما انتظار
فرج میکشیم زیرا که ان از روزهای ما و روزهای شیعیان ما است
ان روز را بعجمان حفظ کردند و حرمت ان را رعایت کردند و شما عزیز ان را
ضایع کردید پس حضرت فرمود تعمل کن چون روز نوروز شود غسل
بکن و پاکیزه ترین جامهای خود را بپوش و به بهترین بوها بخوش خود را
خوش بو کردان و در ان روز روزه بدار و چون از نماز پیشین و پسین
و نافلهای انها فارغ شوی چهار رکعت نماز بکذار یعنی هر دو رکعت
بیک سلام و در رکعت اول بعد از حمد ده مرتبه سوره انا انزلناه
خوان و در رکعت دوم ده مرتبه سوره قل یا ایها الکافرون و در رکعت
سیم بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد و در رکعت چهارم
ده مرتبه سوره قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس بخوان و بعد
از نماز بسجده شکر بروکه این عمل عظیم است اللهم صل علی محمد و آل محمد الاوصیاء
المرضیین و علی جمیع انبیائک و رسلک بافضل صلواتک و بارک
علیهم بافضل برکاتک و صل علی ارواحهم و اجسادهم اللهم
بارک علی محمد و آل محمد و بارک لنا فی توفیقنا هذا الذی فضلتنه و کرمته
و شرفته و عظمت خطره اللهم بارک لی فیما انعمت به علی
حتی لا اشکر احدا غیرک و وسع علی فی رزقی یا ذا الجلال و الاکرام
اللهم ما غاب عنی فلا یغیبن عنی عونک و حفظک و ما تفقدت من
شیء فلا تفقدنی عونک علیه و حتی لا اتکلف ما لا احتاج الیه
یا ذا الجلال و الاکرام چون چنین کنی کفایت بخواه شاء تو ان

و بسیار بگو یا ذا الجلال و الاکرام و در غیر کتب مشهوره روایت
کرده اند که وقت تحویل ایشان غازا بنیاد بخوانند و بعضی سجده
و شصت و شش مرتبه گفته اند یا مقلب القلوب و الابصار یا مدبر
اللیل و النهار یا محول الحول و الاحوال حول حالنا الی احسن الحال
و ایضا تجربی روایت کرده اند که ایشان غازا بنزدیک روز نوروز بعد
ایام سال بخوانند اللهم هذه سنة جدیدة و انت ملک قدیر
اسئلک خیرها و خیر ما فیها و اعوذ بک من شرها و من شر ما فیها
و اسئلک صحتها و سلامتها یا ذا الجلال و الاکرام و اکرمه متبوع دعا
بعینه اما دعای اول را خواندن هر چند نماز شکرده شود چون سنت
معتبر تا روز هفتم از شش فصل بعد از اعمال ماه فارسی روی است سید جلیل
علی بن طاوس رضی الله عنه روایت کرده است که روزی جمعی از صحابه
نشسته بودند حضرت رسالت پناه داخل شد و بر ایشان سلام کرد
و ایشان جواب سلام گفتند حضرت فرمود میخواهید تعلیم نماز
شما را دعائی که جبرئیل مرا تعلیم نموده کرد محتاج بدوای اطبا نبود
باشم پس حضرت امیر المومنین و سلمان فارسی رض و دیگران سوال
نمودند که ان دعا چیست حضرت رسول صلعم حضرت امیر المومنین علیه السلام را
نمود و فرمود که در ماه نیسان روی بمحراب نازان میکنی و سوره فاتحة
الکتاب و آیة الکرسی و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل
اعوذ برب الناس و قل یا ایها الکافرون هر یکی را هفتاد مرتبه می
خوانی و هفتاد مرتبه الله اکبر و هفتاد مرتبه لا اله الا الله میخوانی
و هفتاد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد میفرستی و هفت روز تا مدة
و پس از ان تمنا شاهی بحق ان خداوندی که مرا بر استی بر خلق تو
فرستاده و مبعوث کرده انیده است موکد یاد منیکنم که جبرئیل گفت
که حق تعالی بر ده از رکنی که این ابوابیا شاهر دیدار که در رسد شش

وعافیت بخشد او را و پیرون کند دردها را از بدن او و استخوانها
او را و اگر در لوح دردی از برای او مقدر شده باشد محو نماید و بجوی
پروردگاری که مرا بجوی فرستاده و اگر فرزند نداشته باشد و فرزند خوشخو
باب بنیسانوا باین نیت بیاشامد او را فرزندی رشید روزی گردد و اگر دون
عقیم باشد و فرزند نیاورد و از تراب باین نیت بیاشامد فرزند از وجود
آید و اگر مرد و زن پسر خواهند یا دختر و از تراب بیاشامند مقصود
ایشان بعمل بوجود آید چنانچه حقتعالی میفرماید یهب لمن یشاء اناثا
ویهب لمن یشاء الذکور او یزوجهم ذکرانا و اناثا و یجعل من یشاء عقیما
یعنی حق تعالی می بخشد هر که را خواهد دختران و هر که را خواهد پسران
یا خنثی میکرداند برای ایشان پسران و دختران یعنی هر دو را با ایشان
عطا میکند و هر که را خواهد عقیم و بی فرزند میکرداند پس حضرت فرمود
که اگر کسی درد سر داشته باشد و از این تراب بیاشامد صداع او ساکن
گردد بقدرت الهی و اگر درد چشم داشته باشد و در چشمها بخورد طرف
از این تراب به چکاند و بیاشامد درد چشمها بخود را با بن تراب نشوید باذن
خدا شفا یابد و اشامیدن این تراب بن دندان را محکم گرداند و دهان را
خوش بو گرداند و لعاب بن دندان را کم کند و بلغم را کم کند و مخه و امعاء
بسبب خوردن طعام و اشامیدن این تراب تمام نوشانند و اورامهای مزمن
و غیر ان مثل آن نکرده و درد دیش و درد دشکم تمام نوشاند و در معده
و کرم معده را زایل گرداند و از زکام ازار نکشد و درد دندان تمام نوشاند
و محتاج بحجامت نگردد و از مرض بواسیر و خارش بدن و دردهای
وخوره و پیسی و درغاف و فی نجات یابد و کور و لال و زمین گیر نشود و اب
سیاه بر دیده آش جاری نشود و دردی که موجب افطار روزه و نقصان
نماز او باشد او را عارض نگردد و از وسوسه های جنیان و شیاطین
متاذی نگردد پس حضرت رسالت پناه فرمود که جبرئیل گفت که هر که

از این اب بیاشامد و جمیع در مردم باشد مبتلا باشد موجب شفا او
جمیع امها گردد پس جبرئیل گفت بحق خداوندی که تو را براستی فرستاده
هر که را بن دندانها را بخواند حق تعالی دلیشر را مملو گرداند از نور
و روشنی و الهام خود را بر دل او وارد سازد و حکمت بر زبان او جاری
گرداند و بر کند دل او را از فهم و بینائی و باو بخشد از کرامتها
چه بایجدی از عالمیان عطا نکرده باشد و هزار مغفرت و رحمت کرده
و غش و خیانت و غیبت و حسد و بغی و کبر و بخل و مرض و غضب را از دل
او برطرف کرداند و از غداوت و دشمنی مردم و بدگوئی ایشان نجات یابد و
شفاء جمیع امراض او گردد تمت روایت کرد این روایت مشهور بعبد الله
لیکن عمر منهال میشود و باین سبب سندش ضعیف است و غیر بخط
شیخ شهید رحمه الله دیدم که این روایت را از امام جعفر صادق
روایت کرده بود با همین خواص و سودها اما آیات و آذکار را با این
روش ذکر کرده است که بر اب باران نیسان بخوان فاتحة الکتاب و آیة
الکرسی و قل یا ایها الکافرون و سبح اسم ربک الاعلی و قل اعوذ برب
الفلق و قل اعوذ برب الناس هر یکرا هفتاد مرتبه میگوئی و هفتاد
مرتبه لا اله الا الله و هفتاد مرتبه الله اکبر و هفتاد مرتبه اللهم صل علی محمد و
آل محمد و هفتاد مرتبه سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و دو
خواص ان مذکور است که اگر در زمان باشد و از ان اب بیاشامد از
حبس نجات یابد و سردردی بر طبع او غالب نگردد و اگر ان خواص که مذکور
شد در این روایت غیر مذکور است و اب باران مطلقا مبارک است و منفعت
دارد خواه در نیسان باشد و خواه در غیر ان چنانکه در حدیث معتبر از
حضرت امیر المؤمنین منقول است که بیاشامید اب باران را که پاک کننده
بدن شما است و دردها را دفع میکند چنانچه حقتعالی میفرماید
و ینزل علیکم من السماء ماء لیطهرکم به و یذهب عنکم رجز الشیطان

وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ يعنى ميفرمايند كه حق تعالى بر
شما آبى فرو فرستاد تا بدان شما را پاك گرداند و بيرد از شما وسوسهٔ شيطان را
و دلهاى شما را محكم گرداند و ثابت گرداند بدان قدمهاى شما را و در عمل
بنيشابور است كه اگر جمعى خواهند هر يك مجموع ان سورها و اذكار را
همه را در نوبتى بخوانند و از براى انها كه ميخوانند فايده آشكار عظيم فرو
تر از ين كه بشرا است و در ين سالها بعد از بيست و سه روز كه از نوروز
بگذرد نقرسيها داخل نيسان ماه رومى ميشوند و ماه نيسان سى و شش
است و از حضرت صادق منقول است كه در هفتم حزيران البته حجامت
بكن و اگر ميسر نشود در چهاردهم بكن و اول حزيران نقرسيها هشت ساعت
نوروز است و ان نيز سى روز است و حزيران شانزده است چنانچه در
معتبر منقول است كه در خدمت حضرت صادق ماه حزيران مذكور شد
حضرت فرمودند كه ان ماهيست كه حضرت موسى بنى اسرائيل نفرين كرد
و در يكشب و يكروز شصت هزار كس ايشان مردند و از بسيار معتبر
از ان حضرت منقول است كه حق تعالى اجلها را در ماه حزيران نزديك ميگرداند
يعنى موت در ان بسيار ميشود و بدانكه ماههاى رومى بنا بر ين ترتيب
حركت افتاب است و عدد انها دوازده است باين ترتيب تشرين الاول
تشرين الاخر كانون الاول كانون الاخر شباط از او نيسان ايار حزيران
تموز اب ايلول و سه ماه را سى ميگيرند كه انها تشرين الاخر و نيسان
و حزيران و ايلولند و هفت ديگر را غير شباط سى و يكميگيرند و شباط
را در سه سال متوالى بيست و هشت و در سال چهارم كبيسه ايشان است بيست و نه ميگيرند و سال ايشان سيصد و شصت
پنج روز و ربعى است و تشرين الاول كه اول سال ايشان است در ين
سالها موافق نوزده درجه ميزان است و فضيلتى در كتاب نجار
الانوار مذكور است و چون اين ماهها را در احاديث مذكور شده

مجملى در اينجا ايراد نمود ميباشد در بيان احكام اموات است و در
پنج فصل است فصل اول در اداب و احكام حال احتضار و بر داشتن
ميت است بايد كه چون در بيمار اثار موت ظاهر شود متوجه احوال خود
گردد و از گناهان توبه كند و عازم گردد كه اگر زنده بماند مرتكب
معصيت الهى نگردد پس وصيت كند و حقوق خدا و خلق را انچه بر ذمهٔ
او باشد ادا كند و بد نگيران نگذارد پس بعد ثلث مال خود وصيت
كند كه بخويشان پرشان و فقراء و مساكين و سادات بر وجوه بر صرف
نمايند پس ابراء ذمت از براى مؤمن طلبكار و هر كرا عيبت كرده باشد
و اذيتى رسانيده باشد اگر حاضر باشد از ايشان التماس نمايد كه او را
عفو كنند و اگر غايب باشد از حاضران التماس نمايد كه از او عفو
كنند و از براى ايشان استعفا نمايد پس امور اطفال و عيال
خود را بعد از توكل بجناب اقدس الهى با امينى بگذارد و وصيتى در باب
صغير خود بعين نمايد پس كفن خود را حاضر سازد و شهادتين و اقرار
بائمهٔ عليهم السلام و ادعيه كه وارد شده است كه ملقن است كه كفن
نوشته شود بهتر ها يد كه بتربت حضرت امام حسين عليه السلام بوده باشد اگر بيشتر كفن
را مهيا نكرده باشد اما مؤمن را سنت است كه كفن پوشيده ما الوده باشد
چنانچه از حضرت صادق منقول است كه هر كه كفنش ناپاك باشد در خانهٔ
او را از غافلان نويسند و هر گاه كه نظر شان بر ان كفن افتد بر اى او خنده
نوشته شود و بايد كه در ان وقت اميد وار رحمت حق تعالى باشد و
شفاعت رسول خدا و ائمهٔ هدى صلوات الله عليهم بوده باشد و
بسيار معتبر از حضرت رسالت پناه منقول است كه هر كه در وقت مرگ
وصيت بنيكو نكند ملامت كنى عقل و نقص و مروت و مردى او رست
همه گويند يا رسول الله چگونه وصيت كند فرمود كه چون وقت مرگ
او بشود و مردم نزد او جمع شوند بگويد اللهم فاطر السموات والارض

عالم الغيب والشهادة الرحمن الرحيم إني أعهد إليك إني أشهد أن لا
إله إلا أنت وحدك لا شريك لك وأن محمدا صلى الله عليه وآله عبدك
ورسولك وأن الساعة آتية لا ريب فيها وأنك تبعث من في القبور
وأن الحساب حق وأن الجنة حق وما وعد الله فيها من النعيم من
المآكل والمشارب والمناكح حق وأن النار حق وأن الإيمان حق وأن الدين كما وصفت
وأن الإسلام كما شرعت وأن القول كما قلت وأن القرآن كما أنزلت
وأنك أنت الله الحق المبين وأني أعهد إليك في دار الدنيا إني رضيت
بك ربا وبالإسلام دينا وبمحمد صلى الله عليه وآله نبيا وبعلي إماما
وبالقرآن كتابا وأن أهل بيت نبيك عليه وعليهم السلام أئمتي اللهم
أنت ثقتي عند شدتي ورجائي عند كربتي وعدتي في عند الأمور التي
تنزل بي وأنت ولي نعمتي وإلهي وإله آبائي صل على محمد وآل محمد
ولا تكلني إلى نفسي طرفة عين أبدا وأوس في قبري وحشتي و
اجعل لي عندك عهدا يوم ألقاك منشورا فأمر حضرت رسول فرمود
كه اين عهد و پيمان ميت است با خدا در روزي كه بي خواهد كه وصيت
كند و وصيت لازم و واجب است و صحيفه اعتقاد از اجناخه در كتاب
حلية المتقين ذكر كرده ام درست كند و بهر بزرگان و گواهان برساند
تا در ميان اهل او بگذارند و چون اثار احتضار بر او ظاهر شود اينها را
مكرر بخوانند اللهم اغفر لي الكثير من معصيتك وأقبل مني اليسير
من طاعتك نا جان كندن بر او اسان گردد و بايد كه اولا دو خويشان و
برادران او را انها تلقين كنند و نزد او قران و دعا بخوانند و سوره يس
و الصافات بخوانند و اخفا بوحدانيت خدا و صفات كمالية الهي
و رسالت حضرت رسالت پناهي و امامت ائمه بنص جلي و اعتقاد
معاد و بهشت و دوزخ و سوال قبر و ما بر اعتقاد ان حق را مكرر تلقين
او كنند كه بگويد و بياد او ورند و اگر نتواند خواند نزد او بخوانند و

عدیله را نزد او به خوانند و اگر عربی نداند مضامینش را بر او القا
كه در این وقت شیطان بر او سخت تنابد و او را از دین برگرداند و باید
كه كلمه طیبه لا إله إلا الله بیابد بگوید و مكرر تلقین او كنند زیرا
كه در حدیث معتبر وارد است كه هر كه سخن آخر او لا إله إلا الله باشد
داخل بهشت شود و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر مروی است
كه تلقین كنید مردگان خود را لا إله إلا الله بدرستی كه كافها نزادهم
میشكند و مؤمنین مؤمن است در حال حیات و نزد مردن و نزد مبعوث
گردیدن و هر كه در هنگام مردن این كلمه طیبه را بگوید داخل بهشت
گردد و احوط از است كه در این حال پای او را بجانب قبله بكرداند تا
ملائكه رحمت رو باو اورند و در این وقت حائض و جنب نزد او نیایند تا
كه ملائكه از ایشان نفرت میكنند و اگر تغییر از ایشان كبیر باشد
جایز است كه برای پرستاری نزد او اید و چون نزدیك شود كه جانش
بگرود اید و در احادیث معتبره وارد شده است كه آسان كردن بر او
دشوار شود او را ببوند بجائی كه همیشه نماز میكرده است یا بجایا باشد
بروی جانمازی كه در آن نماز میكرده است و زیرا كه اكرامید شفاء
هست شفا می یابد و الا حائش باسانی بر می اید و از حضرت امام رضا
منقول است كه زنها را در حال احتضار دست بر او مكذارند و اگر دست
و پایش كك دهد مانعش مشوند چنانچه جاهلان میكنند و نزد او
قران بخوانند و یاد خدا بكنند و صلوات بر رسول و ال او بفرستند
دیكر منقول است كه فرزندی از حضرت صادق در احتضار بود و اما
محمد باقر در كنار خانه نشسته بود و هر كه نزد او میرفت منع میكرد
و میفرمود كه دست بر او مكذارید كه او را در این حال در نهایت
ناتوانی است و هر كه دست بر او میكذارد چنان است كه او را كشته
است و در حدیث صحیح از حضرت باقر منقول است كه هر كاه كسی از شیعه

جان کندن بیابید کلمات فرجرا تلقین او کنید کلمات لا اله
الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم سبحان الله رب
السموات السبع ورب الارضین السبع وما فیهن وما بینهن ورب
العرش العظیم والحمد لله رب العالمین و در حدیث دیگر منقولست که
چون این کلمات را تلقین کنی منکر و نکیر حضرت امیر المؤمنین منکر مودة
کردند بر تو باک بر تو نیست و حضرت رسول این کلمات را تلقین بنحصی کرد
و چون او خواند حضرت فرمود که الحمد لله که خدا او را از آتش جهنم نجات داد
و از حضرت صادق منقولست که هیچ کس نیست مگر آنکه شیطان در روی
مردن جمعی از شیاطین را موکل میکرداند بر او که او را از راه بدر آرند از دین
خود یا جانش مفارقت کند و اگر مؤمن کامل باشد نمیتوانند بر او دست
یافت پس در این حال تلقین او بکنید کلمات فرج و شهادت بوحدانیت خدا
و اقرار به حضرت رسالت و ائمه طاهرین علیهم السلام خصوصی تا آن سخن
کفتن باز ماند و ایضا سنتست که برای اسانی جان کندن اینها را
تلقین او کنند یا من یقبل الیسیر و یعفوا عن الکثیر اقبل منی الیسیر
واعف عن الکثیر انک انت الغفور الرحیم و بروایت دیگر انک انت
العفو الغفور و چون روح او مفارقت کند سنتست که دهانش را
برهم کذارند و بیاندازند و چشمها نیز را بهم آورند و
نیز را بر هلوها نیز را بکشند و او را بجادر نیز یا جامه پوشانند
و فرزندان نرکه او بخواهند و دوستان نزدیک مکروه نیست در جمع شدن مؤمنان
اگر اشتباهی در موت او نباشد و اگر مشتبه باشد تا یقین نشود مکروه
برند آرند و از حضرت صادق منقولست که سزاوار آنست که برای دوازده
مؤمن را اجیر کنند بعد از مردن او تا جنازه او حاضر کردند و بر او نماز کنند
و آمرزش او استغفار کنند و میت و ایشان همه ثواب ببرند و در حدیث
حسن از حضرت صادق منقولست که چون مؤمن را نبر منکر آرند

او را ابتدا میکند که ان عطائی کفرا و ادیم هیبت آنست و آول عطائی
کرفاریم الهام را کر جنازه تو امده انداز امروش کناهانست و در حدیث
دیکر فرمود که اول تحفه که مومن میدهند در قبر آنست که می آمرزد
هر کسرا که همراه جنازه او بوده آنست و در حدیث دیکر فرمود که هر که
همراهی جنازه مؤمنی بکند تا او را دفن کنند حق تعالی در کفایت
هفتاد ملک باو بکمارد تا همراهی او کنند و استغفار برای او بکنند
از قبر تا موضع حساب و فرمود که هر که یکطرف جنازه را بکیرد هیچ
کناه کبیره از او امرزیده شود و اکر چهار طرف را بکیرد از کناهان بیرون
اید و تاکید کرده جنازه را چهار رکن بردارند و بهتر آن است کنی کرفتن
جنازه کند که اول دست راست را کر جانب جنازه آنست بدوش
راست بردارد پس پای راست میت را بدوش راست بردارد پس
از پشت جنازه برود و پای چپ میت را بدوش چپ بردارد پس دست
چپ میت را کر جانب راست جنازه است بدوش چپ بردارد و چون
خواهد که بازند بکیرد تربیع کند از پیش جنازه نرود بلکه از جانب چپ
جنازه بیرکردد و باز بهمان روش تربیع بجا اورد و اکثر علما بر عکس
کفته اند که اول ابتدا بدست راست جنازه میکنند پس پای راست
پس پای چپ پس بدست چپ و اول موافق حدیث معتبر اولی است
و اکر هر دو را بعمل اورد بهتر است و افضل انست که عقب جنازه یا
پهلوها راه رود و دور و پیش جنازه نرود و ظاهر اکثر احادیث ازانست
که اکر جنازه مؤمن باشد پیش از راه رفتن خوب
است و در جنازه خلاف مذهب خوب نیست زیرا که ملائکه او را
بعذاب میکنند و با جنازه تواضع و وقار مکروه است و از حضرت
رسول منقولست که هر که جنازه را به بیند و آمین عاجز اند الله اکبر
هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله اللهم زدنا ایمانا

وَدَلیلُنا الحَمدُ لِلّٰهِ الَّذی یُعَزِّزُ بِالقُدرَةِ وَقَهَرَ العِبادَ بِالمَوتِ هیچ
ملکی در اینمیان نماند مگر انکه از برای او کریه کنند از برای ترحم
بر او و از حضرت صادق منقولست که در حال برداشتن جنازه اینرا
به خوانند بِسمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغفِر لِلمُؤمِنینَ
وَالمُؤمِناتِ و منقولست که حضرت امام زین العابدین هرگاه جنازه
میدید اَلحَمدُ لِلّٰهِ الَّذی لَم یَجعَلنی مِنَ السَّوادِ المُحرَّمِ و زنان التشییع
جنازه سنت نیست و بعضی گفته اند که جنازه را باید بردن مکروه
است و مجمره بردن با جنازه و کراهت دارد و دور روز چراغ بردن خوب
نیست و اسراف است و در شب خوب است و مکروه است کسی تا که
بر جنازه حاضر شود خندیدن و حرف باطل زدن فصل سوم در غسل
دادن میت است بدانکه احکام میت از غسل دادن و کفن کردن و نماز
کردن و دفن کردن و احکام پیش همه واجب کفائی است یعنی بر همه
واجب است و اگر یکی بکند از همه ساقط میشود و اگر همه ترک کنند
همه معاقب میشوند و مشهور میان علما انست که ولایت اینمعنی کهلو
بوارث دارد و بی رخصت او دیگری متوجه او نمیتواند شد و مرد
ورثه او لایقتر از زنان و شوهر اولی است از دیگران و احوط انست
که بی ضرورت خود غسل بکند و غسل و نماز و سایر احکام میت
واجب است بر ای میت شیعه اثنی عشری و در سنی و سایر فرق
مخالفان اختلاف است و ظاهر اواجب باشد مگر در وقت تقیه و
شهید بی که در جهاد با امام زمان کشته باشد و در معرکه مرد کفار
او را غسل نمیدهند و کفن نمیکنند و نماز نمیکنند و او را با جامهای که
پوشیده است دفن میکنند و بعضی گفته اند که در همه جا حق آنست
که شود چنین است و خالی از قوتی نیست و مشهور میان اصحاب آنست
که هرگاه از میت عضوی یافت شود که در آن استخوان باشد میشویند

وَکفن میکنند و دفن میکنند و بعضی سه کفن را در این حال واجب
دانسته اند اگر نصفی باشد کفن دران باشد کفن را هم میتوان کرد
و احوط انست که اگر شبنه را نتوانند بیابند چنین کنند و اگر جمیع
استخوانهای میت را نیابند و عضوی که فی استخوان باشد مشهور آنست
که در آنجه می پیچند و دفن میکنند و بعضی آنرا واجب ندانسته
و بجه که از شکم ساقط شود هرگاه چهار ماه از بودنش باشد غسل
میدهند و کفن و دفن میکنند و بر او نماز نمیکنند و بعضی گفته اند که
لبنه خامه کفن میکنند و حنوط میکنند و هرگاه چهار ماه نباشد
مشهور آنست که در آنچه می پیچند و دفن میکنند و در ثوب کهنه
پیچیدن طفل مذکور نیست و بعضی تمام شدن خلقت را اعتبار کرده
در غسل و کفن به چهار ماه و این احوط است و اگر محقق استحبابی دارد
از زنده بریده باشد احوط انست که غسل و کفن و دفن کنند اگرچه
اظهر عدم وجوب است و اگر طفل در شکم مادر مرده باشد و مادر زنده
باشد اگر تواند در نشست پیرون آورد والا نباید مداوا کند و بیرون
آورند و اگر مادر بمیرد و طفل زنده باشد شکم مادر را میشکافند تا
جانب چپ و طفل را بیرون می آورند و هر انست که شکمش را بدوزند
و واجب است که مرد را مرد غسل دهد و زن را زن غسل دهد الا در
چند موضع اول زن و شوهر هر یک دیگر را میتوانند غسل میتوانند داد
و احوط انست که از زیر جامه غسل دهند و نظر بعورت نکنند و احوط آن
است که بدون ضرورت غسل ندهند خصوصا مرد زن اجنبی را جایز است
که اقا کنیز خود را غسل دهد و هرگاه زن کنیزی در عده کنیزی بوده باشد
و در غسل دادن کنیز اقا را خلاف است سیم جایز است که مرد اجنبیه
سه ساله را غسل دهد بر هنه و زن اجنبیه پسر سه ساله را بر هنه
و در بعضی پنج ساله را بجوز کرده اند چهار ماه هرگاه بمرد فوت شود

ومرد نباشد که او را غسل دهد زن محرم او را غسل میتواند داد
اگر بر جامه او همچنین است هر گاه زن فوت شده باشد و ظاهر آن است که
اختیار دیگر محارم یکدیگر را غسل میتوانند داد و اما احوط آنست که
تا ممکن باشد زن را زن و مرد را مرد غسل دهد و اما کیفیت غسل چنان
است که پیش از غسل کفن را مهیا کنند و اول کفن و بعد از آن سر تا پیر
و بعد از آن پیراهن را بر تن کنند و نصف بالای پیراهن را بر کرده دارند
و لنگ را و بعد از آن زان پس را بخود پیچند پس متوجه غسل شوند
و اگر میسر باشد که میت را از غسل دادن بر روی تختی یا تخته بخوابانند
بهتر است و مستحب است که در وقت غسل دادن پای میت بسوی قبله
باشد بطریق خلاف اخضار و بعضی واجب دانسته اند و در سایر احوال
تا بدین چنین باشد مگر در حال تمام و حال دفن و باید زخمها پیش را بکنند
و اگر خواهند با پیراهن غسل دهند و اگر خواهند لنگ به بندند و پیراهن را
بکنند و بر هر تقدیر واجب است در وقت غسل دادن عورتین میت را
پوشانند و مشهور آنست که واجب است ازاله نجاست از بدن میت بکنند
و سنت است که برای حرمت میت پیراهن را از طرف پا بیرون کنند و اگر لنگ
باشد باید زن وارث دستکا نکند و سنت است که در روز سقفی با خیمه غسل
دهند که بر او سایمان نباشد و سنت است که دو تغار باشد غسل دهنده
که بکی آب بر روی دیگری بگذارند میت را و مستحب است که آنکسان
میت را بعد از اتمام غسل نرم کنند و اگر دشوار باشد و خوف شکستن باشد دست
بر ندارند و واجب است که میت را سه غسل بدهند اول با آب سدر و بعد
از آن با آب کافور و بعد از آن با آب خالص و سنت است که اول دستهای
میت را تا نصف ذراع بشویند سپس بر بعضی از زوایا پس عورتین میت را
بشویند و احوط آنست که چون خواهند عورتین را بشویند لنگه بر دست
بندند که دستش بعورت نرسد و اگر بدست چپ بشویند بهتر است و

وسنت است که اول عورت میت را بکف سدر و اشنان نه تر
بشویند و آب بسیار بر تو دهند تا خوب پاک شود پس دست بر بالای شکمش
بگذارند و بهموارى تا پائین کشند که اگر فضله باشد بیرون آید و اگر چیزی
بیرون آید باز محرم را بشویند و اگر زن حامله باشد و خوف افتادن فرزند
باشد دست بر شکم نکشند و علما گفته اند که سنت است که سر و ریش
میت را پیش از غسل بکف سدر بشویند پس سنت است که دستهای
خود را تا مرفق بشویند یعنی انگه که دست بر میت میگذارد پس وضو دهد
میت را بدون وضوی زندگان یا ب خالص و بعضی واجب دانسته اند
و نیت کند که وضو میدهم این میت را قربة الی الله پس روی دستها
های او را مسح کنند پس ابتدا کنند بغسل و احوط آنست که آب زنده
و اگر نشد که از دو کس نباشد هر دو نیت بکنند و بهتر آنست که نیت
هر سه را اول بکنند و از برای غسل کافور و فراخ نیز نیت جدا بکنند
پس اول نیت بکنند که این میت را غسل میدهم با آب سدر و کافور و فراخ
از جهت آنکه واجب است او را از برای رضای خدا یا قربة الی الله پس سر
میت را با سدر بشویند و احوط آنست که اول بجانب راست سر ابتدا
کنند و آب بزنند و بعد از آن بجانب چپ و سنت است که هر جانب را سه
مرتبه بشویند پس میت را بر پهلوی چپ بخوابانند و جانب راست را بشویند
و سنت است که سه مرتبه بشویند و هر بشوئی را که میزنند قطع نکنند
تا بنا بر شک و اگر آنکه میت را میگردانند در هنگام آب ریختن دست بر پشت
و شکم بمالند اگر بهموارى که آب خوب برسد بهتر است و دست میت را از
پهلو بحدا کنند تا آب بزیر آن برسد و چنان کنند که آب بزیر لنگ و عورت
و زان و سایر اعضا خوب برسد پس سایر میت را بگردانند و بر پهلوی
راست بخوابانند و پهلوئی چپ را بهمان طریق که مذکور شد سه مرتبه
و در آب سدر سستی کافیست و مشهور آنست که حدی ندارد و بعضی

گفته اند که باید هفت برگ سدر باشد و بعضی یک برگ و طل و بعضی یک
وطل و نیم گفته اند که نزدیک به بیست و پنج درم وزن دارد و بوده باشد
و گوئیا این زیادتیها برای شستن فرج و سایر اعضای پیش از غسل بوده
باشد و احوط آنست که در آب غسل اینقدر اورا داخل نکنند که مضاف
شود و آبش نگویند و در بعضی روایات در شستن هر نجاستی که
سر نیزه وارد شده است و شاید بدن نباشد اگرچه خلاف مشهور است
پس میت را بر گیرند میخوابانند و ظرفها را بشویند که اثر سدر را نداشته
طرف شود و اندك کافور را نرم کنند و داخل آب میکنند و غسل
دهنده دستها میخود را نامرئی میشوئد و بهتر آنست که دست میت
یا نزدیک نصف ذراع سه مرتبه باب کافور بشویند و فرجش را بترسله هم
بشویند همان نحو که زنده یا دست چپ به بعد و دست بر شکم میت
بکشد همواری و بهتر آنست که در وقتی که دست بر شکم میکشد سر
میت را بلند کند که فضلات از اطراف بیرون نرود پس احیانا آب
ریزنده و کرداننده هر بار نیت کنند که این میت را غسل میدهم باب کافور
از برای انکه واجبست از برای رضای خدا پس سر را بشویند و سنت است
که سه مرتبه بشویند و در هر مرتبه ابتدا بجانب راست سر بکند و
گرداننده بهمواری دستی مالد پس جانب راست را سه مرتبه
و جانب چپ را سه مرتبه بنحوی که در غسل سدر مذکور شد بشوید
و ظرفها را خوب بشویند که اثری از سدر و کافور در آنها نماند و
سر و ریش را بکیر از برای آب قراح مهیا کنند بهتر است و احوط که آب
غسل قرار اخیر از حوضی که آب سدر و کافور در آن ریخته شده است
برندارد و گوا از آبی بردارد که اینها مطلقا در آن داخل نشده باشد پس
دستهای میت را تا نصف ذراع سه مرتبه بشویند آب قراح و فرج
میت را نیز سه مرتبه بشویند و اگر در این وقت نیز میت را وضو دهد البته

بهتر باشد پس احتیاطا نیت کند که غسل میدهم این میت را اباب قراح
بجهت انکه واجبست قربة الی الله پس سر را سه مرتبه و جانب راست را
سه مرتبه و جانب چپ را سه مرتبه بشوید که یکمرتبه واجبست و دو
مرتبه سنت و بهتر آنست که در اثنای وضو دادن آب ریحان همدان را بر بدن
بکشد و بعد از میت و پیش از این غسل و در اثنای این غسل یک بر شکم
میت نمیکشد و چون از این هر یک غسل فارغ شود اگر خوف خروج
داشته باشد قدری از پنبه در دبر او داخل کند و همچنین در دهان و
بینی او قدری داخل کند و اگر خوف بیرون آمدن خون و نجاستی نبوده باشد
پس سنت آنست که بدن او را با حوله خشک کند و بعد از آن او را بر روی
جامه ها یا کفن بگذارد و سنت است که هر یک که میت را از جائی بجائی
گردانند اینرا بخوانند اللهم ان هذا بدن عبدك المؤمن و هذا خرج
روحه منه و فرقت بینهما فعفوك عفوك و اگر زن باشد بگویند اللهم
ان هذه امتك المؤمنة و اگر زوجها بگویند بهتر است و دستها را خوب غسل
مکرر بگویند برب عفوك عفوك تا خدا او را بیامرزد و سنت است که هر
از عیوب میت بر او ظاهر شود بکسی نقل نکند تا خدا تعالی گناهان او را بپوشاند
چنانکه از مادر متولد شده و مستحب آنست که غسل دهنده از جانب
راست باستد و گوالی در برابر قبله بکند و تخت سر اشیب باشد
که آب غسل در آن گودال رود و مکروه است که آب غسل را بجائی بریزند
که در آن بول و غائط کنند و اگر نجاله باشد که کفاف خانه را در آن
بریزند ضرور ندارد و مکروه است که میت را اباب گرم غسل دادن مکرر
ضرورت و مکروه است که میت را در میان پاها بخود بگیرد و ایضا
مکروه است که تا خر میت را بگیرد یا موی او را بگیرد یا شانه بکند و
بگیرد تا خر و موی را یا موئی در اثنای غسل جدا شود باید که در میان کفن
کفن او کرده یا میت دفن کند حتی منقول است که در نجاتی از حضرت صادق علیه السلام

بحضرت باصادف اذا داده و فرمود که با من دفن کن در فلوجه و اگر سد رو
کافور هم نرسد یک مرتبه باب فراخ دهد و احوط انست که سه مرتبه
غسل دهد و اگر پیش از دفن هیچ نرسد احوط انست که مرتبه دیگر او را
سه غسل دهد و اگر آب تمام نرسد یا میت را غسل نتوانند داد که خوف
آن باشد که بدن میت از هم بپاشد تیمم بدهند او را و ظاهر آنست که تیمم کافی
کافی است و سه تیمم احوط است و بهتر آنست که تیمم را چنین بدهند
که نیت چنین کنند که تیمم میکنم که تیمم میدهم این میت را بدل از
غسلهای سدر و کافور و فراخ از جهت آنکه واجب است از برای زنده
خلاء و تیمم دیگر را قصد کند که تیمم میدهم این میت را بدل از غسل کافور
احیاءً طاعة لله تعالی و همچنین فراخ او و چون نیت کنند دست خود را
بر خاک زنند بر پیشانی میت کشند و دیگر بر پشت دست راست میت
و بعد از آن بر پشت دست چپ و اگر بدو ضرب تیمم بدهند یکی برای رو
و یکی برای دستها و اگر میت محرم باشد او را غسل کافور ندهند و حنوط
نکنند و افصل سبع در کفن کردن میت است و واجب است که میت را شش کفن
کنند و اکثر علما گفته اند که اول الفضل است که از ثلاث تا بعضی از سبع
را به پوشند و بعضی گفته اند که سنت است که سینه را پوشند و تا
پاها برسند و دو هم پیراهن و ستم سر تا سری که جمیع بدن را به پوشد
و بعضی از علما گفته اند که پیراهن و دو سر تا سری و حبره است
که بجای پیراهن یک سر تا سر بدیگر بکنند که مجموع سر تا سری باشد
و این قول اقوی است و اما خرقه معتبره بر این دلالت ندارد و احوط آنست
که تا اینها لنگ نیز بکنند و با ضرورت یک سر تا سری کافی است و نباید که کفن
جریر محض نباشد و احوط آنست که کفن زنان نیز حریر محض نباشد و نیکوتر
آنست که کفن آن پوشت نباشد و بهتر آنست که از کتان و موتیز نباشد
و مستحب است که از جنبه سفید باشد و سنت است که سر تا سری لالا

از جمله دو سر تا سری حبره باشد و ان جامه بوده که آنرا یمن می آورند
و الحال معلوم نیست و دور نیست که اگر نجاری ان قطن سفید بکنند
و بدن باشد و علما گفته اند که سنت است که اول جانب چپ لفافه را
بر جانب راست میت اندازند و بعد از ان جانب راست لفافه را بر جانب
چپ میت و بهتر آنست که چنین کنند اگرچه مستند کش بنظر نرسیده و
و سنت است که خرقه طول که عرضش یک شبر و نیم و طولش اقلا سه
ذرع نیم باشد بدو ذراع دست زیاد کنند برای ان هیچ برای انکه سر او را
نشکافند و بر کمر میت نبندند و پنبه نشیاورند بر دو فرج میت بگذارند
و اگر زن باشد پنبه بیشتر بگذارند و اگر بپنبه فدری کافور بپاشند
شاید بد نباشد و سر دیگر خرقه را از میان پا بدر آورده و از بر سینه
بر کمرش شبیه اندر بیرون آورند و محکم نکشند که فرج شود و پنبه که
گذاشته اند فرا گیرد و پاها را بهم آورند و دو پاها را با یکدیگر بانی
سخت به بندند و به بیچند تا زانوها و بهر جا که منفرج شود سر شلوار دو
انچه بیچیده اند فرو برند و سنت است که عمامه برای مرد زیاد کنند
گیرند و دو سر ش بگردانند و موافق مشهور از بر زنخ بگردانند و
سرهای عمامه را از هر دو طرف بیرون آورند و بر سینه میت بیندازند
چپ را بجانب راست و راست را بجانب چپ و بدل از عمامه مرد آورند
زن مقنعه زیاد کنند و پارچه بر سینه زن بیندازند که پستانهای او را
بپوشد و به پیش کرده زنند و مکروه است که کفن از کتان باشد یا پیراهن
کرباس تازه کنند اگر میت را شسته باشند اما اگر میت را در پیراهن خود شان کفن
کنند در کار نیست بردن ان است یا ان نیست و با ان نیست اما تکمها و بندها
نشکافند و سنت است که میت را کفن کنند در پیراهنی که در ان نماز
میکرده است و اگر در پیراهن بعضی از علما و صلحا را نیز کفن کنند شاید
و مستحب است در در جامه که در ان احرام بسته است که در حج یا عمره کفن

کنند و مستحب است که کفن خوش نماش و صاحب قیمت باشد چنانچه
در احادیث وارد شده است که نیکو کنید کفنهای مردگان خود را که
زینت ایشانست و با ان کفنها محشور میشوند در قیامت و سنت است
که در قیمت کفن مضایقه و مبالغه نکنند و کفن از مال بیشمار حلال
بی شبهه باشد و سنت است موافق مشهور که ترکه کفن کفنها دین و افراد
با ئمه نبویسند و دعا بجوشن و غیران در بعضی روایات وارد شده
است و سنت است که بتربت حضرت امام حسین بنویسند و علما گفته اند
که سنت است که کفنرا از دینهائی که از ان بپرون اورده اند بدزدند
و باب دهان ترکنند و سنت است که در وقتی که غسل دهند وضو
دهند که میت را کفن کنند دستها تیمم را تا دوش یا تا مرفق بشویند و
بعد از ان شروع کنند در کفن کردن و واجب است حنوط را کردن بر
با نکه بر کفت موضع سجده یعنی پیشانی و کف دستها و زانوها و سر
همین پاها کافور بنا لند اگر چه اندکی و بهتر انست که سر پنی را بنویسند
و بر سینه اش بنویسند و اگر کفن را بین کردن و بندهائی با و بندهای
دست و مرفقها و زیر بغلها و بیخ رانها و بندانکشتان و سایر بندها
بنا لند احوط است و بهتر انست که کافور حنوط کافور خام جودانه
باشد و مقدارش بقیه یک اشرفی باشد که چهار دانک نیم مثقال
است و بهتر از این انست که سه مثقال باشد و بهتر از این انست که
بیست و سه درم و ثلثی بوده باشد موافق حنوط حضرت رسول صلی الله
علیه و آله که نقریبا هفت مثقال صیرفی بوده باشد و بهتر انست
که کافور غسل از سر مقدارها باشد و سنت موکد است که دو جریده
تازه با میت بگذارند و در اخبار بسیار وارد شده است که تا ان چوبها
تر است میت را عذاب نمیکنند و بهتر انست که چوب درخت خرما
بوده باشد و اگر یافت نشود چوب سدر و اگر یافت نشود چوب درخت

سیند و اگر یافت نشود چوب درخت انار و اگر هم نیست هر چوب تری خوب
است و باید تر باشد و تازه از درخت بریده باشد و چوب خشک و همچنین
از درخت خرما بی اما کهنه تر نخله بریده تر باشد فایده تر میکند و باید که
هر یک بقدر یک شبر بوده باشد یا یک زراع دست و بعضی گفته اند
بقدر زراع نجار که یک شبر بیشتر است و ظاهرا همه خوبست و بعضی
گفته اند که همه بر نخله بر الهایه بچسبند تا از طول بدنشان بیشتر بر نماند و یک
ذراع نجاری راست بگذارند و سرش را بچپ کرده بر کفن گذارند و ما بقی را بگذارند
تا زیر دو دیگر را از جانب چپ و میان بپراهن و سر تا سینه بگذارند
و سر انرا نیز بگذارند بچپ کردن و بعضی گفته اند که سنت است که
بر جریده بین شهادتین بنویسند بتربت شهید و اگر تقیه باشد و جریده
نتوان در کفن گذاشت در میان قبر بگذارند و اگر بعد از پر کردن بر
خاطر بیاید در بیتا قبر کمر و برود و بدانکه کفن واجب میت از اصل مال
اوست مقدم بر دین و وصیت و میراث و اگر چیزی نداشته باشد
رختهای انرا تطهیر کنند و تا الها کفن کنند و اگر ان نباشد بر همه
دفن کنند و بعضی گفته اند که از زکوة واجب کفن میتوان کرد و خلاف
از قوی نیست و سنت موکد است که مثل ان اورا کفن کنند چنانچه
در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر مرقوم است که هر که کفن کند
مومنی را چنانست که ضامن جامه او باشد تا روز قیامت و هر که بکند
از برای مومنی قبری چنانست که او را در خانه موانع نیکوئی جا داده
است تا روز قیامت و کفن کردن بر شوهر واجبست هر چند زن مالدار
باشد و همچنین کفن بنده بر صاحبش واجب است و اگر از بدن میت
نجاستی بپرون اید بدن او را بشویند و اگر کفن آلوده شده باشد تا قبر
نگذاشته اند انرا میشویند و اگر بقبر بریده باشند مشهور انست که ان
موضع را مقراض میکنند و کفنرا از نیگ بر میکنند تا بدن میت

پوشیده شود و بعضی گفته اند اگر آن ممکن باشد کفن دو اندازه
فبرا بانکه طشت و آفتابه بیاورند بشویند بهتر است خصوصا هرگاه بدن
میت نجس شده باشد و تطهیر آن لازم باشد و کفن را باین عنوان بشویند
و این احوط است و جمعی گفته اند مکروه است کفن را با هن بریدن
و گفته آند از مشایخ چنین شنیده ایم و در حال کفن کردن نیز سنت
است کفن را پیش بجانب قبله باشد و کسی که در غیر جماعت با امام کشته
شده باشد جراحتهای بدنش را میشویند و غسل میدهند و اگر جراحت
باشد دو مرتبه غسل سر را میشویند و آخر بدن را و بعضی گفته اند اگر
خون بند نشود کل رمث میتوزند تا بند شود و از حضرت صادق ع
منقول است که در حکم چنین کسی که اول خونزا میشوید و آب بران میریزد
در غسل دوم دست بر بدنش نمیمالد و سر جراحتهایش میبندد و کافور میکارند
و محکم می بندند و همچنین اگر کفن بر بدنه باشد و جدا نشده باشد
کافور میپاشند در موضع جراحت و بدنه بران میگذارند و بخرقه می
بندند که خون بیرون نیاید و اگر سر از بدن جدا باشد در غسل اول
سر را میشویند و بعد از ان بدن را و بدنه بر بالا نگردن میگذارند و بعد
از ان سر را بر گردن میگذارند و در میان کفن می بپیچند و در هنگام
دفن سر را با بدن میپیوندند و در لحد میگذارند و رویش را بجانب قبله
میگردانند فصل بعد از نماز میت است و این نماز واجب است بر همه
مسلمانان که علم بفوت شخصی هم نرسانند و اگر یکی از ایشان بجا اورد
از دیگران ساقط میشود و واجب است نماز بر هر شیعه اثنی عشری
که بالغ باشد بی خلاف و آشهر و اقوی انست که طفل که شش سالش تمام
باشد واجب است و ظاهر اینست که هر چند از شش سال کمتر باشد
سالم زا اگر زنده متولد شده باشد یعنی سقط نداشته اند و بعضی
بر بعث و احوط نماز نلزوست و جایز نیست نماز کردن بر نگها و خوارج

و ناصبیان که عداوت اهل بیت داشتند و غالیان که ائمه را خدا
دانند و ایکویند خدا در ایشان حلول کرده است و بر مردند و الحاد که خدا
جسم میدانند و بر غیر ایشان از مخالفان خلاف است و ظاهر اینست
میان انکه نماز نکنند یا بکنند و جحدا نکنند یکویند و در تکبیرهای نماز نفرین
و لعنت کنند بر او و در موضع نفیه ترک نباید کرد و سزاوار ترین مردم
بنماز بر میت وارث اوست نسبا بر مشهور و بعضی گفته اند کسی که
ایشان نماز جماعت نمیتوان کرد و با نفرار میتوان کرد و احوط انست که
تا توان از ایشان رخصت کرفتن و بی رخصت نکنند و شوهر از همه خویشان اولی است نسبت بزن و مردان اولا نیند از زنان و اولاد اکر خود
قابلیت پیشنمازی نداشته باشد هر کرا اعتماد داشته باشد و منفرد
از دو جایز است که زن پیشنمازی زنان بکند و با مامومان در یک صف
بایستد و مرد باید که پیش بایستد اکرچه مامموم یکنفر باشد و اکر زنان
با مردان جمع شوند زنان در عقب مردان بایستند و اکر زن حایضی باشد
سنت است که در صف جدائی بایستد و واجب است نماز کذارنده و
بقبله بایستد و سر جنازه بجانب راست او باشد اکر امام باشد و اکر مامو
در کار نیست و احوط در منفرد انست که از سر جنازه بیرون نباشد
و اجبت که میت را بر گشت بخوانند و در زن نماز و طهارت از حدث
شرط نیست وجنب و حایض وضو و غسل میتوانند این نماز را بکنند و احوط
انست که شرایط شروط نماز یومیه را در این نماز رعایت کنند از پوشانیدن
عورت و بخن بودن جامه و بدن و جریر بودن جامه و غیر اینها اکر
چه اظهر انست که هیچ نیک در کار نیست مکر چیزی چند که حرام باشد
و از آله اتها منافی افعال باشد مانند طلا و حریر برای مردان و نجاست
عینیه و باید که تا وضو باشد که سنت است و اکر با بهم نرسد یا ما بعض
داشته یا وقت تنک باشد سنت است که تیمم کند و ظاهر اینست

کردن بدون عدد نیز تیمم مستحب است و میباید که در جنازه نسیان نباشد مکرر نکند در وقت نماز جماعت باشد و صفها در میان نباشد
نماز بر میت نمیتوان کرد تا او را غسل و کفن نکنند اگر ممکن باشد و اگر کفن
نداشته باشد او را بقیر کذارند و عورتش را بپوشانند و تیمم کنند
و سنت است که پیش نماز بر ابر میان مرد بایستد و سینه زن بابر
مشهور آنست که هفت تکبیر بکند و اگر موزه در پا داشته باشد در آن
نیست کند و اگر با برهنه باشد بهتر است و واجب است که نیت کند
و چنین کند که نماز بر این میت حاضر میکنم از برای انکه واجب است
قربة الی الله و پنج تکبیر بکوید و سنت است که در تکبیر دستها را بردارد و در
تکبیرهای دیکر بعضی در غیر تکبیر اول سنت نمیدانند دست بر دارند
را و اول آنهاست و در وجوب دعا در میان تکبیرها خلاف است و
احوط وجوبست و ظاهر از مقصود دعائی که مجزی باشد و مشهود آنست که
بعد از تکبیر اول بکوید اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول
الله صلی الله علیه و آله و بعد از دوم بکوید اللهم صل علی محمد و آل محمد و بعد
بعد از سوم بکوید اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات و بعد از چهارم بکوید اللهم اغفر لهذا
المیت و بعد از پنجم بکوید و فارغ میشود و موافق مشهور طهارت آنست که چنین کند
که بعد از پنج بکوید الله اکبر اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک
له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله ارسله بالحق بشیرا و نذیرا بین یدی
الساعة بعد از پنج بکوید الله اکبر اللهم صل علی محمد و آل محمد و بارک علی محمد
و آل محمد و ارحم محمدا و آل محمد کما صلیت و بارکت و ترحمت و
علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید و صل علی جمیع الانبیاء و المرسلین
بعد از شش بکوید الله اکبر اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات
الاحیاء منهم و الاموات تابع بیننا و بینهم بالخیرات انک مجیب الدعوات
انک علی کل شیء قدیر بعد از هفت بکوید الله اکبر اللهم ان هذا عبدک و ابن عبدک

و ابن امتک نزل بک و انت خیر منزول به اللهم انا لا نعلم منه الا
خیرا و انت اعلم به منا اللهم ان کان محسنا فزد فی احسانه و ان کان
مسیئا فتجاوز عنه و اغفر له اللهم اجعله عندک فی اعلا علیین
و اخلف علی اهله فی الغابرین و ارحمه برحمتک یا ارحم الراحمین
بعد از نهم بکوید الله اکبر و فارغ میشود و اگر زن باشد بکوید اللهم انها امتک
و ابنة عبدک و ابنة امتک نزلت بک و انت خیر منزول به اللهم انا
لا نعلم منها الا خیرا و انت اعلم بها منا اللهم ان کانت محسنة فزد
فی احسانها و ان کانت مسیئة فتجاوز عنها و اغفرها اللهم اجعلها
عندک فی اعلا علیین و اخلف علی اهلها فی الغابرین و ارحمها برحمتک
یا ارحم الراحمین و اگر بعد از هر سه تکبیر اینها خوانده شود بهتر است اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله
اللهم صل علی محمد و آل محمد و اغفر للمؤمنین و المؤمنات اللهم ان هذا
المیت کان یشهد ان لا اله الا انت و ان محمدا عبدک و رسولک و انت اعلم
به منا اللهم ان کان محسنا فزد فی احسانه و ان کان مسیئا فتجاوز عنه
و اغفر له اللهم لا تحرمنا اجره و لا تفتنا بعده و اغفر لنا و له
و اگر زن باشد بکوید اللهم انها امتک و ابنة عبدک و قد فضت روحها الیک و قد احتاجت
الی رحمتک و انت غنی عن عذابها اللهم انا لا نعلم من ظاهرها الا خیرا
و انت اعلم بسریرتها اللهم ان کانت محسنة فزد فی احسانها و ان کانت
مسیئة فتجاوز عن سیئاتها بکبر موالات جمع بین الاحادیث شریفه است و اگر بعد
از هر تکبیر اینها خوانده شود بهتر است اشهد ان لا اله الا الله وحده
لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله اللهم صل علی محمد
و آل محمد و علی ائمة الهدا و اغفر لنا و لاخواننا الذین سبقونا
بالایمان و لا تجعل فی قلوبنا غلا للذین امنوا ربنا انک رؤف رحیم

اللهم اغفر لاحيائنا واموتانا من المؤمنين والمؤمنات والف
قلوبنا على قلوب اخيارنا واهدنا لما اختلف فيه من الحق بإذنك
انك تهدي من تشاء الى صراط مستقيم اللهم اعبدك وابن عبديك
وابن امتيك انت اعلم به افقر الى رحمتك واستغنيت عنه اللهم ففجاوز
عن سيئاته وزد في حسناته واغفر له وارحمه وتوله في قبره
فيه عمله واحجبه بنبيه صلى الله عليه وآله ولا تحرمنا اجره ولا
تفتنا بعده اگر زن باشد بجای اول دعا میخواند هذا الى صراط مستقيم اللهم امتك
ابنة عبدك ابنة امتيك انت اعلم بها افقر الى رحمتك واستغنيت عنها
اللهم ففجاوز عن سيئاتها وزد في حسناتها واغفر لها وارحمها وتوله
لها في قبرها ولقنها حجتها واحجبها بنبيها صلى الله عليه وآله ولا تحرمنا
اجرها ولا تفتنا بعدها ودر وا بني وارد شده واست كه بعد ازه زيع
از نماز بگويد ربنا اتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب
النار واگر پسر نبي وخلاف مذهب نماز كند ضرورت بعد از تكبير خامس
تكبير بعد از هر تكبير بر او لعنت ونفرين كند وهذا لك كه چنين بگويد
اللهم اخزه في عبادك وبلادك اللهم اصله حر نارك اللهم اذقه اشد
عذابك فانه كان يوالي اعدائك ويعادي اوليائك ويبغض اهل بيت
نبيك صلى الله عليه وآله واگر ميت مستضعف باشد وضعيف العقل
باشد وتميز ميان مذاهب نكند وباين سبب نبي باشد يا مخالف خواشد
وعناد با شيعيان نداشته باشد دعا اغفا باهل بيت داشته باشد وبا
دشمنان ايشان بد نباشد در نماز بر او بگويد اللهم اغفر للذين تابوا
واتبعوا سبيلك وقهم عذاب الجحيم واگر مذهب ميت معلوم نباشد
بگويد اللهم ان هذه النفس انت اجبتها وانت اماتها اللهم ولها
ما توليت واحشرها مع من احببت واگر ميت طفل نابالغ باشد بگويد اللهم
اجعله لابويه ولنا سلفا وفرطا واجرا ومشهورتر همين است كه دعا

سه تكبير اول را مي خواند نحو يكه گذشت وبايد دعا را بعد از تكبير چهارم
بخواند وبرسبي اگر نماز كند تكبير پنجم را نميگويد وسنت است كه در جنازه
خود بايستد تا جنازه را بگذارند خصوصا پيش نماز ودر نماز جنازه را دوست
ميدارند كه بگذارد ومسجد نكند هذا راست وبر يك جنازه دو مرتبه نماز
كردن خلاف است در جوازان ودور نيست كه اگر كسي نماز نكرده باشد
توان كرد وكسي كه در اثنا بنماز برسد بقيه وجوب ملحق ميشود ودعا
كه خوش باد خواند ميخواند وچون پيشنماز فارغ شود بقيه را باد عاها
مخصوصه خواند اگر چه جنازه را برداشته باشند واگر دور شود يا برگردد تكبير
پنجم بي دعا بگويد واگر ميت را بي نماز دفن كرده باشند احوط انست
كه بر قبر او نماز كنند هر چند مدتي گذشته باشد وهمه وقت نماز
جنازه را ميتوان كرد مكر انكه وقت حاضره تنگ شود كه حاضره را فوت
دارد مكر انكه فوت نماز جنازه بوده باشد يا خوف ضايع شدن ميت
فصل پنجم در آداب دفن ميت است وآداب بعد از ان سنت است كه
با ميت را نگذارند نشينند وواجب است كفايت دفن كردن ميت وهمه
واجب انست كه ميت را در كوي پنهان كنند بحيثيتي كه بوي بد او از مردم
مستور گردد وجسد او از درندگان ايمن باشد وخوانيدن او بر تخت
راست رو بقبله واجب است بقول مشهور وبعضي مستحب دانسته
ومستحب است كندن قبر بقدر قامتي يا تا چپر كردن وسنت است كند
قبر از طرف قبله ومستحب است كه لحد فراخ باشد كه كسي در ان توانه
نشست واگر زمين سست باشد ولحد نتوانند كند بعضي گفته اند كه تابوت
لحد لبنا زند واگر نتوان قبر را شق كنند يا تكه از ميان قبر بكنند وجسد
ميت فرو برند انقدر كه توان نشست ودو طرف داشته باشد كه
خيشت بر دوي ان توان گذاشت كه خاك بر ميت ريخته نشود واحوط
انست كه دو طاقه سر را بعرض تابوت وحنوط وكفن او في نگذارند وشخصي كه

در زیا مرده باشد اگر ممکن باشد به خشتی برسانند والا در کفانند خشم
گذارند و سر شرا به بندند و در لحد زیا اندازند اگر ممکن باشد والا او را
سنگین کنند و رو بقبله بایستانند و چون جنازه بنزدیک قبر رسد
سنت است که او را نزدیای قبر بگذارند اگر مرد باشد و اگر زن باشد
و اگر زن باشد برابر قبله قبر بگذارند و مشهور آنست که زمانی میگذارند
و سه مرتبه او را نقل میکنند و در مرتبه چهارم او را بقبر میسپارند و
آنچه در روایات معتبره وارد شده آنست که چون میت را نزدیک قبر
رسانی او را بیاکاه نزدیک قبر میبرند و کاه را برابر او سنگین میکنی و پایین تر از قبر
بگذارند و راع یا سه ذراع بگذارند و سپس صبر کنند تا هیئت خود را بگیرد بر لحد
سوال قبر زیرا که قبر را هولهای عظیم هست و دعا کنند که خدا پناه دهد او را
از اهوال قبر و سنت است که سر میت را پیش کنند و از پیش پای قبر شروع
بقبر برند و بعضی از علما گفته اند که زنرا از پیش محمله میگذارند و بعضی
بقبر میبرند و شرا شیب نمیکنند چنانکه در بعضی از روایات وارد شده
است و سنت است که شخصی که میت را بقبر میگذارد گره بندهای ازار
بگشاید و بالاپوش و ردا را بیندازد و سر و پا پیش برهنه باشد و جابر آن
بگذارد که کفن بروید یا زیاده خواه مطابق و خواه مخالف و اکثر علما گفته اند که
مکروه است که اگر میت مرد باشد خویش او او را بقبر برند و آنچه از
احادیث ظاهر میشود آنست که پدر را مکروه است که دفن قبر فرزند خود
شود و فرزند و سایر اقارب را کی نیست و اگر میت زن بوده باشد
احوط آنست که محرم او را بقبر ببرد و اگر محرم نباشد زن صالحه او را
ببرد و اگر زن بوده باشد مرد صالح ببرد و در رفتن و بیرون آمدن
سنت است که از پیش پای قبر باشد و سنت آنست که چون میت را نزدیک
قبر رسانند بگویند اللهم عبدک و ابن عبدک و ابن امتک نزل بک و
انت خیر منزول و چون میت را بقبر برند بگویند بسم الله و بالله و علی

در دفن بگو بسم الله و بالله عبدک و ابن عبدک و ابن امتک نزل بک

ملة رسول الله صلی الله علیه و آله اللهم الی رحمتک لا الی عذابک
اللهم افسح له فی قبره و لقنه حجته و ثبته بالقول الثابت و وفنا و ایاه
عذاب القبر و چون در قبر بگذارند سنت است که بندها بگشایند
و رو بی میت را باز کنند و طرف راست روی او را بر زمین بر نهند و اگر بر سر را
از خاک بلند تر کنند بهتر است و خشتی بر زیر سر او گذارند که بر کنار بقبر
و سنت است که مهری از تربت حضرت امام حسین بر لب و روی او بگذارند
بحضرت و اگر تربت آن حضرت را در کفن بگذارند بهتر است و بگویند اعوذ بالله
من الشیطان الرجیم پس سوره ما نخله و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب
الناس و قل هو الله احد و آیة الکرسی بخوانند و اگر حاضران فهم بخوانند
بهتر است پس بگویند بسم الله و بالله و علی ملة رسول الله صلی الله علیه
و آله اللهم صل علی محمد و آل محمد اللهم افسح له فی قبره و احشه
الله علیه و آله اللهم ان کان محسنا فزد فی احسانه و ان کان مسیئا
فاغفر له و ارحمه و تجاوز عنه اللهم جاف الارض عن جنبیه و صعد
عمله و لقه منک رضوانا اللهم عبدک و ابن عبدک و ابن امتک
نزل بک و انت خیر منزول به اللهم افسح له فی قبره و لقنه حجته و احشه
بیته صلی الله علیه و آله و قبر منکر و نکیر اسمک و اسم ربه و بنبیه و بدینه و بسبیل
الله و علی ملة رسول الله صلی الله علیه و آله اللهم عبدک ابن
عبدک نزل بک و انت خیر منزول به اللهم افسح له فی قبره و احشه بیته
صلی الله علیه و آله اللهم انا لا نعلم منه الا خیرا و انت اعلم به منا و بزوار
معتبر دیگر بگویند اللهم یا رب عبدک ابن عبدک نزل بک و انت خیر منزول
به اللهم ان کان محسنا فزد فی احسانه و ان کان مسیئا فتجاوز عنه و
احشه بیته محمد صلی الله علیه و آله و صالح شیعته و اهدنا و ایاه الی
صراط مستقیم اللهم عفوک عفوک برواییکه اللهم هذا عبدک
فلان و نجای فلان نام او را بگویند و ابن عبدک نزل بک و انت خیر منزول

در دفن بگو اللهم جاف الارض عن جنبیه

از برای خوشنودی شیطان ملعون

انحلها بنبیها محمد صلی الله علیه و آله و احشها ما کانت مسیئة

ظاهرا رحمها عنها و تجاوز

در دفن بگو

نزل بک

به ما احتاج الى رحمتك اللهم ولا تقطعه منه الاخير وانت اعلم بذلك
ونحن اشهدك يا علي بنيته اللهم تجاف الارض عن جنبيه ولقنه
حجته واجعل هذا اليوم خيرا يوم ابى عليه واجعل هذا القبر بحر من
ترك فيه وصيره الى الخير مما كان فيه ووسع له في مدخله واثبه رحمته
واغفر له ذنبه ولا تحرمنا اجره ولا تضلنا بعده وسنت است كه در اين
حال عقايد حق را تلقين او كند خصوصا و لا بد ائمه معصومين و بعضي
انست كه بدست راست دوش راست ميت را بگيرد و بدست چپ دوش
چپ ميت را و او را حركت دهد و تلقين كند و اكثر اين نحو بگويد جامع
ترا است اسمع افهم اسمع افهم اسمع يا فلان ابن فلان او و بگويد
بگو يد هل انت على العهد الذي فارقتنا عليه من شهادة ان لا اله الا
الله وحده لا شريك له وان محمدا صلى الله عليه وآله عبده ورسوله
وسيد النبيين وخاتم المرسلين وان عليا امير المؤمنين وسيد
الوصيين وامام افترض الله طاعته على العالمين وان الحسن والحسين
وعلي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلي بن موسى
ومحمد بن علي وعلي بن محمد والحسن بن علي والقائم الحجة المهدي صلوات
الله عليهم ائمة المؤمنين وحجج الله على الخلق اجمعين وائمتك ائمة هدى
ابرارا يا فلان بن فلان اذا اتاك الملكان المقربان رسولين من عند الله تبارك
وتعالى وسالاك عن ربك وعن نبيك وعن دينك وعن كتابك وعن
قبلتك وعن ائمتك ولا تخف وقل في جوابهما الله جل جلاله ربي
ومحمد نبي والاسلام ديني والقرآن كتابي والكعبة قبلتي وامير
المؤمنين علي بن ابي طالب امامي والحسن بن علي الخيتي امامي والحسين
بن علي الشهيد بكربلا امامي وعلي زين العابدين امامي ومحمد بن علي
باقر علم النبيين امامي وجعفر الصادق امامي وعلي الرضا امامي
ومحمد الجواد امامي وعلي الهادي امامي والحسن العسكري امامي

سنت است كه بگويد

اسمع افهم بگويد

بگويد

اولى فلا تخصص قبول

والحجة المنتظر امامي صلوات الله عليهم اجمعين اسمعني وسادتي و
قادتي وشفعائي في نيلي اتولى بهم ومن اعدائهم ابرء في الدنيا والاخرة
ثم اعلم يا فلان ابن فلان ان الله تبارك وتعالى نعم الرب وان محمدا
نعم الرسول وان امير المؤمنين علي بن ابي طالب وأولاده الائمة
الاحد عشر نعم الائمة وان ما جاء به محمد صلى الله عليه وآله حق وان
الموت حق وسؤال منكر ونكير في القبر حق والبعث حق والنشور حق
والصراط حق والميزان حق والكتاب حق والجنة حق والنار حق وان
الساعة آتية لا ريب فيها وان الله يبعث من في القبور

يا فلان در حديث است كه ميت در جواب منكر ونكير همه كس نكويد مگر

الله بالقول الثابت هداك الله الى صراط مستقيم عرف الله بينك وبين
اوليائك في مستقر من رحمته

اللهم جاف الارض عن جنبيه واصعد بروحه اليك ولقه منك برهانا اللهم عفوك عفوك

بر محمد بگذارد و اجر بخشد بتر خوبست خام بهتر است واگر خشت بزرك باشد
راست بگذارد و بر رخنه خشت ديگر بگذارد يا بگل رخنه را بگيرد
واگر خشت كوچك باشد هزه كند و بر هر قبض رخنها را محكم كند كه خاك
بر ميت نريزد و در وقت چيدن خشت اينها بخوانند اللهم صل وحدته
واكنفه وحشته وامن روعته واسكن اليه من رحمتك رحمة تغنيه
بها عن رحمة من سواك اللهم تمم رحمتك للظالمين وبروايت ديگر رحمة
تغنيه بها عن رحمة من سواك واحشره مع من كان يتولاه ومعدوه
است قبر شش قبر بجوب و بخشت كردن يا ميت را تا بايوت كه داشتن مكرر
انكه زمين اب بر او ريزد تا تمام باشد و چون از پيش پاي قبر بيرون رود بگويد
انا لله وانا اليه راجعون والحمد لله رب العالمين اللهم ارفع درجته
في اعلا عليين واخلف على عقبه في الغابرين وعندك نحتسبه يا رب
العالمين پس سنت است كه حاضران به پشت كف خاك در قبر بريزند واو

سنت است كه بگويد

بشکم دست کفها را پر کند و بزند دیگر خوشست و سنت است که شیعه مومنه
بزند و در وقت دیگر چنین بگوید اللهم ایمانا بک و تصدیقا بنبیک هذا
ما وعدنا الله و رسوله و صدق الله و رسوله و ما زادنا الا ایمانا
و تسلیما و در حدیث است که هر که چنین کند و اید غایه خواند حق تعالی
بعدد هر ذره از خاک حسنه برای او بنویسد و مکروهست که خویشان
میت خاک بر قبر بزنند که موجب قساوت قلب است و دور باد از رحمت
الهی و سنت است که از غیر خاک قبر را میت بزند و سنت است که قبر را بعد از
چهار انگشت بلند کنند و بعضی چهار انگشت کشاده و بعضی بهم آورده هفته
اند و ظاهر اهر دو خوبست و دور نیست که بگیرند نیز مجوز باشد و مستحب
است که قبر را چهارگوشه بکنند و دو شبر اطمن گویند و خشتی نکنند بجهت
سنیان میکنند و بعد از ان آب بر قبر بزنند و در خبر است که تا تری در قبر
هست میت را عذاب نمیکنند و سنت است که آب بر زنده و بر نقیله نیز بزنند
و ابتدا به پیش سر کنند و بر یک جانب قبر بزند تا پیش پا و بگردانند بجانب
چپ دیگر و بزند تا پیش سر و بعد از ان بر میان قبر بزند و سنت است
که ابر را قطع نکنند و متصل بزند تا تمام شود و مستحب است که در وقت آب
ریختن دست بر قبر نگذارد و در خالتی که آنکشتان ایشان کشاده باشد و قبض
کند تا اثر انگشتان ایشان در گل نماند و دو نقیله باشد و از بعضی بتوا
منهوم میشود که بر دیک قبر بنشینند و اید غا بخوانند اللهم جاف الارض
عن جنبیه و اصعد الیک روحه و لقه منک رضوانا و اسکن قبره من
رحمتک ما تغنیه بها عن رحمة من سواک و هست مر میه سوزه انا انزلناه
بخوانند و اگر میت زن باشد در جمیع دعاها که کند ضمیر مونث بیاورد
چنانچه لبیر خی نوشته شده است که ولی میت یعنی اقرب خویشان او بعد
از انکه مردم برگردند نزد سر میت بنشیند و باواز بلند ان تلقین کند که
باور نکرد بکند و اگر دیگری نایب کند نیز خوبست و در اختیار و الرشاد

که چون ابن تلقین را بکند منکر نکیر منکوبک بیا برو و بر تلقین بخش گردد
احتیاج به پرسیدن نیست پس بر نمیگردند و سوال نمیکنند و مکروهست
عمارت بر سر قبر کردن و بر سر قبر نشستن و راه ماندن و نماز کردن بر قبور
مکروه انبیا و ائمه و بعضی گفته اند که قبور علما و صلحا نیز این حکم
دارد و مکروهست نماز کردن که قبر بعد از مدتی درس شدن و مکروهست
در حال اخیار رد و میت را در یکقبر و کفاشتن و میت را از بلدی که مرده
است در ان بلد بشهرها دیگر بردن مگر بهمشاهد مشرفه ائمه معصومین
و بعضی استثنا کرده اند نقل عسکر و صلحا و علما و شهدا را نیز و مکروهست
بر روی قبر نشستن و زاه دفن مکروه انطه زیارت قبور که ضرر و میشود
و مشهور انست که جایز نیست شکافتن قبور مگر در چند صورت یکی انکه
صاحب قبری در قبر افتاده باشد دیگر انکه در زمین غصبی دفن کرده باشد
یا در کفن غصبی دفن کرده باشد دیگر انکه او را غسل و کفن در خاک کرده
باشند و مشهور انست که جایز نیست نقل مردگان بعد از دفن و بعضی
استثنا کرده اند نقل بهمشاهد مشرفه ائمه معصومین و جایز نیست
کرایه ان چاک کردن و جامه دریدن عزیزان در وبد رو برانشان جایز
نیست آزار بعضی اخبار ظاهر میشود که مستحب است خصوصا در روز
بجهت ترک کرده اند زنان را مطلقا و احوط ترک است و جایز نیست خراشیدن
روو کندن و بریدن مو و احوط انست که طایفه بر رو و زانو و غیران
نزنند و بعضی از علما موافق روایتی قایل شده اند که کرنی که موی سر
خود را در مصیبتی ببرد و احبست که کفاره بدهد چنانکه در خاتمه
مذکور خواهد و بعضی گفته اند کفاره ندارد و نیست و مجهت
که سنت باشد و احوط ذادن کفاره است و بعضی نراشیدن مو را الحاق
کرده اند که بازوی امدن بریدن در وجوب کفاره و مشهور این اکثر علما فایل
شده اند که واجبست کفاره قسم بزرگی که موی سر را بکند در مصیبتی

یا زوجه او دختر باشد که خون برآید و بر مردی که در مرگ او زنده نباشد
خود کریبان چاک کند و کفاره بیمین ان شاء الله مذکور خواهد شد و بعضی
واجب نمیدانند و احوط عمل بمشهور است و لازم است اصحاب مصیبت
که صبر کنند بلکه راضی باشند بقضای الهی و بداند که حق تعالی
صابران را اجر بیحساب کرامت میفرماید و باید مصیبت نبیند بگوید انا
لله و انا الیه راجعون تا حق تعالی کفاران کذا شته او را بیامرزد و هرگاه
این مصیبت بخاطر آید این کلمه را بگوید کفاران ما بین این دو کلمه
امرزیده شود و بسند معتبر منقول است هر که مصیبتی را بخاطر آورد و آنرا
چه بعد از مدتی باشد بگوید انا لله و انا الیه راجعون و الحمد لله رب
العالمین اللهم اجرنی علی مصیبتی و اخلفنی علی افضل منها ثواب همان
مصیبت بار باو داده میشود و سنت است که دیگران تعزیه ایشان بکنند
و ایشانرا بصبر و شکیبائی امر کنند پیش از دفن و بعد از دفن و مبالغه نمایند
بعد از دفن بیشتر است و افضل تعزیه آنست که بروند تا صاحب عزا ایشانرا
به بینند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که هر که صبر
فرماید اندوهناکی زاد در صحرای محشر همه کس بر هنه اند خدا او را
حله نیکوئی از جاهای بهشت بپوشاند که موجب سرور او گردد و هر که
مصیبت زده را صبر فرماید حق تعالی او را ثواب صاحب مصیبت دهد
فرمایند بی انکه چیزی از اجر او کم شود و فرمودند که ثواب تعزیه و صبر
فرمودن هشت است و مستحب است که صاحب مصیبت تعزیه و ضع
خود بکند تا او را تسلی کنند و جایز است که نوحه و ندبه کردن که نیکها
میت را یاد نمایند و نوحه کردن بحق جایز است که دروغ نگویند و چیزها
بد از برای میت اظهار نکنند و بهتر آنست که نوحه کردن نباشد و مستحب
که تا سه روز حضور همسایگان برای صاحبان مصیبت طعام بفرستند
و زیاده از سه روز ماتم نگیرند مکروه است که چهار ماه ده روز برای

شوهر ماتم بگیرد یا انکه جامهای رنگین نپوشد و زینت نکند
و سنت موکد است زیارت قبر مومنان خصوصا خویشان و چون بر
قبرستان شود بگوید السلام علی اهل الدیار من المومنین و المسلمین
انتم لنا فرط و نحن ان شاء الله بکم لاحقون و بروایت دیگر السلام
علی اهل الدیار من المسلمین و المومنین رحم الله المستقدمین منا
و المستاخرین و انا ان شاء الله بکم لاحقون و بروایت دیگر السلام علیکم
اهل الدیار من قوم مومنین و رحمة الله و بین کانه انتم لنا سلف و نحن لکم
تبع و رحم الله المستقدمین منکم و المستاخرین و انا لله و انا الیه راجعون
و در احادیث بسیار وارد شده است که هر که نزد قبر برادر مومن خود بقدر
سوره انا انزلناه بخواند از ترس روز قیامت ایمن گردد و بروایت دیگر خدا
او را و صاحب قبر را بامرزد و در وقت خواندن او دست بر قبر بگذارد و بگوید
بحق الله اللهم جاف الارض عن جنوبهم و صاعد الیک ارواحهم فانهم
منک رضوانا و اسکن اللهم من رحمتک ما تصل به وحدتهم و تولیهم به
وحشتهم انک علی کل شیء قدیر و بروایت معتبر دیگر اند غا بخواند اللهم
ارحم غربته و صل وحدته و اونس وحشته و امن روعته و اسکن الیه
من رحمتک ما الیه تغنی بها عن رحمة من سواک و الحقه بمن کان یتولاه
و بروایت دیگر مستحب است بر قبر سوره حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل
اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و آیة الکرسی هر یک را سه مرتبه بخواند
و سوره انا انزلناه را هفت مرتبه و از حضرت رسول منقول است که هر که
در قبرستان بگذرد و سوره قل هو الله را یازده مرتبه بخواند و ثواب
همین دکان به بخشد بعدد ان مرد کان اجر و ثواب یابد و بروایت دیگر هر که
سوره الهیکم را بخواند و ثواب را هدیه باهل قبور کند حق تعالی
بعدد حرف ملکی خلق کند که تسبیح کویند برای او تا روز قیامت و در جمعه
روز پنجشنبه و جمعه مستحب است زیارت قبور و در احادیث معتبره

وارد شده است هر که مصیبتی وارد شود که مصیبت حضرت رسالت
پناه بیاد آورد که صعب ترین مصیبتها است و در اخبار ریان وارد
شده است که هر که در وقت مصیبت دست بر ران خود زند ثواب
اوحبط میشود و باید سه بار بگوید انا لله و انا الیه راجعون و در حدیث
معتبر منقول است که هر که یک فرزند از او برود و صبر کند بهتر است از
برای او از آنکه هفتاد فرزند او بماند که همه سوار شوند و در راه خدا
جهاد کنند و منقول است که هر که را خدا دوست میدارد بهتر بن فرزندان
او را میگیرد و منقول است که ثواب مردن فرزندش بهشت است خواه صبر
کند و خواه نکند و بسند معتبر از حضرت صادق منقول است در وقت
مصیبت اینده غایی خواند الحمد لله الذی لم یجعل مصیبتی فی دینی
و الحمد لله الذی لو شاء جعل مصیبتی اعظم مما کانت و الحمد لله علی
الاول و الذی شاء ان یکون فکان و باید که مرد هرگز این را فراموش نکند
که دست ایشان از اعمال خیر کوتاه گردیده و از اجابت فرزندان و خویشان
و برادران مومن امید دارند و احسان ایشان را چشم براهند خصوصا
دعا کردن در نماز شب و بعد از نمازهای فریضه و در نماز شهر مشترک
پدر و مادر از زیاده از دیگران باید دعا کرد و اعمال خیر برای ایشان بعمل
آورد که در خبر است که برای فرزند هر کار خیر که پدر و مادر انجام
ایشان باشد و بعد از فوت ایشان نیکوکار گردد بسبب اعمال خیری که
از برای ایشان بعمل آورد و بسا فرزندی که در حال حیات پدر و مادر نیکوکار
نباشد و بعد از فوت ایشان عاق گردد بسبب انکه اعمال خیر برای
ایشان کم بعمل آورد و عمل منافی برای پدر و مادر ازانست که فروض ایشان
ادا نکند و اشیا را از حقوق خدا و خلق وفا نکند و سایر عبادتهای که از
انها ایشان فوت شده باشد سعی کند که بایستیجار و نایب و بنوع بعمل آورد
صحیح منقولست از حضرت صادق در هر شب برای فرزندان خود و در

روز برای پدر و مادر خود دو رکعت نماز میگزارند و در رکعت اول بعد
انا انزلناه و در رکعت دوم انا انزلناه میخوانند و بسند صحیح منقول
است از حضرت صادق که دنیا باشد که میت در نیکی و شدتی بوده باشد
و حق تعالی او را وسعت دهد و نیکی را از او برداردیس باو گویند که
این فرج که تو را داده بسبب نمازیست که فلان برادر مومن برای
تو کرد را و بی پرسید که در وقت نماز دو رکعت نماز میخواندم شریک
کرد فرمود بلی و فرمود که میت شاد میشود بدعا و استغفار زنده که برای
او کند چنانچه زنده شاد میشود بهدیه که برای او برند و فرمود که میت
داخل میشود در قبرش نماز و روزه و حج و سایر عملهای خیر و دعا و تلاوت
ان اعمال برای کسی که کرده و برای مزدهر دو نوشته میشود و در حدیث
دیگر فرمود که هر که از مسلمانان برای میتی عمل صالح بکند خدا ثواب
انرا مضاعف میگرداند و میت باین عمل منتفع گردد و در روایتی وارد
است که هر گاه شخصی به نیت میتی تصدق بکند حق تعالی جبرئیل امین را
گرداند هزار ملک نزد قبر او میروند و هر یک طبقی در دست دارند
از نعمتهای الهی باو میگویند السلام علیک ای دوست خدا این هدیه فلان
مومن است برای تو پس قبر او روشن میشود و حق تعالی هزار شهر بهشت
باو کرامت مینماید و هزار حوری باو تزویج مینماید و هزار حله باو میپوشاند
و هزار حاجت او را روا میگرداند و در حدیث معتبر منقولست که شش جهت
بمومن میرسد بعد از وفات اول فرزندی که از بخشاوا استغفار کند دیگر
مصحفی یا کتابی از کتب علمی که از او بماند و مردم از او بخوانند سیم درختی که
بکارد و مردم از او نفع یابند چهارم انهایی که جاری نماید پنجم چاهی که
حفر نماید که خلق خدا منتفع گردند ششم سنتی که مردم باین عمل نمایند از
او شاد و هدایت خلق و ضعیف نباشد در مجملی از احکام زکوة و خمس و غیره
است و در آن سه فصل است فصل اول در زکوة است و آیات و احادیث و

ان وعقاب برك كنند ان نيز از آنست از انجمله حق تعالى ميفرمايد والذين
يكنزون الذهب والفضة ولا ينفقونها في سبيل الله فبشرهم بعذاب اليم
يوم يحمى عليها في نار جهنم فتكوى بها جباههم وجنوبهم وظهورهم
هذا ما كنزتم لانفسكم فذوقوا ما كنتم تكنزون يعنى انكسانى كه جمع
ميكنند طلا و نقره را و حقوق الهى را نميدهند و در راه خدا صرف نميكنند
پس بشارت باد ايشانرا بعذابى دردناك در آن روزى كه سرخ كنند از
آتش جهنم و داغ كنند بانها پيشانيها و پهلوها و پشتها ى ايشانرا و بايشان
ميگويند اين مالهائى كه از براى خود جمع كرده بوديد الحال به چشيد عذاب آنها
و از حضرت صادق منقولست كه هر كه ندهد هفده يك از زكوة را كه بيست
يك ديناراست و نه مومن است و نه مسلمان و در وقف مردن است يعنى
ميكنند كه مرا برگردانيد بدنيا تا زكوة بدهم چنانچه حق تعالى فرموده
حتى اذا جاء احدهم الموت قال رب ارجعون لعلى اعمل صالحا فيما تركت
يعنى تا وقتى كه بيايد يكى از ايشانرا مرگ گويد پروردگارا مرا برگردانيد مرا
بدنيا شايد عمل شايسته بكنم در آن مالى كه بعد از خود گذاشته ام و از
حضرت سيد المرسلين و ائمه طاهرين بطرق صحيحه منقولست كه كسى كه
طلا و نقره داشته باشد و زكوة او را ندهد حق تعالى او را در روز قيامت
حشر خواهد نمود در ميان اژدهائى كه مار باشند نشود و بر او مسلط گردند مار
بيشه را كه زهرش از مارهاى ديگر عظيم تر است و در غضب او رود و او
اژدرى گردد ناچون باو برسد و داند كه از آن خلاصى ندارد دست خود را
بدهان او دهد پس بخندان بگيرد او را مانند شتر بزرگى كه برگ چغرى دهد
فرو برد پس طوقى گردد در گردن او و اينست معنى قول حق تعالى سيطوقون
ما بخلوا به يوم القيمة يعنى زود باشد كه طوقى گردانند در گردن ايشان آنچيزرا
كه بخل ورزيدند در دنيا بان و در راه خدا ندادند و در روز قيامت و هر كه
شتر يا گاو يا گوسفند داشته باشد و زكوة او را ندهد حق تعالى بحس

كند او را در صحراى لغزنده و پامال كند او را هر جيوان شكافنده
نيم خورد و كند او را بدندان و نيش هر صاحب زهرى بيش خود و هر كه
زر اندك داشته باشد يا باغ خرما و انگور نداشته باشد و زكوة انها را
نداده باشد اين قطعها بزمين را تا طبقه هفتم طوقى گردند در گردن او
اندازند و ان همه آتش گردند او را روز قيامت و در روايت معتبره ديگر هر كه زكوة
مال خود را نداده باشد حق تعالى اثمار آن مال را اژدها ئى گردانند در گردن او كه دمادم
خورد و گوشش را بكند بدندان تا آنوقت كه خلايق از حساب فارغ شوند و در حديث
ديگر حضرت صادق فرمود كه قيمت مالى در خشكى و دريا تلف نميشود مگر بمنع
زكوة و حق تعالى ميفرمايد مثل الذين ينفقون اموالهم في سبيل الله
كمثل حبة انبتت سبع سنابل في كل سنبلة مائة حبة والله يضاعف
لمن يشاء يعنى مثل حبه اى كه صرف ميشايد مالها يخود را در راه خدا
از زكوة و خمس و حج و مانند و غير اينها مانند دانه ايست كه بروياند
از آن هفت خوشه و در هر خوشه صد دانه بوده باشد كه مجموع هفت
صد دانه بار ميشود و حق تعالى مضاعف ميگرداند باضعاف اين از براى
هر كه خواهد و ايات و اخبار در اين باب بسيار است و آنچه مذكور شد
برا ى كسى كه ايمان بخدا و رسول داشته باشد كافى است و اما
اخباريكه در اينها زكوة واجب ميشود نه نقد است و طلا هر گاه بقدر
بيست مثقال باشد و سكه داشته باشد كه يك سال بماند اگر بدل
نشود و تغيير ندهد مقدار چهل يك از ميبايد داد و بعد از آن هر چهار
مثقال كه زياد ميشود بعد از سال چهل يك ميبايد داد و نقره است
هر گاه بقدر دويست درهم برسد كه تخمينا دوازده هزار مثقال نقره باشد
عجم باشد موافق دو دانگ و سكه داشته باشد و يكسال بحال خود
بماند بعد از سال چهل يك ميبايد داد و همچنين هر چند چهل درهم
زياد شود كه دوهزار مثقال و بيست مثقال نباشد چهل يك از ميبايد

دادسیم شتر است وضاب ان دوازده است چهارم پنج شتر است ودر
یك گوسفند است دهم پانزده شتر است ودران دو گوسفند است سیم
پانزده شتر است ودران سه گوسفند است چهارم بیست شتر است دران
چهار گوسفند است پنجم بیست وپنج شتر است ودران پنج گوسفند
وگوسفندی گردهد باید هفت ماهه یا دو هشت باشد وگمتر نباشد
اگر گوسفند دهد واگر نزدهد یك ساله یا دو ساله باشد ششم بیست و
شش شتر است وباید شتر ماده یك ساله بدهد یا دو ساله واگر نداشته
باشد شتر نر دو ساله بدهد یا دو سه هفتم سی وشش است وباید شتر
ماده دو ساله یا دو سه بدهد هشتم چهل وشش است وباید شتر ماده سه ساله
یا دو چهار بدهد نهم شصت ویك است وباید شتر ماده چهار ساله یا دو
پنج بدهد دهم هفتاد وشش است وباید دو شتر ماده دو ساله یا دو سه
بدهد یازدهم نود ویك است وباید دو شتر ماده دو سه ساله یا دو چهار
بدهد دوازدهم صد وبیست ویك است وهرچه زیاد شود در پنجاه شتر یك
سه ساله بدهد ودر چهل شتر یك شتر ماده دو ساله چهارم گاو است
ودر هر سی گاو یك گوساله ماده یا نر دو ساله میدهد ودر چهل
یك گاو ماده دو ساله یا دو سه میدهد پنجم گوسفند است ودر چهل
گوسفند یك گوسفند واجب است ودر صد وبیست دو گوسفند یا گوسفند
یا دو ودر دویست ویك گوسفند سه گوسفند واجب است ودر سیصد
یك گوسفند لحوط است که چهار گوسفند بدهد وچون بچهار صد
برسد هرچه زیاد شود از هر صد گوسفند یك گوسفند میدهد وزد
زکوة هریك از گوسفند وگاو وشتر شرط است که در علف مباح چرنده
باشد در تمام سال پس اگر علف مملوك خورده باشد زکوة واجب
واگر بعضی از سال چریده باشد وبعضی علف مملوك خورده احوط ان
است که اگر چرید کمتر باشد زکوة بدهد وچنانکه شیر میخورند حساب

نمیتوان کرد بنا بر مشهور واحتیاط است از روز یکه متولد میشوند حساب
کنند ودر طلا ونقره وحیوانات همه شرط است که سال بر انها بگذرد
وسال زکوة یازده ماه است چون ماه دوازدهم داخل شد زکوة واجب میشود
ودر گاو وشتر شرط است که کار کن نباشند پس اگر کار کشند یا خویش
کنند زکوة واجب نیست وگوسفند وبز را بر سر هم حساب میکنند وگاو
وگاومیش را بر سر هم وشتر نر وماده ولوك را بر سر هم حساب میکنند ششم
وهفتم وهشتم وتمام کندم وجو وخرما وموز است وشرط است که هریك به
نصاب برسند ونصاب سیصد وهفت من تبریز است یعنی
تبریز وانگور هرگاه مقصد وبیست ویکمن باشد احوط انست که زکوة بدهد
وشرط است که این غلات در ملك او بحد نصاب رسیده باشد پس اگر
کندم وجو را بعد از درو کردن بخرمن زکوة برفروشنده واجب است واگر زمین
را باجاره گرفته باشد زکوة بر مستاجر واجب است واگر بمزارعه بگیرد به
نصف یا ثلث یا ربع یا نه یکی مثلا از زکوة حصه مالك بر مالك واجب است و
زکوة حصه عامل بر عامل اگر حصه هریك به تنهائی بنصاب رسیده باشد
پس اگر زراعت با باغ اب باران یا اب روان یا اب قناة یا اب رشیه خورده
ده یك میدهد واگر اب دست یا گاو یا شتر یا چرخاب خورده باشد بیست
میدهد واگر از هر دو خورده باشد بیستر اعتبار دارد واگر هر دو مساوی
باشد بیست یك میدهد واحوط واقوی انست که بغیر از خراج پادشاه
چیزی از خرج زراعت بدر نکنند در دادن زکوة وچون اکثر علما بر انند که بعد
زکوة یا نکورده وقت خورده شد نست پس احوط انست که اول از ما جرت بیاورد
کرمخمین کند میوه باغ را گرچه مقدار است وبا خود مقرر سازد که بان
نسبت زکوة میدهم یا انچه خورد از عوره واگر انگور حلال باشد یا انکه
انچه بر دارد گاه دارد حساب او را یا انچه بر دارد عشر خورده را بدهد و
همچنین کندم وجو وقتی که دانه بسته و بعضی از علما گفته اند که زکوة واجب

در جوب مانند برنج و ماش و نخود و ماش و عدس و امثال اینها هرگاه
خواهد جو و گندم برسد بهجهار طریق کرکدشت و مشهور آنست که در زکوة
اینها و مانند آن که در علف مباح پیدا کند و سال بر او بگذرد زکوة ندهد
است و اگر پدر و مادرش عرب نباشند در سال دوم شش یک دهم یعنی
میدهد و اگر یا یونا باشد که یکی از پدر و مادرش عرب نباشد در پنجم باید
یک شش در میدهد و در زکوة تجارت جمیع موجوب ذیل شده آنکه و مشهور آن
است که ستة است و آن مالی است که مالک شود آنرا بعنوان معاوضه
در وقت مالک شدن قصد اکتساب و تجارت باین داشته باشد و می
باید که در نصاب آن بیکی از طلا و نقره برسند و در تمام سال بر نصاب باقی
باشد و در تمام سال از مایه کم نشود که بدین مایه نیز بیشتر به خورد و اگرچند
سال بگذرد که مایه در کمی نباشد نیست که زکوة یک سال را باید بدهد
و اگر بر مایه باقی باشد هر سال چهل یک میدهد و اگر معاوضه کند
در اثنای سال بقصد تجارت خلاف است و احوط آنست که باید بدهد
و سنت است که در وقت دروکردن اگر فقرا حاضر شوند هر چیز برادرند
کدام یک بدهد هر قدر که در دستش در آید و در وقت چیدن خرما و انگور
یک مشت بدهد و بزکوة فتشا کند و بعضی واجب دانسته اند و احوط
آنست که ترک نکند و مستحق زکوة ده صنف هشت طایفه اند اول فقرا و مساکین
و ایشان کسانی اند که قوت سال خانه خود و عیال خود را نداشته باشد
و قادر بر کسبی نباشد که معاش خود را و عیال خود را تواند کند را باید
و احوط آنست که سایل بجهت نباشد و صالح باشد سیم کسی است که امام
نصب میکند برای گرفتن زکوة و حصه باو میدهد و در این زمان ان
نمیباشد غالبا و همچنین جهاد مولفة قلوبهم اند در این زمان نمیباشند
غالبا پنجم صرف کردن در آزادی بندگانست مثل انکه آقای غلام خود را
خود را امکاتب کرده که مالی بدهد و آزاد شود و او عاجز باشد از ادای

ان و برائه اگر زکوة واجب شده باشد باید که هر ده رسی از زکوة را عیال آنکه
او حساب کند و الا دیگران حصه باو بدهند که باو بدهد و از او رد نکند
یا غلامی که از دست او در تعب و شدت باشد از مال زکوة بخرند و آزاد
کنند ششم فرض داران که فرض کرده باشند و در معصیت صرف
نکرده باشند در آزادی فرض ایشان میتوان داد هفتم فی سبیل الله است
یعنی صرف راههای خیر مانند جهاد فی سبیل الله و بنای خانها و آزادی
ائمه معصومین و بنای مساجد و پلها و بعضی گفته اند که مخصوص
جهاد است در زمانی که جهاد حق باشد و این احوط است هشتم ابن السبیل
است و آن کسی است که بغربت افتاده باشد و خرج رفتن بخانه خود ندارد
باشد اگر قصد او بر میدهند بخانه خود برسد اگر سفرش معصیت نباشد
و باید کسی که باو زکوة میدهند غیر مولفه شیعه اثنی عشری باشد
و احوط آنست که اجتناب از کفاران کثیره کند خصوصا شراب خورد
دیگر شرط است که واجب النفقه مالک نباشد مثل پدر و مادر و جد
و جده هر چند بالا روند و فرزند و اولاد کان هر چند پایین روند و زن نیز
و بهتر آنست که زکوة را بخویشان پرستان بدهند غیر انها که مذکور شد
اگر شرایط را داشته باشند و غیر سید زکوة نمیتواند داد اما
زکوة و غیر سید هر دو میتواند داد و غیر سید احوط آنست که
بشریف هم ندهد و بهتر آنست که زکوة را بنزد مجتهد باعلمی که مصارف زکوة را
داند بدهد بگیرد او بمصرف برساند فصل دوم در خمس است بدانکه خمس در هفت
چیز واجب میشود اول غنیمتی که از کفار در جنگ بگیرند خواه در جنگ
گاه باشد و خواه در بیرون در صورتی که معاونت مانند طلا و نقره و مس
و سرب و یاقوت و زبرجد و سرمه و عنبر و فیروزه و نفط و کبریت بعد از ان
که خرج بیرون آوردن بدر رود و بیش یک از امتیاز یکدیگر داد و مشهور آنست
که نصاب ندارد و بعضی گفته اند که نصابش یکصد دینار است بنابرین

خمس واجب نمیشود و بعضی بیست دینار رکفته اند که بیست اشرفی است
که نصاب اول طلا است و اکثر متاخرین باین قایل شده اند و خالی از
قوتی نیست اگر چند کس شریک باشند باید حصه هر یک خدا بضایم
برسد کسیم گنج است یعنی مالی که در زمین پنهان کرده باشند پس اگر گنج
در بلاد کفار بیابند که در انجا مسلمانی نباشد هر چند سکه اسلام
داشته باشد باو کرد را اسلام بیابند و سکه اسلام نداشته باشد
و بیست دینار برسید اگر طلا باشد خمس او را میدهد و باقی را
و اگر نقره باشد دویست درهم برسد که موافق دکده دانگی دوازده
هزار و ششصد دینار است و اگر غیر طلا و نقره باشد قیمت آن بیکی
از این مقدار برسد و اگر سکه اسلام داشته باشد یا علامتی بر آن
از مسلمانی بوده است و مشهور میان علما آنست که حکم لقطه دارد مجال
یک سال تعریف اگر صاحبش پیدا شود بصاحبش میدهد و الا مخیر است
میان مالک شدن و تصدق کردن و با مانت نگاه داشتن و اگر در دو صورت
اول صاحبش شود و راضی نباشد عوض بدهد و ظاهر اخبار آنست که اگر
آرزو و مس زمین یافته است لقطه است و اگر دور نزد زمین بوده است گنج است
خواه اثر اسلام داشته باشد و خواه نداشته باشد و جمعی باین قایل شده اند
و خالی از قوتی نیست و اگر گنج را در زمین خود بیابد که آرزوی در او رسیده
باشد اروست و اگر خمس او را بدهد احوط است و اگر زمین را خریده باشد
تعریف کند بنابع نزدیک و دور و اگر نشانی بدهد که ظن ایشان حاصل شود
باینشان بدهد علی المشهور و الا از اوست و باز احوط آنست که خمس او را بدهد
و اگر جواهری بخرد چون شتر و گاو و درشکم او چیزی بیابد تعریف میکند
بنابع اگر نشان ندهد از اوست و احوط اخراج خمس است و اگر درشکم
ماهی بیابد خمس میدهد احتیاط و ناباقی از اوست و باین ملحق کرده اند
حیوانات شکار نیرا مانند اموالی که محمل باشد که در خانه مالک سابق خود

باشد احوط آنست که تعریف بابد و بکند بجای چنین نیست که بعوض از دیگری
او رند ما نند مروارید و مرجان و نصاب در ان معتبر است و مشهور
آنست که نصاب بش یکدینار است یعنی بیک اشرفی تمام وزن و بعضی بیست
دینار رکفته اند و اگر چند مرتبه در او رند همه در نصاب باهم حساب کنند
هر چند دفعه ما بین تر الخوص کرده باشد علی الاحوط و اگر چند کس شریک
باشند هر یک میبایست بنصاب برسد و عنبر را اگر بعوض از دریا در اورند
حکم مروارید دارد و اگر از روی آب یا ساحل بردارند حکم معدن را
و احوط آنست که هر حال خمس از اندهند و در غایت بنصاب نکنند بحث
فاضل مؤنث سالیانه است از ارباح تجارتها و زراعتها و کسبها و مشهور
آنست که در میراث و بخشش و هدیه خمس نمیباشد و خرج سالیانه را که
بیرون کند فقرو وسط مناسب حال ان شخص را اعتبار کرده اند پس اگر
اسراف کرده باشد خمس انچه اسراف کرده است بیرون میکند و اگر بخود
تنگ گرفته باشد انرا هم بیرون میکند علی المشهور و احوط آنست که الزیاده
زیاده باشد بدهد بلکه نهایت احتیاط آنست که هر چه حاصل شود
و خرج بکند در زیادتی دارد خمس بدهد و اگر در اثنای سال اخراجات
ضروریه واقع شود مثل خرج کدخدایی و حج بیت الله و زیارت رسول
و ائمه و امثال اینها همه را بعد و وسط بیرون میکند و همچنین تعدیات
و زیادتیها که ظلمه کنند جمیع را بیرون میکند و خمس بقیه را و ابو الصلاح
قایل شده است در میراث و هبه و هدیه نیز خمس واجب است و در
صحیح وارد شده است شخص جایزه عظیمی باو برسد یا میراثی از جایی که
گمان نداشته باشد باو برسد یا مالی از دشمنان دین باو برسد همه
باید و عمل باین روایت احوط است ششم زمینی است که بهود یا و نصاری
و مجوس از مسلمانی بخرند خمس از زمین را یا خمس قیمت را باید رضایی بدهند
میتوانند و اگر خانه یا باغ را بخرد مشهور میان علما آنست که خمس در

میگیرند و اگر فقرا بی علما متعرض این نوع خمس گشته اند هفت مال
حلالی است که بحرام مخلوط شده باشد و صاحبش را ندانند و مقدارش را
نداند خمس را میدهد بفقرای سادات و غیر ایشان و بعضی این را
مخصوص سادات میدانند و بعضی بسیادات گفته اند که تمیز ندهند
و ظاهر این است که بشریف بدهد بهتر است و اگر مقدار را
داند و صاحبش را داند مقدار را واجب است صاحب بدهد و اگر
صاحب را داند و مقدار را داند باید صاحب میباید با صاحب صلح کند و بعضی
گفته اند که در این صورت خمس را بصاحب میدهد و بعضی گفته اند
که اخذ مقدار را که علم دارد بصاحب میدهد و ما بقی را با صاحب صلح
میکند احتیاط و این احوط است و اگر مقدار را داند و صاحب را نداند
یعنی میکند تا صاحب را بهم نرساند و اگر بهم نرسد از طرف او تصدق
کند و این صورت و صورت اول مبنی است بر مظالم و اگر خمس را بکل
یا تصدق کند کل را یا بعض را بعد از آن پیدا شود خلاف است که آیا
باید بصاحب بدهد یا نه و احوط آنست که بدهد اما مشهور
میان علما آنست که شش حصه میشود چنانچه ظاهر آیه کریمه است
حصه خدا و رسول و ذوالقربی که نصف خمس است بعد از حضرت
آن امام زمان و نصف دیگر سه حصه میشود که به یتیمان سادات
و مسکینان و آبنا و سبیل سادات میدهند و مراد از سبیل کسی
است که منصوب باشد از جانب پدر بعید المطلب و تفسیر میکنند
و این سبیل در زکوة گذشت و دویم احوط آنست که بر ایشان نباشد
و این سبیل را انفاق کرده میدهد که شهر خود رود و در آحادیث
معتبره ظاهر میشود که در زمان حضور امام خمس را بخدمت آن حضرت
میبردند و آن حضرت نصف را خود برمیداشتند و نصف را باین
سه فقیر سادات میدادند که مذکور شد و طریق بعد در کتاب

ایشان در دیار سؤال میدانند و آنچه زیاد می آمد خود برمیداشتند
و اگر وفا نمیکرد از حصه خود تتمه را میدادند و ایشان بمنزله
امام بوده اند و در زمان غیبت احوط آنست که حصه سادات را بعالم
امین تسلیم بدهد که بسادات بدهد بعد از احتیاج ایشان و اصناف
دیگر خمس که حصه امام است در زمان غیبت خلاف است مشهور آن
آنست که بعالم عادل باید داد که بر سبیل تمکن به نیابت آن حضرت بسادات
بدهد و اگر چنین نیابد حفظ کند و بعد از خود بعالم دیگر بدهد که
اگر سید بود بسادات بدهد و الا از برای آن حضرت ضبط کند و
فرض در این زمانها بسیار زیاد و آنست زیرا که سادات بر ایشان نیازند
و خمس بهشت کان کم اند و جمعی گفته اند که در زمان غیبت ائمه این حصه
بر شیعیان حلال کرده اند و این بعضی بوجهی است زیرا که از حضرت صادق
الامور و انیه چنین رسیده است که بر شیعیان حلال کرده باشد بلکه حلال
ظاهر است زیرا که در زمان غیبت صغری هفتاد سال کثیری بوده نایبان
آن حضرت اعنی عثمان عمروی و پسر او محمد و حسین بن روح و علی بن محمد سمری
و حصه آن حضرت را بلکه جمیع خمس را از شیعیان میگرفتند و بغیر مؤنه
حضرت بمردم میدادند و ظاهر این است که در این زمان نایبان آن حضرت و
کبر علمای زمانی و محدثان و حاملان علوم ایشان اند که باید بگیرند و بدانند
که عیال آن حضرت کیستند برسانند و الا باید که اشراف خلفند را از کرم نهی
نمایند تا سایلی بکف نشوند و از همه کس ذلیل تر نباشند زیرا که زکوة و صدقه
واجبه بر ایشان حرام است و خمس را بعوض بایشان داده اند و بسبب
اختلافی که در میان علمای ما رسیده و بعضی از علمای عصر اعنیا را حرام
داده اند بر منع خمس باعث این شده است که اکثر سادات بفقر و فاقه
میگذارانند و حقوق ایشان و احفاد ایشان در زمان غیبت ما ضایع میماند و
تقدیر آن که امام بر ایشان رحم کرده باشد در زمان غیبت و حقوق و

لعدیات که از خلفای جور بر ایشان واقع شده و حلال کرده باشند
ایشان چگونه بر خود هموار میکنند که عیال و خویشان و اقارب و اما
خود را در فقر و اضطرار به بینند و برایشان رحم نکنند و باز امید
شفاعت از ایشان داشته باشند و حال انکه فرموده اند که بدترین
احوال مردم در قیامت وقتی خواهد بود که صاحبان حسن خیرند و بهره
و روزگار از خمس خود را میخواهیم و حضرت صادق فرموده که من یکدرم
از شما منکرم و حال انکه مال من از همه اهل مدینه بیشتر است و میگوئم
مگر از برای انکه شما پاک شوید از کافران و از خوف ما و حضرت رسول
فرموده که هر که را حسابی با حدی از اهل بیت من بکند من مکافات میدهم
او را در قیامت و اگر علما بر انند که اگر صاحب مال خود حصه امام
نیاداد بدهد بری الذمه نمیشود مگر انکه دستش بقبالهٔ محدث عالم
برسد و بگمان فقیر هم خمس این حکم دارد فصل چهارم در بیان مستحبات و کیفیت
اعتکاف است اعتکاف مکثی است در مسجد جامع جمعت عبادت و آن سنت
مؤکد است بمقتضای آیات و اخبار نزد احقر و صاحب ذخیره اخر شعبان
و رمضان چنانچه حضرت سید المرسلین در ده اخر ماه رمضان اعتکاف
مینموده اند مگر یک سال که در آن خیمه بنا در واقع شد و در سالها بعد
از آن میست روز اعتکاف داشتند ده روز قضا می سال که نشسته بود
روز آن و از آن حضرت منقول است که اعتکاف ده اخر ماه رمضان برابر
با دو حج و دو عمره و اعتکاف بهر نذر از مانند عهد و قسم و اجاره دادن
خود بغیر واجب میشود و اگر بپذیرد واجب شده باشد و نکرده باشد
احوط آنست که پیر مرد که قضا کند و بعد از تمکن واجب میشود و
بعضی گفته اند روز ششم واجب میشود و همچنین روز ششم و هم و دوازدهم
و پانزدهم و هر چه بالا رود باین نسبت و بعضی گفته اند باین نسبت مطلقا
واجب نمیشود تا ان است وجوب بعمل نیاید و این قول اقوی است و احوط

آنست که در اول شبهای مذکور تجدید نیت بقصد قربت و مستحب
که مشخص شرط کند بر خود در کار خود که اگر مانعی او را عارض شود بدهد
تواند رفت از اعتکاف و ظاهر جمعی آنست که جایز است اشتراط رجوع
باختیار دین نقیضند بعارض و مانع و بعضی در این مضایقه کرده اند و ظاهر
عارض و مانع اعم از عذر مرض و نسیان و محل این شرط در اعتکاف سنت
نزد نیت اعتکاف است و دخول در آن و جماعتی از اصحاب ذکر کرده اند
که محل آن در اعتکاف واجب نیز در کفن ضعیف ندارد است و خالی از
اشکالی نیست و فایده شرط آنست که نزد عارض یا مطلقا اگر خواهد
رجوع تواند کرد اگرچه در روز سیم باشد و فایده دیگر انکه اگر با شرط
رجوع کند قضا بر او واجب نیست و اما مکان اعتکاف جمعی از اصحاب گفته اند
که در غیر مسجد مکه و مسجد مدینه و مسجد کوفه و مسجد بصره اعتکاف
نمیباشد و بعضی بجای مسجد بصره مسجد مدائن را گفته اند و خلاف در این
باب بسیار است و مسجد مدائن در این زمانها گویا معلوم نیست و مسجد
بصره در این اوقات در بیابان واقع است و اعتکاف در آن مشکل است و
گفته اند مراد از مسجد مکه و مدینه آن قدر زمین است که در زمان حضرت رسول
مسجد بوده نه انچه بعد الحاق کرده اند و ظاهر ادر هر مسجد جامعی اعتکاف
توان کرد و مراد از مسجد جامع مسجد بزرگ است در هر بلد که در ایام جمعه
کنند و مخصوص محله نباشد و از اکثر محلات شهر یا بجایی که اقامت جمعه
یا جماعت حاضر شوند که متعدد باشد مثل مسجد جامع عباسی و مسجد
جامع قدیم در اصفهان و سایر امثال مسجد امامزاده نوذر و مسجد عباس ابن
محل نامعلوم است و احوط آنست که اگر در مکه و مدینه و کوفه باشند
غیر مساجد مخصوصه واقع نشود و در بلاد دیگر احوط آنست که در مسجد
کبیر بلد که مشهور بجامع باشد یا او رده و اگر مسجد بزرگ شهر باشد احوط
است و غایت احتیاط آنست که قصد کند که اعتکاف میکنم در این مسجد

اگر مطلوب شارع باشد بعنوان اعتکاف مقرر فرمایها والا در مسجد عبادت
میکنم از برای رضای خدا یا قربة الی الله و شرط است در اعتکاف لبث
روزی یا بیشتر و مشهور آنست که دو شب میان داخل اند و بعضی گفته اند
شب اول نیز داخل است و احوط آنست که نزدیک بغروب شمس از معتکف
بیرون نیاید و شرط است در اعتکاف که در معتکف روزه باشد خواه روزه مستحبی خواه
واجب و در مستحبی باید برخصت کسانی باشد که رخصت ایشان در روز
مستحبی شرط است مانند شوهر نزد زن و مالک نسبت بعبد و احوط آنست که فرزند
بی رخصت پدر و مادر در اعتکاف نکند و مهمان بی رخصت مهمان
دار و برعکس واقع نشازند و نیت در اعتکاف شرط است و ظاهر آنست که
قربت کافی است و واجب است از مسجد بیرون نرود که در آن اعتکاف میکند
بیرون ضرورت مانند نماز جمعه اگر در غیر آن مسجد کسی اذان یا اقامه نماز
مؤمنی یا حاضر شدن بر جنازه مؤمنی یا عیادت مؤمنی یا برای حاجت
ضروری خود مانند پیک الحلاء رفتن و غسل جنابت اگر محتلم شده باشد
و در غسل جمعه سایر قول استحبابی آن و سایر اغسال مستحبه اگر در مسجد
نتواند کرد یا شکایی هست و مشهور آنست که نمیتوان کرد و همچنین جایز است
بیرون رفتن از برای تحصیل آب وضو و سایر ضروریات اگر کسی را نداشته
باشد که برای او تحصیل کند و همچنین جایز است بیرون رفتن از جمعه
گواهی دادن و گواه شدن اگر دیگری نباشد و توان در مسجد بجا آورد
و چون بدر رود بجایی ننشیند تا برگردد بمسجد و بهتر آنست که در نزدیکترین
راه برود و از راه های نزدیک تر بمطلب برود و به پیک الحلاء نزدیکتر
برود اگر ممکن باشد و توقف نکند بسیار زیاد از حد ضرورت و اگر واقع شازد و چون
وقت نماز شود در جایی دیگر غیر آن مسجد که محل اعتکاف اوست نکند
مگر در عکس معظم در جمعه جایز میتواند کرد و اگر وقت تنگ شود در جایی

دیگر میتواند کرد و اگر سهوا از مسجد بیرون رود اعتکاف باطل نمیشود مگر
انکه زمان بسیار بگذرد که او را معتکف نگویند و همچنین اگر جبرا او را
او را از مسجد بیرون برند و احوط آنست که جز و بدن را بیرون از مسجد بیرون نکند
و بعضی منع کرده اند از رفتن بام مسجد و ظاهر اگر داخل مسجد باشد قصور
ندارد و بدانکه حرام است بر معتکف جماع کردن با زنان در روز و شب همچنین
حرام است بوسیدن زن بشهوت و دست بردن مالیدن بشهوت و احوط اجتناب
است از هر دو اگرچه بشهوت نباشد و حرام است طلب منی کردن اگرچه بمقدمه
کوتاه باشد که از و منی آید بسبب آن و احوط آنست که بعبث دست نبرد که نمالد
و حرام است بوی خوش کردن و کل بوئیدن هر گل که باشد علی المشهور و به
جدال و نزاع باکسی نکند و احوط آنست که مباحثه علمی نیز نکند مکروه است
اظهار رحلی و خرید و فروش نکند مگر بقدر ضرورت خود و عیال خود
و احوط آنست که وکیلی از برای خود قرار دهد که اینها را بکند و احوط آنست
که مطلق معاملات خود را واقع نسازد حتی عقد و نکاح را و جمیع انها که در
اعتکاف حرام است و در روزها و شبها همه حرام است مگر خوردن و آشامیدن
که در شب جایز است نه در روز و هر چه روزه را باطل میکند اعتکاف را نیز باطل
میکند اگر در روز بفعل آورند و در شب لنطار میتوانند کرد و مفطرات غیر
جماع و استمناء واقع میتوانند ساخت و اول اجتناب است از غیر اکل و شرب و اگر
جماع کند اعتکاف او باطل میشود و کفاره میدهد اگر اعتکاف واجب باشد
و در روز اول و دوم اعتکاف سنت خلاف است و احوط کفاره است اگرچه
جماع در شب واقع شود و احوط آنست که هر چه روزه را باطل میکند اگر
انها را در روز واقع سازد کفاره بدهد احتیاطا و کفاره بنده آزاد کردن است
اگر تواند و الا دو ماه پی در پی روزه گرفتن و الا شصت مسکین را طعام دادن
و بعضی گفته اند مخیر است میان انها و اول احوط است تکبیر اطهر اگر جماع
در شب واقع شود یک کفاره میدهد و اگر در دو روز ماه رمضان واقع شود

دو کفاره میدهد یکی مرتبه و دیگری مخیر و بعضی گفته اند اگر در غیر ماه رمضان واقع شود دو کفاره میدهد و ان بی وجه است و بیع و شری و سایر محرمات غیر جماع سبب بطلان اعتکاف نمیشود و کفاره واجب نمیشود و در بطلان باستمنا و کفاره بسبب ان خلاف است و احوط تمام است و کفاره اگر در شب واقع شود و اگر در روز و واقع شود استمنا باطل میکند اعتکاف را البته و کفاره میدهد احتیاطا و احکام اعتکاف بسیار است و باید ضرور بود اگفتار کردیم خاتمه در بیان کفارات بدانکه کفاره بر دو نوع است اول کفارات احکام حج و عمره و انها را در رساله حج بیان کردیم دوم سایر کفارات است و انها بسیار است بعضی متفق علیه و بعضی مختلف فیه و بعضی واجب و بعضی مستحب و بعضی بترتیب و بعضی بتخییر و همه را تاکید بکفر بسبیل اجمال برای طالبان ادراک سعادت لدنی و محصلان نجات عقوبات اخروی بیان مینمایم اول کفاره افطار روز ماه مبارک رمضان است و ان واجب میشود بخوردن و اشامیدن چیزی که مفطر و مفساد باشد انفاقا و در غیر مفساد خلاف است و اشهر و اقوی وجوب است و جماع کردن در قبل زن انفاقا و در دبر زن علی الاقوی و بیانی در بر جنابت عمدا تا طلوع صبح علی الاقوی و بخوابیدن بر جنابت تا صبح بی تیمم غسل علی الاحوط و به خوابیدن بعد از بیدار شدن بگمان به اینکه تا صبح علی الاحوط و برسانیدن غبار غلیظ محلول بنا بر قول جمعی و طلب کردن و دست بازی کردن و نامحرم نظر کردن بزنی تا مبنی از روی بیاید علی الاحوط و بقی کردن بنا بر قول بعضی و بخفته کردن و شیاف عمل کردن بنا بر قول بعضی و بدروغ نسبت بر خدا و رسول و ائمه بنا بر قول بعضی و بسر در بردن عمدا در اب بنا بر قول بعضی هر گاه یکی از زنا مور را عمدا بکند و مسکله را نداند کفاره باید بدهد و بعضی اجمالا عاده بعضی احتیاطا و اگر از روی سهو باشد کفاره ندارد و اگر مسئله را نداند در کفاره خلاف است و احوط کفاره

و اگر افطار به حلال کرده باشد کفاره بکیند ه از اداکردن یا دوماه پیاپی روزه اگر قادر بر کفن باشد مسکین طعام داده شد و بعضی به ترتیب قایل شده اند یعنی اگر قادر بر کفن باشد مسکین طعام بدهد و قول اول اقوی و ثانی احوط است و اگر باشد شصت مسکین را طعام بدهد و قول اول اقوی و ثانی احوط است و اگر افطار بحرام کرده باشد مانند شراب و لحم خنزیر و مال مغصوب دانسته و از لواطه و بعضی از عملها قایل شده اند که هر یک کفاره بر او واجب میشود و بعضی مانند افطار بحلال میدانند و اول احوط است خاتمه هر گاه در قضای ماه رمضان بعد از زوال افطار بکند مشهور انست که کفاره واجب است و اشهر و اقوی انست که کفاره طعام دادن ده مسکین است و اگر عاجز شود سه روز روزه میگیرد و بعضی مجزمیان این دو میدانند و بعضی کفاره قسم و بعضی کفاره ظهار مانند لازم میدانند خاتمه کفاره ظهار است که کسی بازن خود بگوید انت علی کظهر امی یعنی تو بر من مانند پشت مادر منی یا خواهر یا سایر محارم علی الاشهر اگر این را بگوید در وقتی که زن حایض نباشد و در زمان طهر یا اوجماع نکرده باشد در حضور دو عادل بگوید پس اگر خواهد جماع کند باید کفاره بدهد و اگر بدون کفاره جماع کند دو کفاره بر او واجب میشود بنا بر مشهور و کفاره یک بنده ازاد کردن است و اگر عاجز شود دو ماه پیاپی روزه داشتن و با عجز شصت مسکین را اطعام کردن خاتمه ایلاء است یعنی قسم بخورد که زوجه دائمه خود را چهار ماه یا زیاده وطی نکند و زن او را بنزد حاکم شرع برد و حاکم حکم کند که او را طلاق بگوید یا وطی کند و اختیار وطی نماید باید کفاره بدهد و کفاره اش کفاره قسم است که بعد از ان مذکور میشود انشاء الله تعالی خاتمه کفاره مخالفت قسم است یعنی که قسم خورد

باسماء مقدسه خدا بر کردن فعلی که ترکش در جان نداشته باشد یا نکردن فعلی
که ضدش در جان نداشته باشد و مخالفتان قسم نماید و کفاره آش یک بنده آزاد
کند یا ده مسکین را جامه بپوشاند یا ده مسکین را اطعام کند و اگر از همه سه
عاجز شود سه روز پیاپی روزه بگیرد ششم کفاره مخالفت نذر است یا نکردن
ضد امر براکر راجح باشد یا ترک امر براکر مرجوح باشد و مخالفت نماید و کفاره
بعضی گفته اند مانند کفاره قسم است و بعضی گفته اند مانند کفاره ماه
رمضان است یک بنده آزاد کردن یا دو ماه روزه کرفتن یا شصت مسکین را طعام
دادن و بعضی گفته اند که اگر نذر در تعلق بروزه نداشته باشد کفاره اش کفاره
قسم است و این قول خالی از قوتی نیست و احوط کفاره ماه رمضان است مطلقا
هفتم کفاره عهد است که با خدا عهد کرده باشد که امر راجحی یا غیر امر مرجوحی یا ده
بعمل آورد یا ترک کند امر غیر راجحی یا امر مرجوحی را و مخالفتان عهد نماید و در کفاره
آش مانند کفاره نذر خلاف است و احوط آنست که در نذر مذکور شد هشتم
قسم خوردن بعنوان بیزاری از خدا و رسول و آئمه است و در حرام بودن چنین
قسمی خلاف نیست ولیکن در وجوب کفاره به چنین قسمی با کردن خلاف است
بعضی گفته اند که کفاره اش کفاره ظهار است اول بنده آزاد کردن و با عجز از ان
دو ماه روزه داشتن و با عجز از ان شصت مسکین اطعام کردن و اگر عاجز شود
ده مسکین را اطعام یا کسوه دهد و اگر عاجز شود سه روز متوالی روزه بدارد
و بعضی گفته اند کفاره اش کفاره نذر است و این با بویه کفته است که سه
روزه بدارد و ده مسکین را اطعام بدهد و بعضی گفته اند کفاره کرده است
در هیچ یک از اخبار صحیحه وارد شده است که صفا ربحجرت ما الحسن

عسکری نوشت که مردی سوکند یاد کرده به بیزاری از خدا و رسول و مخالفت
کرد تو به و کفاره او چیست حضرت فرمود که ده مسکین را طعام میدهد که
هر مسکینی را یکمد و طلب امرزش میکند از خدا و بعضی خلاف کرده اند که این
کفاره برای اصل سوکند خوردنست نه برای مخالفت سوکند کردن و نا بکار چیزی
سوکند یاد نکند و اگر نا بکار کند تحنث سوکند عمل بقول او نکند اگرچه ظاهر اینست
که عمل بروایت مجزیست نهم بعضی از علما قایل شده اند که زنی که در مصیبتی و
سر خود را ببرد کفاره افطار ماه رمضان میدهد به ترتیب بر قول بعضی و بچنین
بر قول بعضی و بعضی گفته اند که کناه دارد و کفاره ندارد و در روایتی وارد شده
است و کفاره افطار ماه رمضان لازم است و احوط عمل بروایت است و بعضی
تراشیدن موی الحانی کرده اند به بریدن در وجوب کفاره دهم هر کاه زنی در
مصیبتی موی خود را بکند یا رو بخود را به خراشد یا مردی جامه خود را در مرک
فرزند خود یا زوجه خود چاک کند کفاره قسم لازم میشود تا بر قول بعضی در
روایتی بر این مضمون وارد شده است و احوط آنست هر چند وجوب ثابت
یازدهم مردی که زن یا منعمه یا کنیز خود را در ایام حیض جماع کند در قبل بعضی
کفاره واجب دانسته اند و بعضی نیست و مشهور میان علما آنست که اکر در ایام
حیض باشد یک اشرفی بصدقه میکند و در وسط حیض نیم اشرفی و اکر در پاک
اشرفی و احوط عدم ترک کفاره است دوازدهم کسی که بخواب رود و نماز نکرده
باشد تا نصف شب نکذرد بعضی گفته اند واجبست او روزه بدارد و
اشهر استحبابی است و بعضی عامد و ناسی را ملحق کرده اند و مشهور آنست
در بر نقدیر وجوب اکر روزه ندارد کناه کرده است و کفاره ندارد و بعضی کفته

ندانسته اند کفاره ماه رمضان و این قول ضعیف است و احوط آنست که بعد
روز قضا بگیرد مسئله کفاره قتل است عمدا که ندانسته کسی را بکشد یا کاری
کند که غالبا کشنده باشد نسبت بکسی واقع سازد و او کشته شود کوشش
کشتن نداشته باشد کفاره اش آنست که یک بنده آزاد کند و دو ماه متوالی
روزه بدارد و شصت مسکین را طعام بدهد مسئله کفاره قتل آنست که
کسی را بنا دانی بکشد بانکه قصد قتل نداشته باشد و کاری کند که
غالبا کشنده نباشد و او کشته شود مانند انکه طفلی را برای ادب
بزند و او بمیرد یا بترسی لسوئی اهوئی بیندازد و بشخصی بخورد و کشته شود
یا در راه بکسی بخورد و او بیفتد و بمیرد و اگر مباشر قتل نباشد و کاری بکند
که از سبب قتل شود مثل انکه چاهی در راهی بکند و کسی در آن چاه بیفتد و
بمیرد یا سنگی بر سر راهی بگذارد و باعث قتل کسی شود مشهور آنست که کفاره
لازم میشود هر چند وجوب لازم شود و کفاره بنده آزاد کردنست و بعد
از عاجز شدن از آن دو ماه متوالی روزه داشتن و بعد از عجز از آن شصت
مسکین طعام دادن مسئله اگر کسی زنی را در عده بدیگری تزویج کند میتواند
از آن زن مفارقت کند و بقول بعضی پنج صاع از بدهد و اگر زن دیگر را عقد
کند نیز این کفاره بدهد با پنج درهم تصدق کند مسئله کسی که مملوک خود را
بزیاده از حد شرعی بزند بعضی از علما گفته اند موافق بعضی از روایات کفر
واجب است کفران مملوک را بکفاره ان عمل آزاد میکند و این احوط است و اگر
او را بکشد بعد کفاره جمع میدهد و اگر به خطا بکشد کفاره قتل خطا بدهد
و واجب است کفر بقیمت آن غلام را تصدق کند بنا بر مشهور مسئله کسی که زنده

ماه رمضان را افطار کند بسبب بیماری اگر تا ماه رمضان دیگر بیمار باشد
اشهر و اقوی آنست که قضا ساقط میشود و برای هر روز یکمد طعام میدهد علی الخلاف و بعضی گفته اند قضا میکند و این جنید رحمه
الله گفته است احتیاط ظاهر دور نمیکند و اگر در ما بین دو رمضان از آن بر
طرف شود و قادر بر روزه باشد و بدون عذر تاخیر کند تا انکه ماه رمضان
دیگر بیاید اشهر و اقوی آنست که بعد از ماه رمضان هم قضا میکند و هم برای
هر روز یکمد طعام دو مد میدهد و بعضی کفاره را واجب دانسته اند و بعضی
گفته اند که کفاره در صورتی است که عزم بر قضا نداشته باشد اگر عزم بر قضا
باشد و بعد از تنگ شدن وقت بیماری یا عذر دیگر عارض شود قضا باید
کرد و کفاره نیست و قول اول قوی تر است مسئله نوادر کفارات آنست از حضرت
صادق منقولست که کفاره عمل سلطان قضای حوائج مومنان است و کفاره
غیبت آنست که برای ان شخص که او را غیبت کرده استغفار کند و کفاره
مجلس آنست که چون از مجلس برخیزد بگوید سبحان ربک رب العزة عما یصفون
وسلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین و کفاره خنده آنست که بگوید
اللهم لا تمقتنی یعنی برو رد کار امرا دشمن مدار و بر من غضب مکن و در
معتبر از حضرت امیر المومنین منقولست که هر که بدیگری بگوید لا آبالک
و لا ام لک یعنی نزاید ترا مادر و میبایا ید چیزی تصدق کند و کسی که بگوید
بحق پدرم یا بجان پدرم کفاره اش آنست که بگوید لا الله الا الله و خلاف است
در این نوع از قسم مثل بجان خود یا بجان تو یا بحق پدرم بعضی حرام دانسته اند
و اشهر کراهت است و احوط ترک است اما احکام کفارات مذکوره پس در

فصل بیان میشود اوّل هرگاه بنده باید ازاد کرد در کفاره قتل میباید
ان بنده مؤمن باشد و در بافی کفارات خلاف است و احوط رعایت تمام
و در کفاره قتل احوط انست که بالغ باشد و در غیر ان مرد و زن و بالغ و
نابالغ مجزی است و باید که ان بنده کور و صاحب خوره و زمین گیر نباشد
و مولی جراحتی باو نرسانیده باشد که موجب عتق او باشد و بعضی گفته اند
که باید خصی و لال و کر نباشد و کر و ولد الزنا نباشد و مشهور اجزا است
و احوط ترک است و غلام که بحیله را مشهور انست که ازاد میتوان کرد تا علم
بمرگش بهم نرسد و بعضی گفته اند که خبری ازو برسد و بعضی شرط کرده اند
که ظن حیات او باشد دوّم در کفاره مرتبه تا از بنده ازاد کردن عاجز نشود
بروزه منتقل نمیشود و هرگاه روزه دو ماه باشد باید متوالی بگیرد و نتواند
بیکماه و یکروز که منفصل بگیرد بعمل می اید یا بمعنی که اگر بعد ازان بدون
عذری افطار کند نباید از سر بگیرد و وایا تفریق جایز است بی عذری اجزا
اوّل اظهر است و ثانی احوط است و اگر پیش از یکماه و یکروز بی عذر افطار
کند از سر میگیرد و اگر بعد ذری باشد مانند حیض و نفاس و بیهوشی و
دیوانگی و بیماری و سفر ضروری بعد از زوال عذر بنا میکذارد و تمام
میکند و همچنین اگر مجبور باشد افطار در روز بنا بر اقوی کفاره دو ماه متوالی
باشد اگر کفاره دهنده بنده باشد بیکماه پی در پی روزه بگیرد علی
الاقوی سیّم هرجا که اطعام لازم شود مشهور انست که هریک انقدر طعام
به خورانند که سیر شود و بهتر انست که نان خورشی باو ضم کند مانند خرما
یا کوشت یا سرکه و بعضی گفته اند میباید چاشت و شام هر دو بهم میکنند

بخورانند که سیر شود و احوط انست اگرچه اظهر انست که بیک وقت اکتفا
توان کرد و اگر خواهد طعام را بمسکین میتواند داد و در مقدار ان خلاف
است بعضی بمد گفته اند و بعضی دو مد و احوط دو مد است و بهتر انست
که بان نانخورشی نیز بدهد چنانچه بعضی واجب دانسته اند و در طعام
دادن کوچک و بزرگ تفاوت نمیکند و احوط انست که حصه طفل را بولی
شرعی ایشان بدهد و اگر طعام خورانند ظاهر اصغیر و کبیر با هم ضم توانند
کرد و اگر دو طفل را بجای یکمرد حساب کنند احوط است و در یک کفاره دو صاع
را به یک مسکین نمیتوان داد مکر انکه مستحق تا فت نشود و احوط انست که نانکر
باشد بغیر امؤمن بکسی ندهد و بر یتیمان بسیار پرستیان بدهد که مسکین
بر او صادق باشد و مد چهار رطل صاع است و صاع یکمن تبریز چهار رده مثقال
و بعضی بنا بر مشهور و چون در احادیث اختلافی هست در تحدید صاع و مد
احوط انست که بجای دو مد یم من شاید هد چهارم در جائی که کشوه یا بد در زمان
پیراهن و مقنعه با هم مجزی است و در مرد بعضی بیک جامه مانند پیراهن اکتفا
کرده اند و بعضی دو جامه لازم میدانند و بهتر انست که پیراهن و قبا
بدهند یا قبا و بالاپوش و بهتر انست که نو باشد و جامه طفل را بهتر انست
که برخصت اولی بر او که پوشانند پنجم هرگاه از عتق و قبه عاجز شود و شروع
کند در روزه و بعد از ان قادر شود بر بنده ازاد کردن روزه او را مجزی است
و بهتر انست که ترک کند روزه را و بنده را ازاد کند خصوصا هرگاه کمتر
از یکماه و یک روز روزه داشته و جمعی از اصحاب قایل شده اند که هرگاه بر کسی
دو ماه متوالی روزه واجب شود و عاجز باشد از کفارات ان و همچنین روز روزه

بدآرد
واکر نتواند بزیارت
هر روز مدتی
از طعام نمیدهد
واکر نتواند استغفار
میکند واشهر واقوی
انست که از هر کفاره کفاره
شود استغفار بدل او میشود
مکر کفاره ظهار که بعضی کفاره
ندهد وطی نزاوحلال نمیشود هر
چند عاجز باشد واکر بعد از عجز و
استغفار بر کفاره قدرت بهم رسانا خواهد
انست که باز کفاره را بعمل بیاورد وچون اکثر
مردم جاهلند بکفارات واحکام الهی واز اشتباه
لازم میشود دانند
دانند ومشغول الکد
بحق الهی میمانند قدری از احکام
الهی را در این رساله ایراد نمودم ملتمس
از برادران ایمانی انست که هر کاه از این رساله منتفع کردد در حال حیات یا بعد از وفات
این شکسته را بدعای رحمت ومغفرت یاد کنند والحمد لله اولا واخرا والصلوة

علی
محمد وعترته
الطیبین الطاهرین
وسلم تسلیما کتبه
تراب اقدام المومنین وانا
المفتقر الجانی

۶۷۶
۲۸۸